

پایبند

بِقَدْرِ اللَّهِ  
عَدُوٌّ كَثِيرٌ

# مختب صحیفہ طہاریہ

مجموعہ مسمیٰ از نازش دعا و زیارت الہی کہ از نامیہ تصدیر تمام زمان غیبی است حق فریب  
صالح شد و یا بار باره حق حضرت نقل شد و است

با ترجمہ مدعا صا

# منتخب صحيفه مهديه

تأليف:

سيد مرتضى مجتهدى سيستانى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه: مجتهدی، مرتضی، ۱۳۳۳  
عنوان قرار دادی: صحیفه المهدی، فارسی - عربی، برگزیده  
عنوان و نام پدیدآور: منتخب صحیفه مهدیه، مجموعه دعاها و زیارت‌هایی که از... تألیف  
مرتضی مجتهدی؛ مترجم: موسسه اسلامی ترجمه  
مشخصات نشر: قم: الماس، ۱۴۰۰  
مشخصات ظاهری: ۵۵۲ ص: ۱۲×۱۶ س م.  
شابک: ۳-۰۴-۷۷۵۳-۹۶۴-۹۷۸ (چاپ بیستم)  
یادداشت: فارسی - عربی  
یادداشت: چاپ بیستم ۱۴۰۰  
عنوان روی جلد: منتخب صحیفه مهدیه، مجموعه ارزنده‌ای از نمازها، یا ترجمه دعاها..  
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق  
موضوع: دعاها، زیارتنامه‌ها  
رده بندی کنگره: ۳۰۱۷ ۱۳۸۱ ۳/۳ BP۲۶۷۳  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۸۱.۴۱۲۰۳ م



انتشارات الماس

## منتخب صحیفه مهدیه

مؤلف: سید مرتضی مجتهدی سیستانی

مترجم: مؤسسه اسلامی ترجمه

مصحح ترجمه: محمد ظریف، محمدحسین رحیمیان

ناشر: نشر الماس

چاپ: اصیل

نوبت چاپ: بیستم

تاریخ انتشار: زمستان ۱۴۰۰

قطع و صفحه: جیبی / ۵۵۲

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

شابک: ۳-۰۴-۷۷۵۳-۹۶۴-۹۷۸ ISBN

مرکز پخش:

(۰۲۵۳۲۶۱۳۸۲۳) (۰۹۳۸۶۵۴۲۴۵۹)

سایت مؤلف: پایگاه علمی المنجی [www.almonji.com](http://www.almonji.com)

قسمتی از زیارت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه:

يا أنوار الله في أرضه التي لا تطفى  
يا عيون الله في خلقه  
أنا منتظر لأمركم مترقب لدولتكم  
معكم لا مع غيركم إليكم لا إلى عدوكم  
آمنت بكم وبما أنزل إليكم وأبرء إلى الله من عدوكم .

ای نورهای جاویدان الهی  
ای دیدگان خداوند در میان آفریدگان  
من در انتظار امر شما و فرا رسیدن حکومت شما هستم  
من با شما هستم نه با غیر شما  
من به شما ایمان دارم و از دشمنانتان بیزارم

بحار الأنوار: ۱۰۰/۳۴۵، الصحيفة المباركة المهدية: ۵۸۴

## فهرست مطالب

### مقدمه

- ۱۱ ..... امامان معصوم عليهم السلام و بیان اسرار الهی
- ۱۴ ..... اهمیت مداومت بر دعا
- ۱۶ ..... دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداء لازم و ضروری است
- ۲۰ ..... مظلوم‌ترین فرد عالم
- ۲۲ ..... نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خنیاط
- ۲۵ ..... تجربه مهم مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی
- ۲۷ ..... تشکیل مجالس دعا برای تعجیل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه
- ۲۸ ..... توجه به وظایف دوران غیبت
- ۳۱ ..... اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداء!
- ۳۴ ..... روش فکری خود را تغییر دهید!
- ۳۶ ..... به سوی امیر عالم هستی
- ۴۱ ..... توجه به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء لازم است
- ۵۰ ..... انتظار ظهور یا اعتقاد به ظهور؟!
- ۵۲ ..... عظمت امام عصر ارواحنا فداء در کلمات اهل بیت عليهم السلام

### بخش اول

#### نمازها

- ۷۱ ..... نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه
- ۷۳ ..... نماز مسجد مقدس جمکران
- ۷۴ ..... نماز توجه به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه
- ۷۶ ..... نماز و دعای فرج برای رفع مشکلات مهم

نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۸۲  
 اهداء نماز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز پنجشنبه ..... ۸۶  
 نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه در شب جمعه ..... ۸۷

### بخش دوم دعاهای قنوت

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در قنوت هر نماز ..... ۹۳  
 دعای قنوت حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه ..... ۹۴  
 دعای دوم حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در قنوت ..... ۹۷  
 دعای سوم آن حضرت در قنوت ..... ۱۰۳  
 دعا در قنوت نماز جمعه برای ظهور آن بزرگوار عجل الله تعالی فرجه ..... ۱۰۴

### بخش سوم ادعیه بعد از نمازها

دعا برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء بعد از هر نماز واجب ..... ۱۰۷  
 دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء پس از نمازهای واجب ..... ۱۰۸  
 دعا برای تشرّف خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ..... ۱۱۰  
 دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداء ..... ۱۱۱  
 دعای بعد از نماز صبح ..... ۱۱۵  
 دعا برای حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه بعد از نماز صبح ..... ۱۱۷  
 دعاهایی که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء برای برطرف شدن مشکلات شدید ..... ۱۱۸  
 دعا برای ظهور آن حضرت پس از نماز صبح و ظهر در هر روز ..... ۱۲۳  
 دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداء پس از نماز ظهر در هر روز ..... ۱۲۴  
 دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه پس از نماز عصر ..... ۱۲۸  
 دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء بعد از دو رکعت اول نماز شب ..... ۱۳۱

### بخش چهارم دعاهای ایام هفته

دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روزهای پنجشنبه ..... ۱۳۵  
 صلوات برای ظهور آن حضرت از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه ..... ۱۳۶  
 دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در شب جمعه ..... ۱۳۷  
 دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداء که در گرفتاریهای شدید خوانده می شود ..... ۱۳۸  
 فضیلت دعای ندبه ..... ۱۸۶  
 دعای ندبه ..... ۱۸۷  
 دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز جمعه ..... ۲۱۱  
 صلوات ضراب اصفهانی ..... ۲۱۲  
 فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل در هر شب جمعه ..... ۲۲۲

### بخش پنجم دعاهای هر ماه

دعای ایام ماه رجب که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداء صادر شده است ..... ۲۲۳  
 دعای دیگر در ایام ماه رجب که از ناحیه مقدسه رسیده است ..... ۲۲۸  
 دعای سوم در ایام ماه رجب ..... ۲۳۰  
 دعای روز سوم ماه شعبان ..... ۲۳۵  
 فضیلت شب نیمه شعبان ..... ۲۳۹  
 دعای شب نیمه شعبان ..... ۲۴۱  
 دعای افتتاح ..... ۲۴۴  
 دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان ..... ۲۵۸  
 دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ..... ۲۶۱  
 دعای دیگر برای ظهور آن حضرت در شب بیست و سوم ماه رمضان ..... ۲۶۳  
 دعای سوم برای ظهور آن حضرت در شب بیست و سوم ماه رمضان ..... ۲۶۶

دعای روز عید غدیر، کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر

پرچم حضرت قائم صلوات الله علیه و در خیمه آن حضرت باشد ..... ۲۶۷

تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداه از روز هیجدهم تا آخر هرماه ..... ۲۷۵

### بخش ششم

دعاهایی که مخصوص روز معینی از ایام هفته نیست

دعای عهد ..... ۲۷۷

دعای عهد دیگر ..... ۲۸۳

دعای زمان غیبت ..... ۲۸۸

دعای معرفت در زمان غیبت ..... ۲۹۷

دعای دیگر در زمان غیبت ..... ۳۱۱

دعای دیگری نیز در زمان غیبت ..... ۳۱۲

دعای غریق در زمان غیبت ..... ۳۱۴

دعای نجات از فتنه‌های آخرالزمان ..... ۳۱۵

دعای فرج (إلهی عظم البلاء) ..... ۳۱۸

دعا در ساعت مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه ..... ۳۲۰

دعای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه ..... ۳۲۳

دعای سهم اللیل از امام زمان ارواحنا فداه ..... ۳۲۴

دعای دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۳۲۸

دعای «یا نور النور» از امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۳۳۰

دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رفع مشکلات ..... ۳۳۱

دعای مهم دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای برآورده شدن حاجت‌ها ..... ۳۳۳

دعای امام عصر عجل الله تعالی فرجه برای شفاء از بیماری‌ها ..... ۳۳۶

دعای دیگری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای رهایی از سختیها و مشکلات ..... ۳۳۷

حرز امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۳۴۰

دعای شیعه در هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداه ..... ۳۴۱

صلوات بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام (اللهم صل على فاطمة وأبيها...) ..... ۳۴۳

فضیلت سوره‌های «مسیحات» ..... ۳۴۴

### بخش هفتم

توسل به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

دعای توسل معروف به دعای توسل خواجه نصیر رحمته الله ..... ۳۴۵

دعای توسل به حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه ..... ۳۶۹

توسل به حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه در مشکلات (یا فارس الحجاز) ..... ۳۷۱

توسل دیگر به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه (یا صاحب الزمان) ..... ۳۷۲

توسل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه ..... ۳۷۲

### بخش هشتم

عریضه و نوشتن نامه به امام عصر ارواحنا فداه

کیفیت نوشتن نامه به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه ..... ۳۷۵

### بخش نهم

استخاره

استخاره اول ..... ۳۸۳

استخاره دوم ..... ۳۸۴

### بخش دهم

درباره حرز یمانی و جریان آن

جریان حرز یمانی ..... ۳۸۷

حرز یمانی ..... ۳۸۸

### بخش یازدهم

زیارت‌ها

استحباب زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در هر زمان و مکان ..... ۴۰۷

زیارت حضرات معصومین علیهم السلام و هدیه ثواب آن به

پیشگاه حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ..... ۴۰۸

زیارت آل یس ..... ۴۰۹

زیارت ندبه ..... ۴۱۹

زیارت امام زمان ارواحنا فداء در روز جمعه ..... ۴۳۴

زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء که در مشکلات و سختی ها خوانده می شود. ۴۳۷

زیارت ناحیه مقدسه ..... ۴۴۰

زیارت رجبیه که در حرم های مطهر اهل بیت علیهم السلام در ماه رجب خوانده می شود. ۴۸۰

زیارت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء در سرداب مقدس ..... ۴۸۴

زیارت دوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء ..... ۴۸۴

زیارت سوّم حضرت بقیة الله عجل الله فرجه ..... ۴۸۵

ذکر صلوات بر امام زمان ارواحنا فداء ..... ۴۹۰

**بخش دوازدهم**

زیاراتِ نَوَابِ امام عصر ارواحنا فداء

و بعضی از دعاهایی که اصحاب آن حضرت نقل نموده اند

زیارت نَوَابِ امام زمان ارواحنا فداء ..... ۴۹۳

دعای سمات به نقل از نایب دوّم جناب محمّد بن عثمان رضی الله عنه ..... ۴۹۶

دعای حضرت خضر علیه السلام معروف به دعای کمیل ..... ۵۱۱

**خاتمه کتاب یا ملحقات**

بعضی از عباداتی که مورد توجّه

حضرت بقیة الله ارواحنا فداء می باشند

زیارت عاشورا ..... ۵۳۱

دعای بعد از زیارت عاشورا (دعای علقمه) ..... ۵۴۱

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

**مقدمه**

**امامان معصوم علیهم السلام و بیان اسرار الهی**

امامان ما علیهم الصلاة والسلام در فضای سیاسی خاصّی قرار داشتند که حکومت ملعون و غاصب «حبتری»<sup>۱</sup> آن را تأسیس کرده بود تا حکومت عدل علوی، پا نگیرد.

لذا به دلیل وجود طاغوت های اموی و عباسی، فرصتی برای بیان اسرار الهی توسط امامان علیهم السلام نبود. از این رو حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام - اولین شخصی که حقّش غصب شد، فرمان روای فرمان روایان راستین - فرمودند:

كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِرٌّ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا قَلِيلٌ ... وَلَوْ لَا طُعَاةٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ لَكَيْتُ هَذَا السِّرَّ.<sup>۲</sup>

برای پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سرّی بود که جز اندکی، آن را

۱. حبتّر، کنایه از اسم اولین غاصب حقّ خلفای الهی است؛ رجوع کنید به «بحار الأنوار:

۲. بحار الأنوار: ۳۰۶/۹۵.

۳۳۶/۳۵».

نمی‌دانستند ... و اگر طاغوت‌های این امت نبودند این سر را فاش و منتشر می‌کردم.

بدین ترتیب درمی‌یابیم که این اسرار را برای مردم بیان نکردند و جز برای تعداد کمی از بزرگان و برترین اولیائشان فاش نساختند، و از آنجایی که مردم توان پذیرش و نگه‌داری اسرار و حقایق معنوی را نداشتند، برای ایشان فاش کردن اسرار و حقایق ممکن نبود؛ زیرا مردم در دولت حبتی قرار داشتند که آن هم تا ظهور حکومت الهی حضرت قائم ارواحنا فداه ادامه می‌یابد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه **«وَاللَّيْلِ إِذَا يَأْسُرُ»**<sup>۱</sup> می‌فرماید:

**هي دولة حبت، فهي تسري إلى قيام القائم علیه السلام.**<sup>۲</sup>

مراد از «شب»، دولت حبت است که تا قیام قائم (صلوات الله علیه) ادامه می‌یابد.

به این جهت، امامان علیهم السلام بسیاری از آن حقایق را تحت عنوان دعا و مناجات بیان فرموده‌اند که باید آن حقایق معنوی را در میان دعاها جستجو کنید. البته اهل بیت علیهم السلام که اسرار و حقایق را در دعاها و زیارت‌ها به دلیل جو سیاسی در آن عصر گنجانده‌اند، منحصر به بیان آن‌ها نکردند؛ بلکه مسایل مهم اعتقادی و معارف عالی‌ای را در دعاها و مناجات‌ها و زیارت‌ها بیان نموده‌اند و این

۱. سوره فجر، آیه ۴.

۲. بحار الأنوار: ۷۸/۲۴.

حقیقت با مراجعه به آن‌ها، آشکار می‌گردد. اهل بیت علیهم السلام به بیان بسیاری از مسایلی که تأثیر اساسی در حیات بشر دارد نیز پرداخته‌اند و به جامعه بشری بهترین درس‌های زندگی را داده‌اند. در «صحیفه کامله سجّاده» که امام عصر ارواحنا فداه درستی آن را تأیید کرده‌اند، دقت کنید تا مشاهده نمایید که امام زین العابدین علیه السلام چه حقایق بزرگی را در الفاظ کوتاه به عنوان دعا و مناجات، بیان فرموده است. همچنین در دعا‌های دیگر از آن حضرت و امامان دیگر علیهم السلام این حقیقت، ظاهر و آشکار است.

اکنون به یک درس از درسهای زندگی که در ادعیه به ما آموخته‌اند، اشاره می‌کنیم:

در مناجات انجیلیّه امام سجّاد علیه السلام از خداوند می‌خواهیم:

**أَسْأَلُكَ مِنَ الْهَمِّ أَعْلَاهَا.**<sup>۱</sup>

پروردگارا؛ از همت‌ها، برترین آن را از تو درخواست می‌کنم.

این سخن، هشدار از امام سجّاد علیه السلام است برای هر کسی که دعا می‌کند و خدا را می‌خواند.

یعنی دعاکننده، هر کس که می‌خواهد باشد - گرچه خود را جدّاً حقیر و پست می‌شمارد - بایستی از خداوند بخواهد که به او برترین همت‌ها را عنایت کند تا در سایه آن، تحوّل در زندگی خود، ایجاد

۱. بحار الأنوار: ۱۵۵/۹۴.



نماید تا وجود او در جامعه، دارای تأثیر اساسی و مهمی باشد و این حقیقتی است که با تابش نور امام علیه السلام در قلب انسان تحقق پیدا می‌کند. آنچه از اهل بیت علیهم السلام از دعاها به ما رسیده است طور سینای ولایت هستند. هر کس می‌خواهد به وادی ایمن برود، و بر فراز طور سینای هدایت بالا رود، باید کفش هایش را بیرون آورده، لباس هایش را پاک نماید و آداب دعا و مناجات را بیاموزد تا آثار عنایت و اجابت را مشاهده نماید.

آنچه بیان شد، از قرآن و روایات به دست ما رسیده است. آن‌ها را بپذیرید و فرصت را غنیمت دانسته و از رحمت الهی ناامید نباشید، که ﴿ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ۱ ﴾؛ «همانا جز قوم کافر از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».

و بر این امر یقین داشته باشید تا آن نور را ببینید و آن سر را بشناسید؛ چرا که ائمه طاهرین علیهم السلام مردم را با دعاها و مناجات خود، به آن اسرار و حقایق هدایت و راهنمایی می‌کنند.

### اهمیت مداومت بر دعا

مداومت بر دعا و اصرار ورزیدن در ادامه آن دارای نقش بسیار مهمی در رسیدن به مقصود و بدست آوردن حاجت می‌باشد. و این نکته بسیار مهمی است که همه کسانی که با دعا سر

۱. سوره یوسف، آیه ۸۷.

و کار دارند، باید به آن توجه داشته باشند؛ زیرا بیشتر افراد قدرت و توانائی آن را ندارند که با خواندن یک دعا و یا یک زیارت، و یا گفتن یک ذکر، حاجت خود را بگیرند و به مقصودشان نایل شوند. به عنوان مثال: در بسیاری از امراض جسمانی اگر مرض سطحی باشد، یا تازه شروع شده و کهنه و مزمن نشده باشد می‌توان آن را با یک نسخه مداوا و معالجه نمود؛ ولی اگر مدّت بیماری طولانی و مرض کهنه گردیده باشد، بدیهی است که محتاج به تکرار معالجه و ادامه مصرف دارو است.

در امراض روحی نیز جریان از همین قرار است، اگر شخصی گرفتاری روحی شدیدی داشته باشد و یا در اصل شدید نبوده، ولی بر اثر گذشت زمان و طولانی شدن آن، در روح جایگزین و به آن معتاد شده، در این صورت بدیهی است که مشکل این گونه گرفتاری‌ها را با خواندن یک بار دعا نمی‌توان برطرف نمود، بلکه نیاز به تکرار دعا دارد؛ همان گونه که در بسیاری از امراض جسمانی انسان محتاج تکرار و تداوم استفاده از دارو است.

بنابراین، همان گونه که در امراض جسمی مداوا را ادامه می‌دهیم تا دارو کاملاً اثر خود را ببخشد، در مواردی که نیاز به دعا می‌باشد نیز باید خواندن دعا را همچنان ادامه دهیم تا اثر آن ظاهر شود.

البته ممکن است افرادی با خواندن یک دعا، یا ذکر یک اسم از اسماء الله، به نتیجه برسند ولی این گونه افراد در مجتمع بشری

نادر الوجود و کمیاب‌اند و عموم افراد نباید توقع داشته باشند که مانند آنان با خواندن یک بار دعا، نتیجه‌ای که آن‌ها می‌گیرند، بگیرند. این یکی از جهاتی است که در روایات درباره‌ی الحاح و اصرار در دعا تأکید شده است.

### دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه لازم و ضروری است

لازم‌ترین دعا در زمان غیبت، دعا برای ظهور مولایمان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است؛ زیرا او صاحب ما، و صاحب عصر و زمان بلکه صاحب امر و سرپرست تمام جهان‌ها است. آخر چگونه نسبت به آن حضرت - که پیشوا و امام ماست - غفلت و بی‌توجهی کنیم؟! در حالی که این غفلت، در حقیقت بی‌توجهی به یکی از اصول و پایه‌های دین است. بدین سان، دعا برای آن حضرت باید پیش از دعا برای خویشتن، خانواده و برادران صورت گیرد.

جناب سیّد بن طاووس رحمته الله علیه در «جمال الأسبوع» می‌فرمایند: پیش‌تر بیان شد که بزرگان و رهبران دینی ما، توجه و اهمّیت خاصی نسبت به دعا برای حضرت مهدی ارواحنا فداه در هر شب و روز داشته‌اند و این در زمان‌های گذشته مرسوم بوده است. از این مطلب برمی‌آید که دعا برای آن بزرگوار، از مسائل و

شیوه‌های مورد اهتمام مسلمانان و مؤمنان بوده است، چنان که در تعقیب نماز ظهر روایت کردیم که امام صادق علیه السلام، بیشتر و بهتر از آنچه در مورد خویش دعا کنند، در مورد حضرت مهدی ارواحنا فداه دعا نموده‌اند.

و نیز، در بخش اعمال شب و روز در تعقیباتی که برای نماز عصر بیان کردیم، بخش زیبایی را آوردیم که امام کاظم علیه السلام برای حضرت مهدی صلوات الله علیه به گونه‌ای شیوا و بهتر از دعا برای خویش، دعا فرموده‌اند.

اگر کسی بخواهد دلیلی برای این کار بیاورد در صورتی که جایگاه امام صادق و امام کاظم علیه السلام را در اسلام و مسلمین بداند؛ همین کار آن دو بزرگوار، دلیلی بسیار خوب برایش خواهد بود.<sup>۱</sup> نیز سیّد بن طاووس رحمته الله علیه پس از بیان ثواب دعا کردن برای برادران دینی، می‌گوید: در جایی که دعا کردن برای برادران دینی این قدر ارزش و ثواب داشته باشد؛ پس دعا کردن برای سلطانی که سبب خلقت تو است، و اعتقاد داری که اگر او نبود خداوند نیز تو را نمی‌آفرید؛ بسیار بالاتر و به مراتب باارزش‌تر است.

بدین سان، رحمت و بزرگواری و توجه خداوند نیز به تو تعلق می‌گیرد، به این جهت که در دعا، به ریسمان و دستاویز خداوند، آویخته و دعا کرده‌ای.

۱. جمال الأسبوع: ۳۰۷.

ممکن است بگویید: فلان شخص و فلان شخصی را می‌شناسم که جزو اساتید دینی تو هستند و این کار را نیز انجام نمی‌دهند، ولی من به خوبی آگاهم که این افراد در بی‌توجهی و غفلت نسبت به مولای ما ارواحنا فداه به سر می‌برند! و نسبت به او کوتاهی نموده‌اند.

در پاسخ این اشکال به شما عرض می‌کنم: کاری را که گفتم شما انجام بده؛ زیرا، این حقیقتی آشکار و روشن است، هرکسی مولای ما را واگذارد و به او بی‌توجهی روا دارد به خدا سوگند در اشتباهی رسواگر به سر می‌برد!

سید بن طاووس رحمته الله علیه در ادامه می‌گوید: فکر می‌کنی نظر امامان علیهم السلام در این مورد چیست؟ آیا ایشان همانند تو نسبت به اهمیت دعا برای آن حضرت، بی‌توجهی نموده و آن را سبک می‌شمارند؟! بنابراین از زیاد دعانمودن در نمازهای واجب برای آن حضرت صلوات الله علیه و برای کسی که دعا برای او جایز است، خودداری نکن.

(سید رحمته الله علیه می‌افزاید:) در چنین شرایطی، دیگر هیچ بهانه‌ای برای ترک دعا برای آن حضرت نداری.<sup>۱</sup>

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: بر اساس آیات قرآن و نیز احادیث، دعا از جمله بزرگ‌ترین عبادت‌هاست.

از طرفی شکی نیست که یکی از بهترین، بزرگ‌ترین و ارزش‌مندترین

۱. فلاح السائل: ۴۴.

دعاهای انسان، دعا برای کسی است که خداوند حق او را و دعا کردن برای او را بر تمام انسان‌ها واجب فرموده است، و نعمت‌های الهی به برکت آن حضرت بر تمام آفریدگانش سرازیر می‌شود.

پس لازم است تمام مؤمنان نسبت به این مسئله مهم همیشه و در همه جا توجه خاصی مبذول داشته و اهتمام ورزند.

از جریاناتی که درستی گفتار ما را تأیید می‌کند، آن است که برادر عزیز ایمانی‌ام، فاضل وارسته - که مؤید به تأییدات ربّانی است - جناب میرزا محمد باقر اصفهانی که خدا سایه‌اش را مستدام بدارد و او را به آرزوهایش در این ایام برساند می‌گوید: در خواب، یا در حالتی بین خواب و بیداری، در یکی از همین شب‌ها دیدم که امام بزرگوارمان، آن مولای همه آفریدگان و حجّت الهی بر همه موجودات، حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلاة والسلام سخنانی (به این مضمون) فرمودند:

بر منبرها به مردم بگویید و دستور بدهید که توبه کنند و برای فرج و تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنند. این دعا، مانند نماز میّت واجب کفایی نیست که اگر یک یا چند نفر از مردم آن را انجام دادند، تکلیف از دیگران برداشته شود؛ بلکه، همانند نمازهای واجب روزانه، بر هر یک از مکلفان واجب است که انجام دهند....<sup>۱</sup>

۱. مکیال المکارم: ۴۳۸/۱.

با توجه به مطالب یاد شده، لزوم دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه روشن شد.

### مظلوم ترین فرد عالم

پس از آن که ضرورت دعا برای مولای مان امام زمان ارواحنا فداه را ذکر کردیم می‌گوییم: متأسفانه در بیشتر مجالس مذهبی از یاد امام زمان ارواحنا فداه و دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت غفلت می‌شود. و اگر بدانیم که تاکنون چقدر از آن حضرت غافل بوده‌ایم، متوجه می‌شویم که آن حضرت مظلوم ترین فرد عالم هستند. اکنون جریاناتی را دربارهٔ مظلومیت آن بزرگوار ذکر می‌کنیم:

۱- حجّة الإسلام والمسلمین مرحوم آقای حاج سید اسماعیل شرفی علیه السلام نقل نمودند:

به عتبات مقدّسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام مشغول زیارت بودم. چون دعای زائرین در قسمت بالای سر امام حسین علیه السلام مستجاب است، در آنجا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت مهدی ارواحنا فداه مشرف گرداند و دیدگانم را به جمال بی‌مثال آن بزرگوار روشن نماید.

ناگهان هنگامی که مشغول زیارت بودم خورشید جهان تاب جمالش ظاهر شد، گرچه در آن هنگام حضرتش را نشناختم؛ ولی

شدیداً مجذوب آن بزرگوار شدم، پس به او سلام کردم و از ایشان سؤال کردم: آقا! شما کیستید؟

فرمودند: من مظلوم ترین فرد عالم هستم.

من مقصود آن حضرت را متوجه نشدم و با خود گفتم: شاید ایشان از علمای بزرگ نجف هستند و چون مردم به ایشان گرایش پیدا نکرده‌اند خود را مظلوم ترین فرد عالم می‌داند، در این هنگام ناگهان متوجه شدم که کسی در کنارم نیست.

اینجا بود که فهمیدم خداوند دعایم را مستجاب فرموده و مرا به لقای حضرتش شرفیاب نموده، و او مظلوم ترین فرد عالم و امام زمان من بود، و نعمت حضور آن بزرگوار را زود از دست دادم.

۲- حجّة الإسلام والمسلمین آقای حاج سید احمد موسوی - که از شیفتگان حضرت امام عصر علیه السلام تعالی له الفرج می‌باشند - از حجّة الإسلام والمسلمین عالم ربّانی مرحوم آقای حاج شیخ محمد جعفر جوادی نقل نمودند که ایشان در عالم کشف، یا شهود خدمت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه مشرف شده و ایشان را بسیار غمگین می‌بیند، از حال آن بزرگوار سؤال می‌کند، حضرت می‌فرمایند:

دلم خون است، دلم خون است.

۳- حضرت امام حسین علیه السلام در عالم مکاشفه به یکی از علمای قم فرمودند:

«... مهدی ما در عصر خودش مظلوم است، تا می‌توانید درباره آن حضرت سخن بگویید و قلم فرسایی کنید؛ آنچه درباره شخصیت این معصوم بگویید درباره همه معصومین (علیهم‌السلام) گفته‌اید؛ چون حضرات معصومین همه در عصمت و ولایت و امامت یکی هستند و چون این زمان، دوران مهدی ما است سزاوار است درباره او بیشتر گفتگو شود.

و در خاتمه فرمودند:

باز تأکید می‌کنم درباره مهدی ما (علیه‌السلام) زیاد سخن بگویید و بنویسید، مهدی ما (علیه‌السلام) مظلوم است، بیش از آنچه نوشته و گفته شده باید درباره اش نوشت و گفت»<sup>۱</sup>.

### نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط

اکنون که از مظلومیت آن حضرت آگاه شدیم باید توجه داشته باشیم که هدف ما از دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه رسیدن به حالات و مقامات نباشد؛ بلکه خشنودی پروردگار و تقرب به خداوند و امام زمان ارواحنا فداه را ملاک عمل قرار دهیم.

اینک به این جریان مهم توجه کنید:

مرحوم آقای شرفی که از منتظران ظهور امام عصر ارواحنا فداه

بودند، نقل می‌کردند: در زمانی که برای تبلیغ، از مشهد مقدس به شهرستان‌ها می‌رفتم در یکی از مسافرت‌ها چند روزی قبل از ایام ماه مبارک رمضان با یکی از دوستان در تهران به محضر مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط - که از سابقین و ثابتین در راه انتظار بودند و مردم را به این راه تشویق می‌نمودند - مشرف شدیم و از ایشان تقاضای راهنمایی کردیم، و خواستیم که چیزی به ما بیاموزد.

آن بزرگوار طریقه ختم آیه شریفه ﴿وَمَنْ يَسْتَقِ اللَّهَ﴾ را به ما آموختند<sup>۱</sup> و فرمودند: اول صدقه بدهید و چهل روز، روزه بگیرید و این ختم را در حال روزه انجام دهید.

نکنه مهمی که مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط فرمودند این بود که: مقصودتان از انجام این ختم تقرب به حضرت رضا (علیه‌السلام) باشد و حاجت‌های مادی را در نظر نگیرید.

مرحوم آقای شرفی فرمودند: من ختم را شروع کردم ولی نتوانستم آن را ادامه دهم و ترک نمودم، ولی دوست من موفق شد و آن را به پایان رساند. پس از آن که به مشهد مقدس برگشت، وقتی ایشان به حرم مطهر حضرت امام رضا (علیه‌السلام) مشرف گردید، آن حضرت را به صورت نور زیارت کرد. کم‌کم این حالت در ایشان

۱. دستور این ختم از رسول خدا ﷺ نقل شده و مرحوم آیه الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی آن روایت را در کتاب «گلزار اکبری» نقل کرده است.

۱. بوستان ولایت: ۲/ ۱۸.

تقویت شد تا توانست آن حضرت را ببیند و با آن بزرگوار صحبت نماید .

هدف ما از نقل این جریان، نکته مهمی است که در دعاها و توسلات باید رعایت شود و آن این است که انسان علاوه بر آنکه در انجام نمازها، دعاها و توسلات باید اخلاص را رعایت کند هدف او هم باید از انجام آنها، تقرّب به خداوند باشد تا به رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نیز نزدیک شود، یعنی اعمالش را به نیت عبودیت و بندگی خدا انجام دهد، نه برای رسیدن به حالات و مقامات .

یکی از افراد مشهور و صاحب نفس که دعایش اثر داشت و با آن، گره از کار افراد می‌گشود، از شخصی که او را صاحب بصیرت می‌دانست، سؤال کرده بود: به نظر شما من چه موقعیت و منزلتی نزد خدا دارم؟

ایشان پس از تأمل در جواب گفته بودند: شما در کارهای خداوند زیاد دخالت کرده‌ای .

پس دعا کننده نباید هیچ گونه سوء استفاده‌ای از دعاهايش بنماید، بلکه آنها را باید به قصد بندگی پروردگار انجام دهد، نه این که به وسیله آنها دخالت در کارهای خداوند نموده و یا مردم را به سوی خود جلب نماید .

## تجربه مهم مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی

اکنون جریان مهمی را از مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی که دلیل بر اهمیت مسأله انتظار است نقل می‌کنیم:

ایشان از دوران کودکی به عبادات و ریاضت‌های شرعی اشتغال داشته و زحمات فراوان و طاقت‌فرسایی را برای رسیدن به اهداف بلند روحی و معنوی متحمل شده بودند .

ایشان هر چه از اذکار و اوراد و ختومات و همچنین نمازها و آیات قرآنی را که در مدت عمر خود از کودکی انجام داده بودند، یادداشت کرده و به خاطر متضمن بودن آن نوشته بر اسرار و نکات مهم، صلاح نمی‌دانستند که آن را در اختیار همگان قرار دهند . و به این جهت آن را مخفی نگه داشته و پنهان می‌نمودند .

مرحوم والد معظم در ارتباط با آن نوشته‌ها می‌فرمودند: مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در اواخر حیات خود آن نوشته‌ها را به مرحوم آیه الله حاج سید علی رضوی دادند.<sup>۱</sup>

مقصود از نقل این جریان، نکته مهمی است که آن را مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در آخر آن کتاب مرقوم فرموده بودند و باید درس مهمی برای همه کسانی که در راه معنویات و سیر و

۱. مرحوم آیه الله حاج سید علی رضوی از علمای ربّانی مشهد مقدّس بودند و مرحوم والد معظم اینجانب با ایشان دوستی و رفاقت خالصانه‌ای داشتند .

سلوک شرعی گام برمی دارند، باشد.

آنچه ایشان در آخر کتاب خود نوشته بودند این نکته بود که:  
ای کاش این اذکار و اوراد و ختومات را در راه نزدیک شدن و تقرب

به مولایم امام زمان عجل الله له الفرج انجام می دادم.

ببینید یک شخصیت مهم که نام ایشان زبان زد خاص و عام بوده و هست چگونه در آخر عمر اظهار تأسف می نماید و آرزو می کند که ای کاش هدف خود را از انجام آن اعمال، تقرب به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه قرار داده بود.

هیچ گونه تردیدی وجود ندارد که مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی دارای قدرت مهم روحی بوده و از نیرو و قدرتی بسیار کم نظیر در میان افراد و چهره های شناخته شده، بهره مند بوده است؛ با این همه، آرزو می کند که کاش سعی و تلاش خود را در راه تقرب به امیر عالم هستی به کار می برد، و بدست آوردن قدرت تصرف در افراد و بازگرداندن صحت و سلامتی را به افراد مریض و کارهایی دیگر از این قبیل را هدف خود قرار نمی داد.

بزرگ ترین درس برای انسان ها این است که در هر مسیری که می پیمایند از تجربه های مردان بزرگ در آن راه، تجربه آموخته و از یک عمر تلاش و کوشش آن ها استفاده کرده و از معارفی که آنان پس از سال های سال به دست آورده اند بهره مند شوند و به آخرین تجربه ها و نتیجه هایی که آنان در مسیر طولانی حیات خود به آن

رسیده اند، کاملاً توجه نموده و به آن عمل نمایند.

به این نکته توجه کنید: استفاده از تجربه های مهم مردان بزرگ، ارزش حیات و نتیجه زندگی را صدها برابر افزایش می دهد. پس سعی کنید به آنچه مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی تجربه نموده و در نوشته خود متذکر شده اند، عمل نمایید و دعاها، زیارات و سایر عباداتی را که انجام می دهید برای تقرب به پروردگار باشد تا به این وسیله به ساحت مقدس امام عصر ارواحنا فداه تقرب پیدا کنید و مقاصد کوچک و کم ارزش را ترک کنید. این حقیقتی است که اگر به آن عمل کنید از حیات و زندگی خود کاملاً نتیجه می گیرید.

### تشکیل مجالس دعا

#### برای تعجیل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

همان طور که می توان به تنهایی دعا کرد، می توان به طور گروهی به دعا پرداخت.

بدین شکل که مجالسی تشکیل شود و در آن ها از امام عصر یاد ارواحنا فداه شود؛ چرا که با این کار، افزون بر این که برای امام (ع) دعا شده است، کارهای نیک دیگری مانند زنده کردن امر (امامت) امامان (ع)؛ بیان و بازگو کردن حدیث هایی که از اهل بیت (ع) رسیده است؛ و... صورت می گیرد.

نویسنده کتاب «مکیال المکارم» می‌گوید: یکی از تکلیف‌ها و وظایف مردم در زمان غیبت حضرت مهدی ارواحنا فداه، آن است که مجالسی برپا کنند که در آن از امام زمان علیه السلام یاد شود، و خوبی‌ها، فضیلت‌ها و مقامات شکوهمندش گفتگو گردد و به اطلاع همگان برسد، و برای آن وجود شریف در آن مجالس دعا شود و از بذل و بخشش جان و مال در این راه خودداری نگردد.

چرا که این کارها، رواج دادن و گسترش آیین خدا، بزرگداشت و بالابردن کلام خدا، و کمک کردن به یکدیگر برای انجام نیکی و تقوا، و گرامی داشت مراسم و شعائر الهی، و یاری نسبت به ولیّ پروردگار است.

**هشدار و آگاهی:** می‌توان گفت: در برخی از زمان‌ها، واجب است چنین مجالسی تشکیل شود، همانند وقتی که مردم در حال کشیده شدن به انحراف و گمراهی باشند، و بتوان با تشکیل این گونه مجالس، آنان را از هلاکت و تباهی و انحراف بازداشت و به شاهراه هدایت ارشاد و راهنمایی نمود.<sup>۱</sup>

### توجه به وظایف دوران غیبت

گرچه ما این کتاب را - با توفیق خداوند و لطف حضرت بقیة الله ارواحنا فداه - درباره آشنایی با یکی از وظایف زمان غیبت یعنی

دعا برای تعجیل ظهور امام زمان صلوات الله علیه، تألیف نموده‌ایم؛ ولی سزاوار است در مقدمه آن، بعضی از وظیفه‌ها و برنامه‌های دیگر دوران تاریک غیبت را نیز بیان کنیم؛ گرچه امیدواریم ان شاء الله فرج آن حضرت را به زودی شاهد بوده و در پایان دوران غیبت باشیم.

زیرا بنا بر روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده، لازم است که هر صبح و شام متوقع واقع شدن ظهور آن امام همام و چشم به راه آمدن او باشیم.

متأسفانه در این زمینه تا کنون مردم نوعاً از تمام وظایفی که در دوران غیبت به عهده دارند بی‌اطلاعند، و کتاب‌های ارزنده‌ای که در این باب نوشته شده مشتمل بر بعضی از وظیفه‌های زمان تاریک غیبت می‌باشد. و چنانچه مردم از اولین روزهای سیاه غیبت با حال تباه خود آشنا می‌شدند، عصر غیبت این‌گونه طولانی نمی‌شد. به هر حال همه مردم بالأخص کسانی که دارای وظیفه بیان این گونه مسائل بوده‌اند و از گفتن آن غفلت یا تغافل ورزیده‌اند، باید از عمل خود سخت غمگین و شرمسار باشند.

آیا سزاوار است امیر عالم هستی که عالم به همه نیازمندی‌ها در این منظومه و همه منظومه‌ها و کهکشان‌هاست در میان ما باشند و ما از آن حضرت غافل باشیم؟

آیا سزاوار است قوای مغزی میلیاردها انسان بر اثر پنهان بودن



نور خدا همچنان در پردهٔ ظلمت قرار داشته باشد؟

آیا سزاوار است میلیاردها انسان هر یک جام جهان نمائی به نام قلب با خود همراه داشته باشند و از عظمت آن بی خبر باشند؟  
آیا در چه زمانی قلب‌ها به حیات اصلی خویش باز می‌گردند و با زندگی عالی انسانی به معنای واقعی آشنا می‌شوند؟

آیا در چه دورانی انسان‌ها به عظمت قلب خویش و آن آئینه‌ای که با آن می‌توانند جهانی را مشاهده کنند آگاه می‌شوند؟

آیا در کدامین زمان تحرّکی در عقل و خرد و اندیشهٔ انسان‌ها پدید می‌آید و جامعهٔ بشریّت با گسترش دانش به مقامات عالی و والای علمی راه پیدا می‌کند؟

آیا در کدامین روزگار انسان‌ها بر اثر آشنا شدن با نور خدا، تیرگی‌ها و تاریکی‌ها، زورگویی‌ها و تزویرها را کنار نهاده و به حکومت عادلانهٔ الهی که جهانی خواهد بود می‌رسند؟ آیا چه زمانی ... و آیا چه زمانی ...

آیا این‌ها همه، جز در حکومت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه میسر است؟

پس چرا شکوه آن زمان را احساس نمی‌کنیم؟ و چرا از تیرگی این زمان شکوه نمی‌نمائیم؟ چرا از وضع جهان در آینده<sup>۱</sup> آگاهی نداریم؟ و چرا به وظیفه‌های دوران غیبت عمل نمی‌نمائیم؟!

۱. رجوع کنید به اثر دیگر مؤلف: «دولت کریمهٔ امام زمان ارواحنا فداه».

## اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداه!

پاسخ همهٔ این سئوالات این است که ما به عصر غیبت و تاریکی و ظلم و ستم در آن خو گرفته‌ایم! به حدّی که مجذوب ظلم و ظلمت گشته و به آن معتاد شده‌ایم! و اعتیاد یک قدرت بسیار قوی برای کشاندن انسان‌ها به طور ناخودآگاه به سوی خوبی‌ها و یا بدی‌هاست!

اعتیاد و خو گرفتن انسان به هر چیزی همچون فطرت و طبیعت او، آدمی را به سوی آن می‌کشاند به طوری که گویی اراده و اختیار را از انسان در مقابل آن و عمل کردن برخلاف آن گرفته است! این قدرت را خداوند در اعتیاد قرار داده است تا آدمی با خو گرفتن به خوبی‌ها بدون زحمت و ناخودآگاه به سوی آن‌ها جذب شوند و از بدی‌ها و زشتی‌ها کناره گیرند.

به این جهت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عادت را طبیعت دوّم انسان برشمرده و فرموده‌اند:

### العادة طبع ثانٍ<sup>۱</sup>.

عادت، طبیعت دوّم است.

این کلام کوتاه حقایق مهمّی را دربردارد. بنابراین فرمایش همان گونه که انسان به سوی آنچه فطرت و طبیعت او اقتضا دارد

۱. شرح غرر الحکم: ۱/ ۱۸۵.

به راه می‌افتد، به سوی آنچه به آن خو گرفته و عادت نموده نیز حرکت می‌کند.

انسان باید از این قدرت بزرگ، در راه صحیح و هدف‌های ارزنده استفاده کند، و از آلوده ساختن خویش به عادت‌های زشت و ناپسند خودداری نماید.

متأسفانه جامعه بشری بر اثر نداشتن رهبری صحیح و نبود قدرتی که بتواند اجتماع را به سوی فضیلت‌های اخلاقی و صفات برجسته انسانی سوق داده و هدایت نماید، به عادت‌های اشتباه فردی و اجتماعی گرفتار شده است.

اعتیادهای اجتماعی قدرتی بسیار بیشتر از اعتیادهای فردی دارند و آسان‌تر می‌توانند انسان را به سوی چیزی که اجتماع به آن خو گرفته است، بکشانند.

یکی از عادت‌های شوم اجتماعی که جامعه ما را به خود گرفتار نموده و دربند اسارت خویش کشیده است، خو گرفتن به وضع موجود و سازش با آن است به گونه‌ای که هرگز درباره آینده‌ای حیاتبخش و نجات دهنده فکر و اندیشه‌ای نکنند.

با آن که رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام با بیان مسأله «انتظار» و تشویق انسان‌ها به سوی آن، مردم را به اشتباه بودن سوختن و ساختن آگاه نموده و با بیان مسئله انتظار آنان را به امید و حرکت به سوی آینده روشن فرا خوانده‌اند.

متأسفانه کسانی که وظیفه داشته‌اند این مسأله مهم حیاتی را برای مردم بیان کنند، در این وظیفه کوتاهی ورزیده‌اند. به این جهت مردمان همچنان به سوختن و ساختن عادت کرده‌اند و درباره رسیدن به آینده درخشان، تلاش نکرده‌اند؛ و با کمال تأسف مسأله غیبت امام عصر ارواحنا فداه هنوز ادامه یافته است! هنوز اکثریت جامعه ما به یک نوع اعتیاد که غفلت از مسأله ظهور امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد، گرفتار است؛ و آن را به دلیل قانون وراثت از نسل‌های گذشته به ارث برده است! و در نتیجه هنوز جامعه ما در حال رکود به سر می‌برد و حرکتی در جهت ترقی و رسیدن به مراتب عالی و ارزنده ننموده است! در حالی که اگر کسی بتواند عادت‌های اشتباه را کنار زده و خود را به خصلت‌های ارزنده انسانی زینت دهد به بهترین مقامات عالی دست می‌یابد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

بغلبة العادات الوصول إلى أشرف المقامات.<sup>۱</sup>

رسیدن به ارزنده‌ترین مقامات، با غلبه بر عادات به دست می‌آید.

جامعه ما باید با ایجاد حالت انتظار و دعا برای ظهور منجی جهان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه عادت دیرینه غفلت از وجود

۱. شرح غرر الحکم: ۳/۲۲۹.

تاریکی عصر غیبت را کنار بگذارد و به وسیله دعا از اعماق دل و جان، خواهان فرارسیدن حکومت عدل امام عصر صلوات الله علیه از خداوند باشد.

### روش فکری خود را تغییر دهید!

با یک جهش روحی و با یک تغییر سبک و روش فکری، تحوّل مهمّی در خود ایجاد کنید و راه خود را از افرادی که برای شان غیبت و ظهور تفاوت چندانی ندارد جدا کنید. یقین داشته باشید همانگونه که بی تفاوتی و غفلت نسبت به پدر جسمانی گناهی بزرگ است؛ بی تفاوتی و غفلت از پدر معنوی گناهی بزرگ تر است؛ و سرانجامی تاریک و شوم برای انسان خواهد داشت.

اگر تاکنون نسبت به امام عصر ارواحنا فداه بی تفاوت بوده‌اید و فرق میان ظهور و غیبت آن حضرت را درک نکرده‌اید و در اندیشه ظهور حیاتبخش آن حضرت نبوده‌اید؛ اگر تاکنون اهل دعا و نیایش برای فرا رسیدن روزگار پرشکوه عصر ظهور نبوده‌اید، و نمی‌دانستید که نسبت به امام زمان و رهبر و مولای خویش وظیفه‌ای ویژه بر عهده دارید، اکنون که این حقیقت را دریافتید و درک نمودید که در زمان غیبت وظیفه‌ای سنگین بر عهده مردم است، خود را از غفلت نجات بخشیده و با یک اراده قوی و با یک تصمیم جدّی، گذشته خود را جبران کنید. و با تلاش و کوشش در

مسیر انتظار حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه گام بردارید و بدانید رأفت و مهربانی شدید آن حضرت نسبت به دوستانان مقام ولایت، سبب می‌شود که غفلت‌های گذشته آن‌ها مورد عفو و بخشش قرار گیرد و قلب مهربان آن بزرگوار اشتباهات ایشان را نادیده خواهد گرفت.

مگر حضرت یوسف علی نبینا وآله وعلیه السلام به برادران خود با آن همه ظلم و ستمی که بر ایشان روا داشتند، نفرمود:

﴿لَا تَشْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾<sup>۱</sup>

امروز سرزنشی بر شما نیست، خداوند شما را می‌آمرزد و او رحم کننده ترین رحم کنندگان است.

یقین داشته باشید روح عظیم انسان، آفریده نشده است که وابسته به مادّیات و مسائل بی‌ارزش دیگر گردد، بلکه برای آن خلق شده است که با آشنائی با مسائل معنوی و شناخت خداوند و جانشینان او به سوی مسائل الهی کشیده شود.

آیا سزاوار است انسانی که می‌تواند همچون سید بحر العلوم و مرحوم شیخ انصاری با امام عصر ارواحنا فداه ارتباط داشته باشد، روح خود را غرق در اندیشه‌های مادّی نموده و وجود خویش را گرفتار قید و بندهای غفلت زانماید؟!

۱. سورة یوسف، آیه ۹۲.

آیا سزاوار است انسانی که می تواند بر فراز فضای آشنایی با خاندان وحی به پرواز درآید، پر و بال خود را بشکند و در زندان دنیا خود را بازیچه و اسیر شیاطین گرداند؟!

آیا سزاوار است در میان هفت میلیارد جمعیت انسان در سراسر جهان تعدادی بس اندک با مفاسد عصر غیبت آشنایی داشته باشند؟!

چرا نباید همه انسان ها از ارزش انسانی خویش باخبر باشند و بدانند در صورتی دارای قدر و بها هستند که بتوانند به خداوند و جانشین او در این روزگار توجه داشته باشند؟  
اگر همه انسان ها لیاقت چنین مقامی را ندارند و این مقام از آن گروهی خاص است، چرا ما و شما از آنان نباشیم؟

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش  
کی روی؟ ره زکه پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی؟

### به سوی امیر عالم هستی

یقین داشته باشید کسی که صادقانه در جستجوی امام عصر ارواحنا فداه باشد و در راه آن حضرت خدمت نماید و درباره تعجیل ظهور آن بزرگوار دعا و تلاش نماید، سرانجام راه به جایی می برد و روزنه ای به سوی گشوده می شود.

بنابراین از کمک و فداکاری نسبت به آن حضرت که دوران

غیبت - همچون ریسمانی که دشمنان به گردن اول مظلوم عالم هستی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام افکندند، و دستان آن بزرگوار را بستند - دستان آن حضرت را بسته است؛ دست برنندارید. و با تلاش در راه ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و فراهم کردن مقدمات آن، تاری از ریسمان غیبت را پاره کنید.

اطمینان داشته باشید اگر کسی از خورشید تابناک وجود او در زندگی بهره مند شود و شکمی به خود راه ندهد، منظور نظیر حضرتش قرار می گیرد و آن بزرگوار با کلامی یا پیامی یا نگاهی خاطر او را خشنود و قلبش را شاد می نماید؛ زیرا ممکن نیست کسی در جستجوی حقیقتی باشد و در راه آن قدم بردارد، مگر آنکه سرانجام به همه مقصود خویش و یا به مقداری از آن دست می یابد.  
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می فرمایند:

من طلب شیئاً ناله أو بعضه<sup>۱</sup>.

کسی که در جستجوی چیزی باشد به تمام آن یا مقداری از آن می رسد.

شما با قاطعیت و یقین معتقد باشید که اینک گرچه دوران تاریک غیبت است و نوبت اظهار ولایت و قدرت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه نرسیده؛ ولی با این وجود آن حضرت قطب دائرة امکان و امیر عالم هستی هستند و ولایت مطلقه آن بزرگوار

۱. شرح غرر الحکم: ۳۰۵/۵.

سراسر جهان را فرا گرفته است. در زیارت آن حضرت می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُطْبَ الْعَالَمِ ۱.

سلام بر شما ای قطب عالم هستی.

همه موجودات عالم هستی در عصر تاریک غیبت و همچنین در دوران نورانی ظهور در پرتو آن وجود مقدس به زندگی ادامه می دهند و مدیون امامت و رهبری آن بزرگوار می باشند. نه تنها ذرات مادی جهان بلکه بزرگان عالم که مسیحا نفسند تابع و پیرو فرمان آن بزرگوارند؛ بلکه شخص حضرت عیسی (ع) دم مسیحائی و مقام ارزشمند خود را به یمن وجود آن حضرت و آباء گرامی آن بزرگوار بدست آورده است. و نه تنها در عصر ظهور که اکنون نیز در تحت لواء امامت و رهبری آن بزرگوار به انجام وظیفه مشغول است.

در زیارت امام زمان ارواحفاده می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمَسِيحِ ۲.

سلام بر شما ای پیشوای مسیح.

این ولایت و رهبری، مخصوص روزگار پرشکوه ظهور نیست؛ بلکه اکنون نیز حضرت عیسی در جایگاه عظیم خود افتخار پیروی از مقام امامت و رهبری آن بزرگوار را دارا می باشد.

همه نجباء، نقباء و اولیاء خدا که پا بر هوای نفس خود گذاشته و قصد و نیت خویش را خالص نموده اند، به قدر ارزشی که در پیشگاه خداوند دارند، راه و یا روزه ای به سوی مقام نورانیت آن حضرت که نور عالم هستی در این عصر و زمان است بدست آورده اند، و امام عصر ارواحفاده تنهایی و غربت خویش را با این گونه اشخاص که به مقامات عالی راه یافته اند برطرف می نماید. در روایت می خوانیم:

وما بثلاثين من وحشة ۱.

با وجود سی نفر (از یاوران خالص) احساس تنهایی برای آن حضرت نیست.

مقصود از بیان مطالب گذشته این است که دوران غیبت به این معنی نیست که امدادهای غیبی حضرت بقیة الله ارواحفاده از موجودات قطع گردیده و آن بزرگوار از کسی دستگیری نمی کنند و کسی در عصر تیره غیبت راهی به نور و روزه ای به روشنائی نمی یابد؛ بلکه همان گونه که گفتیم کسانی که با صداقت به سوی آن بزرگوار می شتابند و در پرتو بهره مند شدن از دریای بیکران معارف امام عصر ارواحفاده روزگار پرشکوه ظهور را در زندگی خود لحظه شماری می کنند، با پیامی یا نگاهی از سوی حضرتش قلب های استوار خود را استوارتر می کنند.

و اگر گوش جان باز کنیم و ندای این افراد با اخلاص را بشنویم، پیامشان به ما این گونه است: ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾<sup>۱</sup>.

کفش خود را درآورید و ببینید چگونه پای خود را آزرده‌اید که تا کنون از رفتن به سوی امیر عالم هستی و قطب عالم امکان بازمانده‌اید!

متأسفانه عده‌ای از افراد نه تنها خود را خالص نمی‌گردانند و ریگ از کفش خود خارج نمی‌کنند که در کفش دیگران نیز ریگ می‌اندازند و آنان را می‌آزارند. این گونه افراد با نیش زبان، بیشتر به قلب دوستان واقعی می‌زنند؛ زیرا بر اثر القائات شیطانی مایلند همگان از راه رفتن در طریق امام عصر ارواحنا فداه باز مانند. گویی که نمی‌دانند دشمنی با مسیر امام زمان ارواحنا فداه و مخالفت با دوستان واقعی آن حضرت، دشمنی با شخص آن بزرگوار است. مگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در «نهج البلاغه» فرموده‌اند:

أَصْدِقَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ وَأَعْدَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ، فَأَصْدِقَاؤُكَ: صَدِيقُكَ، وَصَدِيقُ صَدِيقِكَ، وَعَدُوٌّ عَدُوِّكَ، وَأَعْدَاؤُكَ: عَدُوُّكَ، وَعَدُوٌّ صَدِيقِكَ، وَصَدِيقُ عَدُوِّكَ.<sup>۲</sup>

۱. سوره طه، آیه ۱۲.

۲. نهج البلاغه: کلمات قصار: ۲۹۵.

دوستان تو سه گروهند و دشمنان تو نیز سه گروه می‌باشند. اما دوستان عبارتند از: ۱- دوست خودت، ۲- دوست دوستت، ۳- دشمن دشمنت.

و دشمنان عبارتند از: ۱- دشمن خودت، ۲- دشمن دوستت، ۳- دوست دشمنت.

بنابراین، آیا دشمنی کردن با دوستان امام عصر ارواحنا فداه، مخالفت با آن بزرگوار نیست؟!

### توجه به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه لازم است

باید بدانیم که توجه به حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداه، توجه به خداوند کریم است؛ همان گونه که توجه به بقیة ائمة طاهرين علیهم السلام توجه به خداوند می‌باشد.

پس زیارت و توسل به ائمة اطهار علیهم السلام، مایه توجه به خداوند تبارک و تعالی است. به این جهت، کسی که قصد تقرب به خداوند بزرگ بنماید به ائمة اطهار علیهم السلام روی می‌آورد.

در زیارت جامعه می‌خوانیم:

وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ.

کسی که او (خداوند) را قصد نماید به سوی شما روی می‌آورد.

انسان با توجه به پیشوایان معصوم علیهم السلام نه تنها عوامل موفقیت

و پیشرفت را به سوی خود جلب می‌کند؛ بلکه مواعی را که مانع رسیدن به مقامات عالی هستند نیز برطرف می‌نماید؛ زیرا به وسیله توجّه به امام زمان ارواحفاده و همچنین بقیّه ائمّه اطهار علیهم‌السلام درهای رحمت و مغفرت الهی به سوی انسان گشوده می‌شود و تاریکی‌ها از باطن او برطرف می‌گردد.

حضرت باقرالعلوم علیه‌السلام در شرح کلام حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که فرمودند: «أنا باب الله»، می‌فرمایند:

يَعْنِي مَنْ تَوَجَّهَ بِي إِلَى اللَّهِ غُفِرَ لَهُ.<sup>۱</sup>

یعنی کسی که به وسیله من توجّه به خداوند نماید آمرزیده می‌شود.

بنابراین با توجّه به باب الله، خداوند گناهان او را آمرزیده و مواعع پیشرفت روحی او را برطرف می‌کند.

گرچه همه چهارده معصوم علیهم‌السلام به دلیل دارا بودن «مقام نورانیت» محیط بر هر عصر و زمانی هستند و انسان‌ها در هر عصر و زمان باید توجّه به همه آن بزرگواران بنمایند ولی بر اساس مقامات تنزیلیّه زمانیّه، هر انسانی باید به امام عصر و زمان خودش بیشتر از بقیّه ائمّه علیهم‌السلام توجّه داشته باشد.

اینک به روایت عبدالله بن قدامه ترمذی از حضرت ابا الحسن علیه‌السلام توجّه نمایند که فرمودند:

مَنْ شَكَّ فِي أَرْبَعَةٍ فَقَدْ كَفَرَ بِجَمِيعِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ؛  
أَحَدُهَا مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَأَوَّانٍ بِشَخْصِهِ وَنَعْتِهِ.<sup>۱</sup>

کسی که درباره چهار چیز شک کند به تمامی آنچه که خداوند نازل فرموده، کافر شده است؛ یکی از آن‌ها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام و صفاتی را که داراست بشناسد.

پس در هر زمان معرفت و شناخت نسبت به امام آن زمان واجب است و چگونه ممکن است کسی معرفت به امام زمان خویش داشته باشد و از عظمت آن بزرگوار آگاه باشد، ولی به او توجّه نداشته باشد؟!

بنابراین، توجّه نداشتن به امام عصر ارواحفاده و نشناختن اوصاف و خصوصیات مقام رفیع آن بزرگوار، اگر چه انسان به امامان دیگر توجّه داشته باشد صحیح نیست. پس وظیفه ما در این عصر و زمان اینست که به حضرت بقیّه الله ارواحفاده که در دوران امامت آن بزرگوار هستیم توجّه خاص داشته باشیم.

یکی از اولیاء خدا به یکی از علمای معروف گذشته به نام مرحوم ملا قاسم رشتی دعایی تعلیم نمودند و فرمودند: آن را به دیگران یاد بده تا اگر مؤمنی در بلایی گرفتار شد آن را بخواند که تأثیر آن مجرب است، و دعا چنین است:

۱. بحار الأنوار: ۱۳۵/۷۲.

۱. بحار الأنوار: ۳۴۹/۳۹.

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا فَاطِمَةُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَذْرِكُنِي  
وَلَا تُهْلِكُنِي.

چون دعا را این گونه به ایشان تعلیم نمود، می‌گوید: اندکی تأمل کردم و به فکر فرو رفتم.

فرمودند: این عبارت را غلط می‌دانی؟ عرض کردم: آری؛ چون خطاب به چهار نفر است و فعل بعد از آن‌ها باید جمع باشد.

فرمودند: اشتباه می‌کنی، زیرا در این زمان نظم دهنده جهان حضرت بقیة الله عليه السلام است، ما در این دعا حضرات محمد و علی و فاطمه عليها السلام را برای شفاعت نزد آن بزرگوار می‌خوانیم و از آن حضرت به تنهایی استمداد می‌کنیم.<sup>۱</sup>

لازم است به این نکته توجه داشته باشیم: همان گونه که در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و در زمان حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام جناب سلمان و ابوذر و مقداد و سایر اولیاء خدا متوجه آن بزرگواران بودند و در گرد شمع وجود ایشان می‌گشتند و همچنین اولیاء الهی در زمان امام حسن مجتبی و حضرت سید الشهداء عليه السلام و ... متوجه آن بزرگواران بودند و از یاد آنان غفلت نمی‌ورزیدند، در این زمان نیز آنان که به تکامل معنوی و درجات

۱. دار السلام مرحوم عراقی: ۳۱۷. جریان کامل آن در کتاب «صحیفه مهدیه ص ۴۳۸» نقل شده است.

عالی راه یافته‌اند، یاد و توجه به مولای خود حضرت بقیة الله ارواحفداه را فراموش نمی‌نمایند.

در دعای شریف ندبه می‌خوانیم:

أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؟

کجاست آن آئینه تمام‌نمای الهی که اولیاء خدا به سوی او توجه می‌نمایند؟

پس در این زمان نیز اولیاء بزرگ خداوند به امام عصر خویش توجه دارند، گرچه آنان در میان مردم ناشناخته‌اند ولی با آن بزرگوار در ارتباط هستند و از فرمایشات آن بزرگوار بهره‌مند می‌شوند، در زیارت «آل یس» می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ.

سلام بر شما در آن هنگام که (قرآن را) تلاوت می‌کنید و (اسرار آن را) بیان می‌فرمایید.

بنابراین، لازم است انسان در هر عصر و زمانی که زندگی می‌کند به امام زمان خویش توجه خاصی داشته باشد. اکنون به این روایت که از امام رضا عليه السلام نقل شده است توجه کنید:

عن مولانا الرضا، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله  
في قول الله تبارك وتعالى: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ



بِأَمَامِهِمْ<sup>۱</sup> قَالَ : يُدْعَى كُلُّ قَوْمٍ بِأَمَامِ زَمَانِهِمْ ، وَكِتَابِ اللَّهِ  
وَسُنَّتِهِ نَبِيِّهِمْ<sup>۲</sup>.

حضرت امام رضا علیه السلام از پدران گرامی خود نقل فرمودند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره فرمایش خداوند: «روزی که همه انسانها را با امامشان فرا می خوانیم» فرمودند: هر گروهی با امام زمانش و کتاب خداوند و سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خوانده می شود.

و معنی روایت این است که: هر انسانی در روز قیامت درباره این سه مسأله حیاتی مورد پرس و جو و بازرسی قرار می گیرد که آیا وظیفه اش را نسبت به امام زمان خود و همچنین کتاب خدا و سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام داده است یا نه؟ پس در روز قیامت از مسأله امامت سؤال می شود و بررسی می کنند که آیا انسان به امام زمانش معرفت و شناخت داشته است یا نه؟

یکی از راه های مهم توجّه به امام عصر ارواحنا فداه خواندن نمازها، دعاها و زیاراتی است که از ائمه اطهار علیهم السلام درباره آن حضرت وارد شده است و یا از ناحیه مقدسه آن بزرگوار صادر گردیده است.

۱. سورة اسراء، آیه ۷۱.

۲. بحار الأنوار: ۱۰/۸.

سفارش جناب محمد بن عثمان، دوّمین نایب خاصّ امام عصر ارواحنا فداه به احمد بن ابراهیم در برابر درخواستی که از ایشان کرده بود، این است:

تَوَجَّهْ إِلَيْهِ بِالزِّيَارَةِ<sup>۱</sup>.

به سوی آن حضرت به وسیله این زیارت توجّه نما.<sup>۲</sup>

از این کلام می توان استفاده نمود که به وسیله زیارات یا دعاهایی که در ارتباط با آن حضرت است، انسان می تواند به سوی آن بزرگوار توجّه نموده و قلب و روح خود را مجذوب آن وجود مقدّس نماید.

مسأله توجّه داشتن به مقام و شخصیت امام عصر ارواحنا فداه و اظهار اندوه و غم در هجران و فراق آن بزرگوار نه تنها در زمان غیبت، بلکه در زمان حضور ائمه اطهار علیهم السلام نیز مطرح بوده و اهل بیت علیهم السلام عظمت مقام و شخصیت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را بیان کرده اند و از غیبت و فراق آن سرور عالم امکان اظهار تأسّف نموده اند.

در واقع اهل بیت علیهم السلام نه تنها با بیانات خود مردم را موظّف نموده اند که به یاد سرور عالم هستی باشند و در غیبت و فراق آن

۱. بحار الأنوار: ۱۷۴/۵۳.

۲. مقصود «زیارت ندبه» است که آن را در این کتاب در بخش «زیارتها» می آوریم.

بزرگوار اندوهگین و غمناک باشند؛ بلکه عملاً نیز با ریختن اشک و کشیدن آه از دل پر درد خود، نسبت به غیبت طولانی حضرتش، همه را درس سوز و انتظار آموخته‌اند؛ ولی متأسفانه شیعیان این مسأله حیاتی را که در تمام ابعاد زندگی دنیوی و اخروی آنها دارای مهم‌ترین اثر است، به دست غفلت و فراموشی سپرده‌اند.

بزرگانی که وظیفه داشته و دارند مردم را با این موضوع بسیار مهم که در عالم هستی تأثیر عظیم دارد آشنا نمایند، سهل‌انگاری کردند؛ و با غفلت و بی‌توجهی جامعه شیعه در گذشته و حال از این مسئله مهم و حیاتی، جهان‌همچنان از نعمت ظهور حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداه بی‌بهره است و بر اثر دوری و غیبت آن سرور عالم هستی به نعمت تکامل در تمام ابعاد علمی و معنوی، دست نیافته و همچنان زور و زر و تزویر بر جهان و جهانیان حکومت می‌کند و ادامه حکومت لعنت شده حبتری میلیاردها انسان مسلمان و غیر مسلمان را در چنگال خونبار خود گرفتار نموده است.

جامعه ما آنگونه در مسائل دنیوی غرق شده و آنچنان چشم به اسباب دوخته که مسبب الأسباب را فراموش کرده است، درست است که دنیا سرای اسباب می‌باشد و ما باید برای کارهای خود در پی اسباب و وسیله باشیم، ولی این نباید تا به آن حد باشد که سبب‌آفرین را فراموش کنیم.

جامعه ما، هم به خداوند که مسبب الأسباب است کم‌توجه می‌باشد و هم از ولی و جانشین او غفلت می‌ورزد.

یکی از علل مهمی که باعث غفلت و یا کم‌توجهی بسیاری از مردم نسبت به امام عصر ارواحنا فداه شده است، عدم آگاهی و شناخت آنان از مقام و شخصیت آن بزرگوار است که در روایات خاندان وحی کاملاً به عظمت آن بزرگوار تصریح شده است.

متأسفانه کسانی که وظیفه داشته‌اند این حقایق را به مردم برسانند و آنان را به سوی سرور عالم وجود و رهبر جهان هستی متوجه سازند، موفق به انجام این وظیفه مهم شرعی نشدند.

اکنون آنچه را که برادران حضرت یوسف به حضرت یعقوب گفتند، به امام زمان خویش ارواحنا فداه عرض می‌کنیم و به این وسیله از پیشگاه امام رئوف طلب عفو و بخشش می‌نمائیم:

﴿ يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴾<sup>۱</sup>.

ای پدر ما، برای گناهان ما استغفار نما؛ به راستی که ما خطاکار بودیم.

امید است که با عفو و بخشش آن حضرت از گذشته ما، آینده را جبران نموده و به یاد آن بزرگوار باشیم و تا توان داریم دیگران را به سوی ساحت مقدس آن حضرت متوجه سازیم.

۱. سوره یوسف، آیه ۹۷.

## انتظارِ ظهور یا اعتقاد به ظهور؟!

انتظار، تنها به معنای آمادگی برای پذیرش ظهور نیست؛ بلکه علاوه بر آن، در اندیشه آن بودن و آرزو داشتن آن را نیز می‌طلبد. ممکن است بسیاری از افراد آمادگی و امکانات برای پذیرایی از میهمان را داشته باشند ولی از کسی دعوت نکرده و در انتظار آمدن میهمان نباشند. این گونه افراد را تنها به خاطر آمادگی داشتن برای پذیرایی، نمی‌توان منتظر میهمان دانست؛ زیرا نه منتظر آمدن میهمان هستند و نه از نیامدن آن، ناراحت می‌شوند. با این بیان روشن می‌شود که در خودسازی و تهذیب نفس، بدون توجه به مسأله انتظار و فرا رسیدن روزگاری که سراسر جهان از وجود ظلم و ستم پاکسازی می‌شود، کمبود وجود دارد؛ زیرا کسی که این گونه است یکی از وظایف بزرگ خود را که انتظار داشتن برای پاکسازی جهانی و حرکت به سوی آن مقصد است، به دست فراموشی سپرده است.

به عبارت دیگر؛ اصلاح نفس و پاکسازی در صورتی به تکامل و اوج خود می‌رسد که انسان در آرزو و اندیشه پاکسازی سراسر جهان باشد و تنها به تهذیب نفس خویش نیندیشد. پس کسی که برای اصلاح حال خویش تلاش می‌کند باید در انتظار ظهور مصلح جهان باشد و تنها به اعتقاد داشتن به این موضوع بسنده نکند.

بنابراین، نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که: میان انتظارِ ظهور و اعتقاد به آن تفاوت بسیاری وجود دارد. زیرا همه شیعیان بلکه بسیاری از ملت‌های دیگر جهان به ظهور مصلحی که سرانجام سراسر جهان را پر از عدل و داد کند اعتقاد دارند؛ ولی همه آنانی که اعتقاد به این حقیقت دارند در انتظار تحقق آن نیستند!

کسی منتظر ظهور امام زمان ارواحنا فداه می‌باشد که علاوه بر اعتقاد، امید و انتظار درک آن زمان را داشته باشد و بر اساس انتظار و امید، عمل نماید.

تمام روایاتی که مسأله انتظار در آن‌ها ستوده شده است، بر لزوم امیدواری و امکان وقوع و درک ظهور امام عصر ارواحنا فداه دلالت می‌کنند؛ زیرا اگر انتظار و امید نباشد و انسان مأیوس از درک زمان ظهور باشد، چگونه به روایات انتظار که درس امید و آرزو را به انسان‌ها می‌آموزند، عمل کرده است؟!

بنابراین، علاوه بر اعتقاد به مسأله ظهور و آمادگی برای درک آن روزگار - به دلیل روایاتی که درس انتظار را به ما می‌آموزند - هر انسانی وظیفه دارد در اندیشه ظهور بوده و امیدوار به درک آن، و معتقد به امکان فرا رسیدن آن در زمان خود باشد، و برای آن که با عافیت زمان ظهور را درک کند دعا نماید و بداند که خداوند آنچه بخواهد انجام می‌دهد.

## عظمت امام عصر ارواحنا فداه

### در کلمات اهل بیت علیهم السلام

آشنایی با عظمت امام عصر ارواحنا فداه و سیله‌ای بسیار مؤثر برای وارد شدن در صراط انتظار می‌باشد.

در توضیح کلام می‌گوییم: روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام درباره شخصیت و عظمت امام عصر ارواحنا فداه به ما رسیده است، آنچنان مهیج و تکان دهنده است که آدمی را شگفت زده می‌سازد! چگونه می‌شود با آن همه سخنانی که در اعماق وجود انسان تأثیر می‌گذارد، جامعه ما نسبت به آن بزرگوار آن گونه که باید دل نبسته است و زاغ و زغن را به جای «طاووس بهشت»<sup>۱</sup> برگزیده است؟ این همه غفلت چرا؟ و این همه فراموشی از چه جهت است؟

آیا عالمان و بزرگان دین در این راه کاری که شایسته باشد انجام داده‌اند؟ آیا مهتران و پیشوایان قوم و قدرتمندانی که خود را به آن حضرت نسبت می‌دهند خدمتی نموده‌اند؟ آیا ثروتمندان و توانمندان شیعه در راه کمک به این مسأله که اساسی‌ترین مسأله حیاتی دین است، کوشش کرده‌اند؟ آیا توده مردم با توجه به امام زمان صلوات الله علیه، سرنوشت غمبار خویش را تغییر داده‌اند؟ حقیقت این است که همه اقشار مردم در این غفلت زدگی، کم

۱. بحار الأنوار: ۹۱/۵۱.

و بیش سهمیم هستند، (اگر چه افرادی بوده‌اند و هستند از عالمان و غیر عالمان، که همچون شقایق داغ بردل داشته و روزگاری با غم و حسرت می‌گذرانند و به قدر توفیق و توان خویش به احیاء این امر پرداخته و می‌پردازند.) بگذریم که حقیقت تلخ است و دل خودپسندان را می‌آزارد.

اکنون کلماتی را از خاندان وحی می‌آوریم تا ببینید آنان با چه عباراتی از آخرین حجّت الهی حضرت صاحب الأمر صلوات الله علیه یاد نموده‌اند و چگونه کوشش کرده‌اند تا مردم را به سوی آن حضرت متوجه سازند و چگونه درس بزرگداشت آن حضرت را به ما آموخته‌اند:

۱ - پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

پدرم و مادرم فدای او باد! او هم نام من و شبیه من است.

این کلام را پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از شرح دوران غم‌انگیز و تأسف بار غیبت امام عصر ارواحنا فداه بیان نموده‌اند. اینک به فرمایش آن حضرت توجه کنید:

... سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ صَمَاءٌ صَبِيحٌ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ وَبِيحَةٍ وَبَطَانَةٌ، وَذَلِكَ عِنْدَ فَقْدَانِ شِيعَتِكَ الْخَامِسِ مِنَ السَّابِعِ مِنْ وُلْدِكَ، يَحْزَنُ لِقَدْحِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، فَكَمْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ مُتَأَسِّفٍ مُتَلَهِّفٍ حَيْرَانَ عِنْدَ فَقْدِهِ.

ثمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: يَا أَبِي وَأُمِّي سَمِييَ

وَشَبِيهِهِ وَشَبِيهِهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ، عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ  
يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ .<sup>۱</sup>

بعد از من فتنه‌ای ایجاد می‌شود بسیار سخت و دشوار و از پا  
درآورنده، که در آن هر شخص مورد اعتماد و رازداری سقوط  
می‌کند و این در هنگامی است که شیعیان تو پنجمین نفر از  
فرزندان تو از هفتمین امام را گم کنند، برای فقدان او اهل  
آسمان و زمین غمگین می‌شوند، پس چه بسیارند مردان و زنان  
با ایمانی که در هنگام غیبت او، متأسف و حسرت زده و حیرانند .  
سپس آن حضرت سر خود را به آرامی پائین برده و آن گاه سر  
بلند نموده و فرمودند: پدر و مادرم فدای او باد، هم نام من و  
شبیهِ من و شبیه موسی بن عمران است، بر او پیراهن‌هایی از  
نور است که از شعاع قدس برافروخته است .

۲- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آن حضرت فرمودند:  
جانم فدای او باد ...

این کلام را مرحوم علامه مجلسی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام  
نسبت داده و فرموده است: در دیوان شعری که منسوب به آن  
حضرت می‌باشد، از آن بزرگوار نقل شده که فرمودند:

فَتَمَّ يَقُومُ الْقَائِمِ الْحَقِّ مِنْكُمْ      وَبِالْحَقِّ يَا تَيْكُمُ وَبِالْحَقِّ يَعْملُ  
سَمِيَّ نَسَبِيَّ اللَّهُ نَفْسِي فِدَاؤُهُ      فَلَا تَخْذُلُوهُ يَا بَنِيَّ وَعَجَّلُوا<sup>۲</sup>

۱. کفایة الأثر: ۱۵۸، بحار الأنوار: ۳۶/۳۳۷ و ۵۱/۱۰۹.

۲. بحار الأنوار: ۱۳۱/۵۱.

پس در آن هنگام (بعد از حکومت‌های ناشایسته) از شما کسی  
که حق را به پا می‌دارد قیام می‌کند، و حق را برای شما می‌آورد  
و به آن عمل می‌کند .

هم‌نام رسول خداوند است، جانم فدای او باد، پس ای  
فرزندان من؛ مدد رسانی به او را ترک نکنید و برای یاریش  
شتاب کنید .

۳- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد .<sup>۱</sup>

اول مظلوم عالم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بیان اوصاف  
جسمانی امام عصر ارواحنا فداه با بیان جمله‌ای که آوردیم، اشتیاق  
عظیم قلبی خویش را اظهار نموده‌اند .

این روایت را جناب جابر جعفی که از نقباء و از اصحاب سر  
امام باقر و امام صادق علیه السلام بوده نقل نموده است .

در این روایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به بیان صفات  
نیکی جسمانی امام عصر ارواحنا فداه اکتفا کرده‌اند و از تشریح  
خصلت‌های معنوی و ملکوتی آن حضرت خودداری فرموده‌اند؛

۱. حضرت نرجس خاتون علیها السلام شاهزاده بزرگ روم، برای پیوستن به خاندان وحی علیه السلام،  
لباس کنیزان را پوشید و در میان آنان رفت و افتخار جاودانه مادر شدن برای حضرت بقیة الله  
ارواحنا فداه را نصیب خود ساخت. به جهت پوشیدن لباس کنیزان و اسارت، از ایشان به  
عنوان بهترین کنیزان در روایات یاد شده است .

زیرا با کسی سخن می‌گفته‌اند که او علّت اصلی همه تباهی‌ها و فسادها در عالم خلقت است.

اکنون به این روایت توجه کنید: جناب جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

سایر عمر بن الخطاب امیر المؤمنین علیه السلام فقال: أخبرني عن المهدي ما اسمه؟  
فقال: أمّا اسمه فإنّ حبيبي عهد إليّ أن لا أحدّث باسمه حتّى يبعثه الله.

قال: فأخبرني عن صفته.

قال: هو شابٌّ مزبوع حسن الوجه حسن الشعر، يسيل شعره على منكبيه، وتور وجهه يعلو سواد لحينه ورأسه،  
بأبي ابن خيرة الإمام<sup>۱</sup>.

عمر بن خطاب در خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام راه می‌رفت، به آن بزرگوار عرض کرد: مرا از نام مهدی خبر ده.

حضرت فرمودند: اما درباره اسم او، حبيب من از من پيمان گرفته است که از نام او سخن نگويم، تا آن زمان که خداوند او را برانگيزد.

عرض کرد: از اوصاف و شمایل او به من خبر ده.

حضرت فرمودند: او جوانی است چهارشانه، نیکو روی و

زیباموی که مویش بر شانه‌اش ریخته و نور صورتش بر سیاهی موی سر و صورتش برتری دارد. پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

۴- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

این کلام را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دیگر بار تکرار نموده‌اند و حارث همدانی آن را از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است.

آن بزرگوار در این روایت بیان فرموده‌اند که پایان ظلم و ستمگری ستمگران با شمشیر انتقامی است که در دست توانای حضرت بقیة الله ارواحنا فداه می‌باشد، و فرموده‌اند: جام تلخ زهر را به کام همه ستمگران جهان فرو خواهد ریخت.

اکنون در دنباله مطلب، به کلام آن بزرگوار که دل غمزدگان را شاد می‌کند توجه کنید:

بأبي ابن خيرة الإمام - يعني القائم من ولده علیه السلام - يسوئهم حسناً، ويسقيهم بكأس مضمرة، ولا يعطيهم إلا السيف هزجاً<sup>۱</sup>.

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد - یعنی حضرت قائم که از

۱. الغيبة مرحوم نعمانی: ۲۲۹.

۱. بحار الأنوار: ۳۶/۵۱.

فرزندان آن حضرت است - خواری و پستی و فرومایگی را بر آنان وارد می‌سازد و با ظرفی که از صبر (دوایی بسیار تلخ) پر است به آنان (ستمگران) می‌خوراند و به آنان چیزی حواله نمی‌کند مگر شمشیرِ خون‌ریز را.

آری، در آن روز است که حکومت سقیفه نشینان و وارثان آنان به پایان می‌رسد و جام تلخ زهر را همه آن‌ها سر خواهند کشید!

۵- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام این گفتار را دیگر بار در یکی از خطبه‌های خود ایراد فرموده‌اند:

فَانظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَإِن لَّبَدُوا فَالْبَدْوَا، وَإِن اسْتَنْصَرُوكُمْ فَانصُرُوهُمْ، لِيَفْرَجَنَّ اللَّهُ بِرَجْلِ مَنْأَ أَهْلِ الْبَيْتِ، بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ، لَا يُعْطِيهِمُ إِلَّا السِّيفَ هَرَجاً هَرَجاً، مَوْضِعاً عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ<sup>۱</sup>.

به اهل بیت پیامبرتان بنگرید؛ اگر آرام گرفتند شما نیز آرام بگیرید و اگر شما را به یاری طلبیدند آنان را یاری کنید، خداوند به طور حتم مردی از ما اهل بیت را (برای نابودی ستمگران) خارج می‌سازد.

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد، به آنان نمی‌دهد مگر

شمشیر را چه آشوبی؛ چه آشوبی؛ هشت ماه شمشیر را بر شانه خود می‌نهد.

در این خطبه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اصلاح جهان و پاکسازی دنیا را از وجود پلیدان لعنت شده نوید می‌دهند، که مدت هشت ماه جنگ با ستمگران در صحنه گیتی ادامه می‌یابد و آن گاه صلح و صفای سراسر جهان حاکم می‌شود.

۶- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام:

آه، چقدر مشتاقم او را ببینم!

این کلام را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از بیان فتنه‌ها و آشوب‌های آینده و یاد از خصلت‌های امام عصر ارواحنا فداه بیان نمودند:

هاه - وأوماً بیده إلی صدره - شوقاً إلی رؤیته<sup>۱</sup>.

آه - و اشاره به سینه مبارک خود نمودند - چقدر مشتاقم او را ببینم!

زیرا آن بزرگوار با احاطه علمی که بر همه چیز داشتند، می‌دانستند فتنه‌هایی که سقیفه نشینان در سقیفه بدر آن را افشاندند، همچنان ادامه خواهد یافت و آتش آن سراسرگیتی را تا زمان‌های دور، سیاه خواهد نمود و سیه‌روزی و بدبختی را نصیب همه مردمان

جهان خواهد کرد و این ظلم و جنایت همچنان ادامه می‌یابد تا آن روز که منتقم آل محمد ﷺ حضرت امام عصر ارواحنا فداه همراه با سیصد و سیزده تن از شخصیت‌های خودساخته، که امر ولایت در جان و دل آنان ریشه دوانده است با تعدادی دیگر از مؤمنان از کنار خانه خدا قیام نمایند، و انتقام همهٔ مظلومین جهان را از همهٔ ستمگران بگیرند.

اگر در روزِ تاریخِ سقیفه یاورانی از جان گذشته در کنار وجود مقدّس اول مظلوم عالم حضرت امیرالمؤمنین ﷺ می‌بودند، دشمنان نمی‌توانستند خانهٔ وحی را به آتش کشیده و ریسمان به گردن امیر عالم هستی افکنده و چهرهٔ ماه را کبود کنند. حضرت امیرالمؤمنین ﷺ در یکی از خطبه‌های خود می‌فرمایند:

فَنظَرْتُ فَإِذَا لَيْسَ لِي مُعِينٌ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِي فَضَنَنْتُ بِهِمْ عَنِ الْمَوْتِ ، وَأَغْضَيْتُ عَلَى الْقَدَى ، وَشَرِبْتُ عَلَى الشَّجَى ، وَصَبَّرْتُ عَلَى أَخْذِ الْكُظْمِ ، وَعَلَى أَمْرٍ مِنْ طَعْمِ الْعَلَقَمِ .

چون مخالفین، خلافت را که حقّ من بود غصب کردند، (در کار خویش) اندیشه کردم؛ دیدم در آن هنگام به غیر از اهل بیت خود یآوری ندارم، راضی نشدم که آنها کشته شوند، و چشمی که خاشاک در آن رفته بود برهم نهادم؛ با این که استخوان گلویم را گرفته بود، جام تلخ را آشامیدم؛ و خشم خود فرو خوردم و بر چیزهای تلخ‌تر از طعم علقم (که گیاهی

است بسیار تلخ) شکیبایی نمودم.<sup>۱</sup>

آری، مظلوم‌ترین فرد جهان هستی پس از بیان همهٔ ستم‌هایی که بر او روا شده، آنگاه که از فتنه‌های آینده یاد می‌کند و نام پایان دهندهٔ همهٔ ظلم‌ها و ستم‌ها را به زبان جاری می‌سازد می‌فرماید:

آه، چقدر مشتاقم او را ببینم!

۷- امام باقر ﷺ می‌فرمایند:

اگر در آن زمان باشم، جان خود را برای صاحب این امر نگه می‌دارم.

این کلام از کسی صادر شده است که شکافندهٔ همهٔ علوم و دانش‌ها در سراسر هستی و آگاه از همهٔ اسرار خلقت می‌باشد، آن کسی که آینده و آیندگان، گذشته و گذشتگان، برای ایشان همچون افرادی هستند که در محضرش حاضر می‌باشند.

آن حضرت وقتی که سخن از آینده و آیندگان به میان می‌آورد، و یکی از قیام‌هائی را که قبل از ظهور امام عصر ارواحنا فداه واقع می‌شود بیان می‌کنند، می‌فرمایند:

... أَمَا إِنِّي لَوُ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ ، لَا سَتَبَقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ .<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام: خطبهٔ ۲۶ ص ۹۲.

۲. الغیبة مرحوم نعمانی: ۲۷۳.



آگاہ باشید؛ اگر من آن زمان را درک نمایم، جان خود را برای صاحب این امر حفظ می‌کنم.

مرحوم آیه الله شیخ محمد جواد خراسانی در کتاب خود نوشته است: مقصود حضرت از آن زمان، وقتی است که گروهی از «شیلا» برای گرفتن حق قیام می‌کنند.

۸- امام باقر علیه السلام:

پدر و مادرم فدای او باد، او همان من و دارای کُنیة من است.

پدرم فدای کسی باد که سراسرگیتی را سرشار از عدل و داد می‌کند همان گونه که پر از ظلم و ستم شده باشد.

این روایت را ابو حمزه ثمالی - که از بزرگان اصحاب آن حضرت است - نقل نموده؛ او می‌گوید: روزی در محضر امام باقر علیه السلام بودم، آنگاه که مردم از خدمت آن بزرگوار مرخص شدند به من فرمودند:

يَا أَبَا حَمْرَةَ؛ مِنَ الْمَحْتَمِ الَّذِي حَتَمَهُ اللَّهُ قِيَامَ قَائِمِنَا، فَمَنْ شَكَّ فِيمَا أَقُولُ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ بِكَ كَافِرٌ.

ثمَّ قَالَ: يَا أَبِي وَأُمِّي الْمُسَمَّى بِاسْمِي وَالْمَكْنَى بِكُنْيَتِي، السَّابِعِ مِنْ وُلْدِي، يَا أَبِي مَنْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

يَا أَبَا حَمْرَةَ؛ مَنْ أَدْرَكَهُ فَيَسَلِّمُ لَهُ مَا سَلَّمَ لِمُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ عليهما السلام فَقَدَّ وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ لَمْ يُسَلِّمْ فَقَدَّ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَيُسُّ مَثْوَى الظَّالِمِينَ<sup>۱</sup>.

ای ابا حمزه؛ از چیزهایی که خداوند آن‌ها را حتمی قرار داده است قیام قائم ما است و کسی که در آنچه می‌گویم شک کند، خداوند را ملاقات می‌کند در حالی که به او کافر است.

پدر و مادرم فدای کسی باد که به نام من نامیده شده و کنیه‌اش کُنیة من است و هفتمین فرد از نسل من است.

پدرم فدای کسی باد که سراسر زمین را پر از عدل و داد می‌نماید همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد.

ای ابا حمزه؛ هر کس در زمان او باشد و تسلیم او گردد همان گونه که تسلیم محمد و علی بوده، بهشت بر او واجب است، و کسی که تسلیم او نباشد خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاه او آتش می‌باشد و بد منزلی است جایگاه ستم‌کاران.

۹- امام صادق علیه السلام:

اگر او را درک کنم، تا زنده باشم به او خدمت می‌کنم.

این کلام را امام صادق علیه السلام هنگامی فرمودند که درباره حضرت بقیة الله ارواحنا فداه از آن بزرگوار سؤال شد:

هَلْ وُلِدَ الْقَائِمُ؟

۱. بحار الأنوار: ۵۱/۱۳۹/۲۴/۲۴۱/۲۶/۳۹۴.

قال: لا، وَلَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخِدْمْتَهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.<sup>۱</sup>

آیا (حضرت) قائم متولد شده است؟

حضرت فرمودند: نه، و اگر او را درک نمایم در تمام دوران زندگی و حیاتم به او خدمت می‌کنم.

۱۰- امام صادق علیه السلام:

برای نور آل محمد (علیهم السلام) دعا نمودم.

عباد بن محمد مدائنی می‌گوید: امام صادق علیه السلام پس از نماز

ظهر دست‌ها را بلند نموده و دعا کردند. گفتم: جانم به فدایتان؛ برای خودتان دعا نمودید؟ فرمودند:

دَعَوْتُ لِنُورِ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام وَسَائِرِهِمْ وَالْمُنْتَقِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ  
أَعْدَائِهِمْ.<sup>۲</sup>

برای نور آل محمد علیهم السلام و پیش رو آنان و کسی که به امر خدا از دشمنان آنان انتقام می‌گیرد، دعا نمودم.

البته خاندان وحی علیهم السلام همه آنها نور هستند و معرفت آنان به

۱. الغيبة مرحوم نعمانی: ۲۷۳، بحار الأنوار: ۱۴۸/۵۱.

صاحب کتاب «عقد الدرر» این روایت و روایات دیگری را به امام حسین علیه السلام نسبت داده و به دلیل سند آن اشتباه است و علت اشتباهش این است که کنیه «ابو عبدالله» را که مشترک است میان امام حسین و امام صادق علیهم السلام، به امام حسین علیه السلام نسبت داده است. رجوع کنید به کتاب «الصحيفة المباركة المهدية».

۲. فلاح السائل: ۱۷۰.

نورانیّت معرفت‌الله است، ولی بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام در این روایت آن حضرت، نور الأنوار می‌باشند.

۱۱- امام موسی کاظم علیه السلام:

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا، سرزنش ملامتگران در او تأثیر نمی‌گذارد.

پدرم فدایش باد که به امر خداوند قیام می‌کند.

یحیی بن فضل نوفلی می‌گوید:

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بعد از نماز عصر دست‌ها را به دعا بلند نموده و دعائی را قرائت کردند.

به آن حضرت عرض کردم: برای چه کسی دعا نمودید؟

قال: ذلِكَ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.

قال: يَا أَبِي الْمُنْبِذِ الْبَطْنِ، الْمَقْرُونِ الْحَاجِبَيْنِ، أَحْمَشَ  
السَّاقَيْنِ، بَعِيدِ مَائِيْنِ الْمَنْكِيِّينِ، أَشْمَرَ اللَّوْنِ، يَعْتَادُهُ مَعَ  
سَمَرْتِهِ صَفْرَةَ مَنْ سَهَرَ اللَّيْلِ، يَا أَبِي مَنْ لَيْلُهُ يَرَعَى النَّجُومَ  
سَاجِدًا وَ رَاكِعًا، يَا أَبِي مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَسُومَةَ لَائِمِّمْ،  
مِصْبَاحِ الدُّجَى، يَا أَبِي الْقَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

حضرت فرمودند: برای مهدی آل محمد علیهم السلام.

آن گاه فرمودند: پدرم فدای آن وجودی باد که دلی برجسته و

۱. بحار الأنوار: ۸۱/۸۶.

ابروانی پیوسته و ساق‌های باریک دارد، و چهارشانه و قوی هیکل و گندم‌گون است، و بر اثر تهجد و شب زنده‌داری رنگش زرد است.

پدرم فدای کسی باد که شب‌ها در حال سجده و رکوع، بسر می‌برد و به ستارگان می‌نگرد و آن‌ها را زیر نظر دارد.

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا سرزنش ملامتگران در او تأثیر نمی‌گذارد، او چراغ هدایت در تاریکی‌های شدید است.

پدرم فدای او که به امر خدا قیام می‌کند.

## ۱۲- حضرت امام رضا علیه السلام:

پدرم و مادرم فدایش باد، او همانم جدم علیه السلام و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است.

این کلام را حضرت امام رضا علیه السلام پس از ذکر فتنه‌های بسیار سختی که از اوّل زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداء واقع شد، بیان نموده‌اند.

این فتنه‌ها آن چنان سخت و ویرانگر است که افراد بسیار زیرک و فهمیده را نیز به دام خود گرفتار می‌نماید.

گرچه آنان مدّعی دین و دینداری هستند، و بر اثر گمراهی آنان، آنچنان غربت و تنهایی امام عصر ارواحنا فداء را فرا می‌گیرد که اهل آسمان و زمین بر او می‌گریند و هر انسان آزاده و دل‌آگاه برای آن حضرت به گریه می‌نشیند.

اکنون به کلام حضرت امام رضا علیه السلام توجه کنید:

لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءَ صَيْنَمَ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَجَةِ  
وَذَلِكَ عِنْدَ فُقْدَانِ الشَّيْعَةِ الثَّلَاثِ مِنَ وُلْدِي، يَبْكِي عَلَيْهِ  
أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ وَكُلُّ حَرِيٍّ وَحَرَآنٍ وَكُلُّ حَزِينٍ  
وَأَهْفَانٍ.

ثمّ قال علیه السلام: يَا أَبِي وَأُمِّي سَمِيَّ جَدِّي علیه السلام وَشَبِيهِي وَشَبِيهِي  
مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ علیه السلام، عَلَيْهِ جُيُوبُ النَّوْرِ، يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ  
ضِيَاءِ الْقُدْسِ.<sup>۱</sup>

ناگزیر فتنه‌ای بسیار سخت و از یادآورنده واقع می‌شود که در آن هر فرد رازدار و مورد اعتمادی سقوط می‌کند و این در زمانی است که شیعیان سؤمین نفر از فرزندان مرا از دست می‌دهند، بر او اهل آسمان و زمین می‌گریند و هر مرد و زنی که تشنه دیدار او باشند و هر غمگین و حسرت زده‌ای بر او می‌گرید.

سپس فرمودند: پدر و مادرم فدای او باد، او همانم جدم علیه السلام و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است، بر او پیراهن‌های نور می‌باشد که از شعاع نور قداست و پاکی فروغ می‌گیرد.

شبیه این روایت را از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نمودیم.

۱. الغيبة نعمانی: ۱۸۰، کمال الدین: ۳۷۰، بحار الأنوار: ۱۵۲/۵۱، إلیزام الناصب: ۲۲۱/۱.

«از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که آن حضرت در مجلسی که در خراسان داشتند هنگام ذکر لفظ «قائم» ایستادند و دو دست خود را بر سر مبارک نهادند و گفتند:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فرجه و سهّلْ مخرجه .

آن گاه از خصوصیات حکومت آن حضرت صحبت فرمودند . مرحوم محدّث نوری در کتاب «نجم الثاقب» می فرماید: قیام و تعظیم نمودن مردم به هنگام شنیدن نام امام زمان ارواحنا فداه مخصوصاً لقب مخصوص آن حضرت، سیره و روش همه شیعیان از عرب و عجم و ترک و هند و دیلم و غیر آن در همه بلاد است بلکه اهل سنّت نیز به آن عمل می کنند.<sup>۱</sup>

مرحوم علامه امینی در «الغدیر» می نویسد: روایت شده که وقتی دعبل قصیده خود را برای امام رضا علیه السلام خواند و از حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه یاد نمود:

فلولا الذي أرجوه في اليوم أو غدٍ تقطع نفسي إثرهم حسراتي  
خروج إمام لا محالة خارج يقوم على اسم الله والبركات

اگر نبود آنچه برای امروز یا فردا به آن امیدوارم، نفس من از روی حسرت قطع می گشت .

و آن خروج امامی است که ناگزیر خروج خواهد کرد و با

۱. إلزام الناصب: ۲۷۱/۱.

نام نامی پروردگار و برکات الهی قیام می نماید .

حضرت امام رضا علیه السلام دست خود را بر سر نهادند و تواضع نمودند در حالی که برای فرج آن حضرت دعا می نمودند.<sup>۱</sup>

\* \* \*

مقدمه کتاب را با نقل روایتی که در کتاب «تنزیه الخاطر» آورده است پایان می دهیم:

از امام صادق علیه السلام از علّت ایستادن در وقتی که لفظ «قائم» - که از القاب حضرت حجّت صلوات الله علیه است - برده می شود، سؤال شد . امام صادق علیه السلام فرمودند:

به این جهت که زیرا برای ایشان غیبتی است طولانی و از شدّت رأفت آن حضرت به دوستانش، نظر می کند به هر کسی که او را به این لقب - که دلالت بر دولت او و حسرت به غربت او دارد - یاد نماید، و از تعظیم نمودن بندهای که برای صاحب خود خضوع می نماید این است که به هنگامی که مولای باجلالت او با دیدگان شریفش به سوی او می نگرد، در برابر او بایستد . پس هر کس این نام را به زبان می آورد باید بایستد و باید از خداوند بزرگ تعجیل فرج او را طلب نماید.<sup>۲</sup>

۱. الغدیر: ۳۶۱/۲. شبیه این روایت را علامه مجلسی در «بحار الأنوار: ۱۵۴/۵۱» نقل نموده است .

۲. إلزام الناصب: ۲۷۱/۱.

از خداوند بزرگ می‌خواهیم که ما را از مستظران ظهور آن حضرت صلوات الله علیه قرار دهد و ستایش مخصوص خداوند است که پروردگار جهانیان است.

وما توفیقی إلا بالله  
مرتضی مجتهدی سیستانی

## بخش اول



در این بخش بعضی از نمازهایی را که از امام زمان ارواحنا فداه روایت شده، یا برای آن حضرت نقل گردیده، می‌آوریم:



### نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید بن طاووس رحمته الله می‌فرماید: نماز حضرت حجّت ارواحنا فداه دو رکعت است که در هر رکعت سوره «حمد» را تا «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» می‌خوانی، و چون به این آیه رسیدی صد مرتبه آن را تکرار می‌کنی، و بعد بقیه سوره «حمد» را خوانده و بعد از آن سوره اخلاص را یک مرتبه می‌خوانی و پس از نماز این دعا را می‌خوانی:

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخِفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغَطَاءُ،

خداوند! بلا و مصیبت بزرگ شد، و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار گشت)، و پرده کنار زده شد،

وَضَاقَتْ الْأَرْضُ بِمَا وَسَعَتِ السَّمَاءُ، وَإِيَّاكَ يَا رَبِّ

وزمین (بر ما) تنگ آمد با وجود وسعت آسمان، و شکایت ما تنها به

المُشْتَكِي، وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشُّدَّةِ وَالرَّخَاءِ.

سوی توست، و اعتماد و تکیه ما در هر سختی و سستی بر توست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الَّذِينَ أَمَرْتَنَا

خداوندا؛ درود بفرست بر محمد و آل محمد، کسانی که ما را به اطاعتشان

بِطَاعَتِهِمْ. وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ، وَأَظْهِرْ

امر کردی. خداوندا؛ فرج آل محمد را به وسیله قائم ایشان تعجیل فرما، و عزت و بزرگی او را

إِعْزَازَهُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِكْفِيَانِي

ظاهر کن؛ ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد؛ مرا کفایت کنید

فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ

که شما کفایت‌کنندگان من هستید. ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد؛

أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا

مرا یاری کنید، که شما یاری‌کنندگان من هستید. ای محمد؛ ای علی؛ ای

عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِحْفَظَانِي فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ، يَا

علی؛ ای محمد؛ مرا حفاظت کنید که شما حافظ و نگهدار من هستید. ای

مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ

مولای من ای صاحب الزمان؛ ای مولای من ای صاحب

الزَّمَانِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، أَلْغَوْثَ

الزمان؛ ای مولای من ای صاحب الزمان؛ به فریاد رس

الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، الْأَمَانَ

به فریاد رس به فریاد رس، مرا دریا ب مرا دریا ب مرا دریا ب مرا دریا ب، امانم ده

الْأَمَانَ الْأَمَانَ ۱.

امانم ده امانم ده.



### نماز مسجد مقدس جمکران

حسن بن مثله علیه السلام می‌گوید: مولای مان امام زمان صلوات الله علیه به

من فرمودند:

به مردم بگو: باید به این مکان رغبت کنند (بیایند)، و آن را

عزیز و بزرگ دارند و در اینجا چهار رکعت نماز گذارند: دو

رکعت برای تحیت و احترام مسجد، که در هر رکعت یک

مرتبه سوره حمد و هفت مرتبه سوره اخلاص، و در هر رکوع

و سجده، ذکر آن را هفت مرتبه بگویند.

و پس از آن دو رکعت برای امام زمان صلوات الله علیه به گونه‌ای

که ذکر می‌شود انجام دهد: سوره «حمد» را شروع کند، به

آیه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ که رسید آن را صد مرتبه

تکرار کند، سپس سوره «حمد» را تمام کرده، سوره «اخلاص»

را بعد از آن بخواند و در هر رکوع و سجده ذکر آن را هفت

۱. جمال الأسبوع: ۱۸۱، بحار الأنوار: ۱۹۱/۹۱.

مرتبه بگوید و رکعت دوم را نیز همین گونه بخواند. و چون نماز را به پایان برد تهلیل<sup>۱</sup> گفته و تسبیح حضرت فاطمه زهراء علیها السلام بگوید و چون از آن فارغ شد به سجده رفته بر محمد و آل محمد صد مرتبه صلوات فرستد.

سپس حضرت این کلمات را فرمودند:

فَمَنْ صَلَّىٰ فَكَأْتَمَّا صَلَّىٰ فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ .

هر کس این نماز را بخواند گویا در بیت عتیق (کعبه) خوانده است.<sup>۲</sup>



### نماز توجّه

به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه

احمد بن ابراهیم گوید: به ابی جعفر محمد بن عثمان علاقه ام را برای دیدن مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداه عرض کردم.

به من گفت: آیا با اشتیاق فراوان دوست داری امام را ببینی؟  
گفتم: آری.

به من گفت: خدا به این اشتیاق پاداش دهد و جمال حضرت

۱. «لا إله إلا الله» یا «لا إله إلا الله وحده وَّحده» .

۲. جنة المأوى: ۲۳۱. درباره مسجد مقدس جمکران، مطالب مهمی را در کتاب «صحيفة مهدیه» نقل کردیم به آن کتاب رجوع شود.

را به آسانی و عافیت به تو نشان دهد. اما ای ابا عبدالله؛ التماس نکن که او را ببینی؛ زیرا در ایام غیبت شوق دیدار آن حضرت وجود دارد ولی دیدار او درخواست نمی شود<sup>۱</sup>، چرا که این اراده خداست و تسلیم در برابر اراده او بهتر است اما با خواندن زیارت به آن حضرت توجه کن.

اما کیفیت عمل: آنچه به محمد بن علی املا کرده و دیگران از او نسخه برداری کرده اند آن توجه به صاحب الزمان ارواحنا فداه است با خواندن زیارت بعد از دوازده رکعت نماز که به صورت دو رکعتی انجام می دهی و «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» را در تمام این رکعت ها

۱. گفتنی است که برای احمد بن ابراهیم این گونه تقدیر شده است نه برای تمام شیعه؛ چون برخی دیگر از شیعیان چنین حاجتی از شیخ عمری رحمته الله داشته اند و اجابت شده است.

زهری می گوید: خیلی می خواستم امام زمان ارواحنا فداه را ببینم حتی در این راه مال زیادی هم خرج کردم تا به شیخ عمری رسیدم و او را خدمت کردم و با اصرار از او خواستم امام زمان ارواحنا فداه را به من نشان بدهد.

گفت: این کار ممکن نیست؛ به او اصرار کردم تا آن که گفت: فردا صبح بیا. صبح فردا که رفتم شیخ به استقبال آمد در حالی که جوانی در نهایت زیبایی و خوشبویی همراه او بود و در آستینش چیزی داشت که او را به شکل تجار نشان می داد.

چون آن جوان را دیدم به سوی شیخ عمری رفتم، شیخ اشاره کرد که به سوی آن جوان روم، و من هم به سوی جوان رفتم و از او سئوالاتی پرسیدم که هر چه پرسیدم جواب داد سپس خواست داخل خانه ای شود که به آن اعتنایی نمی شد.

شیخ عمری گفت: اگر می خواهی از او سئوال کنی بپرس که بعد از این او را نخواهی دید.  
(الإحتجاج: ۲/۲۹۷).

می خوانی، بر محمد و آل محمد صلوات فرستاده و می گوئی  
سخن خداوند عزوجل را:

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ مِنْ

سلام بر آل یاسین، این همان فضل آشکار است از

عِنْدِ اللَّهِ، وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، إِمَامُهُ مَنْ يَهْدِيهِ

جانب خداوند، و خدا صاحب فضل بزرگ است، پیشوای او کسی است که او را به

صِرَاطِهِ الْمُسْتَقِيمِ، قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ خِلَافَتَهُ يَا آلَ

راه مستقیم خداوند هدایت کند؛ به تحقیق خدا به شما خلافتش را داده است ای آل

یاسین ... ۱

یاسین.



## نماز و دعای فرج

### برای رفع مشکلات مهم

ابو جعفر محمد بن جریر طبری در کتاب «مسند فاطمه (ع)»  
می گوید: ابو حسین کاتب گفت: کاری را از ابی منصور صالحان  
به عهده گرفتم و چیزی میان من و او پیش آمد کرد که لازم شد

۱. بحار الأنوار: ۱۷۴/۵۳. و زیارت را به طور کامل - این شاه الله - در بخش «زیارتها» نقل  
خواهیم کرد.

مخفی شوم و او در جستجوی من بود و تهدیدم می کرد.

مدتی از ترس او مخفی شدم و در شب جمعه ای که باد و باران  
می وزید به قبرستان قریش رفتم. آنجا برای دعا در حجره ای  
نشستم و از ابن جعفر قیم خواستم که درها را ببندد و کوشش کند  
تا آن محل خلوت باشد و من برای دعا و نیایش با خدا خلوت کنم،  
و ایمن باشم از وارد شدن شخصی که نسبت به او ایمن نیستم و از  
دیدارش بیمناکم. ابن جعفر درها را قفل کرد و شب به نیمه رسید  
و آن قدر باد وزید و باران بارید که دیگر کسی به آنجا نمی توانست  
بیاید.

من دعا و زیارت و نماز می خواندم تا این که در این بین صدای  
پایی از کنار قبر مولای مان حضرت موسی بن جعفر (ع) به گوشم  
رسید، در این هنگام مردی را دیدم که زیارت می خواند. در  
زیارتش به حضرت آدم و پیامبران اولوالعزم (ع) و هر یک از  
ائمّه (ع) درود فرستاد تا به امام زمان صلوات الله علیه رسید ولی آن  
حضرت را یاد نکرد.

از این کار او تعجب کردم و با خود گفتم: شاید فراموش کرد یا  
نمی داند یا مذهب این مرد این گونه است.

وقتی زیارتش به پایان رسید دو رکعت نماز خواند و رو کرد به  
طرف قبر مولای مان ابی جعفر امام جواد (ع) و مثل همان زیارت و  
سلام را خواند و دو رکعت نماز گزارد. در حالی که من از او



بیمناک بودم چون او رانمی شناختم. و او را جوانی از بزرگان دیدم که لباس های سفیدی بر تن داشت و عمامه ای که دارای تحت الحنک بود و ردایی که بر دوش داشت.

به من گفت: ای ابا الحسین پسر ابی العلاء! چرا دعای فرج نمی خوانی؟ گفتم: چگونه است ای سرور من؟ فرمود:

دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ

ای کسی که زیبایی را آشکار کرد و زشتی را بپوشاند، ای آن که به گناه مؤاخذه نکرده

بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْمَنْ، يَا كَرِيمَ

و پرده را ندرد، ای آن که احسانش بر بندگان بزرگ و عفو و گذشت او

الصَّفْحِ، يَا مُبْتَدِيَّ النُّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا حَسَنَ

بزرگوارانه است، ای آغازگر نعمتها قبل از استحقاق آن، ای صاحب گذشت نیکو

التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ

و آمرزش فراگیر، ای آن که دستان رحمتش باز است،

بِالرَّحْمَةِ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى، وَيَا غَايَةَ كُلِّ

ای نهایت هر نجوا و رازگوئی، و ای پایان هر شکوه

شَكْوَى، وَيَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ، يَا مُبْتَدِيَّ النُّعْمِ

و شکایت، ای یار هر یاری طلب، ای آغازگر نعمتها

قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، «يَا رَبَّاهُ» ده مرتبه، «يَا سَيِّدَاهُ» ده

قبل از استحقاق آن، ای پروردگارم؛ ای آقا و سرورم؛

مرتبه، «يَا مَوْلَاهُ» ده مرتبه، «يَا غَايَتَاهُ» ده مرتبه، «يَا

ای مولایم، ای نهایت مقصودم؛ ای

مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ» ده مرتبه. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ،

نهایت اشتیاقم؛ از تو می خواهم به حق این نامها

وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الْإِلَّا مَا

و به حق محمد و آل پاکش - که بر آنان درود باد - که

كَشَفَتْ كَرْبِي، وَنَقَسَتْ هَمِّي، وَفَرَّجَتْ عَنِّي،

بلا و سختی را از من برطرف کنی، و اندوهم را بزدايي، و گشایش در کارم دهی،

### وَأَصْلَحْتَ حَالِي.

و حالم را اصلاح نمایی.

بعد از آن هر چه می خواهی دعا کن، و حاجتت را بطلب؛

سپس گونه راست صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه در

آن حال می گویی:

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا

ای محمد ای علی؛ ای علی ای محمد؛ مرا کفایت کنید که همانا شما

كَافِيَانِي، وَأَنْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَانِي.

مرا کفایت کننده اید و یاریم کنید که شما مرا یاری کننده اید.

سپس گونهٔ چپ صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه می‌گویی: «أَذْرِكُنِي» «مرا دریاب» و آن را بسیار تکرار کن. و سپس به اندازهٔ یک نفس می‌گویی: «الْعُوْثُ [ الْعُوْثُ ] الْعُوْثُ» «به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس»؛ بعد سر از زمین بردار که خداوند با بزرگواریش حاجتت را برآورده می‌کند این شاء الله.

وقتی به نماز و دعا مشغول شدم او خارج شد. بعد از نماز به سراغ ابن جعفر رفتم تا از او دربارهٔ آن مرد و چگونگی ورودش بپرسم. دیدم درها بسته و قفل هستند.

تعجب کردم و با خود گفتم: شاید او از ابتدای شب این جا بوده و من نمی‌دانستم. ابن جعفر قیّم را صدا زدم. ابن جعفر از اطاقی که روغن چراغ‌های حرم در آنجا بود آمد.

از او دربارهٔ این مرد و چگونگی ورودش سؤال کردم. گفت: همان طور که می‌بینی درها بسته است و من آن را باز نکرده‌ام. دوباره جریان را از او جويا شدم، گفت:

آن مرد مولای مان امام زمان صلوات الله علیه بود و من بارها ایشان را در مثل امشب و هنگامی که این جا خالی از مردم است دیده‌ام.

با شنیدن این حرف، تأسّف و حسرت فراوان خوردم که چرا ندانستم. نزدیک طلوع فجر از آنجا خارج شدم تا به محلی که در

آن مخفی شده بودم روانه شوم. آفتاب هنوز بالا نیامده بود که کسانی از سوی ابن صالحان با امان‌نامه‌ای از وزیر و نامه‌ای به خطّ خودش سراغ مرا از دوستانم می‌گرفتند و به دنبال من می‌گشتند. با یکی از دوستان مطمئن خود نزد او رفتم، برایم برخاست و مرا چنان احترام کرد که هرگز مانند آن را به یاد نداشتم.

رو کرد به من و گفت: حالت آن گونه شد که به امام زمان ارواحنا فداء شکایت مرا نمودی؟

گفتم: من تنها دعا و درخواست کردم. گفت: وای بر تو، دیشب (شب جمعه) مولایم امام زمان صلوات الله علیه را در خواب دیدم که مرا به نیکی کردن دربارهٔ تو امر فرمود و در این مورد چنان به من تندی نمود که ترسیدم.

پس گفتم: لا إله إلا الله؛ شهادت می‌دهم که ائمه علیهم السلام بر حقّ اند و حقّ به آنان ختم می‌شود؛ من دیشب آقایم را در بیداری دیدم و به من چنین و چنان فرمودند. و آنچه با چشم خود دیده بودم شرح دادم.

ابی منصور از آن تعجب کرد و کارهای بزرگ نیکی انجام داد. و به برکت مولایمان صاحب الزمان ارواحنا فداء آنچه فکر آن را هم نمی‌کردم، از سوی امیر دربارهٔ من انجام شد.<sup>۱</sup>

۱. تبصرة الولی: ۱۹۲، بحار الأنوار: ۳۴۹/۹۱، دلائل الإمامة: ۵۵۱.

نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید علیخان علیه السلام در «الکلم الطیب» می گوید: این استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه است، هر جا باشی دو رکعت نماز با حمد و سوره بجای آور، آن گاه رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَصَلَوَاتُهُ  
سلام کامل و تمام و شامل و عامّ خداوند، و درودهای

الدَّائِمَةُ وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ، عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ  
همیشگی و برکات پاینده و کامل خدا، بر حجت خدا

وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ  
و ولی او بر روی زمین و شهرهای او، و جانشین او بر آفریدگان او

وَعِبَادِهِ، وَسَلَاةِ النَّبُوَّةِ، وَبَقِيَّةِ الْعِثْرَةِ وَالصَّفْوَةِ،  
و بندگانش و بر نسل پاک نبوت، و باقی مانده عترت و برگزیدگان، حضرت

صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ، وَمُتَلَقِّنِ أَحْكَامِ  
صاحب الزمان، و آشکار کننده ایمان، و آموزنده و تعلیم گر احکام

الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ الْأَرْضِ، وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ  
قرآن، و پاک کننده زمین، و نشر دهنده عدل در طول

وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ، الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ

و عرض (جهان)، و حجت قائم مهدی، امام منتظر

الْمَرْضِيِّ، وَابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ بْنِ

پسندیده، و فرزند پیشوایان پاک، وصی که فرزند

الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، الْهَادِي الْمَعْصُومِ بْنِ الْأَيْمَةِ

اوصیاء پسندیده است، راهنمای معصومی که فرزند امامان

الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعَزَّ الْمُؤْمِنِينَ

هدایت گر معصوم است. سلام بر تو ای عزت بخش مؤمنانی که آن ها را ضعیف شمرده

الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدِلَّ الْكَافِرِينَ

و به ناتوانی واداشته اند؛ سلام بر تو ای خوارکننده کافران

الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا

متکبر ستمگر؛ سلام بر تو ای مولای من ای

صَاحِبِ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ،

صاحب الزمان؛ سلام بر تو ای فرزند رسول خدا؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان؛ سلام بر تو

يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

ای فرزند فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان؛ سلام بر

عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَيْمَةِ الْحُجَجِ الْمَعْصُومِينَ وَالْإِمَامِ

تو ای فرزند امامان که حجت‌های معصوم بودند و ای رهبر و پیشوای

عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ

تمام خلایق؛ سلام بر تو ای مولای من؛ سلام کسی که در ولایت برای تو اخلاص دارد

مُخْلِصٍ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ

(تنها ولایت و محبت تو را دارد). شهادت می‌دهم که همانا تو پیشوای هدایت‌شده و هدایتگری

قَوْلًا وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا،

از جهت گفتار و کردار؛ و تو همان کسی هستی که زمین را از عدل و داد پر خواهی کرد

بَعْدَ مَا مَلَأْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ،

بعد از آن‌که از جور و ستم پر شده باشد؛ پس خدا در ظهورت تعجیل کند،

وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ

و خروجت را آسان و زمان ظهورت را نزدیک نماید، و یاران و یاوران تو را زیاد گرداند،

وَأَعْوَانَكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ، فَهُوَ أَصْدَقُ

و به آنچه به تو وعده داده است وفا کند، که او راستگوترین سخنگویان است

الْقَائِلِينَ ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي

(آنجا که می‌فرماید): «می‌خواهیم بر اهل ایمانی که در زمین ضعیف شمرده شده‌اند منت گذاشته

الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۱</sup>. يَا

و ایشان را پیشوایان خلق و وارثان زمین قرار دهیم». ای

۱. سوره قصص، آیه ۵.

مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، حَاجَتِي

مولای من ای صاحب الزمان، ای فرزند رسول خدا؛ حاجتم

كَذَا وَكَذَا، وَبِهِ جَايَ «كَذَا وَكَذَا» حَاجَتِ خُودِ رَا ذَكَرْ نَمَايِدْ،

چنین و چنان است؛

فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي،

تو در مورد برآورده شدن آن برای من (در پیشگاه خدا) شفاعت کن، که من به شما برای رفع حاجتم

لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً، وَمَقَامًا

روی آورده‌ام؛ چون می‌دانم که شفاعت تو در پیشگاه خدا پذیرفته شده و برای شما مقام

مَحْمُودًا، فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ، وَارِ تَضَاكُمُ

ستوده است؛ پس به حق آن کسی که شما را به امر خودش اختصاص داد و برای

لِسِرِّهِ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ،

اسرار خود برگزید، و به آن شأن و مقامی که نزد خدا برای شما است و ارتباطی که میان شما و

سَلِ اللَّهُ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي، وَاجَابَةَ دَعْوَتِي،

اوست از خدا بخواهید که خواسته‌هایم را برآورده ساخته و دعایم را مستجاب گرداند،

وَكَشْفِ كُرْبَتِي. وَهَرِ چِه دُوسْت دَارِی دَعَاكُنْ وَبِخَوَاهِ كِه اَن

و اندوهم را برطرف سازد.

شَاءَ اللَّهُ بَرَأُورْدَه مِی شُود.<sup>۱</sup>

۱. مفاتیح الجنان: ۲۴۳، به نقل از الکلم الطیب: ۸۳.



## اهداء نماز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در روز پنجشنبه

شیخ طوسی رحمته الله علیه در کتاب «مصباح کبیر» خود می‌گوید: روایت شده که برای هدیه کردن نماز به معصومین علیهم السلام به این طریق باید عمل کرد:

روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و چهار رکعت هدیه به فاطمه زهرا علیها السلام.

روز شنبه چهار رکعت هدیه به امیرالمؤمنین علیه السلام و هر روز چهار رکعت هدیه برای یکی از ائمه علیهم السلام تا روز پنج شنبه که چهار رکعت به امام جعفر صادق علیه السلام هدیه می‌کند.

سپس دوباره روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و چهار رکعت هدیه به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

سپس روز شنبه، چهار رکعت هدیه به امام کاظم علیه السلام و همین کار را ادامه دهد تا روز پنجشنبه، چهار رکعت به امام زمان ارواحنا فداء هدیه کرده و بین دو رکعت نماز این دعا را بخواند:

**اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ**

بار خداوندا! تو سلامی و سلام از جانب توست، و به سوی تو بازمی‌گردد.

**السَّلَامُ، حَيْنَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ**

پروردگارا! سلامی از سوی خودت بر ما هدیه کن. خداوندا! این

**الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ ۱، فَصَلِّ**

چند رکعت نماز هدیه‌ای است از من به حجت بن الحسن، پس بر

**عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُ إِيَّاهَا، وَأَعْطِنِي**

محمد و آل محمد درود بفرست و این هدیه را به او برسان و

**أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ، وَفِي رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ**

به من فزون‌تر از آرزو و آمیدی که در مورد تو و رسولت - که رحمت و درود تو

**عَلَيْهِ وَآلِهِ [وَفِيهِ]،** و هر چه دوست داری طلب کن و دعا کن. ۲.

بر او و آل او باد - [و در مورد حجت] دارم عطا فرما.



## نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در شب جمعه

سید بن طاووس رحمته الله علیه می‌فرماید: در کتاب «کنوز النجاج» نوشته

ابو علی فضل بن حسن طبرسی رحمته الله علیه آمده است: احمد بن دربی از

خزانه و او از ابی عبدالله حسین بن محمد بزوفری روایت کرده

۱. نام امامی را که نماز را به او هدیه می‌کنی بگو.

۲. جمال الأسبوع: ۳۴، دعوات راوندی: ۱۰۸، مصباح المتهجد: ۳۲۲.

است که از ناحیه مقدسه وارد شده است :

هر کس از درگاه ربوبی حاجتی دارد شب جمعه بعد از نصف شب غسل کرده و به جایگاه نماز خود رفته و دو رکعت نماز بخواند. در رکعت اول سوره حمد را بخواند تا برسد به آیه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ و آن را صد مرتبه تکرار کند و سپس سوره حمد را تا آخر و سوره توحید را یک مرتبه بخواند. سپس به رکوع و سجده رفته و در هر کدام، ذکر آن را هفت مرتبه بگوید.

رکعت دوم را نیز به همین صورت بجا آورد سپس دعایی را که ذکر می شود بخواند، که خدای تعالی به طور قطع حاجتش را هر چه باشد برآورده می کند؛ مگر آن که قطع صلۀ رحم را خواسته باشد.

و دعا (چنین است):

اللَّهُمَّ إِنَّ أَطْعَمَكَ فَأَلْمَحْمَدَةُ لَكَ، وَإِنْ عَصَيْتَكَ

خداوندا! اگر تو را اطاعت کردم حمد و سپاس شایسته توست، و اگر تو را نافرمانی کردم حجت

فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفَرَجُ، سُبْحَانَ مَنْ

و دلیل تو بر من تمام است، آسایش و راحتی و حل مشکلات از ناحیه توست، پاک و منزّه است

أَنْعَمَ وَشَكَرَكَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ وَغَفَرَ. اللَّهُمَّ إِنَّ كُنْتُ

کسی که نعمت داد و شکر گزارد، پاک و منزّه است کسی که قدرت داشت و بخشید. خداوندا!

قَدْ عَصَيْتَكَ، فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ

اگر معصیت و نافرمانی تو را کردم؛ به راستی که در محبوب ترین چیزها

إِيَّاكَ وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَكْدًا، وَلَمْ أَدْعُ

نزد تو که ایمان به توست، تو را اطاعت کرده ام؛ فرزندی برای تو نگرفتم؛ و شریکی برایت

لَكَ شَرِيكًا، مَتَّأ مِنْكَ بِه عَلَيَّ لَا مَتَّأ مِنِّي بِه عَلَيْكَ،

نخواندم؛ و اینها ممتی از تو بر من است نه ممتی باشد از من بر تو؛

وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ، وَلَا

خدای من؛ تو را نافرمانی کردم نه از روی گردنکشی، و نه برای

الْخُرُوجِ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ،

خارج شدن از مرتبه بندگی تو، و نه برای انکار ربوبیت تو؛

وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ، وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ، فَلَكَ

بلکه از هوای نفسم پیروی کردم و شیطان مرا دچار لغزش ساخت؛ پس

الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ، فَإِنْ تُعَذِّبُنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ

حجت و بیان تو بر من تمام است، پس اگر عذابم کنی به خاطر گناهانم می باشد و تو

ظَالِمٌ، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي، فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ،

ستمگر نیستی و اگر مرا بیامری و ترخم نمایی همانا تو بخشنده بزرگواری،

يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ، (این کلمه را به قدر یک نفس تکرار کند)،

ای بزرگواری ای بزرگواری

سپس بگوید: **يَا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ، وَكُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ**

ای آن که از هر چیزی در ایمن هستی و همه از تو

**خَائِفٌ حَذِرٌ ، أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ، وَخَوْفٍ**

ترسان و بیمناکند؛ از تو می‌خواهم امنیت و امان تو از هر چیز و ترس

**كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،**

هر چیز از تو، که بر محمد و آل محمد درود بفرستی

**وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي ، وَسَائِرِ**

و به من در مورد خودم و خانواده و فرزندانم و دیگر نعمت‌هایی که به من داده‌ای امنیت و

**مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ ، حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا ، وَلَا أَخْذَرَ**

آسودگی عطا کنی، تا هرگز از کسی نترسم و از چیزی بیمناک

**مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَحَسْبُنَا**

نباشم؛ همانا تو بر هر کاری قادر و توانایی. و خداوند، ما را بس است

**اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، يَا كَافِيَّ إِبْرَاهِيمَ نَمْرُودَ ، يَا كَافِيَّ**

و او خوب وکیلی است. ای کفایت‌کننده ابراهیم از شر نمرود، و ای کفایت‌کننده

**مُوسَى فِرْعَوْنَ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ**

موسی از شر فرعون، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل

**مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَكْفِينِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ .**

محمد درود بفرستی و مرا از شر «فلانی فرزند فلانی» کفایت کنی.

پس به خواست خدا، دعاکننده از شر کسی که از او می‌ترسد  
در امان خواهد بود.

آن‌گاه سجده کرده و حاجتش را می‌طلبد و به سوی خدا  
تضرع و ناله می‌کند.

هیچ زن و مرد مؤمنی نیست که این نماز را بخواند و با  
خلوص نیت دعا کند مگر این که برای او درهای آسمان برای  
اجابت باز شده و در همان وقت و همان شب هر که باشد  
دعایش اجابت می‌شود و این از فضل خداوند بر ما و مردم  
است.<sup>۱</sup>

۱. مهج الدعوات: ۲۵۱، المصباح: ۵۲۲ با اندکی تفاوت.

## بخش دوم



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنافداه  
در قنوت هر نماز

شهید اول علیه السلام در کتاب «ذکری» می‌گوید: ابن ابی عقیل، این دعا را که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده برای خواندن در قنوت انتخاب کرده است:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شَخَصَتِ الْأَبْصَارُ، وَنُقِلَتِ الْأَقْدَامُ،

بارالها! چشم‌ها، به تو دوخته شده است، گام‌ها به سوی تو برداشته شده،

وَرُفِعَتِ الْأَيْدِي، وَمُدَّتِ الْأَعْنَاقُ، وَأَنْتَ دُعِيتَ

دست‌ها به سوی تو بالا آمده، گردن‌ها به سوی تو کشیده شده است. تویی که با زبان‌ها،

بِالْأَلْسُنِ، وَإِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ،

فراخوانده می‌شوی؛ و کارهای پنهانی و رازهای (مردم) به طرف توست؛



رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ

پروردگارا؛ بین ما و قوم ما به حق حکم کن، که تو بهترین حکم کننده و

الْفَاتِحِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا، وَقِلَّةَ

قضاوت کننده هستی. بارالها؛ از عدم حضور پیامبرمان، کمی نفرت‌مان، فراوانی

عَدَدِنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَتَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا،

دشمنان‌مان، و پشتیبانی دشمنان‌مان از یکدیگر علیه ما و وجودفتنه‌های فراوان برای ما؛ به توشکایت

وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بِعَدْلِ تَظْهِرُهُ،

می‌کنیم. بارالها؛ با عدالتی که آشکارش می‌کنی، و امام و پیشوای راستینی که به همگان معرفی می‌کنی،

وَإِمَامٍ حَقٌّ تُعَرِّفُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

این گرفتاری‌ها را برطرف کن و گشایشی فرما؛ ای معبود به حق، اجابت کن؛ ای پروردگار جهانیان.

وی می‌افزاید: روایتی به من رسیده است که امام صادق علیه السلام

همواره به شیعیان خود دستور می‌فرمودند پس از کلمات فرج، در

قنوت این دعا را بخوانند.<sup>۱</sup>



دعای قنوت حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه

این قنوت را سید بن طاووس رحمته الله علیه در «مهج الدعوات» و

کفعمی رحمته الله علیه در «البلد الامین» از امام زمان ارواحنا فداه نقل نموده‌اند:

۱. بحار الأنوار: ۲۰۷/۸۵.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَكْرِمِ أَوْلِيَاءَكَ

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود فرست؛ و اولیا و دوستانت را با عمل به وعدهات

بِأَنْجَازِ وَعْدِكَ، وَبَلِّغْهُمْ دَرَكَ مَا يَأْمُلُونَهُ مِنْ نَصْرِكَ،

گرامی بدار و آنان را به دستیابی آنچه آرزو دارند از یاری تو برسان؛

وَإِكْفُفْ عَنْهُمْ بِأَسْ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ،

و باز بدار از ایشان سختی و شکنجه و عذاب کسی را که بنای مخالفت با تو را دارد،

وَتَمَرِّدَ بِمَنْعِكَ عَلَيَّ رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ، وَاسْتَعَانَ

از منع تو نسبت به ارتکاب گناه و مخالفت سرپیچی نموده، و به کمک و عطای تو یاری جسته بر

بِرْفُودِكَ عَلَيَّ فَلِّ حَدِّكَ، وَقَصِدَ لِكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ،

شکستن حرمتت؛ و به وسیله خوبی‌ها و نعمت‌هایی که از توست، قصد مکر و فریب‌دادن تو را دارد.

وَوَسِعَتْهُ حِلْمًا لِيَتَأْخُذَهُ عَلَيَّ جَهْرَةً، وَتَسْتَأْصِلَهُ عَلَيَّ

البته تو نسبت به این مخالف خود بردباری کرده‌ای تا ناگهان و آشکارا او را گرفتار کنی، و با وجود قدرتی که

عِزَّةً. فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿حَتَّى إِذَا

یافته - او را به سختی مستأصل و بیچاره کنی. خداوند؛ تو در قرآن فرموده‌ای و گفته تو حقیقت دارد: «تا آن که

أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَأَزْيَّتَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ

زمین آراسته و دارای زر و برق شد، و اهلس گمان کردند که

قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهُمْ

قدرت و توانایی بر آن را دارند؛ - در این حال - دستور ما، شبانه یا به هنگام روز در رسید، و آن‌ها را

حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ

دروشده ساختهيم؛ به گونه‌ای که گویا دبروز هيچ نداشته است؛ اين گونه نشانه‌ها را برای کسانی که اهل

لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ<sup>۱</sup>، وَقُلْتَ ﴿فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا

تفکر و اندیشه باشند، به تفصیل بیان می‌کنيم. و نیز فرموده‌ای: «وقتی ما را به خشم آورده و ناراحت کردند،

مِنْهُمْ<sup>۲</sup>، وَإِنَّ الْغَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ، وَإِنَّا لِعَضْبِكَ

از ایشان انتقام گرفتيم. (خدايا) واقعتاً آن است که ما به آخر خط رسیده‌ايم و تحمل نداريم، ما با خشم تو

غَاضِبُونَ، وَإِنَّا عَلَىٰ نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ، وَإِلَىٰ

به خشم می‌ايم، و برای یاری حق و حقیقت به هم پیوسته‌ايم، و

وَرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَاقُونَ، وَلَا نَجَازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ،

مشتاق رسیدن دستورت هستيم، و انتظار محقق شدن وعده‌ات را می‌کشيم،

وَلِحُلُولِ وَعْدِكَ بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ. أَللَّهُمَّ فَادِّنْ

و انجام تهديدهایت عليه دشمنان را متوقع هستيم. بارالها؛ اجازه این کار را صادر کن،

بِذَلِكَ، وَافْتَحْ طُرُقَاتِهِ، وَسَهِّلْ خُرُوجَهُ، وَوَطِّئْ

و راه‌های آن را بگشا، و قیام او را آسان گردان، و

مَسَالِكَهُ، وَأَشْرِعْ شَرَائِعَهُ، وَأَيِّدْ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ،

محل پيمودنش را آماده و هموار ساز، و راه‌های او را آشکار ساز، و سپاهیان و یارانش را نیرومند

وَبَادِرْ بِأَسَاكِ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَابْسُطْ سَيْفَ نَقْمَتِكَ

و قوی گردان، و ستم‌کاران را به سرعت گرفتار شکنجه و عذابت کن، و شمشیر انتقامت را

۱. سوره یونس، آیه ۲۴. ۲. سوره زخرف، آیه ۵۵.

عَلَىٰ أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ، وَخُذْ بِالثَّارِ، إِنَّكَ جَوَادٌ

بر دشمنان که آگاهانه مخالفت و سرپیچی می‌کنند مسلط ساز و انتقام را بگیر، که تو بخشنده

مَكَارٌ<sup>۱</sup>.

چاره‌جویی هستی.



دعای دوّم حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

در قنوت

این قنوت را سید بن طاووس رحمته الله علیه در «مهج الدعوات» و

کفعمی رحمته الله علیه در «البلد الامین» از امام زمان ارواحنا فداه نقل نموده‌اند:

[قُلِ] اللَّهُمَّ مَا لِكَ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ،

(بگو): خدایا؛ مالک و اختیاردار جهانی؛ فرمان‌فرمایی را به هر کسی که بخواهی می‌دهی؛

وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ

و از هر که بخواهی می‌گیری؛ هر کسی را که بخواهی عزیز می‌گردانی؛ و هر که را بخواهی

مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

خوار می‌کنی؛ خیر و خوبی تنها در دست توست؛ به راستی که تو بر هر چیز توانایی.

يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا بَطَّاشُ

ای شکوه‌مند؛ ای سخاوتمند؛ ای دارنده قدر و عظمت و بخشش و بزرگواری؛ ای بسیار سخت‌گیر؛

۱. مهج الدعوات: ۹۰، البلد الامین: ۶۶۴.

يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا فَعَالاً لِمَا يُرِيدُ، يَا ذَا الْقُوَّةِ

ای صاحب سختگیری شدید؛ ای انجام دهنده هر چه می‌خواهد؛ ای صاحب

الْمَتِينِ، يَا رَوْفُ يَا رَحِيمِ، يَا لَطِيفُ يَا حَيُّ حِينَ لَا

نیروی قوی و محکم؛ ای رؤوف؛ ای مهربان؛ ای لطف‌کننده؛ ای زنده، در زمانی که هیچ زنده‌ای

حَيٌّ. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ

نیود؛ از تو می‌خواهم به واسطه اسمت که ذخیره‌شده، پنهان، زنده

الْقَيُّومِ، الَّذِي اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ

و پایدار است؛ که در دانش پنهان خود، مخفی‌ش کرده‌ای

يَطَّلِعَ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

و هیچ‌کس از آفریدگانت بدان آگاهی ندارد؛ و از تو درخواست می‌کنم به واسطه آن اسمت که

تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ تَشَاءُ، وَبِهِ

آفریدگانت را با آن در رحم مادران، هر گونه بخواهی صورت می‌بخشی؛

تَسْوَءُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقُهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ، مِنْ بَيْنِ

و روزی ایشان را در طبقه‌های تاریک، از بین

الْعُرُوقِ وَالْعِظَامِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْفَتْ بِهِ

رگ‌ها و استخوان‌ها به ایشان می‌رسانی؛ و از تو درخواست می‌کنم به واسطه آن اسمت که با آن

بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ، وَأَلْفَتْ بَيْنَ الثَّلْجِ وَالنَّارِ، لَا

بین دل‌های دوستانت پیوند و الفت برقرار کردی؛ و برف و آتش را باهم گرد آوردی،

هَذَا يُذِيبُ هَذَا، وَلَا هَذَا يُطْفِئُ هَذَا. وَأَسْأَلُكَ

به گونه‌ای که نه آتش برف را آب کند، و نه برف آتش را خاموش نماید؛ و از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي كَوْنَتْ بِهِ طَعْمَ الْمِيَاهِ، وَأَسْأَلُكَ

به واسطه آن اسمت که با آن به آب‌ها طعم بخشیدی، و از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ فِي عُرُوقِ النَّبَاتِ

به آن اسمت که با آن آب را در بین لایه‌های زمین در ریشه‌های گیاه جاری ساختی،

بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى، وَسُقْتَ الْمَاءَ إِلَى عُرُوقِ

و از میان سنگ‌های سخت، آب را به سوی ریشه

الْأَشْجَارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

درختان روان نمودی، و از تو درخواست می‌کنم به آن اسمت که به وسیله آن

الَّذِي كَوْنَتْ بِهِ طَعْمَ الثُّمَارِ وَأَلْوَانِهَا. وَأَسْأَلُكَ

طعم و رنگ‌های مختلف به میوه‌ها دادی؛ و از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبْدِي وَتُعِيدُ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

با آن نامی که با آن، آغاز می‌کنی و باز می‌گردانی؛ و از تو درخواست می‌کنم

الْفَرْدِ الْوَاحِدِ، الْمُتَفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، الْمُتَوَحِّدِ

با آن اسم یکتای یگانه‌ات، اسمی که به یکتائی اشاره دارد، و برای

بِالصَّمْدَانِيَّةِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَجَّرْتَ بِهِ

بی‌نیازی، یگانه است؛ و از تو می‌خواهم به واسطه نامی که با آن، آب را با نیرو و فشار از

الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ ، وَسُقَّتَهُ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ .

تکه سنگ‌های سفت و محکم بیرون آوردی، و از هر جایی که خواستی روان ساختی؛

وَأَسَأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ ، وَرَزَقْتَهُمْ

و از تو می‌خواهم به واسطه اسمی که با آن، آفریدگانت را آفریدی و هر گونه که خواستی و هر گونه

كَيْفَ شِئْتَ وَكَيْفَ شَأُؤُ وَا ، يَا مَنْ لَا يُغَيِّرُهُ الْإَيَّامُ

که خواستند، آنان را روزی دادی؛ ای کسی که روزها

وَاللَّيَالِي ، أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ حِينَ نَادَاكَ

و شب‌ها، در او دگرگونی ایجاد نمی‌کنند؛ می‌خوانم تو را با همان دعایی که نوح هنگامی که تو را ندا

فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ ، وَأَهْلَكَتَ قَوْمَهُ ، وَأَدْعُوكَ بِمَا

داد خواند، پس او را با همراهانش نجات بخشیدی، و قوم (ستمگر)ش را نابود کردی؛ و تو را

دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُكَ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ

می‌خوانم با همان دعایی که ابراهیم - دوست - هنگامی که تو را ندا داد دعا کرد، پس او را نجات دادی.

وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا ، وَأَدْعُوكَ بِمَا

و آتش را برایش سرد و سلامت گردانیدی، و تو را می‌خوانم با همان دعایی که

دَعَاكَ بِهِ مُوسَى كَلِيمُكَ حِينَ نَادَاكَ فَفَلَقْتَ لَهُ الْبَحْرَ

موسی - هم‌سخن - هنگامی که تو را ندا داد، با آن دعا تو را خواند، پس دریا را برایش شکافتی

فَأَنْجَيْتَهُ وَبَنِي إِسْرَائِيلَ ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ

و او را با بنی‌اسرائیل نجات دادی، و فرعون و سپاهش را در آب غرق فرمودی؛

فِي الْيَمِّ . وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَى رُوحَكَ حِينَ

و تو را می‌خوانم با دعایی که عیسی - روح تو - هنگامی که تو را ندا داد، با آن دعا تو را خواند، و در

نَادَاكَ فَجَجَّيْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ ، وَأَدْعُوكَ

نتیجه او را از دست دشمنانش نجات دادی، و به سوی خودت بالا بردی؛ و تو را می‌خوانم با

بِمَا دَعَاكَ بِهِ حَبِيبُكَ وَصَفِيُّكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى

همان دعایی که حضرت محمد همان دوست، برگزیده و پیامبرت - که درود خدا بر

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ ، وَمِنَ الْأَحْزَابِ نَجَّيْتَهُ ،

او و آل او باد - با آن دعا تو را خواند، پس به او پاسخ مثبت دادی، و از گروه‌های متشکل نجاتش

وَعَلَى أَعْدَائِكَ نَصْرَتَهُ . وَأَسَأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا

بخشیدی، و بر دشمنانت یاری‌اش نمودی؛ و از تو می‌خواهم با آن نامت که هر گاه

دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ، يَا مَنْ

با آن خوانده شوی به طور حتم پاسخ می‌دهی. ای کسی که

أَخَاطُ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ

آفرینش و دستور و حکم‌فرمایی، از آن اوست؛ ای کسی که دانشش همه چیز را فرا گرفته است؛

عَدَدًا ، يَا مَنْ لَا يُغَيِّرُهُ الْإَيَّامُ وَاللَّيَالِي ، وَلَا تَتَشَابَهُ

ای کسی که تعداد همه چیز را می‌داند؛ ای کسی که روزها و شب‌ها در او دگرگونی ایجاد نمی‌کند؛ و

عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ ، وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ ، وَلَا يُبْرِمُهُ

صداهای مختلف او را به اشتباه نمی‌اندازد؛ و لغتها بر او پنهان نیست؛ اصرار و پافشاری

إِلْحَاحُ الْمُلْحِحِينَ . أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

اصرارکنندگان او را به ستوه نمی‌آورد؛ از تو درخواست می‌کنم بر حضرت محمد و آل

مُحَمَّدٍ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ

محمد که برگزیدگان از آفریدگانت هستند درود بفرستی. پس بر آنان به برترین درود هایت درود

صَلَوَاتِكَ ، وَصَلِّ عَلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ ،

بفرست. و بر تمام پیامبران و فرستادگان خود که راهنمایی‌های تو را به درستی و به طور کامل به

الَّذِينَ بَلَغُوا عَنكَ الْهُدَى ، وَأَعْقَدُوا لَكَ الْمَوَاطِئَ

بندگان رسانده و پیمان‌های محکم برای فرمان‌برداری با تو بستند؛ درود بفرست،

بِالطَّاعَةِ ، وَصَلِّ عَلَيَّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ . يَا مَنْ

و بر تمام بندگان شایسته و نیکوکار درود فرست. ای کسی که

لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي ، وَاجْمَعْ لِي

خلاف وعده‌اش رفتار نمی‌کند؛ وعده‌ای را که به من دادی، وفا کن؛ و تمام یارانم را برآیم

أَصْحَابِي وَصَبِّرْهُمْ ، وَأَنْصُرْنِي عَلَى أَعْدَائِكَ

گرد آور، و به ایشان صبر و استقامت عطا کن، و مرا بر دشمنان خودت و

وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ ، وَلَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي ، فَإِنِّي عَبْدُكَ ،

دشمنان پیامبرت - حضرت محمد ﷺ - پیروز فرما؛ و دعایم را بی‌بهره مگردان؛ که من بنده

إِبْنُ عَبْدِكَ ، إِبْنُ أُمَّتِكَ ، أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ ، سَيِّدِي أَنْتَ

تو و فرزند بنده تو، و فرزند کنیز تو هستیم، در پیشگاه تو اسیرم. سرور و آقای من؛ تویی

الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا الْمَقَامِ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ

که چنین مقام و منزلتی را بر من منت نهاده‌ای و مرا به وسیله آن از

كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

بسیاری از آفریدگانت برتری داده‌ای، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُجْزَلَ لِي مَا وَعَدْتَنِي ، إِنَّكَ أَنْتَ الصَّادِقُ

محمد درود فرستی، و به وعده‌ای که به من دادی وفا کنی، که به راستی تو راست‌گو هستی،

وَلَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . ۱

و خلاف وعدهات رفتار نمی‌کنی؛ و تو بر هر چیزی توانایی داری.



### دعای سوّم آن حضرت در قنوت

آیة الله سیّد نصر الله مستنبط رحمته، در حرم حضرت امیر

المؤمنین علیه السلام به دیدار امام زمان ارواحنا فداه شرفیاب شد، در حالی

که آن حضرت نماز می‌خواند؛ به آنچه آن حضرت می‌خواندند

گوش فرا داد و شنید که آن حضرت در قنوتش این‌گونه دعا می‌کرد:

اللَّهُمَّ إِنَّ مَعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ قَدْ عَادَى عَلِيَّ بْنَ

بارالها؛ به راستی که معاویه پسر ابوسفیان، با علی بن

۱. مهج الدعوات: ۹۱، البلد الأمين: ۶۶۵.

## أبي طالبٍ ، فآلَعْنَهُ لَعْنًا وَبِيلاً<sup>۱</sup>.

ابی طالب علیه السلام دشمنی سرسختانه‌ای کرد؛ پس او را به شدت لعنت کن.



### دعا در قنوت نماز جمعه

برای ظهور آن بزرگوار عجل الله تعالی فرجه

پسر مقاتل روایت نموده که امام رضا علیه السلام فرمود:

در قنوت نماز جمعه چه می‌گوئید و چه دعایی می‌کنید؟

گفتم: همان دعاهایی که مردم می‌خوانند.

فرمود: آن طور که آن‌ها دعا می‌کنند، دعا مکن؛ بلکه بگو:

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ

بارالها؛ به وسیله آنچه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح فرمودی، امور بنده و جانشینت (امام

انبیاءك ورسلک، وحقه بملائکتک، وایده بروح

عصرتک) را نیز اصلاح فرما؛ و با فرشتگانت گرداگردش را فرا بگیر؛ و او را با روح القدس

القدس من عندک، واصلک من بین یدیه ومن

از جانب خودت، تأییدش گردان؛ و مراقب و نگهبانانی در پیشرو و از

خلفه رصداً یحفظونه من کل سوء، وابدله من بعد

پشت سرش بگمار، تا نگذارند هیچ بدی به او برسد؛ و پس از شرایط

۱. معجم رجال الفكر والأدب في التنجف خلال ألف عام: ۱۱۹۹/۳.

خوفه أمناً، یعبدک لا یشرک بک شیئاً، ولا تجعل

ترسناکی که دارد، محیطی سراسر آرامش برایش فراهم کن، تا تو را بپرستد و چیزی را شریک تو نگرداند؛ و

لاحد من خلقک علی ولیک سلطاناً، وأذن له فی

و چیرگی و قدرت برای هیچ یک از آفریدگانت بر ولایت قرار مده؛ و به او اجازه

جهاد عدوک وعدوه، واجعلنی من أنصاره، إنک

بده تا با دشمن تو و دشمن خودش به نبرد برخیزد؛ و مرا نیز از یاران آن حضرت قرار ده؛ همانا، تو

علی کل شیءٍ قدیر<sup>۱</sup>.

بر هر چیزی توانا هستی.

۱. مصباح المتجهّد: ۳۶۶، جمال الأسبوع: ۲۵۶، بحار الأنوار: ۲۵۱/۸۹، ابواب الجنّات: ۱۸۳.

## بخش سوّم

## ادعیة بعد از نمازها

۱۳

دعا برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه  
بعد از هر نماز واجب

در کتاب «جمال الصالحین» از مولایمان امام صادق علیه السلام نقل  
شده است که حضرت فرمودند:

همانا از حقوق ما بر شیعیان ما این است که بعد از هر نماز  
واجب دست هایشان را بر چانه گذاشته و سه مرتبه بگویند:

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَجَلُ فَرَجِ آلِ مُحَمَّدٍ، يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ

ای پروردگار محمد؛ فرج و گشایش امور آل محمد را تعجیل فرما؛ ای پروردگار محمد؛

اِحْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ، يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ اِنْتَقِمِ لِبْنَةِ مُحَمَّدٍ عليها السلام!

محافظة کن (دین را در) غیبت محمد صلی الله علیه و آله؛ ای پروردگار محمد؛ انتقام دختر محمد علیها السلام را بگیر.

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه  
پس از نمازهای واجب

امام جواد علیه السلام فرمودند:

وقتی از نماز واجب فارغ شدی بگو:

رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا ، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا ، وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا ،

خشنودم که خداوند پروردگار من اسلام دین من، قرآن کتابم،

وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَبِيًّا ، وَبِعَلِيِّ وَلِيِّيَّ ، وَبِالْحَسَنِ

حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبرم، حضرت علی علیه السلام سرپرست و صاحب اختیارم، حسن

وَالْحُسَيْنِ ، وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ،

و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی

وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، وَعَلِيِّ بْنِ

و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن

مُوسَى ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ،

موسی و محمد بن علی و علی بن محمد

وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَالْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

و حسن بن علی و حجّت بن الحسن بن علی

أَيَّمَةً . اللَّهُمَّ وَلِيَّكَ الْحُجَّةَ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ ،

امامان و پیشوایان من باشند. خداوندا! ولی تو حضرت حجّت است، پس او را از رویه رو

وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ ، وَمِنْ فَوْقِهِ

و پشت سرش و از طرف راست و چپش، و از بالا

وَمِنْ تَحْتِهِ ، وَامُدُّ لَهُ فِي عُمُرِهِ ، وَاجْعَلْهُ الْقَائِمَ

و پایین حفظ فرما، و عمرش را طولانی کن، و او را قیامکننده

بِأَمْرِكَ ، الْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ ، وَأَرِهِ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ

به امرت قرار بده، تا یاری‌گر دینت باشد؛ و به او نشان ده آنچه دوست می‌دارد و باعث

عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَفِي ذُرِّيَّتِهِ ، وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ ، وَفِي

چشم روشنی‌اش می‌شود در مورد خودش و فرزندانش و خانواده‌اش و مالش و

شَيْعَتِهِ وَفِي عَدُوِّهِ ، وَأَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ ، وَأَرِهِ

پیروان و دشمنانش، و آنچه دشمنانش در مورد او پرهیز دارند به آنان نشان ده،

فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ ، وَأَشْفِ بِهِ صُدُورَنَا

و آنچه آن حضرت در مورد دشمنانش دوست دارد و چشمش به آن روشن می‌شود به او نشان ده،

وَصُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ .

و سینه‌های ما را و سینه‌های مؤمنان را به وسیله او شفا بخش.

این حدیث، دعا کردن برای فرج مولایمان حضرت حجّت

ارواحنا فداه را بعد از هر نماز واجب مورد تأکید قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

۱. مکبّال المکارم: ۳/۲، و مانند آن در «نزّهة الزاهد: ۹۱» وارد شده است.



دعا برای تشرف خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

که بعد از نمازهای واجب خوانده می شود

روایت شده است:

هر کس بعد از نمازهای واجب این دعا را بخواند و بر آن مواظبت کند، آن قدر عمرش طولانی شود و زندگیش ادامه یابد که از زندگی دلتنگ شود و به سبب این دعا به دیدار حضرت صاحب الأمر (عجل الله فرجه) مشرف گردد.

آن دعا چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود بفرست. خدای من! همانا

رَسُوكَ الصَّادِقَ الْمُصَدِّقَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ

رسول راستگو و تأیید شده‌ات - که درودهای تو بر او و آل او باد - گفته است:

إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدْتُ فِي

که همانا تو فرموده‌ای: در مورد هیچ کدام از کارهایی که انجام می‌دهم مثل

قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُهُ

قبض روح بنده مؤمنم، دچار تردید نشده‌ام؛ زیرا او مرگ را خوش نمی‌دارد و من ناراحتی او

مَسَاءَتَهُ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

او را نمی‌پسندم. خداوندا! پس بر محمد و آل محمد درود بفرست

وَعَجَّلْ لِي لَوْلِيَّكَ الْفَرَجَ، وَالنَّصْرَ وَالْعَافِيَةَ، وَلَا تَسْؤُنِي

و فرج و گشایش کار ولایت و پیروزی و عافیتش را تعجیل فرما، و موجبات

فِي نَفْسِي، وَلَا فِي فُلَانٍ.

ناراحتی مرا در مورد خودم و فلانی فراهم مساز.

فرمود: و هر که را که می‌خواهی به جای «فلانی» نام ببر.<sup>۱</sup>

دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، همانا او

حضرت حجت علیه السلام را در بیداری یا خواب می‌بیند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، أَيُّنَمَا كَانَ وَحَيْثُمَا

خداوندا! به مولایمان صاحب الزمان هر کجا و هر گونه که باشد

۱. مکارم الأخلاق: ۳۵/۲، و در مصباح المتبهج: ۵۸ و الصحيفة الصادقة: ۱۷۸ با اندکی تفاوت.

كَانَ، مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا

در شرق و غرب و زمین، بیابان

وَجِبَلِهَا، عَنِّي وَعَنْ وَالدِّيِّ، وَعَنْ وُلْدِي وَإِخْوَانِي

و کوه آن؛ درود و توحیتی از طرف من و والدینم و از سوی فرزندانم و برادرانم

التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ، وَزِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ،

به تعداد آفریدگان خدا و سنگینی عرش الهی،

وَمَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ، وَأَخَاطَ عِلْمُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ

و آنچه کتابش دربردارد و دانشش به آن احاطه دارد؛ برسان. خداوندا؛ همانا من

لَهُ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ، وَمَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامٍ

در بامداد امروز و دیگر روزهای زندگیم، با او

حَيَاتِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ

عهد و پیمان و بیعتی را که از او برگردنم است تجدید می‌کنم و هرگز از این بیعت دگرگون

عَنْهَا وَلَا أَزُولُ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَنُصَارِهِ

نمی‌شوم و کنار هم نمی‌زنم. خداوندا؛ مرا از یارانش و جان‌نثارانی که از او

الذَّابِّينَ عَنْهُ، وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأُؤَامِرِهِ وَنَوَاهِيهِ فِي

دفاع می‌کنند قرار بده، و از آنان که دستورات و نهی‌هایش را در دوران

أَيَّامِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ

حکومتش فرمان می‌برند و نیز از شهادت‌جویان در رکابش قرار بده. خداوندا؛

بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا

اگر بین من و او مرگ فاصله انداخت؛ - مرگی که برای بندگانت حتمی و قطعی

مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي، شَاهِرًا

قرار داده‌ای - پس مرا از قبرم خارج کن در حالی که کفنم را به کمر بسته،

سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي

شمشیرم کشیده، نیزه‌ام آماده و بیرون کشیده شده و دعوت دعوت‌کننده را در

الْحَاضِرِ وَالْبَادِي. اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ

شهر باشم یا صحرا، لبتیک گویم. خداوندا؛ به من طلعت راه‌گشا

وَالغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَأَكْحُلُ بَصْرِي بِنَظْرَةِ مَنِّي إِلَيْهِ،

و چهره ستوده‌شده را نشان بده، و با نگاهی از من به سوی او چشمم را سرمه کن،

وَعَجَلُ فَرَجِهِ، وَسَهْلُ مَخْرَجِهِ. اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَرْزَهُ،

و فرجش را تعجیل فرما، و خروجش را آسان گردان. خداوندا؛ پشتش را محکم،

وَقَوِّ ظَهْرَهُ، وَطَوِّلْ عُمُرَهُ، وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ،

و کمزش را قوی و نیرومند گردان و عمرش را طولانی کن و -خداوندا - به وسیله او، سرزمین‌هایت را آباد گردان

وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ ﴿ظَهَرَ

و به واسطه او بندگانت را زنده گردان؛ زیرا تو گفتی در حالی که سخن تو حق است:

الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ ﴿١﴾،

«فساد در خشکی و دریا ظاهر شده به واسطه آنچه مردم با دست خود انجام دادند».

فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ ، أَلْمُسْمَى

پس خداوندا؛ ولی خود و فرزند دختر پیامبرت را - که همانم است با رسولت

بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ

که دروذهای تو بر او و آل او باد - برای ما ظاهر کن تا بر

بِشَيْءٍ مِّنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرَقَهُ ، وَيُحِقِّ اللَّهُ الْحَقَّ

چیزی از باطل دست نیابد مگر آن که آن را پاره کند، و خدا به کلماتش، حق را ثابت کند

بِكَلِمَاتِهِ وَيُحَقِّقُهُ . اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ

و آن را محقق سازد. خداوندا؛ این گرفتاری و اندوه را از این

الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً ، وَنَرَاهُ قَرِيباً ،

امت با ظهورش برطرف ساز که همانا آنان (مخالفان) آن را دور می‌بینند و ما نزدیک می‌بینیم؛

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ . ۱

و خدا بر محمد و آل محمد درود بفرستد.



### دعای بعد از نماز صبح

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله علیه در کتاب «مصباح الزائر»

می‌نویسد: این دعایی است که هر روز پس از نماز صبح مولایمان امام زمان ارواحنا فداه با آن زیارت می‌شود:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ

خداوندا؛ برسان به مولایم صاحب الزمان - که دروذهای خدا بر او باد -

عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، فِي مَشَارِقِ

از سوی تمام مردان و زنان مؤمن در شرق

الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا ، وَسَهْلِهَا

و غرب زمین و در خشکی و دریا و بیابان

وَجَبَلِهَا ، حَيْثُمْ وَمَيْتِهِمْ ، وَعَنْ الْيَدَيِّ وَوُلْدِي ،

وکوه، زنده و مرده آنها، و از سوی پدر و مادر و فرزندانم و

وَعَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ ، زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ ،

خودم درود و تحیتی همسنگ عرش الهی،

وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، وَمُنْتَهَى رِضَاهُ ، وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ

و گستردگی کلمات او و نهایت رضایتش، و آن مقدار که کتابش گرد آورده

كِتَابُهُ، وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهُ فِي هَذَا

و علمش به آن احاطه دارد. بارالها؛ در امروز و

الْيَوْمِ، وَفِي كُلِّ يَوْمٍ، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً [لَهُ] فِي

در هر روز، عهد (زبانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) که نسبت به او بر گردنم است تجدید

رَقَبَتِي. اللَّهُمَّ كَمَا شَرَّفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ،

می‌کنم. خداوندا؛ همان گونه که مرا به این شرافت سرفراز کردی،

وَفَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَصْتَنِي بِهَذِهِ النُّعْمَةِ،

و به این فضیلت برتری دادی، و به این نعمت مخصوص گرداندی،

فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ،

پس بر مولایم و آقایم صاحب الزمان درود فرست

وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ، وَالذَّابِّينَ عَنْهُ،

و مرا از یاوران و پیروان و مدافعانش قرار بده،

وَأَجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ

و مرا از شهادت‌طلبان در پیشگاه و رکاب همایونی او قرار بده که با تمام شوق آرزوی شهادت

مُكْرَهٍ، فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ،

می‌کنند نه با اجبار؛ در صفی که اهل آن را در قرآنت وصف کرده‌ای

فَقُلْتَ ﴿صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾<sup>۱</sup> عَلَيَّ

و گفتی: «صف بسته‌اند، گویی اینان بنیانی هستند» در

۱. سوره صف، آیه ۴.

طَاعَتِكَ وَطَاعَةَ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. اللَّهُمَّ

فرمان‌برداری تو و رسالت و آل او - که بر ایشان درود باد - خداوندا؛

هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ<sup>۱</sup>.

این بیعتی است برای او در گردنم تا روز قیامت.



دعا برای حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه

بعد از نماز صبح

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب «مقباس» در تعقیب نماز صبح

روایت می‌کند: پیش از آن‌که کلامی بر زبان بیاورد صد مرتبه  
بگوید:

يَا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ

ای پروردگار من؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و در فوج و راحتی

آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ<sup>۲</sup>.

آل محمد شتاب فرما، و مرا از آتش رها و آزاد کن.

۱. زاد المعاد: ۴۸۷، مصباح الزائر: ۴۵۴. بعضی از بزرگان این دعا را در «بخش زیارت‌ها» ذکر

کرده‌اند؛ زیرا این دعا به منزله بیعت با امام زمان صلوات الله علیه است.

۲. مکیال المکارم: ۱۳/۲.

دعاهایی که حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند

محدث نوری رحمته الله علیه در «دارالسلام» می گوید: عالم عامل ملاً فتحعلی سلطان آبادی رحمته الله علیه به من گفت که: فاضل مقدّس پرهیزگار ملاً محمد صادق عراقی رحمته الله علیه در نهایت فقر و تنگدستی و در سختی و بلا بود و گرفتاری و بدبختی از هر سو به او رو آورده بود.

روزگاری به همین ترتیب گذشت و گشایش در کارش حاصل نشد و تنگدستی او برطرف نشد تا این که شبی در خواب دید که گویا در بیابانی است و در آن بیابان خیمه بزرگی برپا می باشد و قبه ای بر بالای آن است.

شیخ از صاحب آن خیمه پرسش نمود. به او گفته شد: در این خیمه، پناهگاه محکم و استوار، فریادرس گرفتار بیچاره، حجّت قائم، حضرت مهدی و امام منتظر مرضی - که خداوند تعالی در راحتی و فرجش شتاب کند و خروجش را آسان فرماید - حضور دارند. شیخ به سرعت به سمت خیمه رفت؛ زیرا برطرف شدن گرفتاریش را در آن یافته بود.

وقتی به حضور حضرت رسید، از پریشانی و فشار زمان و سختی حال خانواده اش شکایت کرد و از حضرت دعایی خواست

که با آن غم و اندوه از او برداشته شده و گرفتاریش برطرف شود. حضرت او را به سیدی از فرزنداناش حواله کرد و به خیمه اش اشاره کرد. شیخ از حضور حضرت مرخص شده و به آن خیمه رفت. در آنجا سید سند دانشمند مورد اعتماد، عالم والا مقام و مورد تأیید جناب سید محمد سلطان آبادی را دید که بر سجاده اش نشسته و در حال نیایش است.

بعد از سلام، آنچه حجّت پروردگار حواله کرده بود عرض کرد و سید دعایی که رفع تنگدستی و سختی کند و موجب افزایش روزی باشد به او آموخت.

در این هنگام شیخ از خواب بیدار شد، در حالی که دعا در ذهنش مانده بود. سپس به سوی خانه سید محمد روانه شد با آن که قبل از آن خواب به دلیللی که ذکر نمی کرد از سید کناره می گرفت و نمی خواست او را ببیند.

وقتی به خانه سید رسید و داخل شد سید را دید که بر روی سجاده نمازش - همان گونه که در خواب دیده بود - نشسته و ذکر خدا می گوید و استغفار می کند.

به سید سلام کرد و او جواب داد در حالی که خنده ای بر لب داشت، گویا قضیه را می داند و از اسرار پنهانی آگاه است. شیخ آنچه در خواب پرسیده بود از سید پرسید و سید همان دعا را به او آموخت.

شیخ مدّت کمی آن دعا را خواند و دنیا از هر طرف به او روی آورد. همیشه استاد ما دام ظلّه آن سید را با احترام تعریف می نمود، در حالی که او را در اواخر عمرش درک کرده و زمان کوتاهی شاگردی ایشان نموده بود.

آنچه سید علیه السلام در خواب و بیداری به شیخ آموخت، سه چیز است:

۱- بعد از نماز صبح در حالی که دستش را بر روی سینه گذاشته هفتاد مرتبه «یا فتّاح» بگوید.

کفعمی علیه السلام نیز در کتاب «مصباح» می گوید: هر کس به این شکل این ذکر را بگوید خداوند تعالی حجاب را از قلبش برطرف کند.

۲- آنچه کلینی در کتاب کافی آن را روایت کرده است که: یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله چند روزی به خدمت ایشان نرسید و هنگامی که حضور حضرت رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمودند:

چه چیزی تو را از دیدار ما در این چند روز باز داشت؟  
مرد گفت: بیماری و فقر.

حضرت فرمود: آیا نمی خواهی به تو دعایی بیاموزم که خدا فقر و بیماری را به وسیله آن از تو دور کند؟  
مرد گفت: البتّه، ای رسول خدا.

حضرت فرمودند: بگو:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ [الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ]، تَوَكَّلْتُ

هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به سبب خداوند [بلندمرتبه بزرگ]؛ توکل کردم

عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ

بر (خدای) زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، و حمد و ستایش مخصوص خدایی است که

يَتَّخِذُ [صَاحِبَةً وَلَا] وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي

[همسر و] فرزندی ندارد، و در فرمان‌روایی شریکی برایش نیست،

الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا.

و برای او از روی خواری و ذلت ولی و سرپرستی نیست؛ و به بزرگی از او یاد کن.

راوی گوید: زمان اندکی گذشت که آن مرد صحابی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بازگشت و گفت: ای رسول خدا؛ خداوند بیماری و فقر را از من برطرف کرد.

۳- آنچه ابن فهد حلی در کتاب «عدّة الداعی» از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است:

هر کس این دعا را هر روز بعد از نماز صبح بخواند، هیچ حاجتی از خدای تعالی نخواهد مگر آن که به آسانی برآورده شود و خداوند کارهای مهمّ او را کفایت نماید:

بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْوَضُ

به نام خدا و خداوند بر محمد و آل محمد درود فرستد، و

أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، فَوَقِيَهُ اللَّهُ

کارم را به خدا واگذار می‌کنم؛ همانا خدا نسبت به بندگان بیناست. پس خدا او را از

سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي

بدی‌های آنچه مکر و حيله کرده‌اند محفوظ داشت؛ هیچ خدایی جز تو نیست؛ پاک و منزهی تو، همانا من

كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ

از گروه ستمگران بودم؛ پس دعای او را اجابت کردیم و او را از غم و اندوه رهانیدیم

وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ

و این گونه مؤمنان را نیز نجات می‌بخشیم و خدا ما را کفایت می‌کند و او خوب

الْوَكِيلُ، فَاتَّقُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ، وَفَضْلٍ لَمْ

وکیلی است. پس با نعمتی از سوی خدا و فضل و احسان در حالی که هیچ بدی به آنان نرسید

يَمَسُّهُمْ سُوءٌ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ،

دگرگون شدند. آنچه خدا بخواهد همان شود و هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به سبب خدا؛

مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَإِنْ كَرِهَ

هر چه خدا بخواهد همان شود نه آنچه مردم بخواهند؛ هر چه خدا بخواهد همان شود؛ هر

النَّاسِ. حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ

چند مردم خوش نداشته باشند. پرورش‌دهنده، مرا از پرورش‌یافتگان کفایت می‌کند؛

الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ

آفریننده، مرا از آفریدگان کفایت می‌کند؛ روزی‌دهنده مرا از

الْمَرْزُوقِينَ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، حَسْبِيَ مَنْ

روزی‌خواران کفایت می‌کند؛ خدایی که پروردگار جهانیان است مرا کفایت می‌کند. کفایت می‌کند

هُوَ حَسْبِيَ، حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِيَ مَنْ

مرا آن کسی که برایم کافی است؛ کفایت می‌کند مرا آن که همیشه کفایت می‌کند؛ کفایت می‌کند مرا

كَانَ مُذْ كُنْتُ [لَمْ يَزَلْ] حَسْبِي، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

آنکه از ابتدایی که بودم پیوسته مرا کفایت می‌کند؛ خدایی مرا کفایت می‌کند که جز او خدایی

هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

نیست؛ تنها بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

مواظبت در مداومت این اوراد شایسته است؛ زیرا که فهم و درایت و خبر، این اذکار و دعاها را تصدیق کرده است.<sup>۱</sup>



### دعا برای ظهور آن حضرت

پس از نماز صبح و ظهر در هر روز

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هر کس بعد از نماز صبح و ظهر،

در روز جمعه و دیگر روزها بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی ایشان تعجیل فرما،

۱. دارالسلام: ۲۶۶/۲.

نمی‌میرد تا این که حضرت قائم مهدی (صلوات الله علیه) را درک کند.<sup>۱</sup>



دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه

پس از نماز ظهر در هر روز

در کتاب «فلاح السائل» آمده است: از اذکار مهم در تعقیب نماز ظهر، اقتدا کردن به امام صادق (علیه السلام) در دعا کردن برای حضرت مهدی صلوات الله علیه است.

امامی که رسول خدا حضرت محمد (صلوات الله علیه) در روایات صحیح به امتش بشارت او را داده است و به آنها وعده داده که آن حضرت در آخرالزمان ظهور می‌کند.

محمد بن رهبان دیلمی روایت کرده است: ابو علی محمد بن حسن بن محمد بن جمهور قمی گفت: پدرم از پدرش محمد بن جمهور و او از احمد بن حسین سگری و او از عبّاد بن محمد مدائنی نقل کرد که: در مدینه بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدم هنگامی که از نماز ظهر فارغ شده بود، آن حضرت دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده بود و می‌گفت:

۱. مصباح المتجهّد: ۳۶۸، بحار الأنوار: ۷۷/۸۶ و ۳۶۳/۸۹، و در «الصحيفة الصادقية»: ۱۶۹» نقل کرده است که این صلوات را صد مرتبه بگوید.

يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ ، يَا جَامِعَ (كُلِّ فَوْتٍ) ، يَا بَارِيَّ

ای شنونده هر صدا؛ ای گرد آورنده (هر نابود)؛ ای آفریننده

كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ ، يَا بَاعِثُ ، يَا وَارِثُ ، يَا سَيِّدَ

هر جان و روان بعد از مرگ؛ ای برانگیزاننده؛ ای وارث؛ ای آقا و سرور

السَّادَةِ ، يَا إِلَهَ الْإِلَهَةِ ، يَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ ، يَا مَلِكَ

آقایان؛ ای معبود معبودها؛ ای جبار جباران؛ ای پادشاه

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ ، يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ ، يَا

دنیا و آخرت؛ ای پرورش دهنده پرورش دهندگان؛ ای پادشاه پادشاهان؛ ای

بَطَّاشُ ، يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ ، يَا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ ، يَا

بسیار سختگیر؛ ای صاحب سختگیری شدید؛ ای انجام دهنده هر چه می‌خواهد؛ ای

مُحْصِي عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ ، يَا مَنْ السَّرُّ

شمارشگر تعداد نفس‌ها و حرکت و جایابی قدم‌ها؛ ای کسی که پنهان در

عِنْدَهُ عَلَانِيَةٌ ، يَا مُبْدِي ، يَا مُعِيدُ . أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ

نزد او آشکار است؛ ای آغازگر آفرینش؛ ای بازگرداننده؛ از تو می‌خواهم به حق خودت

عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ

بر بندگان برگزیده‌ات از میان آفریدگانت، و به حقی که برای ایشان

عَلَى نَفْسِكَ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ

بر خودت لازم کردی؛ که بر محمد و اهل بیتش درود بفرستی که سلام بر او



وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَأَنْ تَمَنَّ عَلَيَّ السَّاعَةَ السَّاعَةَ

و بر آنان باد، و در همین ساعت در همین ساعت بر من منت گذاشته

بِفِكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَنْجِزْ لَوْلِيِّكَ وَابْنِ نَسَبِكَ

و مرا از آتش، رها کنی؛ و برای ولی خودت و فرزند پیامبر خودت

الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ، وَأَمِينِكَ فِي خَلْقِكَ، وَعَيْنِكَ

که دعوت کننده به سوی تو به اجازه تو و امانت داری در میان خلق تو و چشم تو

فِي عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ

در میان بندگان تو، و حجّت تو بر آفریدگان تو است - که درودها و

وَبَرَكَاتِكَ وَعَدَهُ. اللَّهُمَّ أَيَّدَهُ بِنَصْرِكَ، وَأَنْصُرْ

برکات تو بر او باد - وعدهات را انجام بده. خداوندا؛ با یاری خودت او را تأیید کن، و

عَبْدَكَ، وَقَوِّ أَصْحَابَهُ وَصَبِّرْهُمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ

بندهات را یاری نما، و اصحابش را قوت بخش و آنان را صبر و شکیبایی عنایت کن؛ و برای ایشان از

لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَمْكِنَهُ مِنْ

نزد خودت قدرت یاری کننده ای را قرار ده؛ و در راحتی و فرجش تعجیل کن، و او را بر

أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دشمنانت و دشمنان رسالت مکتت و قدرت ببخش، ای مهربان ترین مهربانان.

گفتم: فدایت شوم؛ آیا این طور نیست که برای خویش دعا

نمودید؟

حضرت فرمود:

برای نور آل محمد ﷺ و پیشرو و جلودار و انتقام گیرنده از

دشمنان آل محمد به امر خدا، دعا کردم.

گفتم: فدایت شوم؛ کی خروج می کند؟

حضرت فرمود: هر گاه آن که آفرینش و امور عالم در دست

اوست، بخواهد.

گفتم: آیا برای خروج او علامتی هست؟

حضرت فرمود: آری؛ نشانه های مختلفی هست.

گفتم: مانند چه چیزی؟

حضرت فرمود: خروج علامت و پرچمی از شرق و پرچمی از

غرب و فتنه ای که بر اهل «زوراء» سایه می افکند، و خروج

مردی از فرزندان عمویم زید در یمن، و به تاراج رفتن پرده

بیت الحرام<sup>۱</sup>، و خداوند هر چه بخواهد، انجام می دهد.<sup>۲</sup>

۱. بحار الأنوار: ۶۲/۸۶، فلاح السائل: ۱۷۰، المصباح: ۴۸، البلد الأمين: ۲۷.

۲. مکیال المکارم: ۱۱/۲.

دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

پس از نماز عصر

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «فلاح السائل» می نویسد: از اذکار مهم بعد از نماز عصر اقتدا کردن به مولایمان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در دعا نمودن برای مولایمان حضرت مهدی صلوات الله علیه است. چنان که یحیی بن فضل نوفلی روایت کرده است که گفت: در بغداد برای الحسن موسی بن جعفر علیه السلام - وقتی از نماز عصر فارغ شده بود - وارد شدم. دیدم دستها را به سوی آسمان بلند کرده و شنیدم که می گوید:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ

تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، اول و آخر و ظاهر

والباطن، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَيْكَ زِيَادَةٌ

و باطن تویی؛ خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ فزونی و کاستی

الأشياء ونقصانها، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَ

چیزها در اختیار توست؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ آفرینش را

الخلق بغير معونة من غيرك، وَلَا حَاجَةَ إِلَيْهِمْ، أَنْتَ

بدون کمک دیگران و بدون نیاز به آنان آفریدی؛ تو

تشریح  
ضمیمه  
مهریه

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مِنْكَ الْمَشِيَّةُ وَإِلَيْكَ الْبَدءُ. أَنْتَ

خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، مشیت از توست و آغاز کردن بستگی به تو دارد. تو

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقُ الْقَبْلِ، أَنْتَ اللَّهُ

خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، قبل از هر قبلی بوده‌ای و تو آفریدگار قبل هستی؛ تو خدایی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقُ الْبَعْدِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

هستی که معبودی جز تو نیست، بعد از هر بعدی هستی و آفریدگار بعد تویی، تو خدایی هستی که

إِلَّا أَنْتَ، تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُثْبِتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ،

معبودی جز تو نیست، هر چه را بخواهی محو یا اثبات می کنی و ام کتاب نزد توست،

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ، أَنْتَ

تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، نهایت و وارث هر چیزی؛ تو

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا

خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هیچ چیز کوچک و بزرگ از نظرت پنهان نمی ماند؛

الْجَلِيلُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا يَخْفَى عَلَيْكَ

تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هیچ لغتی بر تو پوشیده نمی ماند

اللُّغَاتُ، وَلَا تَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ. كُلُّ يَوْمٍ أَنْتَ

و صداهای مختلف تو را به اشتباه نمی اندازد. هر روز تو

فِي شَأْنٍ، لَا يَشْغُلُكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، عَالِمُ الْغَيْبِ

درشان و کاری هستی که هیچ شانی تو را از شان دیگر باز نمی دارد. دانای غیب

وَأَخْفَى، دَيَّانُ الدِّينِ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بَاعِثُ مَنْ فِي

و پنهانی‌ها، پاداش‌دهنده کار، تدبیرگر امور، برانگیزاننده افرادی که در

الْقُبُورِ، مُخِي الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

قبرهایند، زنده‌کننده استخوان‌ها در حالی که پودر و خاکستر شده‌اند تو هستی؛ از تو می‌خواهم به

الْمَكُونِ الْمَخْزُونِ، الْحَيِّ الْقَيُّومِ، الَّذِي لَا يَخِيبُ

اسم پنهان ذخیره‌شده‌ات، که زنده و پاینده است، که هر کس تو را به آن نام بخواند نآمید

مَنْ سَأَلَكَ بِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ

نمی‌شود؛ که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و فرج

تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزْ لَهُ مَا

و گشایش در کار انتقام‌گیرنده‌ات از دشمنانت را تعجیل فرمایی و آنچه به او وعده داده‌ای

وَعَدْتَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

به جای آوری؛ ای صاحب جلال و کرامت.

یحیی بن فضل می‌گوید: عرض کردم: برای چه کسی دعا کردید؟ حضرت فرمود:

برای مهدی آل محمد علیه السلام.

آنگاه فرمودند: پدرم فدای آن که دارای شکم سستبر، ابروهای به هم پیوسته؛ ساق باریک؛ شانه‌های پهن؛ و رنگ گندمگون دارد که به خاطر شب زنده‌داری کمی مایل به رنگ زرد است.

پدرم فدای آن کسی که با رکوع و سجده شب را به صبح می‌رساند؛ پدرم فدای آن کسی که در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسد؛ چراغ فروزنده در تاریکی‌ها است؛ پدرم فدای قیام‌کننده به امر خدا باد.

گفتم: چه وقت خروج می‌کند؟ حضرت فرمود:

هنگامی که دیدی لشکریان به ساحل فرات و صرات و دجله آمده‌اند و پل کوفه ویران شد و بعضی از خانه‌های کوفه سوزانده شد، هنگامی که این نشانه‌ها را مشاهده کردی، بدان که خداوند آنچه بخواهد انجام می‌دهد و کسی نیست که بر امر خدا غلبه کند و یا حکمش را به تأخیر بیندازد.<sup>۱</sup>



### دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

بعد از دو رکعت اول نماز شب

شیخ طوسی اعلی الله مقامه می‌گوید: مستحب است در تعقیب این دو رکعت نماز، این دعا خوانده شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ مِثْلَكَ، أَنْتَ مَوْضِعُ

خداوندا؛ همانا من از تو می‌خواهم، در حالی که کسی مانند تو نیست که سوال شود. تو محل

۱. فلاح السائل: ۱۹۹، و در المصباح: ۵۱ و البلد الأمين: ۳۵ با تفاوتی.

مَسْأَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ، أَدْعُوكَ

خواستۀ درخواستکنندگانی و نهایت شوق مشتاقانی؛ تو را صدا می‌زنم در حالی

وَلَمْ يَدْعَ مِثْلَكَ، وَأَزْعَبُ إِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ إِلَيَّ

که مثل تو کسی نیست که خوانده شود، و به سوی تو مشتاقم در حالی که کسی چون تو نیست

مِثْلِكَ، أَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَأَرْحَمُ

که به او میل شود؛ تو اجابت‌گر دعای بیچارگانی و مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ. أَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَأَنْجَحِهَا

مهربانانی. از تو می‌خواهم به برترین خواسته‌ها و کامیاب‌ترین

وَأَعْظَمِهَا، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمَ وَيَا أَسْمَائِكَ

و بزرگ‌ترین خواسته‌ها. ای خدا؛ ای بخشنده؛ ای مهربان؛ و به نام‌های

الْحُسْنَى، وَأَمْثَالِكَ الْعُلْيَا، وَنِعْمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى.

نیکیوت و مثل‌های بلندمرتبهات و نعمت‌هایت که به شمارش نیاید،

وَبِأَكْرَمِ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ، وَأَحَبِّهَا إِلَيْكَ، وَأَقْرَبِهَا

و به گرامی‌ترین نام‌هایت، و محبوب‌ترین آن‌ها نزد تو و نزدیک‌ترین آن‌ها

مِنْكَ وَسِبْلَةً، وَأَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً، وَأَجْزَلِهَا

از نظر وسیله‌بودن به سوی تو، و باشرف‌ترین آن‌ها نزد تو از نظر قدر و منزلت،

لَدَيْكَ ثَوَابًا، وَأَسْرَعِهَا فِي الْأُمُورِ إِجَابَةً، وَبِاسْمِكَ

و فراوان‌ترین آن‌ها از نظر پاداش، و سریع‌ترین آن‌ها در امور از نظر اجابت، و به نام

الْمَكْنُونِ الْأَكْبَرِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ، الَّذِي

پنهان بزرگ‌تر، عزیزتر، بزرگوارتر، عظیم‌تر و گرامی‌ترت که آن را دوست

تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ، وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ، فَاسْتَجَبْتَ

می‌داری و می‌خواهی و به واسطۀ آن از کسی که با آن نام، تو را بخواند راضی و خشنود می‌شوی

لَهُ دُعَاءَهُ، وَحَقُّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَائِلَكَ وَلَا تَرُدَّهُ.

و دعایش را اجابت می‌کنی، و بر تو سزاوار است که خواننده‌ی خود را محروم نساخته و او را رد نکنی.

وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ

و به هر اسمی که برای توست در تورات، انجیل، زبور

وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةٌ عَرْشِكَ

و قرآن عظیم؛ و به هر اسمی که حاملان عرش

وَمَلَائِكَتِكَ، وَأَنْبِيَاؤُكَ وَرُسُلُكَ، وَأَهْلُ طَاعَتِكَ مِنْ

و فرشتگان و پیامبران و فرستادگانت و و مخلوقات فرمانبردارت تو را به

خَلْقِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

تو بر من و آل من دعا کنی، و آن

تُعَجِّلَ

آن اسم می‌خوانند؛ که بر محمد و آل محمد درود فرستی و در فرج

فَرَجٍ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَتُعَجِّلَ خِزْيَ أَعْدَائِهِ.

و گشایش کار ولی و فرزند ولی خود تعجیل کنی و در خواری و لذت دشمنانش شتاب نمایی.

در این جا هر چه دوست داری دعا کن.

۱. مصباح المتهجد: ۱۳۹.

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: در کتاب «جمال الصالحین» اضافه‌ای برای این دعا یافتیم که چنین است:

**وَتَجْعَلْنَا مِنْ أَصْحَابِهِ وَأَنْصَارِهِ، وَتَرْزُقْنَا بِهِ**

و ما را از اصحاب و یارانش قرار بدهی و به واسطه او امید ما را برآورده

**رَجَاءَنَا، وَتَسْتَجِيبَ بِهِ دُعَاءَنَا. ۱**

و ارزانی داری، و دعای ما را اجابت کنی.

مرحوم کفعمی گوید: مستحب است که این دعا بعد از هر دو رکعت از نمازهای شب خوانده شود.<sup>۲</sup>

۱. مکیال المکارم: ۱۴/۲.

۲. المصباح: ۷۵.

## بخش چهارم



۲۶

دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در روزهای پنجشنبه

سید بن طاووس رحمته الله علیه می‌نویسد:

از جمله وظایف روز پنجشنبه آن است که مستحب است انسان هزار بار بر پیغمبر صلوات الله علیه صلوات بفرستد، و مستحب است که بگوید:

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. ۱**

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.

۱. جمال الأسبوع: ۱۲۱.

صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه  
از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه

شیخ طوسی رحمته الله علیه می نویسد: مستحب است بعد از نماز عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه بسیار صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله به این گونه:

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ**

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را

**فَرَجِهِمْ، وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنْ**

تعجیل فرما و دشمنان آنان را از جنّ و انس از

**الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.**

اولین و آخرین هلاک گردان.

و اگر آن را صد مرتبه بگویند فضیلت بسیاری دارد.<sup>۱</sup>

کفعمی رحمته الله علیه نیز می گوید: مستحب است که انسان در روز پنجشنبه

هزار مرتبه سوره قدر را بخواند و هزار مرتبه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و آل

او صلوات بفرستد؛ بعد دعایی که ذکر کردیم بخواند.<sup>۲</sup>

۱. مصباح المتهجد: ۲۶۵، و ص ۲۵۷ با کمی تفاوت.

۲. المصباح: ۱۷۷.

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه  
در شب جمعه

شیخ ابو جعفر طوسی رحمته الله علیه در کتاب «مختصر المصباح» وقتی وظایف شب جمعه را نقل می کند می فرماید:

صد مرتبه یا هر اندازه که می توانی این گونه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله

صلوات می فرستی:

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ**

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را

**فَرَجِهِمْ، وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ، مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنْ**

تعجیل فرما و دشمنان آنان را از جنّ و انس از

**الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.**<sup>۱</sup>

اولین و آخرین هلاک گردان.

۱. مکیال المکارم: ۳۱/۲.

دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنفا

که در گرفتاری های شدید خوانده می شود

دعایی است شریف که امام زمان ارواحنا فدا به علوی مصری تعلیم فرمودند<sup>۱</sup>، و آن دعا چنین است:

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ، وَمَنْ ذَا الَّذِي

پروردگارا! چه کسی است که تو را خوانده و تو او را جواب ندادی؟ و چه کسی است که از تو

سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ، وَمَنْ ذَا الَّذِي نَاجَاكَ فَخَيَّبْتَهُ، أَوْ

درخواست کرد و به او عطا نکردی؟ و چه کسی است که با تو مناجات کرده و او را ناامید ساختی

تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ. وَرَبِّ هَذَا فِرْعَوْنُ ذُو

یا به تو نزدیک شده پس او را دور گردانیدی؟ ای پروردگار من؛ این فرعون، صاحب

الأوتاد، مَعَ عِنَادِهِ وَكُفْرِهِ وَعُتُوهِ وَإِدْعَانِهِ

قوت هاست که با وجود انحرافش از حق و کفرش و سرکشی اش و ادعای

الرُّبُوبِيَّةِ لِنَفْسِهِ، وَعِلْمِكَ بِأَنَّهُ لَا يُتُوبُ، وَلَا يَرْجِعُ

ربوبیت برای خودش و با آگاهی تو به این که توبه نمی کند و باز نمی گردد

۱. گفتنی است این دعا قصه شگفت انگیزی دارد که ما آن را در «صحیفه مهدیه» نقل

کرده ایم.

وَلَا يُتُوبُ، وَلَا يُؤْمِنُ وَلَا يَخْشَعُ، اسْتَجَبْتَ لَهُ

و نمی آید و ایمان نمی آورد و خشوع نمی کند، دعایش را اجابت کردی

دُعَاءَهُ، وَأَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ، كَرَمًا مِنْكَ وَجُودًا، وَقِلَّةَ

و خواسته اش را عطا نمودی، به جهت بزرگواری و بخششی که داشته ای و کم

مِقْدَارٍ لِمَا سَأَلَكَ عِنْدَكَ، مَعَ عَظَمِهِ عِنْدَهُ، أَخْذًا

مقدار بودن آنچه خواسته بود در نزد تو، با وجود بزرگیش در نزد او؛

بِحُجَّتِكَ عَلَيْهِ، وَتَأْكِيدًا لَهَا حِينَ فَجَرَ وَكَفَرَ،

تا حجّت را بر او تمام ساخته و تأکید کرده باشی وقتی که تباهی و فساد کرد و کفر ورزید

وَاسْتَطَالَ عَلَى قَوْمِهِ وَتَجَبَّرَ، وَيَكْفُرِهِ عَلَيْهِمْ

و بر قومش زورگویی کرد و سرکشی نمود و به کفر خود برای شان

افْتَخَرَ، وَبِظُلْمِهِ لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ، وَبِحِلْمِكَ عَنْهُ

فخر کرد و به ظلمش بر نفس خود، تکبر و تکرر ورزید و به سبب بردباری تو درباره اش

اسْتَكْبَرَ، فَكَتَبَ وَحَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ جُرْأَةً مِنْهُ، أَنَّ

سرپیچی و گردنکشی نمود، پس مقرر کرد و بر خود باجرات حکم کرد که همانا

جَزَاءٌ مِثْلَهُ أَنْ يُعْرَقَ فِي الْبَحْرِ، فَجَزَيْتَهُ بِمَا حَكَمَ بِهِ

کیفر مثل او (در کفر و تکبر) این است که در دریا غرق شود؛ پس او را کیفر دادی به آنچه خود

عَلَى نَفْسِهِ. إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ، ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ

بر خودش حکم کرد. خدای من؛ و من بنده تو هستم؛ فرزند بنده و فرزند

أَمْنِكَ ، مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ ، مُقِرٌّ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ

کنیز تو؛ به بندگی تو اعتراف می‌کنم؛ اقرار دارم به این که تو خدای آفریننده من

خَالِقِي ، لَا إِلَهَ لِي غَيْرُكَ ، وَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ ، مُوقِنٌ

هستی؛ هیچ معبودی برایم جز تو نیست؛ و هیچ پروردگاری برایم غیر از تو نیست؛ یقین دارم

بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي ، وَإِلَيْكَ مَرَدِّي وَإِيَابِي ، عَالِمٌ

که همانا تو خداوندی و پروردگار من هستی و بازگشت و رجوع به سوی توست؛ می‌دانم

بِأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ

که بر هر چیزی توانایی و هر چه بخواهی انجام می‌دهی و هر چه اراده کنی حکم

مَا تُرِيدُ ، لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِكَ ، وَلَا زَادَ لِقَضَائِكَ ،

می‌نمایی؛ به تأخیراندازنده‌ای نیست حکم تو را و ردکننده‌ای نیست فرمان تو را؛

وَأَنَّكَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ، لَمْ تَكُنْ مِنْ

و می‌دانم همانا تو اول و آخر و ظاهر و باطن هستی؛ از چیزی به وجود نیامدی

شَيْءٍ ، وَلَمْ تَبْنِ عَنْ شَيْءٍ ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ،

و از چیزی ساخته نشدی؛ پیش از هر چیزی بودی

وَأَنْتَ الْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَالْمُكُونُ لِكُلِّ شَيْءٍ ،

و تو بعد از هر چیز خواهی بود؛ و ایجادکننده هر چیزی هستی؛

خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ ، وَأَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ .

هر چیزی را به اندازه و مقدار آفریدی و تو شنوای بینایی.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَذَلِكَ كُنْتَ وَتَكُونُ ، وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ ،

و گواهی می‌دهم که تو این گونه بودی و خواهی بود؛ و تو زنده پاینده‌ای؛

لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ، وَلَا تُوصَفُ بِالْأَوْهَامِ ، وَلَا

چرت و خواب تو را فرا نمی‌گیرد؛ و با خیالات و توهم‌ها وصف نمی‌گردد؛

تُدْرِكُ بِالْحَوَاسِّ ، وَلَا تُقَاسُ بِالْمِقْيَاسِ ، وَلَا تُشَبَّهُ

و با حواس درک نمی‌شوی؛ و با مقیاسی قیاس نمی‌شوی؛ و به مردم تشبیه نمی‌گردد؛

بِالنَّاسِ ، وَأَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عَبِيدُكَ وَإِمَاؤُكَ ، أَنْتَ

و این که تمام آفریدگان، بندگان و کنیزان تو هستی؛ تو

الرَّبُّ وَنَحْنُ الْمَرْبُوبُونَ ، وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَنَحْنُ

پروردگاری و ما پرورش‌یافتگان تو، و تو آفریننده‌ای و ما

الْمَخْلُوقُونَ ، وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَنَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ .

آفریده‌شده؛ و تو روزی دهنده‌ای و ما روزی خوار.

فَلَاكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي ، إِذْ خَلَقْتَنِي بَشَرًا سَوِيًّا ،

پس حمد و ستایش تو راست ای خدای من؛ چون مرا بشری درست و بی‌عیب آفریدی

وَجَعَلْتَنِي غَنِيًّا مَكْفِيًّا ، بَعْدَ مَا كُنْتُ طِفْلاً صَبِيًّا ،

و مرا بی‌نیاز و کفایت‌شده قرار دادی بعد از آن که کودکی کوچک بودم،

تَقَوُّتُنِي مِنَ الثَّدْيِ لَبَنًا مَرِيئًا ، وَغَذَيْتَنِي غَدَاءً طَيِّبًا

شیر گوارا را از پستان خوراک من قرار دادی، و با غذای پاک لذیذ گوارا مرا تغذیه کردی



هَنِيئًا ، وَجَعَلْتَنِي ذِكْرًا مِثْلًا سَوِيًّا . فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

و مرا مردی به شکلی متناسب و هماهنگ قرار دادی. پس حمد مخصوص توست؛ حمدی که

إِنْ عُدَّ لَمْ يُحْصَ ، وَإِنْ وُضِعَ لَمْ يَتَّسِعْ لَهُ شَيْءٌ ،

اگر شمرده شود به شمارش نیاید و اگر (در محلی) گذاشته شود چیزی گنجایش آن را

حَمْدًا يُفُوقُ عَلَيَّ جَمِيعِ حَمْدِ الْحَامِدِينَ ، وَيَعْلُو

ندارد؛ ستایشی که بالاتر از تمام ستایش‌های ستایشگران باشد و

عَلَيَّ حَمْدِ كُلِّ شَيْءٍ ، وَيَفْخُمُ وَيَعْظُمُ عَلَيَّ ذَلِكَ كَلِّهِ ،

بر ستایش هر چیزی برتری یابد و بر تمام آن‌ها بلندمرتبه‌گی و بزرگی کند؛

وَ كَلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءٌ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ

و هرگاه چیزی خدا را ستایش کند. و حمد و ستایش خدا راست آن طور که خدا دوست می‌دارد که

يُحَمِّدَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ ، وَ زِنَةَ مَا خَلَقَ ،

حمد شود، و حمد و ستایش مخصوص خداست به تعداد مخلوقات او و هم‌وزن آنچه آفرید

وَ زِنَةَ أَجَلٍ مَا خَلَقَ ، وَ يَوْزَنُ أَحَفُّ مَا خَلَقَ ، وَ بَعْدَ

و هم‌وزن بزرگ‌ترین چیزی که خلق کرد و به وزن سبک‌ترین چیزی که آفرید و به تعداد

أَصْغَرِ مَا خَلَقَ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى رَبُّنَا وَبَعْدَ

کوچک‌ترین مخلوقاتش. و حمد و ستایش خدا راست به قدری که پروردگارمان راضی شود و پس از

الرِّضَا ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،

رضایت و خشنودیش؛ و از خدا می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستد

وَأَنْ يَغْفِرَ لِي ذَنْبِي ، وَأَنْ يَحْمَدَ لِي أَمْرِي ، وَيَتُوبَ

و گناهم را ببخشد و کارم را سپاس گزارد، و توبه‌ام را بپذیرد؛

عَلَيَّ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ . إِلَهِي وَإِنِّي أَنَا أَدْعُوكَ

همانا او توبه‌پذیر مهربان است. خدای من؛ همانا من تو را می‌خوانم

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَفْوَتُكَ أَبُونَا آدَمُ

و از تو می‌خواهم - به آن نامت که (بنده) برگزیده‌ات پدرمان آدم

عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَهُوَ مُسِيءٌ ظَالِمٌ حِينِ أَصَابَ

- که بر او درود باد - تو را به آن نام خواند و در حالی که گناهکار و ستم‌کننده بر نفس شد وقتی که

الْخَطِيئَةَ ، فَغَفَرْتَ لَهُ خَطِيئَتَهُ ، وَ تَبَّتْ عَلَيْهِ ،

خطا از او سر زد پس خطایش را بخشیدی و توبه‌اش را پذیرفتی

وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دَعْوَتَهُ ، وَ كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ ،

و دعایش را اجابت نمودی و به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي

- که بر محمد و آل محمد درود فرستی و خطایم را ببخشی

خَطِيئَتِي وَتَرْضَى عَنِّي ، فَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ

و از من راضی و خشنود شوی؛ و اگر از من راضی نمی‌شوی، پس مرا مورد عفو خود قرار دهی

عَنِّي ، فَإِنِّي مُسِيءٌ ظَالِمٌ خَاطِئٌ عَاصٍ ، وَقَدْ يَغْفُو

که همانا من گناه‌کار ظالم، خطاکار سرکش هستم؛

السَّيِّدُ عَنِ عَبْدِهِ، وَلَيْسَ بِرَاضٍ عَنْهُ، وَأَنْ تُرْضِيَ

و اقا بنده‌اش را عفو می‌کند در حالی که از او راضی نیست؛ و (می‌خواهم) که

عَنِّي خَلْقَكَ، وَتُمِيطَ عَنِّي حَقَّكَ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ

آفریدگانت را از من راضی گردانی و حقت را از من برداری. خدای من؛ و از تو می‌خواهم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

به آن نامت که به وسیله آن، ادريس - که بر او درود باد - تو را خواند؛

فَجَعَلْتَهُ صِدِّيقًا نَبِيًّا، وَرَفَعْتَهُ مَكَانًا عَلِيًّا،

پس او را تصدیق‌کننده و پیامبر قرار دادی، و در مرتبه بلندی بالا بردی؛

وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ

و دعایش را اجابت نمودی و توبه او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ مَآبِي

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و محل بازگشتم را به سوی

إِلَى جَنَّتِكَ، وَمَحَلِّي فِي رَحْمَتِكَ، وَتُسَكِّنَنِي فِيهَا

بهشت خویش قرار دهی، و جایگاهم را در رحمت خود قرار داده و در آن مرا با گذشت

بِعَفْوِكَ، وَتُرَوِّجَنِي مِنْ حُورِهَا، بِقُدْرَتِكَ يَا قَدِيرٌ.

خویش ساکن گردانی، و از حوریه‌اش برایم تزویج کنی، با توانایی‌ات ای خدای توانا.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ، إِذْ نَادَى

خدای من؛ و از تو می‌خواهم به واسطه آن نامت که نوح به آن نام تو را خواند؛ آن هنگام که

رَبَّهُ ﴿أَنْتَ مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ﴾ \* فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ

پروردگارش را ندا داد: «من شکست خورده‌ام پس یاری برسان \* در این هنگام درهای آسمان را

بِمَاءٍ مِنْهُمْ \* وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ

با آبی فراوان و ریزان گشودیم \* و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم و این

عَلَى أَمْرٍ قَدْ قَدِرَ ۱، وَنَجَّيْتَهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوَّاحِ

آبها به اندازه مقدر باهم آمیختند» و سوار بر چیزی که دارای تخته‌ها

وَدُسْرِ، فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

و میخ‌ها بود (کشتی) نجاتش دادی، پس دعایش را اجابت نمودی و تو پیوسته به او نزدیک بودی،

قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی و

تُنَجِّنِي مِنْ ظُلْمٍ مَنْ يُرِيدُ ظُلْمِي، وَتَكْفَ عَنِّي

مرا از ستم آن که می‌خواهد به من ستم کند نجات دهی، و مرا از شر و

بِأَسِّ مَنْ يُرِيدُ هَضْمِي، وَتَكْفِينِي شَرَّ كُلِّ سُلْطَانٍ

عذاب آن که شکستم را می‌خواهد، نگه داری، و مرا کفایت کنی از شر هر سلطان

جَائِرٍ، وَعَدُوِّ قَاهِرٍ، وَمُسْتَخَفِّ قَادِرٍ، وَجَبَّارٍ عَنِيدٍ،

ستم‌پیشه و منحرف، و دشمن چیره‌شونده، و خوارکننده پرتوان، و زورگوی ستیزه‌گر،

وَ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَإِنْسِيٍّ شَدِيدٍ، وَكَيْدِ كُلِّ

و هر شیطان سرکش و نافرمان، و هر انسان سخت‌گیر، و مکر هر

مَكِيدٍ، يَا حَلِيمُ يَا وَدُودُ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

حیله‌گر، ای بردبار؛ ای بسیار مهربان؛ خدای من؛ از تو می‌خواهم به واسطه آن نامت

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ صَالِحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ

که به آن نام بنده و پیامبر تو حضرت صالح - که بر او درود باد - تو را خواند؛

فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْخَسْفِ، وَأَعْلَيْتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ،

پس او را از فرو رفتن (خواری و نقصان) نجات دادی، و بر دشمنانش برتری بخشیدی،

وَأَسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ

و دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخَلِّصَنِي مِنْ

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا از

شَرِّ مَا يُرِيدُنِي أَعْدَائِي بِهِ، وَسَعَى بِي حُسَّادِي،

شر آنچه دشمنانم نسبت به من می‌خواهند و حسودانم تلاش می‌کنند رها گردانی،

وَتَكْفِيَنِيهِمْ بِكَفَايَتِكَ، وَتَتَوَلَّانِي بِوِلَايَتِكَ،

و به کفایت خود مرا از آنان کفایت کنی، و به ولایت خود مرا سرپرستی نمایی،

وَتَهْدِي قَلْبِي بِهَدَاكَ، وَتُوَيِّدُنِي بِتَقْوَاكَ،

و قلبم را به هدایت خود هدایت سازی، و به تقوای خود مرا نیرو بخشی،

وَتُبَصِّرَنِي (وَتَنْصُرَنِي) بِمَا فِيهِ رِضَاكَ، وَتُغْنِيَنِي بِغِنَاكَ

و مرا در آنچه رضای توست بینا و آگاه گردانی، و به بی‌نیازی خود مرا بی‌نیاز سازی،

يَا حَلِيمُ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

ای بردبار؛ خدای من؛ از تو می‌خواهم به واسطه آن اسمت که به آن اسم،

عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَخَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حِينَ

بنده و پیامبر و دوستت حضرت ابراهیم - که بر او درود باد - تو را خواند، هنگامی که

أَرَادَ نُمْرُودُ الْقَاءَهُ فِي النَّارِ، فَجَعَلْتَ لَهُ النَّارَ بَرْدًا

نمرود خواست او را در آتش بیندازد؛ پس، آتش را بر او سرد

وَسَلَامًا، وَأَسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

و سلامت قرار دادی، و دعایش را اجابت کردی، و تو به او نزدیک بودی ای

قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

نزدیک، (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و

تُبَرِّدَ عَنِّي حَرَّ نَارِكَ، وَتُطْفِئَ عَنِّي لَهَبَهَا،

حرارت آتشت را بر من سرد گردانی، و شعله آن را از من خاموش کنی

وَتَكْفِيَنِي حَرَّهَا، وَتَجْعَلَ نَائِرَةَ أَعْدَائِي فِي

و از حرارتش مرا کفایت کنی، و آتش فتنه‌انگیز دشمنانم را در

شِعَارِهِمْ وَدِتَارِهِمْ، وَتَرُدَّ كَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ،

لباس‌های زیر و رویشان (ظاهر و باطن ایشان) قرار دهی، و نیرنگ‌شان را به خودشان باز گردانی،

وَتُبَارِكَ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِيهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِ وَعَلَى

و در آنچه به من عطا فرمودی برکت دهی؛ همچنان که بر او و بر

إِلَيْهِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ. إِلَهِي

دودمانش برکت دادی؛ همانا تو بسیار بخشنده، ستوده شده و باشکوه و عظمی. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ

از تو می‌خواهم به آن نامی که به واسطه آن، اسماعیل - که بر او

السَّلَامُ، فَجَعَلْتَهُ نَبِيًّا وَرَسُولًا، وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ

درود باد - تو را خواند؛ پس او را پیامبر و رسول قرار دادی، و حرمت را برایش

مَنْسَكًا وَمَسْكَنًا وَمَأْوَى، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ،

محل عبادت و منزلگاه و پناهگاه قرار دادی، و دعایش را اجابت نمودی،

وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ<sup>۱</sup>، وَقَرَّبْتَهُ رَحْمَةً مِنْكَ، وَكُنْتَ

و او را از قربانی شدن نجات بخشیدی، و از رحمت و لطف خود وی را مقرب ساختی، و تو

مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْسَحَ لِي فِي قَبْرِي، وَتَحُطَّ عَنِّي

محمد درود فرستی و قبرم را وسعت دهی و بار سنگین گناه را از من برداری

وِزْرِي، وَتَشُدَّ لِي أَرْزِي، وَتَغْفِرَ لِي ذَنْبِي،

و پشتم را محکم سازی، و گناهم را ببخشی

وَتَرْزُقَنِي التَّوْبَةَ بِحَطِّ السَّيِّئَاتِ، وَتَضَاعَفِ

و توبه را روزیم کنی با فروریختن زشتی‌ها و بدی‌ها و افزودن خوبی‌ها و

۱. الذَّبْح - به فتح ذال -؛ یعنی کشته شدن، و به کسر ذال: یعنی چیزی که کشته می‌شود.

الْحَسَنَاتِ، وَكَشَفِ الْبَلِيَّاتِ، وَرَبِّحِ التَّجَارَاتِ،

نیکی‌ها و برطرف کردن بلاها، و سود تجارت‌ها،

وَدَفَعِ مَعْرَةَ السُّعَايَاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ،

و دور کردن بدی‌ها و اذیت‌های سخن‌چینی‌ها؛ همانا تو اجابت‌گر دعاها

وَمُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ، وَقَاضِي الْحَاجَاتِ، وَمُعْطِي

و فرو فرستنده برکت‌ها، و برآورنده حاجت‌ها، و بخشنده

الْخَيْرَاتِ، وَجَبَّارُ السَّمَاوَاتِ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِمَا

خیرات و خوبی‌ها، و جبار و حاکم آسمان‌هایی. خدای من؛ از تو می‌خواهم به آنچه که

سَأَلْتُكَ بِهِ ابْنُ خَلِيلِكَ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الَّذِي

به واسطه آن از تو خواست فرزند دوست اسماعیل - که بر او درود باد - آن کسی که

نَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ، وَفَدَيْتَهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ، وَقَلَّبْتَ لَهُ

او را از کشته شدن نجات بخشیدی، و قربانی بزرگ را از طرف او فدیه قرار دادی و برای او

الْمِشْفَقِ حِينَ (حَتَّى) نَاجَاكَ مُوقِنًا بِذَبْحِهِ، رَاضِيًا

کاردار را برگرداندی؛ هنگامی که با تو مناجات کرد در حالی که یقین به کشته شدن خود داشت و

بِأَمْرِ وَالِدِهِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا

راضی به امر پدرش بود؛ پس دعایش را برای او اجابت نمودی و تو به او نزدیک بودی،

يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

ای نزدیک؛ (می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی و

تُنَجِّبِنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَبَلِيَّةٍ، وَتَصْرِفَ عَنِّي كُلَّ

مرا از هر بدی و بلائی نجات دهی و هر

ظُلْمَةٍ وَخَيْمَةٍ، وَتَكْفِينِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أُمُورِ دُنْيَايَ

تاریکی شدید را از من بازگردانی، و کفایتم کنی آنچه را از امور دنیا

وَآخِرَتِي، وَمَا أَحَازِرُهُ وَأَخْشَاهُ، وَمِنْ شَرِّ خَلْقِكَ

و آخرتم که مرا اندوهگین ساخته است، و آنچه از آن پرهیز می‌کنم و می‌ترسم، و از شر همه

أَجْمَعِينَ، بِحَقِّ آلِ يَسٍ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

آفریدگانت به حق آل محمد ﷺ. خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن نامت

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَنَجِّتَهُ وَأَهْلَهُ

که به واسطه آن، لوط - که بر او درود باد - تو را خواند، پس او و اهلس را

مِنَ الْخَسْفِ وَالْهَدْمِ وَالْمَثَلَاتِ وَالشُّدَّةِ وَالْجُهْدِ،

از فرورفتن (در زمین) و ویران شدن (خانه‌ها) و شکنجه‌ها و سختی و مشقت نجات دادی

وَأَخْرَجْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ

و او و اهلس را از گرفتاری بزرگ رهایی‌دی، و دعایش را اجابت نمودی،

دُعَاةً، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمِيعِ مَا شِئْتَ

محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا اذن دهی به جمع نمودن تمام کارهای

مِنْ شَمْلِي، وَتُبَيِّرَ عَيْنِي بِوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي،

برکنده‌ام، و دیده‌ام را به فرزندم و خانواده‌ام و مالم روشن گردانی،

وَتُصْلِحَ لِي أُمُورِي، وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ

و امورم را اصلاح کنی، و تمام حالاتم را مبارک گردانی،

أَحْوَالِي، وَتُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي، وَأَنْ تُجِبَّرَنِي

و مرا به آرزوهایم در مورد خودم برسانی، و از آتش پناهم دهی،

مِنَ النَّارِ، وَتَكْفِينِي شَرَّ الْأَشْرَارِ بِالْمُصْطَفِينَ

و مرا کفایت کنی از بدی بدکاران، به واسطه برگزیدگان

الْأَخْيَارِ، الْأَيِّمَةِ الْأَبْرَارِ، وَنُورِ الْأَنْوَارِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

نیکان، (یعنی) امامان نیکوکار، و روشنی‌بخش روشنی‌ها، محمد و آل او

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، الْأَيِّمَةِ الْمَهْدِيِّينَ،

که پاکان و پاکیزگان و نیکان‌اند، پیشوایان هدایت‌گر،

وَالصُّفْوَةَ الْمُتَنَجِّبِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ،

و برگزیدگان نجیبان - که دروهای خدا بر تمامشان باد - هستند.

وَتَرْزُقَنِي مُجَالَسَتَهُمْ، وَتَمَنَّ عَلَيَّ بِمُرَافَقَتِهِمْ،

و همنشینی آنان را روزی من گردانی، و بر من به رفاقت و همراهی آنان منت گذاری،

وَتُوَفِّقَ لِي صُحْبَتَهُمْ، مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ،

و مرا موفق به همدمی و همنشینی ایشان نمایی، با پیامبران رسالت داده‌شده،

وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلَ

و فرشتگان مقربت، و بندگان نیکوکار و صالحت، و تمام

طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ، وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَالْكَرُوبِيِّينَ.

فرمانبرداران تو و حاملان عرش و فرشتگان کزوبیان.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ يَعْقُوبُ، وَقَدْ

خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن نامت که به واسطه آن، یعقوب از تو درخواست کرد، در حالی

كُنْتُ بَصْرُهُ، وَشِئْتَ شَمْلَهُ (جَمْعُهُ)، وَقَفِدَ قَرَّةُ عَيْنِهِ

که چشمش کور شده و اجتماعش پراکنده شده، و نور چشمش (یعنی) پسرش گم شده بود؛

ابْنُهُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ،

پس دعایش را اجابت نمودی و پراکندگی او را جمع نمودی،

وَأَقْرَرْتَ عَيْنَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

و چشمش را روشن کردی، و گرفتاریش را برطرف نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای

قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

نزدیک؛ (می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی و

تَأْذِنَ لِي بِجَمِيعِ مَا تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي، وَتُقِرَّ عَيْنِي

مرا در جمع نمودن آنچه از امرم پراکنده شده اذن دهی و چشمم را

بِوَالِدِي وَأَهْلِي وَمَالِي، وَتُصَلِّحَ شَأْنِي كُلَّهُ، وَتُبَارِكَ

به فرزندم و خانواده‌ام و مالم روشن نمایی، و تمام کارهایم را اصلاح کنی، و

لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي، وَتُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي،

همه حالات و تحولات زندگی را برایم مبارک گردانی، و مرا به تمام آرزوهایم در مورد خودم برسانی،

وَتُصَلِّحَ لِي أَعْمَالِي، وَتَمُنَّ عَلَيَّ يَا كَرِيمُ، يَا ذَا

و کارهایم را اصلاح کنی، و بر من منت گذاری ای بزرگوار؛ ای صاحب

الْمَعَالِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. إِلَهِي

بزرگی‌ها و برتری‌ها؛ به رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَسِيئُكَ

از تو می‌خواهم به آن اسمت که به واسطه آن نام، بنده و پیامبرت

يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَنَجَّيْتَهُ مِنْ

یوسف - که بر او درود باد - تو را خواند پس دعایش را اجابت کردی، و او را از

غِيَابَتِ الْجُبِّ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكَفَيْتَهُ كَيْدَ إِخْوَتِهِ،

اعماق چاه نجات دادی، و گرفتاریش را برطرف نمودی، و او را از مکر برادرانش کفایت

وَجَعَلْتَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ،

کرده و بعد از بندگی و بردگی او را پادشاه قرار دادی، و دعایش را اجابت نمودی،

وَكَنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می‌خواهم) بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَدْفَعَ عَنِّي كَيْدَ كُلِّ كَائِدٍ، وَشَرَّ كُلِّ

و آل محمد درود فرستی، و نیرنگ هر حيله‌گر، و شر هر

حَاسِدٍ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ

حسود را از من دور کنی، همانا تو بر هر چیزی توانایی. خدای من؛ از تو می‌خواهم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ مُوسَىٰ بِنُ

به آن نامت که به آن نام، بنده و پیامبرت موسی بن

عِمْرَانَ إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ ﴿۱﴾ وَنَادَيْتَاهُ مِنْ

عمران تو را خواند آن هنگام که گفتمی - ای پاک و بلندمرتبه - : «ما او را از

جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ﴿۱﴾، وَضَرَبْتَ لَهُ

طرف راست کوه طور فرا خواندیم و او را برای رازگویی، به خود نزدیک ساختیم» و

طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا، وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ مِنْ بَنِي

راهی خشک در دریا برایش گشودی، و او و همراهانش از بنی‌اسرائیل را نجات دادی،

إِسْرَائِيلَ، وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا،

و فرعون و هامان و سپاهیان‌شان را غرق کردی،

وَأَسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ،

و دعای موسی را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

(می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی، و

تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ، وَتُقَرِّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ،

مرا از شرّ آفریدگانت در پناه خود نگه داری، و مرا با گذشتت مقرب خود گردانی،

وَتَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ مَا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ

و از فضل خود بر من گسترش دهی آن قدر که مرا از تمام خلق بی‌نیاز کند،

خَلْقِكَ، وَيَكُونُ لِي بَلَاغًا أَنَالُ بِهِ مَغْفِرَتَكَ

و برایم به قدر کفایت باشد که به واسطهٔ آن به آمرزش

وَرِضْوَانِكَ، يَا وَلِيَّيَّ وَوَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ. إِلَهِي

و رضوان تو برسم، ای صاحب اختیار من و صاحب اختیار مؤمنان. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ

از تو می‌خواهم به آن نامی که به واسطهٔ آن، بنده و پیامبرت

دَاوُودُ، فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْجِبَالَ،

داود تو را خواند، پس دعایش را اجابت کردی، و کوه‌ها را مسخّر و تحت فرمان او ساختی،

يُسَبِّحُنَ مَعَهُ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً

که با او در شام‌گاهان و صبح‌گاهان تسبیح گویند، و پرندگانی که پیرامون او بودند

كُلُّ لَّهُ أَوَابٌ، وَشَدَدْتَ مُلْكَهُ، وَآتَيْتَهُ الْحِكْمَةَ

همگی را فرمانبردار او گرداندی، و سلطنتش را محکم نمودی، و حکمت

وَفَصَلَ الْخِطَابِ، وَأَلَّنْتَ لَهُ الْحَدِيدَ، وَعَلَّمْتَهُ صَنْعَةَ

و فصل الخطاب (حکم فاطمی که باعث تمام‌شدن اختلاف گردد) را به او عطا کردی، و آهن را برایش نرم گرداندی، و

لَبُوسٍ لَهُمْ، وَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

صنعت زره‌سازی را به او آموختی، و گناهش را بخشودی، و تو به او نزدیک بودی، ای

قَرِيبُ . اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ ،

نزدیک. از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی.

وَأَنْ تُسَخِّرَ لِي جَمِيعَ اُمُورِي ، وَتُسَهِّلَ لِي تَقْدِيرِي ،

و تمام امورم را تحت فرمانم قرار دهی، و تقدیرم را برای من آسان سازی،

وَتَرْزُقْنِي مَغْفِرَتَكَ وَعِبَادَتَكَ ، وَتَدْفَعَ عَنِّي ظُلْمَ

و آمرزش و عبادت خود را روزیم کنی، و از من دور کنی ستم

الظَّالِمِينَ ، وَكَيْدَ الْكَاثِبِينَ ، وَمَكْرَ الْمَاكِرِينَ ،

ستمگران، و نیرنگ حيله‌گران، و مکر مکاران.

وَسَطَوَاتِ الْفِرَاعِنَةِ الْجَبَّارِينَ ، وَحَسَدَ الْحَاسِدِينَ ،

و یورش‌های فرعون‌های زورگو، و حسد حسودان را.

يَا اَمَانَ الْخَائِفِينَ ، وَجَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ ، وَثِقَةَ

ای ایمنی‌بخش بیمناکان، و امان‌دهنده پناهجویان، و محل اطمینان

الْوَاتِقِينَ ، وَذَرِيعَةَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَرَجَاءَ الْمُتَوَكِّلِينَ ،

اعتمادکنندگان، و دستاویز مؤمنان، و امید توکل‌کنندگان.

وَمُعْتَمَدَ الصَّالِحِينَ ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اِلٰهِي

و محل اعتماد نیکوکاران، ای مهربان‌ترین مهربانان. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِالْاِسْمِ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ

از تو می‌خواهم بار پروردگارا؛ به آن اسمی که بنده و پیامبرت

سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُودَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، اِذْ قَالَ ﴿ رَبِّ

سلیمان فرزند داوود - که بر هر دو درود باد - تو را خواند هنگامی که گفت: «بارالها؛

اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِاِحَدٍ مِّنْ بَعْدِي

مرا ببخش و مرا سلطنتی عطا فرما که پس از من کسی سزاوار آن نباشد

اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿ ۱ 〉 ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ ، وَاَطَعْتَ

که همانا تو بسیار بخشنده‌ای؛ پس دعایش را اجابت نمودی، و

لَهُ الْاَخْلَقَ ، وَحَمَلْتَهُ عَلَي الرَّيْحِ ، وَعَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ

آفریدگان را مطیع او ساختی، و او را سوار بر باد کردی، و زبان پرندگان را به او آموختی.

الطَّيْرِ ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الشَّيَاطِينَ مِنْ كُلِّ بَنَاءٍ

و شیاطین - بناکننده و فرورونده در آب - را مسخر او ساختی.

وَعَوَاصٍ ، وَاٰخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْاَضْفَادِ ، هٰذَا

و دیگران را در بند و زنجیر او کشیدی؛ این،

عَطَاؤُكَ لَا عَطَاءٍ غَيْرِكَ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ ،

بخشش توست نه بخشش غیر تو؛ و توبه او نزدیک بودی، ای نزدیک؛

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَاَنْ تُهْدِيَ لِي

(می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و قلبم را برایم هدایت کنی.

قَلْبِي ، وَتَجْمَعَ لِي لُبِّي ، وَتَكْفِينِي هَمِّي ، وَتُؤْمِنَ

و عقلم را برایم متمرکز گردانی، و اندوهم را کفایت کنی، و



خَوْفِي، وَتَفَكُّ أُسْرِي، وَتَشُدُّ أُرْرِي، وَتُمْهَلْنِي

ترسم را ایمن گردانی، و از بند اسارت‌م رها کنی، و پشت‌م را محکم گردانی، و مرا مهلت دهی،

وَتُنْفَسِّنِي، وَتَسْتَجِيبُ دُعَائِي، وَتَسْمَعُ نِدَائِي،

و آسوده خاطر سازی، و دعایم را اجابت کنی، و ندایم را بشنوی،

وَلَا تَجْعَلْ فِي النَّارِ مَأْوَايَ، وَلَا الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي،

و جایگاهم را در آتش قرار ندهی، و دنیا را بزرگ‌ترین مقصود من قرار ندهی،

وَأَنْ تُوسِّعَ عَلَيَّ رِزْقِي، وَتُحَسِّنَ خُلُقِي، وَتُعْتِقَ

و روزی‌ام را برایم وسعت دهی، و اخلاقم را نیکو گردانی، و

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَوْمَلِي.

مرا از آتش آزاد کنی؛ همانا تو آقای من و مولای من و نهایت آرزوی من هستی.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ،

خدای من؛ از تو می‌خواهم، پروردگارا؛ به آن اسمت که به آن اسم، ایوب تو را خواند،

لَمَّا حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ بَعْدَ الصِّحَّةِ، وَنَزَلَ السَّقَمُ مِنْهُ

هنگامی که بلا بعد از صحت به او رسید، و بیماری جای

مَنْزِلَ الْعَافِيَةِ، وَالضِّيقُ بَعْدَ السَّعَةِ وَالْقُدْرَةِ،

عافیت او نشست و تنگی و شدت بعد از فراخی و توانایی بر او روی آورد؛

فَكَشَفَتْ ضُرَّهُ، وَرَدَدَتْ عَلَيْهِ أَهْلَهُ، وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ،

پس گرفتاریش را برطرف کردی، و خانواده‌اش و مثل ایشان را که با ایشان بودند به او بازگرداندی،

حِينَ نَادَاكَ، دَاعِيَا لَكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ، رَاغِبًا لِفَضْلِكَ،

هنگامی که تو را ندا داد، در حالی که دعاکننده برای تو و روی آورنده به سوی تو، و امیدوار به بخشش تو،

شَاكِيًا إِلَيْكَ رَبِّ ۖ إِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ

و شکوه‌کننده به سوی تو بود (وگفت: ای پروردگار من؛ «همانا بیچارگی بر من رسیده و تو مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ»<sup>۱</sup>، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ،

مهربانانی؛ پس، دعایش را اجابت کردی و بیچارگی او را برطرف نمودی

وَكَنتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. (می‌خواهم) که بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ ضُرِّي، وَتُعَافِيَنِي فِي

و آل محمد درود فرستی، و بیچارگی مرا برطرف کنی، و در

نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي فِيكَ،

جان و خانواده و مال و فرزند و برادران دینی‌ام عافیت دهی،

عَافِيَةً بَاقِيَةً شَافِيَةً كَافِيَةً، وَإِفْرَةَ هَادِيَةً نَامِيَةً،

عافیت پایدار، شفابخش، کفایتگر، فراوان و فراگیر، هدایتگر، رشد دهنده،

مُسْتَعْنِيَةً عَنِ الْأَطْبَاءِ وَالْأَدْوِيَةِ، وَتَجْعَلْهَا شِعَارِي

بی‌نیازکننده از پزشکان و دواها؛ و آن را لباس زیر

وَدِثَارِي، وَتُمَتِّعَنِي بِسَمْعِي وَبَصْرِي، وَتَجْعَلْهُمَا

و رویم قرار دهی (کنایه از اینکه همواره با من همراه باشد)، و مرا به چشم و گوشم بهره‌مند سازی،

۱. سورة انبياء، آیه ۸۳.

الْوَارِثِينَ مِنِّي، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي

و آن دو را وارثان من قرار دهی؛ که همانا تو بر هر چیزی توانایی. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ بْنُ مَتَّى فِي

از تو می‌خواهم به آن اسمت که به واسطه آن اسم، یونس پسر متی در

بَطْنِ الْحُوتِ حِينَ نَادَاكَ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ﴿۱﴾ أَنْ لَا

شکم ماهی تو را خواند، هنگامی که تو را در تاریکی‌های سه‌گانه خواند (و گفت: «هیچ

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۱﴾

معبودی نیست غیر از تو، تو پاک و منزهی؛ همانا من از ستمگران - بر خویش - هستم»

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَأَنْتَبَتْ

و (حال آن‌که) تو مهربان‌ترین مهربانانی؛ پس دعایش را اجابت نمودی، و

عَلَيْهِ شَجَرَةٌ مِنْ يَقْطِينٍ، وَأَرْسَلْتَهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ

بوته‌ای از کدو برایش رویاندی؛ و او را به سوی صد هزار نفر یا

يَزِيدُونَ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ

بیشتر فرستادی، و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می‌خواهم) که

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي،

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و دعایم را اجابت کنی،

وَتُدَارِكَنِي بِعَفْوِكَ، فَقَدْ عَرِقْتُ فِي بَحْرِ الظُّلْمِ

و با گذشت خود گذشته‌ام را جبران کنی؛ زیرا، در دریایی از ستم بر خویش، غرق شده‌ام؛

لِنَفْسِي، وَرَكِبْتَنِي مَظَالِمَ كَثِيرَةً لِيَخْلُقَكَ عَلَيَّ، صَلِّ

و حقّ و حقوق بسیاری برای بندگانت به دوش من است،

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْتُرْنِي مِنْهُمْ، وَأَعْتِقْنِي

بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا از آنان پنهان دار، و مرا

مِنَ النَّارِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ عِتْقَائِكَ وَطُلُقَائِكَ مِنْ

از آتش رهایی بخش، و مرا از آزادشدگان و رهایی‌یافتگان از

النَّارِ، فِي مَقَامِي هَذَا، بِمَنِّكَ يَا مَنَّانُ. إِلَهِي

آتش در همین مقام و موقعیتم قرار بده؛ به خاطر لطف و احسانت - ای بسیار احسان‌کننده - خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَسِيبُكَ

از تو می‌خواهم به آن اسمت که به واسطه آن اسم بنده و پیامبرت

عِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذْ أَيْدَتْهُ بِرُوحِ

عیسی پسر مریم تو را خواند - که بر هر دو درود باد - در آن هنگام که او را با روح القدس نیرو

الْقُدْسِ، وَأَنْطَقْتَهُ فِي الْمَهْدِ، فَأَحْيَيْ بِهِ الْمَوْتَىٰ،

بخشیدی، و در گهواره گویا نمودی، و به وسیله او، مردگان زنده شدند،

وَأَبْرَأَ بِهِ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ، وَخَلَقَ مِنَ الطِّينِ

به وسیله او با اجازه تو کور مادرزاد و بیمار پیسی‌گرفته شفا یافت، و از گل،

كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَصَارَ طَائِرًا بِإِذْنِكَ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا

شکل پرنده‌ای را درست کرد پس به اذن تو پرنده و پروازکننده گردیدی؛ و تو به او نزدیک بودی،

يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

ای نزدیک، (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی و

تُفَرِّغَنِي لِمَا خُلِقْتُ لَهُ، وَلَا تَشْغَلَنِي بِمَا قَدْ تَكَلَّفْتَهُ

مرا برای آنچه آفریده شده‌ام (از مشغولیت) فارغ بداری، و مرا مشغول نکنی به آنچه برایم عهده‌دار

لی، وَتَجْعَلَنِي مِنْ عِبَادِكَ وَزُهَّادِكَ فِي الدُّنْيَا،

گشته‌ای، و مرا از عبادت پیشه‌گان و زاهدان خود در دنیا قرار دهی،

وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِعَافِيَةٍ، وَهَنَأْتَهُ بِهَا مَعَ كَرَامَتِكَ يَا

و از آنان که برای عافیت و سلامت آن‌ها را آفریده‌ای، و به بزرگواری‌ات، زندگی را با داشتن عافیت برایشان گوارا

كَرِيمُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

گرداندی؛ ای بخشنده؛ ای بلندمرتبه؛ ای بزرگ. خدای من؛ از تو می‌خواهم به خاطر آن اسمت که

دَعَاكَ بِهِ آصَفُ بْنُ بَرْخِيَا عَلَى عَرْشِ مَلَكَتِ سَبَا،

به واسطه آن، آصف پسر برخیا بر (احضار) تخت ملکه سبا تو را خواند؛

فَكَانَ أَقَلَّ مِنْ لَحْظَةِ الطَّرْفِ، حَتَّى كَانَ مُصَوَّرًا بَيْنَ

پس در کمتر از چشم برهم گذاشتنی در پیش چشمش حاضر شد، به گونه‌ای که وقتی ملکه،

يَدَيْهِ، فَلَمَّا رَأَتْهُ ﴿قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ فَأَلْتِ كَأَنَّهُ

آن را دید «به او گفته شد: آیا تخت تو چنین است؟ (بلقیس) گفت: گویا

هُوَ﴾ فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ،

همین است» پس دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک،

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُكْفِرَ عَنِّي

(می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و گناهان و

سَيِّئَاتِي، وَتَقْبَلَ مِنِّي حَسَنَاتِي، وَتَقْبَلَ تَوْبَتِي،

بدی‌هایم را بیوشانی، و کارهای نیکویم را از من قبول کنی، و توبه‌ام را بپذیری،

وَتَتُوبَ عَلَيَّ، وَتُعِينِي فَقْرِي، وَتَجْبِرَ كَسْرِي،

و بر من روی آوری، و فقرم را برطرف سازی، و شکست مرا را جبران کنی،

وَتُحْيِي قُودِي بِذِكْرِكَ، وَتُحْيِيَنِي فِي عَافِيَةٍ،

و قلبم را با یاد خود زنده کنی، و مرا در عافیت زنده بداری

وَتُمِيتَنِي فِي عَافِيَةٍ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي

و در عافیت بمیرانی. خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمی که

دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ

به واسطه آن اسم، بنده و پیامبرت زکریا - که بر او درود باد - تو را خواند؛ هنگامی که از

سَأَلَكَ، دَاعِيًا لَكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ، رَاغِبًا لِفَضْلِكَ، فَقَامَ

تو درخواست نمود در حالیکه دعاکننده بود، و اشتیاق به سوی تو و امیدواری به بخشش تو داشت،

فِي الْمِحْرَابِ يُنَادِي نِدَاءً خَفِيًّا، فَقَالَ رَبِّ ﴿هَبْ لِي

پس در محراب عبادت ایستاد در حالی که با ندای پنهانی که می‌داد گفت: پروردگارا؛

مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا﴾ \* يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ

از نزد خود، جانشین (و فرزندی) به من عطا کن؛ که از من و آل یعقوب ارث ببرد،

وَأَجْعَلُهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿۱﴾ فَوَهَبْتَ لَهُ يَحْيَىٰ، وَاسْتَجَبْتَ

و او را وارثی صالح و پسندیده قرار ده پس یحیی را به او بخشیدی، و دعایش

لَهُ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ

را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُبْقِيَ لِي أَوْلَادِي،

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و فرزندانم را برابم نگه داری،

وَأَنْ تُمَتِّعَنِي بِهِمْ، وَتَجْعَلَنِي وَإِيَّاهُمْ مُؤْمِنِينَ لَكَ،

و مرا از وجود ایشان بهره‌مند سازی، و من و آنان را از ایمان آوردگان به خودت؛

رَاغِبِينَ فِي ثَوَابِكَ، خَائِفِينَ مِنْ عِقَابِكَ، رَاجِعِينَ لِمَا

و از مشتاقان ثوابت، بیمناکان از کیفرت، امیدواران به آنچه

عِنْدَكَ، آيسِينَ مِمَّا عِنْدَ غَيْرِكَ حَتَّى تُحْيِيَنَا حَيَوَةً

نزد توست، ناامیدان از آنچه نزد غیر توست قرار دهی؛ تا ما را به زندگی پاک و پاکیزه زنده داری

طَيِّبَةً، وَتُمِيتَنَا مِيتَةً طَيِّبَةً، إِنَّكَ فَعَالٌ لِّمَا تُرِيدُ.

و به مرگ پاک و پاکیزه بمیرانی؛ همانا تو هر چه خواهی انجام می‌دهی.

إِلٰهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ امْرَأَةً

خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمی که به واسطه آن، همسر

فِرْعَوْنَ، ﴿۱﴾ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ

فرعون تو را خواند «وقتی گفت: بارالها! برابم در نزد خود خانه‌ای در بهشت بنا کن

۱. سوره مریم، آیه ۵ و ۶.

وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ

و مرا از فرعون و کارگزارانش نجات ده و مرا از گروه ستمکاران رهایی بخش»

الظَّالِمِينَ ﴿۱﴾، فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَائَهَا، وَكُنْتَ مِنْهَا

پس دعایش را اجابت نمودی، در حالی که تو به او نزدیک بودی،

قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی،

وَأَنْ تُفَرِّعَ عَيْنِي بِالنَّظَرِ إِلَىٰ جَنَّتِكَ، وَوَجْهَكَ الْكَرِيمِ

و دیده‌ام را با نظر به بهشت خود، و به دیدن لطف کریمانه خود

وَأَوْلِيَائِكَ، وَتُفَرِّجَ جَنِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتُوَسِّنِي بِهِ

و اولیای خودت روشن کنی، و به واسطه محمد و آل محمد مرا به گشایش و راحتی برسانی، و مرا با

وَبِآلِهِ، وَبِمُصَاحِبَتِهِمْ وَمُرَافَقَتِهِمْ، وَتُمْكِّنَ لِي

او و آل او، و هم‌صحبتی و همراهی ایشان مانوس گردانی؛ و مرا در بهشت جای دهی و متمکن

فِيهَا، وَتُنَجِّنِي مِنَ النَّارِ، وَمَا أَعَدَّ لِأَهْلِهَا مِنْ

سازی؛ و از آتش نجاتم بخشی، و از آنچه که برای اهل آتش آماده شده است از

السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ، وَالشَّدَائِدِ وَالْأَنْكَالِ، وَأَنْوَاعِ

زنجیرها و غل‌ها، و نیز سختی‌ها و فشارها، و انواع عذاب‌ها رهایی بخشی؛

الْعَذَابِ، بِعَفْوِكَ يَا كَرِيمُ. إِلٰهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

با گذشت خودت، ای بخشنده بزرگوار؛ خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمی که

۱. سوره تحریم، آیه ۱۱.

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَصِدِّيقَتِكَ مَرْيَمُ الْبَتُولُ

به واسطه آن اسم، بنده و تصدیق کنندهات مریم پاکدامن

وَأُمُّ الْمَسِيحِ الرَّسُولِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، إِذْ قُلْتُ

و مادر مسیح رسول - که بر هر دو درود باد - تو را خواند؛ هنگامی که گفتم:

﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا

﴾ - یاد آر - حال مریم دختر عمران را که عورت خود را حفظ کرد؛ پس آن گاه

فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ

در آن از روح قدسی خویش بدمیدیم؛ و مریم نیز کلمات و کتابهای پروردگارش را

وَكَانَتْ مِنَ الْفَائِزِينَ ﴿۱﴾ فَاسْتَجَبَتْ لَهَا دُعَائُهَا،

با کمال ایمان تصدیق کرد، و از فرمانبرداران خدا بود؛ پس دعای او را اجابت نمودی

وَكَنتَ مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

در حالی که تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (میخواهم) که بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُحْصِنِي بِحِصْنِكَ الْحَصِينِ،

و آل محمد درود فرستی و مرا با حصار محکم خودت نگهداری کنی،

وَتَحْجُبَنِي بِحِجَابِكَ الْمَنِيْعِ، وَتُحْرِزَنِي بِحِرْزِكَ

و با پوشش بازدارندهات مرا ببوشانی، و به حرز محکم مرا حفظ و حراست نمایی،

الْوَثِيقِ، وَتَكْفِيَنِي بِكَفَايَتِكَ الْكَافِيَةِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ

و مرا به کفایت کافی خودت کفایت کنی؛ از شرّ هر

طَاغٍ، وَظَلَمَ كُلِّ بَاغٍ، وَمَكَّرَ كُلِّ مَاكِرٍ، وَغَدَرَ كُلِّ

سرکش، و ستم هر تجاوزگر، و مکر و نیرنگ هر حيله‌گر، و خیانت هر

غَادِرٍ، وَسِحْرٍ كُلِّ سَاحِرٍ، وَجَوْرٍ كُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ،

خیانت‌کار، و جادوی هر جادوگر، و ستم هر سلطان ستمگر؛

بِمَنْعِكَ يَا مَنِيعُ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ

با بازدارندگی و نگهداری خودت، ای بازدارنده؛ خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمی که

بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ، وَصَفِيَّتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

با آن اسم، بنده و پیامبر و برگزیده و منتخب از میان مخلوقات،

وَأَمِينِكَ عَلَيَّ وَحِيَّتِكَ، وَبَعِيَّتِكَ إِلَيَّ بِرَبِّيَّتِكَ،

و امین بر وحیت، و برانگیخته‌شده به سوی آفریدگانت،

وَرَسُولِكَ إِلَيَّ خَلْقِكَ مُحَمَّدٌ خَاصَّتِكَ وَخَالِصَّتِكَ،

و فرستادهات به سوی خلقت، محمد، بنده خاصّ و خالص تو

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَاسْتَجَبَتْ دُعَاءَهُ،

- که درود و سلام خدا بر او و آل او باد - تو را خواند؛ پس دعایش را اجابت نمودی

وَأَيَّدَتْهُ بِجُنُودٍ لَمْ يَرَوْهَا، وَجَعَلَتْ كَلِمَتَكَ الْعُلْيَا،

و با سپاه‌هایی که آنها را نمی‌دیدند، او را تأیید کرده و یاری رساندی، و کلمه خود را برتر قرار دادی،

وَكَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى، وَكَنتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

و کلمه آنان را که کفر ورزیدند پست و پایین قرار دادی؛ در حالی که تو به او نزدیک بودی، ای

قَرِيبُ. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً

نزدیک. (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی؛ درودهای

زَاكِيَةً طَيِّبَةً، نَامِيَةً بَاقِيَةً مُبَارَكَةً، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ

پاک و پاکیزه، رشدکننده، پایدار، مبارک؛ چنان که بر

أَبِيهِمْ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ كَمَا

پدرشان ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی؛ و بر آنان مبارک گردان همچنان که بر

بَارَكْتَ عَلَيْهِمْ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ،

آل ابراهیم مبارک گرداندی؛ و بر آل محمد سلام برسان چنان که بر آل ابراهیم سلام رساندی؛

وَزِدْهُمْ فَوْقَ ذَلِكَ كَلَّةً زِيَادَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَاخْلُطْنِي

و بهره ایشان را از جانب خودت فوق آنچه گفته شد زیاد کن؛ و مرا آمیخته با

بِهِمْ، وَاجْعَلْنِي مِنْهُمْ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ، وَفِي

ایشان و از آنان قرار بده، و با ایشان محشور کن، و در

زُمَّرَتِهِمْ حَتَّى تَسْقِينِي مِنْ حَوْضِهِمْ، وَتَدْخِلْنِي فِي

زمره ایشان قرار بده، تا از حوض (کوثر) آنان مرا سیراب کنی، و در گروه آنان وارد کنی،

جَمَلَتِهِمْ، وَتَجْمَعْنِي وَإِيَّاهُمْ، وَتُقَرَّرَ عَيْنِي بِهِمْ،

و مرا با آنان در یکجا جمع نمایی، و چشم مرا به ایشان روشن سازی،

وَتُعْطِينِي سُؤْلِي، وَتُبَلِّغْنِي آمَالِي فِي دِينِي

و خواسته‌ام را عطا کنی، و مرا به آرزوهایم در دین

وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي، وَتُبَلِّغْهُمْ

و دنیا و آخرتم و در زندگی و مرگم برسانی؛ و سلام مرا به ایشان برسانی،

سَلَامِي، وَتَرُدَّ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و پاسخ از آنان به من برگردانی؛ سلام

وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ. إِلَهِي وَأَنْتَ الَّذِي تُنَادِي فِي

و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد. خدای من؛ تو همانی که در

أَنْصَافٍ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ

نیمه‌های هر شب ندا می‌دهی: آیا درخواست کننده‌ای هست تا به او عطا کنم؟ آیا

دَاعٍ فَأَجِيبَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ

دعاکننده‌ای هست تا او را اجابت نمایم؟ آیا استغفار کننده‌ای هست تا او را ببیامرزم؟ آیا

رَاجٍ فَأَبْلُغَهُ رَجَاهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ فَأَبْلُغَهُ أَمَلَهُ، هَا

امیدواری هست تا او را به امیدش برسانم؟ آیا آرزومندی هست تا او را به آرزویش برسانم؟ اینک

أَنَا سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ، وَمِسْكِينُكَ بِبَابِكَ، وَضَعِيفُكَ

من در درگاهت درخواست‌کننده از تو هستم، و بیچاره توأم در درب خانه تو، و ناتوان توأم

بِبَابِكَ، وَفَقِيرُكَ بِبَابِكَ، وَمُؤَمِّلُكَ بِفِنَائِكَ، أَسْأَلُكَ

به درب خانه‌ات، و بینوای توأم به درب خانه‌ات، و آرزومند در درگاه تو هستم؛ از تو

نَائِلُكَ، وَأَرْجُو رَحْمَتَكَ، وَأُوَمِّلُ عَفْوَكَ، وَأَلْتَمِسُ

عطا و بخشش تو را می‌خواهم؛ و امیدوار رحمت تو؛ و آرزومند گذشت تو هستم؛ و

عُفْرَانِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَأَعْطِنِي

آمزش تو را تمنّا می‌نمایم؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و

سُؤْلِي، وَبَلِّغْنِي أَمْلِي، وَاجْبُرْ فَقْرِي، وَارْحَمْ

خواستهام را عطا کن؛ و مرا به آرزویم برسان؛ و فقرم را جبران کن، و به

عَصِيَانِي، وَاعْفُ عَن ذُنُوبِي، وَفُكِّ رَقَبَتِي مَن

عصیان و سرکشی‌ام رحم کن؛ و از گناهانم درگذر؛ و حقّ و حقوقی که از

الْمَظَالِمِ لِعِبَادِكَ رَكِبْتَنِي، وَقَوِّ ضَعْفِي، وَأَعِزِّ

بندگانت بر عهده من است، مرا از آن رها کن؛ و ناتوانیم را قوت بخش؛ و

مَسْكَنْتِي، وَثَبَّتْ وَطْأَتِي، وَاعْفِرْ جُرْمِي، وَأَنْعِمْ

ببجاری‌ام را عزت بخش؛ و گام‌هایم را محکم و استوار گردان؛ و جرمم را ببخش؛ و

بَالِي، وَأَكْثِرْ مِنَ الْحَلَالِ مَالِي، وَخِزْلِي فِي جَمِيعِ

فکر و ذهنم را رشد بده؛ و مالم را از حلال زیاد کن؛ و در تمام امور و کارهایم برایم خیر و خوبی

أُمُورِي وَأَفْعَالِي، وَرَضِّنِي بِهَا، وَارْحَمْنِي وَوَالِدَيَّ

مقدّر فرما؛ و مرا به آن‌ها راضی و خشنود گردان؛ و رحم کن بر من و پدر و مادرم

وَمَا وَكَلَدَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ

و فرزندان آنان از مردان و زنان مؤمن، و مردان

وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ سَمِيعٌ

و زنان مسلمان، زندگان از آن‌ها و مردگان از آن‌ها؛ همانا تو شنونده

الدَّعَوَاتِ، وَاللَّهِمَّ نِي مِنْ بَرِّهِمَا مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ ثَوَابَكَ

دعاهایی. به من الهام کن از نیکی کردن نسبت به آن دو (پدر و مادرم) آنچه با آن شایستگی ثواب

وَالْجَنَّةَ، وَتَقَبَّلْ حَسَنَاتِهِمَا، وَاعْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا،

و بهشت تو را پیدا کنم، و کارهای نیک آن‌ها را قبول فرما، و بدی‌های آن‌ها را ببخش،

وَاجْزِهِمَا بِأَحْسَنِ مَا فَعَلَا بِي ثَوَابَكَ وَالْجَنَّةَ. إِلَهِي

و به خاطر خوبی‌هایی که آن دو درباره من کرده‌اند پاداشت و بهشتت را نصیب آن دو فرما. خدای

وَقَدْ عَلِمْتُ يَقِيناً أَنَّكَ لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَلَا تَرْضَاهُ،

من؛ به یقین می‌دانم تو دستور به ستم نمی‌دهی، و به آن راضی نیستی،

وَلَا تَمِيلُ إِلَيْهِ وَلَا تَهْوَاهُ وَلَا تُحِبُّهُ وَلَا تَعْشَاهُ، وَتَعْلَمُ

و میل به آن نمی‌نمایی، و آن را نمی‌خواهی و دوستش نمی‌داری، و نمی‌پوشانی آن را؛ و می‌دانی

مَا فِيهِ هُوَ لَأَيِّ الْقَوْمِ مِنْ ظُلْمِ عِبَادِكَ وَبَغْيِهِمْ عَلَيْنَا،

آنچه را که این قوم از ظلم به بندگانت و تجاوزگری آن‌ها بر علیه ما،

وَتَعَدَّى بِهِمْ بَغْيِ حَقِّ وَلَا مَعْرُوفٍ، بَلْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا

و تعدی و تجاوز ناحق و نامعرفشان که از روی ظلم و دشمنی

وَزُورًا وَبُهْتَانًا، فَإِنْ كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّةً لَا بُدَّ مِنْ

و زور و تهمت آن را انجام می‌دهند؛ پس اگر بر ایشان مدتی قرار دادی که باید آن مدت

بُلُوغِهَا، أَوْ كَتَبْتَ لَهُمْ آجَالاً يَنَالُونَهَا، فَقَدْ قُلْتَ

بسر آید؛ یا مهلت‌هایی بر ایشان نوشتی و معین کردی که باید به پایان برسد، پس تو گفتی

وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَوَعْدِكَ الْحَقُّ ﴿يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾

- و سخنت حق و وعدهات راست است - : «آنچه را خدا بخواهد محو و نابود می‌کند

وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ﴿۱﴾. فَأَنَا أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَا

و آنچه را بخواهد ثابت می‌دارد؛ و ام کتاب نزد اوست». پس من از تو می‌خواهم، به واسطه تمام

سَأَلُكَ بِهِ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلُونَ وَرُسُلِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِمَا

آنچه به آن پیامبران مرسل - که رسالت تبلیغ داشتند - و رسولانت از تو خواستند، و از تو می‌خواهم

سَأَلُكَ بِهِ عِبَادِكَ الصَّالِحُونَ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبُونَ،

به واسطه آنچه بندگان صالح و شایستهات و فرشتگان مقربت با آن از تو خواستند؛ که

أَنْ تَمْحُوَ مِنْ أُمَّ الْكِتَابِ ذَلِكَ، وَتَكْتُبَ لَهُمْ

از ام کتاب (لوح محفوظ)، آن مدت و مهلت را محو کنی و

الْأَضْمِحْخَالَ وَالْمَحْقَ، حَتَّى تُقَرِّبَ آجَالَهُمْ،

نابودی و پراکندگی و از هم پاشیدگی را برای‌شان بنویسی تا اجل‌های‌شان را نزدیک سازی،

وَتَقْضِيَ مُدَّتَهُمْ، وَتُذْهِبَ أَيَّامَهُمْ، وَتُسَبِّرَ

و مدت‌شان را پایان دهی، و روزهای‌شان را سپری سازی، و رشته

أَعْمَارَهُمْ، وَتُهْلِكَ فُجَارَهُمْ، وَتَسْلُطَ بَعْضُهُمْ عَلَى

عمرشان را پاره کنی، و فاسقانشان را هلاک سازی، و بعضی از آنها را بر بعضی دیگر مسلط سازی؛

بَعْضٍ، حَتَّى لَا تُبْقِيَ مِنْهُمْ أَحَدًا، وَلَا تُنَجِّيَ مِنْهُمْ

تا آن که یک نفر از آنان را باقی نگذاری، و احدی از آنان را نجات ندهی،

أَحَدًا، وَتُفَرِّقَ جُمُوعَهُمْ، وَتَكِلَ سِلَاحَهُمْ، وَتُبَدِّدَ

و اجتماع‌شان را متفرق سازی؛ و سلاح‌شان را ناتوان و بی‌اثر، و

شَمْلَهُمْ، وَتُقَطِّعَ آجَالَهُمْ، وَتُقَصِّرَ أَعْمَارَهُمْ،

جمع آنان را پراکنده کنی، و مهلت ایشان را قطع، و عمرشان را کوتاه،

وَتُرْزِلَ أَقْدَامَهُمْ، وَتُطَهَّرَ بِلَادَكَ مِنْهُمْ، وَتُظْهِرَ

و قدم‌های‌شان را متزلزل کنی؛ و سرزمین‌هایت را از وجودشان پاک، و

عِبَادَكَ عَلَيْهِمْ، فَقَدْ غَيَّرُوا سُنَّتَكَ، وَنَقَضُوا عَهْدَكَ،

بندگانگت را بر آنان مسلط سازی؛ چرا که آنان سنت تو را تغییر دادند، و عهدت را شکستند،

وَهَتَكُوا حَرِيمَكَ، وَأَتَوْا عَلَى مَا نَهَيْتَهُمْ عَنْهُ،

و حریمت را هتک کردند، و آنچه نهی کردی انجام دادند

وَعَتَوْا عَتْوًا كَبِيرًا كَبِيرًا، وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا،

و (از فرمان‌های تو) سرپیچی نمودند؛ سرپیچی و نافرمانی بزرگ بزرگ، و گمراه شدند گمراهی عمیق،

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأُذِّنْ لِمَجْمَعِهِمْ

پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و بر جمع و اجتماع آنان

بِالشَّتَاتِ، وَلِحَيِّهِمْ بِالْمَمَاتِ، وَلَا زَوَاجِهِمْ

پراکندگی را، و برای زنده آنان مرگ راه، و برای زوج‌های‌شان

بِالنَّهْبَاتِ، وَخَلِّصْ عِبَادَكَ مِنْ ظُلْمِهِمْ، وَأَقْبِضْ

غارت و چپاول را اراده کن و فرمان بده؛ و بندگانگت را از ستم آنان رهایی ده، و با



أَيْدِيَهُمْ عَنْ هَضْمِهِمْ، وَطَهَّرَ أَرْضَكَ مِنْهُمْ، وَأَذَنْ

شکستشان دست‌های‌شان را ببند، و زمینت را از آنان پاک گردان، و فرمان بده به

بِحَصْدِ نَبَاتِيهِمْ، وَاسْتِطْصَالِ شَافَتِيهِمْ، وَشَتَاتِ

درو شدن و نابودی زراعتشان و به از بین رفتن اموالشان و پراکندگی

شَمْلِهِمْ، وَهَدَمِ بُنْيَانِهِمْ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

امورشان و نابودی اصل و اساسشان؛ ای صاحب شکوه و بزرگواری.

وَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَإِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَرَبِّي وَرَبَّ كُلِّ

و از تو می‌خواهم ای معبود من؛ و ای معبود هر چیزی؛ و ای پروردگار من و پروردگار هر

شَيْءٍ، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدَاكَ وَرَسُولَاكَ،

چیزی؛ تو را می‌خوانم با آنچه دو بنده و دو فرستاده

وَنَبِيِّكَ وَصَفِيَّكَ مُوسَى وَهَارُونَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،

و دو پیامبر و برگزیده‌ات موسی و هارون - که بر آنان درود باد - تو را خوانند؛

حِينَ قَالَا، دَاعِيَيْنِ لَكَ، رَاجِعَيْنِ لِفَضْلِكَ، ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ

آن هنگام که گفتند - در حالت دعاگویی به درگاهت و امیدواری به فضلت - : «پروردگارا؛ تو، به

آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

فرعون و گروهش در زندگی دنیا زیور و اموال بسیار بخشیدی که با آن

رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِيهِمْ

بندگان را از راه تو گمراه کن؛ پروردگارا؛ اموال آنان را نابود گردان،

وَأَشَدُّدْ عَلَيَّ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ

و دل‌هایشان را سخت گردان، که اینان ایمان نیاورند، تا هنگامی که عذاب دردناک تو را مشاهده

الْأَلِيمِ ﴿١﴾، فَمَنْنْتَ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْإِجَابَةِ لَهُمَا

کنند» پس بر آنان با اجابت دعای‌شان ممت گذارده و نعمت دادی؛

إِلَى أَنْ قَرَعْتَ سَمْعَهُمَا بِأَمْرِكَ، فَقُلْتَ اللَّهُمَّ رَبِّ

تا این که فرمانت را به گوش آنان رساندی، پس گفتمی : - ای خدا و ای پروردگار من؛ -

﴿قَدْ أَحْبَبْتَ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ

«دعای شما را مستجاب کردم؛ پس هر دو استقامت بورزید، و پیروی از راه

الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢﴾. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

مردم جاهل نکنید. (می‌خواهم) که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَطْمِسَ عَلَيَّ أَمْوَالِ هَؤُلَاءِ الظَّالِمَةِ،

محمد درود فرستی، و اموال این ستمگران را محو و نابود کنی.

وَأَنْ تَشَدُّدَ عَلَيَّ قُلُوبِهِمْ، وَأَنْ تَخْسِفَ بِهِمْ بَرَكَّ،

و بر قلوبشان سخت گردانی، و آنان را به بیابان خود فرو بری،

وَأَنْ تُغْرِقَهُمْ فِي بَحْرِكَ، فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

و در دریای خودت آنان را غرق کنی؛ همانا آسمان‌ها و زمین

وَمَا فِيهِنَّ لَكَ، وَأَرِ الْخَلْقَ قُدْرَتَكَ فِيهِمْ، وَبَطْشَتَكَ

و آنچه در آنهاست در اختیار توست، و قدرت خود را در مورد آنان، و سخت‌گیریت را

۱ و ۲. سوره یونس، آیه ۸۸ و ۸۹.

عَلَيْهِمْ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ، وَعَجِّلْ لَهُمْ ذَلِكَ، يَا خَيْرَ

بر ایشان به مردم نشان بده؛ این کار را دربارهٔ آنان انجام ده و برای آنان در این کار شتاب کن؛ ای بهترین

مَنْ سُئِلَ، وَخَيْرَ مَنْ دُعِيَ، وَخَيْرَ مَنْ تَدَلَّلَتْ لَهُ

کسی که از او چیزی درخواست شده؛ و بهترین کسی که خوانده شده؛ و بهترین کسی که برای او

الْوُجُوهُ، وَرَفِعَتْ إِلَيْهِ الْأَيْدِي، وَدُعِيَ بِالْأَلْسُنِ،

چهره‌ها به خاک مذلت افتاده؛ و دست‌ها به سوی او بالا رفته؛ و با زبان‌ها خوانده شده؛

وَشَخَّصَتْ إِلَيْهِ الْأَبْصَارُ، وَأَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ،

و نگاه‌ها به سوی او دوخته شده؛ و قلب‌ها به سوی او روی آورده؛

وَنَقَلَتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ، وَتُحَوِّكِمَ إِلَيْهِ فِي الْأَعْمَالِ.

و قدم‌ها به سوی او برداشته شده؛ و داوری در کارها به سوی او برده شده است.

إِلٰهِي وَأَنَا عَبْدُكَ أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَبْهَائِهَا، وَكُلُّ

خدای من؛ من بندهات هستم که از تو می‌خواهم با شکوه‌مندترین نام‌هایت؛ البته تمام

أَسْمَائِكَ بِهِيُّ، بَلْ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا، أَنْ تُصَلِّيَ

نام‌های تو باشکوه و زیباست بلکه از تو به واسطهٔ تمام نام‌هایت می‌خواهم که

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُرَكِّسَهُمْ عَلَيَّ أُمَّ

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و اهل ستم را با مغز سرشان

رُوِّسَهُمْ فِي زُبَيْتِهِمْ، وَتُرَدِّدَهُمْ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِمْ،

در حفره و گودالی که روی آن را پوشیده‌اند و ازگون کنی، و آنان را در عمق حفره‌های‌شان بیندازی،

وَأَرْمِهِمْ بِحَجَرِهِمْ، وَذَكِّهِمْ بِمَشَاقِصِهِمْ، وَاكْبُئِهِمْ

و با سنگ‌شان آنان را بزنی، و آنان را بکشی با تیره‌های‌شان، و با

عَلَى مَنَاخِرِهِمْ، وَاخْنُقُهُمْ بِوَتَرِهِمْ، وَأَرُدُّ كَيْدَهُمْ

بینی‌شان بر زمین بکویی، و با زه‌کمان‌هاشان آنان را خفه کنی، و نیرنگ‌شان را به

فِي نُحُورِهِمْ، وَأَوْبِقُهُمْ بِنَدَامَتِهِمْ، حَتَّى يَسْتَخْذِلُوا

خودشان بازگردانی، و با پشیمانی‌شان آن‌ها را هلاک سازی، تا بعد از غرورشان خوار و ذلیل

وَيَتَضَاءُ لَوْا بَعْدَ نَحْوَتِهِمْ، وَيَنْقَمِعُوا بَعْدَ اسْتِطْلَاتِهِمْ،

شوند، و پس از این همه خودبرتری‌بینی خرد و کوچک شوند و بعد از گردن‌کشی خوار شوند،

أَدِلَّاءَ مَا سُورِينَ فِي رَبِّقِ حَبَائِلِهِمْ، الَّتِي كَانُوا

در حالی که دلیل‌های اسیر شده در بند طناب‌های‌شان باشند - همان طناب‌هایی که

يَوْمًا لَوْ أَنْ يَرُونَا فِيهَا، وَتَرِينَا قُدْرَتَكَ فِيهِمْ،

آرزو داشتند ما را در آن ببینند - و به ما قدرت خود را در مورد آنان،

وَسُلْطَانَكَ عَلَيْهِمْ، وَتَأْخُذُهُمْ أَخْذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ

و سلطنت خود بر آنان را نشان بده، و آنان را مجازات کن همانند مجازات بلده‌هایی

ظَالِمَةٌ، إِنَّ أَخْذَكَ الْأَلِيمُ الشَّدِيدُ، وَتَأْخُذَهُمْ يَا رَبِّ

که اهل آن ظالم بودند؛ همانا مجازات دردناک و شدید است؛ ای پروردگار من؛ آنان را مجازات کن

أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ، فَإِنَّكَ عَزِيزٌ مُّقْتَدِرٌ، شَدِيدٌ

مانند مجازات فرد باعزت و مقتدر، زیرا تو نیرومند غالب و باقتداری،

الْعِقَابِ ، شَدِيدُ الْمِحَالِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

کیفر تو سخت و توانایی تو شدید است. خدای من؛ بر محمد و

وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجِّلْ اِیْرَادَهُمْ عَذَابَكَ الَّذِي اَعْدَدْتَهُ

آل محمد درود فرست، و در وارد کردن (ظالمان) به عذابت که

لِلظَّالِمِيْنَ مِنْ اَمْثَالِهِمْ ، وَالطَّاعِيْنَ مِنْ نُّظْرَائِهِمْ ،

برای ستمکارانی مثل آن‌ها، و سرکشانی نظیر آنان آماده کرده‌ای تعجیل کن؛

وَارْفَعْ حِلْمَكَ عَنْهُمْ ، وَاخْلُلْ عَلَيْهِمْ غَضَبَكَ الَّذِي

و می‌خواهم که بردباری خود را از آنان برداری و بر آنان غضبت را روا داری؛ غصبی که

لَا يَقُوْمُ لَهُ شَيْءٌ ، وَاْمُرْ فِي تَعْجِيلِ ذٰلِكَ عَلَيْهِمْ

چیزی در برابر آن مقاومت و ایستادگی ندارد؛ و در تعجیل غضبت بر آنان دستور بده،

بِاَمْرِكَ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُؤَخَّرُ ، فَاِنَّكَ شَهِيدٌ كُلُّ

دستوری که بر نمی‌گردد و به تأخیر نمی‌افتد؛ همانا تو شاهد هر

نَجْوٰى ، وَعَالِمٌ كُلِّ فَحْوٰى ، وَلَا تَخْفٰى عَلَيْكَ مِنْ

گفتگو و رازی، و آگاه از معنا و مفهوم هر کلامی، و پنهان‌کاری آنان در کارهای‌شان بر تو

اَعْمَالِهِمْ خَافِيَةٌ ، وَلَا تَذْهَبُ عَنْكَ مِنْ اَعْمَالِهِمْ

مخفی نمی‌ماند؛ و هیچ یک از اعمال خائنانه آنان دور از نظرت نمی‌ماند؛

خَائِبَةٌ ، وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ، عَلِيْمٌ بِمَا فِي الصُّمَائِرِ

و تو نسبت به آنچه پنهان است بسیار دانایی، و به آنچه در خاطرها و نهاده‌ها

وَالْقُلُوْبِ . وَاَسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ وَاُنَادِيْكَ بِمَا نَادَاكَ بِهٖ

و دل‌ها است آگاهی؛ و خدای من؛ از تو می‌خواهم و ندا می‌دهم به آنچه که ندا تو را به آن

سَيِّدِي ، وَسَأَلْتُكَ بِهٖ نُوحٌ ، اِذْ قُلْتَ تَبَارَكَتَ وَتَعَالَيْتَ

سرور من؛ و به واسطه آن نوح از تو درخواست نمود آن هنگام که گفتی - ای که پاک و منزّه و بلندمرتبه‌ای -:

﴿وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِیْبُوْنَ﴾<sup>۱</sup> ، اَجَلِ اَللّٰهُمَّ يَا

«و به راستی نوح ما را ندا داد پس ما چه خوب اجابت‌کنندگان هستیم»، آری؛ خدای من؛ ای

رَبِّ اَنْتَ نِعْمَ الْمُجِیْبُ ، وَنِعْمَ الْمَدْعُوُّ ، وَنِعْمَ

پروردگار من؛ تو بهترین اجابت‌کننده‌ای، و بهترین خواننده شده‌ای، و بهترین

الْمَسْئُوْلُ ، وَنِعْمَ الْمُعْطٰى ، اَنْتَ الَّذِي لَا تُحِیْبُ

درخواست‌شده هستی و بهترین عطاکننده‌ای؛ تو همان کسی هستی که

سَائِلِكَ ، وَلَا تَرُدُّ رَاجِیْكَ ، وَلَا تَطْرُدُ الْمُلِحَّ عَن

درخواست‌کننده‌ها را ناامید نمی‌کنی، و امیدوار به خودت را رد نمی‌کنی، و اصرارکننده را از

بَابِكَ ، وَلَا تَرُدُّ دُعَاَ سَائِلِكَ ، وَلَا تَمُلُّ دُعَاَ مَنْ

دربارت نمی‌رانی، و دعای ستوال‌کننده‌ها را رد نمی‌کنی، و از دعای آرزومندت، گرفته و دلگیر

اَمَلِكَ ، وَلَا تَتَبَرَّرُ بِكَثْرَةِ حَوَائِجِهِمْ اِلَيْكَ ، وَلَا

نمی‌شوی، و از زیادی خواسته‌هایشان، و به خاطر برآوردن

بِقَضَائِهَا لَهُمْ ، فَاِنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِ جَمِیْعِ خَلْقِكَ اِلَيْكَ

خواسته‌هایشان به ستوه نمی‌آیی؛ همانا برآوردن حاجات تمام آفریدگانت در نزد تو

۱. سورة صافات، آیه ۷۵.

فِي أَسْرَعٍ لِحَظٍ مِنْ لَمَحِ الطَّرْفِ ، وَأَخْفُ عَلَيْنِكَ ،

سریع تر است از چشم بر هم زدن، و سبک تر و

و آسان تر است بر تو از بال پشه. و حاجت من ای

ساییدی و مولای من، و تکیه گاه و امید من؛ این است که می خواهم

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي ، فَقَدْ

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و گناه من را ببخشی؛ زیرا به درگاهت

جِئْتُكَ ثَقِيلَ الظَّهِرِ بِعَظِيمِ مَا بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ

آمدم در حالی که پشت من از بار گناهان سنگین شده؛ گناهان بزرگی که به واسطه آنها با تو به مبارزه

سَيِّئَاتِي ، وَرَكِبْتَنِي مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ مَا لَا يَكْفِينِي ،

برخواستم، و حقوق زیادی از بندگانت بر عهده من است که جز تو کفایت نمی کند،

وَلَا يُخَلِّصُنِي مِنْهَا غَيْرُكَ ، وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ ،

و جز تو مرا از آنها رهایی نمی دهد، و بر آن توان ندارد،

وَلَا يَمْلِكُهُ سِوَاكَ ، فَاْمُحْ يَا سَيِّدِي كَثْرَةَ سَيِّئَاتِي

و در اختیار کسی جز تو نیست، پس از بین ببر ای آقای من؛ زیادی گناهان مرا

بِيسِيرِ عِبْرَاتِي ، بَلْ بِقَسَاوَةِ قَلْبِي ، وَجُمُودِ عَيْنِي ،

با کمی اشک هایم؛ بلکه با سنگدلی و خشکی چشمم؛

لَا بَلْ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ، وَأَنَا شَيْءٌ ،

نه، بلکه به خاطر رحمت خودت که هر موجودی را فرا گرفته است، و من نیز یکی از آن موجودات

فَلتَسْعِنِي رَحْمَتُكَ ، يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمٌ ، يَا أَرْحَمَ

هستم، پس رحمتت شامل من نیز هست، ای بخشنده؛ ای مهربان؛ ای مهربان ترین

الرَّاحِمِينَ ، لَا تَمْتَحِنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِشَيْءٍ مِنْ

مهربانان؛ در این دنیا با محنتها و دشواریها مرا امتحان مکن،

الْمِحَنِ ، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرَحْمَنِي ، وَلَا تُهْلِكْنِي

و کسی را که بر من رحم نمی کند بر من مسلط مکن، و به وسیله گناهانم هلاکم مساز،

بِذُنُوبِي ، وَعَجِّلْ خَلَاصِي مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ ، وَادْفَعْ

و در رهاییم از هر ناپسند و ناخوش آیند تعجیل فرما،

عَنِّي كُلَّ ظُلْمٍ ، وَلَا تَهْتِكْ سِتْرِي ، وَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ

و هر ستمی را از من دور کن و پرده ام را مدر، و در روزی که

جَمْعِكَ الْخَلَائِقَ لِحِسَابٍ ، يَا جَزِيلَ الْعَطَاءِ

آفریدگات را برای حساب گرد می آوری مرا رسوا مکن، ای بسیار عطا کننده

وَالثَّوَابِ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و پاداش دهنده؛ از تو می خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستی،

مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُحْيِيَنِي حَيَاةَ السُّعْدَاءِ ، وَتُمِيتَنِي مِيتَةَ

و مرا به زندگانی سعادت مندان زنده بداری، و به مرگ

الشُّهَدَاءِ، وَتَقْبَلَنِي قَبُولَ الْأَوْدَاءِ، وَتَحْفَظْنِي فِي

شهیدان بمیرانی، و مانند پذیرش دوستداران مرا بپذیری، و در

هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّنْيَةِ، مِنْ شَرِّ سَلَاطِينِهَا وَفُجَّارِهَا،

این دنیای پست، مرا از شرّ پادشاهان دنیا و بدکاران آن

وَشِرَارِهَا وَمُحِبِّبِهَا، وَالْعَامِلِينَ لَهَا وَمَا فِيهَا، وَقَنِي

و شروران و دوستداران آن، و عمل‌کنندگان برای دنیا و آنچه در آن است؛ حفظ کنی، و مرا از

شَرِّ طُغَاةِهَا وَحُسَادِهَا، وَبَاغِيَ الشُّرْكِ فِيهَا، حَتَّى

شرّ سرکشان دنیا و حسودان آن، و طالب شرک در آن، نگه داری، تا

تَكْفِينِي مَكْرَ الْمَكْرَةِ، وَتَقْفَأَ عَنِّي الْأَعْيُنَ الْكُفْرَةَ،

مرا از مکر مکاران کفایت کنی، و چشم‌های کفار را نسبت به من کور نمایی؛

وَتُفْحِمَ عَنِّي أَلْسُنَ الْفَجْرَةِ، وَتَقْبِضَ لِي عَلَى أَيْدِي

و زبان بدکاران را از من کوتاه و لال گردانی، و دست‌های ستمگران را برایم ببندی،

الظُّلْمَةَ، وَتُوَهِّنَ عَنِّي كَيْدَهُمْ، وَتُمِيتَهُمْ بِغَيْظِهِمْ،

و نقشه‌ها و مکر ایشان را بر من سست و بی‌پایه کنی، و آنان را با خشم درونی‌شان بمیرانی؛

وَتَشْغَلُهُمْ بِأَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأَفْسِدَتِهِمْ،

و آنان را به گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌هایشان مشغول سازی؛

وَتَجْعَلَنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فِي أَمْنِكَ وَأَمَانِكَ، وَحِرْزِكَ

و مرا از تمام آن‌ها در امن و امان خودت، و حفظ

وَسُلْطَانِكَ، وَحِجَابِكَ وَكَنْفِكَ، وَعِيَاذِكَ وَجَارِكَ،

و سلطنتت، و پوشش و حمایتت، و پناه و جوارت قرار دهی؛

وَمِنْ جَارِ السُّوءِ وَجَلِيسِ السُّوءِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ

و از همسایه بد و همنشین بد نیز در امان داری؛ همانا تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ، ﴿إِنْ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ

چیزی توانایی؛ «همانا سرپرست من خدایی است که کتاب را فرستاد و او

يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ﴾<sup>۱</sup>. اَللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ، وَبِكَ الْوَدُ،

سرپرست صالحان است». خدای من؛ به تو پناه آورده‌ام و به تو پناهنده‌ام

وَلَكَ أَعْبُدُ، وَإِلَيْكَ أَرْجُو، وَبِكَ أَسْتَعِينُ، وَبِكَ

و برای تو عبادت می‌کنم و امیدوار به لطف تو هستم و از تو کمک می‌جویم و از تو

أَسْتَكْفِي، وَبِكَ أَسْتَعِيثُ، وَبِكَ أَسْتَنْقِذُ، وَمِنْكَ

درخواست کفایت می‌کنم و از تو دادخواهی می‌نمایم و به وسیله تو رهایی می‌طلبم؛ و از تو

أَسْأَلُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی،

وَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ، وَسَعْيِي مَشْكُورٍ،

و مرا باز مگردانی مگر با گناه بخشوده شده و تلاش سیاسی‌گذاری شده

وَتِجَارَةٌ لَنْ تَبُورَ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ،

و تجارتی که هرگز کساد نشود؛ و با من آنچه تو اهلش هستی انجام دهی،

۱. سوره اعراف، آیه ۱۹۶.

وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ

و با من آنچه اهلیش هستم انجام مدهی که همانا تو اهل تقوا و اهل

المَغْفِرَةِ، وَأَهْلُ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ. إِلَهِي وَقَدْ أَطَلْتُ

آمزش و اهل فضل و رحمت هستی، خدای من؛ به راستی که دعایم را طول دادم

دُعَائِي، وَأَكْثَرْتُ خِطَابِي، وَضِيقُ صَدْرِي حَدَانِي

و خطابیم را زیاد کردم، که تنگی و فشار سینه‌ام

عَلَىٰ ذَلِكَ كُلِّهِ، وَحَمَلَنِي عَلَيْهِ، عِلْمًا مِنِّي بِأَنَّهُ

بر تمام این‌ها مرا کشاند، و مرا بر آنها وادار کرد، با اینکه می‌دانم از تمام این‌ها

يُجْزِيكَ مِنْهُ قَدْرُ الْمِلْحِ فِي الْعَجِينِ، بَلْ يَكْفِيكَ

فقط به اندازه نمک خمیر، تو را کفایت می‌کند؛ بلکه

عَزْمُ إِرَادَةٍ وَأَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَلِسَانٍ

قصد خواستن و این که بنده با نیت راست و زبان

صَادِقٍ يَا رَبِّ، فَتَكُونَ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِكَ بِكَ، وَقَدْ

صادق بگوید؛ ای پروردگار من؛ کافی است که تو نزدگمان بنده‌ات به تو حضور داری. به راستی که

نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ قَلْبِي، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

قلیم به قصد خواستن با تو مناجات کرد؛ پس از تو می‌خواهم بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقَرَّنَ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ

محمد و آل محمد درود فرستی و دعایم را قرین اجابت خود سازی،

مِنْكَ، وَتُبَلِّغَنِي مَا أَمَلْتُهُ فِيكَ، مِنْنَةً مِنْكَ وَطَوْلًا،

و مرا به آرزوهایی که نسبت به تو دارم از جهت لطف و احسانی که به من داری

وَقُوَّةً وَحَوْلًا، لِأَتَقِيمُنِي مِنْ مَقَامِي هَذَا إِلَّا بِقَضَاءِ

و قدرت و توانی که در تو هست برسانی، از جایم برمخیزان مگر به برآوردن تمام آنچه از تو

جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ، فَإِنَّهُ عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَخَطَرُهُ عِنْدِي

خواستم؛ همانا این کار بر تو آسان است و قدر و ارزش آن در نزد من

جَلِيلٌ كَثِيرٌ، وَأَنْتَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ، يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرٌ.

شکوهمند و زیاد است؛ و در حالی که تو بر این کار توانایی ای شنوا؛ ای بینا؛

إِلَهِي وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ، وَالْهَارِبِ

خدای من؛ این جایگاه پناهنده به تو از آتش و گریزنده

مِنْكَ إِلَيْكَ، مِنْ ذُنُوبٍ تَهْجَمْتَهُ، وَعُيُوبٍ فَضَحْتَهُ،

از (غضب) تو به (رحمت) تو است؛ از گناهایی که بر او هجوم آورده، و عیوبی که او را رسوا کردند؛

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً

پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و بر من نظر کن نظری از روی

رَحِيمَةً أَفُوزُ بِهَا إِلَيْ جَنَّتِكَ، وَاعْطِفْ عَلَيَّ عَطْفَةً

لطف و رحمت که به وسیله آن به سوی بهشت تو کامیاب گردم؛ و به من مهربانی کن، نوعی مهربانی

أَنْجُو بِهَا مِنْ عِقَابِكَ، فَإِنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ لَكَ وَبِيَدِكَ،

که با آن از کیفر تو نجات یابم، همانا بهشت و آتش از آن تو و به دست توست

وَمَفَاتِيحَهُمَا وَمَعَالِيَقَهُمَا إِلَيْكَ، وَأَنْتَ عَلَيَّ ذَلِكَ

و کلیدها و قفل‌های‌شان به سوی توست، و تو بر آن

قادر، وَهُوَ عَلَيْكَ هَيِّنٌ يَسِيرٌ، فَافْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ

توانایی، و آن امر بر تو سهل و آسان است، پس آنچه از تو خواستم برای من انجام بده؛

يَا قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

ای توانا؛ و هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به توان خداوند بلندمرتبه بزرگ؛

وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ

و خدا ما را کافی است، و خوب پشتیبانی است؛ خوب سرور، و خوب

النَّصِيرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ

یاری‌کننده‌ای است. و حمد و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهان است. و خداوند بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ<sup>۱</sup>.

سرورمان محمد و آل پاکش درود فرستد.

### فضیلت دعای ندبه

صدر الإسلام همدانی اعلی الله مقامه در کتاب «تکالیف الأنام» می‌گوید: از خواص دعای ندبه این است که هر گاه در جایی با حضور قلب و اخلاص تمام و توجه به مضامین عالی آن خوانده شود

۱. مهج الدعوات: ۳۳۶.

عنایت و توجه امام زمان ارواحنا فداء را به آن مکان جلب می‌کند بلکه باعث حضور حضرت ارواحنا فداء در آنجا می‌گردد؛ چنان که در بعضی جاها اتفاق افتاده است.<sup>۱</sup>



### دعای ندبه

عَلَّامَةُ مَجْلِسِي<sup>۲</sup> در کتاب «زاد المعاد» با سند معتبر از امام صادق<sup>علیه السلام</sup> روایت می‌کند: خواندن دعای ندبه در اعیاد چهارگانه یعنی روز جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر مستحب است.<sup>۲</sup>

عَلَّامَةُ مَجْلِسِي<sup>۲</sup> در «مزار بحار» از سید بن طاووس<sup>علیه السلام</sup> از بعضی از اصحاب امامیه نقل نموده است: محمد بن علی بن ابی قره گفت: من دعای ندبه را از کتاب «محمد بن حسین بن سفیان بزوفری» نقل کرده‌ام و افزوده است که آن، دعای امام زمان صلوات الله علیه است که خواندنش در اعیاد چهارگانه مستحب است.

و نیز، این دعا را عالم بزرگوار محدث نوری<sup>علیه السلام</sup> در «تحیة الزائر» از «مصباح الزائر» سید بن طاووس<sup>علیه السلام</sup> و «مزار» محمد بن مهدی با همان سند روایت نموده است. و همچنین از کتاب

۱. تکالیف الأنام فی غیبة الإمام: ۱۹۷.

۲. زاد المعاد: ۴۹۱.

«مزار قدیم» هم نقل کرده و اضافه نموده است که خواندن آن در شب جمعه مستحب است همان گونه که در اعیاد اربعه استحباب دارد.<sup>۱</sup> و دعا این است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا

حمد و سپاس سزاوار پروردگار عالمیان است و درود خدا بر سید و سرور ما

مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ، وَسَلَّم تَسْلِيمًا. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

(حضرت) محمد، پیامبر خدا و بر آل او سلام و تحیتی کامل. بار پروردگارا؛ سپاس از آن توست

عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ

در مورد آنچه که از قضا و قدرت در مورد دوستان، جاری گشت؛ آنهایی که

اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ

وجودشان را برای حضرتت، و برای دینت خالص گردانیدی، زیرا که برگزیدی برای آنها

مَا عِنْدَكَ، مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا

چیزهای باارزشی که نزد تو است، از نعمت‌های پایدار که نابودی

اضْمِحْلالَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي

و زوال برای آنها نیست. البته پس از آن که زهدورزیدن و بی‌رغبتی را در

دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدُّنْيَا، وَزُخْرُفِهَا وَزِبْرَجِهَا،

مورد این دنیای پست و زر و زیور آن با آنها شرط نمودی؛

۱. مکمال المکارم: ۹۳/۲.

فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ.

آنان نیز متعهد شدند و تو نیز وفاداری ایشان را دانستی.

فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ،

پس آنان را قبول کردی و به درگاه خویش نزدیک‌شان ساختی و نامی بلند

وَالثَّنَاءَ الْجَلِيَّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ،

و ستایشی ارجمند به آنها دادی. و فرشتگان را بر آنان فرو فرستادی

وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ

و آنها را با وحی خود گرامی داشتی و از علم خود بهره‌مند ساختی. و آنان را

الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ. فَبَعْضُ

وسیله به سوی درگاهت ساختی و واسطه‌ای برای جلب رضایت و خشنودیت قرار دادی. پس بعضی

أَسْكَنْتَهُ جَنَّاتِكَ، إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضُ

از آنها را در بهشت خود جای دادی تا زمانی که او را از آن بیرون آوردی، و برخی دیگر را

حَمَلْتَهُ فِي فُلْكِكَ وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ

در کشتی‌ات سوار نمودی و با رحمت خود او و مؤمنین همراهش را از هلاکت رهایی بخشیدی.

بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضُ اتَّخَذَتْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا، وَسَأَلَكَ

و بعضی دیگر را برای خودت دوست قرار دادی و هنگامی که از تو

لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذَلِكَ

لسان صدق و خوش‌نامی بین دیگران را درخواست کرد، اجابتش نمودی و او را بلندآوازه



عَلِيًّا، وَبَعْضُ كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا، وَجَعَلَتْ لَهُ

قرار دادی، و با بعضی دیگر از طریق درخت هم‌کلام شدی و

مِنْ أَخِيهِ رِذَاءً وَوَزِيْرًا، وَبَعْضُ أَوْلَادَتِهِ مِنْ غَيْرِ أَبِي

برادرش را وزیر و یاورش قرار دادی. و برخی دیگر را بدون پدر به وجود آوردی

وَأَتَيْتَهُ الْبَيْتَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ. وَكُلُّ

و به او معجزات و دلایل آشکار عنایت نمودی و با روح‌القدس تأییدش کردی. و برای هر کدام

شَرَعْتَ لَهُ شَرِيْعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَا، وَتَخَيَّرْتَ

(از پیامبران) شریعتی را عنایت کردی و طریقه و راه روشنی معین فرمودی و

لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى

برای هر یک جانشینانی برگزیدی تا یکی پس از دیگری حافظ شریعت باشد؛ در زمان‌های

مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلِئَلَّا

معین برای برپاداشتن دین تو و حجت بودن بر بندگان تو تا این که

يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ،

حق از مدار خود زایل نگردد و باطل بر اهل آن زمان چیره نشود.

وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا،

و تا این که کسی نگوید: (خدایا) اگر به سوی ما رسولی می‌فرستادی تا ما را بیم دهد

وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًّا، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ

و برای ما رهبری هدایت‌کننده می‌گماشتی ما پیش از خذلان و رسوایی‌مان، از آیات

نَذِلَّ وَنَحْزَى. إِلَيَّ أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِأَلَمْرِ إِلَيَّ حَبِيْبِكَ

پیروی می‌کردیم. تا این که امر رسالت به حبیب و رسول

وَنَجِيْبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ كَمَا

برگزیده‌ات، محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - منتهی گردید؛ پس او همچنان که او را

انْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مَنْ خَلَقْتَهُ، وَصَفْوَةً مَنْ اصْطَفَيْتَهُ،

انتخاب کردی، سرور بندگانت و زبده زبندگان

وَأَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ

و برتر از همه برگزیدگانت و گرامی‌تر از همه معتمدان تو بود. او را

عَلَى أَنْبِيَاءِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ،

بر تمام پیامبران مقدم داشتی و بر جن و انس از بندگانت مبعوثش نمودی

وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ،

و شرق و غرب را زیرپای او و فرمان او قرار دادی، و بُراق را برایش مسخر کردی

وَعَرَجْتَ بِهِ إِلَى سَمَائِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا

و او را به آسمان بالا بردی و دانش آنچه بوده و خواهد بود را

يَكُونُ، إِلَيَّ انْقِضَاءِ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ،

تا سرانجام خلقت، به او سپردی. سپس با ترسی که از او بردل دشمنانش انداختی، یاریش کردی

وَخَفَّفْتَهُ بِجِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ

و گرداگرد او را به جبرئیل، میکائیل و فرشتگان دیگر - که هر یک دارای علامت و اسمی هستند -

مَلَائِكَتِكَ، وَوَعَدَتُهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ،

احاطه کردی، و بدو وعده پیروزی دینش را بر تمامی ادیان دادی؛

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُورًا

گرچه مشرکان را خوش نیاید. و این پیروزی بعد از آن بود که پیامبر را به جایگاه

صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ

صدقی از خاندانش جای دادی و برای او و آنان «اولین خانه‌ای را که برای (عبادت) مردم قرار

لِلنَّاسِ لِلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿فِيهِ

داده شد که در مکه است بابرکت قرار دادی و باعث هدایت جهانیان گرداندی، و نیز در آن است

آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ﴿۱،

نشانه‌های آشکار مانند مقام ابراهیم و هر که داخل آن خانه شد، در امان

وَقُلْتَ ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ

خواهد بود». و گفتی: «خداوند اراده فرموده که هر پلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت پیامبر، ببرد

الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿۲. ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ

و شما را کاملاً پاک و پاکیزه گرداند». آن گاه پاداش رسالت حضرت محمد را

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ ﴿قُلْ

- که درودهای تو بر او و آل او باد - دوستی آنان مقرر نموده و در کتابت فرمودی: «بگو

لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ﴿۳،

من از شما پاداش نمی‌طلبم مگر دوستی خویشاوندان نزدیکم را».

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۶، ۹۷. ۲. سوره احزاب، آیه ۳۳. ۳. سوره شوری، آیه ۲۳.

وَقُلْتَ ﴿مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ﴿۱، وَقُلْتَ ﴿مَا

و فرمودی: (بگو) «پاداشی که از شما خواستم آن هم برای خودتان و به نفع شما است» و فرمودی:

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ

(بگو) «من از شما مزد رسالت نمی‌خواهم مگر آن که هر کدام از شما که بخواهد راه خدا را در پیش

سَبِيلًا ﴿۲، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْئَلَةَ إِلَىٰ

گیرد»، پس آن‌ها همان راه به سوی تو هستند و طریق برای خشنودی تو

رِضْوَانِكَ. فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيِّهُ عَلِيُّ بْنُ

می‌باشند. پس وقتی مدتی عمر پیامبر سپری شد، وصی و جانشین خود علی بن

أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا، إِذْ كَانَ

ایلی طالب - درودهای تو بر آن دو و آل آن دو باد - را برای هدایت امت برگزید؛ زیرا که خود او

هُوَ الْمُنذِرُ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ

بیم‌دهنده بود، و برای هر قومی هدایتگری است. پس در حالی که همه در حضور او بودند

كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ

چنین گفت: هر آن که من مولای اویم، پس علی مولای اوست؛ پروردگارا! دوستش را دوست بدار و

مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.

دشمنش را دشمن، یاری نما هر که او را یاری نماید و خار گردان هر که او را مخذول نماید.

وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيِّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ. وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ

و گفت: هر که از من پیامبر او هستم، پس علی امیر و فرمانروای اوست. و فرمود: من و علی

۱. سوره سبأ، آیه ۴۷. ۲. سوره فرقان، آیه ۵۷.

مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرِ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى ،

از یک درختیم و دیگر انسان‌ها از درختان مختلفند.

وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى ، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنْنِي

و او را قرار داد در جایگاه هارون نسبت به موسی، پس به او فرمود: تو

بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي ،

نسبت به من، همانند هارون برای موسی هستی، جز این که پس از من پیامبری نیست.

وَزَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ

و دخترش را - که سرور و بانوی زنان عالم است - به او تزویج فرمود. و حلال کرد از

مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ . ثُمَّ

مسجدش برای او، آنچه برای خودش حلال بود. و همه درهای (مسجد) را نیز جز در خانه علی

أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ

بست. آن گاه اسرار علم و حکمتش را نزد او ودیعه نهاد و فرمود: من شهر علمم و علی

بَابُهَا ، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ

درب آن، پس هر که می‌خواهد به شهر علم و حکمت قدم نهد، باید از

بَابِهَا ، ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي ، لَحْمُكَ

دروازه آن داخل گردد. سپس فرمود: تو برادر من، وصی من و وارث من هستی، گوشت تو

مِنْ لَحْمِي ، وَدَمُكَ مِنْ دَمِي ، وَسِلْمُكَ سِلْمِي ،

از گوشت من است و خون تو از خون من؛ سازش و اشتی تو، سازش و اشتی من است

وَخَرْبُكَ خَرْبِي ، وَالْإِيمَانُ مُخَالِطٌ لِحَمِّكَ وَدَمِكَ ،

و جنگ تو جنگ من است، و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته است

كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِي ، وَأَنْتَ غَدَاً عَلَى الْحَوْضِ

همان گونه که با گوشت و خون من آمیخته است؛ و فردای (قیامت) تو خلیفه من بر حوض

خَلِيفَتِي ، وَأَنْتَ تَقْضِي دَيْنِي ، وَتُنْجِزُ عِدَاتِي ،

(کوثر) هستی و پس از من، تو هستی که قرض مرا می‌پردازی و به وعده‌های من وفا می‌کنی

وَشَيْعَتُكَ عَلَى مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ مُسْبِيضَةٍ وَجُوهَهُمْ

و پیروان تو بر منبرهایی از نور با چهره‌های سفید و نورانی

حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي . وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ

در اطراف من در بهشتند و آنان همسایه من می‌باشند. ای علی؛ اگر تو نبود،

لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي ، وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنْ

مؤمنان پس از من شناخته نمی‌شدند؛ و به راستی که پس از پیامبر، او امت را از

الضَّلَالِ ، وَنُوراً مِنَ الْعَمَى ، وَحَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ ،

گمراهی به هدایت و از نابینایی به بصیرت رساند و اوست رشته محکم الهی و راه

وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ ، لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ ، وَلَا

مستقیم او؛ هیچ کس در خویشاوندی و نزدیکی با رسول خدا ﷺ به او نمی‌رسد و هیچ کس در

بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ

دین بر او پیشی نگرفته است؛ و کسی نیست که در یکی از اوصاف نیکوبش با او برابری کند؛

يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا .

زیرا او گام می‌نهد جای پای رسول خدا که درود خدا بر آن دو و بر اهل بیت آن دو بزرگوار باد.

وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّوْبِيلِ ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ ،

و بیکار می‌نمود بر اساس تأویل حقایق و مقاصد قرآن؛ و در راه رضای خدا هیچ ملامتی او را

قَدْ وَتَرَ فِيهِ صِنَادِ يَدِ الْعَرَبِ ، وَقَتْلَ أَبْطَالِهِمْ ،

باز نمی‌داشت؛ به راستی که بزرگان عرب را ترسانید و شجاعان آن‌ها را به خاک و خون کشید

وَنَاوَشَ ذُؤُبَانَئِهِمْ ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا بَدْرِيَّةً

و با گرگ‌صفتان آن‌ها مقابله کرد؛ به همین جهت دل‌های آن‌ها پر از کینه شد از جنگ‌های بدر،

وَ خَيْبَرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً وَ غَيْرَهُنَّ ، فَأَضَبَتْ عَلَى

خیبر، حنین و دیگر جنگ‌ها. پس دشمنی او را در دل پنهان کردند

عَدَاوَتِهِ ، وَأَكَبَّتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ

و به اختلاف و درگیری روی آوردند تا این که پیمان‌شکنان،

وَالْفَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ . وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَقَتْلَهُ

ستمگران و از دین‌بیرون‌رفتگان را به درک واصل کرد. وقتی آجلش به سر آمد و

أَشَقَى الْأَخْرِينَ ، يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوْلِينَ ، لَمْ يُمْتَلَأْ أَمْرُهُ

شقی‌ترین آخرین (امت) که از شقی‌ترین اولین، پیروی کرد، آن حضرت را شهید کرد؛ فرمان

رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ

رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - درباره‌ی هدایتگران امت، یکی

الْهَادِينَ ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى

پس از دیگری اطاعت نشد. مردم بر دشمنی با وی اصرار ورزیدند؛ جمع شدند

قَطِيعَةً رَحِمِهِ ، وَأَقْصَاءِ وُلْدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى

تا نسل او را قطع کنند و اولاد او را تبعید و آواره نمایند؛ جز اندکی که در

لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ . فَقَتَلَ مَنْ قَتَلَ ، وَسَبَّيَ مَنْ

رعایت حق فرزندان رسول خدا، وفا نمودند. پس (بر اثر ظلم و بیداد) گروهی کشته شدند و گروه

سَبَّيَ ، وَأَقْصَى مَنْ أَقْصَى ، وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا

دیگری اسیر، جمعی دور از وطن و حکم قضا و قدر الهی، بر آن‌ها جاری شد

يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ

به چیزی که امید بهترین ثواب و پاداش از آن، می‌رود. زیرا زمین از آن خداست

يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ،

و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد، ارث می‌دهد؛ و البته پایان نیکو از آن پرهیزکاران است.

وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ، وَلَنْ

و منزّه است پروردگار ما؛ به راستی که وعده او انجام‌شده است و هرگز

يُخْلَفَ اللهُ وَعْدَهُ ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . فَعَلَى

خلفی وعده نمی‌کند، و او عزت‌مند حکیم است. پس بر

الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ صَلَّى اللهُ

پاکیزگان از آل محمد و علی - درود خدا

عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْتَغِيَا الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلْيَبْتَغِيَا

بر آن‌ها و اهل بیت آن‌ها - بایستی گریه‌کنندگان اشک بریزند و بر آنان زاری‌کنندگان زاری نمایند

النَّادِبُونَ، وَلِيَصْرُخَ

و برای امثال آن بزرگواران، باید سرشک از دیدگان جاری شود و شیون‌کنندگان شیون از

الصَّارِحُونَ، وَيَضِجَ الضَّاجُونَ، وَيَعِجَّ الْعَاجُونَ.

دل برکشند و ضجه‌کنندگان فریاد بزنند و ناله‌کنندگان ناله جانسوز سر دهند

أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ، أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ،

که حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجا هستند؟

صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ

که هر یک شایسته‌ای پس از شایسته دیگر، و راست‌گویی بعد از راست‌گویی دیگر بودند؛ کجاست

السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ الْخَيْرَةَ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ

راه راست پس از راه راست دیگر؟ کجا بندگان یکی پس از دیگری؟

الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ، أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ

خورشیدهای تابان کجا هستند؟ ماه‌های فروزان کجا هستند؟

الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ، أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ،

ستارگان درخشان کجا هستند؟ نشانه‌ها و راهنمایان دین و پایه‌های دانش کجا هستند؟

أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ، أَيْنَ

باقی‌مانده حجج الهی کجاست؟ کسی که (جهان) از عترت هدایتگر خالی نخواهد بود. کجاست

الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُنتَظِرُ لِاقَامَةِ الْأُمَّتِ

آنکه برای قطع دنباله‌ستمکاران آماده گشته است؟ کجاست آنکه انتظارش را می‌کشند که کج روی‌ها

وَالْعَوَجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ،

و انحرافات را از بین ببرد؟ کجاست کسی که برای براندازی ظلم و بیدادگری به او امید است؟

أَيْنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَايِضِ وَالسُّنَنِ، أَيْنَ

کجاست آن ذخیره الهی برای تازه کردن واجبات و سنت‌های الهی؟ کجاست

الْمُتَخَيِّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ

آن منتخب برای بازگرداندن کیش و آیین؟ کجاست آن که آرزو می‌رود بیاید

لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ

و قرآن و حدودش را زنده کند؟ کجاست زنده کننده نشانه‌های دین و اهل آن؟

وَأَهْلِهِ. أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ، أَيْنَ هَادِمِ أُبْنِيَّةِ

کجاست او که شوکت ستمکاران را درهم می‌شکند؟ کجاست آن که بنیادهای

الشَّرِكِ وَالنِّفَاقِ، أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ

شرک و نفاق را ویران می‌کند؟ کجاست او که فاسقان، نافرمانان

وَالطُّغْيَانِ، أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْغِيِّ وَالشَّقَاقِ، أَيْنَ

و طغیانگران را به هلاکت می‌کشاند؟ کجاست آن که شاخه‌های گمراهی و بدبختی را درو می‌کند؟

طَامِسِ آثَارِ الزَّيْبِ وَالْأَهْوَاءِ. أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ

کجاست آن که آثار انحراف و هواپرستی را محو می‌نماید؟ کجاست آن که رشته‌های

الْكَذِبِ وَالْإِفْتِرَاءِ، أَيْنَ مُبِيدُ الْعُتَاةِ وَالْمَرَدَّةِ، أَيْنَ

دروغ و افترا را قطع می‌کند؟ کجاست نابودکننده سرکشان و تیزکنندگان؟ کجاست

مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ، أَيْنَ مُعِزُّ

آن که ریشه معاندان، گمراهان و کافران را بَرکنند؟ کجاست آن که دوستان را عزیز

الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ، أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى

نماید و دشمنان را خوار و ذلیل؟ کجاست او که اتحاد کلمه بر اساس تقوا و

التَّقْوَى، أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى، أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ

پرهیزکاری فراهم آورد؟ کجاست درب ورودی به درگاه الهی که از آن در وارد شوند؟ کجاست آن

الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ

(چهره و) اثینة تمام‌نمای خداوند که دوستان به سوی او توجه نمایند؟ کجاست آن که وسیله پیوند

الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ

بین زمین و آسمان است؟ کجاست صاحب روز ظفر و برفرازنده

رَايَةَ الْهُدَى، أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا.

پرچم هدایت؟ کجاست گردآورنده پراکنده‌گی‌های درست‌کاری و مصلحت و خشنودی؟

أَيْنَ الطَّالِبِ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ

کجاست آن که برای خون پیامبران و فرزندان آن‌ها خونخواهی می‌کند؟ کجاست آن که

الطَّالِبِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَى

به دنبال انتقام خون شهید کربلا است؟ کجاست آن که بر هر

مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى، أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي

ظالم تجاوزگر دروغگو، پیرومند است؟ کجاست آن آقای گرفتاری که اگر

يُجَابُ إِذَا دَعَا، أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو السِّرِّ

دعا کند اجابت می‌شود؟ کجاست آن صدرنشین عالم و صاحب

والتَّقْوَى، أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنُ عَلِيٍّ

تقوا و نیکوکاری؟ کجاست آن فرزند پیامبر مصطفی و فرزند علی

الْمُرْتَضَى وَابْنُ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ وَابْنُ فَاطِمَةَ

مرتضی و فرزند خدیجه آن صاحب سیمای نورانی و فرزند فاطمه

الْكُبْرَى. بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوِقَاءُ

کبری؟ پدر و مادرم فدای تو باد و جانم بلاگردان و سپهر

وَالْحِمَى، يَا بَنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا بَنَ التُّجَبَاءِ

و حامی تو باشد ای فرزند سروران مقرب؛ ای فرزند انسان‌های اصیل و نجیب و

الْأَكْرَمِينَ، يَا بَنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، يَا بَنَ الْخَيْرَةِ

بزرگوار؛ ای فرزند هدایت‌گران هدایت‌شده؛ ای فرزند برگزیدگان

الْمُهَدَّبِينَ، يَا بَنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا بَنَ

مهذب (خودساخته)؛ ای فرزند سروران شرافتمند، ای فرزند

الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا بَنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُنتَجِبِينَ،

نیکوترین پاکان؛ ای فرزند آقایان بسیار بخشنده، همانند دریاهای پرچود؛

يَا بْنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ . يَا بْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ ،

ای فرزند مهتران سخاوتمند گرامی؛ ای فرزند ماه‌های تابان؛

يَا بْنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ ، يَا بْنَ الشُّهُبِ الثَّاقِبَةِ ، يَا بْنَ

ای فرزند چراغ‌های تابان؛ ای فرزند شهاب‌های تابنده؛ ای فرزند

الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ ، يَا بْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ ، يَا بْنَ

اختران فروزان؛ ای فرزند راه‌های روشن؛ ای فرزند

الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ ، يَا بْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ ، يَا بْنَ السَّنَنِ

نشانه‌های آشکار؛ ای فرزند دانش‌های کامل خداوندی؛ ای فرزند سنن و روش‌های

الْمَشْهُورَةِ ، يَا بْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ ، يَا بْنَ

پسندیده مشهور (آسمانی)؛ ای فرزند نشانه‌های برجای مانده؛ ای فرزند

الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ ، يَا بْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ ،

معجزات پایان نیافته و موجود، ای فرزند دلیل‌های دیده شده؛

يَا بْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ ، يَا بْنَ النَّبَا الْعَظِيمِ ، يَا بْنَ

ای فرزند راه راست؛ ای فرزند خبر بزرگ؛ ای فرزند

مَنْ هُوَ فِي أَمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ ، يَا بْنَ

کسی که در ام کتاب، نزد خداوند، بلندمرتبه و حکیم است. ای فرزند

الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ ، يَا بْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ ، يَا بْنَ

نشانه‌ها و بیّنات (حجّت‌های آشکار خداوند)، ای فرزند دلایل آشکار، ای فرزند

الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ ، يَا بْنَ الْحُجَجِ

برهان‌های نمایان و روشن، ای فرزند حجّت‌های

الْبَالِغَاتِ ، يَا بْنَ النَّعَمِ السَّابِغَاتِ ، يَا بْنَ طَه

رسا، ای فرزند نعمت‌های فراوان و فراخ، ای فرزند طه

وَالْمُحْكَمَاتِ ، يَا بْنَ يَسَّ وَالذَّارِيَاتِ ، يَا بْنَ الطُّورِ

و آیات محکم قرآن، ای فرزند یاسین و ذاریات، ای فرزند طور

وَالْعَادِيَاتِ ، يَا بْنَ مَنْ دَنَى فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ

و عادیات؛ ای فرزند آن که در شب معراج نزدیک شد و درآویخت (به مقام قرب حق تعالی)

قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنْ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى ،

به اندازه فاصله دو سر کمان و یا نزدیک‌تر، نزدیک به خدای علیّ اعلیّ.

لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى ، بَلْ أَيُّ أَرْضٍ

ای کاش می‌دانستم کجا اقامت گزیده‌ای؛ بلکه کدام سرزمین یا منطقه‌ای

تُبَلِّغُكَ أَوْ تَرَى ، أِبْرَضُوى أَوْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُوى ،

اقامت داری؛ آیا در کوه رضوی هستی یا غیر آن؟ یا در ذی طوی هستی؟

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تَرَى ، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ

بسیار بر من سخت است که همه را می‌بینم و تو دیده نمی‌شوی؛ و از تو هیچ

حَسِيسًا وَلَا نَجْوَى ، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي

صدا و هیچ رازی را نشنوم؛ بر من گران است که تو تنها در بلا گرفتار باشی

الْبَلْوَىٰ وَلَا يُنَالِكَ مِنِّي ضَجِيحٌ وَلَا شَكْوَىٰ . بِنَفْسِي

و از من هیچ ناله و شکایتی به تو نرسد. جانم فدایت

أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحِ

تو حقیقت پنهانی هستی که از میان ما بیرون نیستی؛ جانم فدایت گرچه از نظرم دوری

مَا نَزَحَ عَنَّا ، بِنَفْسِي أَنْتَ أُمِّيَّةٌ شَائِقٍ يَتَمَنَّى ، مَنْ

ولی از ما جدا نیستی؛ جانم فدایت، تو آرمان و آرزوی هر مرد و زن مشتاق

مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرَا فَحَنَّا ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدِ

مؤمن هستی که آرزویت کنند و به یادت ناله سر دهند. جانم فدایت، تو آن سرشته عزتی هستی که

عِزٌّ لَا يُسَامَى ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارَى ،

هم طراز از برایت نتوان یافت؛ جانم فدایت، تو از ارکان مجد و شرف و بزرگواری هستی که

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نِعَمٍ لَا تُضَاهَى ، بِنَفْسِي أَنْتَ

هم قطاری نداری؛ جانم فدایت، تو از نعمت‌های دیرین خدایی هستی که ماندنی نخواهد داشت؛

مِنْ نَصِيفِ شَرَفٍ لَا يُسَاوَى . إِلَيَّ مَتَى أَحَارُ فَيْكَ يَا

جانم فدایت، تو از خاندان شرافتی هستی که کسی با تو برابری ندارد. تاکی سرگردان تو باشم ای

مَوْلَايَ ، وَإِلَيَّ مَتَى وَأَيِّ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَأَيِّ

مولای من؟ و تا کی و با چه گفتاری به ستایش تو بپردازم؟ و چگونه

نَجْوَى ، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغَى ، عَزِيزٌ

راز دل بگویم؟ بر من بسی گران است که غیر تو پاسخم را بدهد؛ و سخنان فریبنده و خوش‌آیند برایم بگوید؛ بسی

عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَيَخْذُلِكَ الْوَرَى ، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ

مشکل است بر من که بر دوری تو بگیریم و مردم تو را واگذارند؛ گران است بر من که آنچه (از

يَجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى . هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَاطِيلَ

مشکلات) می‌گذرد، بر تو بگذرد و بر غیر تو نگذرد. آیا کسی هست که مرا کمک کند تا

مَعَهُ الْعَوِيْلَ وَالْبُكَاءَ ، هَلْ مِنْ جَزْوَعٍ فَاسَاعِدَ جَزَعَهُ

همراه با او ناله و شیون طولانی سر دهم؟ آیا کسی هست که بسیار جزع و زاری کند و من هم در

إِذَا خَلَا ، هَلْ قَدَيْتَ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَيَّ

تنهایی او با زاری و گریه یاریش نمایم؟ آیا چشمی خار و خاشاک رفته است تا چشم من در اشک

الْقَدَى ، هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَسِيْلٌ فَتُلْقَى ، هَلْ

ریختن با او همدم شود؟ ای زاده احمد؛ آیا به سوی تو راهی است که بتوان تو را ملاقات نمود؟

يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بِغَدِهِ بِعَدَّةٍ فَتَحْظِي . مَتَى نَرِدُ

آیا روز جدایی ما به فردایی می‌رسد که روز وصال و بهره‌مندی از جمال مقدّست باشد؟ کی می‌شود

مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرَوَى ، مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ

که بر چشمه‌های سیراب کننده‌ات درآییم و سیراب گردیم؟ کی می‌شود که از آب زلال و

فَقَدْ طَالَ الصَّدَى ، مَتَى نُغَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ فَسُنْقِرُّ

گوارایت بنوشیم که به راستی تشنگی طولانی شد؟ کی می‌شود که با تو صبح و شام کنیم و

عَيْنًا ، مَتَى تَرَانَا وَتَرَكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِوَاءِ النَّصْرِ

چشم‌مان روشن گردد؟ کی رسد آن وقت که تو ما را ببینی و ما تو را؛ در حالی که پرچم نصر و



تُرَى . أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَأُمُّ الْمَلَآءَ وَقَدْ مَلَأْتَ

ظفرت را گسترده باشی؟ آیا خواهی دید ما را که برگرد تو حلقه زده‌ایم و تو بر مردم امامت کنی

الْأَرْضَ عَدْلًا ، وَأَذَقْتَ أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَعِقَابًا ،

در حالی که زمین را بر از عدل و داد کرده‌ای، و به دشمنانت خواری و عقوبت را چشانده باشی

وَأَبْرَتَ الْعُتَاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ ، وَقَطَعْتَ دَابِرَ

و سرکشان و منکران حق را هلاک کرده باشی، و ریشه متکبران را قطع نموده

الْمُتَكَبِّرِينَ ، وَاجْتَشَّتْ أَصُولَ الظَّالِمِينَ ، وَنَحْنُ

و اساس ستم‌کاران را از بیخ و بن برکنده باشی و ما

نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ

آن موقع می‌گوییم: سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است؟ بار خدایا! تو برطرف‌کننده

الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى ، وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى ،

غم و اندوه و بلاها هستی و به درگاه تو درد دل و تو را به فریاد می‌طلبم که یاری رساندن برای انتقام گرفتن از

وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا ، فَأَغِثْ يَا غِيَاثَ

ظالم نزد توست، و تو پروردگار دنیا و آخرت هستی؛ پس دریاب، ای فریادرس

الْمُسْتَعِيثِينَ عِبِيدَكَ الْمُبْتَلَى ، وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ

فریاد خواهان؛ بنده کوچک گرفتار خود را؛ و آقایش را نشانش ده ای نیرومند

الْقُوَى ، وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى ، وَبَرِّدْ غَلِيْلَهُ

بسیار مقتدر؛ و به این وسیله غم و اندوه و درد سینهاش را از بین ببر و سوز عشقش را آرام کن؛

يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ، وَمَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَى

ای کسی که بر عرش مسلط هستی و بازگشت و پایان کارها به سوی اوست.

وَالْمُنْتَهَى . اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَيْ وَوَلِيِّكَ

خدایا؛ ما بندگان توئیم که شیفته ولی تو هستیم؛ او که

الْمَذْكُرِّ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا ،

یادآور تو و پیامبرت است، و تو او را برای حفظ و نگاهداری ما و پناه ما آفریدی،

وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا ، وَجَعَلْتَهُ لِمُؤْمِنِينَ مِنَّا

و او را برپا داشتی تا پشتیبان و پناهگاه ما باشد و او را برای مؤمنان از ما،

إِمَامًا ، فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ، وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ

پیشوا قرار دادی؛ پس سلام و تحیت ما را به او برسان، و به وسیله آن، برکرامت ما بیفز؛ ای

إِكْرَامًا ، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ، وَأَتِمِّمْ

پروردگار ما؛ و جایگاه او را جایگاه و منزلگاه ما قرار ده، و با

نِعْمَتِكَ بِتَقْدِيمِكَ إِلَيْهَا أَمَانًا ، حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ

مقدم داشتن او را پیشاپیش ما، نعمتت را بر ما کامل گردان؛ تا ما را به بهشت خود وارد نمایی

وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و هم‌نشین شهیدان مخلصت قرار دهی. خدایا؛ بر

حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ ، وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ

حجت و ولی امرت درود فرست؛ و درود بفرست بر محمد جد او،

رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ، وَصَلُّ عَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ

پیامبرت، آن بزرگوارترین آقا؛ و بر پدرش علی، آقا

الْقَسْوَرِ، وَحَامِلِ اللُّوَاءِ فِي الْمَحْشَرِ، وَسَاقِي

دلیر و سلحشور و شجاع و برپا دارنده پرچم در صحرای محشر؛ و سیراب کننده

أَوْلِيَائِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ، وَالْأَمِيرِ عَلَى سَائِرِ الْبَشَرِ،

دوستدارانش از نهر کوثر؛ و فرمانروا بر تمام بشر؛

الَّذِي مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفَرَ وَشَكَرَ، وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ

که هر کس بدو ایمان آورد، پیروزمند و سرفراز گشته است و آن که ایمان نیاورد،

فَقَدْ خَطَرَ وَكَفَرَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أُخِيهِ وَعَلَى

به خطر بزرگ و کفر افتد. درود خدا بر او و بر برادرش و بر

نَجْلِهِمَا الْمَيَامِينِ الْغُرِّ، مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا أَضَاءَ

فرزندان‌شان که نیکیختان و بزرگوارند. مادامی که خورشید می‌تابد و ماه نور می‌افشاند.

قَمْرٌ<sup>۱</sup>. وَعَلَى جَدَّتِهِ الصَّدِيقَةِ الْكُبْرَى، فَاطِمَةَ

و درود بر مادر بزرگ او، صدیقه کبری، فاطمه

۱. این فقره از دعا در بسیاری از کتب موجود می‌باشد؛ مانند: «إقبال الأعمال» سید بن طاووس (ص ۶۰۸)، «تحفة الزائر» (چاپ سنگی بدون شماره صفحه)، «زاد المعاد» علامه مجلسی رحمته الله (ص ۵۰۲)، «الصحيفة الهادية» عالم بزرگوار شیخ ابراهیم بن محسن کاشانی (ص ۸۷)، «مفتاح الجنات» عالم بزرگوار سید محسن امین (۳/۲۵۵)، «تکالیف الأنام» صدر الإسلام

الزَّهْرَاءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَعَلَى مَنْ

زهرا دختر محمد مصطفی؛ و بر آنان که تو برگزیدی از

اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ

پدران نیکوکارش؛ و بر او بهترین، کامل‌ترین،

وَأْتَمُّ وَأَدْوَمُ وَأَكْثَرُ وَأَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ

تمام‌ترین، بادوام‌ترین، بیشترین، وفراوان‌ترین درود و رحمتی که بر هر یک از

أَصْفِيَائِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَلُّ عَلَيْهِ صَلَاةً

برگزیدگان و نیکان از بندگانت فرستادی نثار باد. و بر او درود فرست؛ درودی که

لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا، وَلَا نَفَادَ

بی‌شمار و پایان ناپذیر و بی‌انتهاست و مدتش پایان

لِأَمَدِهَا. اللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ،

ندارد. خدایا؛ حق را به وسیله او برپا دار و باطل را به وسیله او نابود کن

وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَأَذِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ، وَصَلِّ اللَّهُمَّ

و دوستانت را توسط او چیره گردان و دشمنانت را به وسیله او خوار و ذلیل نما. خدای من؛

→ همدانی (ص ۱۹۵)، «عمدة الزائر» آیه الله سید حیدر کاشانی (ص ۳۵۸)، «فوز اکبر» علامه میرزا محمد باقر فقیه ایمانی (ص ۱۲۴)، «مکیال المکارم» علامه سید محمد تقی موسوی اصفهانی (۲/۹۹)، «منهاج العارفين» علامه سمیانی (ص ۱۵۹)، ضیاء الصالحین (ص ۵۴۲)، «الصحيفة الصادقية» (ص ۷۲۸)، «هدية الزائرین» محدث قمی رحمته الله (ص ۶۴۸)، و ملحقات «جمال الأسبوع» نشر دار الذخائر.

بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَةٌ تُؤَدِّي إِلَيَّ مُرَافَقَةَ سَلْفِيهِ ، وَاجْعَلْنَا

بین ما و او پیوندی برقرار کن که به همنشینی با پیشینیان پاک او منتهی گردد و ما را از

مَمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ ، وَيَمَكْتُ فِي ظِلِّهِمْ ، وَأَعِنَّا

کسانی قرار بده که به دامان آنان چنگ زده‌اند و در سایه آنان زندگی می‌کنند. و ما را یاری کن

عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ ، وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ ،

در ادا کردن حقوقش به او، و کوشش کردن در اطاعت از او،

وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ ، وَامْتِنِ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ ، وَهَبْ لَنَا

و دوری کردن از نافرمانی او. و بر ما ممت بگذار به خشنودی او و

رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ ، وَدَعَاءَهُ وَخَيْرَهُ ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً

مهر و رحمت و دعا و خیرش را بر ما ارزانی دار تا بدین وسیله به

مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ ، وَاجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ

رحمت واسعة تو دست یابیم و نزد تو به کامیابی نایل شویم، و قرار بده نماز ما را به واسطه او

مَقْبُولَةً ، وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً ، وَدَعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً ،

قبول شده، و گناهان ما را به سبب او آمرزیده شده و دعاها را به وسیله او مستجاب شده،

وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً ، وَهُمْومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً ،

و روزی‌های ما را به وسیله او وسعت داده شده، و اندوه‌های ما را به واسطه او برطرف شده؛

وَخَوَائِجِنَا بِهِ مَقْضِيَةً ، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ،

و حوایج ما را توشط او برآورده شده، و با چهره کریمانه‌ات به ما توجه کن و روی او.

وَأَقْبِلْ تَقَرُّبُنَا إِلَيْكَ ، وَأَنْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً

و تقرب و توشط ما را به درکاهت پذیرا باش، و به ما نظر رحمتی بفرما که

نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ ، ثُمَّ لَا تَصْرِفُهَا عَنَّا

به واسطه آن، کرامت نزد تو را به کمال رسانیم. سپس با بخشش و بزرگواریت، نظر لطف خود را از

بِجُودِكَ ، وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

ما باز مگیر، و از حوض جدش - که درود خدا بر او و آل او باد - سیرابمان ساز

وآلِهِ ، بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا ، هَنِيئًا سَائِغًا ، لَا ظَمًا

با جام و کاسه او و به دست او؛ سیراب کردنی کامل و گوارا و خوش که پس از آن تشنگی

بَعْدَهُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . ۱

نباشد؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.



دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در روز جمعه

شیخ طوسی رحمته الله علیه در «مصباح المتهجد» فرموده است: هرگاه کسی

خواست روز جمعه بر پیامبر صلوات الله علیه صلوات فرستد، چنین بگوید:

۱. تحفة الزائر: چاپ سنگی بدون شماره صفحه، زاد المعاد: ۴۹۱، و مصباح الزائر: ۴۴۶ (با

تفاوت اندک).

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِكَ، وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ

خدایا؛ درود و رحمت خود را و درود فرشتگان

وَرُسُلِكَ، عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

و رسولان خودت را بر محمد و آل محمد نثار کن و در گشایش کارشان شتاب فرما.

یا بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.<sup>۱</sup>

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

وی در جای دیگر می‌گوید: روایت شده است که صد بار

بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.<sup>۲</sup>

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.



### صلوات ضرباب اصفهانی

سید جلیل القدر، علی بن طاووس رحمته الله می‌فرماید: صلوات

ضرباب اصفهانی صلواتی است بر پیغمبر و آل او علیهم السلام که از ناحیه

۱. مصباح المتهدّد: ۲۸۴.

۲. مصباح المتهدّد: ۳۸۷.

مقدّسه مولای ما، حضرت صاحب العصر و الزمان ارواحنا فداه

روایت شده است...<sup>۱</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ

خدایا؛ بر محمد سید رسولان و خاتم

النَّبِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَلْمُنْتَجَبِ فِي

پیامبران و حجت پروردگار جهانیان درود فرست، او که در روز پیمان الهی،

الْمِثْقَالِ، أَلْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ، أَلْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ

پسندیده شد و در عالم اظلمه اختیار شد، از هر آفتی پاکیزه

آفَةٍ، الْبَرِيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، أَلْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ،

است، و از هر عیبی مبرا؛ همگی برای نجات خود چشم امید به او دارند،

أَلْمُرْتَجَى لِلسَّعَاةِ، أَلْمَفْوُضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ. اللَّهُمَّ

و امیدوار به شفاعت او هستد؛ دین خداوند بدو واگذار شده است. خداوندا؛

شَرَّفْ بِنِيَانَهُ، وَعَظِّمْ بَرْهَانَهُ، وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُ، وَارْفَعْ

بنای هستی او را شرافت ده، و برهانش را بزرگ نما، و حجتش را پیروز فرما، و

۱. گفتنی است که این صلوات، جریان مفضل و خواندنی دارد که ما آن را در «صحیفه مهدیه»

نقل کرده‌ایم.

دَرَجَتَهُ، وَأَضِيُّ نُورَهُ، وَبَيِّضُ وَجْهِهِ، وَأَعْطِيَهُ

مقامش را بالا ببرد؛ و نورش را تابنده کن، و رویش را سفید نما، و به او

الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ وَالْوَسِيلَةَ، وَالذَّرَجَةَ

فضیلت و برتری و فزونی و مقام و وسیله شفاعت و درجه

الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغِيبُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ

بلند عنایت کن، و او را به مقام پسندیده‌ای مبعوث نما که همگان از اولین

وَالْآخِرُونَ. وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ

و آخرین بر او غبطه خورند. و درود فرست بر امیر مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَسَيِّدِ

رسولان و پیشوای سفید رویان و سرور همه

الْوَصِيِّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى

جانشینان و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ

حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى

رسولان و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ

حسین بن علی پیشوای مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ

رسولان و حجت خداوند جهانیان. و درود فرست بر علی

بْنِ الْحُسَيْنِ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ،

بن حسین پیشوای مؤمنان و وارث رسولان

وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ،

و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر محمد بن علی

إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

پیشوای مؤمنان و وارث پیامبران و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ

جهانیان. و درود فرست بر جعفر بن محمد پیشوای

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، إِمَامِ

جهانیان. و درود فرست بر موسی بن جعفر پیشوای

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى، إِمَامِ

جهانیان. و درود فرست بر علی بن موسی پیشوای

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ

جهانیان. و درود فرست بر محمد بن علی پیشوای

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ

جهانیان. و درود فرست بر علی بن محمد، پیشوای

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان، و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ

جهانیان. و درود فرست بر حسن بن علی، پیشوای

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ،

جهانیان. و درود فرست بر بازمانده هدایتگر هدایت شده،

إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيَّمَّةِ

جهانیان. خداوندا؛ بر محمد و اهل بیتش درود فرست که پیشوایان

الْهَادِينَ، الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ،

هدایت‌گر، دانایان راستگو، نیکوکاران پرهیزکار؛

دَعَائِمِ دِينِكَ، وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ،

ستون‌های دینت و ارکان توحیدت و مفترقان وحیت،

وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ،

و حجت‌های تو بر آفریدگانت و جانشینانت در زمین تو هستند؛

الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ،

آنان که برای خودت ایشان را اختیار کردی و بر تمام بندگانت برگزیدی

وَأَرْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ،

و آن‌ها را برای دینت پسندیدی و به شناخت خودت آن‌ها را مخصوص گرداندی،

وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَعَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُمْ

و با کرامت خودت بر آنان شکوه و بزرگی بخشیدی و غرق دریای رحمت خود کردی، و آن‌ها را

بِنِعْمَتِكَ، وَغَدَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَأَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ،

با نعمت خود پرورش دادی، و با حکمت خود به آنان غذای روحی دادی، و به نور خویش ایشان را پوشانیدی،

وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَخَفَفْتَهُمْ بِمَلَأَيْكَتِكَ،

و در ملکوتت بالا بردی، و گرداگرد وجود ایشان را به فرشتگانت احاطه نمودی،

وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و به واسطه پیامبرت - که درود تو بر او و آل او باد - به آن‌ها شرافت بخشیدی . خدایا؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ ، صَلَوَةٌ زَاكِيَّةٌ نَامِيَّةٌ كَثِيرَةٌ

بر محمّد و بر ایشان درود فرست؛ درودی پاک و فراینده و فراوان

دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ ، وَلَا يَسَعُهَا إِلَّا

و دایمی و پاکیزه که جز خودت کسی بر آن احاطه پیدا نکند، و جز در

عِلْمِكَ ، وَلَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ . اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ

دانش تو نگنجد و غیر تو کسی نتواند آن را به شماره درآورد. خدایاندا؛ بر

وَلِيِّكَ ، اَلْمُحْيِي سُنَّتِكَ ، اَلْقَائِمِ بِأَمْرِكَ ، اَلدَّاعِي

ولیت درود فرست؛ او که زنده‌کننده سنت توست و قیام‌کننده به امر تو، و دعوت کننده

إِلَيْكَ ، اَلدَّلِيلِ عَلَيْكَ ، حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ ، وَخَلِيفَتِكَ

به سوی تو، و دلالت کننده بر تو، و حجت تو بر بندگانت و جانشین تو

فِي أَرْضِكَ ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ . اَللّٰهُمَّ اَعِزِّ

در زمینت و گواه تو بر بندگان توست. خدایا؛ یاری او را تقویت نما

نَصْرَهُ ، وَمُدِّفِي عُمُرِهِ ، وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ .

و عمرش را طولانی فرما، و با طولانی‌شدن ماندنش زمین را زینت بخش.

اَللّٰهُمَّ اَكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ

خدایا؛ از ستم حسودان او را کفایت کن، و از شر

اَلْكَائِدِينَ ، وَارْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ ، وَخَلِّصْهُ

حیله‌گران پناهِش ده و اراده ستمکاران را از او دور کن، و او را

مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ . اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ

از دست زورگویان رهایی ده. خدایاندا؛ درباره خودش،

وَذُرِّيَّتِهِ ، وَشَيْعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ ، وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ

ذریه‌اش، پیروانش، رعیتش، یاران ویژه‌اش، عموم پیروانش،

وَعَدُوِّهِ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا ، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ ، وَتَسْرُرُّ

دشمنانش و تمام اهل دنیا، آنچه که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش

بِهِ نَفْسُهُ ، وَبَلَّغُهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ،

را به آن شادگردانی، به او عنایت فرما. و او را به برتر از آن چه آرزو دارد در دنیا و آخرت برسان؛

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اَللّٰهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَنِي

زیرا تو بر هر چیز توانایی. خدایا؛ آنچه از دینت محو شده به وسیله او تازه کن،

مِنْ دِينِكَ ، وَأَخِي بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ ، وَأَظْهِرْ بِهِ

و آنچه از کتابت عوض شده به واسطه او زنده کن و آنچه از

مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى

احکامت تغییر داده شده به وسیله او ظاهر کن؛ تا این که دینت به وسیله او و با

يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا لَا شَكَّ فِيهِ ، وَلَا

دست او نو و تر و تازه گردد؛ آن گونه که خالص و بی‌الایش بوده که نه شکّی در آن باشد و نه

شُبُهَةٌ مَعَهُ، وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ، وَلَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ . اَللّٰهُمَّ

شبهه‌ای به آن راه یابد، و نه باطل و بدعتی کنار آن و نزد آن باشد. خدایا؛

نورٌ بِنورِهِ كُلِّ ظُلْمَةٍ، وَهُدًى بِرُكْنِهِ كُلِّ بِدْعَةٍ، وَاهْدِمْ

هر تاریکی را به نور او روشن کن، و هر بدعتی را به واسطه قدرت و قوتش ویران نما، و

بِعِزَّتِهِ كُلِّ ضَلَالَةٍ، وَاقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَأَخْمِدْ

با عزت او هر گونه گمراهی را منهدم فرما و هر فرد زورگوی گردنکش را به واسطه او هلاک گردان، و

بِسَيْفِهِ كُلِّ نَارٍ، وَأَهْلِكْ بَعْدَلِهِ جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ، وَأَجْرِ

با شمشیرش هر آتشی را خاموش کن و ظلم هر ستمگری را به واسطه عدلش نابود کن، و

حُكْمَهُ عَلَىٰ كُلِّ حُكْمٍ، وَأَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ .

دستور و حکمش را بر هر حکمی جاری ساز و با سلطنتش هر قدرتمندی را ذلیل و خوار ساز.

اَللّٰهُمَّ اَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَاذَاهُ،

خدایا؛ هر که قصد بدی به او کند ذلیل و خوار کن و هر که را که با او دشمنی نماید به هلاکت انداز

وَأَمْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ حَقَّهُ،

و هر که را با او نیرنگ کند دچار نیرنگ گردان و هر که را منکر حقش باشد

وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَسَعَىٰ فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ، وَأَرَادَ

و امرش را سبک شمارد، و در خاموشی نورش بکوشد و بخواهد

إِخْمَادَ ذِكْرِهِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَىٰ،

نامش و یادش را کمرنگ سازد از ریشه برکن. خدایا؛ درود فرست بر محمد مصطفی،

وَعَلَىٰ الْمُرْتَضَىٰ، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَالْحَسَنَ

و بر علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن صاحب

الرِّضَا، وَالْحُسَيْنِ الْمُصَفَّىٰ، وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ،

مقام رضا و حسین صاحب مقام برگزیده و خالص و بی‌الایش و همه اوصیا و جانشینان آن حضرت

مَصَابِيحِ الدُّجَىٰ، وَأَعْلَامِ الْهُدَىٰ، وَمَنَارِ التُّقَىٰ،

که چراغ‌های روشن در تاریکی و نشانه‌های هدایت و جلوه‌گاه پرهیزکاری

وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ، وَالْحَبْلِ الْأَمْتِنِ، وَالصِّرَاطِ

و دستاویز مورد اطمینان و ریسمان محکم و راه

الْمُسْتَقِيمِ . وَصَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ،

راست هستند. و درود فرست بر ولی خود و عهده‌داران پیمانت

وَالْأَيِّمَةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَمُدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ فِي

و امامان از فرزندان؛ و بر عمرشان بیفزأ و

آجَالِهِمْ، وَبَلِّغُهُمْ أَقْصَىٰ آمَالِهِمْ، دِينًا وَدُنْيَا

مدت آن‌ها را زیاد فرما، و ایشان را به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی

وَأٰخِرَةً، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .<sup>۱</sup>

و آخروی‌شان برسان؛ چرا که تو بر هر کاری توانا هستی.

۱. مصباح‌المتجهّد: ۴۰۶، البلد‌الأمین: ۱۲۰، المصباح: ۷۲۵، دلائل‌الإمامة: ۵۴۹ و مانند آن

در جمال‌الأسبوع: ۳۰۱ وارد شده است.





## فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل

در هر شب جمعه

در پایان این بخش روایتی را که در «تفسیر برهان» از کتاب «تفسیر عیاشی علیه السلام» و «ثواب الأعمال»، از امام صادق علیه السلام نقل شده است می آوریم، آن حضرت فرمود:

هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی میرد تا امام قائم (حضرت مهدی صلوات الله علیه) را درک کند، و از اصحاب آن بزرگوار باشد.<sup>۱</sup>

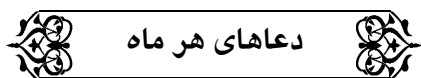
تفسیر  
مجموعه  
تبریه

❁  
۲۲۲  
❁

۱. مکیال المکارم: ۲/۳۷۸، المصباح: ۵۸۵، ثواب الأعمال: ۱۰۷، تفسیر برهان: ۶/۷ ح ۱ و ۲.

تفسیر عیاشی: ۲/۲۷۶ ح ۱.

## بخش پنجم



### دعای ایام ماه رجب

که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه صادر شده است

ابن عباس می گوید: از دعایی که از ناحیه مقدسه امام عصر ارواحنا فداه به دست شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید رسیده، دعایی است که هر روز از ماه رجب خوانده می شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وَوَلَاةُ

پروردگارا! از تو درخواست می کنم به معانی تمام آنچه را که اولیاء امورت، تو را به آن می خوانند؛

أَمْرِكَ، أَلْمَامُونَ عَلَي سِرِّكَ، أَلْمُسْتَبْشِرُونَ

آنان که بر سر تو امین و به امر تو خوشنود و مفتخرند،

بِأَمْرِكَ، أَلْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ، أَلْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ،

آنها که قدرت تو را توصیف و عظمت تو را نشان می دهند؛

أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيئِكَ ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ

درخواست می‌کنم به آنچه مشیت تو دربارهٔ آن‌ها ناطق است، پس آن‌ها را معدن

لِكَلِمَاتِكَ ، وَأَرُكَانًا لِتَوْحِيدِكَ وَأَيَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ

کلمات، و ارکان توحید خود ساختی و نشانه‌ها و مقامات خویشتن فرارشان دادی؛ نشانه‌ها و

الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ

مقاماتی که تعطیلی برای آن‌ها در هیچ مکانی نیست، هر که تو را شناخت به آن آیات و نشانه‌ها

عَرَفَكَ ، لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ

شناخته است؛ میان تو و آنان تفاوتی نیست جز آن که آن‌ها بندگان تو

وَخَلْقِكَ ، فَتَقْهَأُ وَرَتْقُهَا بِيَدِكَ ، بَدْوُهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا

و آفریده تو هستند. باز و بسته شدن امور آن‌ها در دست تو است، ابتدا و انتهای آن‌ها از تو و برگشت

إِلَيْكَ ، أَعْضَادٌ وَأَشْهَادٌ وَمَنَاةٌ وَأَذْوَادٌ وَحَفَظَةٌ

ایشان به سوی تو است. (آنان) پشتیبان و یاور تو و گواهان (بر خلق) و حامیان و مدافعان و نگهبانان

وَرُؤَادٌ ، فَبِهِمْ مَلَأْتَ سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ

و پیشوایان تو هستند. پس از وجود ایشان آسمان و زمینت را پر کردی تا آشکار شود که:

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ

معبودی جز تو نیست. پس به واسطهٔ آن و به جایگاه والای عزت از

رَحْمَتِكَ ، وَبِمَقَامَاتِكَ وَعَلَامَاتِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

مهربانی تو، و به واسطهٔ مقامات و نشانه‌هایت از تو درخواست می‌کنم که بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا وَتَثْبِيئًا ، يَا بَاطِنًا

محمد و آل او درود فرستی، و ایمان و استواری مرا فزونی بخشی؛ ای نهانی

فِي ظُهُورِهِ وَظَاهِرًا فِي بَطُونِهِ وَمَكُونِهِ ، يَا مُفَرِّقًا

که در عین پنهان بودن آشکاری، و ای آشکاری که در عین آشکار بودن پنهانی؛ ای جداکننده

بَيْنَ النُّورِ وَالذِّجْوَرِ ، يَا مَوْصُوفًا بِغَيْرِ كُنْهِ ،

میان نور و تاریکی؛ ای آن که وصف شده‌ای ولی نه با کنه ذات؛

وَمَعْرُوفًا بِغَيْرِ شَبِيهِ ، خَادَّ كُلِّ مَحْدُودٍ ، وَشَاهِدَ كُلِّ

و ای آن که شناخته شده‌ای اما نه به وسیلهٔ تشبیه و همانند؛ ای تعیین‌کننده حد و اندازه و ای گواه هر

مَشْهُودٍ ، وَمَوْجِدَ كُلِّ مَوْجُودٍ ، وَمُخْصِيَّ كُلِّ

مشهود؛ و ای ایجاد کننده هر موجود؛ و ای شمارشگر هر

مَعْدُودٍ ، وَفَاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ

شمرده شده؛ و ای ناپودکننده هر ناپود شده؛ جز تو معبودی نیست؛ و تو

أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ ، يَا مَنْ لَا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ ،

اهل کبریا و بزرگواری و بخشش هستی. ای خدایی که به چگونگی و کیفیت توصیف نگردد،

وَلَا يُؤَيِّنُ بِأَيْنٍ ، يَا مُحْتَجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ ، يَا دَيْمُومٌ

و از جا و مکان او پرسش نشود؛ ای آن که از چشم‌ها پنهانی؛ ای وجود دایم،

يَا قَيُّومٌ ، وَعَالِمٌ كُلِّ مَعْلُومٍ ، صَلِّ عَلَيَّ عِبَادِكَ

ای پاینده، ای دانای هر معلوم، درود فرست بر بندگان

الْمُنْتَجِبِينَ، وَبَشَرَكَ الْمُحْتَجِبِينَ، وَمَلَائِكَتِكَ

برگزیدگان؛ و انسان‌های پرده‌دارت؛ و بر فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ، وَالْبُهُمِ الصَّافِينَ الْحَاقِّينَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي

مقرّبت؛ و آن خاموشان به صف ایستاده و احاطه کنندگان. و

شَهْرِنَا هَذَا الْمُرَجَّبِ الْمُكْرَمِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ

این ماه گرامی رجب و نیز ماه‌های حرام بعد از آن را بر ما مبارک گردان؛

الْحُرْمِ، وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ النِّعَمَ، وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ

و در آن، نعمت‌هایت را بر ما فرو ریز، و بهره‌های ما را در این ماه بسیار گردان،

الْقِسْمَ، وَأَبْرِزْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ

و سوگند ما را در آن صادق فرار بده، به خاطر بزرگ‌ترین،

الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ

بزرگ‌ترین، باشکوه‌ترین و گرامی‌ترین نامت؛ نامی که چون بر روز نهادی

فَأَضَاءَ، وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ، وَاعْفِرْ لَنَا مَا تَعْلَمُ مِنَّا

روشن شد و وقتی بر شب قرار دادی، تاریک گشت. خداوندا؛ آنچه از گناهان ما را که تو می‌دانی

وَمَا لَانَعْلَمُ، وَاعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصْمِ،

و ما نمی‌دانیم بر ما ببخش؛ و ما را به بهترین وجه از گناهان نگهداری کن و حفظ فرما؛

وَكَفِنَا كَوَافِي قَدْرِكَ، وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ،

و ما را با تقدیر کفایت‌کننده خود بسنده باش؛ و با نگاه نیکویت بر ما متّ بگذار.

وَلَا تَكِلْنَا إِلَىٰ غَيْرِكَ، وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ، وَبَارِكْ

و به غیر خودت وامگذار، و از خیر و خوبیت محروم مان مفرما؛

لَنَا فِيمَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَأَصْلِحْ لَنَا خَسِيبَةَ

و به عمری که برای ما مقّر داشته‌ای برکت عنایت کن، و درون و باطن‌مان را اصلاح فرما،

أَسْرَارِنَا، وَأَعْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ

و برای ما از سوی خود امان بده، و ما را با ایمان نیکو و

الْإِيْمَانِ، وَبَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ

کردار نیک به کار گیر، و ما را به ماه مبارک رمضان و روزها و سال‌های پس از آن، برسان؛

وَالْأَعْوَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ۱.

ای دارای شکوه و بزرگواری.

نگارنده کتاب «عمدة الزائر» در مورد دعای فوق، چنین

توضیح می‌دهد: صاحبان امر و حکومت الهی، محمد و آل

محمد ﷺ هستند که بدین صفات زیبا، موصوف گشته‌اند؛ آنان،

دارای مقاماتی هستند که در هیچ مکانی تعطیل نخواهد گشت؛ هر

گاه با آن معانی و حقایقی که نزدشان ذخیره و پنهان است، خدا را

بخوانند یا هر دعا کننده دیگری به وسیله آنها خدا را بخواند، و یا

خدا را به آن دعاهایی که آن بزرگواران در جایی و بر هر چیزی

۱. المصباح: ۷۰۱، مصباح المتهجد: ۸۰۳، بحار الأنوار: ۳۹۲/۹۸، إقبال الأعمال: ۱۴۵.

خواننده‌اند بخواند، خداوند دعایشان را اجابت می‌کند بدون این که دعای آنها رد شود. زیرا خداوند فیض رسان است، و آن عزیزان قابلیت دارند؛ لذا به برکت آنهاست که بر هر دعا کننده‌ای بلکه بر همه مخلوقات فیض نازل می‌شود.

این است راز این مطلب که باید در هر حاجت و نیازی بر آنها صلوات فرستاد و به خداوند از طریق آنان توسل جست. چرا که هر کس بر آنان درود فرستد، درخواستش رد نخواهد شد.<sup>۱</sup>



### دعای دیگر در ایام ماه رجب که از ناحیه مقدسه رسیده است

ابن عیاش می‌گوید: این دعا نیز از ناحیه مقدسه به دست حسین بن روح رضی الله عنه رسیده است که در هر روز از ماه رجب خوانده می‌شود:

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ**

خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم به حق دو تولد یافته در ماه رجب، یعنی محمد بن

**عَلِيِّ الثَّانِي، وَابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ،**

علی دوم (حضرت جواد علیه السلام) و فرزندش علی بن محمد که برگزیده شده است؛

۱. عمدة الزائر: ۱۷۴.

**وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرْبِ، يَا مَنْ إِلَيْهِ**

و به وسیله آن دو به سوی تو به بهترین وجهی تقرب می‌جویم. ای کسی که هر

**الْمَعْرُوفُ طَلِبٌ، وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغْبٌ. أَسْأَلُكَ سُؤَالَ**

نیکی از او درخواست می‌شود، و به آنچه نزد اوست رغبت می‌شود. از تو درخواست می‌کنم

**مُعْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أُوْبَقَّتَهُ ذُنُوبُهُ، وَأَوْثَقَّتَهُ عُيُوبُهُ،**

همانند گناهکاری که به جرمش اعتراف می‌کند، و گناهانش او را به هلاکت و عیب‌هایش او را در بند

**فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ، وَمِنَ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ،**

کشیده؛ دیر زمانی است که بر اشتباه‌کاری‌ها عادت کرده و کارش با مصیبت‌های بزرگ می‌گذرد؛

**يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ، وَحُسْنَ الْأُوبَةِ، وَالنُّزُوعَ عَنِ**

از تو درخواست توبه و بازگشت نیکو و بیرون آمدن از

**الْحَوْبَةِ، وَمِنَ النَّارِ فَكَأَنَّ رَقَبَتَهُ، وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي**

گناه می‌کند، و می‌خواهد آزادی از آتش جهنم و بخشش از آنچه در بند اوست را نصیب

**رَبَّقَتِهِ، فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ. اللَّهُمَّ**

سازی. ای مولای من؛ تو بزرگ‌ترین آرزو و مایه اطمینان او هستی. بار خدایا؛

**وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ، وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ، أَنْ**

از تو به حق درخواست‌های شرافت‌مندانه‌ات، و دستاویزهای والایت؛ درخواست می‌کنم که

**تَتَعَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَإِسْعَةٍ،**

مرا در این ماه در رحمت بی‌کرات غرق گردانی، و بر من نعمت‌های

وَنِعْمَةٍ وَاِزْعَةٍ، وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ إِلَىٰ نُزُولِ

فراوان عطا کنی، و به من نفسی عطا کنی که تا روزی که در قبر فرود آیم و در منزل

الْخَافِرَةِ، وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ، وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ<sup>۱</sup>.

آخرت سکونت گزینم و آنجا که روانم به سوی آن می‌شاید، نسبت به آنچه نصیب آن نموده‌ی قانع باشد.



### دعای سوّم در ایّام ماه رجب

از محمّد بن عبدالرحمان (شوشتری) روایت شده است که گفت: روزی از بنی‌رواس گذشتم، یکی از دوستانم به من گفت: اگر دوست داری همراه ما به سوی مسجد صعصعه بیا، تا در آنجا نماز بخوانیم، زیرا این ماه، ماه رجب است و زیارت این مکان‌های شریف که اولیاء ما قدم گذاشته‌اند، و آن بزرگواران در آنجا نماز گزارده‌اند ثواب دارد؛ و مسجد صعصعه یکی از آن اماکن می‌باشد.

محمّد بن عبدالرحمان می‌گوید: با هم به سوی مسجد صعصعه رفتیم و در این هنگام شتری را دیدیم که جلوی درب مسجد خوابانده شده بود؛ داخل مسجد شدیم و به مردی برخورد کردیم که پیراهن حجازی بر تن و عمامه‌ای شبیه عمامه آن‌ها به

۱. المصباح: ۷۰۳، مصباح المتعجّد: ۸۰۵، بحار الأنوار: ۳۹۳/۹۸، إقبال الأعمال: ۱۴۶.

سر داشت و در حالی که نشسته بود این دعا را می‌خواند؛ من و

همراهم نیز آن را حفظ کردیم، و آن دعا این است:

(شیخ طوسی اعلی الله مقامه می‌فرماید: در هر روز از ماه رجب

مستحبّ است این دعا خوانده شود:)

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنَنِ السَّابِغَةَ، وَالْأَلَاءِ الْوَازِعَةَ،

خدایا؛ ای کسی که دارای لطف و احسان فراوان، و نعمت‌های گسترده،

وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةَ، وَالْقُدْرَةَ الْجَامِعَةَ، وَالنِّعَمَ

و رحمت فراگیر، و قدرت جامع و کامل، و نعمت‌های

الْجَسِيمَةَ، وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةَ، وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةَ،

عظیم، و بخشش‌های بزرگ، و هدیه‌های زیبا، و عطایای

وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ . يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ بِتَمَثِيلٍ، وَلَا يُمَثَّلُ

فراوان هستی. ای کسی که به وسیله تمثیل وصف نمی‌شود، و به هیچ موجودی به عنوان نظیر مثال‌زده نمی‌شود،

بِنَظِيرٍ، وَلَا يُغَلَّبُ بِظَهِيرٍ، يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ، وَاللَّهُمَّ

و به کمک پشتیبان، مغلوب نمی‌شود؛ ای کسی که موجودات را خلق کرد؛ سپس به آنان رزق روزی داد؛ و به آنان الهام

فَأَنْطَقَ، وَابْتَدَعَ فِشْرَعَ، وَعَلَا فَارْتَفَعَ، وَقَدَّرَ

کرد؛ پس به سخن درآورد؛ و نوآوری نمود، سپس تشریع کرد؛ و برتری یافت، پس رفیع و بلندمرتبه گردید؛ و تقدیر

فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَأَثَقَنَ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ

کرد؛ پس نیکو گردانید؛ و تصویر کرد، پس محکم نمود؛ و با دلیل استدلال کرد، پس رسا گردانید و نعمت داد،

فَأَسْبِغْ ، وَأَعْطِي فَأَجْزَلْ ، وَمَنْعَ فَأَفْضَلَ . يَا مَنْ سَمَا

پس کامل کرد؛ و عطا نمود، پس آن را بیشتر کرد؛ و بخشش نمود، و آن را فزونی داد. ای کسی

فِي الْعِزِّ فَفَاتَ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ ، وَدَنَا فِي اللَّطْفِ

که اوج گرفت در عزت و توانمندی، و به همین خاطر دیدگاه‌های چشمان نتوانست به سوی او راه

فَجَازَ هُوَ اجِسَ الْأَفْكَارِ ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نِدَّ

یابد؛ و آن قدر به لطافت نزدیک شده که از هر آنچه به ذهن خطور می‌کند می‌گذرد؛ ای کسی که در پادشاهی،

لَهُ فِي مَلَكَوَتِ سُلْطَانِهِ ، وَتَفَرَّدَ بِالْأَلَاءِ وَالْكَبْرِ يَاءِ ،

تنها هستی؛ پس هم‌تایی برای او در قدرت و سلطنت بر هستی نیست؛ و در نعمت‌ها و شکوه و عظمت، یگانه

فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ ، يَا مَنْ حَارَتْ فِي

و بی‌مانند هستی؛ پس در مقام جبروت و استیلاء ضدی برای او نیست؛ ای کسی که

كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ ، وَأَنْحَسَرَتْ

لطایف و دقت‌ها و ریزبینی‌های افکار و تصورات و نیروی خیال در هیبت و شکوه او حیران و سرگردان، و در

دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ . يَا مَنْ

ادراک کمترین مرتبه بزرگی او دیدگان جستجوگر مردم ناتوان شده. ای کسی که

عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ ، وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظَمَتِهِ ،

صورت‌ها به خاطر عظمت و جلال او خوار و ذلیل گردید و از بین رفت، و گردن‌ها به خاطر عظمت او خم شد و خاشع

وَوَجَلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خَيْفَتِهِ ، أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمِدْحَةِ

گشت، و قلب‌ها از ترس او لرزان و هراسان شد؛ به خاطر این، مدح و ثنایی

الَّتِي لَا تَتَّبِعِي إِلَّا لَكَ ، وَبِمَا وَأَيَّتَ بِهِ عَلِي نَفْسِكَ

که هیچ کس به غیر تو سزاوار و شایسته آن نیست؛ و به خاطر آنچه

لِدَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ

برای مؤمنانی که تو را می‌خوانند، بر خودت وعده داده‌ای؛ و به خاطر آنچه برای

عَلِي نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ . يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ ، وَأَبْصَرَ

دعاکنندگان، اجابت‌کردن را ضامن شده‌ای؛ از تو طلب می‌کنم. ای شنواترین شنوندگان، و بیناترین

النَّاظِرِينَ ، وَأَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ ،

بینندگان، و سریع‌ترین محاسبه‌کنندگان؛ ای صاحب نیرو و توان محکم؛

صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

بر پایان‌بخش پیامبران حضرت محمد ﷺ و اهل بیت او

[الْأَيُّمَّةِ الصَّادِقِينَ] ، وَأَقْسِمُ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ

- که پیشوایان راستگو هستند - درود بفرست؛ و در این ماه، بهترین

مَا قَسَمْتُ ، وَأَخْتِمُ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتُ ،

قسمت‌ها را برای من قرار بده؛ و بهترین حکم را در قضا و قدر خودت برای من حتمی گردان.

وَأَخْتِمُ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتَ ، وَأُحْيِي مِمَّا

و پایان کار مرا به سعادت ختم کن، در میان کسانی که کارشان را به پایان رسانیدی، و تا مادامی که

أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا ، وَأَمِثْنِي مَسْرُورًا وَمَغْفُورًا ،

مرا زنده نگه می‌داری نعمتت را بر من زیاد و فراوان بگردان؛ و مرا در حالی که شادان و بخشیده شده‌ام، بمیران؛

وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مُسَائِلَةِ الْبَرْزَخِ، وَادْرَأْ عَنِّي

و خودت نجات از پرسش‌های برزخ مرا بر عهده بگیر؛ و

مُنْكَرًا وَنَكِيرًا، وَأَرِ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَبَشِيرًا، وَاجْعَلْهُ

نکیر و منکر را از من دور کن؛ و مبشّر و بشیر را به من نشان بده؛ و

لِي إِلَىٰ رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ مَصِيرًا وَعَيْشًا قَرِيرًا،

بازگشت مرا به سوی بهشت و رضوان خودت قرار بده؛ و زندگی خوش و کامیاب،

وَمُلْكًا كَبِيرًا، وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيرًا.

و دارایی بزرگ برایم قرار بده؛ و بر محمد و آل او درود فراوان بفرست.

سپس آن مرد سجده‌ای طولانی کرد، و از جایش برخاست و شترش را سوار شد و از آنجا رفت.

دوستم به من گفت: به نظر ما او حضرت خضر علیه السلام بود؛ چه شد که با او صحبت نکردیم؟ گویا زبان ما را از صحبت کردن باز داشته بودند! از مسجد خارج شدیم و در راه پسرابی رواد رواسی را دیدیم؛ او به ما گفت: از کجا می‌آیید؟

گفتیم: از مسجد صعصعه؛ و جریان را نیز برایش بازگو کردیم.

او گفت: این سوار دو سه روز یک بار به مسجد صعصعه

می‌آید، و هیچ حرف نمی‌زند؛ به او گفتیم که: او کیست؟

گفت: شما فکر می‌کنید چه کسی باشد؟

گفتیم: گمان می‌کنیم حضرت خضر علیه السلام باشد.

گفت: به خدا سوگند، فکر می‌کنم او کسی است که حضرت

خضر علیه السلام هم محتاج دیدار اوست. بروید که سعادت‌مند شدید.

دوستم به من گفت: به خدا سوگند، آن شخص امام زمان ارواحنا

فداه بود.<sup>۱</sup>

نگارنده می‌گوید: سید بزرگوار جناب علی بن طاووس

می‌فرماید: این دعا از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده

است، ولی به خاطر این که در ایام ماه رجب خوانده می‌شود آن را

در این جا (بخش ادعیه ماه‌ها) نقل کردیم.



### دعای روز سوّم ماه شعبان

عَلَّامَةُ مَجْلِسِي علیه السلام در کتاب «بحار الأنوار» می‌فرماید: وکیل

امام حسن عسکری علیه السلام - قاسم بن علاء همدانی - نامه‌ای از ناحیه

مقدّسه دریافت کرد که در آن فرموده بودند:

همانا مولای ما امام حسین علیه السلام در روز پنج‌شنبه سوّم شعبان

به دنیا آمدند؛ آن روز را روزه بگیر، و این دعا را بخوان.<sup>۲</sup>

۱. المصباح: ۶۹۹، مزار شهید: ۲۷۷، بحار الأنوار: ۴۴۶/۱۰۰، إقبال الأعمال: ۱۴۳.

۲. بحار الأنوار: ۳۴۷/۱۰۱.



و در کتاب «زاد المعاد» می فرماید: امام زمان صلوات الله علیه این دستور را صادر فرمودند:

روز سوّم ماه شعبان را روزه بگیر و این دعا را بخوان؛ زیرا این روز، روز ولادت امام حسین علیه السلام است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ ،

ای خدا! از تو درخواست می‌کنم به حقّ مولود در این روز که

الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ ، بَكَتُهُ

پیش از آنکه چهره‌اش ظاهر شود و متولّد گردد به شهادت او وعده داده شده، کسی که

السَّمَاءِ وَمَنْ فِيهَا ، وَالْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا ، وَلَمَّا يَطَأُ

بر او آسمان و هر که در آن است و زمین و هر که بر روی آن است بر (مظلومیت) او گریستند، در

لَا بَتِّيْهَا قَتِيلِ الْعَبْرَةِ وَسَيِّدِ الْأُسْرَةِ ، الْمَمْدُودِ

حالی که هنوز قدم به این دنیا نگذاشته بود؛ او کشته گریه و سرور خاندان است؛

بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ ، الْمَعْوِضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَيْمَةَ

که با انتقام خون پاکش در رجعت آل محمد نصرت و ظفر پایدار خواهد یافت، و در عوض شهادتش امامان

مِنْ نَسْلِهِ ، وَالشُّفَاءِ فِي تُرْبَتِهِ ، وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي

و پیشوایان دین از نسل پاک آن حضرت، و شفای هر درد و مرضی در تربت اوست، و رستگاری و پیروزی

أَوْبَتِهِ ، وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ عِتْرَتِهِ ، بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَعَيْبَتِهِ ،

همراه اوست به هنگام رجعتش، و اوصیا از عترت او هستند، پس از حضرت مهدی علیه السلام و بعد از غیبت آن

حَتَّى يُدْرِكُوا الْأَوْتَارَ ، وَيَثَارُوا الثُّارَ ، وَيَرْضُوا

حضرت تا این که به خونخواهی آن حضرت برخیزند و انتقام گیرند، و خداوند

الْجَبَّارَ ، وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ ، مَعَ

جبار را از خودشان خشنود کنند، و از بهترین یاوران (دین خدا) باشند. درود خدا بر آنان تا

اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ . اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوْسَلُ ،

زمانی که روز و شب در رفت و آمد هستند. بار خدایا! به حقّ آنان به درگاه تو توسل می‌جویم،

وَأَسْأَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ [وَأُمْعَتَرِفٍ ، مُسِيءٍ إِلَى

و از تو درخواست می‌کنم مانند گنه‌کاری که اعتراف به گناهان خود می‌کند؛ به خود بدی

نَفْسِهِ ، مِمَّا فَرَطَ فِي يَوْمِهِ وَأَمْسِهِ ، يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ

نموده به خاطر این که در روز و شب خود کوتاهی کرده است، از تو درخواست می‌کند که

إِلَى مَحَلِّ رَمْسِهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ ،

او را تا هنگام مرگ از گناه محفوظ بداری. خدایا! بر حضرت محمد و عترت پاکش درود فرست،

وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ ، وَبَوِّئْنَا مَعَهُ دَارَ الْكِرَامَةِ ،

و ما را در زمره آن بزرگوار محشور فرما، و در سرای کرامت یعنی بهشت

وَمَحَلِّ الْأِقَامَةِ . اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ ،

و محل اقامت ابدی، مرا با او همنشین گردان. خدایا! همانطور که ما را با معرفت و شناخت او گرامی

فَأَكْرِمْنَا بِزُلْفَتِهِ ، وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ ، وَاجْعَلْنَا

داشتی، پس با تقرب به او نیز گرامی دار؛ و دوستی، همراهی و شتافتن به سوی او را روزی ما بگردان،

مَمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ، وَيُكْثِرُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ،

و ما را از کسانی قرار ده که در برابر امر او تسلیم است و در هنگام یاد نمودن از او درود

وَعَلَىٰ جَمِيعِ أَوْصِيَائِهِ وَأَهْلِ اصْطِفَائِهِ، الْمَمْدُودِينَ

بسیار بر او و تمامی اوصیا و برگزیدگان او می‌فرستد، آنان که از طرف تو پیوسته آمده‌اند،

مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ، النَّجُومِ الزُّهَرِ، وَالْحُجَجِ

و تعدادشان دوازده تن می‌باشد؛ همه آن‌ها ستارگان درخشان، و

عَلَىٰ جَمِيعِ الْبَشَرِ. اللَّهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ

برای تمامی انسان‌ها حجت می‌باشند. خدایا؛ در این روز، بهترین بخشش خود را به ما ببخش؛

مَوْهَبَةٍ، وَأَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ، كَمَا وَهَبْتَ

و در این روز، تمامی حاجات ما را برآورده کن، همان طور که امام حسین علیه السلام را

الْحُسَيْنِ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَادَ

به جدش حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - هدیه دادی و فطرس

فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ، فَتَحْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ،

- فرشته الهی - به گهواره‌اش پناه برد؛ ما نیز پس از شهادتش به قبر او پناه می‌بریم و در نزد تربت

نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ، وَنَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

او حاضر می‌شویم و منتظر بازگشتش می‌باشیم؛ ای پروردگار هستی؛ دعای ما را مستجاب کن.

۱. زاد المعاد: ۵۷، مصباح المتعبد: ۸۲۶، المصباح: ۷۲۰، إقبال الأعمال: ۲۰۲.

## فضیلت شب نیمه شعبان

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمته الله علیه می‌فرماید:

سزاوار است تعظیم این شب به خاطر ولادت حضرت مهدی ارواحافداه نزد مسلمانان و کسانی که اعتراف به حقوق امامت ایشان دارند - به مقداری که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را ذکر فرموده‌اند - و سعادت‌مندان از امت پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بشارت داده‌اند؛ باشد.

همان طور که روزگار و زندگانی برای مسلمانان تنگ و تاریک شد و لشکریان دشمن بر آنان مسلط شدند و بدیمنی و شومی گناهان‌شان آنان را احاطه کرد؛ پس خداوند مولودی را به دنیا آورد که آنان را از اسارت و بردگی آزاد کند و آنان را بر حقوق از دست رفته‌شان قدرت و توانایی می‌دهد و به تمامی افراد بشر آنچه را که مستحق آن هستند، اعطا می‌کند؛ سفره رحمت خود را در شرق و غرب عالم می‌گستراند؛ سفره‌ای که همگان به طور یکسان از آن بهره‌مند می‌شوند.

کامل‌کننده الطاف خداوند با اوصافی نیکو است. او بر آن سفره مانند پدری دلسوز نسبت به فرزندان عزیزش یا مانند حاکمی مهربان و بزرگوار نسبت به رعیت و زیردستانش می‌نشیند و آن حضرت از مقدمات نشانه‌های سرور و بشارت‌های خیر و نیکی نسبت به جهان پایدار را به آن‌ها نشان می‌دهد؛ آنچه را که حاضر آن گواهی

بر غایب آن می‌دهد و دل‌ها را به سوی اطاعت پروردگار می‌کشاند. سید بن طاووس رحمته‌الله در ادامه می‌افزاید: تمامی انسان‌ها باید برای شکرگزاری از آنچه خداوند به وسیله آن حضرت بر آنان منت گذاشته و به آنان عطا کرده، و به خاطر این که خداوند آنان را از رعیت و سربازان آن حضرت قرار داده تا برای یاری اسلام و ایمان، و ریشه کن کردن کفر و سرکشی و دشمنان اسلام، و برپا کردن خیمه‌های سعادت در تمامی عالم از شرق تا غرب و در دورترین نقاط جهان، او را یاری دهند، این شب را گرامی بدارند و به عبادت بپردازند.

و آن‌ها را در خدمت خداوندی که کسی به ذات او پی نمی‌برد قرار خواهد داد و نیز در خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - که سبب این ولادت و سعادت و شرافت دادن به ریاست آن حضرت است - و نیز تشکری و خدمتی برای پدران پاک آن حضرت؛ آنان که اصل و ریشه این ولادت مبارک و یاوران آن حضرت در برپا داشتن حرمت و حفظ احترامش می‌باشند، و نیز تشکری و خدمتی به خود آن حضرت نماید.

همان گونه که واجب است هر بنده‌ای در برابر زمامدار خود که باعث استواری و پایداری او گردیده و سعادت او را تأمین نموده خدمت کند و گمان نمی‌کنم که قوت بشری قادر بر قیام به این حقوق عظیم و پسندیده باشد مگر با نیروی الهی.

پس هر بنده‌ای از بندگان سعادت‌مند به خاطر نعمت‌هایی که به وسیله آن حضرت و به خاطر طفیل وجود ایشان به او می‌رسد، باید با قدرت و جدیت به شکرگزاری قیام کند.

از جمله دعاها و سوگندهایی که در شب نیمه شعبان به واسطه این مولود عالی‌مقام و ارزشمند، به خدای تعالی می‌دهیم؛ این دعاست:



### دعای شب نیمه شعبان

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُودِهَا، وَحُجَّتِكَ

خدایا؛ به حق امشب ما و مولود آن، و حجت تو

وَمَوْلُوعُودِهَا، الَّتِي قَرَنْتَ اِلَيْ فَضْلِهَا فَضْلاً فَتَمَّتْ

و وعده داده شده آن، که برتری دیگری بر برتری آن مقرون ساختی و پیوسته نمودی؛ پس کامل

كَلِمَتِكَ صِدْقاً وَعَدْلاً، لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ، وَلَا

گردید کلمه تو به راستی و عدالت، که دگرگون کننده‌ای برای کلمات تو نیست، و نه

مُعَقَّبَ لِآيَاتِكَ، نُورِكَ الْمُتَالِقِ، وَضِيَاؤُكَ الْمُشْرِقِ،

پس‌زنده‌ای بر آیات نیست؛ او نور درخشان تو و روشنی تابان تو

وَالْعَلَمُ النُّورُ فِي طَخِيَاءِ الدِّيَجُورِ، الْغَائِبُ

و پرچم نور در تاریکی شب سیاه، (که جمالش) پنهان و

الْمَسْتُورُ. جَلَّ مَوْلِدُهُ، وَكَرُمَ مَحْتِدُهُ، وَالْمَلَأَيْكَةُ

پوشیده است. ولادتش شکوه‌مند، و نژادش شریف است، و فرشتگان

شهادت، وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ، إِذَا آتَى مِيعَادَهُ،

شاهدان اویند، و خداوند یاری‌کننده و تأییدکننده اوست؛ هنگامی که زمان وعده‌اش فرا رسد،

وَالْمَلَأَيْكَةُ أَمْدَادُهُ، سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُو، وَنُورُهُ

و فرشتگان مددکاران اویند. او شمشیر خداوندی است که کند نشود، و نور خداوندی است

الَّذِي لَا يَخْبُو، وَذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُو، مَدَارُ

که هرگز خاموش نگردد، و صاحب بردباری است که از جا در نرود. محور و مرکز چرخش

الدَّهْرِ، وَنَوَامِيسُ الْعَصْرِ، وَوَلَاةُ الْأَمْرِ، وَالْمُنَزَّلُ

روزگار، و ناموس‌های زمانه، و کارداران فرمان‌الهی؛ و کسانی که نازل گشته

عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ، وَمَا يَنْزَلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَأَصْحَابُ

بر ایشان ذکر یعنی قرآن و آنچه در شب قدر نازل گردد، و صاحبان

الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجِمُهُ وَحِيَهُ، وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ.

گردآوری و پراکندگی، بیان‌کننده پیام آسمانی او؛ و عهده‌داران امر و نهی او می‌باشند.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمْ، الْمَسْتُورِ عَنْ

بار خدایا؛ بر آخرین، و قیام‌کننده ایشان درود بفرست که از عوالم ایشان پوشیده است؛

عَوَالِمِهِمْ (عَوَالِمِهِمْ)، وَأَدْرِكْ بِنَايَامِهِ وَظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ،

و ما را موفق به درک روزگار و دوران ظهور و قیامش بگردان؛

وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ، وَاقْرِنْ ثَارَنَا بِثَارِهِ، وَاکْتُبْنَا

و ما را از یاران آن حضرت قرار بده؛ و خونخواهی ما را به خونخواهی او پیوسته گردان؛ و ما را در

فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ، وَأَحِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ،

گروه یاران و مخلصان بی‌آلایشانش بنویس؛ و ما را در دولت آن حضرت، برخوردار از نعمت زنده بدار

وَبِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ، وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ، وَمِنَ الشُّوْرِ

و به همراهی او بهره‌مند، و به ادای حقش پابرجا، و از بدی نیز

سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

برکنار بدار؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛ و ستایش مخصوص پروردگار

الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

جهانیان است؛ و درود او بر حضرت محمد خاتم پیامبران

وَالْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعِترَتِهِ

و رسولان و بر اهل بیت راستگو و عترت

النَّاطِقِينَ، وَالْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ، وَاحْكُمْ بَيْنَنَا

سخن‌گوی اندیشمند او باد. خدایا؛ به همه ستم‌کاران لعنت کن، و خودت بین ما

وَيَبَيِّنْهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ۱.

و آن‌ها داوری کن؛ ای بهترین داوران.

۱. اقبال الأعمال: ۲۱۸، زاد المعاد: ۶۳، المصباح: ۷۲۴، مصباح الزائر: ۳۱۵.

نگارنده می‌گوید: سزاوار است صلوات ضراب اصفهانی که آن را در صفحه ۲۱۳ این کتاب نقل کردیم، در شب نیمه شعبان و روزش، خوانده شود.



### دعای افتتاح

علامه مجلسی رحمته الله می‌گوید: با سند معتبر روایت شده که:

امام عصر ارواحنا فداه خطاب به شیعیان مرقوم فرمودند:

این دعا را در تمام شب‌های ماه مبارک رمضان بخوانید؛ زیرا فرشتگان به آن گوش فرا می‌دهند و برای خواننده آن، طلب بخشش می‌کنند.

دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أفتَحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ، وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ

بارالها؛ من ثناگویی تو را با ستایش و حمدت آغاز می‌کنم؛ و تو به لطف و احسانت هر کار

لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ، وَأَيَّقَنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

راست و درستی را استوارکننده‌ای؛ و یقین دارم که تو در جایگاه بخشش و

فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي

مهربانی، مهربان‌ترین مهربانان هستی؛ و در جایگاه انتقام و عقوبت نیز

مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالتَّقِيمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي

سخت‌ترین کیفرکننده‌ای؛ و در جایگاه بزرگی و عظمت، بزرگ‌ترین

مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ. اللَّهُمَّ أَذِنْتَ لِي فِي

قدرت و شوکت را دارا هستی. بارالها؛ به من اجازه دادی تو را دعا کنم

دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِي،

و از تو درخواست نمایم؛ بنابراین، ای شنونده؛ به ثناگویی من گوش بده؛

وَأَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي، وَأَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي،

و ای مهربان؛ دعایم را اجابت کن؛ و ای آمرزنده؛ از لغزشم درگذر.

فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهَا، وَهُمُومٍ قَدْ

خدای من؛ چه اندوه جانکاه بسیاری که تو برطرف نمودی؛ و چه مصیبت‌هایی که

كشَفْتَهَا، وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقَلْتَهَا، وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا،

تو کنار زدی؛ و چه لغزش‌هایی که درگذشتی؛ و چه رحمت و لطفی که تو گسترانیدی؛

وَحَلْفَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ

و چه حلقه‌های بلایی که از هم گسستی؛ ستایش ویژه‌ی خدایی است که

صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ،

همسر و فرزندی ندارد، و در فرمان‌فرمایی او نیز شریکی نیست،

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا. الْحَمْدُ لِلَّهِ

و هیچ ولی و سرپرستی از روی ذلت و ناتوانی اختیار نکرده است، و خدای را در نهایت بزرگی یاد کن. ستایش

بِجَمِيعِ مَخَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا . الْحَمْدُ

به تمام انواع آن در مورد تمام نعمت‌هایش، مخصوص خداست. ستایش ویژه

لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ ، وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي

خدایی است که در فرمان‌فرمایی او هیچ کس نمی‌تواند با او ضدیت کند، و در فرمانش کشمکش

أَمْرِهِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ ، وَلَا

کننده‌ای برای او نیست. ستایش ویژه خدایی است که در خلقت و آفرینش شریکی ندارد، و در

شَبِيهِهُ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ

عظمت و بزرگیش ماندنی ندارد. ستایش ویژه خدایی است که فرمان او و ستایش او در بین

أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ ، الظَّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ ، وَالْبَاسِطِ

آفریدگان، آشکار و شکوهِش به واسطه کرامت و بزرگواریش هویدا است، و دستش با

بِالْجُودِ يَدُهُ ، الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ ، وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ

سخاوت‌مندی‌همواره‌گشوده است؛ همان خدایی که گنجینه‌هایش کم نمی‌شود، و بخشش زیادش تنها

الْعَطَاءِ إِلَّا جُوداً وَكَرَمًا ، إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ .

باعث افزایش بخشش و کرم و بزرگواری او می‌شود؛ همانا او، تنها عزتمند بسیار بخشنده است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ

بارالها؛ از تو می‌خواهم اندکی از بسیار را به طوری که به این اندک بسیار نیازمندم؛

عَظِيمَةٍ ، وَغَنَّاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ ، وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ ، وَهُوَ

و تو از قدیم بی‌نیاز از این‌ها بوده‌ای، و این اندک نزد من بسیار زیاد و ارزشمند است و برای تو

عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ . اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَن ذَنْبِي ،

(برآوردنش) هیچ کاری ندارد و کم و آسان می‌باشد. بارالها؛ واقعیت آن است که بخشش تو نسبت به گناه من،

وَتَجَاوُزَكَ عَن خَطِيئَتِي ، وَصَفْحَكَ عَن ظُلْمِي ،

و گذشت تو از اشتباه من، و چشم‌پوشی تو از ستم من،

وَسَتْرَكَ عَلَيَّ قَبِيحَ عَمَلِي ، وَحِلْمَكَ عَن كَثِيرٍ

و پوشش تو بر رفتار زشت من، و بردباری تو نسبت به جرم سنگین و بسیار من

جُرْمِي ، عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطِيئِي وَعَمْدِي ، أَطْمَعَنِي

چه از روی عمد انجام داده‌ام، و چه به طور اشتباهی مرتکب شده‌ام؛ باعث شده است باز هم طمع

فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ ، الَّذِي رَزَقْتَنِي

کنم و اقدام به درخواست چیزی از تو نمایم که سزاوار آن نیستم؛ همان چیزی که

مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَأَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ ، وَعَرَفْتَنِي مِنْ

از رحمتت نصیبم ساختی، و از قدرتت نشانم دادی، و از پاسخ‌گویت که به من

إِجَابَتِكَ ، فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا . وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِسًا لَا

شنااسندی؛ بدین‌سان، با آرامش تو را می‌خوانم. و نیز از تو می‌خواهم در حالت آنس با تو، نه

خَائِفًا وَلَا وَجِلًا ، مُدِلًّا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ

با ترس و هراس، و با اطمینان خاطر به سوی تو در آنچه به خاطر آن اهنگ تو کردم،

إِلَيْكَ ، فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ ، وَلَعَلَّ

پس اگر دیر پاسخم را دادی، با نادانیم بر تو عتاب و سرزنش کنم؛ با آن که احتمال قوی

الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي، لِعَلِّمَكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ،

می‌رفت چیزی که در دانشش به من تأخیر کردی برایم بهتر باشد؛ زیرا، تو پایان همه کارها را

فَلَمْ أَرَ مَوْلَىٰ كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَيَّ عَبْدٌ لِّئِيمٍ مِنْكَ عَلَيَّ

می‌دانی. پروردگارا؛ هیچ مولای کریم و بزرگواری را بر بنده پستی شکیبانتر از تو بر خود ندیدم.

يَا رَبِّ، إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْلِيَّ عَنْكَ، وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ

تو مرا دعوت می‌کنی، ولی من روی می‌گردانم؛ تو به من محبت می‌کنی

فَأَتَبَعْتُ إِلَيْكَ، وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبِلُ مِنْكَ، كَأَنَّ لِي

ولی من با تو دشمنی می‌کنم، تو به من مهر می‌ورزی ولی من از تو نمی‌پذیرم؛ گویا من از تو

التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي،

طلبکارم و نسبت به تو برتری دارم؛ ولی این هم باعث نمی‌شود تو از مهربانی

وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ، وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

و احسان و فزون‌بخشیدن با سخاوتمندی و بزرگواریت نسبت به من، دست برداری.

فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ، وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ،

بنابرین (خدا یا!) به این بنده نادانت رحم کن؛ و با فزونی احسانت بر او بخشش فرما؛

إِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمٌ. الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي

راستی که تو بخشنده و بزرگواری. ستایش ویژه خداست که صاحب فرمانروایی است،

الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّيَّاحِ، فَالِقِ الْأَضْبَاحِ، دَيَّانِ

کشتی را در دریا روان می‌سازد، بادهای را در اختیار دارد، شکافنده صبح است، پاداش دهنده

الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ حِلْمِهِ بَعْدَ

روز جزا است، پروردگار جهانیان است؛ ستایش ویژه خداست که با وجود آگاهیش بردباری

عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَالْحَمْدُ

می‌کند، و ستایش ویژه خداست که با وجود قدرت و تواناییش عفو و بخشش می‌کند. و ستایش

لِلَّهِ عَلَيَّ طُولِ أُنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ، وَهُوَ قَادِرٌ عَلَيَّ مَا

ویژه خداست که در حال خشم نیز مهلت طولانی می‌دهد، با این که می‌تواند هر کاری که اراده کند

يُرِيدُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ، بَاسِطِ الرِّزْقِ، فَالِقِ

انجام بدهد؛ ستایش ویژه خداست که آفریننده مخلوقات است؛ گستراننده روزی است؛ شکافنده

الْأَضْبَاحِ، ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ

صبح است؛ شکوه‌مند و ارجمند است؛ دارای فضل و احسان و

وَالْإِنْعَامِ، الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى، وَقَرَبَ فَشَهِدَ

و نعمت‌بخشی است؛ همان خدای که دور است پس به چشم نمی‌آید، و نزدیک است که

النَّجْوَى، تَبَارَكَ وَتَعَالَى. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ

صحبت‌های درگوشی را نیز می‌شنود؛ پاک و بلندمرتبه است. ستایش ویژه خدایی است که برایش

مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ، وَلَا شَبِيهٌ يُشَاكِلُهُ، وَلَا ظَهِيرٌ

ستیزه‌جویی نیست که با او برابری کند؛ و شبیهی ندارد که با او همانندی نماید؛ و کمک‌کاری

يُعَاوِدُهُ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعْزَاءَ، وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ

ندارد که او را یاری برساند، با اقتدار خودش برقدرتمندان چیره‌گشته؛ و بزرگان، در برابر عظمت او

الْعُظْمَاءُ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

فروتنی و کوچکی کنند؛ و بدین سان دست قدرتش بر آنچه بخواهد رسا است. ستایش ویژه خداست که

يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ، وَيَسْتُرْ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا

وقتی او را صدا می‌زنم پاسخم را می‌دهد؛ و در حالی که من او را نافرمانی می‌کنم تمام عیوب و زشتی‌هایم را

أَعْصِيهِ، وَيَعْظُمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ، فَكَمْ مِنْ

پنهان می‌دارد؛ و نعمت‌هایش را برایم زیاد می‌کند ولی من جواب خوبی به این نعمت‌بخشی‌ها نمی‌دهم. چه

مَوْهَبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ أَعْطَانِي، وَعَظِيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ

بخشش گوارایی که به من نمود، و چه امور بزرگ ترسناکی که مرا از آن‌ها

كَفَانِي، وَبَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ أَرَانِي، فَأَتْنِي عَلَيْهِ

کفایت کرد، و چه بسیار خوشی‌های دوست‌داشتنی که به من نشان داد، به این جهات پیوسته او را با

حَامِدًا، وَأَذْكَرُهُ مُسَبِّحًا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ

ستایش خود ننگویی می‌کنم، و همیشه با تسبیح کردن او به یادش می‌باشم. ستایش ویژه‌خدایی است

حِجَابُهُ، وَلَا يُعْلَقُ بِأَبِهِ، وَلَا يَرُدُّ سَائِلُهُ، وَلَا يُحَيِّبُ

که پرده و حجاب از او دریده نمی‌شود؛ درگاهش بسته نمی‌شود؛ گدایش رد نمی‌شود؛

آمِلُهُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ، وَيُنَجِّي

آرزومندش، ناامید بر نمی‌گردد. ستایش ویژه‌خدایی است که بیمناکان را ایمنی می‌بخشد،

الصَّالِحِينَ، وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعِفِينَ، وَيَضَعُ

صالحان و شایستگان را رها می‌سازد، ناتوان‌شمرده‌شدگان را والا و بالا می‌برد، و

الْمُسْتَكْبِرِينَ، وَيُهْلِكُ مُلُوكًا، وَيَسْتَخْلِفُ آخِرِينَ.

تکبرکنندگان را بر زمین می‌زند، و پادشاهانی را نابود می‌کند و به جای ایشان افراد دیگری را می‌نشانند.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ، مُبِيرِ الظَّالِمِينَ، مُدْرِكِ

و ستایش ویژه‌خدایی است که درهم‌شکننده زورگویان، نابودکننده ستمگران، به چنگ آورنده

الْهَارِبِينَ، نَكَالِ الظَّالِمِينَ، صَرِيحِ الْمُسْتَصْرِخِينَ،

فراریان، کیفر دهنده ستمگران، فریادرس دادخواهان،

مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ، مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ. الْحَمْدُ

پاسخ‌گوی حاجت خواهان و مورد اعتماد مؤمنان است. ستایش

لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا،

ویژه‌خدایی است که آسمان و ساکنانش از ترس و هراس او می‌غزند،

وَتَرَجَفُ الْأَرْضُ وَعِمَارُهَا، وَتَمُوجُ الْبِحَارُ وَمَنْ

و زمین و آبادگرانش به لرزه درمی‌آیند، و دریاها و هر که در اعماق آن شناور

يَسْبِيحُ فِي عَمْرَاتِهَا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا،

است دچار موج گردند. ستایش ویژه‌خدایی است که ما را به این (راه خودش) هدایت فرمود،

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

و اگر او هدایت‌مان نمی‌کرد به هیچ وجه هدایت نمی‌شدیم. ستایش ویژه‌خدایی است که

يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ، وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ، وَيَطْعِمُ

می‌آفریند و آفریده نشده است، و روزی می‌دهد و خود روزی داده نمی‌شود و طعام می‌دهد



وَلَا يُطْعَمُ، وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى، وَهُوَ

و خود طعام نمی‌خورد، و زنده‌ها را می‌میراند و مردگان را زنده می‌کند، و او

حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

زنده‌ای است که نخواهد مرد، خیر و خوبی، تنها در دست اوست؛ و او بر هر چیزی

قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ،

توانایی دارد. بار الها؛ بر حضرت محمد - که بنده، فرستاده،

وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ، وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

امانت‌دار، برگزیده، دوست، منتخب تو از آفریدگانت،

وَخَافِظِ سِرِّكَ، وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ، أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ

نگهدارنده اسرار، و رساننده رسالت‌های توست - درودی پیوسته نثار کن؛ برترین، نیکوترین،

وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ

زیباترین، کامل‌ترین، خوب‌ترین، رشدکننده‌ترین، پاک‌ترین و پاکیزه‌ترین،

وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ،

والاترین و بیشترین از درودها، برکت‌ها، رحمت‌ها

وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ، عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ

و مهربانی‌ها، و سلامت‌بخشی‌هایی باشد که بر هر یک از بندگان خاص خود، پیامبران،

وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ، وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ

رسولان، برگزیدگان، و گرامی داشته‌شدگان در بین مخلوقات تو؛ نثار فرموده باشی.

خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

بار الها؛ بر حضرت علی عليه السلام فرمانروای مؤمنان،

وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ،

و وصی و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان، بنده تو، ولی تو،

وَأَخِي رَسُولِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَأَيَّتِكَ

برادر رسول تو، حجت تو بر آفریدگانت، بزرگ‌ترین آیت و نشانهات،

الْكُبْرَى، وَالنَّبِيَّ الْعَظِيمِ، وَصَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ

و آن خبر بزرگ؛ درود پیوسته نثار کن. و بر حضرت صدیقه

الطَّاهِرَةِ، فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى

طاهره، فاطمه زهرا عليها السلام، سرور زنان جهانیان، درود فرست. و بر دو

سِبْطِي الرَّحْمَةِ، وَإِمَامِي الْهُدَى، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

نواده ارجمند پیامبر رحمت، دو امام و پیشوای هدایت؛ یعنی امام حسن و امام حسین عليهما السلام

سَيِّدَيَّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. وَصَلِّ عَلَى أُمَّةٍ

که سرور جوانان بهشتی هستند؛ درود فرست. و بر پیشوایان

الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ،

مسلمانان، یعنی: علی بن الحسین (سجاد)، محمد بن علی (باقر)،

وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ

جعفر بن محمد (صادق)، موسی بن جعفر (کاظم)، علی بن

مُوسَىٰ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ،

موسی (رضا)، محمد بن علی (جواد)، علی بن محمد (هادی)

وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ،

حسن بن علی (عسکری) و بازمانده او که راهنما و راه‌یافته است (مَهْدِيٌّ)؛

حُجَجَكَ عَلَىٰ عِبَادِكَ، وَأَمْنَائِكَ فِي بِلَادِكَ، صَلَوَةٌ

که همگی حجت‌های تو بر بندگانت، و امانت‌داران تو در شهرهایت می‌باشند؛ صلوات و

كَثِيرَةٌ دَائِمَةٌ. اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ، الْفَائِمِ

درودی فراوان و دائمی نثار کن. خدایا؛ درود فرست بر ولی امرت، قیام‌کننده مورد

الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ، وَحُفَّهُ بِمَلَأِ بَيْتِكَ

آرزو، و عدالت محض که همه در انتظارش بوده و هستند؛ و با فرشندگان

الْمُقَرَّبِينَ، وَأَيَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

مقرَّبیت او را در بگیر؛ و با روح‌القدس تأییدش کن؛ ای پروردگار جهانیان.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَىٰ كِتَابِكَ، وَالْفَائِمِ بِدِينِكَ،

بار الها؛ او را فرا خواننده مردم به سوی قرآن، و بریاکننده دین و آیینت قرار ده؛

إِسْتَخْلَفُهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ،

او را همانند دیگران که در زمین خلافت بخشیدی و جانشین خودت کردی، جانشین ساز؛

مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، أَبَدِلْهُ مِنْ بَعْدِ

دینی را که برای او پسندیده‌ای قدرتمند و ارزشمند ساز؛ پس از شرایط

خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا. اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ

ترسناکی که دارد، او را به آرامش و ایمنی برسان، تا در نتیجه تو را بپرستد و در هیچ چیزی با تو شریک نگیرد. خدایا؛

وَأَعِزِّزْ بِهِ، وَأَنْصُرْهُ وَأَنْتَصِرْ بِهِ، وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا

او را عزیز کن، و به وسیله او (مؤمنان را) عزت ببخش؛ او را یاری و پیروز کن، و (مؤمنان را) به واسطه او پیروز فرما؛

عَزِيزًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ

و یاری عزتمندت را بدو برسان، و برایش گشایش و پیروزی شایان و آسانی فراهم کن، و از جانب خودت برایش

سُلْطَانًا نَصِيرًا. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ

قدرت و سلطنتی پیروز مقرر دار. بار الها؛ آیین خودت، و سنت پیامبرت را به وسیله او آشکار ساز؛

حَتَّىٰ لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ

به گونه‌ای که از ترس فردی، هیچ بخشی از حق و حقیقت را پنهان نکند.

الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعِزُّ

بار الها؛ واقعیت آن است که ما مشتاق دولت کریمه آن حضرت هستیم که (در سایه حضور پیشوای

بِهَا الْأِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ،

معصومان) اسلام و اسلامیان را عزیز و نیرومند گردانی، و نفاق و منافقین را خوار و ذلیل نمای؛

وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَىٰ طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ إِلَىٰ

و در آن حکومت و دولت، ما را از کسانی قرار دهی که مردم را به فرمان‌برداری از تو فرا بخوانیم، و همه را به

سَبِيلِكَ، وَتَرَزُقْنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ

راه تورهبری کنیم، و به واسطه این دولت‌شکوهمند، کرامت دنیا و آخرت را به ما ارزانی داری. بار الها؛

مَا عَرَّفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ، وَمَا قَصْرْنَا عَنْهُ

حقیقت‌هایی را که به ما شناساندی، توان تحملش را نیز بده تا آن‌ها را باور کنیم؛ و هر چه را به آن دست نیافته‌ایم،

فَبَلَّغْنَاهُ. اَللّٰهُمَّ اَلْمُمُّ بِهٖ شَعْتْنَا، وَاَشَعَبَ بِهٖ صَدَعْنَا،

خودت ما را بدان‌ها برسان. خدایا؛ به واسطهٔ آن حضرت پراکندگی ما را سامان بخش؛ اختلاف میان ما را اصلاح کن

وَاَرْثُقْ بِهٖ فَتَقْنَا، وَكَثُرْ بِهٖ قَلْتْنَا، وَاَعَزُّ بِهٖ ذَلَّتْنَا،

گسستگی ما را تبدیل به پیوستگی فرما؛ کمی تعداد ما را تبدیل به بسیاری گردان؛ خواری و ذلت ما را تبدیل به عزت

وَاَعْنِ بِهٖ عَائِلْنَا، وَاَقْضِ بِهٖ عَن مَّعْرَمِنَا، وَاَجْبِرْ بِهٖ

کن؛ فقیران ما را بی‌نیاز و ثروتمند ساز؛ بدهی ورشکستگان و بدهکاران ما را ادا کن؛ فقر و

فَقْرُنَا، وِسُدِّ بِهٖ خَلْتْنَا، وَيَسِّرْ بِهٖ عُسْرَنَا، وَبَيِّضْ بِهٖ

نیازمندی ما را جبران فرما؛ نقص و خلل‌های ما را بپر کن؛ سختی ما را تبدیل به راحتی کن؛

وُجُوهُنَا، وَفَكَ بِهٖ اَسْرَنَا، وَاَنْجِحْ بِهٖ طَلِبَتْنَا، وَاَنْجِرْ

رخسارمان را سپید و نیکو گردان؛ اسیران مان را آزاد ساز؛ خواسته‌های ما را برآور؛ وعده‌های مان

بِهٖ مَوَاعِدِنَا، وَاَسْتَجِبْ بِهٖ دَعْوَتْنَا، وَاَعْطِنَا بِهٖ

را محقق کن؛ دعای ما را پاسخگو باش؛ خواسته‌های ما را عطا کن؛

سُؤْلُنَا، وَبَلِّغْنَا بِهٖ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَمَانَنَا، وَاَعْطِنَا

ما را به آرمان‌ها و آرزوهای دنیوی و آخروی برسان؛ و برتر از آنچه بدان مایلیم

بِهٖ فَوْقَ رَغْبَتِنَا. يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِيْنَ وَاَوْسَعَ

به ما عطا کن. ای بهترین کسی که از او درخواست می‌شود؛ ای دارای فراگیرترین

الْمُعْطِيْنَ، اِشْفِ بِهٖ صُدُوْرَنَا، وَاَذْهَبْ بِهٖ غَيْظَ

بخشش و عطا؛ سینه‌های ما را به وسیلهٔ او شفا بخش؛ خشم قلب‌مان را به وسیلهٔ او برطرف کن؛

قُلُوْبِنَا، وَاَهْدِنَا بِهٖ لِمَا اَخْتَلَفَ فِيْهٖ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ،

به کمک او و به واسطهٔ حضور او، با اذن و خواست خودت ما را در مورد حقیقت‌هایی که در آن اختلاف شده،

اِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ، وَاَنْصُرْنَا

راهنمایی و هدایت فرما؛ به راستی، تو هر که را خودت بخواهی به راه راست رهنمون می‌شوی، ما را به واسطهٔ او بر

بِهٖ عَلٰى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا، اِلٰهَ الْحَقِّ اٰمِيْنَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّا

دشمنان خودت و دشمن ما، یاری فرما؛ ای معبود به حق؛ دعای‌مان را مستجاب گردان. بار الها؛ واقعیت آن است که

نَشْكُوْ اِلَيْكَ فَقَدْ نَبِيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ، وَغَيْبَةَ

ما به تو شکایت می‌کنیم به خاطر فقدان و عدم حضور پیامبرمان - که درودت بر او و آل او باد -؛ و از پنهان بودن

وَلِيَّتِنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ

سرپرست‌مهربان مان، و از بسیاری دشمنان مان، و کمی تعداد خودمان، و از فتنه‌ها و آشوب‌های سختی

بِنَا، وَتَظَاهِرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ،

که دچارشان هستیم؛ و به خاطر ظاهر شدن روزگار بر علیه ما. پس بر محمد و آل او درودی پیوسته نثار کن،

وَاَعِنَّا عَلٰى ذٰلِكَ بِفَتْحِ مِنْكَ تَعْجَلْهُ، وَبِضُرِّ تَكْشِفْهُ،

و ما را در این گرفتاری‌ها کمک کن توسط پیروزی و گشایشی که در آن شتاب می‌کنی؛ و ضرر و زیانی که برطرف

وَنْصُرِ تَعْزُهُ، وَسُلْطَانِ حَقِّ تَظْهَرُهُ، وَرَحْمَةِ مِنْكَ

می‌سازی، و یاری‌کردنی که با آن عزت می‌بخشی، و قدرتمند حقی که آشکارش می‌نمایی، و رحمتی که

تُجَلِّلُنَاها، وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاها، بِرَحْمَتِكَ يَا

یا آن به ما بزرگی و شکوه می‌دهی و لباس عافیتی که بر ما می‌پوشانی، به حق رحمت، ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱.

مهربان‌ترین مهربانان.



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله برای این روز، این دعا را

نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ، وَوَلَايَةَ

بار خدایا؛ همانا من گردن می‌نهم به اطاعت و ولایت تو، و ولایت

مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَوَلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَبِيبِ نَبِيِّكَ،

حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر تو، و ولایت امیر مؤمنان (حضرت علی رضی الله عنه) دوست پیامبر،

وَوَلَايَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سِبْطِي نَبِيِّكَ وَسَيِّدِي

و ولایت امام حسن و امام حسین دو نوه پیامبر و دو سرور

۱. زاد المعاد: ۱۱۰، المصباح: ۷۷۰، مصباح المتعبد: ۵۷۷، إقبال الأعمال: ۳۲۲.

شَبَابِ أَهْلِ جَنَّتِكَ . وَأَدِينُكَ يَا رَبِّ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ

جوانان اهل بهشت. و گردن می‌نهم (ای پروردگارا!) به ولایت علی بن

الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

حسین (سجاد) و محمد بن علی (باقر) و جعفر بن محمد (صادق)

وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ

و موسی بن جعفر (کاظم) و علی بن موسی (رضا) و محمد بن

عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَسَيِّدِي

علی (جواد) و علی بن محمد (هادی) و حسن بن علی (عسکری) و آقایم

وَمَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ . أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ

و مولایم صاحب زمان (عجل الله فرجه). گردن می‌نهم ای پروردگارا جهان؛ به اطاعت

وَوَلَايَتِهِمْ، وَبِالتَّسْلِيمِ بِمَا فَضَّلْتَهُمْ، رَاضِيًا غَيْرَ

و ولایت آنان و تسلیم‌شدن نسبت به آنچه فضیلت و برتری داده‌ای ایشان را؛ در حالی که راضی

مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، عَلِيٍّ مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ .

و خشنود هستم، و انکار نمی‌کنم، و استکبار نمی‌ورزم بر آنچه که در قرآن نازل کردی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنَّا

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و دور کن (هر شئی) را از

وَلِسَانِكَ وَخَلِيفَتِكَ وَلِسَانِكَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ،

ولایت و جانشین و زبان گویای خودت و قیام‌کننده به عدلت،

وَالْمُعْظَمِ لِحُرْمَتِكَ، وَالْمُعَبَّرِ عَنْكَ، وَالنَّاطِقِ

و بزرگ دارنده حرمت و بیان کننده از جانب خودت، و گوینده

بِحُكْمِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ، وَأُذُنِكَ السَّامِعَةِ،

احکامت، و چشم بینایت، و گوش شنوایت،

و شَاهِدِ عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَالْمُجَاهِدِ

و گواه بندگانت، و حجت تو بر آفریدگانت، و جهادکننده

فِي سَبِيلِكَ، وَالْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ. وَاجْعَلْهُ فِي

در راهت، و کوشش کننده در اطاعت و پیرویت. او را در جمله

وَدَيْعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ،

امانت‌های خودت که ضایع نمی‌شود قرار بده، و او را به وسیله سپاهیان پیروز خودت یاری برسان؛

وَأَعْنُهُ وَأَعِنْ عَنَّهُ، وَاجْعَلْنِي وَوَالِدَيَّ وَمَا وَكَلَدَا

و او را یاری کن و از او حمایت کن؛ و من و پدر و مادر

وَوُلْدِي مِنَ الَّذِينَ يَنْصُرُونَهُ، وَيَنْتَصِرُونَ بِهِ فِي

و فرزندان‌شان و فرزندان مرا از کسانی قرار بده که آن حضرت را یاری می‌کنند، و به وسیله او

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ، إِشْعَبَ بِهِ صَدْعَنَا، وَارْتُقَ بِهِ فَتَقْنَا.

در دنیا و آخرت یاری می‌شوند؛ و پراکندگی ما را به وسیله او اصلاح کن، و گسستگی ما را به وسیله

اللَّهِمَّ أُمَّتَ بِهِ الْجَوْرَ، وَدَمْدِمَ بِمَنْ نَصَبَ لَهُ،

او تبدیل به پیوستگی فرما. بارخدا یا؛ به وسیله آن حضرت، ستم و جور را بمیران؛ و غضب کن بر کسانی که

تشریح  
مربیه

۲۶۰

وَأَقْصِمُ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ حَتَّى لَا تَدَعَ عَلَى الْأَرْضِ

علیه ایشان هستند، و سران گمراهی را درهم بشکن تا هیچ کسی از آنان بر روی زمین

مِنْهُمْ دَيَّارًا. ۱.

باقی نماند.



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

این دعا ضمن اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، در

بعضی از کتاب‌ها وارد شده است:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَجْدِ الشَّامِخِ وَالسُّلْطَانِ الْبَادِحِ، صَلِّ

بار خدایا؛ ای صاحب شکوه و عظمت رفیع و سلطنت والا؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَكُنْ لَوْلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ

بر محمد و آل محمد درود فرست، و برای ولی و فرزند ولی خود

مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَلِيًّا

محمد بن حسن حضرت مهدی علیه السلام در این ساعت سرپرست

۱. إقبال الأعمال: ۴۲۶، بحار الأنوار: ۳۷/۹۸، باب السعادة: ۸۵.

## دعای دیگر برای ظهور آن حضرت در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

علامه مجلسی رحمته الله فرموده است که محمد بن عیسی بن عبید با سند خود از یکی از معصومین علیهم السلام نقل کرده که فرمود:

در شب بیست و سوم از ماه مبارک رمضان؛ این دعا را در حالت ایستاده یا نشسته و در هر حالی، و در تمام ماه مبارک رمضان، و هر طور که برایت ممکن و مقدور است، و در تمام دورات دوران عمرت تکرار کن؛ و بعد از تکریم و بزرگداشت خداوند متعال، و درود بر پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ

بارخدا یا؛ برای ولی خودت - او که برای اجرای او امر تو قیام می کند - حضرت محمد بن الحسن

الْمَهْدِيِّ، عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ،

المهدی که بر او و بر پدرانش برترین سلامها و درودها باد،

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا

در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست و محافظ

وَ حَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَكِيلًا وَعَوْنًا، وَعَيْنًا

و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و مددکار و دیده بان

وَمُعِينًا، حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا

و کمک رسان باش؛ تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و بهره مندی او را

طَوِيلًا. يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يَا

طولانی گردانی. ای تدبیرکننده کارها؛ ای برانگیزاننده هر که در قبرهاست؛ ای

مُجْرِي الْبُحُورِ، يَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُودَ عَلَيْهِ

جاری کننده دریاها؛ ای نرم کننده آهن برای حضرت داوود - که

السَّلَامُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي

درود بر او باد -؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست، و برای من انجام بده

كَذَا وَكَذَا.

چنین و چنان.

و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را از خدا بخواه.<sup>۱</sup>

۱. منهاج العارفين: ۲۷۴.

وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَمُؤَيِّدًا، حَتَّى تُسْكِنَهُ

و پیشوا و یاور و راهنما و تأیید کننده باش؛ تا زمانی که او را از روی میل و رغبت بر روی

أَرْضِكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوَّلًا وَعَرْضًا، وَتَجْعَلَهُ

زمینت ساکن گردانی، و او را در طول و عرض زمین بهره‌مند گردانی؛ و او

وَذُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأُمَّةِ الْوَارِثِينَ. اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْ

و فرزندان او را از پیشوایانی که وارثان اصلی خلافت و امامت هستند، قرار دهی. بارخدا یا؛ او

بِهِ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ عَلَى يَدِهِ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ لَهُ

را باری کن و ما را به وسیله او باری ده، و نصرت و پیروزی خود را به دست او قرار بده؛

وَالْفَتْحَ عَلَى وَجْهِهِ، وَلَا تُوجِّهِ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِهِ.

و پیروزی را برای او و گشایش را در راه او قرار بده؛ و کار را به غیر او حواله نکن.

اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ

خدا یا؛ دین خودت و سنت پیامبرت را به وسیله آن حضرت نمودار کن؛ تا این که

بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ إِنِّي

هیچ حقی را به خاطر ترس از فردی از مردم پنهان نسازد. بارخدا یا؛ همانا من

أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعْرَفُ بِهَا الْإِسْلَامَ

مشتاق دولت کریمه آن حضرت هستم که اسلام و اهلش را به واسطه آن عزیز کنی،

وَأَهْلَهُ، وَتَذِلُّ بِهَا التَّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنْ

و نفاق و اهلش را ذلیل و خوار گردانی، و ما را در آن از فراخوانان

الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ، وَآتِنَا فِي

به طاعت خویش و رهبرانی به سوی راه خودت قرار دهی؛ و در

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ،

دنیا و آخرت به ما خیر و خوبی عطا فرما، و ما را از عذاب جهنم محفوظ بدار،

وَاجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدَّارَيْنِ، وَاقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا تُحِبُّ

و برای ما خوبی‌های هر دو جهان را گرد آور؛ و برای ما تمامی آنچه را که در دو جهان دوست داری

فِيهِمَا، وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ

از طرف ما انجام بده؛ و برای ما در این چیزها، آنچه خیر است به واسطه مهربانی و منت دیرینه‌ات

فِي عَافِيَةٍ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ

در عافیت قرار بده، اجابت کن ای پروردگار جهانیان؛ و از فضل و فزون‌بخشی خودت و دست پرخیز

وَيَدِكَ الْمَلَأَ، فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ،

و برکت بر ما افزون گردان؛ پس همانا هر بخشنده‌ای، دارایی و توانایش، در اثر بخشیدن به تدریج

وَعَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ. ۱.

کم می‌شود، ولی بخشش تو، توانایی و داراییت را زیاد می‌کند.



### دعای سوّم برای ظهور آن حضرت ارواحنفاه

در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان

شیخ بزرگوار کفعمی رحمته الله علیه می نویسد: از ائمّه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است که:

در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان، این دعا را در حال سجده یا ایستاده یا نشسته، و در هر حالی و در تمامی ماه مبارک، و هر طور که برایت امکان دارد و در تمام دوران عمرت تکرار کن؛ و بعد از بزرگداشت و ادای احترام به خداوند متعال، و درود بر پیامبرش صلی الله علیه و آله بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ، (صَلِّوا تَكَ عَلَيْهِ

بار خدایا؛ برای ولت حضرت حجة بن الحسن، (که درود تو بر او

وَعَلَى آبَائِهِ)، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا

و بر پدران او باد)، در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست

و حَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعَيْنًا، حَتَّى

و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و دیده بان باش، تا

تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. ۱

او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت به ساکن گردانی، و بهره مندی او را در زمین طولانی فرما.



### دعای روز عید غدیر

کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر پرچم

حضرت قائم صلوات الله علیه و در خیمه آن حضرت باشد

علامه مجلسی رحمته الله علیه می فرماید: ابوهارون عبدی گفت: در روز هیجدهم ذی الحجّه خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم در حالی که آن حضرت روزه دار بود، به من فرمودند:

همانا این روز، روزی است که خدا حرمتش را بین مؤمنان زیاد کرده است؛ چون خداوند در این روز دین آن ها را کامل کرده و نعمتش را بر آنان تمام نموده است، و عهد و پیمانی که از ایشان در عالم ذر گرفته، برای آنان تجدید کرده است؛ زیرا آن موقف را از یاد آن ها برده بود و خداوند آنان را توفیق داده که آن عهد و پیمان را از او قبول کنند، و خداوند آنان را از کسانی که این امر را انکار می کردند، قرار نداد.

من به آن حضرت عرض کردم: جانم فدای شما باد؛ ثواب

۱. مصباح المتهجد: ۶۳۰، المصباح: ۷۷۹.



روزه گرفتن در این روز چیست؟ حضرت فرمودند:

همانا این روز، روز عید، شادی، سرور و روزه گرفتن به خاطر سپاسگزاری از خداوند می باشد. روزه گرفتن در این روز معادل شصت ماه روزه گرفتن در ماه های حرام می باشد. در این روز هر موقع که خواست، (گرچه بهترین وقت آن نزدیک ظهر می باشد؛ و آن ساعتی است که حضرت علی ع در غدیر خم برای جانشینی پیامبر معین شد و مردم در آن وقت به منزل نزدیک شده بودند) دو رکعت نماز بخواند، سپس سجده کند و صد مرتبه خدا را شکر کند (و شُكْرًا لِلَّهِ بگویند) و بعد از سجده این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ

بار خدایا؛ من از تو درخواست می کنم (با گواهی این) که حمد و ستایش مخصوص تو می باشد که

لَكَ، وَأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ، وَلَمْ

تنها و بی شریک می باشی، و همانا تو یگانه، تنها و بی نیاز هستی؛ نه فرزند کسی هستی و نه کسی

يَكُنْ لَكَ كُفْوًا أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ

فرزند توست، و نه هیچ کس همتای توست و همانا حضرت محمد بنده و فرستاده توست؛

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ،

که سلام و درود تو بر او و آل او باد؛ ای کسی که هر روز برای او شأنی و امری است،

كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ، بِأَنْ جَعَلْتَنِي

همچنان که از شأن توست که بر من تفضل فرموده و مرا از

مِنْ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَأَهْلِ دِينِكَ وَأَهْلِ دَعْوَتِكَ،

پاسخ دهندگان به تو، و اهل دین و دعوت خویش قرار دادی؛

وَوَفَّقْتَنِي لِذَلِكَ فِي مُبْتَدَأِ خَلْقِي، تَفَضُّلاً مِنْكَ

و مرا در آفرینش اولیام (عالم ذر) بر این کار از روی فضل

وَكَرَمًا وَجُودًا. ثُمَّ أَرَدْتِ الْفَضْلَ فَضْلاً، وَالْجُودَ

و جود و کرم موفق کردی. سپس فضلی در پی فضل دیگر، و جود و بخششی در پی

جُودًا، وَالْكَرَمَ كَرَمًا، رَأْفَةً مِنْكَ وَرَحْمَةً إِلَيَّ أَنْ

جود و بخشش دیگر، و کرامتی در پی کرامت دیگر از رأفت و رحمت خود تفضل فرمودی تا آن که

جَدَّدْتَ ذَلِكَ الْعَهْدَ لِي تَجْدِيدًا بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي

این عهد را بر من تازه کردی، بعد از آن که مرا آفرینش جدیدی فرمودی؛

وَكَنتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا نَاسِيًّا سَاهِيًّا غَافِلًا، فَأَتَمَمْتَ

و با آن که من به کلی فراموش شده و در سهو و نسیان و غفلت بودم، پس

نِعْمَتَكَ بِأَنْ ذَكَّرْتَنِي ذَلِكَ، وَمَنْنْتَ بِهِ عَلَيَّ،

نعمتت را بر من کامل کردی به این که مرا یادآور آن عهد و پیمان کردی؛ و با آن بر من منت گذاشتی؛

وَهَدَيْتَنِي لَهُ. فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي

و به سوی آن هدایت فرمودی. پس باید از شأن تو این باشد ای خدای من؛ و سرور من؛

وَمَوْلَايَ، أَنْ تُتِمَّ لِي ذَلِكَ، وَلَا تَسْلُبْنِيهِ، حَتَّى

و مولای من؛ که آن نعمت را بر من کامل گردانی و از من زایل نگردانی تا آن که

تَتَوَقَّأَنِي عَلَى ذَلِكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، فَإِنَّكَ أَحَقُّ

مرا با آن عقیده و پیمان بگیری، و تو از من خشنود باشی؛ همانا تو سزاوارترین

الْمُنْعِمِينَ أَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ. اَللّٰهُمَّ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا،

نعمت‌بخشان هستی که نعمتت را بر من کامل گردانی. خدا یا؛ (عهد تو را) شنیدیم و اطاعت کردیم؛

وَأَجَبْنَا دَاعِيكَ بِمَنِّكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا

و همچنین دعوت‌کننده‌ات را که بر ما فرستادی، به لطف و کرم تو اجابت کردیم، پس حمد و سپاس بر تو، باد امرزش

وَأَيْتِكَ الْمَصِيرُ، آمَنَّا بِاللَّهِ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،

تو را خواهانم ای پروردگار ما؛ و بازگشت همه به سوی توست؛ ما به خدای یکتا و بی‌شریک

وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَصَدَّقْنَا

و به فرستاده او حضرت محمد - که سلام و درود خدا بر او و آل او باد - ایمان آوردیم و

وَأَجَبْنَا دَاعِيَّ اللَّهِ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِي مَوَالَاةِ مَوْلَانَا

دعوت‌کننده خدایی را تصدیق و اجابت کردیم و اوامر فرستاده او را در مورد دوستی و اطاعت از مولا پیمان

وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي

و مولای مؤمنان، امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام پیروی کردیم؛

طَالِبٍ، عَبْدِ اللَّهِ وَأَخِي رَسُولِهِ، وَالصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ،

او که بنده خدا، و برادر فرستاده او، و راستگویی بزرگ،

وَالْحُجَّةِ عَلَى بَرِيَّتِهِ، اَلْمُوَيَّدِ بِهِ نَبِيِّهِ وَدِينِهِ اَلْحَقِّ

و حجت خدا بر خلق اوست؛ او تأییدکننده پیامبر خدا و دین اوست که حقیقت آن آشکار

الْمُبِينِ، عَلِمًا لِدِينِ اللَّهِ، وَخَازِنًا لِعِلْمِهِ، وَعَائِبَةَ

و واضح است، او علم و نشانه دین خدا و گنجینه دانش خدا، و صندوق

غَيْبِ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ، وَأَمِينَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ،

رازهای خدا، و محل سر خدا و امین خدا بر افریدگان او،

وَشَاهِدَهُ فِي بَرِيَّتِهِ. اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا

و گواه او بر بندگانش می‌باشد. بار خدایا؛ ای پروردگار ما؛ همانا ما صدای ندادهنده‌ای

يُنَادِي لِإِلْطِمَانٍ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَأَمَّا رَبَّنَا

که ندا سر داد که به پروردگارتان ایمان آورید را شنیدیم و به پروردگارمان ایمان آوردیم؛

فَاغْفِرْنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّأْنَا مَعَ

پس گناهان ما را ببخش و بدی‌های ما را بیوشان و ما را همراه با نیکان عالم بگیری.

الْأَبْرَارِ \* رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ

پروردگار ما؛ بر ما آنچه را که بر رسولانت وعده داده‌ای عطا فرما،

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۱،

و ما را در روز قیامت خوار و ذلیل نفرما؛ که همانا تو از وعده‌های خود تخلف نمی‌کنی.

فَأَمَّا رَبَّنَا بِمَنِّكَ وَطُفِّكَ، أَجَبْنَا دَاعِيكَ، وَاتَّبَعْنَا

پس ای پروردگار ما؛ ما به لطف و کرم تو ایمان آوردیم، و دعوت‌کننده به سوی تو را اجابت کردیم، و

الرَّسُولَ وَصَدَقْتَاهُ وَصَدَقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ،

از فرستادگان تبعیت کردیم و او و مولای مؤمنان را تصدیق کردیم،

وَكَفَرْنَا بِالْحَبِيبِ وَالطَّاغُوتِ، فَوَلَّانَا مَا تَوَلَّيْنَا،

و به جبت و طاغوت کفر ورزیدیم. پس تو ولی و سرپرست ما کن آن را که ما به ولایت برگزیدیم؛

وَاحْشُرْنَا مَعَ أَيْمَتِنَا، فَإِنَّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِفُونَ،

و ما را با پیشوایان مان محشور فرما. زیرا ما به آنان ایمان آورده‌ایم و به امامت آنان یقین داریم،

وَلَهُمْ مُسْلِمُونَ، آمَنَّا بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ، وَشَاهِدِهِمْ

و تسلیم آنان هستیم. ما به نهان و آشکار آن‌ها، شاهد

و غایب‌های آن‌ها، و زنده و مرده آن‌ها ایمان آورده‌ایم؛ و به پیشوایی و رهبری و سروری آنان راضی و

و قَادَةَ وَسَادَةَ، وَحَسَبْنَا بِهِمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللَّهِ دُونَ

خشنود هستیم؛ و برای وساطت بین ما و خدای ما، آنان کفایت می‌کنند؛ و نیازی به غیر ایشان

از آفریدگانش نیست؛ و به جای آن‌ها جایگزین نمی‌جوییم؛ و غیر آنان را تکیه‌گاه خود نمی‌گیریم.

خَلْقِهِ، لِأَنْتَبَغِي بِهِمْ بَدَلًا، وَلَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ

و لِبِجَّةً، وَبَرَرْنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا،

و به درگاه خدا از هر کسی که با آنان به مبارزه و جنگ می‌پردازند، بی‌زاری می‌جوییم؛

و به درگاه خدا از هر کسی که با آنان به مبارزه و جنگ می‌پردازند، بی‌زاری می‌جوییم؛

مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَكَفَرْنَا

چه آن افراد از جنّ باشند؛ یا از انسان‌ها، از پیشینیان باشند یا از افراد آخر الزمان؛ و به

بِالْحَبِيبِ وَالطَّاغُوتِ، وَالْأَوْثَانِ الْأَرْبَعَةِ، وَأَشْيَاعِهِمْ

جبت و طاغوت کفر می‌ورزیم؛ و همچنین به بت‌های چهارگانه و دنباله‌روها و پیروانشان؛

وَأَتَّبَعِهِمْ، وَكُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنْ

و هر کسی که آنان را دوست دارند؛ چه از جنیان باشند و چه از انسان‌ها؛ از

أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْهَدُكَ أَنَّا نَدِينُ بِمَا

اول خلقت تا آخر آن، کفر می‌ورزیم. بار خدایا؛ ما تو را گواه می‌گیریم که ما به دینی که

دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ،

حضرت محمد و آل محمد - که درود خدا بر او و آنان باد - به آن متدین هستیم، گرویدیم؛

وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا، وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ، مَا قَالُوا بِهِ قُلْنَا،

و گفتار ما گفتار آنان؛ و دین ما دین آنان می‌باشد؛ آنچه آنان گفتند، ما می‌گوییم؛ و به آنچه

وَمَا دَانُوا بِهِ دِنًا، وَمَا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنَا، وَمَنْ وَالُوا

آنان عقیده دارند، ما هم معتقدیم؛ و آنچه را که آنان منکر شدند، ما هم منکر آن هستیم؛ و هر کسی را آنان دوست داشتند،

وَالَّذِينَ، وَمَنْ عَادُوا عَادَيْنَا، وَمَنْ لَعَنُوا لَعَنَّا وَمَنْ

ما هم دوست داریم؛ و با هر کسی آنان دشمنی کردند، ما هم با آنان دشمنی می‌کنیم؛ و هر کسی را لعن و نفرین کردند، ما

تَبَرَّءُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنَا مِنْهُ، وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا

هم لعن و نفرین می‌کنیم؛ و از هر کسی بی‌زاری جستند، ما هم بی‌زاری می‌جوییم؛ و هر کسی را مورد رحمت قرار دادند ما هم

عَلَيْهِ، آمَنَّا وَسَلَّمْنَا وَرَضِينَا، وَاتَّبَعْنَا مَوَالِينَا

مورد رحمت قرار می‌دهیم؛ به امامان خودمان ایمان آوردیم، و در برابر آنها تسلیم هستیم؛ و راضی و خشنود می‌باشیم؛ و از

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا ذَلِكَ وَلَا تَسْلُبْنَاهُ،

ایشان پیروی می‌کنیم؛ که سلام خدا بر آنان باد. بار خدایا؛ این ایمان و عقیده ما را کامل گردان، و آن را از ما مگیر.

وَأَجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا عِنْدَنَا، وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا،

و آن را برای ما مستقر و ثابت گردان، و آن را به صورت عاریه برایمان قرار مده؛

وَأَحِينَا مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ، وَأَمِثْنَا إِذَا أَمَّتْنَا عَلَيْهِ، آلُ

و ما را بر این عقیده زنده بدار، و بر آن بمیران هر گاه ما را بمیرانی؛ آل

مُحَمَّدٍ أَيْمَنَّا، فِيهِمْ نَأْتُمُّ، وَإِيَّاهُمْ نُوَالِي، وَعَدُوَّهُمْ

محمد (ص) پیشوایان ما هستند؛ پس به آنان اقتدا می‌کنیم و فقط آنان را به سرپرستی می‌پذیریم، و دشمنان‌شان را

عَدُوَّ اللَّهِ نُعَادِي، فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

- که دشمنان خداوند هستند - دشمن می‌داریم. پس ما را در دنیا و آخرت با آنان

وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنَّا بِذَلِكَ رَاضُونَ، يَا أَرْحَمَ

و از مقربان و نزدیکان درگاه خودت قرار بده؛ زیرا ما به این کار راضی و خشنود هستیم؛ ای مهربان‌ترین

### الرَّاحِمِينَ.

مهربانان.

سپس سجده نموده و صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید، و در حالت سجده صد مرتبه خدا را شکر نموده بگوید: «شُكْرًا لِلَّهِ».

همانا هر کسی این عمل را انجام دهد مانند کسی است که در

آن روز (غدیر) حاضر بوده و با حضرت پیامبر (ص) بر آن امر بیعت کرده است.

مقام آن شخص، مقام صادقان - کسانی که با دوست داشتن دوست خدا و رسولش در آن روز، خدا و رسولش را تصدیق کردند - می‌باشند.

و مانند کسی است که با رسول خدا (ص) و حضرت علی (ع) و امام حسن و امام حسین (ع) حاضر بوده و ایشان را درک نموده است.

و مانند کسی است که زیر پرچم امام زمان ارواحنا فداه و در خیمه او، در بین نجباء و نقباء می‌باشد.<sup>۱</sup>



### تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداه

از روز هجدهم تا آخر هر ماه

علامه مجلسی (ع) در «بحار الأنوار» ضمن نقل تسبیح چهارده معصوم (ع) از «دعوات راوندی» تسبیح مولایمان امام زمان ارواحنا فداه را چنین نقل می‌نماید:

۱. بحار الأنوار: ۹۸/۲۹۸، زاد المعاد: ۳۴۱.

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَىٰ نَفْسِهِ ،

پاک و منزّه است خداوند، به تعداد موجوداتی که آفریده است؛ پاک و منزّه است خداوند، به مقدار رضایت خودش؛

سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ [اللَّهُ] زِينَةَ عَرْشِهِ ،

پاک و منزّه است خداوند، به گستردگی و پهنای کلماتش؛ پاک و منزّه است خداوند، به بزرگی عرش او؛

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ .<sup>۱</sup>

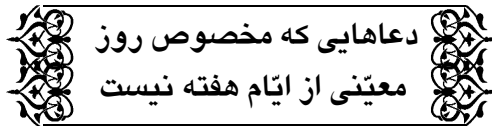
حمد و سپاس مخصوص خداوند است، همانند آن چه گفته شد.

این دعا از روز هجدهم تا آخر هر ماه خوانده می شود.

تذکره  
مذنبین

❁  
۲۷۶  
❁

## بخش ششم



دعاهایی که مخصوص روز  
معینی از ایام هفته نیست

۴۶

### دعای عهد

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس با این عهد، چهل روز به درگاه خداوند دعا کند از  
یاران قائم ما خواهد بود، و اگر هم پیش از ظهور آن حضرت  
بمیرد خداوند (در وقت ظهور) او را از قبرش خارج خواهد  
ساخت. و به ازای هر کلمه، هزار حسنه به او عطا می کند و  
هزار گناه را (از کارنامه اعمالش) محو می کند؛ آن عهد  
چنین است:<sup>۱</sup>

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ ،

خدایا؛ ای پروردگار روشنی بزرگ؛ ای پروردگار جایگاه بلندمرتبه.

۱. بحار الأنوار: ۴۱/۹۴.

۱. دعوات راوندی: ۹۴، بحار الأنوار: ۲۰۷/۹۴.

وَرَبِّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ

ای پروردگار دریای متلاطم؛ و ای فرو فرستنده تورات و انجیل

وَالزَّبُورِ، وَرَبِّ الظُّلِّ وَالْحُرُورِ، وَمُنْزِلِ الْقُرْآنِ

و زبور؛ و ای پروردگار سایه و گرمی آفتاب؛ و ای فرو فرستنده قرآن

الْعَظِيمِ، وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالْأَنْبِيَاءِ

بزرگ؛ و ای پروردگار فرشتگان مقرب؛ و ای پروردگار پیامبران

وَالْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ،

و رسولان؛ بار خدایا؛ من از تو درخواست می‌کنم به ذات کریمت،

وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا

و به روشنی رخ روشنی‌بخش، و فرمانروایی بی‌آغازت؛ ای زنده؛ ای

قَيُّومٌ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ

پایدار؛ درخواست می‌کنم به واسطه نامت، همان نامی که آسمان‌ها

وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ

و زمین‌ها به سبب آن روشن گردید؛ همان نامی که پیشینیان

وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ

و آیندگان با آن اصلاح می‌شوند. ای زنده پیش از هر زنده؛ و ای زنده پس از هر

حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُخَيَّبِي الْمَوْتَى وَمُمِيتَ

زنده؛ و ای زنده‌ای که زنده بودی در حالی که هیچ زنده نبود؛ ای زنده‌کننده مردگان؛ ای میراننده

الْأَحْيَاءِ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا

زندگان؛ ای زنده‌ای که جز تو معبودی نیست؛ بار خدایا؛ به مولای ما، یعنی

الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيِّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ

پیشوای هدایت‌گر هدایت‌شده‌ای که به دستور تو قیام می‌کند - درود خدا

عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

بر او و بر تمام نیاکان پاکیزه‌اش باد - سلام برسان؛ سلام و درودی از طرف همه

وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا

مردان و زنان بالیمان که در شرق و غرب زمین، بیابان

وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيْ، مِنْ

و کوهسار، دریا و یا خشکی زمین هستند. سلامی از طرف من و پدر و مادرم؛

الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا

سلام‌ها و درودهایی که هم‌سنگ عرش الهی و به قدر گستردگی کلمات او باشد. آن قدر که

أَخْصَاهُ عِلْمُهُ، وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهُ

علم خدا آن را شماره کند، و کتاب الهی به آن احاطه دارد. بار خدایا؛ من در این

فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا، وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي،

صبحدم و در ابتدای این روز نو، و تمامی ایام زندگانیم،

عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا،

عهد (زبانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) را با آن عزیز تجدید می‌کنم که هیچگاه و به هیچ وجه از آن

وَلَا أَرْوُلُ أَبَدًا . اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ ،

برنخواهم گشت و هرگز آن را از بین نمی‌برم. خداوندا! مرا از یاران و کمک‌رسانان و حمایت‌کنندگان و مدافعان

وَالذَّابِقِينَ عَنْهُ ، وَالْمُسَارِعِينَ اِلَيْهِ فِيْ قَضَاءِ حَوَائِجِهِ

آن بزرگوار قرار ده؛ جزو گروهی که به سرعت برای انجام خواسته‌های او به سویش می‌شتابند؛ جزو دسته‌ای

وَالْمُمْتَثِلِينَ لِاَوْامِرِهِ ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ ، وَالسَّابِقِينَ

که دستورات او را بدون کم و زیادا انجام می‌دهند؛ جزو حمایت‌کنندگان از او و پیشی‌گیرندگان برای

اِلَى اِرَادَتِهِ ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ . اَللّٰهُمَّ اِنِّ

انجام امور دلخواه او و شهادت‌طلبان در پیش‌روی او قرار ده. بار خدایا؛ از

حَالِ بَيْنِيْ وَبَيْنَهُ الْمَوْتِ ، الَّذِيْ جَعَلْتَهُ عَلٰى عِبَادِكَ

تو می‌خواهم که اگر مرگ - که آن را یک امر حتمی و قطعی برای بندگان قرار

حَتْمًا مَّقْضِيًّا ، فَاَخْرِجْنِيْ مِنْ قَبْرِى ، مُؤْتِرًا كَفْنِيْ ،

داده‌ای - بین من و آن عزیز حایل شد، مرا از قبرم در حالی خارج کن که کفنم را به کمر بسته‌ام،

شَاهِرًا سَيْفِيْ ، مُجَرِّدًا قَنَاتِيْ ، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي ،

شمشیرم را کشیده و بالا برده‌ام، نیزه‌ام را آماده کرده‌ام و فراخوانی شخصی را که دعوت‌کننده به سوی اوست لبیک

فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي . اَللّٰهُمَّ اَرِنِي الْطَّلْعَةَ الرَّشِيْدَةَ ،

گفته و پاسخ مثبت می‌دهم؛ فراخوانی همان کسی که در شهرها و صحراها ندا می‌دهد. بار خدایا؛ آن رخسار زیبای

وَالغُرَّةَ الْحَمِيْدَةَ ، وَاكْحُلْ نَاطِرِيْ بِنظْرَةِ مَنِّيْ اِلَيْهِ ،

جذاب، و روی نورانی دوست‌داشتنی را به من نشان بده؛ و سرمه دیده‌ام را نگاهی بر آن عزیز قرار ده.

وَعَجَلُ فَرَجِهِ ، وَسَهْلُ مَخْرَجِهِ ، وَاَوْسَعُ مَنَهَجِهِ ،

و در فرج و گشایش امورش شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان، و راهش را برای دستیابی به مقاصدش

وَأَسْأَلُكَ بِيْ مَحَجَّتِهِ ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ .

گسترش ده، و مرا در راه روشن او راه ببر، و فرمان او را مطاع و قابل اجرا گردان، و پشتش را محکم کن.

وَاعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهٖ بِلَادَكَ ، وَاخِيْ بِهٖ عِبَادَكَ ، فَإِنَّكَ

خدایا؛ با حضور او سرزمین‌ها و شهرهایت را آباد گردان، و بندگان را زنده گردان؛ زیرا، تو

قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿١﴾ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

فرموده‌ای - به خوبی نیز می‌دانم که گفته‌های تو حق است -؛ که «۱- پیش از آنکه آن بزرگوار ظهور فرماید - فساد در

بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ ﴿١﴾ ، فَأَظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ ،

خشکی و دریا آشکار شده که به دست مردمان به بار آمده است؛ پس، ای خدا، ولی تو نماینده خودت را

وَأَبْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ ، اَلْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُوْلِكَ ، حَتَّىٰ

که پسر دختر پیامبرت می‌باشد و هم‌نام فرستاده تو - محمد ﷺ - است؛ برای ما آشکار کن تا

لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِّنَ الْبَاطِلِ اِلَّا مَرْقَهُ ، وَيَحِقَّ الْحَقُّ

هر باطل و نادرستی را نابود کند و بر آن پیروز گردد، و حق را پایدار

وَيَحَقِّقَهُ . وَاَجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُوْمِ عِبَادِكَ ،

و محقق فرماید. بار خدایا؛ او را پناه بندگان مستمیدهدات،

وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ ، وَمَجْدِدًا لِمَا

و یار و یاور کسانی قرار ده که جز تو یاورى برای خود نمی‌یابند، و خدایا؛ او را تجدیدکننده

۱. سوره روم، آیه ۴۱.

عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشَيِّدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ

آن دستورات کتابت (قرآن) قرار ده که تعطیل شده است؛ و محکم‌کننده

أَعْلَامِ دِينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

نشانه‌های آشکار دینت، و روش‌های نیکوی پیامبرت - که درود بر او و آل او باد - قرار ده.

وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ.

خدای من؛ او را جزو کسانی قرار ده که از بدی و عذاب تجاوزکاران در امان می‌داری.

اللَّهُمَّ وَسِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خدایا؛ پیامبرت حضرت محمد - که درود بر او و آل او باد - را با دیدن این فرزند شایسته‌اش

بِرُؤُوسَيْتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا

و کسانی که از دعوت او پیروی نموده‌اند، شاد و خوشحال فرما؛ و به بیچارگی ما که با غیبت او به

بَعْدَهُ. اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ

وجود آمده است، رحم کن. خدایا؛ این اندوه و افسردگی را با حضور آن عزیز پنهان شده، از این امت

بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا،

برطرف کن؛ و در ظهور و آشکار شدن او شتاب کن؛ چرا که آن‌ها (دشمنان تو) زمان ظهور او را دیر وقت می‌پندارند،

وَنَرِيهِ قَرِيبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ولی ما آن را نزدیک می‌دانیم؛ البته، به امید رحمت و مهربانی تو؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.

آن گاه سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر

مرتبه می‌گویی :

الْعَجَلِ، الْعَجَلِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ۱.

بشتاب؛ بشتاب؛ ای مولای من؛ ای صاحب اختیار زمان.



### دعای عهد دیگر

جابر بن یزید جعفی گوید: حضرت امام محمد باقر علیه السلام

فرمود:

هر کس در همه عمرش یک بار این دعا را بخواند، در زمره

بندگان نوشته می‌شود و در دفتر حضرت قائم (صلوات الله

علیه) بالا برده می‌شود؛ وقتی قائم ما، خروج کرد آن

شخص را به اسم خودش و پدرش می‌خواند، و این نامه را

به او می‌دهد و می‌گوید: بگیر؛ این نامه عهدی است که در

دنیا با ما بسته‌ای. این سخن خداوند عزوجل نیز به همین

اشاره دارد: ﴿إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾<sup>۲</sup>، «جز آن

کسی که نزد خدای بخشنده پیمانی فراهم کرده باشد».

با طهارت، این دعا را بخوانید:

۱. مفاتیح الجنان: ۱۰۶۱، زاد المعاد: ۴۸۸، البلد الأمين: ۱۲۴، مصباح الزائر: ۴۵۵، المصباح:

۷۲۹، الصحيفة الصادقية: ۲۰۴، باب السعادة: ۲۱۴.

۲. سورة مريم، آیه ۸۷.



اَللّٰهُمَّ يَا اِلٰهَ الْاِلٰهَةِ، يَا وَاٰحِدٌ، يَا اَحَدٌ، يَا اٰخِرَ

خدایا؛ ای معبود معبودان؛ ای خدای یگانه؛ و ای خدای یکتا؛ ای از همه پیشینیان

الْاٰخِرِيْنَ، يَا فَاهِرَ الْقَاهِرِيْنَ، يَا عَلِيَّ يَا عَظِيْمٌ، اَنْتَ

پیشین‌تر؛ ای چیره‌شونده و غالب بر همه قدرتمندان؛ ای برتر و ای بزرگ؛ تو

الْعَلِيُّ الْاَعْلَى، عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ عُلُوٍّ، هَذَا يَا سَيِّدِي

خدای برتر و بلندمرتبه هستی، و برتری یافتی بر هر برتری؛ این است عهد من، ای سرور من؛

عَهْدِي وَاَنْتَ مُنْجِزٌ وَعَدِي، فَصَلِّ يَا مَوْلَايَ

و تو وفاکننده وعده من هستی؛ پس مولای من؛ این عهد مرا به مقصد برسان،

عَهْدِي، وَاَنْجِزْ وَعَدِي، اَمَنْتُ بِكَ. وَاَسْأَلُكَ

و به وعده‌ام وفا فرما که من به تو ایمان دارم. و از تو مسألت می‌کنم

بِحِجَابِكَ الْعَرَبِيِّ، وَبِحِجَابِكَ الْعَجَمِيِّ، وَبِحِجَابِكَ

به حجاب عربیت، و به حجاب عجمیت، و به حجاب

الْعَبْرَانِيِّ، وَبِحِجَابِكَ السَّرْيَانِيِّ، وَبِحِجَابِكَ

عبرانیت، و به حجاب سریانیت، و به حجاب

الرُّومِيِّ، وَبِحِجَابِكَ الْهِنْدِيِّ، وَاَثْبِتْ مَعْرِفَتَكَ

رومیت، و به حجاب هندی؛ و با عنایات اولیّه‌ات، معرفتت را در

بِالْعِنَايَةِ الْاُولَى، فَاِنَّكَ اَنْتَ اللهُ لَا تُرَى، وَاَنْتَ

وجود من ثابت گردان؛ زیرا تو خدایی هستی که دیده نمی‌شوی، و تو

بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلَى. وَاَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِرِسُوْلِكَ الْمُنْذِرِ

در چشم‌انداز برتری هستی. به تو تقرب می‌جویم به وسیله رسول و فرستاده بيم‌دهنده تو

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ، وَبِعَلِيِّ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ صَلَوَاتُ

- که درود خدا بر او و آل او باد - ؛ و به حضرت علی امیر مؤمنان - درود

الله عَلَيْهِ الْهَادِي، وَبِالْحَسَنِ السَّيِّدِ وَبِالْحُسَيْنِ

خدا بر او باد - که هدایت‌کننده بود؛ و به حسن، آقا و سرور؛ و به حسین،

الشَّهِيدِ سِبْطِي نَبِيِّكَ، وَبِفَاطِمَةَ الْبَتُولِ، وَبِعَلِيِّ بْنِ

شهید؛ دو سبط پیامبرت و به فاطمه بتول؛ و به علی بن

الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِ بْنِ ذِي الثَّنَاتِ، وَاِبْرَاهِيْمَ مُحَمَّدِ بْنِ

الحسین، زینت عبادت پیشه‌گان، و صاحب پینه‌ها(بی‌کی‌که بر اثر عبادت بر بندش عارض شده بود)؛ و به محمد

عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَنْ عِلْمِكَ، وَبِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ

بن علی، شکافنده علم تو؛ و به جعفر بن محمد

الصَّادِقِ، الَّذِي صَدَّقَ بِمِثَاقِكَ وَبِمِيعَادِكَ،

صادق، که ميثاق و ميعاد تو را تصدیق نمود؛

وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْحَصُورِ الْقَائِمِ بِعَهْدِكَ، وَبِعَلِيِّ

و به موسی بن جعفر، که پارسا بود و به پیمان تو قیام کرد؛ و به علی

بْنِ مُوسَى الرِّضَا الرِّاضِي بِحُكْمِكَ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ

بن موسی، حضرت رضا که راضی به حکم تو بود؛ و به محمد بن

عَلِيَّ الْحَبْرِ الْفَاضِلِ، الْمُرْتَضَى فِي الْمُؤْمِنِينَ،

علی، دانشمند بافضیلت، و مورد پسند در میان مؤمنان؛

وَبِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ، هَادِي

و به علی بن محمد، امین و امانت‌دار، هدایت‌کننده

الْمُسْتَرَشِدِينَ، وَبِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ،

هدایت‌جویان؛ و به حسن بن علی، پاک و پاکیزه،

خَزَانَةِ الْوَصِيِّينَ. وَاتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْإِمَامِ الْقَائِمِ

گنجینه رازهای اوصیا. و به تو تقرب می‌جویم (ای خدا)؛ به وسیله امام قیام‌کننده

الْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ الْمَهْدِيِّ، إِمَامِنَا وَابْنِ إِمَامِنَا

عدل‌گستر؛ همان هدایت‌شده‌ای که مورد انتظار است؛ که او امام ما و فرزند امام ماست؛

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. يَا مَنْ جَلَّ فَعَظْمُ

درودهای خدا بر همه آنان باد. ای آن‌که باشکوه و بزرگ است، پس شایسته این جلالت و عظمت است؛

و[هُوَ] أَهْلُ ذَلِكَ فَعَفَى وَرَحِمَ، يَا مَنْ قَدَرَ فَلَطْفَ،

در عین حال به بندگانش ترحم می‌کند و آنان را عفو می‌نماید؛ ای آن‌که تقدیر می‌نماید و تقدیرش دقیق است؛

أَشْكُو إِلَيْكَ ضَعْفِي، وَمَا قَصَرَ عَنْهُ عَمَلِي مِنْ

از ضعف خود، و از کوتاهی عملم نسبت به

تَوْحِيدِكَ، وَكُنْهِ مَعْرِفَتِكَ، وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالتَّسْمِيَةِ

توحید و کنه شناخت تو، به تو شکایت می‌برم؛ و به تو رو می‌کنم به وسیله نامیدن

الْبَيْضَاءِ، وَبِالْوَحْدَانِيَّةِ الْكُبْرَى، الَّتِي قَصَرَ عَنْهَا

سبید، و به یگانگی بزرگ؛ که کسی که بدان

مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى. وَآمَنْتُ بِحِجَابِكَ الْأَعْظَمِ،

پشت کند نمی‌تواند بدان دست یازد. ایمان آوردم به بزرگترین حجاب،

وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الْعُلْيَا، الَّتِي خَلَقْتَ مِنْهَا دَارَ

و به کلمات کامل عالی‌رتبهات؛ که از آنها این دار دنیا و بلا را خلق نمودی،

الْبَلَاءِ، وَأَحَلَلْتَ مَنْ أَحْبَبْتَ جَنَّةَ الْمَأْوَى، وَآمَنْتُ

و آن که را دوست داشتی به منزل بهشتی وارد گردانیدی. ایمان آوردم

بِالسَّابِقِينَ وَالصَّادِقِينَ، أَصْحَابِ الْيَمِينِ مِنْ

به سبقت‌جویان و راست‌گویان؛ آنان که از میان مؤمنان، اصحاب یمن و سعادت‌یافتگان‌اند؛

الْمُؤْمِنِينَ، [وَ] الَّذِينَ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ

و نیز به آن‌ها که عمل شایسته و صالح را با عمل ناشایسته مخلوط کرده‌اند،

سَيِّئًا إِلَّا تَوَلَّيْتَنِي غَيْرَهُمْ، وَلَا تُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ عَدَا

این که سرپرست مرا غیر آن‌ها قرار نده، و بین من و آن‌ها جدایی میفکن؛ در فردایی

إِذَا قَدَّمْتَ الرِّضَا بِفَضْلِ الْقَضَاءِ. آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ

که رضا و خشنودی را مقدم داری با تمام‌شدن حکم و داوری. من به نهان

وَعَلَانِيَتِهِمْ وَخَوَاتِيمِ أَعْمَالِهِمْ، فَإِنَّكَ تَخْتِمُ عَلَيْهَا

و آشکار و پایان اعمال‌شان، ایمان آوردم. پس همانا تو کار آن‌ها را ختم خواهی کرد

إِذَا شِئْتَ، يَا مَنْ أَتَحَفَنِي بِالْإِقْرَارِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ،

هر گاه که خواستی؛ ای آن که بر من منت نهادی و به یکتایی خویش، مقرّر و معترفم نمودی؛

وَحَبَانِي بِمَعْرِفَةِ الرَّبُّوبِيَّةِ، وَخَلَصَنِي مِنَ الشَّكِّ

و با شناخت مقام ربوبی خودت بر من لطف کردی؛ و مرا از شکّ و کوردلی رهانیدی؛

وَالْعَمَى، رَضِيتُ بِكَ رَبًّا، وَبِالْأَصْفِيَاءِ حُجْبًا،

راضی گشتم به این که تو پروردگارم باشی؛ و برگزیدگان، حجت‌های من باشنده؛

وَبِالْمَحْجُوبِينَ أَنْبِيَاءَ، وَبِالرُّسُلِ أَدْلَاءَ، وَبِالْمُتَّقِينَ

و افراد محجوب، پیامبران من باشنده؛ و رسولان تو راهنمایان من گردند؛ و پرهیزگاران نیز

أُمَرَاءَ، وَسَامِعًا لَكَ مُطِيعًا. ۱

فرمانروایان من باشنده؛ که آگاهانه، حرف‌شنو و مطیع تو هستم.



### دعای زمان غیبت

سید بزرگوار جناب رضی الدین علی بن طاووس رحمته الله در کتاب

«جمال الأسبوع» چنین می‌گوید:

... حضرت امام رضا علیه السلام پیوسته به دعا کردن برای امام زمان ارواحنا

فداه به و سیله خواندن این دعا امر می‌فرمود:

۱. مهج الدعوات: ۳۹۸، بحار الأنوار: ۳۳۷/۹۵، نجم الثاقب: ۷۸۲.

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّيكَ وَخَلِيفَتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ

خدایا؛ (هر بلایی را) دفع بفرما از ولّیت؛ و خلیفیات و حجتت بر

خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنكَ بِإِذْنِكَ، أَلْتَأْتِقُ

بندگان؛ و زبان گویای تو که با اجازه تو، از طرف تو مطالب را بیان می‌کند؛ آن که زبانش

بِحُكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةَ عَلَيَّ بِرَبِّيَّتِكَ، وَشَاهِدِكَ

به حکمت تو گویا است؛ و چشم بینی تو است که بر بندگان نظارت دارد؛ او که شاهد تو

عَلَيَّ خَلْقِكَ، أَلْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ، أَلْعَائِدِ بِكَ

بر آفریده‌های تو و از مهتران مجاهد در راه توست؛ او که نزد تو به تو پناه می‌برد.

عِنْدَكَ. وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَآتِ،

او را در پناه خود قرار ده از شرّ هر آنچه آفریده و پدید آوردی،

وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ

و ایجاد کردی، و صورت و شکل بخشیدی؛ او را از رو به رو،

خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ

پشت‌سر، طرف راست و طرف چپ، و از بالای سرش و

تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ

زیر پایش، حفظ کن به نگهداری و حفظی که وقتی کسی را به آن حفظ کنی ضایع و تباه نمی‌شود، و حفظ کن

فِيهِ رَسُوْلَكَ وَآبَاءَهُ، أَيْمَتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ. وَاجْعَلْهُ

در وجود او رسول خودت و پدران او را؛ که امامان تو و ستون‌های دین تو هستند. و قرار ده او را

فِي وَدَيْعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيْعُ، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي

در ودیعۀ خودت که از بین رفتنی نیست، و در همسایگی خود که

لَا يُخْفَرُ، وَفِي مَنْعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقَهَّرُ، وَآمِنُهُ

مورد خیانت قرار نگیرد، و در حمایت و سایۀ عزت خودت که مقهور نگردد. و او را

بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ، الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَنْ آمَنَتْهُ بِهِ،

در امان محکم خود ایمن بدار؛ که هرگز آن که در سایۀ امن تو باشد ذلیل و خوار نگردد.

وَاجْعَلْهُ فِي كَنْفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ، وَأَيِّدْهُ

و او را در کنف حمایت خویش قرار ده؛ زیرا حمایت شده تو هرگز مورد سوء قصد کسی قرار نخواهد گرفت؛ و او را

بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقَوِّهِ

با یاری شکستناپذیرت کمک فرما، و با سپاه پیرومندت تأییدش کن، و با نیروی خود نیرومندش

بِقُوَّتِكَ، وَأَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَوَالِ مَنْ وَالِاهُ، وَعَادِ

فرما، و فرشتگان را با او همراه ساز؛ و دوستش را دوست دار، و دشمنش را

مَنْ عَادَاهُ، وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِيْنَةَ، وَحَقِّقْهُ

دشمن بدار؛ و زره محکم و محافظ خود را بر او ببوشان؛ و

بِالْمَلَائِكَةِ حَقًّا. اَللّٰهُمَّ وَبَلِّغْهُ اَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ

فرشتگان را گرداگرد او درآور. بار خدایا؛ او را به برترین مرتبه‌ای برسان که هر یک از

الْقَائِمِيْنَ بِقِسْطِكَ مِنْ اَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهِ

برپاکنندگان قسط و عدل از پیروان پیامبران را بدان مرتبه رسانیدی. خداوند! اختلافها را به واسطۀ وجود

الصَّدْعَ، وَارْتُقِ بِهِ الْفَتْقَ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ

مقدسش برطرف گردان و تفرقه‌ها و پراکندگی‌ها را به واسطۀ او از میان بردار، و ظلم و ستم را به وسیلۀ او بمیران، و

بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُ

عدل را به وسیلۀ او آشکار ساز، و زمین را با باقی ماندن طولانی‌اش زینت و کمال بخش؛ و او را به

بِالنَّصْرِ، وَانصُرْهُ بِالرُّعْبِ، وَقَوِّ نَاصِرِيْهِ، وَاخْذُلْ

یاری خودت تأیید کن، و با رعبافکندن بر دل دشمنانش پیروزش گردان، و یارانش را نیرومند ساز، و خوارکنندگان

خَاذِلِيْهِ، وَدَمِّمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمِّرْ مَنْ غَشَّهٗ.

او را خوار و ذلیل گردان، و آن‌که رودر رویش به جنگ ایستد به هلاکت برسان، و آن‌که با او مکر و خدعه کند نابودش

وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَعُمْدَهُ وَدَعَائِمَهُ، وَاقْصِمْ

ساز، و با دست توانایش ستمگران و کافران و سردسته‌ها و ارکان آنان را به خاک هلاکت انداز، و

بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَمُمِيتَةَ السُّنَّةِ،

پشت سران گمراهی، بدعت‌گذاران و نابود کنندگان سنت الهی

وَمُقَوِّيَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِيْنَ، وَأَبْرِ بِهِ

و تقویت‌کنندگان باطل را به واسطۀ او بشکن. با وجود شریفش، زورگویان متکبر را ذلیل کن، و

الْكَافِرِيْنَ وَجَمِيْعَ الْمُلْحِدِيْنَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ

همۀ کافران و ملحدان را - در شرق

وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّىٰ

و غرب، دریا و خشکی، کوه و دشت - ریشه‌کن فرما؛ تا

لَا تَدَعُ مِنْهُمْ دِيَارًا، وَلَا تُبْقِي لَهُمْ آثَارًا. اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ

کسی از آنان بر جای نهنی، و اثری از آنان باقی نگذاری. بار خدا!؛

مِنْهُمْ بِلَادِكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزِّ بِهِ

سرزمینت را از وجود آن‌ها پاک گردان، و قلب بندگانت را با نابودی آن‌ها شفا ده؛ و به واسطهٔ آن وجود مقدس،

الْمُؤْمِنِينَ، وَأَخِي بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ

اهل ایمان را عزیز گردان، و سنت‌های رسولان و آنچه از

حِكْمَةِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ،

حکمت‌های پیامبران مندرس گشته به وسیلهٔ او زنده کن، و آنچه از دین تو که از بین رفته

وَبَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ، وَعَلَى

و از احکامت که دگرگون شده به وسیلهٔ او بازسازی کن؛ تا دین حقیقی خود را به وسیلهٔ او و به دست توانای او،

يَدِيهِ غَضًّا مَحْضًا صَحِيحًا، لَا عِوَجَ فِيهِ، وَلَا بِدْعَةَ

به گونه‌ای تازه و بی‌آلایش و صحیح اعاده کنی و بازگردانی؛ که هیچ کجی در آن نباشد و هیچ بدعتی با آن

مَعَهُ، وَحَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ

آمیخته نباشد. و تاریکی‌های ظلم و بیداد با عدل او روشن گردد، و آتش کفر به وسیلهٔ او خاموش

نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتَوْضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ

شود، و در نتیجه، پیچیدگی‌های حق آشکار گردد، و اساس عدل و قسط - که مجهول مانده است -

الْعَدْلِ. فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ،

معلوم و روشن شود. زیرا آن حضرت، بندهٔ توست که برای خودت خالصش گردانیدی،

وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ،

و از میان بندگانت او را برگزیدی، و بر آن‌ها اختیار کردی،

وَأْتَمَمْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ،

و او را برای سپردن غیب خودت، امین یافتی؛ و از گناهان، نگهداشتی،

وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَسَلَّمْتَهُ

و از هر عیبی پیراسته‌اش کردی، و از هر پلیدی آراسته‌اش گردانیدی، و از هر

مِنَ الدَّنَسِ. اَللّٰهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ

ناپاکی رهایش ساختی. خدایا؛ ما در روز قیامت و آن حادثهٔ بزرگ محشر، گواهی می‌دهیم

حُلُولِ الطَّامَةِ، أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا وَلَا أَتَى حَوْبًا، وَلَمْ

که او هرگز گناهی نکرده، و جرمی انجامی نداده، و

يَزْتَكِبَ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ

معصیتی مرتکب نشده، و طاعتی را از تو ضایع نساخته، و حرمتی را از تو هتک

لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ

نکرده، و فریضه‌ای از تو را دگرگون نموده، و قانونی از دین تو تغییر نداده است.

شَرِيْعَةً، وَأَنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي الطَّاهِرُ النَّقِيُّ النَّقِيُّ

و او هدایت‌گر انسان‌ها، و هدایت یافتهٔ پاک سیرت با تقوای پاکیزه

الرَّضِيِّ الزَّكِيِّ. اَللّٰهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ، وَوَلَدِهِ

پسندیده آراسته است. خدایا؛ برای او نسبت به خودش، اهلس، فرزندانش،

وَذَرَّيْتَهُ، وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ، مَا تُفَرِّقُ بِهِ عَيْنَهُ،

آمت و همه زبردستانش، چیزی عطا کن که چشمش را به آن روشن نمایی

وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسَهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا،

و روانش را به آن شاد گردانی؛ و حکومت سراسر کشورهای

قَرِيبَهَا وَبَعِيدِهَا، وَعَزِيزُهَا وَذَلِيلُهَا، حَتَّى يَجْرِيَ

نزدیک و دور؛ سرفراز و خوار را به او عطا فرما؛

حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَيَغْلِبُ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ.

تا حکمش بر حکم هر حکمرانی جاری گردد، و حق او بر هر باطلی غالب گردد.

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةَ

خدایا؛ ما را به دست او، بر طریقت هدایت، و بر راه روشن

الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا

عظیم و راه میانه و اعتدال سالک گردان؛ راهی که هر افراطگر

الْغَالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي، وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ،

پیشی‌گیرنده، و هر کوه‌نظر عقب‌مانده، باید بدان باز گردد. و ما را بر طاعتش قوی گردان،

وَتَثْبُنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَآمِنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ،

و بر پیرویش ثابت‌قدم بدار؛ و با نعمت پیرویش بر ما متت بگذار،

وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ،

و ما را در سپاه او قرار ده؛ که اجراکننده فرمان اویند، و در راهش صابر و شکیبیا هستند،

الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ

و از خیرخواهی او فقط رضا و خشنودی تو را طالباند؛ تا در روز رستاخیز

الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمُقَوِّيَةِ سُلْطَانِهِ. اللَّهُمَّ

ما را در میان یاران و مددکاران و تقویت‌کنندگان حکومت بابرکنش محشور فرمایی. خدایا؛

وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ

این را از ما، خالص و به دور از هر شک و شبهه و ریا و سمعه قرار بده؛

وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا

آن گونه که با این کار به غیر تو اعتماد نکنیم؛ و از این کار جز تو را نطلبیم؛

وَجْهَكَ، وَحَتَّى تَحِلَّنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ

و تا این که به لطفت ما را به محلّ و مقام او وارد نمایی؛ و در بهشت با او و در

مَعَهُ، وَأَعِزَّنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ،

جوار او جای دهی؛ و ما را از خستگی و تنبلی و سستی در طاعت، در پناه خویش قرار دهی؛

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَتُعَزُّ بِهِ نَصْرَ

و ما را از کسانی قرار دهی که دینت را به سبب او یاری می‌دهی و یاری ولایت را تقویت می‌گردانی.

وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا

و کسی را غیر از ما جایگزین ما مفرما، زیرا که این جایگزینی

غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا عَسِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ

برای تو بسی سهل و آسان است؛ ولی برای ما بسیار گران و سنگین می‌باشد. خدایا؛ رحمت فرست

عَلَىٰ وِلَاةِ عَهْدِهِ، وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَبَلَّغَهُمْ

بر فرمانداران او؛ و پیشوایان از فرزندان او؛ و آنان را به

أَمْوَالِهِمْ، وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَأَعِزَّ نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ

ارزوهاشان برسان، و بر عمرهایشان بیفز، و نصرت باعزت به آنها عنایت فرما،

لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِكَ لَهُمْ، وَتَبَّتْ

و آنچه از امر دین خود را مربوط به آنان فرمودی به حد کمال و اتمام برسان؛

دَعَائِمَهُمْ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا، وَعَلَىٰ دِينِكَ

و اساس حکومت آنها را ثبات و پایداری عنایت کن؛ و ما را، برای آنان یار و برای دینت

أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَأَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ،

یاور قرار بده؛ زیرا آنان معدنهای کلمات تو، و پایه‌های توحید تو،

وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوِلَاةُ أَمْرِكَ، وَخَالِصَتِكَ مِنْ

استوانه‌های دین تو، و سرپرستان امر از طرف تو، و خالصان از

عِبَادِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَلَائِلُ

بندگان تو، و برگزیده از خلق تو، و دوستان تو، و فرزندان

أَوْلِيَاءِكَ، وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ رُسُلِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ

اولیای تو و برگزیده از فرزندان پیامبران تو هستند، و درود بر آنها

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ۱

و رحمت و برکات الهی بر آنان نثار باد.

۱. جمال الأسبوع: ۲۰۷، در مصباح المتهجد: ۴۰۹، المصباح: ۷۲۶، و البلد الأمين: ۱۲۲ با



## دعای معرفت

### در زمان غیبت

سید بزرگوار، جناب علی بن طاووس رحمته الله علیه در کتاب «جمال الأسبوع» می‌فرماید:

این دعای شریف به دو طریق از «محمد بن همام» روایت شده و او گفته است که: شیخ ابو عمرو و عمری رحمته الله علیه این دعا را به او املا نموده و دستور به خواندن آن داده است:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ

بارخدا یا؛ خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من نشناسانی

أَعْرِفَكَ، وَلَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي

تو و پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا؛ پیامبرت را به من معرفی فرما؛

رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ

زیرا اگر پیامبرت را به من نشناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت.

حُجَّتِكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي

خداوندا؛ حجتت را به من بشناسان؛ زیرا اگر حجتت را به من نشناسانی،

→ تفاوتی اندک. نیز، سید بن طاووس رحمته الله علیه با کمی کاستی و فزونی همین را در کتاب «مصباح

الزائر: ۴۵۷» نقل کرده است.

حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي . اَللّٰهُمَّ لَا تُمِثْنِي مِثَّةً

نسبت به دینم گمراه می‌گردم. خدا یا؛ مرا به مرگ جاهلیت نمیران

جَاهِلِيَّةً ، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي . اَللّٰهُمَّ فَكَمَا

و پس از آن که هدایتیم نمودی قلبم را دچار انحراف و تردید مساز. ای خدا؛ همان گونه

هَدَيْتَنِي لِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وِلَاةٍ

که مرا به ولایت و دوستی آن کس که طاعتش را بر من واجب نمودی - یعنی: سرپرستان

أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَّى عَلَيْهٖ وَآلِهٖ ، حَتَّىٰ

امرت پس از رسول گرامیت که درود تو بر او و آل او باد - رهنمون شدی، تا

وَالْيَتِ وِلَاةَ أَمْرِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي

صاحبان حقیقی خلافت و والیان امرت یعنی: امیر مؤمنان علی بن ابی

طَالِبٍ ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا

طالب، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر،

وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ

موسی، علی، محمد، علی، حسن و حجت

الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَّى عَلَيْكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . اَللّٰهُمَّ

قائم مهدی - که درودهای تو بر همه آنان باد - را دوست بدارم. ای خدا؛

تَبَتَّنِي عَلَى دِينِكَ ، وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ ، وَلَيِّنْ

مرا بر دین خودت ثابت بدار، و مرا بر طاعت خویش بکار گیر، و قلبم را

قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ ، وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ ،

برای صاحب امرت مطیع و نرم کن، و مرا در عرصه‌های امتحان‌هایی که از بندگانت به عمل می‌آوری عافیت ببخش،

وَتَبَتَّنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ ، الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنِّي

و در فرمان‌برداری از صاحب فرمانت استوارم ساز؛ همان کسی که از

خَلْقِكَ ، فَبِإِذْنِكَ غَابَ عَنِّي بَرِيَّتِكَ ، وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ،

بندگانت پنهانش گرداندی؛ پس با اجازه تو از میان خلق پنهان شد، و منتظر فرمان توست؛

وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلَّمٍ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرِي

در حالی که تو آگاهی - بدون اینکه کسی تو را آگاه کند - به زمانی که در آن کار ولایت را اصلاح

وَلِيَّتِكَ ، فِي الْأُذُنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِرِّهِ ،

فرمایی، و آن وقت به او اجازه فرمایی که امرش را آشکار نماید و از اسرارش پرده بردارد.

وَصَبَّرْنِي عَلَى ذَلِكَ ، حَتَّىٰ لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا

و مرا بدان شکيبا فرما تا شتاب در چیزی را نخواهم که تو تأخیرش را

أَخَّرْتَ ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ ، وَلَا أَكْشِفَ عَمَّا

می‌خواهی، و تأخیر چیزی را مطالبه نکنم که تو تعجیلش را اراده نموده‌ای، و پرده برندارم از آنچه

سَتَرْتَ ، وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَ ، وَلَا أَنَاذِعَكَ فِي

تو پنهانش کرده‌ای، و چیزی را کاوش نکنم که تو پوشیده‌اش فرموده‌ای، و نسبت به تدبیر تو (در کار عالم)

تَدْبِيرِكَ ، وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ

با تو نزاع و مجادله نکنم، و در برابر اراده تو چون و چرا نکنم، و نکویم که چه شده و چرا صاحب الامر



لَا يَظْهَرُ وَقَدْ اِمْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ، وَأَفْوَضَ

ظهور نمی‌کند - با این که زمین پر از ظلم و ستم گشته است؟! - (بلکه)

أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي وَلِيِّ

همه کارها و امور عالم را به محضر مقدّس تو وامی‌گذارم. بارخدا یا؛ از تومی خواهم که جمال صاحب

أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ

امرت را آشکارا به من بنمایانی در حالی که امرش در عالم، نافذ است؛ با علم و آگاهی به این که سلطنت،

وَالْقُدْرَةَ، وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ، وَالْمَشِيئَةَ وَالْحَوْلَ

قدرت، برهان، دلیل رسا، مشیت نافذه، نیرو

وَالْقُوَّةَ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى

و توانایی واقعی از آن توست. پس این لطف را به من و به همه مؤمنان بفرما تا

تَنْظُرَ إِلَيَّ وَلِيَّتِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ،

به ولایت - که درود تو بر او و آل او باد - آشکارا بنگریم، در حالی که با گفتار آشکار

وَاضِحِ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ، شَافِيًا مِنَ

و دلالت روشنش، از گمراهی به راه هدایت رهنمون شویم، و از

الْجَهَالَةِ، وَأَبْرِزْ يَا رَبِّ مُشَاهَدَتَهُ، وَتَبَّتْ قَوَاعِدُهُ،

جهالت نجات پیدا کنیم. پروردگارا؛ مشاهده او را آشکار فرما، و پایه‌های حکومتش را محکم گردان،

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْهِ، وَأَقْمِنَّا بِخِدْمَتِهِ،

و ما را از کسانی قرار ده که با دیدن جمالش، چشمش روشن گردد، و ما را به خدمت او بیا دار،

وَتَوَقَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ . اللَّهُمَّ أَعِذْهُ

و بر ملت و آیین او بمیران، و روز قیامت نیز در گروه او محشور فرما. خدا یا؛ پناه بده او را

مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ، وَذَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ

از شرّ هر چه خلق کردی و پدید آوردی، آفریدی و ایجاد کردی،

وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ

و صورت و شکل بخشیدی، و حفظ فرما او را از مقابلش، پشت سرش،

يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ

سمت راست و چپش، و از بالای سرش و زیر پایش، به نگهداری و حفظی

الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ

که وقتی کسی را به آن گونه حفظ کنی ضایع و تباہ نمی‌شود، و با حفظ وجود او پیامبرت

وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . اللَّهُمَّ وَمُدَّ فِي

و وصی پیامبرت را - که درود بر ایشان باد - را حفظ کن. خداوند! عمرش را طولانی کن،

عُمُرِهِ، وَزِدْ فِي أَجَلِهِ، وَأَعِزَّهُ عَلَى مَا وَلَّيْتَهُ

و بر مدت زندگانش بیفزای، و در ولایت و حکومتی که بدو عنایت کردی و واگذار نمودی

وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِي

و نگهدار ساختی کمکش فرما، و در کرامتت نسبت به او بیفزای؛ زیرا او هدایت‌کننده بشر

الْمُهْدِيُّ، وَالتَّقَائِمُ الْمُهْتَدِيُّ، الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الزَّكِيُّ

و هدایت یافته و قیام‌کننده برای هدایت خلق است؛ گوهر پاک، با تقوا، پاک سرشت، پاک سیرت،

النَّبِيِّ الرَّضِيِّ الْمَرْضِيِّ الصَّابِرِ الشَّكُورِ الْمُجْتَهِدِ.

صاحب مقام رضا و خشنودی، و شکیبا در بلا و مصایب، شکرگزار، مجاهد و تلاشگر است.

اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لَطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ،

خداایا! به واسطهٔ دراز شدن زمان غیبتش

وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا، وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ،

و قطع شدن خبرش از ما، یقین ما را زایل مگردان؛ و از یاد ما مبر یادش را و انتظارش را،

وَالْإِيمَانَ بِهِ، وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ، وَالِدُعَاءَ لَهُ

و ایمان به او را، و یقین استوار بر ظهورش را، و دعا کردن برای (وجود نازنینش)،

وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يَقْطُنَا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ

و درود فرستادن (بر آن حضرت) را؛ تا طولانی شدن زمان غیبتش

[ظُهُورِهِ] وَ[قِيَامِهِ، وَيَكُونَ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيَقِينُنَا

ما را از ظهور و قیام بر حقیقتش ناامید نسازد؛ و یقین و باور ما به قیام او و ظهور او همانند یقین ما

فِي قِيَامِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا جَاءَ

به قیام پیامبر خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - و

بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ، وَقَوِّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ

وحی و کتاب نازل شده بر او محکم و استوار باشد. و قلب‌های ما را بر ایمان به او تقویت

بِهِ، حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَا جَ الْهُدَى

کن؛ تا به دست مبارکش راه هدایت

وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوُسْطَى، وَقَوْنَا

و شاهراه روشن و مسیر اعتدال را بپیماییم. و ما را بر اطاعت

عَلَى طَاعَتِهِ، وَثَبَّتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي

و فرمانبرداری از او نیرو بخش، و بر پیرویش ثابت بدار، و ما را در

حَزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ،

گروه او و یاران و یاورانش و کسانی که به کار او خشنودند؛ قرار بده.

وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا، وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا، حَتَّى

و این ایمان و عقیده را در زندگی و مرگ ما از ما مگیر، تا در حالی ما

تَتَوَفَّأْنَا وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ لَا شَاكِينَ وَلَا نَاكِثِينَ، وَلَا

را بمیرانی که نه دچار شک و تردید شده، و نه پیمان شکسته باشیم، و نه

مُرْتَابِينَ وَلَا مُكَذِّبِينَ. اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَيِّدْهُ

در مورد آن دودل بوده و نه آن را تکذیب کنیم. خداوندا؛ در فرجش تعجیل فرما، و

بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّمْ

با یاریت تأییدش کن، و یارانش را یاری کن، و آنان را که ترک یاری او می‌کنند ذلیل و خوار بنما، و

عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ،

هر آن‌که رودررویش به جنگ بایستد و او را تکذیب کنند نابودش کن، و حق را به واسطهٔ او آشکار نما،

وَأَمِّتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ

و ستم را به وسیلهٔ او بمیران، و بندگان مؤمنت را به واسطهٔ او از خواری و

الذُّلِّ، وَانْعَشُ بِهِ الْبِلَادَ، وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ،

ذلت برهان، و عالم را به وجودش آباد گردان، و سرکشان کافر را توسط او هلاک کن،

وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّالَّاتِ، وَذَلِّلْ [بِهِ] الْجَبَّارِينَ

و سران گمراهی را به وسیله او درهم شکن، و طغیان‌پیشگان

وَ الْكَافِرِينَ، وَأَبْرِ بِهِ الْمُتَافِقِينَ وَالتَّاكِثِينَ، وَجَمِيعَ

و کافران را (توسط او) ذلیل فرما. و همه منافقان و عهدشکنان، و تمام

الْمُخَالِفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ

مخالقان و ملحدان بی‌دین را - در شرق

وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى

و غرب عالم، در دریا و خشکی، در کوه‌ها و دشت‌ها به وسیله او هلاک فرما؛ تا

لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَاراً، وَلَا تُبْقِي لَهُمْ آثَاراً، وَطَهَّرْ

کسی از آنان وانگداری، و اثری از آنها باقی نگذاری. و سرزمین‌هایت را

مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَأَشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ. وَجَدِّدْ

از لوث وجود آنان پاک گردان، و سینه بندگانت را با هلاکت دشمنان، شفا عنایت فرما. و

بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ

آنچه از دینت محو شده است به وسیله او بازسازی کن؛ و هر آنچه از احکامت دگرگونی یافته،

حُكْمِكَ، وَغَيْرِ مَنْ سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ

و از سنت تو تغییر داده شده است اصلاح کن؛ تا دین تو به

وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيداً صَحِيحاً لَا عِوَجَ فِيهِ، وَلَا

دست مبارکش به صورت تازه و نو و صحیح اعاده گردد به گونه‌ای که هیچ کژی در آن نباشد و هیچ

بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ،

بدعتی به همراه آن نباشد تا با عدل و داد او، آتش فتنه‌های کافران را خاموش نمایی؛

فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَارْتَضَيْتَهُ

زیرا او بنده مخلص توست که برای خودت خالص گردانیدی، و

لِنُصْرَةِ دِينِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنْ

برای یاری دینت او را پسندیدی، و با علم بی‌نهایت او را برگزیدی، و از گناهان او را باز داشتی و

الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى

نگهداری کردی، و از عیب‌ها پیراسته‌اش کردی، و بر پنهانی‌ها مطلعش ساختی،

الْعُيُوبِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ،

و بر او نعمت ارزانی داشتی، و از هر گونه پلیدی پاکش گردانیدی،

وَنَقَّيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ

و از هر نوع آلودگی پاکیزه‌اش ساختی. بار خدایا؛ بر او و پدرانش

الْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَىٰ شَيْعَتِهِ الْمُنتَجِبِينَ،

- آن پیشوایان پاک - و بر پیروان نیک‌نژادش رحمت فرست؛

وَبَلِّغْهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُونَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ

و آن‌ها را به آرزوهایشان به برتر از آنچه امید دارند برسان، و این دعا را

مِنَّا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ وَرِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ، حَتَّى

از ما، خالص و به دور از شک و شبهه و ریا و سمعه قرار بده؛ آن گونه که

لَا تُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا تَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ. اللَّهُمَّ إِنَّا

با این کار، غیر تو را اراده نکنیم و از این کار، جز تو را نطلبیم. خداوند! ما

نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا، وَ غَيْبَةَ وَ لَيْتْنَا، وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ

به تو شکایت می‌بریم از فقدان پیامبران؛ و از غیبت ولی‌مان، و سختی دوران

عَلَيْنَا، وَ وُقُوعِ الْفِتَنِ بِنَا، وَ تَظَاهُرِ الْأَعْدَاءِ [عَلَيْنَا]،

بر ما، و وقوع فتنه‌های گوناگون نسبت به ما، و تظاهر و پشتیبانی دشمنان از یکدیگر علیه ما،

وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا. اللَّهُمَّ فَفَرِّجْ ذَلِكَ بِفَتْحِ

و زیادی دشمن ما و کمی جمعیت خودمان. خدایا؛ با فتح و گشایشی از جانب خویش ما را

مِنْكَ تَعَجَّلْهُ، وَ نَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ، وَ إِمَامٍ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ،

از این اندوه‌ها به سرعت رهایی بخش، و یاری با عزت و ظهور پیشوای عادل را نصیب‌مان فرما؛

إِلَهَ الْحَقِّ [آمِينَ] رَبَّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ

ای خدای به حق، و پروردگار جهانیان؛ این دعا را اجابت کن. خدایا؛ از درگاہت می‌خواهیم که

تَأْذَنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ، وَ قَتْلِ

به ولایت اجازه دهی تا عدلت را در میان خلقت آشکار نماید، و

أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ

دشمنانت را در سرزمین‌هایت هلاک گرداند؛ تا هیچ پایگاه و رکنی برای ستم باقی‌نگذاری ای پروردگار

دِعَامَةً إِلَّا قَصَمَتَهَا، وَلَا بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةً إِلَّا

مین؛ و همه پایگاههای آنان را درهم شکنی، و بقایای آنان را نابود گردانی، و نیروهایشان را

أَوْهَنْتَهَا، وَلَا رُكْنَاً إِلَّا هَدَمْتَهُ، وَلَا حَدّاً إِلَّا فَلَطْتَهُ، وَلَا

سست نمایی، و پایه‌های آن‌ها را ویران سازی، و تیزی و سختی آن‌ها را کند و بی‌اثر گردانی، و

سِلَاحاً إِلَّا أَكَلَلْتَهُ، وَلَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا، وَلَا شُجَاعاً

سلاحشان را از کار بیندازی، و پرچم آن‌ها را سرنگون سازی، و شجاعان آن‌ها را

إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشاً إِلَّا خَذَلْتَهُ، وَ أَرْمِهِمْ يَا رَبِّ

نابود کنی، و سپاهشان را شکست‌خورده و خوار سازی. پروردگارا؛

بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ، وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ،

سنگ نابودکننده‌ات را به سوی ایشان رها کن، و شمشیر برآنت را بر ایشان فرود آور،

وَبَأْسِكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، وَ عَذْبٍ

و آنها را دچار عذابی کن که هر گروه مجرم از آن رهایی ندارند. و

أَعْدَائِكَ، وَ أَعْدَاءَ دِينِكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلِّوْا تُكَ

و دشمنانت و دشمنان دین و پیامبرت - درود تو

عَلَيْهِ وَ آلِهِ، بِيَدِ وَلِيِّكَ، وَ أَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ.

بر او و آل او باد - را به دست ولایت و بندگان مؤمنت، معذب فرما.

اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَ حُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ،

خداوند! ولی و حجت خویش را بر زمین از ترس دشمنانش،

وَكَيْدٌ مِّنْ كَادِهِ، وَامْكُرُ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ

و از مکر حيله‌گران کفایت فرما، و با آن کسی که با او مکر کند مکر کن، و حلقه

السَّوِّءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، وَاقْطَعْ عَنْهُ مَا دَتَّتْهُمْ،

بدی را برای بدخواهانش قرار بده، و اصل و اساس آن‌ها را از وجود مقدّسش قطع کن،

وَأَرْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ، وَزَلْزِلْ [لَهُ] أَقْدَامَهُمْ، وَخُذْهُمْ

و ترس و هبیتش را در دل‌های ایشان ایجاد گردان؛ و قدم‌هاشان را سست و لرزان قرار ده، و به قهر

جَهْرَةً وَبِعْتَةً، وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَأَخْزِهِمْ فِي

ناگهانیت بطور آشکار گرفتارشان کرده و عذابت را بر آن‌ها شدید نما، و در بین بندگانت خوار و

عِبَادِكَ، وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ، وَأَسْكِنَهُمْ أَسْفَلَ

دل‌یشان فرما، و در میان شهرها آن‌ها را مورد لعن قرار بده، و در پست‌ترین نقطه

نَارِكَ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَأَصْلِهِمْ نَارًا،

جهنّم سکونت‌شان بده، و اطراف آن‌ها را با سخت‌ترین عذابت احاطه کن، و به آتش دوزخ بيفکن،

وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ،

و قبرهای مردگان آن‌ها را پر از آتش گردان، و حرارت و سوزندگی آتش را به آن‌ها بچشان؛

فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ، وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ، وَأَصَلُّوا

زیرا آن‌ها نماز را تباه کردند، از شهوت‌ها پیروی کردند، و بندگانت را گمراه ساختند.

عِبَادَكَ. أَللَّهُمَّ وَأَخِي بُولِيكَ الْقُرْآنَ، وَأَرِنَا نُورَهُ

خدا یا؛ با وجود ولّیت (صاحب الامر علیه السلام) قرآن را زنده کن، و نور جمال او را به طور دائم و همیشگی

سَرْمَدًا، لَا ظُلْمَةَ فِيهِ، وَأَخِي [بِهِ] الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ،

به ما بنمایان؛ به گونه‌ای که هرگز تاریکی گردد آن نور را نگیرد. و به واسطه او قلب‌های مرده را حیات

وَأَشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَاغِرَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ

بخش، و سینه‌های سوخته را شفا بده، و هواهای گوناگون و نظرات

الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمَعْطَلَةَ،

مختلف را با رأی او بر محور حقّ جمع بگردان. و حدود الهی تعطیل‌شده

وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا

و احکام ترک‌شده را به وسیله او برپا بدار؛ تا حقّی نماند مگر این که ظاهر گردد، و

عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَمُقَوِّبَةِ

عدلی نماند مگر این که درخشنده شود. بارپروردگارا؛ ما را از یاران او و تقویت‌کنندگان

سُلْطَانِهِ وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ،

حکومتش و فرمان‌بران دستورش و از آنانی که به کار آن حضرت خشنود هستند،

وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ

و در برابر احکام و فرامین او تسلیمند، و نیازی به تقیه‌کردن از آنها در میان بندگانت ندارد قرار ده.

مِنْ خَلْقِكَ، أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضَّرَّ،

ای پروردگارا؛ تو هستی که هر اندوه و بلایی را برطرف می‌کنی، و هر

وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ، وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ

مضطرّ بیچاره‌ای را که تو را بخواند، اجابت می‌فرمایی، و از سختی و اندوه بزرگ نجاتش می‌دهی؛

الْعَظِيمِ، فَاکْشِفِ الضُّرَّ عَنِّي وَوَلِيَّكَ، وَاجْعَلْهُ خَلِيفَتَكَ

پس ناراحتی را از وجود ولایت برطرف کن و او را جانشینت

فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ. اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ

در زمینت قرار ده؛ همان گونه که این امر را تضمین فرموده‌ای. خداوند! مرا از

خُصْمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ

خصومت‌گران آل محمد - که سلام و درود بر آنها باد - قرار مده، و مرا در زمره

أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ

دشمنان آل محمد - که سلام و درود بر آنها باد - مقرر نکن؛ و مرا از انانی قرار مده که نسبت

أَهْلِ الْحَقِّ وَالْعَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ،

به آل محمد - که سلام و درود بر آنها باد - کینه و خشم دارند؛

فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ

چرا که من از این امر به تو پناه می‌برم پس پناهم ده، و از تو امان می‌طلبم

فَأَجِرْنِي. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

پس امانم بده. خدایا! بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست،

وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنْ

و مرا در دنیا و آخرت به واسطه ایشان از رستگاران و مقربان درگاهت

الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

قرار ده. ای پروردگار جهانیان؛ این دعاها را اجابت فرما.

۱. جمال الأسبوع: ۳۱۵. و در مصباح المتهجد: ۴۱۱. و مصباح الزائر: ۴۲۵ با اندکی تفاوت.



## دعای دیگر در زمان غیبت

سید بسزرگوار علی بن طاووس رحمته الله در «مهج الدعوات»

می‌فرماید:

به سند خود روایت می‌کنم از محمد بن احمد جعفی حدیثی

را که او با سند خویش روایت نموده است و در آن، از غیبت

حضرت مهدی ارواحنا فداه یاد کرده است.

گفتم: شیعه باید در آن زمان چه کند؟ فرمود:

بر شما باد دعا کردن و انتظار فرج؛ زیرا به زودی برای شما

نشانه‌ای آشکار خواهد شد و هرگاه نشانه بر شما آشکار

گشت خدای را سپاس گوئید، و بدان تمسک جوئید.

گفتم: چه دعایی بخوانیم؟

فرمود: می‌گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَفْتَنِي نَفْسِكَ، وَعَرَفْتَنِي رَسُولَكَ،

خدایا؛ تو خود را به من شناساندی و فرستاده‌ات را به من معرفی کردی،

وَعَرَفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَعَرَفْتَنِي نَسَبِيكَ، وَعَرَفْتَنِي

و فرشتگانت را شناساندی و پیامبرت را معرفی کردی و

وَلَاةَ أَمْرِكَ . اللَّهُمَّ لَا آخِذَ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ ، وَلَا وَاقِيَ

سرپرستان امرت را به من شناساندی . خدا یا ؛ گیرنده (عطایی) نیست مگر آنچه را تو عطا کنی ، و

إِلَّا مَا وَقَيْتَ . اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّبْنِي عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيَائِكَ ،

بازدارنده‌ای نیست جز از آنچه تو باز داری . خداوندا ؛ مرا از مرتبه و جایگاه اولیای پنهان مدار ،

وَلَا تُرِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي . اللَّهُمَّ اهْدِنِي لَوْلَايَةِ

و قلبم را پس از هدایت دچار انحراف مگردان . خدا یا ؛ مرا به ولایت کسی راهنمایی کن

مَنْ أَفْتَرَضَتْ طَاعَتَهُ ۱ .

که طاعتش را بر من واجب گردانیدی .



دعای دیگری نیز در زمان غیبت

شیخ کلینی رحمته الله از زراره ، و او از امام صادق علیه السلام روایتی را نقل

می‌کند که مضمون آن چنین است :

چاره‌ای برای او نیست مگر این که غایب شود .

من گفتم : چرا چنین است ؟

حضرت فرمودند : می‌ترسد - و با دست مبارکش به شکمش

اشاره فرمود - و او جوان امام منتظر می‌باشد که انتظارش را

باید کشید ، و او کسی است که مردم در ولاتش شک

می‌کنند ، پس عده‌ای از آنان می‌گویند که ایشان هنوز متولد

نشده است و عده‌ای دیگر می‌گویند که پدر ایشان از دنیا

رفته و جانشینی نداشته است و گروه دیگری می‌گویند که

ایشان دو سال قبل از فوت پدرشان به دنیا آمده است .

زراره گفت : به حضرت گفتم : اگر آن زمان را درک کردم ، به

چه چیزی مرا امر می‌کنید ؟ فرمود :

خدا را به این دعا بخوان :

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ

بار خدا یا ؛ خودت را به من بشناسان ، پس اگر تو خودت را به من نشناسانی ، من هرگز

أَعْرِفُكَ . اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَبِيَّكَ ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي

تو را نمی‌توانم بشناسم ، بار خدا یا ؛ پیامبرت را به من بشناسان ، پس اگر تو پیامبرت را به من

نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْهُ [قَطُّ] . اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ، فَإِنَّكَ

شناسانی ، من هرگز نمی‌توانم او را بشناسم ، بار خدا یا ؛ حجت خودت را به من بشناسان ، پس اگر

إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي ۱ .

تو او را به من نشناسانی ، از دین خود گمراه می‌شوم .



### دعای غریق در زمان غیبت

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مہج الدعوات» از عبدالله بن سنان نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمودند: به زودی شبہہای شما را فرا می‌گیرد، پس شما بدون راهنما و امامی ہدایت کنندہ باقی خواهید ماند و نجات پیدا نمی‌کند، مگر کسی کہ بہ وسیلہ «دعای غریق» خدا را بخواند.

عبدالله بن سنان گفت: دعای غریق چگونه است؟  
حضرت فرمودند: می‌خوانی:

**يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ**

ای خدا، ای مہربان، ای بخشندہ، ای دگرگون‌کنندہ قلبہا، قلب مرا بر دین خود

**قَلْبِي عَلَي دِينِكَ .**

(و لزوم پیروی از آن) ثابت بدار.

پس گفتم: **يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ .**  
ای دگرگون‌کنندہ قلبہا و دیدہ‌ها؛ قلب مرا در پیروی از دین خود استوار کن.

پس حضرت فرمودند:

همانا خداوند بلند مرتبہ، «دگرگون‌کنندہ قلبہا و دیدہ‌ها می‌باشد»، ولی تو آن طور کہ من می‌خوانم، بخوان، یعنی بہ این صورت: **يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ .**

سید رحمہ اللہ می‌فرماید: شاید مراد از فرمایش حضرت در مورد «الأبصار» این باشد کہ دگرگونی قلب‌ها و دیدہ‌ها مربوط بہ قیامت است؛ بہ خاطر این کہ ترس و وحشت در آن روز بسیار شدید می‌باشد ولی ترس در زمان غیبت، از دگرگون شدن دل‌ها است نہ دیدہ‌ها.<sup>۱</sup>



### دعای نجات از فتنہ‌های آخر الزمان

در کتاب «سلاح المؤمنین» این دعا برای رهایی و نجات از فتنہ‌های آخر الزمان نقل شدہ است:

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

بہ نام خداوند بخشندہ مہربان

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ،**

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را نزدیک فرما،

۱. مہج الدعوات: ۳۹۶.



يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هفت مرتبه تکرار شود). اَللّٰهُمَّ عَمَّ

ای مهربان ترین مهربانان خدا یا؛

أَعْدَاءِ آلِ نَبِيِّكَ وَظَالِمِيهِمْ وَأَعْدَاءِ شَيْعَتِهِمْ، وَأَعْدَاءِ

بدی و بدبختی را بر سر دشمنان و ستمگران بر آل پیامبر و دشمنان

مَوَالِيهِمْ بِالشَّرِّ عَمَّا، وَطَمَّهِمْ بِالشَّرِّ طَمًّا، وَأَطْرَقَهُمْ

شیعیان و موالیان آنان فرود آور، و بر آنان فراگیر کن، و آنان را در یک شب درهم بکوب

بِلَيْلَةٍ لَا أُحْتَلُّهَا، وَسَاعَةٍ لَا مَنَاجِيَّ مِنْهَا، وَأَنْتَقِمُ

که نظیری نداشته باشد، و در یک ساعت آنان را درهم بکوب که محل نجاتی برای آنان نباشد و

مِنْهُمْ أَنْتِقَامًا عَاجِلًا، وَأَحْرِقْ قُلُوبَهُمْ بِنَارِ غَضَبِكَ.

از آنان به زودی انتقام بگیر و قلبهایشان را با آتش غضب خودت بسوزان.

اَللّٰهُمَّ شَتَّتْ شَمْلَهُمْ، وَفَرَّقْ جَمْعَهُمْ، وَقَلِّبْ تَدْبِيرَهُمْ

خدا یا؛ اجتماع آنان را پراکنده و جمع ایشان را متفرق ساز، و چاره اندیشی ها و نقشه های آن ها را دگرگون کن،

وَنَكِّسْ أَعْلَامَهُمْ، وَخَرِّبْ بُنْيَانَهُمْ، وَقَرِّبْ آجَالَهُمْ،

و پرچم های شان را واژگون فرما و ریشه و بنیان آنها را برکن، و زمان مرگ آنان را نزدیک فرما،

وَأَلِّقْ بِأَسْهُمِ بَيْنَهُمْ، وَاجْعَلْنَا مِنْ بَيْنِهِمْ سَالِمِينَ،

و سختی های شان را بین خودشان بینداز، و ما را در بین آنان سالم و محفوظ بدار،

وَخُذْهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ. اَللّٰهُمَّ أَلِقِ الْأَوْجَاعَ

و آنان را گرفتار کن گرفتار شخصی قدرتمند باقتدار. بارخدا یا؛ دردها

وَالْأَسْقَامَ فِي أَبْدَانِهِمْ، وَضَيِّقْ مَسَالِكَهُمْ، وَاسْلُبْهُمْ

وبیماری ها را بر بدن های آنان مسلط فرما و راه های آنان را تنگ نما و کشورهای تحت سلطه آنها را از

مَمَالِكَهُمْ، وَحَيِّرْهُمْ فِي سُبُلِهِمْ، واقطع عنهم المدد،

دست ایشان خارج کن، و آنان را در راهها و نقشه های شان متحیر و سرگردان کن و کمک رسانی را از ایشان قطع

وَأَنْقِضْ مِنْهُمْ الْعِدَّةَ. اَللّٰهُمَّ واحفظ موالی آل بیت

کن، و تعداد آنان را کم کن. بار خدا یا؛ دوستان اهل بیت

نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ شُرُورِهِمْ، وَسَلِّمْتُمْ مِنْ

رسولت - که بر آنان درود باد - را از شرّ آنان محفوظ بدار، و آنها را از

مَكْرِهِمْ، وَخَدَعِهِمْ وَضُرِّهِمْ، وَأَنْصُرْهُمْ عَلَيْهِمْ

مکر و خدعه و نیرنگ و زیان آنان سالم نگه دار، و آنها را با کمک خود بر آنان

بِنَصْرِكَ، واجمع كلمتهم، وألف جمعهم، ودبر

پیروز فرما، و بین ایشان وحدت و یکپارچگی برقرار فرما، و جمع ایشان را گردآوری کن، و

أَمْرَهُمْ، وَعَرَّفْهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَعَلِّمْتُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ

امور ایشان را تدبیر فرما، و آنها را با آنچه آشنایی ندارند، آشنا فرما؛ و آنچه را نمی دانند، به آنها بیاموز؛

وَبَصِّرْهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ، وَأَعْلِ كَلِمَتَهُمْ، وَاجْعَلْهَا

و با آنچه که نسبت به آن بصیرت و آگاهی ندارند، آگاه فرما؛ و حکم و اراده ایشان را والا و آن را

اَلْعُلْيَا، وَاجْعَلْ كَلِمَةَ الْأَعْدَاءِ السُّفْلَى. ۱

برتر قرار بده، و حکم و اراده دشمنان را پایین تر قرار بده.

۱. سلاح المؤمنین : ۵۹.

دعای فرج (الهی عظم البلاء)

مرحوم کفعمی در کتاب «البلد الامین» دعایی را برای حضرت امام زمان ارواحنا فداه نقل می‌فرماید که آن حضرت آن دعا را به مردی که زندانی بود یاد می‌دهند و بعد از خواندن، او از زندان آزاد می‌شود:

إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ،

بار خدایا؛ بلا و مصیبت بزرگ شد و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار شد) و پرده (از کار ما) برداشته شد

وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ، وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ،

و امید قطع شد و زمین (بر ما) تنگ آمد و آسمان (رحمتش را از ما) دریغ کرد

وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، وَإِلَيْكَ الْمُسْتَكِي، وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ

و تنها تویی که از تو یاری خواسته می‌شود و شکایت نزد تو آورده می‌شود و

فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

در سختی و سستی بر تو اعتماد می‌شود. خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست

مُحَمَّدٍ، أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ،

همان صاحبان امری که اطاعت آنها را بر ما واجب کردی

وَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا

و به این وسیله، مقام و منزلت آنان را برای ما شناساندی، پس به حق آنان برای ما گشایش

عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا

فوری و نزدیکی چون چشم بر هم زدن یا نزدیکتر از آن مرحمت فرما، ای محمد؛ ای علی؛ ای

عَلِيَّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ،

علی؛ ای محمد؛ مرا کفایت کنید که همانا شما کفایت‌کنندگان من هستید

وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ

و مرا یاری کنید که همانا شما یاری‌کنندگان من هستید، ای مولای ما، ای صاحب

الزَّمَانِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي

الزمان؛ به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس، مرا دریاب، مرا دریاب،

أَدْرِكْنِي، أَلْسَاعَةَ السَّاعَةِ السَّاعَةَ، أَلْعَجَلَ الْعَجَلَ

مرا دریاب، هم اکنون، هم اکنون، هم اکنون، به شتاب، به شتاب،

أَلْعَجَلَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

به شتاب، ای مهربان‌ترین مهربانان، به حق حضرت محمد و آل

الطَّاهِرِينَ ۱.

پاکش.

دعا در ساعت مخصوص

به آن حضرت ارواحنفاذ

در کتاب «مفتاح الفلاح» این دعا برای ساعت مخصوص امام زمان ارواحنفاذ در هر روز نقل شده است:

اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ، وَالْمِهَادِ الْمَوْضُوعِ،

بارالها؛ ای به وجود آورنده آسمان برافراشته، و زمین گسترده؛

وَرَاذِقَ الْعَاصِي وَالْمُطِيعِ، الَّذِي لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ

ای روزی بخش گناهکار و فرمانبر؛ ای کسی که هیچ سرپرستی ندارد، و کسی جز

وَلِيِّ وَلَا شَفِيعٍ. أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي إِذَا سُمِّيَتْ

او قادر به شفاعت نیست؛ از تو درخواست می‌کنم، به واسطه نام‌هایت که اگر

عَلَى طَوَارِقِ الْعُسْرِ عَادَتْ يُسْرًا، وَإِذَا وُضِعَتْ

بر راه‌های صعب و دشوار خوانده شود، آسان می‌گردند؛ و اگر

عَلَى الْجِبَالِ كَانَتْ هَبَاءً مَنثورًا، وَإِذَا رُفِعَتْ إِلَى

بر کوه‌ها نهاده شود، از هم پاشیده و پراکنده می‌شوند؛ و اگر به سوی آسمان بالا برده شود،

السَّمَاءِ تَفْتَحَتْ لَهَا الْمَعَالِقُ، وَإِذَا هُبِطَتْ إِلَى

تمامی بسته‌ها فرارویش گشوده شوند؛ و اگر به

ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ اتَّسَعَتْ لَهَا الْمَضَائِقُ، وَإِذَا دُعِيَتْ

تاریکی‌های زمین فرو فرستاده شود، تمامی تنگی‌ها فرا رویش گسترده شوند؛ و اگر

بِهَا الْمَوْتَى انْتَشَرَتْ مِنَ اللَّحُودِ، وَإِذَا نُودِيَتْ بِهَا

بر مردگان خوانده شود، از قبرها به درآیند؛ و اگر بر نیست و

الْمَعْدُومَاتُ خَرَجَتْ إِلَى الْوُجُودِ، وَإِذَا ذُكِرَتْ عَلَى

نابودشدگان دمیده شود، به عرصه وجود درآیند؛ و اگر بر دل‌ها یادآوری شود،

الْقُلُوبِ وَجَلَّتْ خُشُوعًا، وَإِذَا قَرِعَتِ الْأَسْمَاعُ

از روی خشوع به لرزه درآیند؛ و اگر بر گوش‌ها خوانده شوند، اشک شوق از

فَاضَتْ الْعُيُونُ دُمُوعًا. أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ

دیدگان سرازیر خواهد شد. از تو درخواست می‌کنم به واسطه حضرت محمد ﷺ رسول و

الْمُؤَيَّدِ بِالْمُعْجَزَاتِ، الْمَبْعُوثِ بِمُحْكَمِ الْآيَاتِ،

فرستاده‌ات که با معجزه‌هایت او را تأیید نمودی، و او را با نشانه‌های محکم و استوار برانگیختی،

وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، الَّذِي اخْتَرْتَهُ

و از تو درخواست می‌کنم به واسطه امیر مؤمنان علی بن ابی طالب؛ که

لِمُؤَاخَاتِهِ وَوَصِيَّتِهِ، وَاصْطَفَيْتَهُ لِمُصَافَاتِهِ

برای برادری و جانشینی آن حضرت اختیار کردی، و او را برای دوستی خالص

وَمُصَاهَرَتِهِ، وَبِصَاحِبِ الزَّمَانِ الْمَهْدِيِّ، الَّذِي

ودامادی پیامبرت، برگزیدی، و نیز به واسطه حضرت مهدی -صاحب زمان و روزگار- از تو درخواست

تَجْمَعُ عَلَي طَاعَتِهِ الْآرَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ، وَتُوَلِّفُ بِهِ بَيْنَ

می‌کنم همان عزیزی که دیدگاه‌های پراکنده را بر فرمان برداری از او گرد می‌آوری؛ و به واسطه او

الْأَهْوَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ، وَتَسْتَخْلِصُ بِهِ حُقُوقَ أَوْلِيَائِكَ،

خواسته‌های مختلف را به هم پیوند می‌دهی؛ و حق دوستانت را به واسطه اوباز می‌ستانی و بر می‌گردانی؛

وَتَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ شَرِّ أَعْدَائِكَ، وَتَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا

و از بدترین دشمنانت، به واسطه آن بزرگوار انتقام می‌گیری؛ و به وسیله او، زمین را پر از عدل و داد

وَإِحْسَانًا، وَتُوسِّعُ عَلَي الْعِبَادِ بِظُهُورِهِ فَضْلًا

و نیکی می‌کنی؛ و با ظهور او، فضل و احسانت را بر بندگانت توسعه می‌دهی و فراوان

وَإِمْتِنَانًا، وَتُعِيدُ الْحَقَّ إِلَى مَكَانِهِ عَزِيزًا حَمِيدًا،

می‌گردانی؛ و حق و راستی را به جایگاه او در حالی که عزیز و نیرومند و ستوده باشد باز می‌گردانی؛

وَتُرْجِعُ الدِّينَ عَلَي يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا، أَنْ تُصَلِّيَ

و دین و آیین راستین خود را به دست باکفایت او تر و تازه می‌گردانی. (از تو می‌خواهم) که

عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، فَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ،

بر محمد و آل محمد درود بفرستی، واقعتاً آن است که من ایشان را شفیع خود ساخته‌ام

وَقَدَّمْتُهُمْ أُمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي، وَأَنْ

و آنان را پیشاپیش خود و پیشاپیش حوائج من به درگاه تو آورده‌ام، تا خواسته‌هایم را برآورده سازی،

تُوزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ، فِي التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِ،

و (از تو می‌خواهم) سپاسگزاری نعمت خودت را نصیب کنی؛ در اینکه مرا به شناخت آن حضرت توفیق داده

وَالْهِدَايَةِ إِلَى طَاعَتِهِ، وَتَزِيدَنِي قُوَّةً فِي التَّمَسُّكِ

و به فرمان‌بری از او رهنمون گشته‌ای، و نیرویم را برای چنگ زدن

بِعِصْمَتِهِ وَالْإِقْتِدَاءِ بِسُنَّتِهِ، وَالْكَوْنِ فِي زُمْرَتِهِ،

به نگهداری ویژه او و پیروی از روش‌های او، و بودن جزو همراهان و یارانش فزونی بخشی.

إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱.

راستی که تو شنوای دعا هستی، به خاطر مهربانیت، ای مهربان‌ترین مهربانان.



### دعای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه

سید بزرگوار، علی بن طاووس رحمته الله در «مهج الدعوات» این دعای

را از جمله دعا‌های امام زمان ارواحنا فداه نقل کرده است:

إِلٰهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ، وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ

خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم به حق هر کسی که با تو نجوا کرده است، و به حق هر کسی که در

وَالْبَحْرِ، تَفَضَّلْ عَلَي فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

خشکی و دریا تو را خوانده است؛ که نسبت به مردان و زنان فقیر مؤمن لطف کنی و

بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ، وَعَلَي مَرَضَى الْمُؤْمِنِينَ

توان‌گری و دارائی را روزیشان گردانی؛ به مردان و زنان مریض مؤمن،

۱. مفتاح الفلاح: ۴۹۸، المصباح: ۱۹۴ (با اندکی تفاوت).

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشُّفَاءِ وَالصُّحَّةِ ، وَعَلَى أَحْيَاءِ

شفا و سلامتی ارزانی بدار؛ و به مردان و زنان مؤمن که در قید

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ ، وَعَلَى

حیات هستند نیکی و بزرگواریت را مرحمت کنی؛

أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ ،

و به مردگان مؤمن - اعم از زن و مرد - آمرزش و رحمت (گستردهات) را ببخشایی؛

وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَى

و غریبان مؤمن را - اعم از زن و مرد - در کمال

أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ ، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ . ۱

سلامتی و بهره‌مندی، به وطن‌هاشان بازگردانی؛ به واسطه حضرت محمد و آل او.



دعای سهم اللیل ، از امام زمان ارواحنا فداه

این دعا از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه روایت شده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزِيزِ تَعَزُّزِ اعْتِزَّازِ عِزَّتِكَ ،

خدایا؛ همانا از تو درخواست می‌کنم به واسطه عزتمندی راستین و عزت‌بخشت؛

۱. مهج الدعوات: ۳۵۲.

بَطُولِ حَوْلٍ شَدِيدِ قُوَّتِكَ ، بِقُدْرَةِ مِقْدَارِ اقْتِدَارِ

به واسطه توانایی نیروی بزرگ قدرتت؛ به واسطه توان اندازه‌های توانایی قدرتت؛

قُدْرَتِكَ ، بِتَأْكِيدِ تَحْمِيدِ تَمْجِيدِ عَظَمَتِكَ ، بِسُمُوِّ

به واسطه بزرگیت که بسی جای سپاس و شکوهمندی حقیقی دارد؛ به واسطه رفعت

نُمُوِّ عُلُوِّ رَفْعَتِكَ ، بِدَيْمُومِ قَيُّومِ دَوَامِ مُدَّتِكَ ،

ووالایت که بسی والا و بلندمرتبه است؛ به واسطه دایمی‌بودنت که مدتت بسی پایدار و استوار است؛

بِرِضْوَانِ غُفْرَانِ أَمَانِ رَحْمَتِكَ ، بِرَفِيعِ بَدِيعِ مَنِيَعِ

به واسطه خشودی آمرزش که امنیت رحمتت را به همراه می‌آورد؛ به واسطه پادشاهی نوآور و استوارت که

سَلْطَنَتِكَ ، بِسُعَاةِ صَلَاةِ بِسَاطِ رَحْمَتِكَ ، بِحَقَائِقِ

بسیار والامرتبه است و با همه متفاوت و از همه بهتر است؛ به واسطه گستره رحمت تو به کوشندگان نماز؛ به واسطه

الْحَقِّ مِنْ حَقِّ حَقِّكَ ، بِمَكْنُونِ السَّرِّ مِنْ سِرِّ سِرِّكَ ،

حقیقت حق تو که دارای حقایق راستین است؛ به واسطه آن بخش از راز و رمز ویژه‌ات که آن را نیز در پرده راز

بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عِزِّ عِزِّكَ ، بِحَنِينِ أَنْبِيِّ تَسْكِينِ

نهادی؛ به واسطه آن بخش از عزت و اقتدارت که پایه‌های عزت توست؛ به واسطه ناله‌های پنهانی و شکوه‌های

الْمُرِيدِينَ ، بِحَرَاقَاتِ خَضَعَاتِ زَفَرَاتِ الْخَائِفِينَ ،

ارادتمندان؛ به واسطه آه‌های آتشین و فروتنانه کسانی که از تو می‌ترسند؛

بِأَمَالِ أَعْمَالِ أَقْوَالِ الْمُجْتَهِدِينَ ، بِتَخَشُّعِ تَخَضُّعِ

به واسطه آرزوها، کارها، گفتار کوشش‌کنندگان؛ به واسطه خشوع و خضوع شکیبایان که در

تَقَطُّعَ مَرَارَاتِ الصَّابِرِينَ ، بِتَعَبُدِ تَهَجُّدِ تَمَجُّدِ تَجَلُّدِ

هنگام تلخی‌ها از خود نشان می‌دهند؛ به واسطه عبادت‌ها، شب‌زنده‌داری‌ها و ثنا و ستایش‌گویی‌ها و نشاط کسانی

الْعَابِدِينَ . اَللّٰهُمَّ ذَهَلَتِ الْعُقُولُ ، وَاِنْ حَسَرَتِ

که به عبادت و پرستش تو مشغول‌اند؛ خدای من؛ عقل‌ها و خرده‌ها از کار افتادند، و چشم‌ها ناتوان

الْأَبْصَارُ ، وَضَاعَتِ الْأَفْهَامُ ، وَحَارَتِ الْأَوْهَامُ ،

شدند، و فهم و درک‌ها تباه شده و به نابودی گرایید، و خیال‌ها و اندیشه‌های ژرف‌نگر سرگردان

وَقَصُرَتِ الْخَوَاطِرُ ، وَبَعَدَتِ الظُّنُونُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ

شدند، و خاطر‌ها نتوانستند ادامه راه را بروند، و گمان‌ها در دور دست‌ها ناکام ماندند؛ ولی هیچ یک

كَيْفِيَّةِ مَا ظَهَرَ مِنْ بَوَادِي عَجَائِبِ أَصْنَافِ بَدَائِعِ

نتوانستند به طور کامل این را دریابند که شگفتی‌های آغازین و نوآوری‌های گوناگون

قُدْرَتِكَ ، دُونَ الْبُلُوغِ إِلَى مَعْرِفَةِ تَلَاؤِ لَمَعَانِ بُرُوقِ

قدرت چگونه است؟ و نتوانستند به این شناخت دست یابد که چگونه آسمان تو به نورافشانی و درخشندگی

سَمَايِكَ . اَللّٰهُمَّ مُحَرِّكِ الْحَرَكَاتِ ، وَمُبْدِيَّ نِهَآيَةِ

برق خود می‌پردازد. بارالها؛ ای جنباننده جنبنده‌ها؛ ای آغازگر پایان

الْغَايَاتِ ، وَمُخْرِجِ يَنَابِيعِ قُضْبَانِ النَّبَاتِ ، يَا

مقصودها؛ ای کسی که چشمه‌ها ساقه‌های گیاهان را بیرون می‌آورد؛ ای

مَنْ شَقَّ صَمَّ جَلَامِيدِ الصُّخُورِ الرَّاسِيَّاتِ ، وَأَنْبَعَ

کسی که سنگ‌های سخت و به زمین چسبیده را شکافت و از

مِنْهَا مَاءً مَعِينًا حَيَاةً لِّلْمَخْلُوقَاتِ ، فَأَحْيَى مِنْهَا

آن‌ها آبی گوارا که باعث زندگانی آفریدگان است بیرون آورد و از آن آب نیز

الْحَيَوَانَ وَالنَّبَاتِ ، وَعَلِمَ مَا اخْتَلَجَ فِي سِرِّ أَفْكَارِهِمْ

حیوان‌ها و گیاهان را زندگی بخشید؛ و آن چه را در اندیشه‌های پنهان‌شان - همانند برق -

مِنْ نُطْقِ إِشَارَاتِ خَفِيَّاتِ لُغَاتِ التَّمَلِّ السَّارِحَاتِ .

می‌گذرد آگاهی دارد، چنان که از گفتاری که مورچگان با اشاره‌های رمزی (به عنوان لغت و زبان) دارند آگاه است؛

يَا مَنْ سَبَّحَتْ وَهَلَّلَتْ وَقَدَّسَتْ وَكَبَّرَتْ وَسَجَدَتْ

ای کسی که فرشتگان هفت آسمان برای شکوه زیبایی گفتارهای بزرگ‌مرتبه

لِجَلَالِ جَمَالِ أَقْوَالِ عَظِيمِ عِزَّةِ جَبْرُوتِ مَلَكَوتِ

عزت جبروت پادشاهی استوارش، زبان به تسبیح و تهلیل

سَلْطَنَتِهِ مَلَائِكَةِ السَّمَاوَاتِ ، يَا مَنْ دَارَتْ

و تقدیس و تکبیر گشوده‌اند و به سجده افتاده‌اند؛ ای کسی که

فَأَضَاءَتْ وَأَنَارَتْ لِدَوَامِ دَيْمُومِيَّتِهِ النُّجُومِ الزَّاهِرَاتِ ،

ستارگان پر نورافشان، در برابر دایمی بودن راستین او به چرخش درآمده‌اند و به نورافشانی پرداخته‌اند؛

وَأَحْصَى عَدَدَ الْأَخْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ

ای کسی که تعداد زندگان و مردگان را می‌داند و به شماره درآورده است؛ بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْبَرِيَّاتِ ، وَأَفْعَلُ بِي كَذَا وَكَذَا .

و آل محمد - که بهترین مردم هستند - درود بی‌پایان را نثار فرما؛ و این کارم را برای من انجام بده.

و به جای «کذا و کذا» حاجات خود را مسألت می‌کنی.<sup>۱</sup>



دعای دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

این دعای شریف نیز از وجود مبارک حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه روایت شده است:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ،

بار الها؛ توفیق فرمان برداری از خودت را روزیمان گردان؛ (و نیز، توفیق) دوری از گناه و نافرمانی،

وَصِدْقَ النَّيِّتِ، وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ، وَأَكْرِمْنَا بِالْهُدَى

نیت درست و راستین، شناخت حريم ممنوعه خود را نصیب ما بفرما، و ما را با هدایت

وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ أَسِنَّتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ،

و پایداری گرمی بدار. و زبان‌های ما را با سخنان درست و حکیمانه، استوار گردان.

وَأَمَلًا قُلُوبِنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهِّرْ بَطُونَنَا مِنْ

و دل‌های ما را از علم و معرفت پر کن؛ و شکم‌های ما را از

الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ، وَاكْفُفْ أَيْدِينَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرْقَةِ

حرام و شبهه‌ناک پاک گردان؛ و دستان ما را از ستم و دزدی باز بدار؛

وَاعْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ، وَاسْدُدْ

و چشمانمان را از خیانت و تبه‌کاری فرو ببند؛ و دروازه

۱. المصباح: ۳۵۴، البلد الأمين: ۴۷۹.

أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا

گوش‌های ما را بر شنیدن مطالب بیهوده و غیبت ببند. و به عالمان ما

بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ، وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ،

زهد و خیرخواهی مرحمت کن؛ و به دانش‌پژوهان تلاش، کوشش و اشتیاق کرم کن؛

وَعَلَى الْمُسْتَمْعِينَ بِالْإِتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَى مَرْضَى

و شنوندگان را موفق به پیروی و پندپذیری بگردان، و به بیماران

الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ

مسلمان شفا و راحتی از بیماری عنایت فرما؛ و مسلمانانی را که از دنیا رفته‌اند با اغوش رأفت

وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ،

و مهربانی خاص خودت ببیز؛ و پیران ما را دارای وقار و متانت و آرامش کن؛

وَعَلَى الشُّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسَاءِ

جوانان‌مان را موفق به توبه و بازگشت به درگاهت ساز؛ و به زنان

بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ، وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضِعِ وَالسَّعَةِ،

حیا و پاکدامنی مرحمت فرما؛ و ثروت‌مندان ما را متواضع و دست‌ودل‌باز گردان؛

وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ، وَعَلَى الْغُرَاةِ

و فقیران ما را موفق کن تا شکیبایی و قناعت را پیشه کنند؛ و جنگجویان ما را

بِالنَّصْرِ وَالْغَلَبَةِ، وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ،

به پیروزی و چیرگی برسان؛ و اسیران ما را به رهایی و راحتی از دست دشمن نایل کن؛

وَعَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى الرَّعِيَّةِ

و فرمان‌فرمایان ما را دادگر و دل‌سوز گردان؛ و رعیت را نیز دارای

بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَبَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ

انصاف و خوش‌رفتاری گردان؛ و زاد و توشه حاجیان و زائران را

فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ، وَأَقْضِ مَا أُوجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ

بابرکت گردان، و موفق‌شان کن تا حج و عمره‌ای را که بر آنان واجب نموده‌ای به درستی به

وَالْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

انجام برسانند همه این‌ها را به خاطر لطف و احسان و مهربانیت بر ما ارزانی دار، ای مهربان‌ترین مهربانان.



### دعای «یا نور النور»

از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

این دعای شریف را مرحوم کفعمی در کتاب «المصباح» از

مولای مان امام زمان ارواحفاده نقل شده است:

يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي

ای روشنی‌بخش روشنی‌ها؛ ای تدبیرکننده کارها؛ ای کسی که تمام مردکان درون

الْقُبُورِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي

قبرها را برمی‌انگیزی؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست، و گشایشی برای من،

۱. البلد الأمين: ۴۸۰، المصباح: ۳۷۴.

وَلِشَيْعَتِي مِنَ الضَّيِّقِ فَرَجًا، وَمِنَ الْهَمِّ مَخْرَجًا،

و پیروان من فراهم کن تا از این تنگنا رها شویم، و از اندوه‌ها به درآییم؛

وَأَوْسِعْ لَنَا الْمَنْهَجَ، وَأَطْلِقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يُفْرِّجُ،

و مسیر و راه ما را وسیع گردان، و از نزد خودت به گونه‌ای برای ما رهایی مقرر کن که گشایشی در تمام امورمان حاصل

وَأَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ. ۱

شود؛ و آن‌گونه که تو سزاوارش هستی - ای بزرگوار؛ - با ما رفتار کن.

در روایت است که:

هر کس این دعا را همیشه بخواند، با امام عصر صلوات الله علیه

محشور خواهد شد. ۲



### دعای دیگر از امام زمان ارواحفاده

برای رفع مشکلات

این دعای شریف برای رفع مشکلات، در کتاب «قصص

الأنبياء» از مولایمان حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه نقل

شده است:

۱. المصباح: ۴۰۷، جنات الخلود: ۴۱، ضياء الصالحين: ۵۳۳، الجنة الواقية والجنة الباقية

۲. منتخب الأثر: ۵۲۱.

(مخطوط): ۵۹.



يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الْأُمُورُ فَتَحَ لَنَا بَابًا لَمْ تَذْهَبِ إِلَيْهِ

ای کسی که وقتی کارها بر ما تنگ آید دری را به روی ما می‌گشاید که به خیال و اندیشه هیچ کس

الْأَوْهَامُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ

نرسید باشد؛ بنابراین، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و دری فراروی

لِلْمُورِي الْمُتَضَايِقَةِ بَابًا لَمْ يَذْهَبِ إِلَيْهِ وَهُمْ يَا أَرْحَمَ

کارهای گره‌خورده و بسته‌شده‌ام بگشایی که هیچ ذهنی بدان نرسیده باشد. ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ ۱.

مهربانان.

در کتاب «التحفة الرضویة» آورده است: علامه پرهیزگار جناب سید حسن فرزند سید علی آقا شیرازی، این دعا را برایم روایت کرد و گفت که: از امام زمان عجل الله تعالی فرجه روایت شده است.

این کلام را بعضی از بزرگان مورد اعتماد از ایشان نقل کرده‌اند.

وی گفت: برای برطرف شدن مشکلات و نیز دست‌یابی به خواسته‌ها و آرزوها، پس از نمازهای پنجگانه - و نیز در دیگر حالات - باید خوانده شود، و آن دعا این است:

۱. قصص الأنبياء: ۳۶۳.

يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الْأُمُورُ فَتَحَ لَهَا بَابًا لَمْ تَذْهَبِ

ای کسی که وقتی کارها بر ما تنگ آید دری را به روی آن می‌گشاید که به خیال و

إِلَيْهِ الْأَوْهَامُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ

اندیشه هیچ کس نرسید باشد؛ بنابراین، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و

لِلْمُورِي الْمُتَضَايِقَةِ بَابًا لَمْ يَذْهَبِ إِلَيْهِ وَهُمْ يَا أَرْحَمَ

دری فراروی کارهای گره‌خورده و بسته شده‌ام بگشایی که هیچ ذهنی بدان نرسیده باشد. ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ ۱.

مهربانان.



دعای مهم دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

برای برآورده شدن حاجت‌ها

سید علی خان در کتاب شریف «الکلم الطیب» می‌گوید:

این دعای ارزشمندی است از امام زمان صلوات الله علیه برای کسی که چیزی از او ضایع گشته یا حاجتی دارد؛ لذا شخصی که خواسته یا مشکل مهمی دارد باید این دعا را بسیار بخواند:

۱. التحفة الرضویة: ۱۱۴.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُبْدِيُ الْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ

تو آن خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ آغازگر و بازگرداننده آفریدگان هستی.

وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ،

و تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، تدبیرکننده کارها هستی،

وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

و هر که را در قبرهاست برمی‌انگیزی؛ تو همان خدای یکتایی هستی که جز تو معبودی نیست؛

أَنْتَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

تنگ گیرنده و گستراننده هستی؛ و تو آن خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛

أَنْتَ، وَارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

و وارث زمین و ساکنان آن هستی. از تو درخواست می‌کنم به واسطه نامت که هر گاه

الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ، وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ،

بدان خوانده شدی پاسخ دادی، و هرگاه بدان وسیله از تو درخواست شده عطا کردی؛

وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي

و به حق محمد و اهل بیت او، و به واسطه حقی که

أَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

برای ایشان بر خود واجب ساخته‌ای از تو درخواست می‌کنم تا بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ،

محمد درود بفرستی و حاجتم را برآورده سازی؛ همین ساعت، همین ساعت،

يَا سَيِّدَاهُ، يَا مَوْلَاهُ، يَا غِيَاثَاهُ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ

ای آقای من؛ ای مولای من؛ ای فریادرس من؛ از تو می‌خواهم به واسطه تمامی نام‌هایی

سَمَّيْتَهُ بِهِ نَفْسِكَ، وَاسْتَأْثَرْتُ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ

که خویشتن را بدان نامیده‌ای، و آن را در دانش پنهانیت نزد خود نگه داشته‌ای؛

عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

که بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و در

تُعَجِّلَ خَلَاصَنَا مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ

رهایی ما از این گرفتاری و سختی، شتاب کنی. ای دگرگون‌کننده دل‌ها

وَالْأَبْصَارِ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ

و چشم‌ها؛ ای شنوای دعا؛ به راستی که تو بر هر چیزی

قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ<sup>۱</sup>.

توانا هستی؛ به واسطه رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. الکلم الطیب: ۱۴.

دعای امام عصر عجل الله تعالی فرجه

برای شفاء از بیماری ها

محدث نوری رحمته می فرماید: «شیخ بزرگوار جناب کفعمی رحمته در کتاب «البلد الامین» از حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت می کند: کسی که این دعا را با تربت امام حسین علیه السلام در ظرف نو بنویسد، و آن را بشوید و بنوشد، از بیماریش رهایی می یابد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

به نام خداوند بخشنده مهربان، گفتن «بسم الله» دواست؛ و «الحمد لله»

شفاء، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَاءً ، هُوَ الشَّافِي شِفَاءً ، وَهُوَ

شفاست؛ و «لا اله الا الله» موجب کفایت است؛ و «هو الشافي» شفا است و «هو

الكافي» کفایت است؛ تو را به پروردگار مردم سوگند می دهیم که بدی را دور گردانی و شفایی بدهی

لَا يُغَادِرُهُ سَقَمٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ التَّجْبَاءِ .<sup>۱</sup>

که هیچ بیماری در پی آن نباشد. و درود پیوسته خداوند بر محمد و آل نجیبش نثار باد.

۱. جنة المأوى: ۲۲۶، دار السلام: ۱/۲۸۸.

دعای دیگری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

برای رهایی از سختی ها و مشکلات

در کتاب «الکلم الطیب» آورده است که: دستخطی از یکی از دوستان بزرگوار و صالح و مورد اعتماد و ثابت قدم خود - که جزو سادات نیز هست - مشاهده کردم که چنین نوشته بود:

در ماه رجب سال یکهزار و نود و سه، برادر دینی و دوست بسیار دوست داشتنی، دانشمند اهل عمل، دارای مراحل کمال انسانی، و صفات الهی، امیر اسماعیل بن حسین بیک بن علی بن سلیمان جابری انصاری برایم گفت: از شیخ نیکوکار و پرهیزگار و اهل احتیاط در رفتار، جناب حاج شیخ علی مکی شنیدم که فرمود: من به شدت دچار گرفتاری و مشکلات شدم و دشمنانم نیز پیوسته حقوق مرا پایمال می کردند، تا جایی که ترسیدم جانم را نیز از کف بدهم و کشته شوم. در همین اوضاع دعایی را دیدم که داخل جیبم بود - در حالی که کسی آن را به من نداده بود -.

از این جریان در شگفت شدم و پیوسته حیران بودم تا آن که در عالم خواب شخصی را در قیافه صالحان و زاهدان دیدم که به من گفت: آن دعا را، ما به تو دادیم؛ آن را بخوان که از گرفتاری و

مشکلات رهایی یابی، و برایم روشن نشد که گوینده آن کیست؟  
و این جریان بر شگفتی و حیرتم افزود؛ تا آن که امام عصر ارواحنا  
فداه را در خواب دیدم که به من فرمود:

دعایی را که به تو عطا کردم بخوان، و به هر کسی که  
می خواهی بیاموز.

من بارها آن دعا را تجربه کردم و هر بار گشایشی سریع در  
کارم مشاهده کردم تا آن که آن را برای مدتی گم کردم و پیوسته  
تأسف می خوردم و از رفتار بد خویش استغفار می کردم؛ تا این که  
شخصی نزد من آمد و گفت: این دعا در فلان جا از تو افتاده است.  
البته من به خاطر نداشتم که آنجا رفته باشم، ولی به هر حال آن  
را پیدا کردم و برداشتم و سجده شکر الهی به جای آوردم.  
و دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

رَبِّ أَسْأَلُكَ مَدَدًا رُوْحَانِيًّا تَقْوَىٰ بِهِ قُوَايَ الْكُلِّيَّةِ

بار پروردگارا؛ مدد و کمک روحانی از تو درخواست می کنم که نیروهای کلی

وَالْجُزْئِيَّةِ، حَتَّىٰ أَفْهَرَ بِمَبَادِي نَفْسِي كُلَّ نَفْسٍ

و نیز جزئی مرا با آن تقویت و نیرومندگردانی؛ تا این که بتوانم با امکانات خویشتن هر کسی هر چه

قَاهِرَةٍ، فَتَنْقِضَ لِي إِشَارَةَ دَقَائِقِهَا، انْقِبَاضًا تَسْقُطُ

توان مند باشد شکست بدهم؛ به گونه ای که دقیق ترین و حساس ترین حرکت های او در اختیارم

بِهِ قُوَاهَا، حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ فِي الْكَوْنِ ذُو رُوْحٍ إِلَّا وَنَارُ

قرار گیرد و بدین سان نیروهای او از کار بیفتند. تا جایی که هیچ موجود دارای روحی در هستی

قَهْرِي قَدْ أَحْرَقَتْ ظُهُورَهُ. يَا شَدِيدُ، يَا شَدِيدُ، يَا

نباشد، جز آن که آتش قهر من نمود او را بسوزاند. ای سخت گیر؛ ای سخت گیر؛ ای

ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا قَاهِرُ يَا قَهَّارُ، أَسْأَلُكَ بِمَا

صاحب سخت گیری شدید؛ ای دارای سلطه؛ ای دارای غلبه و پیروگی فراوان؛ به واسطه آن نام های

أَوْدَعْتَهُ عِزْرَائِيلَ مِنْ أَسْمَائِكَ الْقَهْرِيَّةِ، فَاَنْفَعَلْتَ لَهُ

قهری که به عزرائیل سپرده ای و تمام جان ها خواه ناخواه تحت تأثیر قهر و غلبه او هستند، از تو

النَّفُوسِ بِالْقَهْرِ، أَنْ تُودِعَنِي هَذَا السَّرِّ فِي هَذِهِ

درخواست می کنم تا در همین ساعت از زندگانیم آن راز (که به عزرائیل سپرده ای) را به من نیز عنایت

السَّاعَةِ، حَتَّىٰ أَلَيِّنَ بِهِ كُلَّ صَعْبٍ، وَأَذِلَّ بِهِ كُلَّ

فرمای؛ تا در نتیجه هر سخت دشواری را نرم کنم، و هر نیرومندی را خوار و در اختیار قرار دهم؛

مَنْعِ، بِقُوَّتِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ.

به کمک نیرویت، ای دارای نیروی استوار.

این دعا هنگام سحر - در صورت امکان - سه مرتبه، و هنگام

صبح سه مرتبه، و در شب نیز سه مرتبه خوانده شود.

البته اگر مشکلات خواننده این دعا بسیار سخت و غیر قابل تحمل است پس از قرائت دعا، سی مرتبه این دعا را نیز بخواند:

يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ

ای بخشنده؛ ای مهربان حقیقی؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛ از تو

اللُّطْفَ بِمَا جَرَتْ بِهِ الْمَقَادِيرُ.<sup>۱</sup>

لطف را نسبت به آنچه جاری گشته به آن مقدرات تقاضا دارم.



حرز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید بن طاووس رحمته الله در «مهج الدعوات» و کفعمی رحمته الله در «البلد الأمين» حرز مولای مان امام زمان ارواحفاده را چنین نقل کرده‌اند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يَا مَالِكَ الرَّقَابِ، وَهَازِمَ الْأَحْزَابِ، يَا مُفْتِحَ

ای صاحب اختیار همگان؛ ای شکست دهنده حزب‌های متحد شده؛ ای گشاینده

الْأَبْوَابِ، يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ، سَبَّبْ لَنَا سَبَبًا

درها؛ ای سبب‌ساز حقیقی تمام سببها؛ سببی برای ما بساز که

۱. الکلم الطیب: ۱۰، جته المأوی: ۲۲۵، دار السلام: ۱/۲۸۸.

لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلْبًا، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ

توان دستیابی و جستجویش را نداریم؛ به حق کلمه شهادتین: «لا اله الا الله»، «محمد رسول

اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.<sup>۱</sup>

الله؛ که صلوات و درودهای الهی پیوسته بر او و تمام آل او نثار باد.



دعای شیعه

در هنگام خروج حضرت قائم ارواحفاده

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

اگر می‌خواهی از غرق شدن و آتش‌سوزی و سرقت در امان

باشی، در هنگام صبح بگو:

بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ، بِسْمِ

به نام خدا؛ هر چه خدا بخواهد، (همان خواهد شد؛) جز خدا، کسی نمی‌تواند بدی‌ها را برطرف و دور کند. به نام

اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا يَسُوقُ الْخَيْرَ إِلَّا اللَّهُ، بِسْمِ اللَّهِ مَا

خدا؛ هر چه خدا بخواهد، (همان خواهد شد؛) جز خدا کسی نمی‌تواند خیر و خوبی را بکشد. به نام خدا؛ هر چه

شَاءَ اللَّهُ، مَا يَكُونُ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْ اللَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ مَا

خدا بخواهد، (همان می‌شود؛) هر نعمتی که وجود داشته باشد از خداست. به نام خدا؛ هر چه

۱. مهج الدعوات: ۶۴، المصباح: ۴۰۷.

شَاءَ اللهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

خدا بخواد (همان خواهد شد)، هر نیرو و جنبشی، تنها به واسطهٔ خدای بلندمرتبهٔ بزرگوار خواهد

بِسْمِ اللهِ مَا شَاءَ اللهُ، وَصَلَّى اللهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بود. به نام خدا؛ هر چه خدا بخواد، (همان خواهد شد) و خدا بر محمد و آل بسیار

الطَّيِّبِينَ .

پاکش درود بفرستد.

هر کس این دعا را در بامداد هر روز، سه مرتبه بخواند، از غرق شدن و آتش سوزی و سرقت در امان خواهد بود تا آن گاه که شب فرارسد؛ و اگر آن را شامگاهان سه بار بخواند، تا صبح از این بلاها در امان است.

خضر و الیاس علیهما السلام هر ساله یکدیگر را در مراسم حج ملاقات می کنند، و هنگام خداحافظی با خواندن این دعا از یکدیگر جدا می شوند.

این، شعار شیعیان من است، و در زمان قیام حضرت قائم ارواحنا فداه نیز دوستان و دشمنانم با این عبارات از یکدیگر شناخته و جدا می شوند.<sup>۱</sup>



صلوات بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَأَيِّهَا ...)

یکی از صلوات‌های مجرب و مؤثر در گرفتن حاجت، صلوات

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است به اینگونه که پانصد و سی مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا

خداوندا؛ درود فرست بر فاطمه و پدر بزرگوارش و همسر گرامیش و فرزندان عزیزش

[وَالسِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا] بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ .

(و به آن رازی که در وجود او به ودیعه نهادی) به تعداد آنچه که دانش تو بر آن احاطه دارد.

این ختم در کتب قدیمه دعا ذکر نشده و از زمان شیخ اعظم انصاری رحمته الله در میان زبان‌ها افتاده و معروف شده است.

ما به خاطر دو جهت این صلوات را نقل نمودیم:

۱- اگرچه این صلوات در کتب قدیمه وجود ندارد و از مرحوم شیخ انصاری شنیده شده ولی به خاطر ارتباطی که آن بزرگوار با حضرت بقیة الله ارواحنا فداه داشته است به احتمال قوی این دعا از حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه صادر شده است.

۲- مقصود از «السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا» حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه می باشد.<sup>۱</sup>

۱. رجوع کنید به: «الصحيفة المباركة المهدية».

۱. مکیال المکارم: ۱۹۳/۱.

فضیلت سوره‌های «مَسْبُحَات»

جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که :

هر که سوره‌های مَسْبُحَه را پیش از خواب بخواند ، پیش از مرگ ، حضرت مهدی (صلوات الله علیه) را درک خواهد کرد ، و اگر بمیرد نیز در همسایگی پیامبر خواهد بود.<sup>۱</sup>

مؤلف گوید: درباره «آیه الكرسي» و آیه شریفه «نور» و آیه «رَبِّ اَدْخِلْنِي» و آیات دیگر ختوماتی ذکر شده است که مناسب با این موضوع است ، ولی از نقل آنها صرف نظر نمودیم . باید توجه داشته باشیم که عالی ترین راه برای تشرف به محضر مقدس حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداه جلب توجه و رضایت کامل آن بزرگوار می باشد .

بخش هفتم

توسّل به حضرت بقیة الله  
ارواحنا فداه

دعای توسّل

معروف به دعای توسّل خواجه نصیر علیه السلام

این دعا را سید بزرگوار ، علی بن طاووس علیه السلام در «مهج الدعوات» نقل نموده است:<sup>۱</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
به نام خداوند بخشنده مهربان

اَللّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَي النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ  
خداوندا؛ درود و سلام و افزونی و برکت را بر پیامبر فرو فرست آن پیامبر امی ،

۱. بنا بر نقلی این دعا را امام زمان ارواحنا فداه به خواجه نصیرالدین طوسی علیه السلام در عالم رؤیا تعلیم نمودند . جریان آن را در «صحیفه مهدیه ص ۴۱۶» نقل نموده ایم .

العَرَبِيُّ الْهَاشِمِيُّ الْقُرَشِيُّ الْمَكِّيُّ الْمَدَنِيُّ الْأَبْطَحِيُّ

از مردم عرب از فرزندان هاشم، از قبیله قریش، از مکه و مدینه، پیامبر ابطحی

التَّهَامِيُّ، السَّيِّدُ الْبَهِيُّ، السَّرَاجُ الْمُضِيءُ، الْكَوْكَبُ

و تهامی آن سید خوش‌سیما و چراغ درخشان و ستاره

الدَّرِّيُّ، صَاحِبِ الْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، الْمَدْفُونُ

تابان، صاحب متانت و آرامش، مدفون

بِالْمَدِينَةِ، الْعَبْدُ الْمُؤَيَّدُ، وَالرَّسُولِ الْمُسَدَّدُ،

در شهر مدینه، بنده تأییدشده (از خدا) و فرستاده محکم و استوار شده،

الْمُصْطَفَى الْأَمَّجِدِ، الْأَحْمُودِ الْأَحْمَدِ، حَبِيبِ إِلَهٍ

آن برگزیده دارای شکوه و عظمت و پسندیده ستوده، مورد محبت خدای

الْعَالَمِينَ، وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ شَفِيعِ

جهانیان و آقای رسولان و پایان بخش پیامبران و شفاعت کننده

الْمُذْنِبِينَ، وَ رَحْمَةِ لِّلْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ

گناهکاران و رحمت برای عالمیان، ابوالقاسم محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

درود خدا بر او و آل او باد. درود و سلام بی‌کراں بر تو ای

أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ، يَا شَفِيعَ

ابوالقاسم؛ ای رسول خدا؛ ای پیشوای رحمت؛ ای شفیع

دعای توست...

۳۴۶

الْأُمَّةِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا

امت؛ و ای حجت خداوند بر تمام بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ

به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستیم و تو را

بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا

در دنیا و آخرت پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم. ای ابرومند

عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ

نزد خدا؛ برای ما، نزد خداوند شفاعت فرما. خداوندا؛ سلام و صلوات

وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمُطَهَّرِ، وَالْإِمَامِ الْمُظَفَّرِ،

و برکات فراوان را بر سید پاک سرشت و امام پیروز

وَالشُّجَاعِ الْغَضَنَفَرِ، أَبِي شُبَيْرِ وَشَبْرَةَ، قَاسِمِ طُوبَى

و شجاع دلیر، پدر شبیر و شبر، قسمت‌کننده بهشت

وَسَقَرَةَ، الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ، الْأَشْجَعِ الْمُتَمِينِ، الْأَشْرَفِ

و دوزخ، بریده شده از شرک و سرشار از دانش، شجاعت‌پیشه بامتانت، شرافتمند

الْمَكِينِ، الْعَالِمِ الْمُبِينِ، النَّاصِرِ الْمُعِينِ، وَ لِي

صاحب جاه و منزلت، عالم آشکار و یار و مددکار (بیچارگان)، ولی و سرپرست

الدِّينِ، الْوَالِيِ الْوَلِيِّ، السَّيِّدِ الرَّضِيِّ، الْإِمَامِ

دین، حاکم و زمامدار دوست داشته‌شده و سید پسندیده؛ امام

دعای توست...

۳۴۷



الْوَصِيِّ، الْحَاكِمِ بِالنَّصِّ الْجَلِيِّ، الْمَخْلِصِ الصَّفِيِّ،

جانشین و پیشوای منصوب به نص آشکار، مخلص پاکیزه،

الْمَدْفُونِ بِالْغَرِيِّ، لَيْثِ بَنِي غَالِبٍ، مَظْهَرِ الْعَجَائِبِ،

دفن شده در سرزمین نجف، شیری از تبار فرزندان همیشه غالب، مظهر و محل ظهور و بروز شگفتی‌ها

و مَظْهَرِ الْغَرَائِبِ، وَ مُفَرَّقِ الْكُتَائِبِ، وَالشُّهَابِ

و آشکارکننده شگفتی‌ها و غرایب، پراکنده کننده غارت‌گران، و شهاب

الثَّقَابِ، وَالْهَزْبِ السَّالِبِ، نُقْطَةِ دَائِرَةِ الْمَطَالِبِ،

فروزان، شیر بیشه‌ای که از کافران همه چیز را می‌گیرد، نقطه پرگار دایره همه مقصدها،

أَسَدِ اللَّهِ الْغَالِبِ، غَالِبِ كُلِّ غَالِبٍ، وَ مَطْلُوبِ كُلِّ

شیر همیشه پیروز خدا، چیره‌شونده بر هر چیره‌ای، و مطلوب هر

طَالِبٍ، صَاحِبِ الْمَفَاخِرِ وَالْمَنَاقِبِ، إِمَامِ الْمَشَارِقِ

جوینده، صاحب افتخارات و مناقب، امام و پیشوای مشارق

وَالْمَغَارِبِ، مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْكُونَيْنِ، الْإِمَامِ أَبِي

و مغارب، مولا و آقای ما و مولای هر دو جهان، پیشوا پدر

الْحَسَنَيْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

حسنین، امیر مؤمنان، حضرت علی بن ابی طالب نازل فرما.

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا

درود خدا بر او باد. درود و سلام بر تو ای ابالحسن؛

الْحَسَنِ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ،

ای امیر مومنان؛ ای علی بن ابی طالب؛

يَا أَخَ الرَّسُولِ، يَا زَوْجَ الْبُتُولِ، يَا أَبَا السَّبْطَيْنِ، يَا

ای برادر رسول خدا و همسر زهرای بتول و پدر دو سبط رسول خدا؛ ای

حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم و تو را

يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ

در دنیا و آخرت پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم. ای آبرومند نزد

اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اَللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ

خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما. بار خدایا؛ سلام و درود و برکتت را

عَلَى السَّيِّدَةِ الْجَلِيلَةِ الْجَمِيلَةِ، الْمَعْصُومَةِ

بر سیده بزرگوار نیکوسیرت نازل فرما؛ آن بانوی معصوم از گناه و خطا و

الْمَظْلُومَةِ، الْكَرِيمَةِ النَّبِيلَةِ، الْمَكْرُوبَةِ الْعَلِيَّةِ،

مورد ستم فرارگرفته، شریف و بزرگوار، غم و اندوه دیده که سختی‌ها و مصائب دنیا وجود

ذَاتِ الْأَحْزَانِ الطَّوِيلَةِ فِي الْمُدَّةِ الْقَلِيلَةِ، الرَّضِيَّةِ

مقدسش را آزار داد و در اندک زمانی، طولانی‌ترین غصه‌ها و مصیبت‌ها را تحمل نمود، بانوی پسندیده

الْحَلِيمَةِ، الْعَفِيفَةِ السَّلِيمَةِ، الْمَجْهُولَةِ قَدْرًا،

بردار و پاکدامن، صاحب قلب سلیم که قدر و مقامش ناشناخته

وَالْمَخْفِيَّةِ قَبْرًا، الْمَدْفُونَةِ سِرًّا، وَالْمَغْصُوبَةِ جَهْرًا،

و قبرش پنهان مانده و پنهانی مدفون گردید ولی آشکارا حقش غضب گردید،

سَيِّدَةِ النِّسَاءِ، الْأَنْسِيِّةِ الْحَوَازِ، أُمِّ الْأَيْمَةِ التُّقْبَاءِ

سرور زنان و حوریهای در قالب انسان، مادر امامان بزرگوار

النُّجَبَاءِ، بِنْتِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ،

و نیک نژادان، دختر بهترین پیامبران، پاک و پاکیزه،

الْبَتُولِ الْعَذْرَاءِ، فَاطِمَةَ التَّقِيَّةِ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا

آن که از تعلقات دنیوی بریده و به سوی معبودش روی آورد و چون مروارید ناسفته تالو می نمود، فاطمه پرهیزکار و

السَّلَامُ. الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ يَا

ستاره درخشان آسمان پیامبر که درود و سلام بر او باد. صلوات و سلام بر تو و بر ذریه تو؛

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، أَيَّتُهَا

ای فاطمه زهرا؛ ای دخت گرامی حضرت محمد ﷺ رسول خدا؛ ای

الْبَتُولُ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، يَا بَضْعَةَ النَّبِيِّ، يَا أُمَّ

بتول؛ و ای نور چشم پیامبر؛ ای پاره تن رسول خدا؛ و ای مادر

السَّبْطَيْنِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَتَنَا

دو سبط رسول خدا، ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای سیده

وَمَوْلَاتِنَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ

و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستاریم

اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجْهَةً عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت. ای ابرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمُجْتَبَى،

خداوندا؛ بر سرور برگزیده، سلام صلوات و برکات خویش را نازل فرما؛ پیشوایی که امید

وَالْأُمَامِ الْمُرْتَجَى، سَبْطِ الْبَطْنِ، وَابْنِ

(کرم و رحمت) از درگاهش می‌رود، سبط پیامبر مصطفی و فرزند

الْمُرْتَضَى، عَلِمِ الْهُدَى، الْعَالِمِ الرَّفِيعِ، ذِي

علی مرتضی، پرچم هدایت و عالم بلندمرتبه و آن که دارای

الْحَسَبِ الْمَنِيحِ، وَالْفَضْلِ الْجَمِيعِ، وَالشَّرَفِ

حسبی گرامی و ارجمند و جامع فضیلت‌ها و صاحب شرافت

الرَّفِيعِ، الشَّفِيعِ ابْنِ الشَّفِيعِ، الْمَقْتُولِ بِالسَّمِّ النَّقِيعِ،

رفیع است، شفاعت‌کننده‌ای از زادگان شفاعت‌کننده، کشته شده با زهر کشنده،

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ الْبَقِيعِ، الْعَالِمِ بِالْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ،

و مدفون در سرزمین بقیع، عالم و دانشمند نسبت به واجبات و مستحبات دین،

صَاحِبِ الْجُودِ وَالْمِنَّهِ، كَاشِفِ الضُّرِّ وَالْبَلْوَى

صاحب بخشش و احسان، برطرف‌کنندهٔ بیچارگی‌ها و سختی‌ها

وَالْمِحْنِ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، الَّذِي عَجَزَ عَنْهُ

و محنت‌ها، از آشکار و نهان، آن که

عَدَّ مَدَائِحِهِ لِسَانُ اللُّسَنِ، الْأِمَامِ بِالْحَقِّ الْمُؤْتَمَنِ،

زبان مادحان از شمارش خوبی‌هایش عاجز و ناتوان باشد، امام بر حق راستین،

أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ ( صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ ) .

حضرت ابامحمد امام حسن (که درودها و سلام‌های خدا بر او باد).

الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، يَا حَسَنَ بْنَ

درود و سلام بر تو ای ابامحمد؛ ای حسن بن

عَلِيِّ، أَيُّهَا الْمُجْتَبَى، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنَ

علی؛ ای امام برگزیده؛ ای زادهٔ رسول خدا؛ ای زادهٔ

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ

امیر مؤمنان و فاطمهٔ زهرا؛ ای حجت خداوند

عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، يَا سَيِّدَنَا

بر آفریدگانش، ای سرور جوانان اهل بهشت؛ ای آقا

وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيْنَا

و مولای ما؛ ما به واسطهٔ تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستیم

اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

و آخرت. ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت نما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الزَّاهِدِ،

خداوندا؛ سلام و صلوات و برکات خویش را بر آن سرور زهدپیشه

وَالْإِمَامِ الْعَابِدِ، الرَّائِعِ السَّاجِدِ، وَلِيِّ الْمَلِكِ

و امام عبادت‌کننده فرو فرست او که همواره در رکوع و سجود بود، سرپرست از طرف پادشاه

الْمَاجِدِ، وَقَتِيلِ الْكَافِرِ الْجَاحِدِ، زَيْنِ الْمَنَابِرِ

صاحب‌اختیار باشکوه و عظمت، و کشته شدهٔ توطئه‌کافر عنادپیشه، زینت منبرها

وَالْمَسَاجِدِ، صَاحِبِ الْمِحْنَةِ وَالْكَرْبِ وَالْبَلَاءِ،

و مساجد، صاحب سختی و اندوه و بلا،

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ، سِبْطِ رَسُولِ الثَّقَلَيْنِ،

دفن‌شده در سرزمین کربلا، سبط رسول ثقلین،

وَنُورِ الْعَيْنَيْنِ، مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْكَوْنَيْنِ، الْأِمَامِ

و نور چشمان، مولای ما و مولای دو جهان، امام

بِالْحَقِّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ ( صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ

بر حق حضرت اباعبدالله الحسین - درودها و رحمت‌های خدای

عَلَيْهِ . اَلصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، يَا

بر او باد - . درود و سلام به محضر مقدس تو ای اباعبدالله؛ ای

حُسَيْنَ بْنِ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، يَا بْنَ

حسین بن علی؛ ای شهید راه خدا و ای زاده پیامبر او؛ ای فرزند

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ، يَا سَيِّدَ شَبَابِ

امیر مؤمنان و فاطمه زهرا. ای سرور جوانان

أَهْلِ الْجَنَّةِ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، يَا سَيِّدَنَا

اهل بهشت؛ و ای حجت خدا بر آفریدگانش؛ ای آقا

وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ

و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستیم

اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

و آخرت. ای ابرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت نما.

اَللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَيَّ اَبِي الْاَيْمَّةِ ،

بار خدایا؛ درود و سلامت را بر پدر امامان

وَسِرَاجِ الْاَيْمَةِ ، وَكَاشِفِ الْعَمَّةِ ، وَمُحْيِي السُّنَّةِ ،

و چراغ امت اسلام و برطرف‌کننده غم و اندوه و احیاکننده سنت فرو فرست،

وَسَنِيِّ الْهَمَّةِ ، وَرَفِيعِ الرَّثْبَةِ ، وَأَنْبَسِ الْكُرْبَةِ ،

آن بزرگمرد بلندهمت و عظیم‌الشان که همواره با اندوه فراوان همدم بود

وَصَاحِبِ النُّدْبَةِ ، اَلْمَدْفُونِ بِأَرْضِ طَبِيبَةَ ، اَلْمُبَرَّرِ

و نوحه و ناله داشت، در زمین پاکیزه مدینه مدفون گشت و او

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ، وَأَفْضَلِ الْمُجَاهِدِينَ ، وَأَكْمَلِ

از هر عیب و زشتی به دور بود، برترین مجاهدان و کامل‌ترین

الشَّاكِرِينَ وَالْحَامِدِينَ ، شَمْسِ نَهَارِ الْمُسْتَعْفِرِينَ ،

شکرگزاران و ستایشگران بود، خورشید تابنده روزهای توبه‌کنندگان

وَقَمَرِ لَيْلَةِ الْمُتَهَجِّدِينَ ، اَلْإِمَامِ بِاَلْحَقِّ زَيْنِ

و ماه فروزنده شب‌های متهجدان. پیشوای بر حق و زینت

اَلْعَابِدِينَ ، اَبِي مُحَمَّدٍ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (صَلَوَاتُ

عبادت‌کنندگان حضرت ابا محمد علی بن حسین - درودها

اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمَا) . اَلصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و سلام‌های خدای بر او باد - . درود و سلام بی‌کران خداوند بر تو باد ای

أَبَا مُحَمَّدٍ ، يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ، يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ ،

ابا محمد؛ ای علی بن حسین؛ ای زینت عبادت‌کنندگان،

أَيُّهَا السَّجَادُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ،

ای بسیار سجده‌کننده در درگاه خداوند؛ ای زاده پیامبر خدا؛ ای فرزند امیر مؤمنان؛

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا

ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

و شفاعت طلبیده و توسل جستیم و تو را پیشاپیش

يَدَيَّ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ

حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد

اللَّهِ ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ

خدا، برای ما نزد خداوند شفاعت نما. خداوندا؛ سلام و رحمت و برکات را

عَلَى قَمَرِ الْأَقْمَارِ ، وَنُورِ الْأَنْوَارِ ، وَقَائِدِ الْأَخْيَارِ ،

بر ماه ماهرویان و روشنی‌بخش روشنائی‌ها و پیشرو نیکوکاران

وَسَيِّدِ الْأَبْرَارِ ، وَالطُّهْرِ الطَّاهِرِ ، وَالْبَدْرِ الْبَاهِرِ ،

و آقای خوبان فرو فرست، آن پاک و پاکیزه سرشت و ماه شب چهارده فروزان

وَالنَّجْمِ الزَّاهِرِ ، وَالْبَحْرِ الزَّاحِرِ ، وَالدَّرِّ الْفَاخِرِ ،

و ستاره درخشان. دریای بی‌کران (علم و دانش)، و درّ فاخر و گرانبها

الْمَلَقَبِ بِالْبَاقِرِ ، اَلسَّيِّدِ الْوَجِيهِ ، اَلْاِمَامِ النَّسَبِيهِ ،

و ملقب به باقر، آقای آبرومند و پیشوای شریف و آگاه،

اَلْمَدْفُونِ عِنْدَ جَدِّهِ وَاَبِيهِ ، اَلْحَبْرِ الْمَلِيِّ عِنْدَ الْعَدُوِّ

مدفون در نزد جد و پدرش، آن دانشمند سرشار از علم و دانش، نزد دوست و دشمن،

وَالْوَلِيِّ ، اَلْاِمَامِ بِالْحَقِّ الْاَزَلِيِّ ، اَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ

امام بر حق همیشگی حضرت ابا جعفر محمد بن

عَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ . اَلصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

علی که بر هر دوی آن‌ها درود خدا باد. درود و رحمت خدا بر تو ای

اَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ، اَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بَنَ رَسُولِ

ابا جعفر؛ ای محمد بن علی؛ ای شکافنده علوم؛ و ای زاده رسول

اللَّهِ ، يَا بَنَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، يَا

خدا؛ و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ و ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستیم

إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

و آخرت، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الصَّادِقِ

خداوندا؛ درود و رحمت فرست بر آقای راستگوی

الصَّدِيقِ ، اَلْعَالِمِ الْوَثِيقِ ، اَلْحَلِيمِ الشَّفِيقِ ، اَلْهَادِي

تصدیق‌کننده، و دانشمند مورد اطمینان، بردبار دلسوز و هدایت‌کننده

إِلَى الطَّرِيقِ ، السَّاقِي شَيْعَتَهُ مِنَ الرَّحِيقِ ، وَمُبْلَغُ

به راه حق، او که شیعانش را از شراب طهور سیراب می‌سازد و

أَعْدَائِهِ إِلَى الْحَرِيقِ ، صَاحِبِ الشَّرَفِ الرَّفِيعِ ،

دشمنانش را به آتش جهنم سرازیر می‌نماید. صاحب شرافتی بلند

وَالْحَسَبِ الْمَنِيعِ ، وَالْفَضْلِ الْجَمِيعِ ، الشَّفِيعِ ابْنِ

و حسبی برجسته و فضل و دانش جامع، آن که خود و پدرش هر دو

الشَّفِيعِ ، الْمَدْفُونِ بِالْبَقِيعِ ، الْمَهْدَبِ الْمُؤَيَّدِ ، الْأِمَامِ

شفاعت‌کننده‌اند، او که در بقیع مدفون است، آن تهذیب‌شده تأییدگشته، پیشوای

الْمُمَجَّدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ( صَلَوَاتُ اللَّهِ

عظیم الشان، حضرت ابا عبدالله جعفر بن محمد - درووها و سلام خدا

وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ ) . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ

بر او باد - . درود و سلام بر تو ای ابا عبدالله؛

اللَّهِ ، يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ، أَيُّهَا الصَّادِقُ يَا بَنَ رَسُولِ

ای جعفر بن محمد؛ ای صادق راستگو و ای زاده پیامبر؛

اللَّهِ ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، يَا

و ای فرزند امیر مؤمنان؛ و حجت خدا بر بندگانش؛ ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستاریم

إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

و آخرت، ای آبرومند در درگاه خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْكَرِيمِ ،

بار خدایا؛ درود و رحمت و برکت خویش را بر سید بخشنده

وَالْأِمَامِ الْحَلِيمِ ، وَاسْمِي الْكَلِيمِ ، الصَّابِرِ الْكَبِيمِ ،

و پیشوای بردبار، همنام موسی کلیم، شکیبائی که خشمش را فرو می‌برد،

قَائِدِ الْجَيْشِ ، الْمَدْفُونِ بِمَقَابِرِ قُرَيْشٍ ، صَاحِبِ

فرمانده گروه شیعه فرو فرست، او که در مقبره‌های قریش مدفون گشت، دارای

الشَّرَفِ الْأَنْوَارِ ، وَالْمَجْدِ الْأَظْهَرِ ، وَالْجَبِينِ الْأَظْهَرِ

شرف نورانی و عظمت آشکار و جبین و پیشانی پاکیزه

[الْأَزْهَرِ خ] ، الْأِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي إِبْرَاهِيمَ مُوسَى بْنِ

(درخشان)، پیشوای بر حق حضرت ابا ابراهیم موسی بن

جَعْفَرٍ ( صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ ) . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

جعفر - درووها و سلام خدا بر او باد - . درود و رحمت خدا

عَلَيْكَ يَا أَبَا إِبْرَاهِيمَ ، يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ، أَيُّهَا

بر تو ای ابا ابراهیم؛ ای موسی بن جعفر؛ ای

الْكَاظِمُ، وَأَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ،

امام کاظم؛ ای بنده شایسته خدا؛ ای زاده رسول خدا؛

يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا

و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستیم

إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت. ای آبرومند در درگاه خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت نما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمَعْصُومِ،

بار خدایا؛ درود و رحمت و برکت خود را فرو فرست بر آن سرور معصوم

وَالْأَمَامِ الْمَظْلُومِ، وَالشَّهِيدِ الْمَسْمُومِ، وَالْغَرِيبِ

و امام ستم‌دیده و شهید مسموم و غریب

الْمَغْمُومِ، وَالتَّقْتِيلِ الْمَحْرُومِ، عَالِمِ عِلْمِ الْمَكْتُومِ،

غم‌دیده، کشته‌شده‌ای که محروم (از حق خود) گشت، او که به علم غیب و پنهان آگاه بود،

بَدْرِ النُّجُومِ، شَمْسِ الشُّمُوسِ، وَأَنْبَسِ النَّفُوسِ،

ماه ستارگان و خورشید خورشیدها و همدم جانها،

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ طُوسٍ، الرَّضِيِّ الْمُرْتَضَى،

دفن‌شده در سرزمین طوس، آن که همگان از او خوشنود و راضی بودند،

الْمُرْتَجَى الْمُجْتَبَى، الْأَمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ

برگزیده‌ای که همگان به لطفش چشم‌امید دوخته بودند، پیشوای بر حق حضرت ابالحسن علی

ابْنِ مُوسَى الرَّضَا (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ).

ابن موسی الرضا (که درودها و سلام خدا بر او باد).

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، يَا عَلِيَّ بْنَ

سلام و رحمت خدای بر تو ای ابا الحسن؛ ای علی بن

مُوسَى الرَّضَا، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

موسی الرضا؛ ای زاده پیامبر خدا و ای فرزند امیر مؤمنان؛

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا

ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

و شفاعت طلبیده و توسل جستیم و تو را پیشاپیش

يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ

حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد

اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ

خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما. بار خدایا؛ درود و سلام

وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْعَادِلِ الْعَالِمِ ، الْعَامِلِ الْكَامِلِ ،

و برکات را بر سرور دادگر دانشمند فرو فرست، آن عامل به کمال رسیده

الْفَاضِلِ الْبَادِلِ ، الْأَجْوَدِ الْجَوَادِ ، الْعَارِفِ بِأَسْرَارِ

و دارای فضل و بخشنده، بخشنده ترین بخشش کننده، عارف به اسرار

الْمَبْدَاءِ وَالْمَعَادِ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ، مَنَاصِ الْمُحِبِّينَ

مبدأ و معاد (آغاز و فرجام عالم) و او که برای قوم، هادی و راهنما بود و پناهگاه دوستدارانش

يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ ، الْمَذْكَورِ فِي الْهِدَايَةِ وَالْإِرْشَادِ ،

در روز محشر. و آن که در راه راهنمایی و ارشاد امت، راهبر است

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ بَغْدَادَ ، السَّيِّدِ الْعَرَبِيِّ ، وَالْإِمَامِ

و در بغداد مدفون گشت. آن سید عرب نژاد و پیشوای

الْأَحْمَدِيِّ ، وَالنُّورِ الْمُحَمَّدِيِّ ، الْمُلَقَّبِ بِالتَّقِيِّ ،

احمدی نسب، و نور محمدی که به «تقی» (باتقوا و پرهیزکار) ملقب شد،

الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ

امام بر حق حضرت ابا جعفر محمد بن علی - بر او

السَّلَامُ . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ ، يَا

سلام باد - . درود و سلام بر تو ای ابا جعفر؛ ای

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوَادُ ، يَا بَنَ رَسُولِ

محمد بن علی؛ ای تقوای پیشه بخشنده؛ ای زاده رسول

اللَّهِ ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، يَا

خدا و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای

سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستیم

إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

و تو را پیشاپیش حاجت هایمان مقدم می داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

و آخرت، ای ابرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى الْأِمَامِينَ

خداوندا؛ درود و رحمت و برکات خود را بر دو امام

الْهُمَامِينَ ، السَّيِّدِينَ السَّنَدَيْنِ ، الْفَاضِلِينَ ،

بزرگوار نازل فرما. بر دو آقا و پشتیبان امت، بر دو فاضل

الْكَامِلِينَ ، الْبَادِلِينَ الْعَادِلِينَ ، الْعَالَمِينَ الْعَامِلِينَ ،

کامل و بخشنده عادل، دو دانشمند عمل کننده،

الْأَوْرَعَيْنِ الْأَطْهَرَيْنِ ، النُّورَيْنِ النَّبِيِّينِ ،

و دو پرهیزکارتر پاک تر، دو نور درخشنده

وَالشَّمْسَيْنِ الْقَمَرَيْنِ ، الْكَوْكَبَيْنِ الْأَسْعَدَيْنِ ،

و دو خورشید تابنده و دو ماه (هدایت) و دو ستاره سعادت بخش،



وَارْتِي الْمَشْعَرَيْنِ ، وَأَهْلِي الْحَرَمَيْنِ ، كَهْفِي التَّتْعَى ،

دو وارث مشعر و منی و دو اهل مکّه و مدینه و دو استوانه تقوا

عَوْثِي الْوَرَى ، بَدْرِي الدُّجَى ، طَوْدِي التُّهَى ،

و دو قریادر مردم و دو ماه درخشنده تاریکیها و دو کوه عقل و خرد،

عَلَمِي الْهُدَى ، الْمَدْفُونَيْنِ بِسَرِّ مَنْ رَأَى ، كَاشِفِي

و دو بیرق هدایت، آن بزرگوارانی که در سرّ من رأی (سامرا) دفن گشتند. آنانی که

الْبَلْوَى وَالْمِحْنِ ، صَاحِبِي الْجُودِ وَالْمِنَنِ ، الْأَمَامَيْنِ

بلا و محنتها را برطرف می‌کنند و بر امت، جود و احسان دارند. دو امام

بِالْحَقِّ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ وَأَبِي

بر حق ابوالحسن علی بن محمد نقی (پاکیزه) و ابا

مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ ( صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمَا ) .

محمد حسن (دروها و سلام خدا بر هر دوی آنان باد).

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا أَبَا الْحَسَنِ وَيَا أَبَا

درو و سلام بر شما ای ابا الحسن؛ و ای ابا

مُحَمَّدٍ ، وَيَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَيَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ،

محمد؛ ای علی بن محمد؛ و ای حسن بن علی؛

أَيُّهَا النَّقِيُّ الْهَادِي وَأَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ ، يَا بَنِي

ای امام پاک خالص هدایتگر؛ و ای امام زکی عسکری؛ (پاکیزه‌سرشت همیشه محصور)

رَسُولِ اللَّهِ ، يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا حُجَّتِي اللَّهِ

ای زادگان رسول خدا و ای فرزندان امیر مؤمنان؛ ای حجت‌های خداوند

عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ ، يَا سَيِّدَيْنَا وَمَوْلَيْنَا إِنَّا

بر بندگانش؛ و ای دو سرور و مولای ما؛

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكُمَا إِلَى اللَّهِ ،

ما به واسطه شما به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستیم

وَقَدَّمْنَا كَمَا بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ،

و شما را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا و آخرت،

يَا وَجِهَيْنِ عِنْدَ اللَّهِ ، إِشْفَعْنَا لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ

ای آبرومندان نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت کنید. خدای من؛

وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَيَّ صَاحِبِ الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ ،

سلام و صلوات و برکات خویش را فرو فرست بر صاحب دعوت نبوی

وَالصَّوْلَةَ الْحَيْدَرِيَّةِ ، وَالْعِصْمَةَ الْفَاطِمِيَّةِ ، وَالْحِلْمَ

و دلبری حیدری و عصمت فاطمی و بردباری

الْحَسَنِيَّةِ ، وَالشُّجَاعَةَ الْحُسَيْنِيَّةِ ، وَالْعِبَادَةَ

حسنی و شجاعت حسینی و عبادت و بندگی

السَّجَادِيَّةِ ، وَالْمَآثِرَ الْبَاقِرِيَّةِ ، وَالْآثَارَ الْجَعْفَرِيَّةِ ،

سجادی و آثار بجای مانده باقری، و آثار جعفری

وَالْعُلُومِ الْكَاطِمِيَّةِ، وَالْحُجَجِ الرَّضَوِيَّةِ، وَالْجُودِ

و دانش‌های کاظمی و حجت‌های رضوی و بخشدگی

التَّقْوِيَّةِ، وَالتَّقَاوَةَ النَّقْوِيَّةِ، وَالْهَيْبَةَ الْعَسْكَرِيَّةِ،

تقوی و پاکیزگی نقوی و هیبت عسکری

وَالْغَيْبَةَ الْإِلَهِيَّةِ، الْقَائِمِ بِالْحَقِّ، وَالِدَّاعِي إِلَيَّ

و غیبت الهی، آن قیام‌کننده بر حق و فراخواننده به

الصِّدْقِ الْمَطْلُوقِ، كَلِمَةِ اللَّهِ وَأَمَانِ اللَّهِ وَحُجَّةِ اللَّهِ،

راستی مطلق، کلمه خدا و امان خدا و حجت خدا،

الْغَالِبِ بِأَمْرِ اللَّهِ، وَالذَّابِّ عَنْ حَرَمِ اللَّهِ، إِمَامِ السِّرِّ

ظفرمند با امر خدا و حمایت‌کننده از حرم خدا، پیشوای آشکار

وَالْعَلَنِ، دَافِعِ الْكَرْبِ وَالْمِحَنِ، صَاحِبِ الْجُودِ

و نهان، دورکننده اندوه و محنت، دارای بخشدگی

وَالْمِنَنِ، الْأِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ

و احسان، پیشوای بر حق حضرت ابا القاسم محمد بن

الْحَسَنِ، صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ، وَخَلِيفَةِ

حسن، صاحب عصر و زمان، و جانشین

الرَّحْمَانِ، وَإِمَامِ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ (صَلَوَاتُ اللَّهِ

خداى رحمان و پیشوای انسان‌ها و پریان، (درودها

وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ

و سلام خدا بر او باد). درود و رحمت بر تو ای وصی

الْحَسَنِ، وَالْخَلَفَ الصَّالِحَ، يَا إِمَامَ زَمَانِنَا، الْقَائِمَ

امام حسن؛ ای جانشین شایسته و ای امام زمان ما؛ قیام‌کننده

الْمُنْتَظَرَ الْمَهْدِيِّ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا

هدایت‌شده‌ای که مورد انتظار همگان است. ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی

وَأَسْتَشْفَعُنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستیم و

يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ

در دنیا و آخرت تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم. ای ابرومند نزد

اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما.

حاجت‌ها را از خداوند بخواهید و سپس دست‌ها را بلند نموده بگویید:

يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ، إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ، أَنْتُمْ أُمَّتِي

ای عزیزانی که سرور و سالار من هستید؛ من به شما رو آوردم که شما پیشوایان من هستید

وَعُدَّتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَفَاقَتِي وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ،

و شما سرمایه من در روز فقر و بیچارگی، و نیازم نزد خداوند هستید

وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ، وَبِحُبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ أَرْجُو

و به وسیله شما به خداوند توسل جسته و با دوستی و تقرب به شما

النَّجَاةَ مِنَ اللَّهِ، فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى رَجَائِي، يَا

نجات را از درگاه خدا امید دارم. پس نزد خدای بلندمرتبه امید من باشید. ای

ساداتی یا اولیاءِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ.

سروران من؛ ای دوستان خدا؛ درود خدا بر همگی شما باد.

اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَيْمَنَّا وَسَادَتْنَا وَقَادَتْنَا وَكَبَرَاتُنَا

بار خدایا؛ همانا ایشان، امامان و سروران و فرماندهان و بزرگان

وَشُفَعَاءُنَا، بِهِمْ أَتَوَلَّى وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّءُ فِي

و شفعیان ما هستند، به ایشان ارادت و دوستی دارم و از دشمنان شان بیزار می‌جویم در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ، وَعَادِ مَنْ

دنیا و آخرت. خداوندا؛ آنکه آنان را دوست بدارد دوست بدار و آنکه دشمن بدارد دشمن بدار، کسی

عَادَاهُمْ، وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ،

را که به آنها یاری رساند، یاری کن و کسی که ترک یاری ایشان نمود خوار و ذلیل فرما،

وَالْعَنْ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُمْ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكْ

و از رحمت خویش دور بدار هر آن که راکه به آنان ستم نماید. و در فرج آنان تعجیل فرما، و دشمن

عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

ایشان را نابود فرما، چه از جن باشد و چه از انسان، چه از دوران‌های سابق باشد و چه از دوران‌های بعد از آن

آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا فِي الدُّنْيَا

ای پروردگار عالمیان؛ این دعا را اجابت فرما. خداوندا؛ در دنیا

زِيَارَتَهُمْ، وَفِي الْآخِرَةِ شَفَاعَتَهُمْ، وَاحْشُرْنَا مَعَهُمْ

زیارت آنان و در آخرت شفاعتشان را نصیب ما بفرما، و ما را با آنان محشور کن،

وَفِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِوَائِهِمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا

و در گروه آنان و در زیر پرچم آنان قرارمان ده. و بین ما

وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

و آنان، لحظه‌ای (چشم بهم‌زدنی) جدایی میفکن نه در دنیا و نه در آخرت.

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.



دعای توسل به حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه

در کتاب «قیس المصباح» دعای مختصری (برای توسل به

مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداه) نقل شده که عبارت است از:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ صَاحِبِ

خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به حق ولی و حجتت، صاحب



توسّل به حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه

در مشکلات (یا فارس الحجاز)

روایت شده است که:

هر مؤمنی که امری از امور دنیوی یا آخروی بر او دشوار گردد، به صحرا رود و این دعا را هفتاد مرتبه بخواند، یاری حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداه به او می‌رسد:

يَا فَارِسَ الْحِجَازِ أَدْرِكْنِي، يَا أَبَا صَالِحِ الْمَهْدِيِّ

ای اسب سوار حجاز؛ مرا دریاب، ای ابوالصالح المهدی؛

أَدْرِكْنِي، يَا أَبَا الْقَاسِمِ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي وَلَا تَدْعُنِي،

مرا دریاب، ای ابوالقاسم؛ مرا دریاب، مرا دریاب، و مرا رها نکن

فَإِنِّي عَاجِزٌ ذَلِيلٌ<sup>۱</sup>.

که همانا من درمانده‌ای ناتوان و خوار هستم.

الزَّمانِ إِلَّا أَعْنَتَنِي بِهِ عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي، وَكَفَيْتَنِي

زمان، این که به واسطه آن حضرت، مرا در همه کارهایم یاری رسانی و به وسیله او

بِهِ مَوْوَنَةً كُلِّ مُؤَذِّ وَطَاغٍ وَبَاغٍ، وَأَعْنَتَنِي بِهِ، فَقَدْ

مرا از شر هر طغیانگر و ستمگر و آزاررسانی در امان بداری و کمک کنی. به راستی که

بَلَغَ مَجْهُودِي، وَكَفَيْتَنِي كُلَّ عَدُوٍّ وَهَمٍّ [وَعَمٍّ]

ناتوان گشته و جانم به لب رسیده، و از هر دشمن و (غم و اندوهی) و مشکلات

وَدَيْنٍ، وَوُلْدِي وَجَمِيعِ أَهْلِي وَإِخْوَانِي، وَمَنْ

و قرضی کفایت کنی مرا و فرزندانم و همه اهل و برادرانم را، و هر کس

يُعْنِينِي أَمْرُهُ وَخَاصَّتِي، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ<sup>۱</sup>.

کار او به من مربوط می‌شود و نیز خاضان مرا، این دعا را بپذیر ای پروردگار جهانیان.

در کتاب «جنات الخلود» می‌فرماید:

فتح و پیروزی بر دشمنان در جنگ‌ها و غیر آن، و نیز ادای

قرض‌ها، بستگی به توسّل به حضرت مهدی ارواحنا فداه به این

طریق دارد.<sup>۲</sup> سپس این دعا را نقل نموده است.

توسّل به حضرت  
مهدی

۳۷۰

۱. نجم الثاقب: ۷۳۱.

۲. جنات الخلود: ۴۰.

توسل دیگر به حضرت بقیة الله ارواحنفاذاه

(یا صاحب الزمان)

روایت شده است که:

هر که را شدت و مصیبتی برسد هفتاد بار بگوید:

يا اللهُ يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ يا فاطِمَةُ يا صاحِبَ الزَّمانِ،

ای خدا، ای محمد، ای علی؛ ای فاطمه، ای صاحب الزمان،

أَدْرِکُنِي وَلَا تُهْلِكُنِي<sup>۱</sup>.

مرا دریاب و هلاکم نکن.

توسل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه

در کتاب «التحفة الرضویة» آمده است: بعد از نافله مغرب صد

مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بفرست، سپس هفتاد

مرتبه بگو:

۱. منهاج العارفين: ۴۸۳.

يا اللهُ يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ يا فاطِمَةُ يا حَسَنُ يا حُسَيْنُ،

ای خدا؛ ای محمد؛ ای علی؛ ای فاطمه؛ ای حسن؛ ای حسین؛

يا صاحِبَ الزَّمانِ، أَدْرِکُنِي يا صاحِبَ الزَّمانِ.

ای صاحب الزمان؛ مرا دریاب ای صاحب الزمان.

سپس صد مرتبه دیگر بر پیامبر صلوات بفرست و آن گاه

حاجت خود را طلب کن.

صاحب کتاب «التحفة الرضویة» در ادامه می نویسد:

سیّد علامه، حضرت والد فرموده است: این دعا برای برطرف

شدن مشکلات و سختی های مهم تجربه شده است.<sup>۱</sup>

۱. التحفة الرضویة: ۱۵۰.

### بخش هشتم

## عریضه و نوشتن نامه به امام عصر ارواحنا فداه

نوشتن نامه حاجت به محضر سرور ارجمندمان حضرت مهدی ارواحنا فداه یکی از توسل‌ها و استغاثه‌های مؤثر است و اثر عجیبی در برآوردن حاجت‌ها دارد؛ زیرا، مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه - چنان که در روایات نیز بیان شده است - نسبت به دوستانش بسیار محبت دارد و مهربان است. این جانب، بارها به محضر مقدّس آن حضرت نامه نوشته و نتیجه‌های عجیبی دیده‌ام.

۷۳

### کیفیت نوشتن نامه

به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه

عباراتی را که در پی می‌آید در کاغذی نوشته و آن را بر روی قبر یکی از امامان علیهم‌السلام می‌افکنی .  
یا آن را بسته و مهر کن و در میان گل پاکی که ساخته‌ای قرار ده؛

سپس آن را در جوی آب یا چاهی عمیق یا برکهٔ آبی بینداز که نامه به محضر مقدّس امام عصر ارواحنفاذ خواهد رسید و آن حضرت، خودش عهده‌دار برآوردن خواسته‌ات می‌گردد.

کیفیت نوشتن نامه بدین صورت است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ مُسْتَعِينًا،

ای مولای من - که درود خدا بر تو باد - به پیشگاه مقدّست می‌نویسم در حالی که تو را به فریادمی‌طلبم

وَشَكْوَتُ مَا نَزَلَ بِي مُسْتَجِيرًا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ثُمَّ

و به تو از مشکلی که برابم‌پیش آمده‌شکوه و شکایت می‌نمایم، در حالی که به‌خداوند و تو پناه آورده‌ام،

بِكَ مِنْ أَمْرٍ قَدْ دَهَمَنِي، وَأَشْغَلَ قَلْبِي، وَأَطَالَ

از مصیبتی که تحملش برای من مشکل است و قلبم را به خود واداشته است، و اندیشه‌ام

فِكْرِي، وَسَلَبَنِي بَعْضَ لُبِّي، وَغَيَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةِ اللَّهِ

در موردش به درازا کشیده است، و مقداری از عقل و خرد مرا زایل گردانده، و نعمت ارزشمندی را که خدا به

عِنْدِي، أَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخْيِيلِ وُرُودِهِ الْخَلِيلُ، وَتَبَرَّأَ

من داده است دگرگون ساخته است. هنگام گمان ورود این مشکل، دوست صمیمی من، مرا وا گذاشت، و خویشاوند

مِنِّي عِنْدَ تَرَائِي إِقْبَالِهِ إِلَيَّ الْحَمِيمُ، وَعَجَزَتْ عَنِّي

صمیمی من نیز وقتی متوجه شد این مشکل در راه است از من بی‌زاری جست. چاره‌جویی‌های من در مقابله با این

دِفَاعِهِ حِبْلَتِي، وَخَانَنِي فِي تَحْمَلِهِ صَبْرِي وَقُوَّتِي .

گرفتاری راه به جایی نبرده است، و بردباری و نیروی من قادر به تحمل آن نیست و به وظیفهٔ خود عمل نکرده

فَلَجَأْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْأَلَةِ لِلَّهِ جَلَّ

است. بدین‌سان، چاره‌ای ندیدم جز آنکه به سرعت به آستان مقدّست پناه آورم، و برای درخواست از خداوند که ستایش

تَنَائُوهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي، عِلْمًا بِمَكَانِكَ

شکوهمند، از آن اوست - به خداوند و همچنین به حضرت توکل کردم تا این گرفتاری را از من دور کنی. این گفتارهای من، از

مِنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلِيِّ التَّدْبِيرِ وَمَالِكِ الْأُمُورِ،

(روی بی‌دقتی نیست؛ بلکه) علم دارم به جایگاه باعظمت تو نزدخداوندی که پروردگار جهانیان است، صاحب تدبیر و مالک همهٔ

وَأَثَقًا بِكَ فِي الْمُسَارَعَةِ فِي الشَّفَاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ تَنَائُوهُ

امور است. در این حالات روحانی به تو اطمینان دارم و امیدوارم که برای شفاعت نزد خداوند - که ستایش او شکوهمند باد -

فِي أَمْرِي، مُتَبَقِّئًا لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِيَّاكَ

در مورد انجام کارهای مربوطه به من شتاب می‌کنی؛ و از سویی نیز یقین و اعتقاد دارم که خداوند - که مرتبه‌اش والا و مبارک

بِإِعْطَائِي سُؤْلِي . وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ جَدِيرٌ بِتَحْقِيقِ

است - درخواست تو را با پرورده کردن درخواست من اجابت می‌فرماید. ای سرور و سالار من؛ خودت نیز آن قدر بزرگواری و سزاوار

ظَنِّي وَتَصَدِّيقِ أَمَلِي فِيكَ فِي أَمْرٍ كَذَا وَكَذَا (در این

هستی که مطمئن هستم گمانم را محقق می‌سازی و آرزویم را به واقعیت پیوند می‌دهی؛ در مورد این کارها ...

قسمت حاجت نوشته شود)، فِيمَا لَا طَاقَةَ لِي بِحَمَلِهِ،

که برایم سخت شده است و دیگر طاقت تحمل آن‌ها را ندارم،

وَلَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ ، وَإِنْ كُنْتُ مُسْتَحِقًّا لَهُ وَلَا ضَعْفِ فِيهِ

و شکیمم در این موارد تمام شده است؛ البته به خوبی می‌دانم که همه این مشکلات، حق من است و سزاوار چند

بِقَبِيحِ أَفْعَالِي وَتَفْرِيطِي فِي الْوَاجِبَاتِ الَّتِي لِلَّهِ

برابرش نیز هستم؛ چرا که کارهای زشت من، و کوتاهی و کندی در انجام واجباتی که برای خداوند - شکوهمند

عَزَّوَجَلَّ ، فَأَعِزَّنِي يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ عِنْدَ

بزرگ - است نتیجه‌ای جز این مشکلات در بر نخواهد داشت. ای سرور و آقای من؛ - که درود خداوند نثار باد - با این همه، در

اللَّهْفِ ، وَقَدِّمِ الْمَسْأَلَةَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي أَمْرِي ، قَبْلَ

این دل‌سوختگی و اندوه به فریادم برس، و در پیشگاه الهی درخواست انجام کارهای من و برطرف شدن مشکل را تقدیم کن، و

حُلُولِ التَّلَفِ ، وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ ، فَبِكَ بَسِطَتِ النِّعْمَةَ

زودتر این کار را انجام بده؛ پیش از آنکه تلفاتی به بار آید، و دشمنان به مسخرگی و شمانت من بپردازند؛ زیرا، تنها به خاطر

عَلَيَّ ، وَاسْأَلِ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصْرًا عَزِيزًا ، وَفَتْحًا

توست که این همه نعمت بر من گسترده شده است. نیز، از خداوند - شکوهمند - درخواست کن که یاری بزرگ و ارزشمند، و فتح و

قَرِيبًا ، فِيهِ بُلُوغُ الْأَمَالِ ، وَخَيْرُ الْمَبَادِي ، وَخَوَاتِيمُ

پیروزی نزدیک و سریع خود را نصیب من فرماید؛ به گونه‌ای که به آرزوهایم برسیم و آغاز و پایان

الْأَعْمَالِ ، وَالْأَمْنُ مِنَ الْمَخَافِ كُلِّهَا فِي كُلِّ حَالٍ ،

کارها نیز به نیکی باشد؛ و در هر حال از تمام ترسناک‌ها در امان باشم. اعتقاد بر این است که

إِنَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَالٌ ، وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ

خداوند - که ستایشش شکوهمند باد - هر چه بخواهد به طور کامل انجام می‌دهد؛ و کفایت‌گر من و

الْوَكِيلُ فِي الْمَبْدَءِ وَالْمَأَلِ .

وکیل نیکوی من نیز در دنیا و آخرت، تنها خداست .

پس از آماده شدن نامه، به طرف جوی آب یا برکه (یا چاه) می‌روی و یکی از چهار نایب خاص حضرت بقیة الله ارواحنا فداه یعنی: جناب عثمان بن سعید، پسرش محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی، و علی بن محمد سمري رضی الله عنه (که راه‌های دستیابی و واسطه ما به آن حضرت هستند) را انتخاب می‌کنی و با این عبارات او را صدا زده و می‌گویی:

يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانٍ ، سَلَامٌ عَلَيْكَ ، أَشْهَدُ أَنَّ وَفَاتَكَ فِي

ای (فلان فرزند فلان)؛ سلام و درود بر تو. گواهی می‌دهم که درگذشت تو در

سَبِيلِ اللَّهِ ، وَأَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللَّهِ مَرْزُوقٌ ، وَقَدْ خَاطَبْتُكَ

راه خدا بوده، و اینک تو نزد خداوند زنده هستی و روزی خاص او را دریافت می‌کنی. و بدین‌سان،

فِي حَيَاتِكَ الَّتِي لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ ، وَهَذِهِ رُفْعَتِي

من در حیاتی که نزد خدا داری تو را مخاطب قرار می‌دهم، و این نامه و عریضه و درخواست

وَخَاجَتِي إِلَى مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَسَلِّمُهَا إِلَيْهِ ،

حاجت من به سرورمان حضرت مهدی علیه السلام است، پس آن را به حضرتش تسلیم کن.

فَأَنْتَ الثَّقَةُ الْأَمِينُ .

به راستی که تو مورد اطمینان و امانت‌دار هستی.



آن گاه نامه را در جوی آب یا درون چاه یا برکه بینداز که به خواست خداوند، خواسته‌ات برآورده خواهد شد.<sup>۱</sup>

ناگفته نماند: علامه مجلسی رحمته الله علیه پس از این عبارت افزوده است: در این حالات روحانی، در اندیشه‌ات این گونه باشد که نامه را به دست آن حضرت تسلیم کرده‌ای؛ زیرا، نامه به دست مبارکش می‌رسد و به خواست خدا، حاجت و خواسته برآورده می‌شود.<sup>۲</sup>

محدث نوری رحمته الله علیه فرموده است: از این روایت شریف استفاده می‌شود که این چهار بزرگوار، که در زمان غیبت صغری و اولیة امام زمان ارواحنا فداه به عنوان واسطه بین امام و شیعیانش بودند و خواسته‌ها و نامه‌ها را عرضه می‌داشتند و پاسخ‌ها و نامه‌های آن امام عزیز را نیز به صاحبانش می‌رساندند؛ در زمان غیبت طولانی و کبرای امام زمان ارواحنا فداه نیز در رکاب گرامی و ارزشمند آن حضرت هستند و این مقام (واسطه بودن) را هنوز در اختیار دارند.

و نیز از این روایت شریف برمی‌آید که سفره احسان، بخشش، بزرگواری، کرم، لطف و نعمت امام زمان ارواحنا فداه در سراسر کره زمین برای هر پریشان ناتوان، و نیز برای هر گمگشته سرگردان و هر

۱. المصباح: ۵۳۱، البلد الامین: ۲۲۷، منهاج العارفين: ۴۴۸.

۲. بحار الأنوار: ۳۰/۹۴.

حیرت زده نا آگاه و گناهکار حیران گسترده و در دسترس است.

این درگاه الهی برای همه باز و گشوده است و این هدایت و دستگیری فراگیر برای همه وجود دارد. البته، به شرط صداقت، اضطرار، نیاز، تصمیم و اراده، صفای درون، اخلاص و بی‌غل و غش بودن فراهم است.

وقتی که شخص نا آگاه و نادان از او درخواست و التماس کند که به علم و دانش او دست یابد، و خود را گمگشته و سرگردان ببیند، مسلم است که آن بزرگوار او را به سرمنزل و راه اصلی می‌رساند، و اگر بیمار باشد، لباس سلامتی را بر تنش می‌پوشاند. چنان که از داستان‌هایی که پیشتر نقل کردیم برمی‌آید.

نتیجه‌ای که در این جا مقصود است آن است که امام بزرگوار، حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه در بین بندگان حضور دارد و به شیعیان و نیز سایر افرادی که تحت حکومت او هستند نظاره می‌کند، و قدرت و توان برطرف کردن بلاها را دارد، و از رازها و امور پنهانی آگاه است.<sup>۱</sup>

۱. نجم الناقب: ۷۹۰.

## بخش نهم

## استخاره



## استخاره اول

در برخی از کتاب‌های کهن دیدم که این استخاره را نیز به امام  
عصر ارواحفاده نسبت داده است:

ابتدا سوره حمد را تا «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» قرائت کرده،  
و پس از آن سه مرتبه صلوات فرستاده و پس از آن نیز سه مرتبه  
بگو: «يَا مَنْ يَعْلَمُ إِهْدِنَا مَنْ لَا يَعْلَمُ»؛ «ای کسی که می‌داند، کسی را که  
نمی‌داند هدایت و راهنمایی کن».

سپس، قبضه‌ای از تسیح را با دست گرفته و دانه‌های آن را  
شمرده؛ اگر عدد فرد بود یعنی خوب است و آن را انجام بده و اگر  
زوج بود آن را انجام مده.

اگر می‌خواهی بدانی کار مورد نظرت که برای آن استخاره  
می‌کنی بسیار بسیار خوب است یا خیر؛ پس از این استخاره،

استخاره‌ای دیگر به نیت ترک کار مورد نظرت بگیر.

در نتیجه اگر اصل کار خوب بود و در استخاره دُوم که برای ترک انجام آن بود زوج آمد که بد است؛ بنابراین، کار مورد نظر در نهایت خیر و نیکی خواهد بود. و اگر در ترک آن فرد آمد که خوب است معلوم می‌شود که انجام دادن یا انجام ندادن کار مورد نظر فرقی ندارند.

از سویی، اگر استخاره برای اصل کار بد بود و استخاره برای ترک کار خوب بود نیز، باید آن کار را ترک کرده و به طور جدی از انجام آن صرف نظر کنی؛ ولی اگر فعل و ترک، هر دو بد بود از انجام آن کار نهی شده ولی نه مثل استخاره قبل.



### استخاره دُوم

فقیه بزرگوار، صاحب کتاب «جواهر الکلام» در آن کتاب می‌فرماید: استخاره دیگری هست که برخی از علمای زمان ما از آن استفاده می‌کنند، و گویا به امام عصر ارواحنا فداء نسبت داده می‌شود؛ و کیفیت آن چنین است:

پس از این که آیه و دعا خواند، قبضه‌ای از تسبیح را می‌گیرد و هشت دانه هشت دانه می‌شمرد؛ اگر یک دانه باقی بماند، یعنی کمی خوب است.

اگر دو تا بماند، یعنی در انجام آن کار یک نهی وجود دارد. اگر سه دانه تسبیح باقی بماند، یعنی صاحب استخاره خودش صاحب اختیار است، چرا که انجام آن کار و انجام ندادن آن مساوی است یعنی میانه است.

اگر چهار دانه تسبیح باقی بماند به معنای وجود دو نهی و بدی در آن کار است.

اگر پنج تا باقی بماند نزد بعضی به معنای این است که در آن کار سختی وجود دارد و برخی نیز به وجود سرزنش در آن کار معتقدند.

اگر شش دانه باقی بماند به معنای نیکی و خیر کامل در آن کار است به گونه‌ای که باید در انجامش شتاب کرد.

اگر هفت دانه از تسبیح باقی بماند همانند آن است که پنج دانه باقی مانده باشد که در آن دو رأی یا دو روایت وجود دارد.

و اگر هشت دانه باقی بماند کار مورد نظر در نهایت بدی است و چهار نهی در آن وجود دارد.<sup>۱</sup>

۱. الباقیات الصالحات حاشیه کتاب مفاتیح الجنان: ۴۱۱.

## بخش دهم

## ❁ دربارهٔ حرز یمانی و جریان آن ❁

از باب دهم کتاب «صحیفهٔ مهدیه»، حرز یمانی را انتخاب نمودیم و آن دعایی است که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده و هنگامی که امیر اسحاق استرآبادی آن را می خوانده است، امام زمان عجل الله تعالی فرجه اشتباهات وی را تصحیح فرمودند.

## جریان حرز یمانی

در «دار السلام ج ۲ ص ۱۲» نقل فرموده است: سید عابد و زهد پیشهٔ ارجمند امیر اسحاق استرآبادی فرمود:

در راه مکه بودم که گم شدم و از قافله عقب ماندم و کارم به جایی رسید که از زندگی ام ناامید شدم و همانند کسی که در حال مرگ است شدم و شروع به گفتن شهادتین کردم.

ناگهان مشاهده کردم مولای ما و مولای جهان یعنی جانشین خداوند بر تمام مردم روی زمین، بالای سرم است.

آن حضرت فرمودند: ای اسحاق؛ برخیز. برخاستم و ایستادم، در حالی که تشنه بودم، مرا سیراب فرمود و در پشت سرش بر مرکب سوار کرد. پس شروع به خواندن این حرز نمودم

و آن حضرت که درود خداوند بر ایشان باد اشتباهات آن را اصلاح می نمود تا دعا به پایان رسید؛ در این هنگام مشاهده کردم که در «ابطح» هستم؛ از مرکب پیاده شدم و آن بزرگوار غایب شدند....



### حرز یمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَا

بارالها؛ تو پادشاه راستینی هستی که جز تو معبودی نیست؛ و من

عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي، وَلَا يَغْفِرُ

بنده تو هستم؛ بر خود ستم کردم، و به گناهم اعتراف دارم؛ در حالی که (می دانم) جز تو

الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفِرْ لِي يَا غَفُورٌ يَا شَكُورٌ.

کسی گناهان را نمی بخشد، پس بخشش و آمرزشت را شامل من گردان، ای آمرزنده؛ ای پاداش دهنده؛

اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ، وَأَنْتَ لِحَمْدِ أَهْلِ، عَلَيَّ مَا

بارالها؛ من تو را ستایش می کنم، و می دانم که تو شایسته ستایش هستی. ستایش بر

خَصَصْتَنِي بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ، وَمَا وَصَلَ إِلَيَّ

بخشش های خوش آیندی که به من اختصاص دادی، و فضل و احسان فراوانی که

مِنْ فَضْلِكَ السَّابِغِ، وَمَا أَوْلَيْتَنِي بِهِ مِنْ إِحْسَانِكَ

به من رسانیدی، و نیکی و احسان که بر من ارزانی داشتی،

إِلَيَّ، وَبَوَّأْتَنِي بِهِ مِنْ مَظَنَّةِ الْعَدْلِ، وَأَنْلَتَنِي مِنْ

و آنچه از جایگاه عدل برای من جای دادی، و از

مَنْكَ الْوَأَصِلِ إِلَيَّ، وَمِنْ الدَّفَاعِ عَنِّي، وَالتَّوْفِيقِ

لطف و احسان پیاپیات به من رسانیدی، و از من دفاع کردی، و توفیقم دادی،

لِي، وَالْإِجَابَةِ لِدُعَائِي حَيْثُ أَنْاجِكَ ذَاعِيًا.

و دعایم را مستجاب می کنی هنگامی که در حال دعا با تو مناجات می کنم؛

وَأَدْعُوكَ مُضَامًا، وَأَسْأَلُكَ فَأَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ

و هنگامی که تو را می خوانم در حالی که ستم دیده ام. و درخواست می کنم و می بینم که در همه جا

كُلِّهَا لِي جَابِرًا، وَفِي الْأُمُورِ نَاطِرًا، وَلِذُنُوبِي

نسبت به من مهربان و نیکوکاری، و در تمام کارها نظاره گر من هستی، و گناهانم را می بخشی،

غَافِرًا، وَلِعَوْرَاتِي سَاتِرًا، لَمْ أَعْدَمْ خَيْرَكَ طَرْفَةَ

و عیب هایم را می پوشانی؛ از ابتدای ورود به دنیا (که منزلگاه اختیار است) حتی به قدر یک چشم

عَيْنٍ مُنْذُ أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْإِخْتِيَارِ، لَتَنْظُرَ مَا أَقْدَمَ لِدَارِ

برهم زدن نیز سراغ ندارم که خیر و خوبیات به من نرسیده باشد. چنین کردی تا ببینی برای خانه

الْقَرَارِ، فَأَنَا عَتِيقُكَ مِنْ جَمِيعِ الْأَفَاتِ وَالْمَصَائِبِ،

همیشگی ام (آخرت) چه چیزی می فرستم (ای خدا) بدین سان، من آزاد شده تو از تمام آسیب ها

۱. دَارَ الْإِخْتِيَارِ: «منزلگاه آزمایش»، بحار الأنوار: ۲۴۲/۹۵.

فِي اللّٰوَابِ وَالْعُومِ الَّتِي سَاوَرْتَنِي فِيهَا الِهُمُومُ ،

و مصیبت‌ها، در سختی‌ها و اندوه‌هایی هستم که ناراحتی‌ها را بر من حمله‌ور ساخته؛

بِمَعَارِضِ اصْنَافِ الْبَلَاءِ، وَمَصْرُوفِ جُهْدِ الْقَضَاءِ،

به پیش‌آمدن بلاهای گوناگون، و رخ دادن سختی‌های قضا.

لَا اَذْكَرُ مِنْكَ اِلَّا الْجَمِيْلَ، وَلَا اَرَى مِنْكَ غَيْرَ

از تو جز خوبی و زیبایی به یاد ندارم، و جز مهربانی و فضل، از تو نمی‌بینم.

التَّفْضِيْلِ . خَيْرُكَ لِي شَامِلٌ، وَفَضْلُكَ عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ،

خیر و نیکی تو مرا فرا گرفته است، و فضل و فروز بخشی تو پی در پی به من می‌رسد،

وَنِعْمَتِكَ عِنْدِي مُتَّصِلَةٌ، وَسَوَابِقُ لَمْ تُحَقِّقْ حِذَارِي،

و نعمتت به طور متصل به من می‌رسد، و سابقه‌هایی که محقق نساختی برحذر شدنم (ناآمیdim) را،

بَلْ صَدَّقْتَ رَجَائِي، وَصَاحِبْتَ اَسْفَارِي، وَ اَكْرَمْتَ

بلکه آمدم را به راستی رسانده‌ای، و در سفرها همراهم بودی، و در وطن نیز با کرامت و بزرگواری

اَحْضَارِي، وَشَفَيْتَ اَمْرَاضِي وَاَوْهَانِي، وَعَافَيْتَ

با من رفتار کردی، و بیماری‌ها و سستی‌هایم را شفا بخشیدی، و

مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ، وَلَمْ تُشْمِتْ بِي اَعْدَائِي، وَرَمَيْتَ

پناهگاه و آرامگاهم را عافیت بخشیدی، و دشمنان مرا اجازه شمت‌کردن نسبت به من ندادی، و هر که مرا هدف

مَنْ رَمَانِي، وَكَفَيْتَنِي مَوْوَنَةً مِّنْ عَادَانِي . فَحَمْدِي

گرفت او را هدف گرفتی، و سختی و رنج دشمنانم را از من کفایت نمودی. بنابراین، ستاییم

لَكَ وَاَصِلُّ، وَتَنَائِي عَلَيْكَ دَائِمٌ، مِّنَ الدَّهْرِ اِلَى

به تو پیوسته و ثناگویی‌ام بر تو همیشگی است، از هر زمانی تا

الدَّهْرِ، بِالْاَوَانِ التَّسْبِيحِ، خَالِصاً لِذِكْرِكَ، وَمَرْضِيّاً

زمان دیگر، با تسبیح‌گویی‌های گوناگون، و فقط به خاطر یاد تو و جلب خشنودی

لَكَ بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ، وَ اِمْحَاضِ التَّمَجِيدِ بِطُولِ

تو به توحید ناب و ستایشگری خالص، با طولانی‌شدن

التَّعْدِيدِ، وَمَزِيَّةِ اَهْلِ الْمَزِيدِ، لَمْ تُعْنِ فِي قُدْرَتِكَ،

شمارش و فروزی اهل افزایش خواهم بود، کسی در تواناییت یاریت نکرده است،

وَلَمْ تُشَارِكْ فِي الْهَيْبَةِ، وَلَمْ تُعَلِّمْ لَكَ مَا يَبِيَّتُ فَتَكُونَ

و در خدایت نیز شریک نشده، و چگونه و ماهیتی برای تو ندانسته‌اند

لِلْاَشْيَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ مُجَانِساً، وَلَمْ تُعَايِنِ اِذْ حَبَسْتَ

تا هم‌جنس اشیای مختلف باشی، و هنگامی که به هر چیزی غریزه

الْاَشْيَاءِ عَلَيَّ الْغَرَائِزِ، وَلَا خَرَقْتَ الْاَوْهَامَ حُجْبَ

خاصی عطا می‌کردی دیده نشده‌ای، و اوهام و خیال‌ها نتوانسته‌اند پرده‌های عالم

الْغُيُوبِ، فَتَعْتَقِدُ فِيكَ مَحْدُوداً فِي عَظَمَتِكَ، فَالَا

پنهان را بدرند تا اعتقاد به محدودیتی در مورد عظمت تو پیدا کنند. بنابراین،

۱. این کلمه به تعبیرات مختلف وارد شده: بِضَائِعِ التَّوْحِيدِ، بِضَائِعِ التَّوْحِيدِ، ولى

نسخه‌ای که در متن ذکر کرده‌ایم صحیح‌تر است.

يَبْلُغُكَ بَعْدُ اَلْهَمَمِ ، وَلَا يَنَالُكَ غَوْصُ اَلْفِكْرِ ،

همت‌های والا توان رسیدن به تو را ندارند، و اندیشه‌های ژرف‌نگر نمی‌توانند به تو دست یازند،

وَلَا يَنْتَهِي اِلَيْكَ نَظْرُ نَاطِرٍ فِي مَجْدِ جَبْرُوتِكَ ،

و نگرش کسانی که بر شکوه جبروت تو چشم دوخته‌اند به تو منتهی نمی‌شود،

اِرْتَفَعَتْ عَنِ صِفَةِ اَلْمَخْلُوقِينَ صِفَاتُ قُدْرَتِكَ ،

ویژگی‌های قدرت برتر از توصیف آفریدگان است،

وَعَلَا عَنِ ذَلِكِ كِبْرِيَاءُ عَظَمَتِكَ ، لَا يَنْقُصُ مَا اَرَدْتَ

و بزرگی کبریایت برتر از آن‌هاست. چیزی را که اراده کرده‌ای تا افزون باشد کم نمی‌شود

اَنْ يَزِدَادَ ، وَلَا يَزِدَادُ مَا اَرَدْتَ اَنْ يَنْقُصَ ، لَا اَحَدَ

و چیزی که خواسته‌ای کم باشد افزون نمی‌گردد. هیچ کس،

حَضَرَكَ حِينَ بَرَأْتَ اَلنُّفُوسَ ، كَلَّتِ الْاَوْهَامُ عَنِ

در هنگام آفرینش جان‌ها نزد تو حضور نداشته است، اندیشه و خیال از تفسیر

تَفْسِيرِ صِفَتِكَ ، وَاِنْ حَسَرْتَ اَلْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ

و بیان وصف تو درمانده‌اند، و عقل‌ها در دست‌یابی به کنه و عمق حقیقت

عَظَمَتِكَ ، وَكَيْفَ تُوصَفُ وَاَنْتَ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ ،

بزرگی تو درمانده‌اند؛ چگونه قابل وصف هستی، در حالی که بسیارقدرتمند و در نهایت پاک هستی؟

الَّذِي لَمْ تَزَلْ اَزَلِيًّا دَائِمًا فِي الْغُيُوبِ وَحَدَاكَ لَيْسَ

که همیشه و به طور دایم، به تنهایی در پنهانی‌ها هستی و کسی

فِيهَا غَيْرُكَ وَلَمْ يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ ، حَارَ فِي مَلَكُوتِكَ

جز تو نمی‌تواند چنین باشد. ژرف‌ترین راههای اندیشه در ملکوت تو

عَمِيقَاتُ مَذَاهِبِ التَّفَكُّيرِ ، فَتَوَاضَعَتْ اَلْمُلُوكُ

سرگردان شده است؛ و بدین سان، پادشاهان برای عظمت تو

لِهَيْبَتِكَ ، وَعَنْتِ الْوُجُوهُ بِذُلِّ الْاِسْتِكَانَةِ لَكَ ، وَاِنْقَادَ

به فروتنی افتاده‌اند، و آبرومندان با ذلت و بیچارگی صورت بر خاک نهاده‌اند؛ و هر چیزی منقاد

كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ ، وَاِسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ ،

و سلفکنده عظمت توست، و هر چیزی در برابر توان و قدرت تو سر تسلیم و بندگی فرودآورده است،

وَخَضَعَتْ لَكَ الرَّقَابُ ، وَكُلُّ دُونَ ذَلِكَ تَخِيْبِرُ

و گردن‌ها در برابر فروتن و کج شده است، و لغات را یارای رسیدن به آن نیست،

اَللُّغَاتِ ، وَضَلَّ هُنَالِكَ التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ

و تدبیر عقلا در چگونگی صفات تو دچار سرگردانی شده است.

الصِّفَاتِ ، فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ طَرْفُهُ اِلَيْهِ

بدین‌سان، هر کس در آن تفکر کند چشمش در حالی که خسته و درمانده گشته به سوی او

حَسِيْرًا ، وَعَقْلُهُ مَبْهُورًا ، وَتَفَكَّرُهُ مُتَحَيِّرًا . اَللّٰهُمَّ

برمی‌گردد، و عقلش مبهوت و اندیشه‌اش سرگردان می‌شود. بارالها؛

فَلَكَ الْحَمْدُ مُتَوَاتِرًا مُتَوَالِيًا مُتَسِقًا مُسْتَوْتِقًا ، يَدُومُ

تو را ستایش می‌کنم به طور پی در پی و پیوسته و محکم و متصل؛ به گونه‌ای که دایمی باشد

وَلَا يَبِيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ ، وَلَا مَطْمُوسٍ

و از بین نرود و در ملکوت نیز گم نشود، و در مکان‌های مخصوص آن محو و نابود نشود،

فِي الْمَعَالِمِ ، وَلَا مُنْتَقِصٍ فِي الْعِرْفَانِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ

و از نظر شناخت نیز کمبودی نداشته باشد. و ستایش مخصوص توست

مَا لَا تُحْصِي مَكَارِمُهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ ، وَالصُّبْحِ إِذَا

آن چنان که خوبی‌های آن قابل شمارش نیست در آن هنگام که شب پایان می‌رسد

أَسْفَرَ ، وَفِي الْبَرَارِي وَالْبِحَارِ ، وَالْعُدُودِ وَالْآصَالِ ،

و صبحگاهان طلوع می‌کند و در خشکی‌ها و دریاها و صبح و شام

وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ، وَفِي الظَّهَائِرِ وَالْأَسْحَارِ . اَللّٰهُمَّ

و شبانگاهان و بامدادان و در نیمه‌های روز و سحرگاهان. بار الها؛

بِتَوْفِيقِكَ قَدْ أَحْضَرْتَنِي الرَّغْبَةَ ، وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي

با توفیقت مرا به اشتیاق آوردی، و در حفظ و

وَلَايَةِ الْعِصْمَةِ لَمْ أَبْرَحْ فِي سُبُوحِ نِعْمَائِكَ ، وَتَتَابِعِ

سرپرستی خود قرار دادی به گونه‌ای که همیشه در نعمت‌های بی‌شمارت به سر برده‌ام و

الْأَيْكَ مَحْفُوظًا لَكَ فِي الْمَنْعَةِ وَالِدِّفَاعِ مَحْوَطًا بِكَ

خوبی‌های پیوسته‌ات به من رسیده است، و در قلعه حفظ و حراست تو محفوظ بوده و

فِي مَثْوَايَ وَمُنْقَلَبِي ، وَلَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ طَاقَتِي ، إِذْ

در حال اگر گفتم و حرکت در احاطه تو بودم، بیش از توانم نیز برای من وظیفه مقررنفر موده‌ای؛ زیرا،

لَمْ تَرْضَ مِنِّي إِلَّا طَاعَتِي ، وَلَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ

تنها فرمان‌برداری از خودت را سبب خشنودیت از من قرار دادی. با این که سپاسگزاری من - هر

أَبْلَغْتُ فِي الْمَقَالِ وَبَالِغْتُ فِي الْفِعَالِ بِبَالِغِ أَدَاءِ

چند در گفتن بکوشم و با تمام توانم کار کنم - نمی‌تواند

حَقِّكَ ، وَلَا مُكَافِئًا لِفَضْلِكَ ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا

حق تو را ادا کند، و پاداش فضل و احسان تو باشد؛ زیرا، تو خدایی هستی که

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، لَمْ تَغِبْ وَلَا تَغِيبُ عَنْكَ غَائِبَةٌ ،

جز تو معبودی نیست؛ هیچ‌گاه چیزی که غایب است برای تو غایب نبوده و نخواهد بود،

وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ ، وَلَمْ تَضِلَّ لَكَ فِي ظُلْمِ

و هیچ چیز پنهانی برای تو پنهان نیست؛ و هیچ گم‌شده‌ای در

الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةٌ ، إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ تَقُولَ

تاریکی‌های پنهانی، برای تو گم‌شده نیست. فرمان تو این‌گونه است که هرگاه به چیزی بفرمایی:

لَهُ كُنْ فَيَكُونُ . اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهِ

باش؛ می‌شود. بار الها؛ ستایش مخصوص توست به همان شکلی که تو خودت را ستوده‌ای،

نَفْسِكَ ، وَحَمْدِكَ بِهِ الْحَامِدُونَ ، وَمَجْدَكَ بِهِ

و ستایشگران به ستایشت پرداخته‌اند، و ثناگویان تو را

الْمُمَجِّدُونَ ، وَكَبْرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ ، وَعَظَمَكَ بِهِ

بزرگ شمرده‌اند، و تکبیر گوینان به بیان بزرگی تو پرداخته‌اند، و



الْمُعْظِمُونَ، حَتَّىٰ يَكُونَ لَكَ مِنِّي وَحْدِي بِكُلِّ

تعظیم‌کنندگان در پیشگاه تو به تعظیم پرداخته‌اند؛ به طوری که از من به تنهایی به اندازه

طَرْفَةِ عَيْنٍ، وَأَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ مِثْلُ حَمْدِ الْحَامِدِينَ،

چشم به هم زدن و حتی کمتر از چشم بر هم زدن، قدر ستایش ستایشگران،

و تَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ، وَتَقْدِيرِ أَجْنَاسِ

و یگانه‌دانستن تمام مخلصان نسبت به تو، و منزّه دانستن تمام

الْعَارِفِينَ، وَتَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهْلَلِينَ، وَمِثْلُ مَا أَنْتَ بِهِ

عارفان نسبت به ساحت تو، و ثناگویی تمام تهلیل‌گویان، و همانند آن چه تو از تمام

عَارِفٌ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ، وَأَزْغَبُ إِلَيْكَ

مخلوقات زندهات سراغ داری؛ باشد. و از طرفی مشتاق تو

فِي رَغْبَةٍ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ، فَمَا أَيْسَرَ مَا

هستم که ستایش‌هایی را که بر زبانم آوردی برای به جای آوردم. بدین سان، چه قدر آسان است

كَلَّفْتَنِي بِهِ مِنْ حَقِّكَ، وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَيَّ

وظیفه‌ای که برای ادای حقت بر من فرمودی، و چه قدر وعده پاداش تو نسبت به من در

شُكْرِكَ، ابْتَدَأْتَنِي بِالنِّعَمِ فَضْلاً وَطَوَّلاً، وَأَمَرْتَنِي

مقابل ستایشم، عظیم است. با فضل و احسان خود شروع به نعمت‌بخشی به من کردی، و از آنچه

بِالشُّكْرِ حَقّاً وَعَدَلاً، وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافاً

که حق تو بود و عدالت اقتضا می‌کرد به من فرمودی که سپاسگزار از نعمت‌هایت را به جای آورم، و وعده فرمودی که

وَمَزِيداً، وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ اعْتِبَاراً وَفَضْلاً،

چند برابر سپاسگزاری من، به من پاداش خواهی داد؛ و از رزق و روزیت به من اعتبار و ارزش و فرونی عطا کردی

وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ يَسِيراً صَغِيراً، وَأَعْفَيْتَنِي مِنْ جُهْدِ

و در مقابل، مقدار کوچک و کمی از آن را از من خواستی؛ و از سختی و رنج

الْبَلَاءِ وَلَمْ تُسَلِّمْنِي لِلسُّوءِ مِنْ بَلَاءِكَ مَعَ مَا أَوْلَيْتَنِي

گرفتاری‌ها عافیتم بخشیدی، و مرا به بلاهای بدت وانگذاشتی؛ به خاطر عافیتهی که با آن مرا

مِنَ الْعَافِيَةِ، وَسَوَّغْتَ مِنْ كَرَائِمِ الدُّنْحِلِ، وَضَاعَفْتَ

سرپرستی نمودی، و از عطایای کریمانهات بخشیدی، و

لِي الْفَضْلَ مَعَ مَا أَوْدَعْتَنِي مِنَ الْمَحَجَّةِ الشَّرِيفَةِ،

فضل و احسان را بر من دوچندان نمودی با آنچه از طریقه شرافتمندانه در وجودم ودیعه نهادی،

وَيَسَّرْتَ لِي مِنَ الدَّرَجَةِ الْعَالِيَةِ الرَّفِيعَةِ،

و درجه والا و بلندمرتبه‌ای را برایم فراهم فرمودی؛

وَاصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَةً، وَأَفْضَلِهِمْ

و برگزیدی مرا در دوران پیامبری که از جهت فراخوانی، بزرگترین انبیا و از جهت

شَفَاعَةً، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ فَاعْفِرْ

شفاعت، برترین آنها است؛ یعنی حضرت محمد که درود خدا بر او و آل او باد. بار خدایا؛ بیامرز

لِي مَا لَا يَسْعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ، وَلَا يَمَحَقُهُ إِلَّا عَفْوُكَ،

برای من آن چه را که جز آمرزش تو فراگیر آن نباشد، و جز عفو و بخشش تو آن را نابود نکند،

وَلَا يُكْفِّرُهُ إِلَّا فَضْلُكَ ، وَهَبْ لِي فِي يَوْمِي يَقِينًا

و جز فضل تو آن را نبوشاند. و امروز به من یقینی عطا کن که

تُهَوِّنُ عَلَيَّ بِهِ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَأَخْزَانَهَا بِشَوْقٍ

با آن تمام مصیبت‌ها و غصه‌های دنیا را به واسطه اشتیاق به سوی خودت

إِلَيْكَ ، وَرَغْبَةٍ فِيمَا عِنْدَكَ ، وَاکْتُبْ لِي عِنْدَكَ

و میل و علاقه به نعمتهایی که نزد تو است آسان گردانی؛ و برایم نزد خودت

الْمَغْفِرَةَ ، وَبَلِّغْنِي الْكِرَامَةَ ، وَأَزْرِفْنِي شُكْرَ مَا

بخشش و مغفرت را بنویس، و مرا به کرامت برسان، و سپاسگزاری از

أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيعُ

نعمت‌های ارزانی‌شده‌ات را نصیبم کن؛ زیرا تو خدای یکتا، والا،

الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ، الَّذِي لَيْسَ لِأَمْرِكَ

آغازگر، نو آور، شنوا و دانا هستی؛ خدایی که دستورت قابل

مَدْفَعٌ ، وَلَا عَنْ قَضَائِكَ مُمْتَنِعٌ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَبِّي

رد شدن نیست؛ و بازدارنده‌ای از حکم و قضای تو وجود ندارد. گواهی می‌دهم که پروردگار من

وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ، فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، عَالِمٌ

و پروردگار هر چیزی تو هستی؛ آسمان‌ها و زمین را آفریدی؛ آگاه از

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ، الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

پنهانی و آشکاری؛ بلندمرتبه و بزرگ هستی. خدایا؛ به راستی از تو

الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ ، وَالْعَزِيمَةَ عَلَى الرَّشْدِ ، وَالشُّكْرَ

ثبات و پایداری در امر دین و ولایت، و اراده قوی بر کامل شدن، و سپاسگزاری

عَلَى نِعْمَتِكَ ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ ، وَبَغْيِ

نعمت‌هایت را درخواست می‌کنم. به تو پناه می‌آورم از جور و ستم هر ستمگر، و از تجاوز و ستم

كُلِّ بَاغٍ ، وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ ، بِكَ أَصُولُ عَلَى

هر ستم‌پیشه و حسادت هر حسود. با کمک تو بر دشمنانم هجوم می‌آورم و

الْأَعْدَاءِ ، وَبِكَ أَرْجُو وَلَايَةَ الْأَحِبَّاءِ مَعَ مَا لَا أَسْتَطِيعُ

چیره می‌شوم، و سرپرستی دوستان را نیز از تو امید دارم، با این که نمی‌توانم

إِحْصَاءَهُ ، وَلَا تَعْدِيدَهُ مِنْ عَوَائِدِ فَضْلِكَ ، وَطَرَفِ

فضل و عایدات تو، و نصیب‌های خوش‌آیند،

رِزْقِكَ ، وَأَلْوَانِ مَا أَوْلَيْتَ مِنْ إِرْفَادِكَ ، فَإِنَّكَ أَنْتَ

و بخشش نمودن رنگارنگ تو را به شماره درآورم. راستی که تو

اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَلْفَاشِي فِي الْخَلْقِ رِفْدُكَ ،

خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ بخششت نسبت به همه مخلوقات آشکار است،

الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَدُكَ ، وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ ،

و دست مبارکت به جود و بخشش گسترده است؛ و در دستورت کسی به ضدیت با تو نمی‌تواند برخیزد (تا انجام

وَلَا تُتَنَازَعُ فِي أَمْرِكَ ، تَمْلِكُ مِنَ الْأَنَامِ مَا تَشَاءُ ،

نشود)؛ در فرمانت کسی را یارای نزاع و جدال با تو نیست؛ از مردم آنچه بخواهی می‌گیری،

وَلَا يَمْلِكُونَ إِلَّا مَا تُرِيدُ. ﴿ قُلِ اللَّهُمَّ مَا لِكَ الْمُلْكِ

ولی آنان، جز آن چه را تو اراده کرده باشی در اختیار نخواهند داشت. «بگو: پروردگارا؛ ای

تُوْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ،

صاحب فرمان‌روایی و حکومت؛ به هر که بخواهی فرمانروایی را می‌دهی، و از هر که بخواهی

وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ

می‌گیری، و هر که را بخواهی عزت می‌بخشی و هر که را بخواهی به ذلت و خواری می‌کسانی؛ خیر و

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ \* تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُورِجُ

خوبی، تنها در دست توست؛ راستی که تو بر هر کاری توانایی. شب را در روز وارد می‌کنی، و

النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ

روز را وارد شب می‌گردانی؛ و زنده را از مرده بیرون می‌آوری،

الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۱﴾.

و مرده را از زنده خارج می‌کنی؛ و هر که را بخواهی بدون حساب، روزی می‌بخشی.»

أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْخَالِقُ الْبَارِيُّ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ

تو نعمت‌بخش فزونی‌دهنده، آفریننده و به وجود آورنده، توانا، چیره،

الْمُقَدَّسُ فِي نَوْرِ الْقُدْسِ، تَرَدَّيْتَ بِالْمَجْدِ وَالْعِزِّ،

و تقدیس‌شده در روشنی قدس هستی؛ ردای عزت و بزرگواری را بر تن کرده‌ای،

وَتَعْظَمْتَ بِالْكِبْرِيَاءِ، وَتَعَشَّيْتَ بِالنُّورِ وَالْبَهَاءِ،

و با کبریایی عظمت داری، و با روشنی و شکوه و جلال خود را پوشانده‌ای،

وَتَجَلَّلْتَ بِالْمَهَابَةِ وَالسَّنَاءِ، لَكَ الْمَنْنُ الْقَدِيمُ،

و باهویت و عظمت خود را بزرگ نموده‌ای، منت دیرینه،

وَالسُّلْطَانُ الشُّامِخُ، وَالْجُودُ الْوَاسِعُ، وَالْقُدْرَةُ

پادشاهی بلندمرتبه، و بخشش فراگیر و توان و قدرت و اقتدار

الْمُقْتَدِرَةُ، جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمَ، وَجَعَلْتَنِي

واقعی از آن توست، مرا از برترین فرزندان آدم قرار دادی،

سَمِيعاً بَصِيراً، صَاحِباً سَوِيّاً مُعَافِاً، لَمْ تَشْغَلْنِي

مرا شنوا و بینا و صحیح و درست اندام و سالم قرار دادی، مرا گرفتار

بِنُقْصَانٍ فِي بَدَنِي، وَلَمْ تَمْنَعْكَ كِرَامَتِكَ إِيَّايَ،

کم و کاستی در اندامم نکردی، و کرامت و بزرگواری تو، نسبت به من و بهترین

وَحُسْنُ صَنِيعِكَ عِنْدِي، وَفَضْلُ انْعَامِكَ عَلَيَّ، أَنْ

رفتار تو با من و فزون‌ترین بخشش‌هایت به من، مانع نشد که

وَسَعَتْ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا، وَفَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ

در دنیا مرا توانگر گردانی و مرا بر بسیاری از

أَهْلِهَا، فَجَعَلْتَ لِي سَمْعاً يَسْمَعُ آيَاتِكَ، وَفَوْاداً

اهل دنیا برتری دهی، پس گوش به من دادی تا آیات تو را بشنوم، و قلبی عطا کردی تا

يَعْرِفُ عَظَمَتِكَ، وَأَنَا بِفَضْلِكَ حَامِدٌ، وَبِجَهْدِ يَقِينِي

بتوانم به کمک آن عظمتت را بشناسم؛ و من به ستایش فضل تو می‌پردازم؛ و در نهایت یقین و باور،

لَكَ شَاكِرٌ، وَبِحَقِّكَ شَاهِدٌ. فَإِنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ،

به سپاسگزاریات مشغول و گواه حقانیت تو هستم. راستی که تو زنده پیش از هر زنده،

وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَحَيٌّ لَمْ تَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ حَيٍّ،

و زنده پس از هر زنده‌ای هستی، و زنده‌ای هستی که زنده بودن را از زنده‌ای دیگر به ارث نبرده‌ای؛

وَلَمْ تَقْطَعْ خَيْرِكَ عَنِّي طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي كُلِّ وَقْتٍ،

و خیر و خوبی‌هایت را برای یک چشم بر هم زدن در هیچ لحظه‌ای از من قطع نکرده‌ای؛

وَلَمْ تُنْزِلْ بِي عُقُوبَاتِ النَّقْمِ، وَلَمْ تُغَيِّرْ عَلَيَّ دَقَائِقَ

و کیفر انتقامت را بر من فرو نفرستادی؛ و حراست‌ها و نگهبانی‌های دقیقت را از من دگرگون

الْعِصْمِ، فَلَوْلَمْ أَذْكَرْ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَّا عَفْوَكَ، وَإِجَابَةَ

نموده‌ای. اگر از احسانت جز عفو بخشش تو و پاسخ مثبت تو را نسبت به دعای من

دُعَائِي حِينَ رَفَعْتُ رَأْسِي بِتَحْمِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ،

- در هنگام بلند کردن سرم برای ستایش و بزرگداشت تو - یاد نکنم؛

وَفِي قِسْمَةِ الْأَرْزَاقِ حِينَ قَدَّرْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدٌ

و اگر جز تقسیم روزی در هنگام تقدیر برایم نبود، لازم می‌دانستم تا ستایش

مَا حَفَظَهُ عِلْمُكَ، وَعَدَدٌ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ،

به اندازه و تعداد آن چه دانش تو در حفظ دارد، و به اندازه و تعداد آن چه در حیطه قدرت توست،

وَعَدَدٌ مَا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ. اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ اِحْسَانَكَ فِيمَا

و به عدد آن چه در دامنه رحمت تو قرار دارد؛ نثار تو کنم. بارالها! احسان و نیکی‌ات را در

بِقِيٍّ، كَمَا أَحْسَنْتَ فِيمَا مَضَى، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

باقی‌مانده عمرم بر من کامل‌گردان چنان که در گذشته نیز چنین کردی؛ چرا که من به واسطه

بِتَوْحِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ، وَتَحْمِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ،

یگانه دانستن تو و ثنا گفتن تو، و ستایش و «لا اله الا الله» گفتن،

وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيمِكَ، وَبِنُورِكَ وَرَأْفَتِكَ، وَرَحْمَتِكَ

و تکبیر و بزرگداشت تو؛ و به واسطه نور و مهربانی، و رحمت

وَعُلُوِّكَ، وَجَمَالِكَ وَجَلَالِكَ، وَبَهَائِكَ وَسُلْطَانِكَ،

و والایی، و زیبایی و بزرگی و شکوه، و پادشاهی،

وَقُدْرَتِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، أَلَّا تَحْرِمَنِي

و قدرتت به تو متوسل می‌شوم و به واسطه محمد و آل پاک او از تو می‌خواهم که

رِفْدَكَ وَفَوَائِدَكَ، فَإِنَّهُ لَا يَعْتَرِيكَ لِكَثْرَةِ مَا يَسْتَدْفِقُ

مرا از عطا و بخشش و سودبخشی‌هایت محروم مساز؛ چون، تو را به خاطر بخشش فراوانت بازدارندگی

بِهِ عَوَاتِقُ الْبُخْلِ، وَلَا يَنْقُصُ جُودَكَ تَقْصِيرٌ فِي شُكْرِ

بخل فرا نمی‌گیرد، و کوتاهی در سپاسگزاری نعمت تو، باعث کم و کاستی در جود و سخاوت تو

نِعْمَتِكَ، وَلَا تُفْنِي خَزَائِنَ مَوَاهِبِكَ النُّعْمِ، وَلَا تَخَافُ

نمی‌شود، و نعمت بخشیدن‌ها باعث از بین رفتن گنجینه‌های بخشش تو نمی‌گردد؛

ضَيْمٍ اِمْلَاقٍ فَتُكْدِي وَلَا يَلْحَقُكَ خَوْفٌ عُدْمٍ فَيَنْقُصُ

تو را ترس تنگدستی فرا نمی‌گیرد تا دست از بخشش برداری، و ترس ناداری نیز به تو راه نمی‌یابد

فَيْضُ فَضْلِكَ . اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا خَاشِعًا ، وَيَقِينًا

که باعث کاستی در ریزش فضلت گردد. بار خدایا! به من قلبی باخشوع و فروتن، و یقین و باوری

صَادِقًا ، وَلِسَانًا ذَاكِرًا ، وَلَا تُؤَمِّنِي مَكَرَكَ ،

راستین و زبانی گویا به ذکر، ارزانی دار؛ مرا ایمن از مکر خود مگردان،

وَلَا تَكْشِفْ عَنِّي سِتْرَكَ ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ ،

و پرده پوشی‌ات را از من برمگیر؛ و یادت را از یاد من میر؛

وَلَا تُبَاعِدْنِي مِنْ جَوَارِكَ ، وَلَا تَقْطَعْ عَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ ،

و از جوار رحمتت دورم مکن؛ و از رحمتت جدایم مساز؛

وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ رَوْحِكَ ، وَكُنْ لِي أَنْيَسًا مِنْ كُلِّ

و از یاری و مهربانی خویش ناأمیدم مگردان؛ و همواره در تمام وحشت‌ها، همدم من باش؛

وَحْشَةٍ ، وَعَاصِمِنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ ، وَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ

و مرا از هر هلاکتی حفظ کن؛ و از هر بلا و گرفتاری نجاتم بخش؛

بَلَاءٍ ، فَإِنَّكَ لَا تُخَلِّفُ الْوَعْدَ . اللَّهُمَّ ارْفَعْنِي

زیرا، واقعیت آن است که تو خلاف وعده‌ات عمل نمی‌کنی. بار الها! مرا سرفراز کن

وَلَا تَضَعْنِي ، وَزِدْنِي وَلَا تَنْقُصْنِي ، وَارْحَمْنِي

و سرفراکنده مگردان؛ برایم افزون کن و کم مگردان؛ و به من رحم کن

وَلَا تُعَذِّبْنِي ، وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي ، وَآثِرْنِي

و عذابم مکن؛ و یاریم کن و خوارم مگردان؛ و مرا ترجیح بده

وَلَا تُؤَيِّرْ عَلَيَّ ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

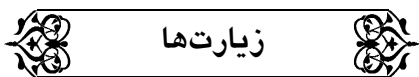
و دیگران را بر من ترجیح مده؛ و بر محمد و آل

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا .<sup>۱</sup>

پاک و پاکیزه‌اش درود بفرست و بسیار بسیار سلام خود را نثارشان کن.

۱. بحار الأنوار: ۲۴۰/۹۵، و مهج الدعوات (با تفاوت اندک).

## بخش یازدهم



### استحباب زیارت حضرت بقیة الله ارواحناده

#### در هر زمان و مکان

علامه مجلسی رحمته الله علیه می‌فرماید: زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه همیشه و در همه جا مستحب است؛ و در سرداب مقدس (سامرا)، و نزد قبرهای اجداد پاکش صلوات الله عليهم اجمعین، از فضیلت و ارزش بیشتری برخوردار است.

و در زمان‌های شریف به خصوص شب میلادش یعنی نیمه شعبان (بنابر صحیح‌ترین روایات)، و شب قدر (که فرشتگان و روح در آن شب نزد آن حضرت می‌آیند) مناسبت بیشتری دارد.<sup>۱</sup> به این دو نکته توجه کنید:

۱- هنگام تشرّف به اماکن مقدّسه و حرم‌های مطهّر اهل بیت علیهم‌السلام بهترین موقعیت از لحاظ مکان و حال زائر برای دعا

نمودن برای تعجیل ظهور امام زمان ارواحنا فداه وجود دارد؛ بنابراین، زائرین محترم باید به این وظیفه اساسی خود در همه اماکن مقدسه توجه داشته باشند.

۲- چون انسان از هر کجا که بخواهد می تواند امام زمان ارواحنا فداه را زیارت کند، سزاوار است پس از خواندن زیارت در حرم های مطهر، به امام عصر ارواحنا فداه توجه نموده و با خواندن زیارت آن حضرت نیز قلب خود را صفا بخشیده و وظیفه خود را انجام دهد.

### زیارت حضرات معصومین علیهم السلام

و هدیه ثواب آن به پیشگاه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

می توان ثواب هر زیارتی را به پیامبر صلی الله علیه و آله یا به یکی از امامان علیهم السلام هدیه کرد.

شیخ طوسی رحمته الله علیه با سند خود از داود صرمی روایت می کند که گفت: به امام بزرگوار امام هادی علیه السلام عرض کردم: من پدرت را زیارت کردم، و - ثواب - آن را برای شما قرار دادم. حضرت فرمود:

با این کار، خداوند برای تو پاداش و ثواب بزرگ قرار داد، و ما تشکر می کنیم.<sup>۱</sup>

۱. مفتاح الجنات: ۱/ ۵۳۱.

بنابراین اکنون که شیعیان در دوران غیبت امام زمان ارواحنا فداه، در هجران آن بزرگوار به سر می برند و در عصر حضور و ظهور حضرتش نیستند و نمی توانند همیشه در مکان های مقدسی که مربوط به آن بزرگوار است مانند سرداب مقدس، مسجد کوفه، مسجد سهله و مسجد جمکران و... شرفیاب شوند؛ می توانند این کمبود و خسارت را با اهداء ثواب زیارت اماکن مقدسه دیگر به آن حضرت جبران کنند.

و همچنین با خواندن زیارت های آن بزرگوار در حرم و زیارتگاهی که هستند به تقرّب خود نزد خداوند مهربان بیفزایند و عنایات آن حضرت را به سوی خود جلب نمایند.

تاکنون افراد بسیاری از دوستان خاندان وحی در سرداب مقدس و همچنین اماکن مقدسه دیگر مورد عنایت امام زمان ارواحنا فداه قرار گرفته اند که در کتاب های متعدد ذکر شده است.

اکنون بعضی از زیارت های آن حضرت را نقل می کنم:



### زیارت آل یس

شیخ بزرگوار جناب طبرسی رحمته الله علیه در کتاب «الإحتجاج» می گوید: از ناحیه مقدسه حضرت مهدی ارواحنا فداه - پس از پاسخ به سؤالات جناب محمد حمیری - صادر گردید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

لَا لِأَمْرِهِ تَعْتَلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ

نه در مورد امر او اندیشه می‌کنید، و نه از اولیای الهی می‌پذیرید؛ حکمتی است

بِالْغَةِ فَمَا تُغْنِي النُّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ

کامل و رسا، ولی بیم دادن‌ها، برای کسانی که ایمان نیاورده‌اند، فایده‌ای ندارد؛ سلام

عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

بر ما و بر بندگان شایسته خداوند.

هرگاه خواستید به واسطه ما، به خداوند تعالی و نیز به سوی ما

توجه کرده و روی آورید؛ همان گونه که خدای تعالی فرموده

است، بگویید:

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَسَّ﴾<sup>۱</sup>، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ

«سلام بر آل یاسین»، سلام بر تو ای دعوت کننده مردم به سوی خدا

و رَبَّانِي آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ

و پرورنده آیات او؛ سلام بر تو ای باب رحمت خداوند و حاکم و مدبّر

دین، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ،

دین او؛ سلام بر تو ای جانشین خداوند و یاری کننده حق او؛

۱. سوره صافات، آیه ۱۳۰.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای حجت خدا و دلیل و راهنمای اراده او؛ سلام

عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای تلاوت کننده کتاب خداوند و بازگو کننده مقصود آن؛ سلام بر تو

فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

در تمام لحظه‌های شب و در همه بخش‌های روزت؛ سلام بر تو ای

بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي

باقی مانده (حجت‌های) خدا در زمینش؛ سلام بر تو ای عهد و پیمان خداوند که آن را (از مردم)

أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي

گرفت و آن را مورد تأکید قرار داد؛ سلام بر تو ای وعده الهی که

ضَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ

خدا آن را ضمانت کرد؛ سلام بر تو ای پرچم برافراشته؛ و دانش

الْمَنْصُوبُ، وَالْعَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَاً غَيْرَ

ریزان و فراگیر، و فریادرس، و رحمت گسترده بر اساس وعده‌ای که

مَكْدُوبٌ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

دروغ نیست. سلام بر تو آن وقتی که بپایمیزی، سلام بر تو

حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ

هنگامی که می‌نشینی، سلام بر تو آن هنگامی که قرائت (قرآن) می‌کنی، و آن را بیان می‌نمایی،



عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

سلام بر تو هنگامی که نماز می‌گزاری و قنوت می‌نمایی، سلام بر تو آن هنگامی

تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكْسِرُ،

که رکوع و سجود می‌کنی؛ سلام بر تو در وقتی که خدا را به یکتایی و بزرگی می‌ستایی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو آن هنگامی که حمد و ستایش و طلب بخشش می‌کنی، سلام بر تو

حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا

آن هنگامی که صبح می‌کنی و شام می‌نمایی؛ سلام بر تو در شب آن هنگام که

يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمَامُ

همه جا را تاریکی فرا گیرد، و در روز آن هنگام که روشنی‌اش جلوه‌گر شود، سلام بر تو ای امام

الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ،

مورد اعتماد و اطمینان؛ سلام بر تو ای جلودار و آرزو شده؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ. أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ

سلام بر تو به سلام‌های گوناگون و فراگیر. ای مولایم؛ تو را گواه می‌گیرم

أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ

که من شهادت می‌دهم معبودی جز خداوند نیست یگانه‌ای که شریکی ندارد؛ و این که

مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ،

محمد بنده و فرستاده او است؛ جز او و اهلس هیچ محبوبی وجود ندارد.

وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ،

و تو را گواه می‌گیرم ای مولای من که علی علیه السلام امیر و فرمانروای مؤمنان، حجت خداوند

وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ

است؛ و امام حسن حجت اوست، و امام حسین حجت اوست، و امام سجاد حجت اوست،

الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ

و امام باقر حجت اوست، و امام صادق حجت اوست،

مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ

و امام کاظم حجت اوست، و امام رضا حجت اوست،

مُوسَى حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ

و امام جواد حجت اوست، و امام هادی حجت اوست،

مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَأَشْهَدُ

و امام حسن عسکری حجت اوست، و گواهی می‌دهم که تو حجت خداوند هستی.

أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ. أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ

شما آغاز و پایان هستید؛ و رجعت و بازگشت همه شما به دنیا حقیقتی است که هیچ شک و تردیدی

حَقُّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ

در آن راه ندارد، در آن روزی که ایمان کسی که از پیش ایمان نیاورده یا در ایمانش خیر و بهره‌ای به

آمَنْتَ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ

دست نیاورده است، برایش سودی ندارد. (و اعتقاد این است که) به راستی مرگ حق است، و (دو

الْمَوْتَ حَقًّا، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقًّا، وَأَشْهَدُ أَنَّ

فرشته قبر) نکیر و منکر حق هستند، و گواهی می‌دهم که پراکنده شدن از قبرها حق است و

النَّشْرَ حَقًّا، وَالْبَعْثَ حَقًّا، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقًّا،

برانگیخته شدن موجودات (در روز قیامت) حق است، و به راستی که صراط (و راه بهشت) حق است،

وَالْمِرْصَادَ حَقًّا، وَالْمِيزَانَ حَقًّا، وَالْحَشَرَ حَقًّا،

و مرصاد (و جایگاه مراقبت) حق است، و میزان (و سنجش اعمال) حق است، و گرد آمدن حق است،

وَالْحِسَابَ حَقًّا، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقًّا، وَالْوَعْدَ

و حساب (روز جزا) حق است و بهشت و جهنم حق است، و وعده و بیم نسبت به بهشت

وَالْوَعْدَ بِهِمَا حَقًّا. يَا مَوْلَايَ شَقِيَّ مَنْ خَالَفَكُمُ،

و جهنم حق است. مولای عزیزم؛ هر کس با شما مخالفت کند بدبخت است،

وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمُ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدْتِكَ

و هر کس از شما فرمانبری نماید خوشبخت است؛ پس، تو گواه باش بر آنچه تو را گواه گرفتم؛

عَلَيْهِ، وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ، بَرِيٌّ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا

این‌ها در حالی است که من ارادتمند تو هستم، از دشمنت بیزارم؛ پس اعتقاد دارم که حق و درستی همان چیزی

رَضِيْتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مَا

است که شما از آن راضی باشید، و باطل و نادرستی چیزی است که شما نسبت به آن ناخشنود باشید؛ و کار خیر آن

أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ

کاری است که شما دستور بدان داده‌اید، و کار زشت همان است که شما از آن باز داشته‌اید. پس روان و جان من ایمان

بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

به خدای یگانه بی‌شریک دارد، و به فرستاده‌اش حضرت محمد ﷺ، و به امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام

وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ، وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ

و به شما (اهل بیت)، ای مولای من؛ به اولین تا آخرین شما اعتقاد و ایمان دارم. و باریم آماده است برای

لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ.

شما، و دوستی خاص و اظهار محبت خالص من تنها برای شماست؛ برآورده کن ای پروردگارا؛ برآورده کن ای پروردگارا.

### دعای پس از زیارت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ

بار الها؛ از تو می‌خواهم و درخواست می‌کنم که بر محمد پیامبر

رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ،

رحمتت، و کلمه تام نورت درود بفرستی، و قلبم را از نور یقین و باور پر گردانی،

وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ، وَفِكْرِي نُورَ النِّيَّاتِ،

و سینه‌ام را از روشنی ایمان، و اندیشه‌ام را از نور و روشنی نیت‌ها،

وَعَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ، وَلِسَانِي

و تصمیم و اراده مرا از نور دانش، و نیرویم را از نور و روشنی کردار، و زبانیم را

نُورَ الصِّدْقِ، وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ،

از نور راستگویی، و دینم را از روشنی بینش‌هایی که از جانب خودت است،

وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ،

و چشمم را از نور هدایت، و گوش مرا از نور و روشنی حکمت،

وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالِاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ،

و مودت و دوستی خالص مرا از نور موالات و دوستی نسبت به حضرت محمد و آل او - که درود

حَتَّى أَلْتَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ، فَتَغَشَّيْنِي

بر ایشان باد - پُر کنی؛ تا در نتیجه، با حالتی تو را ملاقات کنم که به عهد و پیمان تو وفا کرده

رَحْمَتَكَ، يَا وَلِيَّيَ يَا حَمِيدٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

باشم، و در پایان نیز رحمت تو مرا فراگیرد، ای سرپرست؛ ای ستوده. بارالها! بر محمد درود فرست؛

حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَالِدَاعِي

همان کسی که حجت تو در زمینت، و جانشینت در سرزمین هایت، و فراخوان

إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالثَّائِرِ بِأَمْرِكَ، وَوَلِيِّ

به راهت، و بپادارنده قسط و عدلت، و برانگیخته به دستورت است؛ سرپرست

الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ،

مؤمنان، و نابود کننده کافران، و روشنی بخش تاریکی،

وَمُنِيرِ الْحَقِّ، وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ

و نورانی کننده حقیقت، و گوینا به حکمت و راستی، و کلمه

التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ، وَالْوَلِيِّ

تام و کامل تو در زمینت، چشم به راه و هراسان، و سرپرست

النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَعَلَمِ الْهُدَى، وَنُورِ أَبْصَارِ

خیرخواه، کشتی نجات، و نشانه هدایت، و روشنی دیدگان

الْوَرَى، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَمُجَلِّي الْعَمَى،

مردم، و بهترین کسی که پیراهن و عبا بر تن گرفت، و برطرف کننده کوری و نابینایی،

الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا

(بالآخره) کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ چنان که از ستم و جور پر شده است،

وَجَوْرًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

راستی که تو بر هر چیزی توانایی داری. بار خدایا؛ بر

وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ فَارَضَتْ طَاعَتَهُمْ،

ولی خودت و فرزند اولیایت درود فرست. همان اولیایی که فرمانبری از ایشان را واجب و

وَأَوْجَبَتْ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرَتْهُمْ

مسلم گردانیدی، و حقشان را لازم شمردی، و رجس و پلیدی را از وجود ایشان دور ساخته و آنان

تَطْهِيرًا. اللَّهُمَّ انصُرْهُ، وَأَنْتَصِرْ بِهِ لِذِينِكَ، وَأَنْصُرْ

را پاک و پاکیزه نمودی. بارالها؛ او را یاری کن، و به کمک او دینت

بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ، وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا

و دوستانت و دوستانش و پیروانش و یارانش را نیز یاری کن، و ما را نیز

مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ

از این افراد قرار بده. بارالها؛ او را از شر هر جفاکار سرکش، و از شر

جَمِيعَ خَلْقِكَ ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ،

تمام آفریدگانت پناه داده و نگه دار؛ و او را از پیش روی مبارکش، از پشت سر،

وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ ، وَاخْرُسُهُ وَامْنَعُهُ مِنْ أَنْ

از طرف راست و چپ حفظ کن؛ و او را از این که هر ناخوش آیند و بدی

يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ

به ساحت قدس او برسد نگاهش دار، و با این حفظ، رسولت و آل

رَسُولِكَ ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ ، وَأَنْصُرْ

رسولت را حفاظت کن، و عدل و داد را به واسطه او آشکار گردان، و با یاریت تأییدش کن، و

نَاصِرِيهِ ، وَاخْذُلْ خَادِلِيهِ ، (وَاقْصِمْ قَاصِمِيهِ) ، وَاقْصِمْ

یارانش را یاری کن، و کسانی را که او را وا می‌گذارند واگذار، (و بشکن پشت کسانی را که آن حضرت

بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ

را درهم می‌شکنند،) و تمام قدرت کافران زورگو را به واسطه او درهم شکن، و تمام کافران و منافقان

وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ ، حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ

و همهٔ ملحدان را در هر جایی که باشند؛ در مشرق زمین

وَمَغَارِبِهَا ، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا ، وَامْلَأْ بِهَا الْأَرْضَ عَدْلًا ،

و مغرب آن، خشکی آن و دریای آن؛ به قتل برسان؛ و به واسطه او زمین را پر از عدل و داد فرما،

وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَاجْعَلْنِي

و دین پیامبرت را - که درود خدا بر او و آل او باد - به خوبی ظاهر و آشکار گردان. و مرا نیز

اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ ، وَأَتَّبِعِهِ وَشِيعَتِهِ ،

- بار الها؛ - از یاران و مددکاران و پیروان و شیعیان او قرار بده؛

وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ ،

و در مورد آل محمد - سلام بر آنان باد - آن چه را ایشان آرزو دارند به من بنمایان،

وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ ، يَا ذَا

و در مورد دشمنان‌شان نیز آن چه می‌ترسند و از آن حذر دارند به من بنمایان؛ ای معبود حقیقی؛ بپذیر و قبول کن.

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱.

ای صاحب شکوه و بزرگواری؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.



زیارت ندبه

علامهٔ مجلسی رحمته الله می‌فرماید: ابو علی حسن بن اشناس گفت: ابو

المفضل محمد بن عبدالله شیبانی خبر داد که ابو جعفر جناب محمد بن

عبدالله بن جعفر جمیری برایش روایت کرد - و اجازه داده است به او که

آنچه را او روایت کرده است روایت کند - که نامه‌ای از ناحیهٔ مقدسه - که

خداوند نگاهانش باد - برایش ارسال شد، و در آن نامه پس از پاسخ به سؤالاتی

چند که داشته است، دربارهٔ نماز و توجه به این شرح وارد شده است: ۲

۱. الإحتجاج: ۲/۳۱۶، بحار الأنوار: ۲/۹۴، معادن الحکمة: ۲/۲۹۱.

۲. علامهٔ مجلسی دستور نماز را در اینجا نقل فرموده ولی ما آن را در بخش نمازها بیان کرده‌ایم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقُلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ

نه در مورد امر خدا اندیشه می‌کنید، و نه از اولیای الهی می‌پذیرید؛ حکمتی

بِالِغَةِ فَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالتُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ،

کامل و رساست، ولی نشانه‌ها و بیم دادن‌ها، برای کسانی که ایمان نیاورده‌اند، فایده‌ای ندارد؛

وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

سلام بر ما و بر بندگان شایسته خداوند.

پس هرگاه قصد توجه به خداوند و ما، به واسطه ما را داشتید،

همان گونه که خدای تعالی فرموده است، بگویید:

«سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ»، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ،

«سلام بر آل یاسین»، این، همان فضل آشکار است؛ و خداوند

وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، لِمَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ،

صاحب فضل و فوزون بخشی بزرگ است (البته) برای کسی که او را به راه مستقیم خود هدایت

قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ يَا آلَ يَاسِينَ خِلَافَتَهُ، وَعَلِمَ مَجَارِي

می‌کند. ای آل یاسین؛ خداوند، جانشینی‌اش را به شما داد، و دانش مجرای

أَمْرِهِ، فِيمَا قَضَاهُ وَدَبَّرَهُ وَرَتَّبَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ،

به شما عطا کرد. در مورد چیزهایی که قضا، تدبیر، ترتیب، و اراده‌اش در ملکوتش بدانها تعلق گرفته

فَكَشَفَ لَكُمْ الْغِطَاءَ، وَأَنْتُمْ خَزَنَتُهُ وَشُهَاؤُهُ،

بود. بدین سان، پرده از همه چیز برای شما برداشت. و شما خازنان و شاهدان

وَعِلْمَاؤُهُ وَأَمْنَاؤُهُ، سَاسَةُ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ،

و عالمان و امینان الهی می‌باشید؛ اداره کننده امور بندگان خدا و ارکان و اساس

وَقَضَاةُ الْأَحْكَامِ، وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ، وَسَلَالَةُ النَّبِيِّينَ،

سرزمین و قاضیان احکام، و درهای ایمان، و نسل و زاده پیامبران،

وَصَفْوَةُ الْمُرْسَلِينَ، وَعِثْرَةُ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و منتخب و برگزیده رسولان، و خاندان بهترین برگزیده از جانب پروردگار جهانیان هستید.

وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَاحِ الْعَطَاءِ بِكُمْ أَنْفَادُهُ مَحْتَوْماً

و از تقدیر الهی است که نافذ شدن بخشش‌های هدیه (به خلاق) به وسیله شما حتمی شده و به

مَقْرُوناً، فَمَا شَيْءٌ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ، وَإِلَيْهِ

آنان می‌رسد، هیچ چیزی نیست مگر آن که سببش شما، و راه به سوی او شما هستید؛

السَّبِيلُ، خِيَارُهُ لَوْلِيَّكُمْ نِعْمَةٌ، وَأَنْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ

چیزی که برای دوستان برگزیند نعمت است، و انتقام او از دشمنان

سَخِطَةٌ، فَلَا نَجَاةَ وَلَا مَفْرَعٍ إِلَّا أَنْتُمْ، وَلَا مَذْهَبَ

خشم است. پس جز شما هیچ راه نجات و پناهگاهی نیست، و هیچ راه و چاره‌ای جز این وجود

عَنْكُمْ، يَا أَعْيُنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ، وَحَمَلَةَ مَعْرِفَتِهِ،

ندارد؛ ای دیدگان بینای خداوند؛ و ای حاملان و دربردارندگان معرفت او؛

وَمَسَاكِينَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ . وَأَنْتَ يَا

ای منزلگاه یگانه پرستی او در زمین و آسمان؛ و تو نیز ای

حُجَّةَ اللَّهِ وَبَقِيَّتَهُ كَمَالُ نِعْمَتِهِ ، وَوَارِثُ أَنْبِيَائِهِ

حجت خداوند، و باقی مانده حجت های او؛ حد نهایی و کمال نعمت او؛ و وارث پیامبران

وَخُلَفَائِهِ مَا بَلَغْنَاهُ مِنْ دَهْرِنَا ، وَصَاحِبُ الرَّجْعَةِ

و جانشینان او تا این زمان هستی، تو صاحب رجعت و بازگشت

لِوَعْدِ رَبِّنَا الَّتِي فِيهَا دَوْلَةُ الْحَقِّ وَفَرَجُنَا وَنَصْرُ اللَّهِ

برای وعده پروردگار ما می باشی که در آن، دولت حق و گشایش در کار ما و یاری خداوند

لَنَا وَعِزُّنَا . السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ ،

به ما و عزت ما است. سلام بر تو، ای پرچم برافراشته،

وَالْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ ، وَالْعَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ ،

و دانش ریزان و فراگیر، و دادرس و رحمت گسترده،

وَعِدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ

بر اساس وعده ای که دروغ نیست؛ سلام بر تو ای صاحب

الْمَرَأَى وَالْمَسْمَعِ ، الَّذِي بَعَيْنِ اللَّهِ مَوَاطِئُهُ ، وَبَيْدِ

دیدگاه و شنیدگاه، که عهد و پیمان هایش در محضر خداوند، و تعهداتش به دست

اللَّهِ عُهُودُهُ ، وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ سُلْطَانُهُ . أَنْتَ الْحَلِيمُ الَّذِي

خدا، و پادشاهی اش با قدرت و توان خداوند است. تو، همان بردباری هستی که

لَا تُعَجِّلُهُ الْعَصِيَّةُ<sup>۱</sup> ، وَالْكَرِيمُ الَّذِي لَا تُبْخِلُهُ

تعصب باعث شتابزدگی اش نمی شود؛ و بزرگواری و صاحب کرامتی هستی که غضب و خشم موجب بخل

الْحَفِيظَةَ ، وَالْعَالِمُ الَّذِي لَا تُجْهِلُهُ الْحَمِيَّةُ ،

او نمی شود؛ و دانشمندی هستی که غیرت باعث نادانی اش نمی گردد؛

مُجَاهِدَتِكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ مَشِيئَةِ اللَّهِ ، وَمُقَارَعَتِكَ فِي

جهاد تو در راه خداوند همان خواست خداوندی است؛ و کوبندگی تو در

اللَّهِ ذَاتُ انتِقَامِ اللَّهِ ، وَصَبْرُكَ فِي اللَّهِ ذُو أَنْوَاةِ اللَّهِ ،

راه خدا همان انتقام الهی است؛ و صبر و بردباری تو در راه خدا همان صبر خداوندی و مهلت

وَشُكْرُكَ لِلَّهِ ذُو مَزِيدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

اوست؛ و سپاسگزاری تو از خدا همان فزون بخشی و رحمت الهی است. سلام بر تو ای

مَحْفُوظًا بِاللَّهِ ، اللَّهُ نُورُ أُمَامِهِ وَوَرَائِهِ ، وَيَمِينِهِ

کسی که به وسیله خداوند حفاظت و نگهداری شده است؛ خداوند، روشنی بخش پیش روی و پشت سرش و راست

وَشِمَالِهِ ، وَفَوْقِهِ وَتَحْتِهِ ، يَا مَخْرُوزًا فِي قُدْرَةِ اللَّهِ ،

و چپش و بالای سر و زیر پایش است؛ ای کسی که جایگاه استواری در سایه قدرت خدا دارد؛

اللَّهُ نُورُ سَمْعِهِ وَبَصَرِهِ ، وَيَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ ،

خداوند، روشنی گوش و چشم اوست. ای وعده تضمین شده الهی؛

وَيَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

ای پیمان و میثاق خداوند که آن را (از مردم) پیمان گرفت و آن را مورد تأکید قرار داد؛ سلام بر تو ای

۱. الغضبة خ، المعصية خ.

دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّنِي آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ

فراخوان به خدا و ای پرورنده آیات الهی؛ سلام بر تو ای درگاه خداوندی

وَدَيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ

و ای حاکم و مدبّر دین او؛ سلام بر تو ای جانشین خداوند و یاری‌گر

حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ،

حقّ او؛ سلام بر تو ای حجّت خدا و دلیل و راهنمای اراده و خواست او؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و بیابگر مقصود آن؛ سلام

عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ، السَّلَامُ

بر تو در لحظه‌های شب و بخش‌های روزت. سلام

عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

بر تو ای باقی‌مانده حجّت‌های خداوند در زمین او؛ سلام بر تو هنگامی که

تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

بپایمی‌خیزی، سلام بر تو هنگامی که می‌نشینی، سلام بر تو هنگامی که

تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ،

می‌خوانی و بیان می‌کنی، سلام بر تو هنگامی که نماز می‌گزاری و قنوت می‌خوانی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجده می‌کنی، سلام بر تو

حِينَ تُعَوِّذُ وَتُسَبِّحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ

هنگامی که تعویذ و تسبیح می‌گویی، سلام بر تو هنگامی که خدا را به یکتایی

وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ،

و بزرگی می‌ستایی، سلام بر تو هنگامی که حمد و استغفار می‌کنی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمَجِّدُ وَتَمْدَحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو هنگامی که مدح و ثنای الهی را بجا می‌آوری، سلام بر تو

حِينَ تُمْسِي وَتُصْبِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا

هنگامی که صبح می‌کنی و شب می‌نمایی. سلام بر تو در شب هنگامی که تاریکی

يَغْشَى، وَ[فِي] النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، وَالْآخِرَةَ

همه جا را می‌پوشاند، و در روز که روشنی‌اش همه جا را فراگرفته و جلوه‌گر می‌شود، و در آخرت

وَالْأُولَى. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ وَرُعَاتِنَا،

و دنیا. سلام بر شما ای حجّت‌های خداوند و سرپرستان ما،

وَهُدَاتِنَا وَدُعَاتِنَا، وَقَادَتِنَا وَأَكْمَنَّا، وَسَادَتِنَا

و هدایت‌گران و فراخوانان و رهبران و امامان و سروران و آقایان

وَمَوَالِينَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا، وَأَنْتُمْ جَاهُنَا

و سرپرستان ما. سلام بر شما؛ شما نور و روشنی ما هستید؛ شما مواجه ما در

أَوْقَاتِ صَلَاتِنَا (صَلَوَاتِنَا)، وَعِصْمَتِنَا بِكُمْ لِدُعَائِنَا

هنگام نمازهای ما هستید. و بازدارنده ما از خطا در هنگام دعا،

وَصَلَاتِنَا، وَصِيَامِنَا وَاسْتِغْفَارِنَا، وَسَائِرِ أَعْمَالِنَا،

نماز، روزه، استغفار و دیگر کارهای ما، شما هستید.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای پیشوای مورد اعتماد و اطمینان؛ سلام بر تو

أَيُّهَا الْأَمَامُ الْمُتَقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ

ای پیشوای مقدم و آرزو شده؛ سلام بر تو به سلام‌های گوناگون و فراگیر.

السَّلَامِ. أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

مولای من؛ تو را گواه می‌گیرم بر این که من شهادت می‌دهم جز خداوند معبودی نیست،

اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا

یگانه، یگانه و یکتاست؛ بی‌شریک است؛ و این که حضرت محمد ﷺ

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَنَّ

بنده و فرستاده اوست؛ جز او و اهلس هیچ محبویی وجود ندارد؛ و این

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ

که امیر مؤمنان علی علیه السلام حجت الهی است؛ و امام حسن حجت اوست، و

الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ

امام حسین حجت اوست، و امام سجاد حجت اوست، و

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ،

امام محمد باقر حجت اوست، و امام صادق حجت اوست،

وَأَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى

و امام کاظم حجت اوست، و امام رضا حجت اوست،

حُجَّتَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ

و امام جواد حجت اوست، و امام هادی حجت اوست،

مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنْتَ

و امام حسن عسکری حجت اوست و نیز تو حجت الهی هستی،

حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ دُعَاةٌ وَهَدَاةٌ رُشِدِكُمْ. أَنْتُمْ

و پیامبران فراخوانان و راهنمایان به سوی نیکی شما بودند. شما

الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَخَاتِمَتُهُ، وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا شَكَّ

آغاز و پایان و ختم‌کننده‌اش هستید؛ به راستی رجعت و بازگشت شما یک امر ثابتی است که در

فِيهَا يَوْمٌ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ

آن شکی نیست در روزی که اگر کسی ایمان از پیش نداشته یا از ایمان خود بهره و خیری بدست

أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ،

نیآورده باشد هیچ سودی برایش ندارد که در آن روز ایمان بیاورد. . گواهی می‌دهم که - مرگ حق

وَأَشْهَدُ أَنْ مُنْكَرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ، وَأَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ

است، و گواهی می‌دهم (دو فرشته قبر) نکیر و منکر حق است، و پخش شدن موجودات حق است،

وَالْبُعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ،

و برانگیخته شدن موجودات حق است، و صراط (پلی که بر روی دوزخ کشیده شده) حق است، و مرصاد (و جایگاه مراقبت)



وَأَنَّ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ

حق است، و ترازوی سنجش اعمال حق است، و حسابرسی اعمال حق است، و بهشت و جهنم حق است،

حَقٌّ، وَالْجَزَاءَ بِهِمَا لِلْوَعْدِ وَالْوَعْدِ حَقٌّ. وَأَنَّكُمْ

و پاداش دادن به وسیله بهشت و جهنم بر اساس وعده و تهدید حق است. و به راستی شما سزاوار

لِلشَّفَاعَةِ حَقٌّ، لَا تَرُدُّونَ وَلَا تَسْبِقُونَ بِمَشِيئَةِ اللَّهِ،

راستین برای شفاعت هستید و بازگردانده نمی شوید، نسبت به خواست خداوند پیشی نمی گیرید،

وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَلِلَّهِ الرَّحْمَةُ وَالْكَلِمَةُ الْعُلْيَا،

و تنها به دستور او رفتار می کنید، و رحمت و کلمه والا تنها به خدا اختصاص دارد،

وَيَبْدَهُ الْحُسْنَى، وَحُجَّةُ اللَّهِ النُّعْمَى (الْعُظْمَى)، خَلَقَ

و هر خیر و خوبی تنها در دست اوست، و حجت خدا از همه مبارکتر (بزرگتر) است؛

الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لِعِبَادَتِهِ، أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ

جنیان و آدمیان را برای پرستش خود آفرید؛ از بندگانش پرستش را خواست

فَشَقِيٌّ وَسَعِيدٌ، قَدْ شَقِيَّ مَنْ خَالَفَكُمْ، وَسَعِدَ مَنْ

پس برخی سعادتمند و برخی بدبخت شدند؛ بدبخت کسی است که با شما مخالفت کند و سعادتمند کسی است که از

أَطَاعَكُمْ. وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ فَاشْهَدْ بِمَا أَشْهَدُكَ

شما فرمان ببر، و تو ای مولای من؛ به آنچه تو را گواه گرفتم گواه باش،

عَلَيْهِ، تَخَزُنُهُ وَتَحْفَظُهُ لِي عِنْدَكَ، أَمُوتْ عَلَيْهِ،

و آن را نزدت برای من ذخیره و نگاهداری کن، تا بر آن اعتقاد بگیرم، و با همین اعتقاد

وَأَنْشُرُ عَلَيْهِ، وَأَقِفُ بِهِ وَلِيًّا لَكَ، بَرِيئًا مِنْ عَدُوِّكَ،

نیز برانگیخته شوم، و در پیشگاه الهی بیایستم در حالی که ولایت شما را دارم و از دشمن تو بیزار باشم، و نسبت به کسی که

مَاقِتًا لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ، وَادًّا لِمَنْ أَحَبَّكُمْ، فَالْحَقُّ مَا

با شما دشمنی کند دشمنی سرسختانه داشته باشم، و نسبت به کسی که دوست شماست دوستی ویژه ای برقرار کنم. پس حق،

رَضِيْتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مَا

همان چیزی است که شما از آن خوشنود باشید، و باطل و نادرستی، همان چیزی است که شما از آن ناخشنود باشید؛ و

أَمْرُكُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، وَالْقَضَاءُ الْمُثَبَّتُ

خوبی و نیکی همان چیزی است که بدان دستور فرمایید، و بدی و زشتی، همان چیزی است که شما از آن باز دارید، و

مَا اسْتَأْثَرْتُ بِهِ مَشِيئَتِكُمْ، وَالْمَمْحُورُ مَا لَا اسْتَأْثَرْتُ

قضای محکم الهی همان است که خواست شما بدان تعلق پذیرد، و آنچه از بین رفته است همان چیزهایی

بِهِ سُنَّتِكُمْ. فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، مُحَمَّدٌ

است که سنت شما بر آن تعلق نگرفته باشد. پس، معبودی جز خداوند نیست که شریک ندارد؛ محمد،

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، الْحَسَنُ

بنده و فرستاده اش است؛ حضرت علی فرمانروای مؤمنان حجت اوست، امام حسن

حُجَّتُهُ، الْحَسَيْنُ حُجَّتُهُ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ،

حجت اوست، امام حسین حجت اوست، امام سجاد حجت اوست، امام باقر حجت اوست،

جَعْفَرُ حُجَّتُهُ، مُوسَى حُجَّتُهُ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ

امام صادق حجت اوست، امام کاظم حجت اوست، امام رضا حجت اوست، امام جواد

حُجَّتُهُ ، عَلَيَّ حُجَّتُهُ ، الْحَسَنُ حُجَّتُهُ ، أَنْتَ حُجَّتُهُ ،

حجت اوست، امام هادی حجت اوست، امام عسکری حجت اوست و تو، حجت او هستی؛

أَنْتُمْ حُجَجُهُ وَبَرَاهِينُهُ . أَنَا يَا مَوْلَايَ مُسْتَبْشِرُهُ

شما، همگی حجت‌های خداوند هستید و دلیل‌های آشکار او می‌باشید. مولای من؛ من، خشنود و بشارت‌یافته

بِالْبَيْعَةِ الَّتِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيَّ شَرْطَهُ قِتَالًا فِي سَبِيلِهِ

از بیعتی هستم که خداوند بر من مقرر فرمود تا در راه او به جنگ بپردازم

اشْتَرَى بِهٖ أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ ، فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ

و در آن نبرد خداوند جان مؤمنان را از ایشان می‌خرد؛ بدین سان، روان من به خداوند

وَخَذَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ،

یگانه بی‌شریک ایمان دارد، و به رسول خدا، و امیر مؤمنان،

وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ ، أَوْلَكُمْ وَآخِرِكُمْ ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ

و نیز به شما ای مولای عزیزم؛ از اول تا آخرتان ایمان دارد. و یاریم آماده برای شماست،

مُعَدَّةٌ ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ ، وَبِرَائَتِي مِنْ أَعْدَائِكُمْ

و ابزار محبت خالصانه‌ام برای شماست؛ و بیزاریم از دشمنان شما که اهل ستیز

أَهْلِ الْحَرَدَةِ وَالْجِدَالِ ثَابِتَةٌ ، لِثَارِكُمْ أَنَا وَلِيِّ وَحِيدٌ ،

و دعواند، دایم و همیشگی است؛ من، به تنهایی دوستی هستم که طالب انتقام خون شمایم (بدون این‌که به دیگران کاری

وَاللَّهُ إِلَهُ الْحَقِّ يَجْعَلُنِي كَذَلِكَ ، آمِينَ آمِينَ . مَنْ لِي

داشته باشم). و خداوندی را معبود راستین می‌دانم و می‌خواهم که مرا چنان‌که می‌گویم قرار دهد؛ ای خدا! پاسخ بده بپذیر.

إِلَّا أَنْتَ فِيمَا دِنْتُ ، وَاعْتَصَمْتُ بِكَ فِيهِ ، تَحْرُسُنِي

چه کسی جز تو برای من هست در آنچه اعتقاد دارم و در آن به تو تمسک جسته‌ام؛ در این

فِيمَا تَقَرَّرْتُ بِهِ إِلَيْكَ ، يَا وَقَايَةَ اللَّهِ وَسِتْرَهُ وَبَرَكَتَهُ ،

امور، که با آن‌ها خود را به تو نزدیک کردم مرا نگهدارانی و حفظ می‌کنی، ای نگه‌دارنده و

أَغِثْنِي [أَذِنِي ، أَعِنِّي] أَذْرِكُنِي ، صِلْنِي بِكَ

پوشش و برکت الهی؛ بفریادم برس، مرا نزدیک کن، کمک کن، مرا دریاب، مرا به خودت پیوند ده

وَلَا تَقْطَعْنِي . اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ بِهِمْ تَوَسَّلِي وَتَقَرُّبِي .

و جدا نفرما. بار الها؛ توصل و تقرب من به تو، تنها به وسیله آنان (محمد و آل محمد ﷺ)

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ ، وَصَلِّ عَلٰى بِهِمْ

است؛ بار الها؛ بر محمد و آل او درود بفرست؛ و مرا به ایشان پیوند ده

وَلَا تَقْطَعْنِي . اَللّٰهُمَّ بِحُجَّتِكَ وَاِعْصِمْنِي ، وَسَلَامُكَ

و جدا مکن. بار الها؛ به وسیله حجت مرا حفظ کن، و

عَلٰى آلِ يَس ، مَوْلَايَ أَنْتَ الْجَاهُ عِنْدَ اللَّهِ رَبِّكَ

بر آل یاسین سلام بفرست، مولای من؛ تو آبرودار نزد خدا که پروردگار من

وَرَبِّي ، [إِنَّهُ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ] .

و توست می‌باشی؛ راستی، او ستوده و شکوهمند است.

دعای پس از زیارت: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

بار الها؛ در واقع من به واسطه اسمت از تو درخواست می‌کنم همان اسمی

خَلَقْتَهُ مِنْ كُلِّكَ (ذَلِكَ) فَاسْتَقَرَّ فِيكَ ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ

که آن را از تمامیت خود آفریدی و تنها در وجود تو قرار گرفته است و

إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا ، أَيَا كَيْنُونَ أَيَا مَكْنُونٌ ، أَيَا مُتَعَالٍ ، أَيَا

هرگز به سوی چیز دیگری از ذات تو بیرون نمی‌رود. ای وجود حقیقی؛ ای پنهان؛ ای والا مرتبه؛ ای

مُتَقَدِّسٌ ، أَيَا مُتَرَحِّمٌ ، أَيَا مُتَرَيِّفٌ ، أَيَا مُتَحَنِّنٌ . أَسْأَلُكَ

متقدس و پاکیزه؛ ای رحم‌کننده؛ ای رأفت مآب؛ ای مهربان عزیز؛ از تو درخواست می‌کنم

كَمَا خَلَقْتَهُ غَضًّا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ ،

همان‌گونه که آن نام را با شکوفایی آفریدی، بر محمد - پیامبر رحمت،

وَ كَلِمَةٍ نُورِكَ ، وَوَالِدٍ هُدَاةٍ رَحْمَتِكَ ، وَامْلَأْ قَلْبِي

و کلمه نورت، و پدر راهنمایان به رحمت - درود فرستی؛ و قلبم را

نُورَ الْيَقِينِ ، وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ ، وَفِكْرِي نُورَ

از روشنی یقین پر کنی، و سینه‌ام را از نور ایمان، و اندیشه‌ام را از نور

الثَّبَاتِ ، وَعَزْمِي نُورَ التَّوْفِيقِ ، وَذِكَايِي نُورَ الْعِلْمِ ،

پایداری، و تصمیمم را از نور موفقیت، و هوشمندی‌ام را از نور و روشنی دانش،

وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ ، وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ ، وَدِينِي

و نیرویم را از روشنی عمل، و زبانم را از نور راست‌گویی، و دینم را

نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ ، وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ ،

از روشنی آگاهی‌بخش‌های خودت، و دیده‌ام را از روشنی هدایت،

وَسَمْعِي نُورَ وَعْيِ الْحِكْمَةِ ، وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاةِ

و گوشم را از روشنی حفظ کردن حکمت، و دوستی خالصم را از نور دوستی

لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَيَقِينِي قُوَّةَ الْبِرَاءَةِ

محمد و آل او - که درود بر ایشان باد - و یقینم را از نیروی بی‌زاری

مِنْ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَأَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ ، حَتَّى أَلْتَقَاكَ

از دشمنان محمد و دشمنان آل محمد پر گردانی؛ تا در نتیجه تو را

وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ ، فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتِكَ ،

با وفای به عهد و پیمانت دیدار کنم، و باعث فراگیری رحمت نسبت به من گردد.

يَا وَلِيَّيَ يَا حَمِيدٌ ، بِمَرَآكَ وَمَسْمَعِكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

ای سرپرست؛ ای ستوده؛ ای حجت خدا؛ دعای من در محلّ دیدن و شنیدن تو است؛

دُعَائِي ، فَوْفَنِي مُنَجِّزَاتِ اجَابَتِي ، أَعْتَصِمُ بِكَ ،

پس وعده‌های اجابتت را به من وفا کن و کامل گردان؛ به تو تکیه می‌کنم.

مَعَكَ مَعَكَ مَعَكَ سَمْعِي وَرِضَائِي يَا كَرِيمٌ . ۱

گوش من و خشنودی من با توست، با توست، با توست، ای بزرگووار.

زیارت امام زمان ارواحفداه  
در روز جمعه

سید جلیل القدر، علی بن طاووس رحمته الله این زیارت را در روز جمعه برای مولای مان امام زمان ارواحفداه نقل کرده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ  
سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش؛ سلام بر تو  
يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي  
ای چشم خدا در میان آفریدگانش؛ سلام بر تو ای نور خدا، که

يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَيُفَرِّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ،  
هدایت جویان با آن هدایت می‌یابند، و به وسیله آن بر مؤمنان گشایش و راحتی داده می‌شود؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ  
سلام بر تو ای پاک‌شده بی‌الایش و ترسان؛ سلام بر تو  
أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ،  
ای سرپرست خیرخواه؛ سلام بر تو ای کشتی نجات؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى  
سلام بر تو ای چشمه حیات و زندگانی؛ سلام بر تو؛ درود پیوسته

زیارت  
امام  
زمان  
در  
روز  
جمعه

اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ،

خدا بر تو و بر آل پاکیزه و پاک تست؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ

سلام بر تو، خداوند هر چه زودتر به تو ارزانی دارد آن چه را به تو وعده داده که یاریت کند

و ظُهُورِ الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنَا مَوْلَاكَ،

و حکومت تو را آشکار گرداند. سلام بر تو ای مولای من؛ من ارادتمند تو هستم؛

عَارِفٌ بِأَوْلَاكَ وَأَخْرَاكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ

با آغاز و پایانت آشنایم؛ به واسطه تو و آل تو به

وِبِآلِ بَيْتِكَ، وَأَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى

سوی خدا نزدیک می‌شوم، و منتظر ظهور تو و آشکار شدن حق

يَدَيْكَ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و حقیقت به دست تو هستم؛ از خدا درخواست می‌کنم که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُتَنْظِرِينَ لَكَ، وَالتَّابِعِينَ

محمد درود بفرستد، و مرا از منتظران تو قرار دهد، و جزو پیروان

وَالنَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ

و یاران تو بر ضد دشمنانت قرار دهد، و مرا در زمره کسانی که در پیش روی تو

يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ. يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ

و جزو دوستان تو طالب شهادت می‌باشند قرار دهد. ای مولای من؛ ای صاحب

الزَّمانِ ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ ، هَذَا

الزمان؛ درود خداوند بر تو و بر آل تو نثار باد. امروز،

يَوْمَ الْجُمُعَةِ ، وَهُوَ يَوْمُكَ الْمَتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ ،

جمعه است؛ همان روزی که انتظار می‌رود ظهورت در چنین روزی به وقوع بپیوندد،

وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ ، وَقَتْلُ الْكُافِرِينَ

و به دست تو مؤمنان از گرفتاری نجات یابند؛ و شمشیر باکفایت تو کافران را بکشد.

بِسَيِّفِكَ ، وَأَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ ، وَأَنْتَ

و من ای مولای من؛ در این روز میهمان و پناهنده تو هستم؛ و تو

يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ ، وَمَأْمُورٌ

ای مولا و سرورم؛ بزرگوار و از فرزندان بزرگواران هستی، و دستور الهی به تو آن است که

بِالضِّيَافَةِ وَالْإِجَارَةِ ، فَأَضْفِنِي وَأَجْرِنِي ، صَلَوَاتُ

مهمان را بپذیری و پناه دادن را انجام دهی؛ پس، مرا میهمان نما و پناه بده. درود

اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ .

دایم خداوند بر تو و اهل بیت پاکت باد.

سید بزرگوار جناب رضی الدین علی بن طاووس حسنی رحمته الله

می‌فرماید: من پس از این زیارت، با اشاره و کنایه به حضرتش

عرض می‌کنم:

نَزِيلُكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتَ رِكَابِي وَضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ

هر جا مرکبم روی نماید بر خوان احسان تو فرود آیم، و در هر

شهری که باشم مهمان تو هستم .



زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

که در مشکلات و سختی‌ها خوانده می‌شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْحُجَّةَ ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای محمد بن حسن، ای حجت (خدا)؛ سلام

عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْأَمْرِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ

بر تو ای صاحب امر و فرمان؛ سلام بر تو ای صاحب

التَّدْبِيرِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ،

تدبیر و چاره‌اندیشی؛ سلام بر تو ای مولای ما؛ ای صاحب زمان؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمَامُ الْمُنْتَظَرُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای امام مورد انتظار؛ سلام بر تو

أَيُّهَا الثَّقَائِمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْخَلْفُ الصَّالِحُ

ای قیام کننده؛ سلام بر تو ای جانشین شایسته

لِلْأَيِّمَةِ الْمَعْصُومِينَ الْمُطَهَّرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

امامان معصوم و پاک؛ سلام بر تو ای

إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ

پیشوای مسلمانان؛ سلام بر تو ای ولی خدا؛ سلام

عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

بر تو ای جانشین راستین رسول خدا که درود خدا بر او و آل او باد؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فِلْدَةَ كَبِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

سلام بر تو ای جگرگوشه پیامبر خدا که درود خدا بر او

وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و آل او باد؛ سلام بر تو ای حجت خدا؛ سلام بر تو ای

بَضْعَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

پاره تن رسول خدا که درود خدا بر او و آل او باد؛ سلام بر تو

يَا جَادَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَوْثَ الْمُسْتَعِيثِينَ،

ای راهی که به خدا می‌رسد؛ سلام بر تو ای فریادرس فریاد کنندگان؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَوْثَ الْمَلْهُوفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای فریادرس دلسوختگان؛ سلام بر تو ای

عَوْنَ الْمَظْلُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُطْبَ الْعَالَمِ،

یاور ستمدیدگان؛ سلام بر تو ای محور جهان هستی؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمَسِيحِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای امام و پیشوای حضرت (عیسی) مسیح؛ سلام بر تو ای

عَدِيلَ الْخَيْرِ، أَذْرِكُنِي، أَذْرِكُنِي، أَذْرِكُنِي، أَعِنِّي

هم‌سنگ خوبی‌ها؛ مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب؛ کمکم کن

وَلَا تُعِنِ عَلَيَّ، وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَنْصُرْ عَلَيَّ، كُنْ مَعِي

و بر علیه من کمک مکن؛ یاریم رسان و مخالفانم را یاری مکن؛ همراهم باش

وَلَا تُفَارِقْنِي، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ شَاكِرًا وَمُصَلِّيًا وَهُوَ

و از من جدا مشو. بر خدا توکل کردم در حالی که او را سپاسگزاری می‌کنم و نماز می‌خوانم؛

حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

او مرا بس است و وکیل خوبی است؛ و درود پیوسته خداوند بر آقای ما حضرت محمد

وآلِهِ ۱.

و آل او، نثار باد.

زیارت ناحیه مقدسه

علامه مجلسی رحمته الله در «بحار الأنوار» می‌گوید: شیخ مفید رحمته الله روایت کرده است: هرگاه خواستی امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کنی، نزد آن حضرت بایست، و بگو:

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر آدم، برگزیده خداوند از بین آفریدگانش؛ سلام بر

شَيْثٍ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِدْرِيسَ الْقَائِمِ

حضرت شیث ولی خدا و انتخاب‌شده او، سلام بر جناب ادريس برپادارنده

لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى نُوحِ الْمُجَابِ فِي دَعْوَتِهِ،

حجت الهی؛ سلام بر نوح پاسخ داده شده در دعایش؛

السَّلَامُ عَلَى هُودِ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ، السَّلَامُ

سلام بر هود که از طرف خداوند کمک‌های بسیار به او شد؛ سلام

عَلَى صَالِحِ الَّذِي تَوَجَّهَ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى

بر صالح که خداوند به او تاج کرامت و بزرگواری بخشید؛ سلام بر

إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَبَّاهُ اللَّهُ بِخُلَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى

ابراهیم که خداوند مقام خلّت و دوستی ویژه خود را به او بخشید؛ سلام بر

إِسْمَاعِيلَ الَّذِي فَدَاهُ اللَّهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ،

اسماعیل که خداوند قربانی بزرگی از بهشت را فدیة او قرار داد (و او را آزاد نمود)؛

السَّلَامُ عَلَى إِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ النُّبُوَّةَ فِي

سلام بر اسحاق که خداوند پیامبری و نبوت را در

ذُرِّيَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ

نسل او قرار داد؛ سلام بر یعقوب که خداوند با رحمتش نور

بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يُوسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ

چشمانش را به وی بازگردانید؛ سلام بر یوسف که خداوند

مِنَ الْجَبِّ بِعَظَمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي فَلقَ

به عظمتش او را از چاه نجات بخشید؛ سلام بر موسی که

اللَّهُ الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى هَارُونَ الَّذِي

خداوند دریا را با نیروی خودش برای او شکافت؛ سلام بر هارون که

خَصَّهُ اللَّهُ بِنُبُوَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ

خداوند او را به پیامبری خود مخصوص گردانید؛ سلام بر شعیب که

اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى دَاوُدَ الَّذِي تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ

خدا او را بر امتش پیروز کرد؛ سلام بر داود که خدا توبه او را از

مِنْ خَطِيئَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ الَّذِي ذَلَّتْ لَهُ

خطا و اشتباهش پذیرفت؛ سلام بر سلیمان که جتیان به واسطه

الْجَنُّ بِعِزَّتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ

عِزَّتِهِ، در مقابلش فروتن شدند؛ سلام بر ایوب که خدا از بیماری

و گرفتاری بهبودش بخشید؛ سلام بر یونس که خداوند وعدهاش را برای او

مَضمُونِ عِدَّتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى عَزِيرٍ الَّذِي أَحْيَاهُ اللَّهُ

وفا کرد؛ سلام بر عزیر که خداوند او را

بَعْدَ مِيتَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِحْنَتِهِ ،

پس از مردن دوباره زنده کرد؛ سلام بر زکریا که در محنت و اندوهش شکیبایی ورزید؛

السَّلَامُ عَلَى يَحْيَى الَّذِي أَرْزَلَهُ اللَّهُ بِشَهَادَتِهِ ،

سلام بر یحیی که خدا با مقام شهادتش او را منزلت داد؛

السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر عیسی که روح خدا و کلمه الهی بود؛ سلام بر

مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصَفْوَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ

حضرت محمد که محبوب و برگزیده پروردگار است؛ سلام بر امیر

الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْمَخْصُوصِ بِأَخْوَتِهِ ،

مؤمنان حضرت علی فرزند ابو طالب که برادری پیامبر ویژه او شد؛

السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي

سلام بر حضرت فاطمه زهرا، دختر رسول خدا؛ سلام بر حضرت ابو

مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى

محمد امام حسن که وصی پدرش و جانشین او بود؛ سلام بر

الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى

امام حسین که نفسش بزرگواری نمود با ریختن خون او (در راه خدا)؛ سلام بر

مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ

کسی که خدا را در پنهان و آشکارا فرمانبرداری کرد؛ سلام بر کسی که

جَعَلَ اللَّهُ الشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْأَجَابَةُ

خداوند شفا را در خاک قبرش قرار داد؛ سلام بر کسی که اجابت و پاسخگویی خداوند به دعاها

تَحْتَ قُبَّتِهِ ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْأَيْمَةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ ،

در زیرگنبد شریفش حتمی است؛ سلام بر کسی که امامان و پیشوایان اسلام از نسل او هستند،

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ

سلام بر فرزند آخرین پیامبران، سلام بر فرزند

سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ،

سرور جانشینان، سلام بر فرزند حضرت فاطمه زهرا،

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ

سلام بر فرزند خدیجه کبری، سلام بر فرزند

سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى ،

سدره المنتهی (بالاترین مکان در بهشت)، سلام بر فرزند بهشتی که جایگاه آسایش است،



السَّلَامُ عَلَى ابْنِ زَمْرَمَ وَالصَّفَا، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر فرزند زمزم و صفا، سلام بر

الْمُرْمَلِ بِالدَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخِبَاءِ،

کسی که در خونش غلتید، سلام بر کسی که خیمه‌گاهش هتک حرمت شد،

السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ، السَّلَامُ

سلام بر پنجمین نفر از اصحاب کساء؛ سلام

عَلَى غَرِيبِ الْعُرَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ،

بر غریب غریبان، سلام بر شهید شهیدان،

السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ

سلام بر کشته شده به دست حرام‌زادگان؛ سلام بر ساکن

كَرْبَلَاءَ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ،

کربلا؛ سلام بر کسی که فرشتگان آسمان بر او گریستند؛

السَّلَامُ عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكَيَاءُ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر کسی که فرزندان پاک‌ترین و ناپ‌ترین انسان‌ها بودند، سلام بر

يَعْسُوبِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَى مَنَازِلِ الْبَرَاهِينِ،

پادشاه و پیشوای دین؛ سلام بر منزلگاه‌های دلایل روشن الهی،

السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ السَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْجِيُوبِ

سلام بر امامان والا و شرافتمند؛ سلام بر گریبان‌های

الْمُضَرَّجَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الشُّفَاهِ الذَّابِلَاتِ، السَّلَامُ

خون آلوده؛ سلام بر لب‌های خشکیده، سلام

عَلَى النُّفُوسِ الْمُصْطَلَمَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَزْوَاحِ

بر جان‌های بلا دیده، سلام بر روح‌های

الْمُخْتَلَسَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ،

از بدن رها شده، سلام بر پیکرهای عریان شده،

السَّلَامُ عَلَى الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر جسم‌های رنگ پریده، سلام بر

الدَّمَاءِ السَّائِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَعْضَاءِ

خون‌های جاری شده، سلام بر عضوهای

الْمُقْطَعَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّؤُوسِ الْمُمْشَلَاتِ،

قطعه قطعه شده، سلام بر سرهای به نیزه رفته،

السَّلَامُ عَلَى النَّسْوَةِ الْبَارِزَاتِ، السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ

سلام بر زنانی که نمودار گشته (از خیمه بیرون آمده)، سلام بر حجت

رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ

پروردگار جهانیان، سلام بر تو (ای حسین) و بر پدران

الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبْنَائِكَ

پاکت، سلام بر تو و بر فرزندان

الْمُسْتَشْهَدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ

شهادت طلبت، سلام بر تو و بر نسل

النَّاصِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ

یاری کننده‌ات، سلام بر تو و بر فرشتگان

الْمُضَاجِعِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ، السَّلَامُ

کنار آرامگاهت، سلام بر کشته شده، ستم دیده، سلام

عَلَى أَخِيهِ الْمَسْمُومِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ الْكَبِيرِ،

بر برادر مسمومش (امام حسن)، سلام بر علی بزرگ (علی اکبر)،

السَّلَامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَبْدَانِ

سلام بر آن شیرخوار کوچک؛ سلام بر بدن‌هایی که (جامه‌های آنان)

السَّلَيبَةِ، السَّلَامُ عَلَى الْعِترَةِ الْقَرِيبَةِ (الْغَرِيبَةِ)، السَّلَامُ

به تاراج رفته؛ سلام بر خاندان نزدیک به پیامبر، سلام بر

عَلَى الْمُجَدِّلِينَ فِي الْفَلَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ

روی زمین افتادگان در بیابان‌ها؛ سلام بر دور شدگان از

عَنِ الْأَوْطَانِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِلَا أَكْفَانٍ،

سرزمین خویش، سلام بر خاک سپرده شدگان بی‌کفن،

السَّلَامُ عَلَى الرَّؤُوسِ الْمُفَرَّقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ، السَّلَامُ

سلام بر سرهای جدا شده از بدن‌ها، سلام

عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلَا

بر کسی که مصایبش را به حساب خدا گذارد و شکیبایا بود، سلام بر ستم دیده

نَاصِرٍ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ التُّرْبَةِ الزَّاكِيَةِ، السَّلَامُ

بی‌یاور، سلام بر کسی که در خاک پاک سکونت گزید، سلام

عَلَى صَاحِبِ الْقُبَّةِ السَّامِيَةِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ طَهَّرَهُ

بر صاحب گنبدی بلندمرتبه، سلام بر کسی که خدای بزرگ او را پاک نمود،

الْجَلِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ بِهِ جِبْرَائِيلُ، السَّلَامُ

سلام بر کسی که جبرئیل به او افتخار می‌کرد، سلام

عَلَى مَنْ نَاغَاهُ فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ، السَّلَامُ عَلَى

بر کسی که در گهواره میکائیل برایش لالائی می‌گفت، سلام بر

مَنْ نُكِّثَتْ ذِمَّتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ هُتِّكَتْ حُرْمَتُهُ،

آن که پیمانش را شکستند، سلام بر کسی که حرمتش را هتک نمودند،

السَّلَامُ عَلَى مَنْ أُرِيقُ بِالظُّلْمِ دَمُهُ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر کسی که خورش را به ناحق و با ستمکاری ریختند، سلام بر

الْمُغْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُجْرِعِ

کسی که با خون جراحانش شستشو داده شد، سلام بر کسی که از

بِكَأْسَاتِ الرَّمَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَضَامِ الْمُسْتَبَاحِ،

کاسه‌های نیزه‌ها جرعه نوشید، سلام بر کسی که بروی ستم کرده و ریختن خونش را حلال شمردند؛

السَّلَامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَى مَنْ

سلام بر او که جلو روی همه مردم سرش را از تن جدا کردند - و کسی چیزی نگفت - ، سلام بر آن

دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى، السَّلَامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ،

آقای بزرگ‌زاده‌ای که روستانشینان (بنی‌اسد) دفنش کردند؛ سلام بر آن که رگ گردن مبارکش بریده شد،

السَّلَامُ عَلَى الْمُحَامِي بِلَا مُعِينٍ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر آن حمایتگر بی‌یاور، سلام بر

الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ التَّرِيبِ،

محاسن با خون خضاب شده، سلام بر آن گونه و رخسار خاک آلوده،

السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الثَّغْرِ

سلام بر آن بدنی که لباس‌هایش به تاراج رفته، سلام بر آن دندان

الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ،

مبارکی که با چوب (خیزران) کوبیده شد، سلام بر آن سری که بر بالای نیزه رفت،

السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْفَلَوَاتِ،

سلام بر بدن‌هایی که بدون پوشش در بیابان‌ها افتاده بودند،

تَهَشُّهَا الذُّنَابُ الْعَادِيَاتُ، وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ

گرگ‌های متجاوز آن‌ها را دریدند و درندگان وحشی پیرامون‌شان

الضَّارِيَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَى

رفت و آمد می‌کردند. سلام بر تو ای مولای من؛ و

الْمَلَائِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ قَبْتِكَ، الْحَاقِينَ بِتُرْبَتِكَ،

فرشتگانی که گرداگرد گنبد شریفت بال گشوده‌اند؛ خاک پاک قبرت را در برگرفته‌اند؛

الطَّائِفِينَ بِعَرْصَتِكَ، الْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ، السَّلَامُ

به طواف حرمت مشغول اند، و برای زیارتت وارد می‌شوند. سلام

عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ، وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ،

بر تو؛ من به قصد زیارت تو آمده‌ام و امیدوارم نزد تو رستگار شوم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ، الْمَخْلِصِ

سلام بر تو؛ سلام کسی که عارف و آشنا به حرمت تو، و اخلاص دارنده

فِي وَلَايَتِكَ، الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ، الْبَرِيِّ مِنْ

در ولایت تو، تقرب جوینده به سوی خدا با محبت تو، و بی‌زاری جوینده از

أَعْدَائِكَ، سَلَامَ مَنْ قَلْبُهُ بِمُضَابِكِ مَقْرُوحٌ، وَدَمْعُهُ

دشمنانت می‌باشد، سلام کسی که دلش از مصیبت تو جریحه‌دار، و اشکش

عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ، سَلَامَ الْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ الْوَالِهِ

با یاد تو ریزان است؛ سلام دردمندی اندوهگین و سرگشته‌ای

الْمُسْتَكِينِ، سَلَامَ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوْكَ أَكَّ

بیچاره؛ سلام کسی که اگر در آن صحرای کربلا همراهت بود به طور حتم تو را

بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ، وَبَذَلَ حُشَاشَتَهُ دُونَكَ

با جان خود در برابر تیزی شمشیرها نگهداری می‌کرد، و نیمه جانی را که در پیکرش باقی مانده برای تو در معرض

لِلْحُتُوفِ ، وَجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَنَصَرَكَ عَلَى مَنْ

مرگ قرار می‌داد؛ و در پیشگاه تو به نبرد می‌پرداخت، و در مقابل

بَغَى عَلَيْكَ ، وَفَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ ،

ستمکاران بر تو، یاریت می‌کرد؛ و روح و جسم و دارایی و فرزندان خود را فدایت می‌ساخت،

وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً ، وَأَهْلُهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً . فَلَيْنُ

وروحش را فدای روح شریف‌ت می‌کرد و خانواده‌اش را به حفظ و نگهداری خانواده‌ات می‌گماشت. پس

أَحْرَثْنِي الدُّهُورُ ، وَعَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ ،

اگر روزگار مرا از زمان تو دور داشته، و مقدرات مرا از یاریت بازداشت،

وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا ، وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ

و نبودم که با جنگجویانی که به جنگ تو آمدند بجنگم، و با

الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا ، فَلَا تَنْدُبَنَّ صَبَاحًا وَمَسَاءً ،

دشمنانت بستیزم؛ لیکن، هر صبح و شام بر تو ناله و زاری و شیون می‌کنم،

وَلَا بَكِيْنَ لَكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا ، حَسْرَةً عَلَيْكَ ،

و به جای اشک، برایت خون می‌گیریم؛ از حسرتی که بر تو می‌خورم،

وَتَأْسَفًا عَلَى مَا دَهَاكَ ، وَتَلَهْفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ

و تأسفی که بر رنج تو دارم و در سوز و گداز می‌مانم تا زمانی که

الْمُصَابِ ، وَغُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ . أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ

از این مصیبت و غصه و اندوه بپذیرم. گواهی می‌دهم که تو نماز را برپا داشتی،

الصَّلَاةَ ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ ،

و زکات را پرداختی، و به معروف و نیکی فرمان دادی،

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوَانِ ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَمَا

و از بدی‌ها و ستمکاری‌ها باز داشتی، و از خدا فرمان بردی و نافرمانی نکردی،

عَصِيَّتَهُ ، وَتَمَسَّكَتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضِيَّتَهُ وَخَشِيَّتَهُ ،

و به خدا و ریسمان او چنگ زدی تا آن‌که او را از خود راضی و خشنود کردی در حالی که از او ترس داشتی؛

وَرَاقِبْتَهُ وَاسْتَجَبْتَهُ ، وَسَنَنْتَ السُّنْنَ ، وَأَطَفَأْتَ

و مراقب و مواظب او بودی و او را پاسخ دادی، و به سنت‌ها و مستحبات عمل کردی و

الْفِتْنَ ، وَدَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ ، وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ

فتنه‌ها را خاموش نمودی، و به رشد و تکامل فرا خواندی، و راه‌های

السَّدَادِ ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ . وَكُنْتَ لِلَّهِ

استوار را اشکار ساختی، و آن‌گونه که حق جهاد و تلاش بود انجام دادی. و تو فرمان‌برداری نیک

طَائِعًا ، وَلِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَابِعًا ،

برای خداوند بودی، و از جدت حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - پیروی می‌کردی،

وَلِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعًا ، وَإِلَى وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعًا ،

و به گفتار پدرت گوش فرا می‌دادی، و برای انجام وصیت برادرت شتاب می‌نمودی،

وَلِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعًا ، وَلِلطُّغْيَانِ قَامِعًا ، وَلِلطُّغَاةِ

و ستون‌های دین را بالا بردی، و سرکشی را در هم کوبیدی، و طغیان‌گران را

مُقَارِعَاً، وَلِلْأُمَّةِ نَاصِحَاً، وَفِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ

ناپود کردی، و برای اُمت اسلام خیرخواهی می‌کردی، و در سگرات مرگ

سَابِحَاً، وَلِلْفُسَاقِ مُكَافِحَاً، وَبِحُجَجِ اللَّهِ قَائِمَاً،

شناور بودی، و فاسقان را به مبارزه می‌طلبیدی، و حجت‌های الهی را بر پا داشتی

وَلِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ رَاحِمَاً، وَلِلْحَقِّ نَاصِرَاً،

و برای اسلام و مسلمانان مهربان و رحم کننده، و یار حق بودی،

وَعِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِرَاً، وَلِلدَّيْنِ كَالِئْتَاً، وَعَنْ حَوْزَتِهِ

و در بلاها و گرفتاری‌ها شکیبا، و برای دین نگهبان، و از حوزه و حریم دینی

مُرَامِيَاً. تَحَوُّطُ الْهُدَىٰ وَتَنْصُرُهُ، وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ

دفاع کننده بودی. نگهبان هدایت و یاری‌کننده آن و گستراننده عدل

وَتَنْشُرُهُ، وَتَنْصُرُ الدِّينَ وَتُظْهِرُهُ، وَتَكْفُ الْغَايِبَ

و نشر دهنده آن، و یاری‌کننده دین و آشکارکننده آن هستی، و بازپجه‌شمارنده دین را از کارش

وَتَزْجُرُهُ، وَتَأْخُذُ لِلدِّينِ مِنَ الشَّرِيفِ، وَتُسَاوِي

باز داشته و او را منع نمودی؛ و حق زبردستان را از ثروتمندان و اشراف می‌گرفتی،

فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ. كُنْتَ رَبِيعَ

و بین قوی و ضعیف به مساوات حکم می‌کردی. تو بهار

الْأَيْتَامِ، وَعِصْمَةَ الْأَنَامِ، وَعِزَّ الْإِسْلَامِ، وَمَعْدِنَ

یتیمان و پناهگاه مردم، و عزت و سربلندی اسلام و معدن

الْأَحْكَامِ، وَحَلِيفَ الْإِنْعَامِ، سَالِكَاً طَرَائِقَ جَدِّكَ

احکام و هم‌پیمان بخشش و احسان بودی. پوینده راه جد

وَأَبِيكَ، مُشْبِهَاً فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ، وَفِي الذَّمِّ

و پدرت بودی، و همانند برادرت در وصیت پدرت بودی. وفاکننده به عهدها و پیمان‌ها، دارای

رَضِيَّ الشِّيمِ، ظَاهِرَ الْكَرَمِ، مُتَهَجِّدَاً فِي الظُّلَمِ،

خصلتها و خوی‌های نیکو، آشکارکننده بزرگواری‌ها، کوشش‌کننده در عبادت به هنگام تاریکی (شب زنده‌دار)،

قَوِيمَ الطَّرَائِقِ، كَرِيمَ الْخَلَائِقِ، عَظِيمَ السَّوَابِقِ،

دارنده روش‌های استوار، و اخلاق بزرگ منشی و بخشندگی، با پیشینه‌ای بزرگ و درخشان،

شَرِيفَ النَّسَبِ، مُنِيفَ الْحَسَبِ، رَفِيعَ الرَّتَبِ، كَثِيرَ

نژادی شریف، حَسَبی برتر، درجاتی عالی و رفیع،

الْمَنَاقِبِ، مَحْمُودَ الضَّرَائِبِ، جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ.

افتخاراتی فراوان، سرشت‌های ستوده، موهبت‌ها و بخشش‌های بسیار بود.

حَلِيمَ رَشِيدٌ مُنِيبٌ، جَوَادٌ عَلِيمٌ شَدِيدٌ، إِمَامٌ شَهِيدٌ،

بردار، کمال یافته، انابه‌کننده به سوی خدا، بخشنده، دانا، قدرت‌مند، پیشوا، شهید،

أَوَاهٌ مُنِيبٌ، حَبِيبٌ مَهِيبٌ. كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ

شیون‌کننده و انابه‌کننده، دوست‌دارنده، باهویت هستی. تو برای حضرت پیامبر - که درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَدِهِ، وَلِلْقُرْآنِ سَنَدَاً، وَلِلْأُمَّةِ عَضُدَاً،

بر او و آل او باد - فرزند، و برای قرآن پشتیبان، و برای اُمت بازویی توانا و یاور بودی،

وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا ، حَافِظًا لِلْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ ،

و در فرمانبرداری از دستورات الهی کوشا، نگهبان و نگه‌دارنده پیمان و تعهد عالم ذر،

نَاكِبًا عَنِ سَبِيلِ الْفُسَاقِ ، [و] بِإِذِلَّةٍ لِلْمَجْهُودِ ، طَوِيلٌ

کناره‌گیر از راه مردمان فاسق و تبه‌کار، و بکار برنده تمام سعی و کوشش خود بودی. دارای

الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ ، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ

رکوع و سجود طولانی بودی، و نسبت به دنیا بی‌اعتنا و بی‌رغبت بودی، همچون کسی که می‌خواهد

عَنْهَا ، نَاطِرًا إِلَيْهَا بَعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا ، أَمَّا لَكَ

آن را رها کند و از آن کوچ کند و همواره به آن به دیده وحشت‌زدگان می‌نگریستی. از آرزوهای

عَنْهَا مَكْفُوفَةٌ ، وَهَمَّتْكَ عَنْ زِينَتِهَا مَصْرُوفَةٌ ،

دنیویّت دل‌کنده، و همت تو از زینت‌های آن روگردان شده،

وَأَلْحَاطُكَ عَنْ بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةٌ ، وَرَغَبَتُكَ فِي

و نگاهت از سرور و شادمانی آن پوشیده شده، و شوق و اشتیاق تو

الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ ، حَتَّى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ ، وَأَسْفَرَ

به آخرت معروف بود؛ تا آن که ستم، دست ستمگرش را دراز کرد و

الظُّلْمُ قِنَاعَهُ ، وَدَعَا الْغِيَّ أَتْبَاعَهُ ، وَأَنْتَ فِي حَرَمِ

ظلم، نقاب از چهره افکنده، و گمراهی پیروان خویش را فرا خواند؛ و در حالی که تو در حرم

جَدِّكَ قَاطِنٌ ، وَلِلظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ ، جَلِيسُ الْبَيْتِ

جذت ساکن و از ستمگران دوری گزیده بودی، مونس

وَالْمِحْرَابِ ، مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ ، تُنْكِرُ

محراب و خانه گشته و از شهوت‌ها و لذت‌ها دوری گزیده، و

الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ ، عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ

در حدّ طاقت و امکانت با قلب و زبانت زشتی را زشت شمردی،

وَأَمْكَانِكَ ، ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ ، وَلَزِمَكَ أَنْ

سپس اقتضا کرد علم و آگاهی، تو را بر انکار؛ و بر تو لازم شد با

تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ ، فَسِرْتَ فِي أَوْلَادِكَ وَأَهْلِيكَ ،

فاجران و بدکاران جهاد کنی؛ پس با فرزندان و خاندان

وَشَيْعَتِكَ وَمَوَالِيكَ ، وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ ،

و پیروان و دوستانت به راه افتادی، و حق و حقیقت را با برهان‌های الهی آشکار ساختی،

وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ،

و مردم را با حکمت و پند نیکو به سوی خدا فرا خواندی،

وَأَمَرْتَ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ ، وَالطَّاعَةَ لِلْمَعْبُودِ ، وَنَهَيْتَ

و امر به برپایی حدود الهی و اطاعت پروردگار، و نهی

عَنِ الْخَبَائِثِ وَالطُّغْيَانِ ، وَوَأَجَهوكَ بِالظُّلْمِ

از پلیدی‌ها و سرکشی‌ها نمودی، و آنان با ستم و عدوان با تو مقابله

وَالْعُدُوانِ . فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِپْعَاطِ لَهُمْ ، وَتَأْكِيدِ

نمودند. پس از آن که آن‌ها را پند داده و از کار خود بازداشتی، و

الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ، فَانكثوا ذِمَامَكَ وَبَيْعَتِكَ، وَأَسْخَطُوا

اتمام حجت نمودی، با آنان عهد کردی؛ پس آنان پیمان و بیعت تو را شکستند، و

رَبِّكَ وَجَدَّكَ، وَبَدَوْوكَ بِالْحَرْبِ، فَثَبَّتَ لِطَطْعِنِ

پروردگار تو و جدت را خشمگین کردند، و با تو شروع به جنگ نمودند؛ پس تو در برابر ضربات

وَالضَّرْبِ، وَطَحْنَتَ جُنُودِ الْفُجَارِ، وَاقْتَحَمَتَ

(شمشیرها و نیزه‌ها) استوار ماندی، و لشکریان بدکاره را درهم کوبیدی،

قَسَطَلَ الْعُغْبَارِ، مُجَالِدًا بِذِي الْفِقَارِ، كَأَنَّكَ عَلِيٌّ

و در گرد و غبار برخاسته در میدان جهاد با ذوالفقار آنگونه وارد شدی که گویا تو همان علی

الْمُخْتَارُ. فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابِتَ الْجَاشِ، غَيْرَ خَائِفٍ وَلَا

برگزیده خدا هستی. پس، هنگامی که تو را ثابت‌قدم و دلیر دیدند، در حالی که هیچ‌گونه ترس

خَاشٍ، نَصَبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ، وَقَاتَلُوكَ

و هراسی در تو نبود برای تو دام‌های مکرشان را نصب کردند، و با

بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ، وَأَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ، فَمَنَعُوكَ

مکر و شرشان به جنگ با تو پرداختند؛ و آن شخص ملعون به لشکریانش دستور داد، پس

الْمَاءَ وَوَرُودَهُ، وَنَاجَزُوكَ الْقِتَالَ، وَعَاجَلُوكَ

تو را از آب و وارد شدن به آن باز داشتند، و به مبارزه با تو پرداخته و در این امر شتافتند،

النِّزَالَ، وَرَشَقُوكَ بِالسَّهَامِ وَالنَّبَالِ، وَبَسَطُوا إِلَيْكَ

و تیرها و سنگ‌ها را به تو پرتاب کردند، و

أَكْفَ الْأِصْطِلَامِ، وَلَمْ يَزْعُوا لَكَ ذِمَامًا، وَلَا رَاقِبُوا

دست‌های ویرانگر خود را به سوی تو گشودند، و حق تو را مراعات نکردند، و

فِيكَ آثَامًا، فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ، وَنَهَبِهِمْ رِحَالَكَ،

در کشتن عزیزان تو و غارت زاد و توشه تو هیچ ترسی از جزای گناه خویش به خود راه ندادند؛

وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَوَاتِ، وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذْيَاتِ، قَدْ

و در میان گرد و غبار میدان به پیش می‌تاختی، و آزار و اذیت‌ها را تحمل می‌کردی، که به راستی

عَجِبْتَ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ. فَأَخَذَقُوا

فرشتگان آسمان از صبر تو در شگفت آمدند. پس آنان (دشمنان)

بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ، وَأَثَخُوكَ بِالْجِرَاحِ، وَخَالُوا

از هر سو اطراف تو را گرفتند؛ و زخم‌های عمیقی بر تو وارد کردند و میان تو و بین

بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرَّوَّاحِ، وَلَمْ يَسْبِقَ لَكَ نَاصِرٌ، وَأَنْتَ

راحتی و نجات فاصله انداختند (یعنی نگذاشتند کار به شبانگاه برسد)، و تو را هیچ یاورى باقی نمانده بود،

مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ، تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلَادِكَ، حَتَّى

و تو کار را به حساب خدا واگذار کرده و صبر نمودی، و از زنان و اولادت دفاع می‌کردی، تا

نَكَسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ، فَهَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ جَرِيحًا،

آن که تو را از اسب سرنگون ساختند، و با بدنی مجروح بر زمین افتادی؛

تَطَوُّوكَ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا، وَتَعْلُوكَ الطُّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا.

اسب‌ها با سم‌هایشان تو را لگدکوب کردند و طغیان‌گران تو را با شمشیرهای‌شان ضربه می‌زدند.

قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ، وَاخْتَلَفْتَ بِالْإِنْقِبَاضِ

عرق مرگ بر پیشانیبت نشست، و راست و چپ بدن مبارکت را با جمع کردن

وَالْإِنْبِساطِ شِمَالُكَ وَيَمِينُكَ، تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا إِلَى

و گشودن جابجا می‌کردی، و با گوشه چشم به خیام و حرمت نگاه می‌کردی،

رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ، وَقَدْ شَغَلْتَ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ

و مصیبتی که بر تو وارد می‌شد تو را از فرزندان

وَأَهْلِيكَ، وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِدًا، إِلَى خِيَامِكَ

و اهل بیبت به خود مشغول ساخته بود، و اسب تو شیون‌کنان

قَاصِدًا، مُحَمِّمًا بَاكِيًّا، فَلَمَّا رَأَى النِّسَاءَ جَوَادِكَ

و گریه‌کنان با سرعت به سوی حرمت آمد، هنگامی که زنان اسبت را

مَخْزِيًّا، وَنَظَرْنَ سَرْجَكَ عَلَيْهِ مَلُويًّا، بَرَزْنَ مِنْ

شرمسار دیدند و به زین واژگونش نظر افکندند، از

الْخُدُورِ، نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ، لِاطْمَاتِ

خیمه‌ها بیرون آمدند، موهای‌شان را بر چهره‌های‌شان پریشان کرده، بر

الْوُجُوهِ سَافِرَاتِ، وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتِ، وَبَعْدَ الْعِزِّ

چهره‌های بدون نقابشان سیلی می‌زدند، و با صدای بلند ناله می‌زدند و تو را می‌خواندند، و آنان بعد از عزت

مُذَلَّلَاتِ، وَإِلَى مَصْرَعِكَ مُبَادِرَاتِ. وَالشُّمْرُ

ذلیل شده بودند، و به سوی قتلگاه تو شتافتند، در حالی که شمر (لعنة الله عليه)

جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ، وَمَوْلِعٌ سَيْفَهُ عَلَى نَحْرِكَ،

بر روی سینهات نشسته بود و شمشیرش را بر گودی زیر گلوئی تو فرو برده

قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ، ذَابِحٌ لَكَ بِمُهَنْدِهِ، قَدْ

و محاسنت را به دست گرفته بود، سرت را با شمشیر تیز خود می‌برد؛

سَكَنْتَ حَوَاشِيكَ، وَخَفَيْتَ أَنْفَاسَكَ، وَرَفَعَ عَلَى

در آن حالت حواست از حرکت ایستاد، و نفس‌هایت پنهان شد،

الْقَنَاطَةِ رَأْسُكَ، وَسَيِّبَى أَهْلِكَ كَالْعَبِيدِ، وَصَفَّدُوا فِي

و سرت بر بالای نیزه بلند شد، و اهل بیت تو مانند بندگان و بردگان اسیر شدند، و در

الْحَدِيدِ، فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ، تَلْفَحُ وَجُوهَهُمْ حَرُّ

غل و زنجیر به بند کشیده شدند. در فراز پالان‌های جهاز شتران، چهره‌های‌شان را گرمای

الْمُهَاجِرَاتِ، يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِيِّ وَالْفَلَوَاتِ،

شدید می‌سوزاند، و در بیابان‌ها و دشت‌ها پیش برده می‌شدند؛

أَيْدِيَهُمْ مَعْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ، يُطَافُ بِهِمْ فِي

دست‌های‌شان به گردن‌های‌شان آویخته و بسته بود، و آن‌ها را دور

الْأَسْوَاقِ. فَالْوَيْلُ لِلْعُصَاةِ الْفُسَّاقِ، لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ

بازارها می‌چرخاندند. پس، وای بر آن گناهکاران فاسق که به راستی با کشتن تو

الْإِسْلَامَ، وَعَطَّلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ، وَنَقَضُوا السَّنَنَ

اسلام را کشتند، و نماز و روزه را رها کردند، و سنت‌ها



وَالْأَحْكَامَ، وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ، وَحَرَّفُوا آيَاتِ

و احكام را شكستند، و ستون‌های دين و ايمان را منهدم کردند، و آیات الهی

الْقُرْآنِ، وَهَمَلَجُوا فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ. لَقَدْ أَصْبَحَ

قرآن را تحریف نمودند، و در دشمنی و ظلم و ستم پیش تاختند. آن‌گاه که تو را شهید کردند به

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْثُورًا، وَعَادَ كِتَابُ

راستی رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - خون‌خواه تو شد، و بار دیگر کتاب

اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَهْجُورًا، وَغَوَدِرَ الْحَقُّ إِذْ قَهَرْتَ

خدا متروک و دور افتاده شد؛ و حق، مورد خیانت قرار گرفت؛ چون تو

مَقْهُورًا، وَفُقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّحْرِيمُ

شکست خوردی؛ و با نبود تو، بانک «الله اکبر» و «لا إله إلا الله» و حرام

والتَّحْلِيلُ، وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ، وَظَهَرَ بَعْدَكَ

و حلال خدا و تنزیل و تاویل قرآن، ناپدید شد؛ و بعد از تو،

التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ، وَالْإِلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ، وَالْأَهْوَاءُ

تغییر و دگرگونی (در احکام الهی) و کفر و بی‌دینی، و کنار گذاشتن سنت‌ها و هواهای نفسانی،

وَالْأَضَالِيلُ، وَالْفِتْنُ وَالْأَبَاطِيلُ. فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ

و گمراهی‌ها و فتنه‌ها و باطل‌ها پدیدار گشت. پس، خبردهندهٔ شهادت تو نزد

قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَتَعَاكَ إِلَيْهِ

قبر جد تو رسول خدا - درود خدا بر او و آل او باد - ایستاد، و

بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ، قَائِلًا يَا رَسُولَ اللَّهِ قُتِلَ سِبْطُكَ

با اشک ریزان خبر شهادت تو را به پیامبر داد؛ در حالی که می‌گفت: ای رسول خدا؛ نوه

وَفَتَاكَ، وَاسْتَبِيحَ أَهْلُكَ وَحِمَاكَ، وَسَيِّتَ بَعْدَكَ

و جوان تو کشته شد، و حرمت اهل بیت تو شکسته و مباح شمرده شد؛ و فرزندان

ذُرَّارِيكَ، وَوَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعِزَّتِكَ وَذَوِيكَ.

و ذریهٔ تو را بعد تو اسیر کردند، و خانواده و اطرافیانت در گرفتاری افتادند.

فَانزَعَجَ الرَّسُولُ، وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ، وَعَزَّاهُ بِكَ

پس، پیامبر اشفته گردید، و قلب وحشت‌زده‌اش گریست؛ و به خاطر تو

الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ، وَفُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الزَّهْرَاءُ،

فرشتگان و پیامبران بر او تسلیت گفتند؛ و به خاطر تو مادرت زهرا علیها السلام سوگوار و مصیبت‌زده شد؛

وَاخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، تُعْزِي أَبَاكَ

و لشکریان فرشتگان مقرب الهی برای تسلیت گفتن به پدرت

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَقِيمَتْ لَكَ الْمَمَاتِمُ فِي أَعْلَا

امیر مؤمنان آمد و شد کردند، و در اعلیٰ علیین برای تو ماتم برپا شد،

عَلِيِّينَ، وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ، وَبَكَتِ السَّمَاءُ

و به خاطر تو حورالعین سیلی بر صورت خود زدند، و آسمان

وَسُكَّانُهَا، وَالْجِنَانُ وَخَزَائِنُهَا، وَالْهَضَابُ وَأَقْطَارُهَا،

و ساکنان آن، و بهشت و خزانه‌داران آن، و کوه‌ها و دامنه‌هایشان،

وَالْبَحَارُ وَحَبَاتُهَا، وَالْجِنَانُ وَوِلْدَانُهَا، وَالْبَيْتُ

و دریا و ماهیانش، و بهشت و پسران آن، و خانه خدا،

وَالْمَقَامُ، وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ، وَالْحِلُّ وَالْأَحْرَامُ<sup>۱</sup>.

و مقام، و مشعرالحرام و خارج خانه خدا و اطراف آن، همه گریه کردند.

اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُنِيفِ، صَلِّ عَلَيَّ

خدا یا؛ پس، به خاطر حرمت و احترام این مکان شریف، بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ،

محمد و آل محمد درود فرست؛ و مرا در زمره آنان محشور فرما،

وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

و مرا به شفاعت آنان داخل بهشت نما. خدا یا؛ به تو توسل پیدا می‌کنم؛

يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، وَيَا أَحْكَمَ

ای سریع‌ترین حسابگران؛ و ای کریم‌ترین کریمان؛ و ای بااقتدارترین

الْحَاكِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، رَسُولِكَ إِلَيَّ

حاکمان؛ و به محمد خاتم پیامبران، فرستاده تو بر

الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ، وَيَا خَبِيهَ وَابْنَ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ

همه جهانیان؛ و به برادر و پسرعمویش که از شرک و بت‌پرستی جدا شده

الْبَطِينِ، الْعَالِمِ الْمَكِينِ، عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

و درونش انباشته از دانش بود، آن عالم و دانشمند والامقام یعنی حضرت علی امیر مؤمنان؛

۱. آخرام - جمع حرم - به اطراف خانه خدا گفته می‌شود.

وَبِفَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَبِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ

و به فاطمه سرور زنان جهانیان، و به حسن، که پاکیزه

عِصْمَةَ الْمُتَّقِينَ، وَبِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ الْأَكْرَمِ

و پناه پرهیزکاران است؛ و به ابی عبدالله الحسین، گرامی‌ترین

الْمُسْتَشْهِدِينَ، وَبِأَوْلَادِهِ الْمَقْتُولِينَ، وَبِعِزَّتِهِ

شهادت‌جویان و به فرزندان شهیدش و به خاندان

الْمَظْلُومِينَ، وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ،

مظلومش؛ و به علی بن الحسین زینت عبادت کنندگان؛

وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَةَ الْأَوَابِينَ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

و به محمد بن علی، قبله‌گاه توبه‌کنندگان؛ و به جعفر بن محمد،

أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ مُظْهِرِ

راست‌گوترین راستگویان؛ و به موسی بن جعفر، آشکار کننده

الْبُرَاهِينِ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ، وَمُحَمَّدِ

حجت‌ها؛ و به علی بن موسی یاری‌کننده دین؛ و به محمد

بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةَ الْمُهْتَدِينَ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ أَزْهَدِ

بن علی، اسوه هدایت‌کنندگان؛ و به علی بن محمد، زاهدترین

الزَّاهِدِينَ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ،

زاهدان؛ و به حسن بن علی وارث جانشیان،

وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و حجت بر همه خلق خدا؛ اینکه درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الصَّادِقِينَ الْأَبْرَرِينَ، آلِ طَه

محمد و آل محمد آن راستگویان نیکوکاران، آل طه

وَيْسَ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِنِينَ

و یس؛ و این که مرا در قیامت از جمله امان یافتگان

الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ. اللَّهُمَّ

و آسودگان و رستگاران و شادمانان و بشارت‌یافتگان قرار دهی. خدایا؛

اَكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ، وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ،

مرا از جمله مسلمانان قرار ده، و مرا به صالحان ببیوندد،

وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ، وَأَنْصُرْنِي

و برای من در میان آیندگان سخن راست قرار ده، و مرا

عَلَى الْبَاغِينَ، وَاكْفِنِي كَيْدَ الْخَاسِدِينَ، وَاصْرِفْ

بر ستمگران پیروز فرما، و مرا از مکر حسودها کفایت کن، و

عَنِّي مَكْرَ الْمَاكِرِينَ، وَاقْبِضْ عَنِّي أَيْدِي الظَّالِمِينَ،

از من حيلة مکاران را باز گردان، و دست ستمکاران را از من کوتاه کن،

وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، فِي أَعْلَا

و مرا با سروران فرخنده در اعلا

عَلِيِّينَ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، مِنَ النَّسَبِيِّينَ

علیّین؛ با آنان که بر آنها نعمت ارزانی داشتی - از پیامبران

وَالصَّادِقِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا

و راستگویان و شهدا و صالحان - جمع نما؛ به رحمت ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ

مهربان‌ترین مهربانان. خدایا؛ تو را سوگند می‌دهم به حق پیامبرت

الْمَعْصُومِ، وَبِحُكْمِكَ الْمَحْتُومِ، وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ،

که معصوم از گناه است و به آن حکم حتمیت، و نهی پوشیده‌ات؛

وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُومِ، أَلْمُوسَدِ فِي كَنَفِهِ، الْأِمَامُ

و به این قبر شریف که به زیارت آن آمد و شد می‌شد، و امام

الْمَعْصُومُ الْمَقْتُولُ الْمَظْلُومُ، أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنْ

معصومی که در سایه آن آرمیده است، که مظلومانه کشته شده؛ این که آنچه از

الْغُومِ، وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ الْقَدَرِ الْمَحْتُومِ،

غم دارم برطرف سازی، و از من شرّ قضا و قدر حتمی را باز گردانی،

وَ تَجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ. اللَّهُمَّ جَلِّلْنِي

و از آتش گرم و سوزان جهنّم مرا پناه دهی. خدایا؛ مرا

بِنِعْمَتِكَ، وَرَضْنِي بِقِسْمِكَ، وَتَغَمَّدْنِي بِجُودِكَ

به نعمت خودت بزرگی بخش، و مرا به قسمتت راضی نما، و مرا غرق جود

وَكَرَمِكَ ، وَبَاعِدْنِي مِنْ مَكْرِكَ وَنِقْمَتِكَ . اَللّٰهُمَّ

و کرمت فرما، و مرا از مکر و مجازات خود دور نما. خدایا؛

اَعْصِمْنِي مِنَ الزَّلَلِ ، وَسَدِّدْنِي فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ ،

مرا از لغزشها محفوظ بدار، و مرا در قول و عمل استوار گردان،

وَأَفْسَحْ لِي فِي مُدَّةِ الْأَجَلِ ، وَأَعْفِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ

و وسعت و فراخی در دوران عمرم برابم قرار بده، و از دردها و مریضیها مرا عافیت بخش،

وَالْعَلَلِ ، وَبَلِّغْنِي بِمَوَالِيَّ وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ .

و به حق اولیایم، و به بخشش و کرمت، مرا به بهترین آرزوهایم برسان.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاَقْبَلْ تَوْبَتِي ،

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و توبه مرا قبول فرما؛

وَارْحَمْ عَبْرَتِي ، وَاَقْلِنِي عَثْرَتِي ، وَنَفْسِ كُرْبَتِي ،

و بر گریهام رحم نما، و از لغزشم درگذر، و اندوهم را برطرف کن،

وَأَعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي ، وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي . اَللّٰهُمَّ

و گناهان مرا ببخش، و نسل مرا از صالحان قرار ده. خدایا؛

لَا تَدْعَ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ ، وَالْمَحَلِّ

برای من وامتگذار در این حرم شریف و بارگاه

الْمُكْرَمِ ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ ، وَلَا غَمًّا

باکرامت هیچ گناهی را مگر آن که آن را ببخشی، و هیچ عیبی را مگر آنکه بپوشانی، و هیچ غمی را

إِلَّا كَشَفْتَهُ ، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ ، وَلَا جَاهًا إِلَّا

مگر آن که برطرف کنی، و هیچ رزق و روزی را مگر آن که گسترده گردانی، و هیچ منزلت و مقامی را مگر

عَمَّرْتَهُ ، وَلَا فَسَادًا إِلَّا أَصْلَحْتَهُ ، وَلَا أَمَلًا إِلَّا بَلَّغْتَهُ ،

آن که آن را آباد کنی، و هیچ فسادى را مگر آن که آن را اصلاح فرمایی؛ و هیچ آرزویی را مگر آن که مرا به آن برسانی،

وَلَا دُعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ ، وَلَا مَضِيْقًا إِلَّا فَرَّجْتَهُ ، وَلَا شَمَلًا

و هیچ دعایی را مگر آن که آن را اجابت فرمایی، و هیچ تنگی و فشاری را مگر آن را گشایش دهی، و هیچ نفق و پراکندگی را

إِلَّا جَمَعْتَهُ ، وَلَا أَمْرًا إِلَّا أَتَمَمْتَهُ ، وَلَا مَالًا إِلَّا كَثَّرْتَهُ ،

مگر آن که آن را به اجتماع مبتدل گردانی، و هیچ کاری را مگر آن که آن را تمام کنی، و به پایان رسانی؛ و هیچ مالی را مگر آن

وَلَا خُلُقًا إِلَّا حَسَّنْتَهُ ، وَلَا انْفِاقًا إِلَّا أَخْلَفْتَهُ ، وَلَا حَالًا

که آن را زیادهش کنی، و هیچ اخلاقی را مگر آن که آن را نیکو فرمایی، و هیچ انفاقی را مگر آن که جایگزین برایش قرار دهی

إِلَّا عَمَّرْتَهُ ، وَلَا حَسُودًا إِلَّا قَمَعْتَهُ ، وَلَا عَدُوًّا إِلَّا

و هیچ دگرگونی حالی را مگر آن که آن را خوب و آباد نمایی؛ و هیچ حسودی را مگر آن که آن را ریشه کن نمایی، و هیچ دشمنی

أَرْدَيْتَهُ ، وَلَا شَرًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ ، وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ ،

را مگر آن که آن را از میان ببری، و هیچ شرّ و بدی را مگر آن که کفایت کنی، و هیچ مرضی را مگر آن که آن را شفا دهی،

وَلَا بَعِيدًا إِلَّا أَدْنَيْتَهُ ، وَلَا شَعْنًا إِلَّا لَمَمْتَهُ ، وَلَا سُؤَالَ

و هیچ دوری را مگر آن که آن را نزدیک فرمایی، و هیچ پراکندگی را مگر آن که آن را سامان دهی، و هیچ درخواستی را

إِلَّا أَعْطَيْتَهُ . اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلَةِ ، وَثَوَابَ

مگر آن که آن را عطا نمایی. خدایا؛ از تو می‌خواهم خیر و خوبی حاضر و ثواب و پاداش

الْأَجَلَةَ. اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ، وَبِفَضْلِكَ

آینده را. خدایا؛ مرا به واسطهٔ حلالیت از حرام بی‌نیاز فرما، و با فضل و کرمیت

عَنْ جَمِيعِ الْأَنْامِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا،

از تمام مردم بی‌نیاز ساز. خدایا؛ از تو می‌خواهم علمی که سودمند باشد،

وَقَلْبًا خَاشِعًا وَيَقِينًا شَافِيًا، وَعَمَلًا زَاكِيًا، وَصَبْرًا

و قلبی که خاشع باشد، و یقینی را که قاطع باشد، و عملی که پاک باشد، و صبری را که

جَمِيلًا، وَأَجْرًا جَزِيلًا. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ

زیبا باشد، و اجری را که زیاد باشد. خدایا؛ شکر و سپاس نعمت را که

عَلَيَّ، وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيَّ، وَاجْعَلْ قَوْلِي

بر گردن من است روزیم فرما، و احسان و کرمیت را بر من زیاد نما، و سخنم را

فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا، وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعًا،

در میان مردم پذیرفته‌شده قرار ده، و عملم را نزد خودت بالا ببر و بپذیر،

وَأَثْرِي فِي الْخَيْرَاتِ مَتْبُوعًا، وَعَدْوِي مَقْمُوعًا.

و اثر مرا در خیرات مورد پیروی دیگران قرار بده، و دشمنم را ریشه کن نما.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيَارِ، فِي

خدایا؛ دورد فرست بر محمد و آل محمد، که نیکوکاران (در میان بندگان) هستند، در

آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ، وَكَفِّنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ،

تمامی لحظات شب و روز؛ و از من دور نما شرّ اشخاص شورور و بدکاران را.

وَطَهَّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَوْزَارِ، وَأَجِرْنِي مِنَ

و مرا از گناهان و بار گران آنها پاک فرما، و از آتش جهنم پناهم ده،

النَّارِ، وَأَحِلَّنِي دَارَ الْقَرَارِ، وَاعْفِرْ لِي وَلِجَمِيعِ

و در خانهٔ بهشت وارد کن، و مرا و تمامی

إِخْوَانِي فِيكَ وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،

برادران و خواهران مؤمنی که در راه تو آنها را یافته‌ام

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به رحمتت بیامرز، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس رو به قبله کن و دو رکعت نماز به جای آور؛ در رکعت

اول بعد از حمد، سورهٔ «انبیاء»، و در رکعت دوم بعد از حمد،

سورهٔ «حشر» را بخوان، و در قنوت بگو:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ

هیچ معبودی جز خدای بردبار و کریم نیست؛ هیچ معبودی جز خدای بلندمرتبه

الْعَظِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ،

و بزرگ نیست، هیچ معبودی نیست جز خدایی که پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه

وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، خِلَافًا

و زمین‌های هفت‌گانه و آنچه در آنها و میان آنهاست؛ برخلاف

لِأَعْدَائِهِ، وَتَكْذِيباً لِمَنْ عَدَلَ بِهِ، وَإِقْرَاراً

دشمنانش، و تکذیب کسانی که از او روی برتافته‌اند، و اقرار

لِرَبُوبِيَّتِهِ، وَخُضُوعاً لِعِزَّتِهِ، الْأَوَّلُ بِغَيْرِ أَوَّلٍ،

به ربوبیت او، و خضوع در برابر عزت او. او اول و ابتدایی است که آغاز ندارد،

وَالْآخِرُ إِلَى غَيْرِ آخِرٍ، الظَّاهِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

و آخری است که هیچ انتهایی ندارد، و او، غلبه دارد بر هر چیز

بِقُدْرَتِهِ، الْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَلَطْفِهِ،

به سبب قدرتش، و با دانش و دقتش از درون هر چیز آگاه است.

لَا تَقِفُ الْعُقُولُ عَلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ، وَلَا تُدْرِكُ الْأَوْهَامُ

عقل‌ها بر کنه بزرگی و عظمت او راه ندارند، و اوهام

حَقِيقَةَ مَا هِيَ بِيَّتِهِ، وَلَا تَتَّصِرُ الْأَنْفُسُ مَعَانِي كَيْفِيَّتِهِ،

حقیقت ذات او را درک نمی‌کنند، و جان‌ها کیفیت و چگونگی او را نمی‌توانند تصور کنند،

مُطَّلِعاً عَلَى الضَّمَائِرِ، عَارِفاً بِالسَّرَائِرِ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ

بر امور پنهانی آگاه و بر پنهانی‌ها آشنا است؛ خیانت

الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ

چشم‌ها و آن چه در سینه‌ها پنهان است می‌داند. خدایا؛ تو را گواه می‌گیرم

عَلَى تَصَدِيقِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

بر تصدیقم نسبت به پیامبرت - که درود خدا بر او و آل او باد -

وَإِيمَانِي بِهِ، وَعِلْمِي بِمَنْزِلَتِهِ، وَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ

و ایمانم به او؛ و آگاهیم نسبت به مقام و منزلتش؛ و شهادت می‌دهم که همانا او

النَّبِيُّ الَّذِي نَطَقَتِ الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ، وَبَشَّرَتِ

پیامبری است که حکمت به فضل و دانش او گویا گشت، و

الْأَنْبِيَاءُ بِهِ، وَدَعَتِ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمَا جَاءَ بِهِ، وَحَثَّتِ

پیامبران به آمدن او بشارت دادند، و دعوت به اقرار به آن چه آورده است، کردند و تشویق

عَلَى تَصَدِيقِهِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى ﴿الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوباً

به تصدیقش نمودند؛ همان گونه که خداوند فرمود: «کسی که نامش را

عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ

در تورات و انجیل نوشته شده می‌یابند، او آن‌ها را به کارهای نیکو امر می‌کند

وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ

و از کارهای زشت باز می‌دارد و پاک‌ها را برای آن‌ها حلال می‌کند، و

عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ

آلودگی‌ها و پلیدی‌ها را برای آن‌ها حرام می‌نماید؛ و برمی‌دارد از دوش ایشان سنگینی و بارگران و

الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ﴿١﴾. فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ

غل و زنجیری را که بر گردن دارند». پس، درود فرست بر محمد رسول و فرستاده‌ات

إِلَى الثَّقَلَيْنِ، وَسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ الْمُصْطَفَيْنِ، وَعَلَى

به سوی جنّ و انس و سید و سرور انبیای برگزیده‌ات؛ و درود فرست بر

أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الَّذِينَ لَمْ يُشْرِكَا بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ

برادرش و پسرعمویش، آن دو که حتی برای یک لحظه و یک چشم به هم زدن برای تو شرک

أَبْدَأَ، وَعَلَىٰ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

نورزیدند؛ و بر فاطمه زهرا، سیده و سرور زن‌های جهانیان؛

وَعَلَىٰ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ،

و بر دو سرور جوانان اهل بهشت، حسن و حسین،

صَلَاةَ خَالِدَةَ الدَّوَامِ، عَدَدَ قَطْرِ الرَّهَامِ، وَزِنَةَ

دردی که جاودانی و دایمی باشد؛ به تعداد قطره‌های باران، و به سنگینی

الْجِبَالِ وَالْأَكَامِ مَا أَوْزَقَ السَّلَامُ، وَاخْتَلَفَ الضِّيَاءُ

کوه‌ها و تپه‌ها تا وقتی که سلام برگ (و نتیجه) می‌دهد؛ و تا وقتی که نور

وَالظَّلَامُ، وَعَلَىٰ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، الْأَيُّمَةَ الْمُهْتَدِينَ،

و ظلمت (شب و روز) در رفت و آمدند؛ و سلام بر آل پاک او، امامان هدایت شده

الذَّائِدِينَ عَنِ الدِّينِ، عَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَىٰ

- آن مدافعان دین - یعنی علی و محمد و جعفر و موسی

وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةَ الْقَوَامِ

و علی و محمد و علی و حسن و حجّت؛ که بپادارندگان

بِالْقِسْطِ وَسُلَالَةِ السَّبْطِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ

عدالت و قسطاند، و از نسل سبط پیامبرند. خدایا؛ از تو می‌خواهم به حق

هَذَا الْإِمَامِ، فَرَجًا قَرِيبًا، وَصَبْرًا جَمِيلًا، وَنَصْرًا

این امام، گشایش نزدیک و صبر جمیل و یاری

عَزِيزًا، وَعِغْنَىٰ عَنِ الْخَلْقِ، وَثَبَاتًا فِي الْهُدَىٰ،

باعزت، و بی‌نیازی از خلق، و پایداری در هدایت،

والتَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَىٰ، وَرِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا،

و توفیق بر آنچه آن را دوست داری، و می‌پسندی؛ و رزق و روزی گسترده، حلال،

طَيِّبًا مَرِيئًا، دَارًا سَائِغًا، فَاضِلًا مُفَضَّلًا، صَبًّا صَبِيًّا،

پاک، گوارا، قطع‌نشدنی، خوش‌گوار، فراوان، زیاد شده، و پیوسته ریزان

مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا نَكَدٍ وَلَا مِنَّةٍ مِنْ أَحَدٍ، وَعَافِيَةً مِنْ

بدون زحمت و سختی، و بی‌هیچ منتی از کسی، و مصون از

كُلِّ بَلَاءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ، وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ

هر بلا و بیماری و مرضی، و شکرگزاری بر سلامت و عافیت

وَالنَّعْمَاءِ، وَإِذَا جَاءَ الْمَوْتُ فَاقْبِضْنَا عَلَىٰ أَحْسَنِ مَا

و نعمت را به من عنایت کنی. و هنگامی که مرگ فرا رسید جان ما را در بهترین حال،

يَكُونُ لَكَ طَاعَةً، عَلَىٰ مَا أَمَرْتَنَا مُحَافِظِينَ، حَتَّىٰ

از نظر اطاعت و فرمانبرداری بگیر؛ در حالتی که رعایت‌کننده و اجراکننده فرامین تو باشیم؛ تا

تُوَدِّعُنَا إِلَىٰ جَنَّاتِ النَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

این که ما را به بهشت پر نعمت برسانی؛ به رحمتت، ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،

مهربانان. خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست،

وَأَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيَا ، وَأَنْسِنِي بِالْآخِرَةِ ، فَإِنَّهُ

و مرا از دنیا وحشتزده و با آخرت مأنوس گردان؛

لَا يُؤْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ ، وَلَا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ

چرا که به هراس از دنیا نمی‌اندازد مگر هراس از تو؛ و با آخرت مأنوس نمی‌سازد

إِلَّا رَجَاؤُكَ . اللَّهُمَّ لَكَ الْحُجَّةُ لَا عَلَيْكَ ، وَإِلَيْكَ

مگر امید به تو. خدایا؛ حجت و برهان به نفع توست، نه بر ضرر تو؛ و

الْمُشْتَكَى لَا مِنْكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَعِنِّي

شکوه‌ها به سوی توست، نه شکوه از تو باشد؛ پس، درود فرست بر محمد و آل او؛ و مرا

عَلَى نَفْسِي الظَّالِمَةِ العَاصِيَةِ ، وَشَهْوَتِي العَاطِلَةِ ،

بر نفس ستمگر و سرکشم، و بر شهوت چیره‌شوندهام یاری نما؛

وَاحْتِمِ لِي بِالْعَافِيَةِ . اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِي إِلَيْكَ وَأَنَا

و با عافیت‌کارم را به پایان برسان. خدایا؛ همانا طلب آمرزشم از تو، در حالی که بر

مُصِرٌّ عَلَى مَا نَهَيْتَ قَلَّةٌ حَيَاءٍ ، وَتَرْكِي الاِسْتِغْفَارَ

آن چه از من نهی فرمودی پافشاری می‌کنم، از کمی حیا و شرم من است؛ و ترک کردن من استغفار

مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضْيِيعٌ لِحَقِّ الرَّجَاءِ . اللَّهُمَّ

را، با علم من به گسترش بردباری تو، از بین‌برنده حق امیدواری است. بارالها؛

إِنَّ ذُنُوبِي تُؤَيِّسُنِي أَنْ أَرْجُوكَ ، وَإِنَّ عِلْمِي بِسَعَةِ

همانا گناهانم مرا از امیدوار بودن به تو ناامید ساخته، و علم من بر زیادی

رَحْمَتِكَ يَمْنَعُنِي أَنْ أَخْشَاكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

رحمتت مرا از هراس از تو باز می‌دارد؛ پس درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ ، وَصَدِّقْ رَجَائِي لَكَ ، وَكَذِّبْ خَوْفِي مِنْكَ ،

محمد، و امید مرا بر خودت صادق و به جا و به مورد قرار بده، و ترسم را از تویی مورد و بی‌جا فرما،

وَ كُنْ لِي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ .

و برای من آن گونه که به تو خوش‌گمان هستم باش؛ ای کریم‌ترین کریم‌ها؛

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَيِّدْنِي

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا

بِالعِصْمَةِ ، وَأَنْطِقْ لِسَانِي بِالْحِكْمَةِ ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ

با بازداشتن از گناه تأیید کن، و زبانم را به حکمت گویا نما، و مرا از کسانی قرار ده

يَنْدِمُ عَلَى مَا ضَيَّعَهُ فِي أَمْسِهِ ، وَلَا يَعْزُبُ حَظَّهُ فِي

که بر گذشته ضایع‌شده خود پشیمان‌اند، و نسبت به بهره امروزشان مغبون نگشته‌اند؛

يَوْمِهِ ، وَلَا يَهْمُ لِرِزْقِ غَدِهِ . اللَّهُمَّ إِنَّ الْغِنَى مَن

و اهمتمایی به روزی فردا ندارند. بار ال‌ها؛ دارا کسی است که

اسْتَعْنَى بِكَ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ ، وَالْفَقِيرَ مَن اسْتَعْنَى

به واسطه تویی نیازی بجوید و خود را نیازمند تو بداند؛ و نیازمند و فقیر، کسی است که به جای تو



بَخَلِّقَكَ عَنكَ ، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،

از خلق و آفریدگانت بی‌نیازی بجویید؛ پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست،

وَاعْنِي عَن خَلْقِكَ يَا ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَبْسُطُ كَفًّا

و مرا به وسیله خودت از آفریدگانت بی‌نیاز گردان، و مرا از کسانی قرار ده که دستش را جز به سوی

إِلَّا إِلَيْكَ . اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَطَطَ وَأَمَامَهُ التَّوْبَةُ ،

تو دراز نکند. بار خدایا؛ به راستی، بدبخت و بد عاقبت کسی است که ناامید باشد از درگاه تو در حالی که پیش رویش

وَوَرَاءَهُ الرَّحْمَةُ ، وَإِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ الْعَمَلِ فَإِنِّي فِي

توبه و پشت سرش رحمت باشد، و گر چه من دارای ضعف و سستی در عمل به دستورات هستم،

رَحْمَتِكَ قَوِيٌّ الْأَمَلِ ، فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّةِ

لیکن نسبت به رحمت تو آرزو و امیدم قوی است؛ پس ضعف رفتارم را به خاطر قوت

أَمَلِي . اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ تَعَلَّمُ أَنَّ مَا فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ

آرزو و امیدم بر من ببخشای. خدایا؛ اگر در بین بندگانت

أَفْسَى قَلْبًا مِنِّي ، وَأَعْظَمُ مِنِّي ذَنْبًا ، فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا

سنگدل‌تر از من و گناهکارتر از من سراغ نداشته باشی؛ من هم به خوبی می‌دانم که

مَوْلِي أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلًا ، وَأَوْسَعُ رَحْمَةً وَعَفْوًا ،

مولا و سروری بخشنده‌تر، و دارای رحمت و عفو و بخشش فراگیرتر از تو وجود ندارد؛

فَيَا مَنْ هُوَ أَوْحَدٌ فِي رَحْمَتِهِ ، إِغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ بِأَوْحَدٍ

پس، ای کسی که در رحمتش بی‌نظیر است، بیامرز؛ کسی را که در گناهش تنها و یکه‌تاز نیست.

فِي خَطِيئَتِهِ . اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنَا فَعَصَيْنَا ، وَنَهَيْتَ فَمَا

بارالها؛ تو به ما دستور دادی ولی نافرمانی کردیم؛ و ما را بازداشتی ولی اجتناب

انْتَهَيْنَا ، وَذَكَرْتَ فَتَنَّا سَيْنَا ، وَبَصَّرْتَ فَتَعَامَيْنَا ،

نکردیم؛ و یادآوری کردی، و ما خود را به فراموشی زدیم؛ و ما را بینا کردی، ولی ما خود را به کوری زدیم؛

وَحَذَّرْتَ فَتَعَدَّيْنَا ، وَمَا كَانَ ذَلِكَ جَزَاءَ إِحْسَانِكَ

و ما را برحذر داشتی، و ما تجاوز کردیم؛ و به خوبی می‌دانم که این کارها پاداش احسان و نیکی تو

إِلَيْنَا ، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا أَعْلَنَّا وَأَخْفَيْنَا ، وَأَخْبِرُ بِمَا

نسبت به ما نمی‌باشد؛ و تو بهتر از ما، از کرده‌های پنهان و آشکارمان آگاهی؛ و آن چه را انجام

نَأْتِي وَمَا أَتَيْنَا ، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَلَا

خواهیم داد و در گذشته انجام داده‌ایم بهتر می‌دانی؛ پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست

تُوَاخِذْنَا بِمَا أَخْطَأْنَا وَنَسِينَا ، وَهَبْ لَنَا حُقُوقَكَ

و ما را مؤاخذه مکن به جهت گناهان و اشتباهات و فراموش کاری‌هایمان، و هر حقی که برگردن ما

لَدَيْنَا ، وَأَتِمِّ إِحْسَانَكَ إِلَيْنَا ، وَأَسْئِلُ رَحْمَتَكَ عَلَيْنَا .

داری ببخش؛ و احسان و نیکی‌هایت را بر ما کامل و تمام گردان؛ و رحمتت را بر ما سرازیر کن.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهَذَا الصِّدِّيقِ الْأِمَامِ ،

بارالها؛ ما، به واسطه این امام صدیق و راستگوی راستین، به تو توسل می‌جوییم

وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لَهُ ، وَلِجَدِّهِ رَسُولِكَ ،

و از تو درخواست می‌کنیم به خاطر حقی که مخصوص او قرار دادی و مخصوص جدش رسول خودت

وَلَا بَوَيْهٍ عَلَيَّ وَفَاطِمَةَ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، إِذْرَارَ

و مخصوص پدرش علی و مادرش فاطمه، آن اهل بیت رحمت قرار دادی؛

الرِّزْقِ الَّذِي بِهِ قِوَامُ حَيَاتِنَا، وَصَلَاحُ أَحْوَالِ عِيَالِنَا،

رزق و روزی ما را که پابرجائی زندگی مان و اصلاح امور خانواده مان به آن بستگی دارد، افزون

فَأَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي تُعْطِي مِنْ سَعَةٍ، وَتَمْنَعُ مِنْ

گردان؛ زیرا تو کریم و بزرگواری هستی که با توانگری میبخشی، و از

قُدْرَةٍ، وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ مَا يَكُونُ صَلاَحًا

روی قدرت باز می‌داری؛ و ما از رزق و روزی، مقداری می‌خواهیم که موجب صلاح

لِلدُّنْيَا، وَبِلاَغًا لِلْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

دنیا و وسیله سعادت آخرت ما شود. بار خدایا؛ بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لَنَا وَلِوَالِدَيْنَا، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

محمد درود فرست و ما و پدر و مادر ما، و تمام زنان

وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ

و مردان مؤمن و مسلمان را که زنده

مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

و یا مرده‌اند بیامرز؛ و در دنیا و آخرت، به ما خیر

الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

و نیکی عطا فرما، و از جهنم نگاه دار.

وقتی قنوت تمام شد، رکوع و سجده نموده و می‌نشیند و تشهد

و سلام نماز را انجام می‌دهد و پس از آن که تسبیح حضرت زهرا ع

را گفتی، دو طرف صورتت را خاک آلود نموده و چهل بار بگو:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»

خدا منزّه است، ستایش ویژه اوست، و جز او معبودی نیست، و او بزرگ است.

سپس از خدای تعالی بخواه که تو را از ارتکاب گناه باز دارد، و

از عذاب خود نجات دهد و ببخشد، و توفیق انجام کارهای نیک

که موجب تقرب به خدا می‌شود و باعث جلب رضایت او

می‌گردد و پذیرش آن‌ها را عطا کند. آنگاه نزد سر مطهر بایست و

دو رکعت نماز مانند نمازی که پیش از این گفتیم به جای آور و

پس از نماز، خود را به روی قبر مطهر بینداز و آن را ببوس و بگو:

زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

خداوند شرافت شما را بیفزاید، و سلام و رحمت و برکات خداوند نیز به طور دائم نثار شما باد.

آن‌گاه برای خودت، پدرت، مادرت، و هر کسی که می‌خواهی

دعا کن.<sup>۱</sup>

علامه مجلسی ر می‌فرماید: نویسنده کتاب «المزار الکبیر»

می‌گوید: زیارت دیگری برای امام حسین ع در روز عاشورا هست

که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداء به یکی از نواب خویش صادر

شده: نزد قبر آن حضرت می‌ایستی و می‌گویی: السَّلَامُ عَلٰى آدَمَ

۱. بحار الأنوار: ۳۱۷/۱۰۱.

صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقَتِهِ، و زیارت را مانند آنچه نقل شد ادامه می دهد .  
بدین سان روشن می شود که این زیارت به راستی از حضرت  
مهدی ارواحنا فداء روایت شده است. البتّه احتمال دارد که این زیارت  
به روز عاشورا اختصاص نداشته باشد؛ چنان که سیّد مرتضی اعلی الله  
مقامه نیز همین اعتقاد را داشته است.<sup>۱</sup>  
آیه الله سیّد احمد مستنبط رحمته نیز می نویسد: روایت زیارت  
ناحیه مقدّسه دلالتی ندارد که خواندن آن، به روز عاشورا اختصاص  
داشته باشد.<sup>۲</sup>



### زیارت رجبیه

که در حرم های مطهر اهل بیت علیهم السلام در ماه رجب خوانده می شود

جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی رضی الله عنه (سومین نایب  
خاصّ امام عصر ارواحنا فداء) می فرماید: اگر کسی این زیارت را در  
یکی از حرم ها و زیارتگاه های اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بخواند، حتماً  
با برآورده شدن حاجتش از آنجا باز خواهد گشت و دعای او در  
مورد دین و دنیا به اجابت خواهد رسید. اگر قصد این زیارت را  
داستی، بر درگاه حرم مطهر امام علیه السلام بایست و بگو:

۱. بحار الأنوار: ۱۰۱/۳۲۸.

۲. الزیارة والبشارة: ۴۸۸/۲.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ،

ستایش ویژه خداوندی است که ما را در این ماه رجب به زیارتگاه و محلّ حضور اولیای خود حاضر گردانید،

وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللَّهُ

و حقوقی چند که از حقّ ایشان بر ما لازم بود، واجب نمود؛ و درود پیوسته خداوند

عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ، وَعَلَى أَوْصِيَاءِهِ الْحُجُبِ.

بر محمد برگزیده، و بر اوصیای او که پرده دار حریم الهی هستند، نثار باد.

اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدُ تَنَا مَشْهَدَهُمْ، فَأَنْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ،

بارالها! همان گونه که ما را به حضور ایشان حاضر گردانیدی، پس وعده ایشان را نیز برای ما وفا کن.

وَأُورِدْنَا مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ مُحَلَّلِينَ عَنْ وِرْدِ فِي دَارِ

و ما را به محلّ ورودشان برسان که پس از آن، از ورود به جایگاه

الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ إِنِّي قَصَدْتُكُمْ،

بهشت ابدی و جاودانی نیز محروم نشویم. سلام بر شما؛ من به قصد دیدار شما آمده ام؛

وَأَعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتِي وَحَاجَّتِي، وَهِيَ فَكَأَكُ

و در مورد درخواست و نیازم که رهایی من

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ، مَعَ

از جهنّم، و ماندگاری من در بهشت در نزد شما، همراه با

شِيعَتِكُمُ الْأَبْرَارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ

شیعیان نیکوکار شماست، به شما اعتماد نموده ام. سلام بر شما به خاطر آن که شکیبایی ورزیدید و صبر نمودید؛

عُقْبَى الدَّارِ . أَنَا سَائِلُكُمْ وَآمِلُكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمْ

پس چه خوب است عاقبت این خانه (در آخرت) . من خواستار و آرزومند شما در مورد آنچه به شما

التَّقْوِيضُ ، وَعَلَيْكُمْ التَّغْوِيضُ ، فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهِيضُ ،

واگذار شده هستم؛ و آنچه عوض کردن آن به عهده شماست، زیرا تنها به وسیله شما شکسته جبران

وَيُشْفَى الْمَرِيضُ ، وَمَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ ،

می‌شود، و بیمار بهبود می‌یابد، و به وسیله شما کمی و فزونی در ارحام انجام می‌پذیرد.

إِنِّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ ، وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ ، وَعَلَى اللَّهِ بِكُمْ

من به طور واقعی به سرّ شما ایمان دارم، و تسلیم گفتارتان هستم، و خدا را به شما

مُقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي ، وَقَضَائِهَا وَإِمْضَائِهَا ،

سوگند می‌دهم که تنها با پاسخ مثبت به خواسته‌هایم مرا برگرداند و آن‌ها را برآورده و امضا شده

وَإِنْجَاحِهَا وَإِبْرَاحِهَا ، وَبِشُؤْنِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِهَا .

و حتمی و انجام شده نماید و همه کارهایم نزد شما را اصلاح فرماید.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُودِعٌ ، وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ

و سلام بر شما، سلام کسی که دارد خداحافظی می‌کند و خواسته‌هایش را نزد شما

مُودِعٌ ، يَسْأَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ ، وَسَعِيهِ إِلَيْكُمْ غَيْرُ

سپرده، تا برآورده شود. از خدا می‌خواهد که دوباره نزد شما بیاید، و رفت و آمد او به این مکان

مُنْقَطِعٌ ، وَأَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ ،

مبارک و نزد شما پیوسته باشد، و مرا برگرداند از حضورتان به بهترین بازگشت

إِلَى جَنَابِ مُمْرِعٍ ، وَخَفْضِ [عَيْشٍ] مُوَسَّعٍ ، وَدَعَاةٍ

به سوی آستانه‌ای خرم و سرسبز و باآسایش و پروسعت، با راحتی

وَمَهَلٍ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ ، وَخَيْرِ مَصِيرٍ وَمَحَلٍّ فِي

و آسانی تا هنگام مرگ، و بهترین سرانجام و جایگاه در

النَّعِيمِ الْأَزَلِ ، وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ ، وَدَوَامِ الْأَكْلِ ،

بهشت همیشگی، و زندگی خوشی نو و پسندیده، و خوراک همیشگی

وَشُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ ، وَعَلِّ وَنَهْلٍ ، لَا سَامَ مِنْهُ

و آشامیدنی ناب و خالص و گوارای دایم و با خوردنی دوباره و سیراب گشتن بدون این که

وَلَا مَلَلٌ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ عَلَيْكُمْ ،

هیچ خستگی و ملال و دلتنگی در آن‌ها باشد. و رحمت و برکات و تحیت‌ها و احترامات خداوندی

حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ ، وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ ،

تا بازگشت به حضور شما و کامیابی در رجعت شما

وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

و محشور شدن در زمره شما، بر شما نثار باد. و سلام و رحمت و

وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ ، وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ ، وَهُوَ حَسْبُنَا

برکات الهی بر شما باد؛ و درووها و احترامات ویژه خداوندی نثاران باد. و او برای ما بس است

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ .<sup>۱</sup>

و چه پشتیبانی شایسته و نیکوست.

۱. مصباح‌المتهجّد: ۸۲۱، مصباح‌الزائر: ۴۹۳، المزار الكبير: ۲۰۳، إقبال‌الأعمال: ۱۲۴.

زیارت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه  
در سرداب مقدّس

این زیارت، به زیارت ندبه معروف است که از ناحیه مقدّسه صادر شده و به دست مبارک ابو جعفر محمّد بن عبدالله حمیری علیه السلام رسیده است.<sup>۱</sup> و امر فرموده اند که این زیارت در سرداب مقدّس خوانده شود.<sup>۲</sup>

زیارت دوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه

زیارت دیگری که مولای ما حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در این مکان مقدّس با آن زیارت می شود؛ چنین است:  
دو رکعت نماز خوانده و پس از آن می گویی: **سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ... ۳. ۴**

۱. این زیارت در ص ۴۱۹ این کتاب آمده است.
۲. مصباح الزائر: ۴۳۰.
۳. این زیارت نیز در ص ۸۲ این کتاب آمده است.
۴. مصباح الزائر: ۴۳۵.

زیارت سوّم حضرت بقیّة الله عجل الله تعالی فرجه

در کتاب «مصباح الزائر» زیارت دیگری نیز نقل شده است:

**السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ، وَالْعَامِلِ الَّذِي لَا يَبِيدُ،**

سلام بر حقیقت تازه، و عمل کننده ای که هرگز قدیمی نمی شود؛

**السَّلَامُ عَلَى مُحْيِي الْمُؤْمِنِينَ، وَمُبِيرِ الْكَافِرِينَ،**

سلام بر زنده کننده مؤمنان، و هلاک کننده کافران؛

**السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَمِ، وَجَامِعِ الْكَلِمِ، السَّلَامُ**

سلام بر هدایتگر امتها، و گردآورنده کلمات، سلام

**عَلَى خَلْفِ السَّلَفِ، وَصَاحِبِ الشَّرَفِ، السَّلَامُ عَلَى**

بر جانشین گذشتگان، و صاحب شرافت الهی؛ سلام بر

**حُجَّةِ الْمَعْبُودِ، وَكَلِمَةِ الْمَحْمُودِ، السَّلَامُ عَلَى مُعِزِّ**

حجت پروردگار و کلمه پسندیده و ستوده شده؛ سلام بر عزت بخش

**الْأَوْلِيَاءِ، وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى وَاثِ**

دوستان و خوار کننده دشمنان. سلام بر وارث

۱. در مزار شهید چنین آمده است: **وَالْعَالِمِ الَّذِي عِلْمُهُ لَا يَبِيدُ؛** «و دانشمندی که دانشش کهنه نمی شود».

الأنبياء، وخاتم الأوصياء، السَّلامُ عَلَى الْقَائِمِ

پیامبران، و آخرین جانشینان، سلام بر قیام کننده

الْمُنْتَظَرِ، وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ، السَّلامُ عَلَى السَّيْفِ

مورد انتظار، و عدالت شهرت یافته، سلام بر شمشیر

الشَّاهِرِ، وَالْقَمَرِ الزَّاهِرِ، السَّلامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ،

نمایان، و ماه تابان، سلام بر خورشید تاریکی‌ها

وَبَدْرِ التَّمَامِ، السَّلامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنْامِ، وَفِطْرَةِ

و ماه کامل و تمام؛ سلام بر بهار انسان‌ها، و سرشت

الْأَيَّامِ، السَّلامُ عَلَى صَاحِبِ الصَّمْصَامِ، [وَأَفْلاقِ

روزها، سلام بر صاحب شمشیر بزآن، و شکافنده

الْهَامِّ، السَّلامُ عَلَى الدِّينِ الْمَأْثُورِ، وَالْكِتَابِ

سرها، سلام بر دین بجای مانده، و کتاب

الْمَسْطُورِ، السَّلامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ، وَحُجَّتِهِ

نگاشته شده. سلام بر باقی‌مانده حجت‌های خدا در سرزمین‌هایش، و حجت خداوند

عَلَى عِبَادِهِ، الْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَوَلَدَيْهِ

بر بندگانش؛ کسی که میراث پیامبران به او رسیده، و نشانه‌ها

مَوْجُودٌ أَثَارُ الْأَصْفِيَاءِ، الْمَوْثَمِنِ عَلَى السَّرِّ،

و آثار برگزیدگان نزد اوست، امین سرّ الهی است،

وَالْوَلِيِّ لِلْأَمَمِ، الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ

و سرپرست امت‌هاست؛ همان مهدی که خداوند عزیز و بلندمرتبه به

الْأَمَمِ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَيَلْمَّ بِهِ الشَّعْثَ، وَيَمَلَأَ

امت‌ها وعده داده است که به سبب او وحدت کلمه ایجاد می‌کند، و پراکندگی را بهم می‌آورد، و

بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَيُمْكِّنَ لَهُ، وَيَسْجُزَ بِهِ

زمین را بر از عدل و داد می‌گرداند، و او را توانایی و قدرت می‌بخشد و وعده‌هایی را که

وَعَدَ الْمُؤْمِنِينَ. أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ وَالْأَلَمَّةُ مِنْ

به مؤمنان داده محقق می‌گرداند. ای مولای من؛ گواهی می‌دهم که تو و امامان دیگر از

آبَائِكَ أُمَّتِي وَمَوَالِيَّ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ

پدران، پیشوایان من و سرپرستان حقیقی من در زندگی دنیا و روز اقامه

الْأَشْهَادِ، أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ

شهود (قیامت) هستید. از تو درخواست می‌کنم ای مولای من؛ تا از خداوند بلندمرتبه بخواهی که

وَتَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي،

کارم را اصلاح کند و حاجت‌هایم را برآورد،

وَعُفْرَانِ ذُنُوبِي، وَالْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ

و گناهانم را ببخشد، و دستم را در مورد دینم و دنیا

وَأَخْرَتِي، لِي وَإِخْوَانِي وَإِخْوَتِي الْمُؤْمِنِينَ

و آخرتم بگیرد؛ برای من و تمام برادران و خواهران

## وَالْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً، إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.<sup>۱</sup>

مؤمنم، این کارها را انجام دهد. همانا تو بخشنده‌ای مهربان هستی.

سپس دوازده رکعت نماز زیارت به جای آورده و بعد از هر دو رکعت تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را می‌خوانی و پس از آن می‌گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي

بِلَادِكَ، أَلدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمِ الصَّادِعِ

سازمین‌هایت، فراخوان مردم به طرف راهت، قیام‌کننده‌ای که آشکارکننده (دین تو) با حکمت و موعظه نیکو و راستگویی است. او که کلمه،

وَعَيْبَتِكَ وَعَيْنِكَ فِي أَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ،

محل راز، و چشم تو در زمینت است و چشم به راهی ترسان است،

الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَعَلَمِ الْهُدَى، وَنُورِ

و سرپرستی خیرخواه، کشتی نجات، و نشانه هدایت، و نور

أَبْصَارِ الْوَرَى، وَخَيْرٍ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَالْوَثْرِ

چشمان مردم، و بهترین کسی که لباس و عبا پوشیده، و خون‌خواه کسی که

۱. مصباح الزائر: ۴۴۱، مزار شهید: ۲۳۰.

## الْمَوْتُورِ، وَمُفْرَجِ الْكَرْبِ، وَمُزِيلِ الْهَمِّ، وَكَاشِفِ

انتقامش گرفته نشده، و از بین برنده غم، و زداینده اندوه، و برطرف کننده

الْبَلْوَى. صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَّةِ

بلاست. صلوات خدا بر او و پدرانش که امامانی

الْهَادِينَ، وَالْقَادَةَ الْمِيَامِينَ، مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ

هدایت‌گر و فرمانروایانی فرخنده هستند، باد؛ تا آن زمان که ستارگان

الْأَسْحَارِ، وَأُورَقَتِ الْأَشْجَارُ، وَأَيَّعَتِ الْأَشْمَارُ،

سحری طلوع می‌کنند، و درختان برگ می‌دهند، و میوه‌ها می‌رسند و قابل چیده شدن می‌گردند،

وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَعَرَّدَتِ الْأَطْيَارُ. اللَّهُمَّ

و شب و روز یکی پس از دیگری در رفت و آمدند، و پرنندگان نغمه‌سرای و آوازخوانی می‌کنند. بارالها؛

انْفَعْنَا بِحُبِّهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَحْتِ لِيَائِهِ، إِلَهَ

ما را به دوستی او بهره‌مند گردان، و ما را در زمره او و زیر پرچمش محشور کن؛ ای خدای

## الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.<sup>۱</sup>

حق و ای پروردگار جهانیان؛ اجابت کن.

۱. مصباح الزائر: ۴۴۲.

## ذکر صلوات بر امام زمان

ارواحنا فداه

و پس از زیارت می‌گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ

بار الها؛ بر محمد و اهل بیتش درود بفرست؛ و بر ولی

الْحَسَنِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، وَالْغَائِبِ

و وصی و وارث امام حسن عسکری درود بفرست؛ که برپا دارنده امر و فرمان تو است، و

فِي خَلْقِكَ، وَالْمُنْتَظَرِ لِذُنُوكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ،

در بین مردم پنهان شده است، و منتظر اجازه توست. بارالها؛ بر او صلوات و درود بفرست،

وَقَرِّبْ بَعْدَهُ، وَأَنْجِزْ وَعْدَهُ، وَأَوْفِ عَهْدَهُ، وَاكْشِفْ

و دوریش را نزدیک کن، و وعده‌اش را محقق گردان، و بر عهد و پیمانش وفا کن، و

عَنْ بَأْسِهِ حِجَابِ الْغَيْبَةِ، وَأَظْهِرْ بَظُهُورِهِ صَحَائِفَ

پرده غیبیت را از (چهره) ناراحت او برگیر، و با ظهور آن حضرت، دفترهای امتحان را آزمایش را

الْمِخْتَةِ، وَقَدِّمْ أَمَامَهُ الرَّعْبَ، وَثَبَّتْ بِهِ الْقَلْبَ،

پدیدار کن، و پیشاپیش او رعب و وحشت را بفرست، و دل مؤمنان را ثابت و محکم گردان،

وَأَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

و جنگ را به وسیله او برپا کن، و او را با سپاه فرشتگان

مُسَوِّمِينَ، وَسَلِّطْهُ عَلَى أَعْدَائِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ،

که نشان دارند تأییدش گردان، و او را به تمام دشمنان دینت مسلط کن،

وَأَلْهِمَهُ أَنْ لَا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا هَدَّهٗ، وَلَا هَامًا إِلَّا

و به او الهام کن که هیچ رکنی از آنان را باقی نگذارد مگر این که منهدم کند، و هیچ سری را مگر این که

قَدَّهٗ، وَلَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّهٗ، وَلَا فَاسِقًا إِلَّا حَدَّهٗ، وَلَا

آن را دو نیم کند، و هیچ نیرنگی را مگر این که باطل سازد و به خودشان برگرداند، و هیچ فاسقی را مگر این که ادب کند، و

فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَهٗ، وَلَا سَتْرًا إِلَّا هَتَكَهٗ، وَلَا عَلَمًا إِلَّا

هیچ فرعون را مگر این که هلاک گرداند، و هیچ پرده‌ای را مگر این که بدرد، و هیچ پرچمی را مگر این که

نَكَّسَهٗ، وَلَا سُلْطَانًا إِلَّا كَبَسَهٗ، وَلَا رُمْحًا إِلَّا قَصَفَهٗ،

سرتگون کند، و هیچ پادشاهی را مگر این که او را مورد هجوم و حمله ناگهانی خویش قرار دهد، و هیچ نیزه‌ای را مگر این که

وَلَا مُطْرِدًا إِلَّا خَرَقَهٗ، وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَّقَهٗ، وَلَا مِنبْرًا

بشکند؛ و هیچ خنجر را مگر این که بشکند، و هیچ لشکری را مگر این که پراکنده سازد، و هیچ منبری را

إِلَّا أَحْرَقَهٗ، وَلَا سَيْفًا إِلَّا كَسَرَهٗ، وَلَا صَنَمًا إِلَّا رَضَّهٗ،

مگر این که بسوزاند، و هیچ شمشیری را مگر این که بشکند، و هیچ بنی را مگر این که درهم بکوبد و خرد کند،

وَلَا دَمًا إِلَّا أَرَاقَهٗ، وَلَا جَوْرًا إِلَّا أَبَادَهٗ، وَلَا حِصْنَآ إِلَّا

و هیچ خونی را مگر این که بریزد، و هیچ ستمی را مگر این که از بین ببرد، و هیچ دژی را مگر

هَدَمَهٗ، وَلَا بَابًا إِلَّا رَدَمَهٗ، وَلَا قَصْرًا إِلَّا أَخْرَبَهٗ، وَلَا

این که فرو بریزد، و هیچ دری را مگر این که ببندد، و هیچ کاخی را مگر این که ویران سازد، و هیچ



مَسْكِنًا إِلَّا فَتَشَهُ، وَلَا سَهْلًا إِلَّا وَطِئَهُ، وَلَا جَبَلًا إِلَّا

منزلگاهی را مگر این که واریسی کند، و هیچ بیابانی را مگر این که زیر پا بگذارد، و هیچ کوهی را مگر

صَعْدَهُ، وَلَا كَنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

این که بالا رود، و هیچ گنجی را مگر این که بیرون آورد؛ به واسطه رحمتت، ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ ۱.

مهربانان.

تفسیر  
مهدی

۴۹۲

## بخش دوازدهم

زیاراتِ نوابِ امامِ عصر

ارواحنا فداه

و بعضی از دعاهایی که اصحاب

آن حضرت، نقل نموده‌اند



زیارتِ نوابِ امامِ زمانِ ارواحنا فداه

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «تهذیب الأحکام» و سید بن طاووس رحمته الله در کتاب «مصباح الزائر» آورده‌اند: مستحب است زیارت کردن نایبان خاص و بزرگوار حضرت مهدی ارواحنا فداه را به زیارتی که به جناب حسین بن روح رحمته الله منسوب است.

بدین صورت که کنار قبر مطهر جناب عثمان بن سعید رحمته الله ایستاده و بگوییم:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

سلام بر رسول خدا؛ سلام بر امیر و فرمانروای مؤمنان،

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، السَّلَامُ عَلَى خَدِيجَةَ الْكُبْرَى،

حضرت علی بن ابی طالب؛ سلام بر حضرت خدیجه، بزرگترین زن؛

زیارتِ نوابِ امامِ عصر

۴۹۳

السَّلَامُ عَلَىٰ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْحَسَنِ

سلام بر حضرت فاطمه زهرا؛ سلام بر امام حسن

ابنِ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ

فرزند حضرت علی؛ سلام بر امام حسین، فرزند حضرت علی؛ سلام

عَلَىٰ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، السَّلَامُ عَلَىٰ مُحَمَّدِ بْنِ

بر علی بن الحسین (امام سجاد)، سلام بر محمد بن

عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، السَّلَامُ عَلَىٰ

علی (امام باقر)، سلام بر جعفر بن محمد (امام صادق)، سلام بر

مُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ ، السَّلَامُ عَلَىٰ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَىٰ ،

موسی بن جعفر (امام کاظم)، سلام بر علی بن موسی (امام رضا)،

السَّلَامُ عَلَىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَىٰ عَلِيٍّ بْنِ

سلام بر محمد بن علی (امام جواد)، سلام بر علی بن

مُحَمَّدٍ ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَىٰ

محمد (امام هادی)، سلام بر حسن بن علی (امام عسکری)؛ سلام بر

مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ صَاحِبِ الزَّمَانِ ، السَّلَامُ

محمد بن الحسن، حضرت مهدی صاحب عصر و زمان (عجل الله فرجه). سلام

عَلَيْكَ يَا عُثْمَانَ بْنَ سَعِيدٍ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابُ الْمَوْلَى ،

بر تو ای عثمان بن سعید؛ گواهی می‌دهم که تو باب و راه رسیدن به مولایمان هستی؛

أَدَّيْتَهُ عَنْهُ وَأَدَّيْتَهُ إِلَيْهِ ، مَا خَالَفْتَهُ وَلَا خَالَفْتَ عَلَيْهِ ،

پیغام‌ها را از او به دیگران، و از دیگران به او رسانیدی؛ نه با او مخالفت کردی و نه کسی را علیه او به مخالفت برانگیختی؛

قُمْتَ خَاصًّا ، وَأَنْصَرَفْتَ سَابِقًا ، جِئْتُكَ عَارِفًا بِالْحَقِّ

پیا خاستی در حالی که اولین نایب خاص بودی و از دنیا رفتی در حالی که بر همه (از نظر عقیده) سبقت گرفتی. در حالی

الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ ، وَأَنَّكَ مَا خُنْتَ فِي التَّأْدِيَةِ

خدمتت شرفیاب شده‌ام که حقی را که تو بر آن هستی می‌شناسم، و می‌دانم که در ادای رسالت و انجام وظیفه

وَالسُّفَارَةِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ بَابٍ مَا أَوْسَعَكَ ،

سفیربودنت هیچ خیانتی انجام نداده‌ای. سلام بر تو ای در رحمتی که بسیار گسترش داشتی؛

وَمِنْ سَفِيرٍ مَا آمَنَكَ ، وَمِنْ ثِقَةٍ مَا أَمَكَنَّكَ ، أَشْهَدُ أَنَّ

و ای سفیری که بسیار امانت‌دار و مورد اعتماد بودی؛ و ای مورد اطمینانی که قدرتت بسیار بالا بود. گواهی می‌دهم

اللَّهِ اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ حَتَّىٰ عَايَنْتَ الشَّخْصَ ، فَأَدَّيْتَهُ

که خداوند تو را به نورش اختصاص داد تا آن که شخص مبارک حضرتش را با چشم دیدی، و بدین سان پیغام‌ها را

عَنْهُ وَأَدَّيْتَهُ إِلَيْهِ .

از او به دیگران و از دیگران به او رسانیدی.

سپس بر پیامبر و امامان عليهم السلام تا امام زمان ارواحنا فداه دوباره سلام می‌دهی و می‌گویی:

جِئْتُكَ مُخْلِصًا بِتَوْحِيدِ اللَّهِ وَمُؤَالَاةِ أَوْلِيَائِهِ ، وَالْبَرَاءَةِ

با یگانه‌دانستن خالصانه خداوند و دوستی و موالات خالصانه اولیای الهی، و بیزاری از

مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَمِنَ الَّذِينَ خَالَفُوكَ ، يَا حُجَّةَ الْمَوْلَى ،

دشمنانشان و بیزاری از کسانی که با تو مخالفت کردند، خدمت شرفیاب شدم. ای دلیل و حجت مولا امام زمان بر ما؛

وَبِكَ اللَّهُمَّ تَوَجَّهِي ، وَبِهِمْ إِلَيْكَ تَوَسَّلِي .

بارالها؛ تنها به توری آورده و توجه دارم، و تنها به واسطه این بزرگواران به سوی تو توسل می جویم.

پس از آن هر دعایی که می خواهی بخوان و حاجت و خواستهات را از خدای تعالی بخواه.

آنگاه دیگر نایبان بزرگوار را نیز همین گونه زیارت کن، و تنها به جای اسم «عثمان بن سعید»، نام همان نایبی را که زیارت می کنی بگو.<sup>۱</sup>



### دعای سمات

به نقل از نایب دوم جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه

محمد بن علی می گوید: در مجلس جناب محمد بن عثمان بن سعید رضی الله عنه حضور داشتیم، ایشان بعد از کلماتی که ذکر کردند فرمودند: ابو عمرو و محمد بن سعید به من خبر داد، و او از محمد بن اسلم و او از محمد بن سنان و ایشان از مفضل بن عمر جعفی، و آن بزرگوار از امام صادق رضی الله عنه روایت کرد.

۱. مفتاح الجنات: ۱/۴۶۲ به نقل از مصباح الزائر: ۵۱۴.

البته در این روایت چنین آمده است که مستحب است این دعا در ساعت پایانی روز جمعه خوانده شود.

شیخ طوسی رضی الله عنه نیز در هنگام بازگو کردن این دعا فرموده است: دعای سمات، از جناب عمری (محمد بن عثمان رضی الله عنه) روایت شده است، و مستحب است در ساعت پایانی روز جمعه خوانده شود. اکنون متن دعا را طبق روایت کفعمی رضی الله عنه می آوریم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ ، الْأَعَزِّ

بارالها؛ به واسطه آن نام بزرگ و بزرگتر از تو درخواست می کنم؛ همان نامی که

الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ ، الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلِيٌّ مَغَالِقِ

عزت مندتر و شکوه مندتر و گرامی است؛ همان اسمی که هرگاه بر قفل های

أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ ، وَإِذَا دُعِيَ

درهای آسمان به آن اسم خوانده شوی اثر می کند و با رحمت تودرهای آسمان باز می شود؛ همان نامی

بِهِ عَلِيٌّ مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِيُفْرَجَ بِالرَّحْمَةِ

که اگر بر گرفتگی های درهای زمین برای گشایش به آن اسم خوانده شوی، اثر می کند و

انْفَرَجَتْ ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلِيٌّ الْعُسْرُ لِلْيُسْرِ تَيْسَّرَ ،

گشایش ایجاد می شود؛ و اگر برای آسان شدن سختی ها بدان خوانده شوی، راحتی و آسانی دست می دهد؛

وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلِيٌّ الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ ، وَإِذَا

و اگر برای برانگیخته شدن مردگان، با آن خوانده شوی، مردگان برانگیخته می شوند؛ و اگر

دُعِيَتْ بِهِ عَلٰى كَشْفِ الْبَاسِءِ وَالضَّرَّاءِ اُنْكَشَفَتْ ،

برای برطرف شدن سختی و بلا و رنج به آن اسم خوانده شوی، برطرف شود.

وَبِجَلَالِ نُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَكْرَمِ الْوُجُوهِ ، وَاَعَزُّ

و خدایا؛ تو را به واسطه نور چهره بزرگوارانهات که باکرامت‌ترین رخسارها، و عزت‌مندترین

الْوُجُوهِ ، الَّذِي عَنَتَ لَهُ الْوُجُوهُ ، وَخَضَعَتْ لَهُ

آنهاست می‌خوانم؛ همان روی مبارکی که همه روها و همه آبروداران در برابرش خوار و فروتنند

الرِّقَابُ ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ ، وَوَجِلَتْ لَهُ

و گردن‌ها در مقابلش خم شده‌اند، و همه صداها در برابر او به لرزه افتاده‌اند، و

الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمَسِكُ

دل‌ها از ترس تو در هراسند. و به واسطه قدرتت و نیرو و توانت از تو درخواست می‌کنم؛ نیرویی که

السَّمَاءِ اَنْ تَقَعَ عَلٰى الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِكَ وَتُمْسِكُ

با آن آسمان را از افتادن بر روی زمین نگه داشته‌ای - و این تنها با اذن تو خواهد شد - و

السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ اَنْ تَزُولَا ، وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ

آسمان‌ها و زمین را از نابودی نگه داشتی، و به واسطه مشیتت و خواست تو از تو درخواست می‌کنم؛ همان

لَهَا الْعَالَمُونَ ، وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَاوَاتِ

مشیتتی که جهانیان در مقابلش پای‌بند هستند؛ و نیز تو را می‌خوانم به واسطه کلماتی که آسمان‌ها

وَالْاَرْضِ ، وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ ،

و زمین را به وسیله آن آفریدی؛ و به حکمتی که با آن چیزهای شگفت‌انگیز را ساختی،

وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا ، وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ

و تاریکی را آفریدی و آن را شب قرار دادی، و شب را مایه

سَكَنًا ، وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا ، وَجَعَلْتَ

آرامش قرار دادی؛ و با آن روشنی را آفریده، و آن را روز قرار دادی، و

النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا ، وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ

و روز را هنگام جنب و جوش به همراه بینایی قرار دادی؛ و با آن خورشید را به وجود آورده

الشَّمْسَ ضِيَاءً ، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ

و آن را روشنی‌بخش ساختی؛ و با آن ماه را آفریدی و آن را روشنی شب قرار دادی؛

نُورًا ، وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُومًا

و با آن ستارگان را خلق کردی و آن‌ها را اختران تابان و

وَبُرُوجًا ، وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُومًا لِلسَّيَاطِينِ ،

برج‌های آسمان و چراغ‌ها، و زینت‌بخش، و برای راندن شیطان‌ها قرار دادی.

وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ

و برای آن مشرق‌ها و مغرب‌ها، و محل‌های طلوع و

وَمَجَارِي ، وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكَأً وَمَسَابِحَ ، وَقَدَّرْتَ تَهَا

محل‌های جریان قرار دادی، و برای آن محور و مدار حرکت و محل گردش و شناوری قرار دادی. و

فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا ، وَصَوَّرْتَ تَهَا

در آسمان برای آنها جایگاه مقرر فرمودی و اندازه‌اش را نیکو قرار دادی، و صورت بخشیدی،

فَأَحْسَنْتَ تَصَوُّبَهَا، وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً،

و نیکو صورت‌نگاری کردی؛ و با نام‌هایت به شماره درآوردی،

وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيرًا فَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا،

و با حکمتت تدبیر نمودی پس به خوبی تدبیر فرمودی،

وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ

و تحت سلطهٔ شب و روز

وَالسَّاعَاتِ، وَعَدَدِ السَّنِينَ وَالْحِسَابِ، وَجَعَلْتَ

و ساعت‌ها و شمارهٔ سال‌ها و حساب آن‌ها را مسخّر نمودی؛

رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرَأًى وَاحِدًا. وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

و دیدن آن‌ها را برای تمام مردم، یکسان کردی. بار الها؛ از تو

بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنِ

به واسطهٔ شکوهت درخواست می‌کنم؛ همان که بدان وسیله با بنده و فرستاده‌ات حضرت موسی پسر

عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ، فَوْقَ إِحْسَانِ

عمران - سلام بر او باد - سخن‌گفتی در میان قدسیان، بالاتر از آن چه

الْكُرُوبِيِّينَ، فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ، فَوْقَ تَابُوتِ

کزوبیان‌ت قادر به درک آن باشند؛ بالاتر از ابرهای نور و روشنی، بالاتر از صندوق

الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ، وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ، وَفِي

گواهی در ستون آتش؛ و در طور و صحرای سینا، و در

جَبَلِ حُورَيْثَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ، فِي الْبُقْعَةِ

کوه حوریت، در سرزمین مقدس، و در بقعه‌ای

الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ،

مبارک در جانب راست کوه طور، از درخت مخصوص؛

وَفِي أَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ، وَيَوْمَ فَرَقْتَ

و در سرزمین مصر، با نه آیه و نشانه آشکار. و (همچنین) در روزی که

لَبِنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَفِي الْمُنْبَجِسَاتِ الَّتِي

دریا را برای بنی‌اسرائیل شکافتی؛ و نیز در چشمه‌های جوشان

صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ سُوفٍ، وَعَقَدْتَ مَاءَ

که با آن شگفتی‌ها را به وجود آوردی در دریای سوف، و آب

الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجَارَةِ، وَجَاوَزْتَ بِبَنِي

دریا را در زرفای اقیانوس همچون سنگ، منجمد کردی؛ و بنی

إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَىٰ عَلَيْهِمْ بِمَا

اسرائیل را از دریا گذراندی، و نعمت نیکویت را بر آنان تمام و کامل کردی، به دلیل این که

صَبَرُوا، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي

شکیبایی ورزیدند. و شرق و غرب جهان را که

بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ

موجب برکت برای جهانیان قرار داده بودی به ایشان به ارث رساندی، و فرعون و سپاهش را

وَمَرَّا كِبَهُ فِي الَّيَمِّ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ

با مرکب‌های سواری‌شان در دریا غرق کردی. (خدایا!) و با آن اسم بزرگ، بزرگ‌تر، بزرگ‌تر

الْأَعْظَمِ، الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمِ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي

بزرگ‌تر از هر چیز، که عزت‌مندتر، شکوهمندتر، گرامی‌تر از هر چیز است، از تو درخواست می‌کنم؛ و نیز به واسطه

تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَىٰ كَلِيمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ

شکوه و بزرگواریت که با آن برای موسی هم‌گفتارت - که سلام بر او باد - در طور (صحرائ)

سَيْنَاءَ، وَلَا لِإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلُ فِي

سینا تجلی کردی؛ و برای ابراهیم که دوست ویژه‌ات بود، - سلام بر او باد - از پیش‌تر، در

مَسْجِدِ الْخَيْفِ، وَلَا لِإِسْحَاقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي

مسجد خیف تجلی فرمودی؛ و برای برگزیده‌ات اسحاق - سلام بر او باد - در

بَيْتِ بَثْرَ شَيْبَعِ، وَلِيَعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ

چاه شعیب جلوه نمودی؛ و برای پیامبرت حضرت یعقوب - سلام بر او باد - در خانه

إِبْرَاهِيمَ، وَأَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِثْقَالِكَ،

إِبْرَاهِيمَ، وَأَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِثْقَالِكَ،

إِبْرَاهِيمَ، وَأَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِثْقَالِكَ،

وَلَا لِإِسْحَاقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحَلْفِكَ، وَلِيَعْقُوبَ

و سوگندت را برای اسحاق - سلام بر او باد - و

بَشَاهَدَاتِكَ، وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ، وَلِلدَّاعِينَ

گواهی خود را برای یعقوب، و وعده‌ات را برای مؤمنان، و اجابت خود را برای دعاکنندگان

بِأَسْمَائِكَ فَأَجَبْتَ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَىٰ بِنِ

با نام‌هایت؛ و نیز به واسطه شکوهت که برای موسی پسر

عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَىٰ قُبَّةِ الرُّمَّانِ وَبِآيَاتِكَ الَّتِي

عمران - سلام بر او باد - بر روی گنبد رمان (عبادتگاهش) ظهور کرد؛ و به واسطه آیات و نشانه‌هایت

وَقَعْتَ عَلَىٰ أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلْبَةِ،

که در سرزمین مصر با شکوه تمام و عزت‌مندی و برتری و چیرگی واقع شد؛

بِآيَاتِ عَزِيزَةٍ، وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ، وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ،

با آیاتی عزت‌مند، و قدرت و سلطه‌ای توانمند، و عزتی توانا،

وَبِشَأْنِ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ، وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا

و مقام کلمه کامل، و به واسطه کلمات که

عَلَىٰ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَهْلِ الدُّنْيَا

بر آسمانیان و زمینیان و اهل دنیا و آخرت تفضل فرمودی،

وَالْآخِرَةِ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَىٰ جَمِيعِ

و به واسطه رحمتی که بر تمام

خَلْقِكَ، وَبِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَىٰ

مخلوقاتت منت نهادی، و به واسطه توانایی‌ات که با آن تمام

الْعَالَمِينَ، وَبِنُورِكَ الَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَرْعِهِ طُورُ

جهانیان را برپا داشته‌ای، و به واسطه نوری که صحرائ

سَيْنَاءَ، وَبِعِلْمِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبْرِيائِكَ وَعِزَّتِكَ

سینا از ترسش فرو ریخت، و به واسطه دانش و جلال و کبریایی و عزت‌مندی

وَجَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْأَرْضُ، وَانْخَفَضَتْ

و تسلطت که زمین توانش را نداشت، و

لَهَا السَّمَاوَاتُ، وَانزَجَرَلَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ، وَرَكَدَتْ

آسمان‌ها برای آن فروتنی کرد، و زرفای بزرگ رانده شد، و

لَهَا الْبِحَارُ وَالْأَنْهَارُ، وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ،

دریاها و رودها را کد ماندند، و کوه‌ها رام گردیدند،

وَسَكَنتُ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَّاكِهَا، وَاسْتَسَلَمَتْ لَهَا

و زمین با کرانه‌هایش آرام گرفت، و

الْخَلَائِقُ كُلُّهَا، وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّيحُ فِي جَرَيَانِهَا،

تمام آفریدگان تسلیم آن شدند، و جریان وزش بادها بهم ریخت،

وَخَمَدَتْ لَهَا النَّيْرَانُ فِي أَوْطَانِهَا، وَبِسُلْطَانِكَ

و آتش‌ها در جایگاه‌هایشان خاموش گشتند؛ و نیز به واسطه سلطه و پادشاهیت

الَّذِي عَرَفْتَ لَكَ بِهِ الْعَلْبَةَ دَهْرَ الدُّهُورِ، وَخَمَدَتْ بِهِ

که غلبه و چیرگیست بر تمام روزگاران با آن شناخته می‌شود، و به وسیله آن

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةَ الصِّدْقِ

در آسمان‌ها و زمین‌ها ستایش شدی؛ و نیز تو را به واسطه کلمات همان کلمه راستی

الَّتِي سَبَقَتْ لِأَبْنَاءِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذُرِّيَّتِهِ

که برای پدیمان آدم - که سلام بر او باد - و نسلش با رحمت پیشی گرفت،

بِالرَّحْمَةِ. وَأَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ،

و به واسطه کلمات که بر هر چیز پیروز شد و سلطه یافت؛

وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكَاةً

و به واسطه نور رخسارت که با آن بر کوه تجلی فرمودی و آن را از هم پاشیدی

وَخَرَّ مُوسَى صَعْقًا، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَي طُورِ

و موسی از این جریان بر زمین افتاد و بیهوش شد؛ و نیز به واسطه شکوهت که بر صحرای

سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بِنَ

سینا ظاهر شد و با آن بر بنده و فرستاده‌ات موسی پسر

عِمْرَانَ، وَبِطَلْعَتِكَ فِي سَاعِيرٍ، وَظُهُورِكَ فِي جَبَلِ

عمران سخن گفتی؛ و به واسطه پرتوافکنیت در ساعیر، و ظهور نورت در کوه

فَارَانَ بِرَبَّوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ، وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ

فاران با نفس‌های مقدسان و سپاهیان

الصَّافِينَ، وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ،

صف‌کشیده فرشتگان، و فروتنی فرشتگان تسبیح‌گوی؛

وَبِرَكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَي إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ

و نیز به واسطه برکاتت که برای ابراهیم دوست ویژه‌ات

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ،

- که سلام بر او باد - در امت حضرت محمد - درود خدا بر او و آل او باد - برکت دادی؛

وَبَارَكَتَ لِإِسْحَاقَ صَفِيَّكَ فِي أُمَّةٍ عِيسَى عَلَيْهِمَا

و برای اسحاق - که برگزیده‌ات بود - در امت عیسی - که درود بر هر دو باد - برکت دادی؛

السَّلَامُ ، وَبَارَكَتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلِكَ فِي أُمَّةٍ

و برای یعقوب یکتاپرست در امت

مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، وَبَارَكَتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ

موسی - سلام بر هر دو باد - برکت دادی؛ و برای دوست خودت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِثْرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ عَلَيْهِمْ

- که درود بر او و آل او باد - در میان عترت و نسل او - درود بر آنان باد -

السَّلَامُ وَأُمَّتِهِ . اللَّهُمَّ وَكَمَا غَبْنَا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ

وامت او برکت دادی؛ از تو درخواست می‌کنم. بار الها؛ همان‌گونه که ما آن حضرت را ندیدیم و در

نَشَهُدُهُ ، وَأَمَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَعَدْلًا ، أَنْ تُصَلِّيَ

آن زمان حضور نداشتیم، و با این وجود، به او به راستی و درستی ایمان آوردیم؛ از تو

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ

درخواست می‌کنم بر محمد و آل محمد درود پیوسته نثار کنی، و برکت

وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،

و رحمت خود را بر محمد و آل محمد بفرستی

كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ

برتر از آنچه برای ابراهیم و آل ابراهیم درود و برکت و رحمت نثار کردی؛

وَآلِ إِبْرَاهِيمَ ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ، فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ ،

راستی، تو ستوده شوهمند هستی؛ هر چه بخواهی بدون کم و کاست انجام می‌دهی؛

وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .<sup>۱</sup>

و تو بر هر چیز توانایی.

پس از دعا نیز می‌خوانی: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ ، وَبِحَقِّ

بار الها؛ به حق این دعا، و به حق

هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَلَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا

این اسم‌هایی که تفسیر و معنای باطنش را کسی جز تو نمی‌داند،

غَيْرِكَ ، [ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَ ] أَفْعَلْ بِي

[ بر محمد و آل محمد درود فرست و ] آن چنان که

مَا أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ ، [ وَأَنْتَقِمَ لِي

شایسته‌توست با من رفتار کن نه آن چنان که من سزاوارش هستم؛ ] [ و از کسی که نسبت به من

مِنْ ظَالِمِي ، وَعَجَّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَهَالِكِ

ستمکار است انتقام مرا بگیر، و در راحتی و فرج آل محمد و نابودی

۱. البلد الأمين: ۱۳۴، جمال الأسبوع: ۳۲۱، المصباح: ۵۵۹، مصباح المتعجد: ۴۱۶، الصحيفه

الصادقۃ: ۹۳۰.



أَعْدَائِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ]، وَاعْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي

دشمنان آنان از آدمیان و جنیان شتاب کن؛] و گناهان

مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ، وَوَسَّعْ عَلَيَّ مِنْ حَالِ

گذشته و آیندهام را بیامرز، و از روزی

رِزْقِكَ، وَاكْفِنِي مَوْنَةَ إِنْسَانٍ سَوْءٍ [وَجَارٍ سَوْءٍ

و سهمیه حلالیت برای من وسعت بده، و از شر آدم بد، [و همسایه و

وَقَرِيبٍ سَوْءٍ] وَسُلْطَانَ سَوْءٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ [كُلُّ شَيْءٍ]

همنشین بد] و سلطان بد، مرا کفایت کن؛ راستی تو بر [هر چیزی]

قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱.

توان داری، و ستایش مخصوص (تو) پروردگار جهانیان است.

آن گاه بگو: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقْرًا

بار الها؛ به حق این دعای شریف، نسبت به مرد و زن

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ، وَعَلَى

مؤمن فقیر نیازمند، تفضل کن و آنان را بی‌نیاز و ثروت‌مند گردان؛

مَرَضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ،

و زن و مرد مؤمن مریض را شفا و سلامتی بخش،

وَعَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ

و هر زن و مرد زنده مؤمن را مورد لطف

وَالْكَرَامَةِ، وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و بزرگواریت قرار ده، و مردگان‌شان را مورد

بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى مُسَافِرِي الْمُؤْمِنِينَ

آمزش و رحمت خویش قرار ده، و مسافران‌شان را

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ،

سالم و پریهره به سرزمین خودشان بازگردان؛

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ

این همه را با رحمت خویش انجام ده، ای مهربان‌ترین مهربانان؛ و درود پیوسته خداوند

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعِشْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ،

بر آقا و سرور ما حضرت محمد خاتم پیامبران، و بر عترت پاکش

وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا ۱.

و بسیار بسیار سلام بر آنان باد.

در کتاب «جمال الصالحین» این دعا را پس از آن ذکر کرده است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الدُّعَاءِ، وَبِمَا فَاتَ مِنْهُ

بار الها؛ من به خاطر احترام این دعا و

مِنَ الْأَسْمَاءِ، وَبِمَا يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ مِنَ التَّفْسِيرِ

اسم‌های محترمی که در آن ذکر نشده است و به تفسیر



## دعای حضرت خضر علیه السلام

### معروف به دعای کمیل<sup>۱</sup>

قرائت این دعا در شب نیمه شعبان و نیز شب‌های جمعه استحباب دارد.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ،

بار الها؛ من از تو درخواست می‌کنم به واسطه رحمت که همه چیز را فرا گرفته است؛

وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ ، وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ

و نیز به واسطه نیرویت که با آن بر هر چیزی چیرگی یافتی، و همه چیز در برابر آن خاضع

شَيْءٍ ، وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ ، وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ

و فروتن و همه چیز در برابر آن ذلیل و خوار شد، و به واسطه جبروت و سلطهات که با آن

بِهَا كُلُّ شَيْءٍ ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ ،

بر همه چیز غالب شدی، و به واسطه عزتت که هیچ چیزی در برابرش ایستادگی نمی‌کند، و به

۱. دعای کمیل از حضرت خضر می‌باشد که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را به جناب کمیل

تعلیم فرموده‌اند؛ به این جهت به دعای کمیل معروف شده است.

لازم به ذکر است که دعا‌های حضرت خضر و حضرت الیاس علیه السلام - که آن دو بزرگوار از

همراهان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء هستند - و سائر یاران آن حضرت مانند حضرت عیسی بن

مریم علیهما السلام زیاد است، ما به جهت اختصار به ذکر این دعا اکتفا کردیم.

والتدبير الذي لا يحيطُ به إلا أنتَ ، أن تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و تدبیری که در بردارد و جز تو کسی نسبت به آن احاطه و اطلاع کامل ندارد؛ از تو می‌خواهم که بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَهُمْ فِي عَافِيَةٍ ،

محمد و آل محمد درودی پیوسته بفرستی، و در فرج و گشایش کارشان با عافیت، شتاب کنی؛

وَتُهْلِكَ أَعْدَائَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَأَنْ تَرْزُقَنَا

و دشمنان‌شان را در دنیا و آخرت به هلاکت و نابودی دچار کنی؛ و به واسطه ایشان

بِهِمْ خَيْرٌ مَا نَرْجُو ، وَخَيْرٌ مَا لَا نَرْجُو ، وَتَصْرِفَ بِهِمْ

آن خیر و خوبی‌هایی را که امید داریم، و آنچه را که امید نداریم روزی ما گردان، و از ما

عَنَا شَرًّا مَا نَحْذَرُ ، وَشَرًّا مَا لَا نَحْذَرُ ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ

شر و بدی آنچه را که از آن ترسانیم و شر و بدی آنچه را که از آن حذر و اجتناب نمی‌کنیم برگردان، و تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ .<sup>۱</sup>

چیز توانایی؛ و تو باکرامت‌ترین بزرگوارانی.

تشریح  
مضمون  
مهریه

۵۱۰

وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأْتَ كُلَّ شَيْءٍ ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي

واسطه بزرگی و عظمتت که همه چیز را پر کرده است؛ و به واسطه سلطنت و چیرگی و توانائی‌ات که

عَلَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ ،

بر هر چیز برتری یافته است، و به واسطه ذات پاکت که پس از فانی شدن همه چیز باقی

وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَبِعِلْمِكَ

می‌ماند، و به نام‌هایت که اساس و پایه هر چیز را پر کرده است، و به دانشت

الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ

که همه چیز را احاطه کرده است، و به نور رخسارت که هر چیزی به سبب آن روشن شد؛

لَهُ كُلُّ شَيْءٍ ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ ، وَيَا

(از تو درخواست می‌کنم؛ ای نور؛ ای منزّه از هر عیب و نقص؛ ای پیش از هر ابتدا؛ ای

آخِرَ الْأَخِيرِينَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ

پس از هر پایان؛ بارالها؛ بیامرز بر من گناهی را که پرده‌های

الْعِصْمَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النَّعْمَ .

حیا و عصمت را می‌درد. خدایا؛ بیامرز بر من گناهی را که عذاب‌ها را فرود می‌آورد.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ

خدایا؛ بیامرز بر من گناهی را که نعمت‌ها را دگرگون می‌سازد. خدایا؛ بیامرز

لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

بر من گناهی را که دعا را محبوس می‌کند. خدایا؛ بیامرز بر من

الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ

گناهی را که بلا را نازل می‌کند. خدایا؛ بیامرز بر من تمام گناهی را که

أَذْنَبْتُهُ ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا . اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ

انجام داده‌ام، و همه اشتباهاتی را که مرتکب شده‌ام. بار الها؛ من

إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ ، وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيَّ نَفْسِكَ ، وَأَسْأَلُكَ

با یادت به سوی تو تقرب می‌جویم، و خودت را نزد تو شفیع و واسطه می‌کنم، و

بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ ، وَأَنْ تُوزِعَنِي

به خاطر جود و بخششت از تو می‌خواهم که مرا به مقام قرب خود نزدیک گردانی، و

شُكْرِكَ ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

شکرت را نصیبم نمایی، و یادت را به من الهام کنی. بار الها؛

سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي

من خاضعانه و ذلیلانه و از روی فروتنی، از تو می‌خواهم که با من مدارا کنی،

وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا فَانِعًا ، وَفِي

و بر من رحم کنی، و مرا خشنود و راضی و قانع نسبت به تقسیم نصیبت قرار دهی و در

جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا . اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ

همه حالات مرا فروتن سازی. بار الها؛ من از تو درخواست می‌کنم همانند درخواست کسی که

اشْتَدَّتْ فِاقَتُهُ ، وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ ،

فقر و بی‌نوایی او سخت شده است، و در سختی‌ها درخواستش را به درگاه تو آورده است،

وَعَظَمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ . اللَّهُمَّ عَظْمَ سُلْطَانِكَ ،

و به آنچه نزد تو است بسیار مشتاق گشته است. خدایا؛ سلطه و چیرگی تو بزرگ،

وَعَلَا مَكَانِكَ ، وَخَفِيَ مَكْرُكَ ، وَظَهَرَ أَمْرُكَ ، وَغَلَبَ

و جایگاهت والا، و مکر تو پنهان، و دستورت آشکار، و قهر و

قَهْرُكَ ، وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ ، وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ

خشمت چیره، و توانت و قدرتت در جریان است، و به هیچ وجه نمی‌توان از

حُكُومَتِكَ . اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا ، وَلَا

حکومتت فرار کرد. بار الها؛ من برای بخشش گناهانم کسی را سراغ ندارم، و

لِقَبَائِحِي سَاتِرًا ، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ

برای پوشاندن زشتی‌هایم کسی را نیافتم؛ و برای تبدیل کارهای زشت و ناهنجارم

بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرِكَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

به خوبی و نیکی، کسی را نیافتم جز تو. معبودی جز تو نیست، منزّه و ستوده‌ای، و تنها

وَبِحَمْدِكَ ، ظَلَمْتُ نَفْسِي ، وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي ،

به ستایش تو می‌پردازم؛ بر خود ستم کردم؛ و با نادانی و جهل خود بر تو جرأت یافتم؛

وَسَكَنتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي ، وَمَنَّكَ عَلَيَّ . اللَّهُمَّ

و به خاطر یاد دیرینه‌ات و احسان و لطفی که بر من داری، آرامش داشتم و خیالم راحت بود. بارالها؛

مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ ، وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنْ

مولای من؛ چه زشتی‌های بسیاری که از من پوچاندی،

الْبَلَاءِ أَقَلَّتُهُ ، وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ

و بلاهای سنگینی که از من باز گرداندی، و چه لغزش‌های بسیاری که از آن نگاهم داشتی، و چه ناپسندی‌هایی که از

دَفَعْتَهُ ، وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ .

من دور ساختی، و چه ثنا و مدح زیبا که لایقش نبودم ولی در بین مردم پخش کردی.

اللَّهُمَّ عَظْمَ بَلَائِي ، وَأَفْرَطَ بِي سُوءِ حَالِي ،

بار الها؛ بلای من بزرگ است، و بدحالیم از حد گذشته است،

وَقَصْرَتُ بِي أَعْمَالِي ، وَقَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي ،

و اعمالم مرا مقصر ساخته، و غل و زنجیرهایم مرا زمین‌گیر کرده است،

وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدُ أَمَلِي ، وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا

و آرزوهای دور و درازم باعث جلوگیری از سودمندیم شده است، و دنیا مرا

بِعُرُورِهَا ، وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا ، وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي ،

با ظاهر فریبنده‌اش فریفته است، و نَفَسَم با جنایت‌هایش و امروز و فردا کردنم مرا فریب داده است. ای آقای

فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءٌ

من؛ به خاطر عزتمندیت از تو می‌خواهم که کردار زشتم

عَمَلِي وَفِعَالِي ، وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ

و رفتار نادرستم مانع تو از اجابت دعایم نشود، و به کارهای زشت

مِنْ سِرِّي ، وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتَهُ فِي

پنهانی من که تو بر آن آگاهی داری مرا رسوا نسازی؛ و بدرفتاری و بدرکاریم در

خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاتِي ، وَدَوَامِ تَفْرِيطِي

تنهایی‌ها، و کوتاهی و نارسائی پیوسته‌ام در عمل،

وَجَهَالَتِي ، وَكَثْرَةَ شَهَوَاتِي وَعَفَلْتِي . وَكُنِ اللَّهُمَّ

و نادانی و شهوت‌های نفسانی زیاد، و غفلت و بی‌توجهیم باعث شتاب در عقوبت و کیفر تو نشود. بارالها!

بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا ، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ

به خاطر اقتدارت بر من، در همه حالات با من مهربانی کن، و در تمام امور مرا مورد

الْأُمُورِ عَطُوفًا ، إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ ، أَسْأَلُهُ

عطوفت و خوش‌رفتاریت قرار ده؛ خدای من؛ و پروردگارم؛ من چه کسی جز تو دارم که از او

كَشَفَ ضُرِّي ، وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي . إِلَهِي وَمَوْلَايَ

درخواست کنم که بیچارگی و گرفتاری مرا برطرف کند و در امور نگاهی مهربانانه نماید؟! خدای من؛ و مولای من؛

أَجْرِيَتَ عَلَيَّ حُكْمًا أَتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي ، وَكَمْ

حکم و دستوری به من دادی ولی از هوای نفسم پیروی کردم، و

أَحْتَرِسُ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي ، فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى

از فریبکاری دشمنم (شیطان) در امان نماندم؛ در نتیجه، با خواهش‌هایش مرا فریفت،

وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرِي

و قضا و قدر نیز به او کمک کرد، و باعث شد

عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ

نسبت به بعضی از حدودت تجاوز کنم، و با برخی از

أَوْامِرِكَ . فَلَكَ الْحَمْدُ (الْحُجَّةُ) عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ ، وَلَا

دستورات مخالفت نمایم. پس برای توست در تمام این‌ها حجت بر من؛ و هیچ

حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرِي عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ ، وَالزَّمَنِي

حجتی به نفع من نیست در آنچه بر من از قضا و فرمان تو جاری گشته؛ و

حُكْمِكَ وَبِلَاؤُكَ ، وَقَدْ أَتَيْتَكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي

حکم و آزمایش مرا ملزم ساخته و رها نمی‌کند. اینک خدای من؛ پس از این همه تقصیر و کوتاهی،

وَإِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي ، مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا

و اسراف بر خویش، نزدت آمده‌ام با حالت عذرخواهی، پشیمانی، دل شکسته،

مُسْتَقْبِلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا ، لَا أَجِدُ

خواهان گذشت و آمرزش تو، توبه و بازگشت‌کننده، اعتراف‌کننده، و اقرارکننده؛ هیچ

مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي ، وَلَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي

راه فراری از آنچه از من صادر گشته ندارم، و پناهگاهی نیز برای روی‌آوری پیدا نکرده‌ام؛

غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي ، وَإِذْ خَالَكَ إِلَيَّ فِي سَعَةِ

جز این که تو پوزشم را بپذیری و مرا در رحمت فراگیری وارد کنی.

رَحْمَتِكَ . اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي ، وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي ،

بارالها؛ عذرم و پوزشم را بپذیر، و بر گرفتاری سختم رحم کن،

وَفُكِّنِي مِنْ شِدَّةِ وَثَاقِي ، يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي ،

و از بند محکم و سختم رهاییم بخش؛ ای پروردگار من؛ به ناتوانی بدنم رحم کن،

وَرِقَّةَ جِلْدِي ، وَدِقَّةَ عَظْمِي ، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي

و به پوست نازک، و استخوان نحیف من رحم کن؛ ای کسی که آفرینش،

وَذِكْرِي وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي ، هَبْنِي لِابْتِدَاءِ

و یاد و پرورش و نیکی و غذا دادن به من را خودت آغاز فرمودی. به خاطر کرامت آغازین

كَرَمِكَ وَسَالِفِ بِرِّكَ بِي . يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي ،

و اولیّات، و نیکی‌های دیرینه‌ات به من؛ مرا ببخش. ای خدای من؛ آقای من؛ پروردگار من؛

أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ ، وَبَعْدَ مَا أَنْطَوَى

ایا بینم تو را که می‌خواهی پس از یگانه پرستی‌ام، مرا با آتش دوزخت عذاب کنی؟ و پس

عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ ، وَلَهْجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ

از این که قلبم آمیخته از شناخت نسبت به تو شده است؟ و پس از این که زبانم به

ذِكْرِكَ ، وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ ، وَبَعْدَ صِدْقِ

ذکرت گویا شده است؟ و درون من با دوستی تو گره خورده؟ و پس از

اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ ، هَيْهَاتَ ، أَنْتَ

اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه‌ام در پیشگاه ربوبیت تو؟ نه، هرگز، تو

أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبِّيْتَهُ ، أَوْ تُبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ ، أَوْ

بزرگوارتر از آن هستی که پرورده‌ات را ضایع و تباه‌گردانی، یا کسی را که نزدیک کرده‌ای دور کنی، یا

تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَيَّ الْبَلَاءَ مِنْ كَفَيْتَهُ

کسی را که پناه داده‌ای آواره کنی، یا کسی را که مورد کفایت و رحمت

وَرَحِمَّتَهُ ، وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَالْإِلَهِي وَمَوْلَايَ

قرار داده‌ای به دست بلاها بسپاری؛ و ای کاش می‌دانستم، ای آقای من؛ معبود من؛ و مولای من؛

أَسَلِّطُ النَّارَ عَلَيَّ وَجُوهَ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً ،

ایا تو بر چهره‌هایی که در پیشگاه عظمتت خاکساری کرده و به سجده افتاده است،

وَعَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً ، وَبِشُكْرِكَ

و بر زبان‌هایی که صادقانه به توحید و یگانگی‌ات گویا گشته است، و برای ستایش تو

مَادِحَةً ، وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِالْإِلَهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً ،

را شکرگزاری کرده است، و بر دل‌هایی که به طور حقیقی به خدایی تو اعتراف کرده‌اند؛

وَعَلَى ضَمَائِرٍ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ

و بر درون‌هایی که از بس نسبت به تو آگاهی یافته‌اند،

خَاشِعَةً ، وَعَلَى جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدِكَ

فروتن گشته‌اند؛ و بر اعضا و جوارحی که از روی فرمان برداری به سوی محل‌های عبادت و بندگی تو

طَائِعَةً ، وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً ، مَا هَكَذَا

تلاش کرده‌اند؛ و با اعتراف به گناهان خود به سمت آمرزش تو قدم برداشته‌اند؛ آتش را مسلط می‌کنی؟! چنین

الظَّنُّ بِكَ ، وَلَا أَخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ ،

گمانی نسبت به تو راه ندارد و درباره فضل و بزرگواری تو، این گونه برای ما بازگو نکرده‌اند؛

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا

ای بزرگوار! ای پروردگار من؛ این‌ها در حالی است که تو می‌دانی، در مقابل تحمل بلاهای کم دنیا

وَعُقُوبَاتِهَا، وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى

و مجازات آن‌ها تاب و توان ندارم؛ و در برابر ناخوشی‌های دنیا که بر

أَهْلِهَا، عَلَى أَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْثُهُ،

اهل دنیاست نیز توان تحمل ندارم؛ با این‌که این بلا و مصیبتی است که مدت کمی می‌ماند،

يَسِيرٌ بَقَائُهُ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ

و پایداری آن اندک و زمانش کوتاه است. پس، با این اوصاف، من چگونه بلای

الْآخِرَةِ، وَجَلِيلٍ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَهُوَ بَلَاءٌ

آخرت، و ناخوشی‌های طاقت‌فرسایش را تحمل کنم؟ در حالی که آن بلایی است که

تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقَامُهُ، وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ،

مدت آن طولانی، و ماندگاریش دایمی است، و نسبت به اهل آن نیز تخفیف‌پذیر نیست؛

لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ،

چرا که این (بلا) از غضب و انتقام و خشم تو سرچشمه گرفته است.

وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، يَا سَيِّدِي،

و این، چیزی است که آسمان‌ها و زمین را یارای مقاومت در برابر آن نیست؛ ای آقای من؛

فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ

پس من چگونه این‌ها را تحمل کنم، با وجود این‌که بنده‌ای ضعیف، خوار، کوچک،

الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ. يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي

نیازمند و بیچاره هستم؟! ای معبود من؛ و پروردگار من؛ و آقای من؛

وَمَوْلَايَ، لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو، وَلِمَا مِنْهَا أَضِجُ

و مولای من؛ برای کدام یک از این امور به تو شکایت کنم؟ و برای کدام یک از آن‌ها ضجه و ناله و

وَأَبْكِي، لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ

گریه سر دهم؟ (ایا) برای دردناکی و سختی عذاب؟ یا برای طولانی شدن و

وَمُدَّتِهِ، فَلَنْ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ،

مدت زیاد مصیبت و بلا؟ (خدایا) اگر برای عذاب، مرا در کنار دشمنان قرار دهی،

وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ، وَفَرَّقْتَ بَيْنِي

و میان من و گرفتاران بلایت جمع کنی، و بین من

وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي

و دوستان و اولیایت جدایی بیفکنی؛ گیرم که ای خدای من و ای آقا

وَمَوْلَايَ وَرَبِّي، صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ

و مولا و پروردگار من؛ بر عذابت صبر و شکیبایی بورزم؛ ولی چگونه

عَلَى فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي صَبَرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ

بر جدایی و فراق شکیبیا باشم؟! گیرم که بر گرمی و سوزندگی آتش صبر کنم؛ ولی چگونه

أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي

نسبت به محرومیت از تماشای کرامت و بزرگواریت، صبر کنم؟ یا چگونه، با وجود

النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ. فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ

آمیدی که به عفو و بخشش تو دارم، در آتش دوزخ مسکن گزینم؟ ای آقا و مولای من؛

أُقْسِمُ صَادِقًا لِّئِنْ تَرَكَتْنِي نَاطِقًا ، لِأَضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ

سوگند صادقانه می‌خورم، که اگر به من اجازه سخن‌گفتن بدهی، به طور حتم در بین

أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمْلِينَ ، وَلَا صُرْحَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ

دوزخیان فریاد آرزومندان درخواهم داد و دردمندانه ضجه و ناله

الْمُسْتَصْرِخِينَ ، وَلَا بُكَيْنَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ ،

فریادرس‌جویان سرخواهم داد، و همانند عزیز از دست‌دادگان گریه‌های فراق خواهم کرد،

وَلَا تُنَادِيَنَّ أَئِنَّ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا غَايَةَ

و تو را ندا خواهم داد که: کجایی ای سرپرست مؤمنان؛ ای نهایت

أَمَالِ الْعَارِفِينَ ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِثِّينَ ، يَا حَبِيبَ

آرزوی عارفان و خداشناسان؛ ای فریادرس دادخواهان؛ ای دوست

قُلُوبِ الصَّادِقِينَ ، وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ . أَفْتُرَاكَ

دل‌های راستگویان؛ و ای معبود جهانیان؛ آیا پس ببینم تو را

سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ

- ای کسی که متره‌ی؛ ای خدای من و من به حمد تو مشغولم - که صدای بنده‌مسلمات رامی‌شنوی

مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا

که در جهنم به خاطر مخالفت و نافرمانیش زندانی شده است؛ و به خاطر معصیت و گناهش مزه

بِمَعْصِيَتِهِ ، وَحُبْسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ

عذاب جهنم را چشیده است و بین طبقه‌های مختلف جهنم به خاطر جرم و گناهش زندانی شده

وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤْمِلٍ لِرَحْمَتِكَ ، وَيُنَادِيكَ

است؛ او با ضجه و ناله، به امید و آرزوی رحمتت فریاد برمی‌آورد، و

بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ . يَا

با زبان و طرز‌گفتاریگانه پرستانت تو را ندا درمی‌دهد و توسل به ربوبیتت و پروردگاری تو پیدا می‌کند.

مَوْلَايَ ، فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا

ای مولای من؛ چگونه این بنده‌ات در عذاب باقی بماند با وجود این که

سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ ، أَمْ كَيْفَ تُولِمُهُ النَّارُ وَهُوَ يَأْمُلُ

به حلم و بردباری دیرینه‌ات امیدوار است؟ یا چگونه آتش او را به درد آورد؛ با این که او به

فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ ، أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهْبُهَا وَأَنْتَ

فضل و مهربانیت، آرزومند است؟ یا چگونه زبانه‌های آتش، او را بسوزاند در حالی که

تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ ، أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ

صدایش را می‌شنوی و جایگاهش را می‌نگری؟! یا چگونه شعله‌ها و

زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّلُ بَيْنَ

شاره‌های آتش او را در برگیرد در حالی که ناتوانی او را می‌دانی؟ یا چگونه با وجود

أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ ، أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا

راستگویی‌اش - که تو نیز از آن آگاهی - بین طبقه‌های جهنم بالا و پایین رود؟ یا چگونه مأموران آتش او را به سوی

وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ ، أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ

دو‌خ می‌رانند در حالی که او ندا می‌دهد و می‌گوید: ای پروردگار من؛ یا چگونه او به فضل تو امیدوار



مِنْهَا فَتَّتْرُكُهُ فِيهَا ، هِيَهَاَت ، مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ ، وَلَا

باشد تا رهايش كني، ولی تو او را در آتش وا می‌گذاری؟! نه هرگز؛ این بعید است و چنین گمان و اندیشه‌ای در مورد

المَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ ، وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ

تو نیست؟ و این گونه در مورد فضل تو معروف نیست؛ و این، شبیه رفتار بزرگوارانه

المُوحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ ، فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا

و نیکویی و احسان تو، نسبت به یکتاپرستان نیست. پس یقین دارم و باورم بر این است که اگر

مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ ، وَقَضَيْتَ بِهِ

حکم و دستور تو در مورد عذاب کردن منکرات و

مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا

جاودانه‌ماندن دشمنان خود در آتش؛ صادر نشده بود؛ به طور حتم (در روز قیامت)، تمام آتش را سرد

وَسَلَامًا ، وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرَأٌ وَلَا مُقَامًا ، لِكِنَّكَ

و سلامت می‌کردی، و هیچ کس در آن استقرار نمی‌یافت و جا نمی‌گرفت. لیکن، تو

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَفْسَمْتَ أَنْ تَمَلَّأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ

- که نام‌های شریف پاک و مقدس است - سوگند یاد کردی که جهنم را پر از تمام کافران

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا

جَنَى و انسی کنی، و معاندان و دشمنان سرسخت را برای همیشه در آتش نگاه

المُعَانِدِينَ ، وَأَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا ،

داری. و تو - که مدح و ثنایت شکوهمند باد - در آغاز فرمودی،

وَتَطَوَّلَتْ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا ، أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ

و در ادامه نیز بزرگوارانه با نعمت بخشیدنت فرصت دادی که: آیا کسی که ایمان آورده با کسی

كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ . إِلَهِي وَسَيِّدِي ، فَاسْأَلُكَ

که اهل فسق و بدی باشد؛ مساویند؟! مساوی نیستند. خدای من؛ و آقای من؛ از تو می‌خواهم

بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا ، وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا

به واسطه قدرتی که آن را تقدیر فرمودی، و دستوری که حتمی و لازم نمودی،

وَحَكْمَتِهَا ، وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتُهَا ، أَنْ تَهَبَ لِي

و بر هر که اجرا کردی نیز پیروز شدی؛ برای من ببخشی

فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ ،

در این شب و این ساعت، هر جرمی که از من سر زده است،

وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ ، وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ ، وَكُلَّ جَهْلٍ

و هر گناهی مرتکب شده‌ام، و هر زشتی که آن را پنهان داشته‌ام، و هر نادانی

عَمِلْتُهُ ، كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ ، أَحْقَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ ، وَكُلَّ

که انجام داده‌ام، آن را کتمان نمودم یا علنی ساختم، پنهان کردم یا آشکار نمودم؛ و هر

سَيِّئَةٍ أَمَرْتَ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ ، الَّذِينَ

کار بدی را که به نویسندگان بزرگوارت دستور ثبت آن‌ها را داده‌ای؛ همان نویسندگان بزرگواری که

وَكَلَّمْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي ، وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا

موظف به حفظ و ثبت اعمال من کرده‌ای و آنان را به همراه اعضا و جوارح خودم به عنوان شاهد و گواه رفتار

عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي ، وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ

من قرار داده‌ای؟ و از طرفی خودت نیز پیشاپیش آنها مواظب و مراقب رفتارم بوده‌ای و هر چه از

وَرَائِهِمْ ، وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ ، وَبِرَحْمَتِكَ

آنان مخفی شده است را نیز خودت گواه بوده‌ای؛ البته، کارهای مخفی را خودت به واسطه رحمتت

أَخْفَيْتَهُ ، وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ ، وَأَنْ تُوَفَّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ

پنهان نمودی و به فضل خودت پوشیدی. و از تو می‌خواهم فراوان کنی حظّ و نصیبم را از هر

خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ ، أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ ، أَوْ بِرِّ نَشَرْتَهُ ، أَوْ

خیر و خوبی که فرو می‌فرستی، یا هر احسان و نیکی که لطف می‌کنی، یا هر خوبی که بین بندگانت بخش نمودی، یا

رِزْقٍ بَسَطْتَهُ ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ ، أَوْ خَطَا تَسْتُرُهُ . يَا

روزی و نصیبی که گسترده ساخته‌ای، یا هر گناهی که بخشیده‌ای، یا هر اشتباهی که آن را پنهان داشته‌ای.

رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ ، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ

پروردگارا؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ ای خدای من؛ و آقای من؛ و مولای من؛

وَمَالِكِ رِقِّي ، يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَّتِي ، يَا عَلِيمًا بِضُرِّي

و مالک هستی من؛ ای کسی که اختیار و زمام من در دست اوست؛ ای کسی که بیچارگی

وَمَسْكَنَتِي ، يَا خَبِيرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي . يَا رَبِّ يَا رَبِّ

و درماندگی‌ام را می‌دانی؛ ای کسی که از نیازمندی و بی‌نوابی من آگاهی؛ ای پروردگار؛ ای پروردگار؛

يَا رَبِّ ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ ، وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ

ای پروردگار؛ از تو می‌خواهم به حقّ خودت و پاکبت، و بزرگ‌ترین صفات

وَأَسْمَائِكَ ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و نام‌هایت؛ که تمام لحظه‌های شب و روزم را

بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً ، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً ، وَأَعْمَالِي

با یادت آباد کنی؛ و پیوسته در خدمت خودت قرار دهی؛ و کارهایم را

عِنْدَكَ مَقْبُولَةً ، حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْزَادِي كُلُّهَا

نزد خودت پذیرفته‌شده قرار دهی؛ تا آن که تمام کارها و وردهایم

وَرْدًا وَاحِدًا ، وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا . يَا سَيِّدِي

یک ورد (و یک جهت) باشد، و حال من در خدمت تو پاینده باشد. ای آقای من؛

يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلِي ، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي ، يَا

ای کسی که تکیه‌گاه و مورد اعتماد، تنها تو هستی؛ ای کسی که بد حالی‌هایم را تنها به تو شکایت می‌کنم؛

رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ ، قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي ،

پروردگارا؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ اعضا و جوارحم را برای خدمتگزاریت نیرومند کن،

وَأَشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي ، وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي

و دلم را بر قصد و آهنگ به سوی خودت محکم گردان، و نصیبم کن که به طور جدّی از تو

خَشْيَتِكَ ، وَالِدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ ، حَتَّى

در هراس باشم، و همیشه و به طور دایم به خدمت تو بپردازم؛ تا

أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي

در نتیجه در میدان‌های پیشی‌گیرندگان به سوی تو روانه گردم، و در زمره کسانی که

الْبَارِزِينَ، وَأَشْتَقُ إِلَىٰ قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَاقِينَ،

نمودار گشته‌اند به سرعت به سوی تو بیایم، و در زمره مشتاقان با شوق فراوان به مقام قرب تو

وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ

راه پیدا کنم، و همچون نزدیک بودن اهل اخلاص به تو نزدیک گردم، و همانند ترسی که

الْمُوقِنِينَ، وَأَجْتَمِعُ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ. اللَّهُمَّ

اهل یقین از تو دارند بترسم؛ و در جوار رحمتت با مؤمنان گرد آیم. بار الها؛

وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ،

هر کس قصد بدی در مورد من دارد، خودت در موردش قصد بد کن؛ و هر کس برایم مکر و حيله‌ای

وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ، وَأَقْرَبِهِمْ

فراهم کند، تو نیز با او مکر کن؛ و مرا از بهترین بنده‌های بهره‌مند در نزد خودت، و از کسانی که

مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ

نزدیک‌ترین جایگاه معنوی را نسبت به تو دارند، و بهترین درجه را به ایشان اختصاص داده‌ای، قرار ده؛

ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَجُدْ لِي بِجُودِكَ، وَاعْظِفْ عَلَيَّ

زیرا، این‌ها جز با فضل و فروز بخشی تو بدست نمی‌آید؛ و با سخاوت‌مندیت بر من ببخشای، و با

بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي

بزرگواری و شکوهت بر من عطاوت و مهربانی کن، و با رحمتت مرا حفظ کن؛ و زبانم را

بِذِكْرِكَ لِهَجَاءٍ، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَيِّمًا، وَمَنْ عَلَيَّ

به ذکر و یاد خود گویا، و قلبم را از دوستیت بی‌قرار ساز، و

بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ، وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَاعْفِرْ زَلَّتِي،

با اجابت نیکو به درخواست من بر من مت گذار، و از لغزش من درگذر و لغزشم را نادیده بگیر؛

فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ، وَأَمَرْتَهُمْ

زیرا، تو به بندگانت دستور دادی تو را بپرستند، و بر آنان امر کرده‌ای تا تو را

بِدُعَائِكَ، وَضَمِنْتَ لَهُمْ الْإِجَابَةَ. فَأَلَيْكَ يَا رَبِّ

بخوانند، و در مقابل نیز ضمانت کرده‌ای که اجابتشان کنی. پس پروردگارا؛

نَصَبْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي،

به سوی تو روی آوردم، و دستم را تنها به طرف تو دراز کردم؛

فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي مُنَايَا،

پس، تو را به عزتت سوگند؛ دعایم را مستجاب فرما، و مرا به آرزویم برسان،

وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ

و امیدم را از فضلت قطع مکن، و از شر دشمنانم چه جتنی

وَالْأَنْسِ مِنْ أَعْدَائِي. يَا سَرِيعَ الرِّضَا، اغْفِرْ لِمَنْ

و چه آدمی، مرا در امان‌دار و کفایت‌کن. ای کسی که زود راضی می‌شوی؛ ببامرز کسی را که

لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءَ، فَإِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ، يَا مَنْ

جز دعاکاری از دستش نمی‌آید، زیرا، تو کاری را که بخواهی به طور کامل انجام می‌دهی. ای کسی

اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنَى، إِزْحَمَ مَنْ

که نامش، دواست؛ و یادش، شفاست؛ و فرمان‌برداریش، مایه بی‌نیازی است؛ رحم کن به کسی

رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، يَا سَابِغَ النَّعْمِ،

که سرمایه‌اش امید است، و تنها اسلحه‌اش گریه است. ای فرو ریزنده نعمت‌ها؛

يَا دَافِعَ النَّقْمِ، يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ، يَا

ای برطرف‌کننده سختی‌ها و مجازات‌ها؛ ای روشنی وحشت‌زدگان در تاریکی‌ها؛ ای

عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ

عالمی که تعلیم داده‌نشده‌ای؛ بر محمد و آل محمد درود پیوسته بفرست، و آن

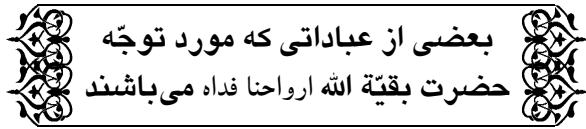
بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَنْبِيَاءِ

چنان که شایسته و بایسته‌توست با من رفتار کن. و درود پیوسته خداوند بر فرستاده‌اش و امامان

الْمِيَامِينَ مِنْ آلِهِ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا. ۱

پربرکت از آل او؛ و سلام بسیارش بر آنان باد.

## خاتمه کتاب یا ملحقات



در این قسمت، زیارت عاشورا و دعای علقمه را بیان می‌کنیم:

### زیارت عاشورا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

سلام بر تو ای ابا عبدالله؛ سلام بر تو ای پسر

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ

رسول خدا؛ سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان، و پسر

سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ

سرور اوصیا؛ سلام بر تو، ای پسر حضرت فاطمه، سرور

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ،

زنان جهانیان؛ سلام بر تو، ای خون خدا، و پسر خون خدا،

وَالْوِثَرَ الْمُؤْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي

و خونی که به ناحق ریخته شده و تاکنون انتقامش گرفته نشده، سلام بر تو و بر روان‌های پاک‌ی که

حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلامُ اللهِ أَبَداً مَا

در آستان تو آرمیدند؛ من، بر تمامی شما، سلام الهی را - تا زنده‌ام و

بَقِيْتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ. يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ لَقَدْ عَظُمَتِ

تا شب و روز باقی است - نثار می‌کنم. ای ابا عبدالله؛ به راستی که سوگ تو

الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى

بسیار بزرگ بود، و مصیبت تو بر ما و بر

جَمِيعِ أَهْلِ الإِسْلامِ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي

تمام مسلمانان بسیار گران و سنگین و بزرگ است؛ و مصیبت تو در

السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ، فَلَعَنَ اللهُ

آسمان‌ها بر تمام اهل آسمان‌ها بزرگ و گران آمد. پس خدا لعنت کند

أُمَّةً أَتَسَسَتْ أَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ

مردمی را که پایه ستم و جور بر شما اهل بیت را بنا نهادند؛

الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَن مَقَامِكُمْ،

و خدا لعنت کند مردمی را که شما را از جایگاهتان دور کردند؛

وَأَزَالَتِكُمْ عَن مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللهُ فِيهَا، وَلَعَنَ

و از مرتبه‌ها و درجاتی که خداوند، شما را در آن مرتبه‌ها قرار داده بود، رانند؛ و خداوند لعنت کند

اللهُ أُمَّةً قَتَلْتَكُمْ، وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُم بِالْتَّمَكِينِ

مردمی را که شما را کشتند؛ و خدا لعنت کند کسانی را که زمینه جنگ را برای دشمنان با قادر

مِنْ قِتالِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللهِ وَاللَّيْلِ مِنْهُمْ وَمِنْ

ساختن آنان به جنگ با شما فراهم کردند؛ من به سوی خدا و شما از آنان و از

أَشْيائِهِمْ وَأَتْباعِهِمْ وَأَوْلِيائِهِمْ. يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ، إِنِّي

پیروان آن‌ها، و دنباله‌روان آن‌ها، و دوستان و موالیان آن‌ها بی‌زاری می‌جویم. ای ابا عبدالله؛ من،

سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ

نسبت به کسانی که با شما سازش دارند، سازش دارم؛ و با کسانی که به جنگ شما برخیزند، سر جنگ دارم

الْقِيامَةِ، وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِيادٍ وَآلَ مَرْوانَ، وَلَعَنَ اللهُ

تا روز قیامت. و خدا لعنت کند آل زیاد، و آل مروان را، و خدا لعنت کند

بَنِي أُمَيَّةَ قاطِبَةً، وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجانَةَ، وَلَعَنَ اللهُ

تمام افراد خاندان بنی امیه را، و خدا لعنت کند پسر مرجانه را، و خدا لعنت کند

عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللهُ شِمْراً، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً

عمر بن سعد را، و خدا لعنت کند شمر را، و خدا لعنت کند مردمی را که

أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ لِقِتالِكَ، بِأَبِي أَنْتَ

اسبها را زین کردند و لجام زدند، و نقاب زدند برای جنگیدن با تو. پدر

وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصابِي بِكَ، فَأَسْأَلُ اللهُ الَّذِي أَكْرَمَ

و مادرم فدایت؛ به راستی که مصیبت تو بر من بسیار گران آمده است؛ پس از خداوند،

مَقامَكَ، وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تارِكَ مَعَ

که مقام و منزلت تو را ارجمند ساخت، و مرا نیز به واسطه تو گرامی داشت؛ درخواست می‌کنم که

إِمَامٍ مَّنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

خون‌خواهی تو را به همراه امام پیروزمندی از اهل بیت محمد - که درود خدا بر او

وآلِهِ . اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ

و آل او باد - نصیبم سازد. خدایا؛ مرا نزد خودت به واسطه امام حسین - که

السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، إِنِّي

سلام بر او باد - در دنیا و آخرت، آبرومند فرار بده. ای ابا عبدالله؛ من

أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

به درگاه خدا و رسولش و امیر مؤمنان؛

وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ ،

و فاطمه زهرا، و امام حسن و تو، خود را نزدیک می‌سازم با دوستی و موالات تو،

وَبِالْبِرَاةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ ،

و نیز با بیزاری‌جستن از نبرد کنندگان و برپاکنندگان آتش جنگ علیه تو؛

وَبِالْبِرَاةِ مِمَّنْ أَسَسَ الظُّلْمَ وَالْجَوْرَ عَلَيْكُمْ ،

و نیز با بیزاری از هر کسی پایه ستم و جور به شما را بنا نهاد.

وَأَبْرءُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ

و به خدا و رسولش بیزاری خود را را اعلام می‌دارم از کسی که پایه این کارها را بنا نهاد،

ذَلِكَ ، وَبَنِي عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ ، وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ

و بنیان خویش را بر آن بنا نهاد، و ستم و جور خود را

عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ . بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ

بر شما و شیعیان شما روا داشت. به خدا و نیز به شما بیزاری خود را

مِنْهُمْ ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ

از آنان اعلام می‌کنم. و به سوی خدا و نیز به سوی شما تقرب می‌جویم، با دوستی شما

وَمُؤَالَاتِكُمْ ، وَبِالْبِرَاةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالتَّاصِبِينَ

و دوستی دوستان شما، و نیز با بیزاری‌جستن از دشمنان شما و کسانی که آتش جنگ را علیه شما

لَكُمْ الْحَرْبَ ، وَبِالْبِرَاةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ ،

برپا کردند، و نیز با اعلام بیزاری از پیروان‌شان و دنباله‌روان آن‌ها.

إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ ،

من با کسانی که با شما سازش دارند سازش دارم، و سر جنگ دارم با هر که با شما سر جنگ دارد،

وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ ، فَاسْئَلُ اللَّهَ

و دوست هستم نسبت به کسی که با شما دوستی کند، و دشمن هستم نسبت به کسی که با شما دشمنی کند؛

الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَاءِكُمْ ،

بدین‌سان، از خداوند - که با شناخت شما و اولیای شما بر من ارج نهاده،

وَرَزَقَنِي الْبِرَاةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ

و بیزاربودن از دشمنان‌تان را نصیبم ساخته است - درخواست می‌کنم تا

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ

در دنیا و آخرت، مرا با شما قرار دهد؛ و قدم راستی و درستی نزد شما را

صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ

در دنیا و آخرت برایم ثابت و استوار گرداند. و نیز درخواست می‌کنم مرا به جایگاه

الْمَحْمُودِ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ

پسندیده‌ای که شما نزد خدا دارید برساند؛ و خون‌خواهی را همراه

إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ

امام هدایتگری از شما که آشکار و گوینده به حق است، نصیبم سازد. و از خدا درخواست می‌کنم

بِحَقِّكُمْ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ، أَنْ يُعْطِيَنِي

به خاطر حق شما و به منزلتی که در پیشگاه او دارید، به واسطه

بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَاباً بِمُصِيبَتِهِ

مصیبتی که به جهت شما به من رسیده، پرارزش‌ترین ثوابی را که به مصیبت‌زدگان می‌دهد، عطایم

مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي

کند؛ مصیبتی که چه بسیار بزرگ بود، و سوگی که در اسلام و در

جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي

تمام آسمان‌ها و زمین، گران تمام شده است. بار الهی؛ در

مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَرَحْمَةٌ

این جایگاهی که هستم، مرا از کسانی قرار ده که درودها و رحمت

وَمَغْفِرَةٌ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ

و امرزش تو، به ایشان می‌رسد. بار الهی؛ زندگی

مُحَمَّدٍ، وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ

و مرگ مرا همانند زندگی و مرگ محمد و آل محمد قرار بده. بار الهی؛

إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ، وَابْنُ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ

امروز، روزی است که بنی‌امیه و پسر زن (هنده) جگر خواره آن را مبارک شمردند؛

اللَّعِينُ بْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى

همان فرزند ملعون پسر فرد لعنت شده بر زبان تو و بر زبان پیامبرت که درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ

خدا بر او و آل او باد؛ در هر جا که وقوف کرد و جای گرفت

نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ الْعَنَ أَبَاسُفِيَانَ

پیامبر تو - درود خدا بر او و آل او باد - . بار الهی؛ ابوسفیان،

وَمُعَاوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ مِنَ اللَّعْنَةِ أَبَدًا

معاویه و یزید را لعنت کن؛ از سوی تو لعنت تا ابد و همیشه

الْأَبَدِينَ، وَهَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ

بر آن‌ها باد. و امروز روزی است که آل زیاد و آل مروان خوشحال شدند که

بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ فَضَاعِفُ

توانسته‌اند حسین - که درودهای خدا بر او باد - را به قتل برسانند. خدایا؛ به این خاطر،

عَلَيْهِمُ اللَّعْنُ مِنْكَ وَالْعَذَابُ الْأَلِيمُ. اللَّهُمَّ إِنِّي

لعنت و عذاب دردناک را بر ایشان چند برابر کن. بار الهی؛ به راستی که من

أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ ، وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ

در این روز (عاشورا)، و در این جایگاه، و در تمام روزهای

حیاتی بِالْبِرَاةِ مِنْهُمْ ، وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ ، وَبِالْمَوَالَاتِ

زندگانیم، با بیزاری جستن از این دشمنان، و لعنت فرستادن بر ایشان؛ و با دوستی و موالات

لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

پیامبرت و آل پیامبرت - که بر او و ایشان درود باد -؛ به تو تقرب می جویم و به درگاهت نزدیک می شوم.

سپس صد مرتبه بگویند: اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ

بار الها؛ اولین کسی را که در حق

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ . اللَّهُمَّ

محمد و آل محمد ستم روا داشت، و آخرین فردی که در این ستم از او پیروی کرد، لعنت کن. خدایا؛

الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ ، وَشَايَعَتْ

جماعتی را که به نبرد با حسین علیه السلام پرداخت، و گروهی که در کشتن آن حضرت از آنان پیروی،

وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ . اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً .

بیعت و دنباله روی کردند، لعنت کن. خدایا؛ همه آنها را لعنت کن.

سپس صد مرتبه بگویند: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ،

سلام بر تو ای ابا عبدالله؛

وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ ، عَلَيْكَ مِنِّي

و بر جانها و روانهایی که در استانت آرمیدند، سلام همیشگی خداوند از من بر تو باد

سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ ، وَلَا

تا هنگامی که من هستم و شب و روز باقی است.

جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ ، أَسَلَامٌ عَلَيَّ

خدا این زیارت را آخرین زیارت من از شما قرار ندهد؛ سلام بر

الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ

حسین و بر علی بن الحسین و بر فرزندان

الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ .

حسین، و بر یاران حسین.

آن گاه بگویند: اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ

بار الها؛ اولین ظالم و ستمکارشان را به لعنت من

مِنِّي ، وَابْدَأْ بِهِ أَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ .

گرفتار کن؛ و این لعنت را ابتدا بر اولی، سپس دومی و سومی و چهارمی بفرست.

اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِساً ، وَالْعَنْ عُيَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ

خدایا؛ یزید را به عنوان پنجمین نفرشان لعنت کن، و عبیدالله فرزند زیاد،

وَإِبْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا وَآلَ أَبِي

و پسر مرجانه، و عمر پسر سعد، و شمر، و آل

سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ .

ابوسفیان، و آل مروان را تا روز قیامت، لعنت کن.



و در سجده بگویند: **اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ**

بار الها؛ ستایش برای توست، آن ستایشی که شکرگزاران

**عَلَىٰ مُضَابِهِمْ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ عَظِيمِ رَزِيَّتِي. اللَّهُمَّ**

بر مصیبت‌های‌شان نسبت به تو دارند، ستایش برای خداست در این مصیبت بزرگ من. بار الها؛

**ارزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَتَبَّتْ لِي**

شفاعت امام حسین علیه السلام را هنگام ورود به صحنه قیامت نصیبم کن، و

**قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ،**

گام صادقانه را برای من با حسین علیه السلام و یارانش، در نزد خودت استوار کن؛

**الَّذِينَ بَدَلُوا مُهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. ۱**

همان‌هایی که جان‌شان را به پای حسین - که بر او درود باد - ریختند.

۱. البلد الأمين: ۳۸۲، مفاتیح الجنان: ۹۰۲.

علامه امینی رضوان الله علیه می‌فرماید: علامه مولی شریف شیروانی در کتاب «الصدف» ۱/۲/۱۹۹۹»

از مشایخ و اساتید بزرگوارش یکی پس از دیگری تا از امام هادی علیه السلام روایت کرده است که آن

حضرت فرمود:

هر کس زیارت عاشورا را بخواند و بعد از آن یک مرتبه بگوید: **اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوْلَ ظَالِمِ ظَلَم...**

تا به آخر، و بعد از آن بگوید: **اللَّهُمَّ اَعْنَهُمْ جَمِيعاً تِسْعاً وَتِسْعِينَ مَرَّةً**، و بعد از آن بگوید:

**السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ** تا به آخر. سپس

بگوید: **السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى**

**أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ تِسْعاً وَتِسْعِينَ مَرَّةً**، مانند کسی است که صد مرتبه لعن و سلام را از اول

تا آخر به طور کامل خوانده است.

(أدب الزائر: ۶۰)

پس از زیارت دو رکعت نماز بخوانید، و بعد از آن دعای

علقمه را قرائت کنید.

دعای بعد از زیارت عاشورا

(دعای علقمه)<sup>۱</sup>

**يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا**

ای خدا؛ ای خدا؛ ای خدا؛ ای که دعای بیچارگان را مستجاب می‌کنی؛ ای

**كَاشِفَ كُرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا**

که اندوه اندوهگینان را برطرف می‌سازی؛ ای که به داد دادخواهان می‌رسی؛ ای

**صَرِيخَ الْمُسْتَضْرِّحِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ**

که فریاد کمک‌خواهان را پاسخ می‌دهی؛ و ای که از

**حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا**

رگ گردنم به من نزدیک‌تری؛ و ای که بین شخص و قلبش حایل می‌شوی؛ و ای

**مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَىٰ وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ، وَيَا مَنْ هُوَ**

که در بالاترین دیدگاه قرار داری، و در افقی روشن هستی؛ و ای کسی که

۱. در جریان مرحوم سید رشتی نقل شده که وقتی به او فرمودند: زیارت عاشورا بخوان، زیارت

عاشورا و دعای علقمه را از حفظ خواند در حالی که قبلاً هیچ یک از آن دو در حافظه‌اش نبود و

این نکته‌ای است لطیف که خواندن دعای علقمه نیز مورد توجه است.

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ

او بخشنده و مهربان است و بر عرش سلطه دارد، ای کسی که

خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَيَا مَنْ لَا يَخْفَى

خیانت چشم‌ها، و آنچه را که سینه‌ها پنهان می‌کند، می‌دانی؛ و ای کسی که هیچ پنهانی از او

عَلَيْهِ خَافِيَةٌ. يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، وَيَا

پنهان نیست؛ ای کسی که صداها را با یکدیگر اشتباه نمی‌کند؛ و ای

مَنْ لَا تَعْلُطُهُ الْحَاجَاتُ، وَيَا مَنْ لَا يُسْبِرُ لَهُ الْإِحَا حُ

کسی که خواسته‌ها او را به اشتباه نمی‌اندازد؛ و ای کسی که اصرار

الْمُلْحِحِينَ، يَا مُدْرِكُ كُلِّ فَوْتٍ، وَيَا جَامِعَ كُلِّ شَمْلٍ،

اصرارکنندگان، او را به رنج نمی‌اندازد؛ ای دریابنده از دست رفته‌ها؛ و ای گردآورنده پراکندگی‌ها؛

وَيَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ

و ای که پس از مرگ، روان‌ها را دوباره به وجود می‌آوری؛ ای کسی که هر روزی

فِي شَأْنٍ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا مُنْقَسَ الْكُرْبَاتِ،

در شأنی هستی؛ ای برآورنده حاجت‌ها و خواسته‌ها؛ ای برطرف کننده گرفتاری‌ها و بلاها؛

يَا مُعْطِيَ السُّؤْلَاتِ، يَا وَلِيَّ الرَّغْبَاتِ، يَا كَافِيَ

ای عطا کننده خواسته‌ها؛ ای عهده‌دار خواهش‌ها؛ ای بسنده در

الْمِهْمَاتِ، يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ

امور مهم؛ ای کسی که از هر چیزی کفایت‌کننده هستی، ولی هیچ

شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

چیز در آسمان‌ها و زمین از او کفایت نمی‌کند؛ از تو می‌خواهم به حق محمد

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ

- که آخرین پیامبران است - ، و علی که امیر مؤمنان است، و به حق فاطمه

بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَإِنِّي بِهِمْ

- دختر پیامبر - ، و به حق حسن و حسین، که من همانا

أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ، وَبِهِمْ

در این جایگاهی که هستم تنها به واسطه آن‌ها به تو روی آورم، و به واسطه ایشان توسل و

أَتَشَفَعُ إِلَيْكَ، وَبِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأَعَزِّمُ

شفاعت به درگاهت می‌جویم؛ به حق ایشان از تو درخواست می‌کنم و سوگندت می‌دهم؛

عَلَيْكَ، وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالْقَدْرِ الَّذِي

و به جایگاهی که آنان نزد تو دارند، و به ارزشی که

لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ،

نزد تو دارند، و به واسطه آن چیزی که آنان را بر جهانیان برتری بخشیدی،

وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَّصْتَهُمْ دُونَ

و به واسطه نامت که نزدشان قرار دادی و آن نام را تنها و تنها به ایشان اختصاص دادی و به هیچ

الْعَالَمِينَ، وَبِهِ أَبْنَتَهُمْ، وَأَبْنَتَ فَضْلِهِمْ مِنْ فَضْلِ

یک از جهانیان ندادی؛ و به واسطه آن نام، ایشان را جدا کردی و فضل‌شان را نیز از فضل و ارزش

الْعَالَمِينَ حَتَّىٰ فَاقَ فَضْلَهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا .

دیگران جدا نمودی و در نهایت فضیلت آنان بر فضیلت و ارزش تمام جهانیان برتری یافت؛

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ

(به واسطه همه این‌ها) از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود پیوسته نثار کنی؛ و

تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي ، وَتَكْفِينِي الْمُهَمَّ

غم و اندوه و گرفتاری مرا برطرف کنی؛ و در امور مهم مرا

مِنْ أُمُورِي ، وَتَقْضِيَ عَنِّي دَيْنِي ، وَتُجَبِّرَنِي مِنْ

کفایت کنی؛ و بدهکاریم را از طرف من بپردازی، و از

الْفَقْرِ ، وَتُجَبِّرَنِي مِنَ الْفَاقَةِ ، وَتُعِينِنِي عَنِ الْمَسْأَلَةِ

فقر و ناداری، و از تنگدستی رهاییم بخشی، و مرا از درخواست کردن

إِلَى الْمَخْلُوقِينَ ، وَتَكْفِينِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ ،

از مخلوقات بی‌نیاز کنی، و کفایتم کنی از هم و غم هر که از هم و غم او می‌ترسم؛

وَعُسْرَ مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ ، وَحُزُونََ مَنْ أَخَافُ

و از سختی هر که از سختی او می‌ترسم، و اندوه هر که از اندوه او می‌ترسم،

حُزُونَتَهُ ، وَشَرَّ مَنْ أَخَافُ شَرَّهُ ، وَمَكْرَ مَنْ أَخَافُ

و از شر هر که از شر او می‌ترسم، و از نیرنگ هر که از نیرنگ او می‌ترسم،

مَكْرَهُ ، وَبَغْيِي مَنْ أَخَافُ بَغْيَهُ ، وَجَوْرَ مَنْ أَخَافُ

و از ستم هر که از ستم او می‌ترسم، و از جور هر که از جور او می‌ترسم،

جَوْرَهُ ، وَسُلْطَانَ مَنْ أَخَافُ سُلْطَانَهُ ، وَكَيْدَ مَنْ

و از سلطنت و چیرگی هر که از چیرگی او می‌ترسم، و از دام‌گستری هر که از

أَخَافُ كَيْدَهُ ، وَمَقْدَرَةَ مَنْ أَخَافُ مَقْدَرَتَهُ عَلَيَّ ،

کید او می‌ترسم ، و از قدرت‌مندی هر که از توانمندی او بر خودم می‌ترسم،

وَتَرَدَّ عَنِّي كَيْدَ الْكَيْدَةِ ، وَمَكْرَ الْمَكْرَةِ . اَللّٰهُمَّ مَنْ

و توطئه و مکر و حيله مکاران و حيله‌گران را نیز از من دور کن . بارالها؛ هر کس

أَرَادَنِي فَأَرِدْهُ ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ ، وَاصْرِفْ عَنِّي

اراده بد برایم دارد، تو در مورد او اراده فرما، و هر که دام و توطئه‌ای برایم دارد، همان را

كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَأْسَهُ وَأَمَانِيَهُ ، وَامْنَعُهُ عَنِّي كَيْفَ

به خودش برگردان، و حيله و نیرنگ و بدی و دام‌هایش را از من برگردان؛ و هر گونه

شِئْتِ وَأَنْتَ شِئْتَ . اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبِرُهُ ،

می‌خواهی و هر زمان می‌خواهی او را از من باز دار . بارالها؛ او را مشغول کن به فقری جبران‌ناشدنی،

وَبِبَلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ ، وَبِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا ، وَبِسَقَمٍ

و بلایی آشکار و پنهان‌نشدنی، و به تنگدستی و نیازی که چاره ندارد، و بیماری

لَا تُعَافِيهِ ، وَذُلٌّ لَا تُعِزُّهُ ، وَبِمَسْكَنَةٍ لَا تَجْبِرُهَا . اَللّٰهُمَّ

که عافیت و بهبودی ندارد، و خواری که عزتی برایش نباشد، و بدبختی جبران‌ناپذیر . خدایا؛

اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصَبَ عَيْنِيهِ ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي

ذلت و خواری را همواره نصب العین او و در مقابل چشمش قرار بده، و

مَنْزِلِهِ ، وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فِي بَدَنِهِ حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِّي

فقر و نیازمندی را وارد منزلش کن، و بدنش را گرفتار بیماری و درد کن؛ تا از یاد من بیرون

بِشْغَلٍ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ ، وَأَنْسِيَهُ ذِكْرِي كَمَا أَنْسَيْتَهُ

رود با مشغله‌هایی که رهایی از آن وجود نداشته باشد؛ و یادم را از یادش ببر، همان گونه که

ذِكْرَكَ ، وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ

یادت را از یادش برده‌ای؛ و چشم و گوش و زبان و دست و

وَرَجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ فِي

پا و قلب و تمام اعضایش را مانع شو تا به من آسیبی نرساند، و تمام آن اعضایش را نیز

جَمِيعِ ذَلِكَ السُّقْمَ ، وَلَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ

بیمار کن و شفایش مده، تا پیوسته مشغول بیماریش باشد

شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي ، وَاكْفِنِي يَا كَافِي

و به فکر آزار و از من و یاد من غافل گردد. و مرا کفایت کن؛

مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ ، فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كَافِيَ سِوَاكَ ،

آنچه را که غیر تو کفایت نمی‌کند؛ تو کفایت‌گری هستی که جز تو کفایت‌گر و بسنده‌ای وجود ندارد؛

وَمُفْرَجٌ لِّمُفْرَجِ سِوَاكَ ، وَمُعِثٌ لِّمُعِثِ سِوَاكَ ،

و گشایشگری هستی که جز تو گشایشگری نیست؛ و فریادرسی هستی که جز تو فریادرسی نیست

وَجَارٌ لِّجَارِ سِوَاكَ ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ ،

و پناهنده‌ای هستی که جز تو پناهنده‌ای نیست، به مطلوب نرسید هر کس به غیر تو پناه برد،

وَمُعِثُهُ سِوَاكَ ، وَمَفْرَعُهُ إِلَيَّ سِوَاكَ ، وَمَهْرَبُهُ إِلَيَّ

و فریادرسی غیر تو باشد، و پناهگاهش غیر تو باشد، و گریزگاهش به غیر تو باشد،

سِوَاكَ ، وَمَلْجَأُهُ إِلَيَّ غَيْرِكَ ، وَمَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ

و تکیه‌گاهش به غیر تو باشد و محل نجاتش جز تو باشد،

غَيْرِكَ ، فَأَنْتَ ثِقْتِي وَرَجَائِي وَمَفْرَعِي وَمَهْرَبِي

پس تویی مورد اطمینان، امید، پناهگاه، گریزگاه،

وَمَلْجَايَ وَمَنْجَايَ ، فَبِكَ اسْتَفْتِحُ ، وَبِكَ اسْتَنْجِحُ ،

تکیه‌گاه، و محل نجات من؛ بدین جهت است که تنها از تو درخواست پیروزی و کامیابی می‌کنم؛

وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ ، وَأَتَوَسَّلُ

و تنها به واسطه محمد و آل محمد به سوی تو روی می‌آورم و توسل می‌جویم

وَأَتَشَفَّعُ . فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ ، فَلَكَ الْحَمْدُ ،

و شفاعت می‌طلبم. خداایا؛ خداایا؛ خداایا؛ از تو درخواست می‌کنم. سپاس

وَلَكَ الشُّكْرُ ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ ،

و ستایش، سزاوار تو است به درگاه تو شکوه و شکایت آورم و تو مددکار هستی؛

فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس، از تو درخواست می‌کنم، ای خدا؛ ای خدا؛ ای خدا؛ به حق محمد و آل محمد

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُكْشِفَ

بر محمد و آل محمد درودی پیوسته نثار کنی و از تو می‌خواهم در

عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا كَمَا

همین جا که هستم برطرف سازی غم و هم و گرفتاری ام را همان گونه که از پیامبر عزیزت، گرفتاری،

كَشَفْتَ عَن نَّبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ

اندوه، مصیبت، بلا، و ترس از دشمنش را برطرف کردی و برایش بسنده بودی،

عَدُوِّهِ، فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ، وَفَرِّجْ عَنِّي

از من برطرف کن اندوهم را همان گونه که از ساحت مقدس او برطرف کردی، و برایم گشایشی عنایت فرما همان

كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَاكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي

گونه که برای آن حضرت گشایش مرحمت کردی، و کفایت کن مرا همان گونه که او را کفایت نمودی، از من بگردان

هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ، وَمَوْوَنَةَ مَا أَخَافُ مَوْوَنَتَهُ،

ترس آنچه را که از آن بیمناکم، و زحمت آنچه را که از زحمت آن ترسناکم،

وَهُمْ مَا أَخَافُ هَمَّهُ بِلا مَوْوَنَةٍ عَلَي نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ،

و اندوه آنچه را که از اندوهش هراسناکم بدون زحمتی که از آن ناحیه بر من وارد شود.

وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَكَفَايَةِ مَا أَهْمَنِي هَمُّهُ

و مرا حاجت روا برگردان؛ و امور مهمم

مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ. يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا

دنیا و آخرت من را کفایت کن و مرا برگردان. ای امیرمؤمنان؛ و ای

عَبْدَ اللَّهِ عَلَيكُمْ مَنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيْتُ وَبَقِيَّ

ایا عبدالله؛ سلام الهی را پیوسته، تا من هستم

اللَّيْلِ وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ

و تا شب و روز هست نثار شما دو بزرگوار می‌نمایم؛ خدا این زیارت را آخرین دیدار و

زِيَارَتِكُمَا، وَلَا فَارَقَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا. اَللَّهُمَّ

زیارت من از شما عزیزان قرار ندهد؛ و خدا میان من و شما جدایی نیاندازد. بار الهی؛

أَحْيِنِي حَيَوَةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ، وَأَمِّتْنِي مَمَاتِهِمْ،

مرا زنده بدار آن گونه که حضرت محمد و فرزندانش را زندگی بخشیدی و مانند مردن ایشان بمیران

وَتَوَقَّنِي عَلَي مِلَّتِهِمْ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ،

و بر ملت و دین آنان قبض روحم کن؛ و در زمرهشان محصور کن؛

وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا

و به قدر حتی یک چشم برهم زدن بین من و ایشان در دنیا

وَالْآخِرَةِ. يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَتَيْتُكُمْ

و آخرت جدایی میفکن. ای امیر مؤمنان و ای ابا عبدالله الحسین؛ من،

زَائِرًا وَمَتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ، وَمَتَوَجِّهًا إِلَيْهِ

به عنوان یک زائر شما، و توسل جوینده به خدا به واسطه شما دو نفر، و روی آورنده به سوی خدا

بِكُمْ، وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي حَاجَتِي

به واسطه شما دو نفر، و شفاعت طلب به سوی خدا به واسطه شما دو نفر، در مورد این خواسته‌ام؛

هَذِهِ، فَاشْفَعَا لِي، فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ،

خدمت تان شرف یاب شده‌ام. پس، برایم نزد خدا شفاعت کنید؛ زیرا شما دارای مقامی ستوده شده،

وَالْجَاهُ الْوَجِيهَ ، وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيْلَةَ ، اِنِّي

آبرویی شایسته، و جایگاهی والا، و وسیله و واسطه نزد خدا هستم؛ من

اَنْقَلَبُ عَنْكُمْ مُنْتَظِرًا لِتَنْجِزِ الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا

از خدمت‌تان مرخص می‌شوم ولی انتظار می‌کشم که خواسته‌ام را حتمی، برآورده

وَنَجَاحِهَا مِنْ اللَّهِ بِشَفَاعَتِكُمْ لِي إِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكَ ،

و کامیاب، با شفاعت شما نزد خدا دریافت کنم.

فَلَا أُخِيبُ وَلَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا خَائِبًا خَاسِرًا بَلْ

خدا کند، من سرخورده و ناکام نشوم، و بازگشتم با سرخوردگی و زیان همراه نباشد؛ بلکه

يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِحًا رَاجِحًا مُفْلِحًا مُنْجِحًا

بازگشتی کام‌یابانه، امیدبخش، رستگار و پیروزمندانانه از

مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي ، وَتَشَفَّعًا لِي إِلَى

برآورده‌شدن تمام حاجت‌هایم باشد؛ و - از شما دو نفر می‌خواهم - برایم نزد خدا شفاعت ویژه‌ای انجام دهید.

اللَّهِ . اِنْقَلَبْتُ عَلَىٰ مَا سَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

با اعتقاد و تمسک به این که تنها خواست‌خداوند انجام می‌شود، و نیز هیچ نیرو و جنبشی جز از ناحیه

بِاللَّهِ ، مُفَوَّضًا أَمْرِي إِلَى اللَّهِ ، مُلْجَأً ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ ،

خداوند وجود ندارد، رهسپار می‌شوم؛ البته، امورم را به خدای واگذار می‌کنم، و تکیه بر لطف او می‌دهم،

مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ ، وَأَقُولُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى ، سَمِعَ اللَّهُ

و توکل بر او می‌کنم و می‌گویم: خدا برایم بس و کافی است؛ خدا، دعای

لِمَنْ دَعَى ، لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَوَرَائِكُمْ يَا سَادَتِي

همهٔ دعاکنندگان را می‌شنود؛ برای من جز خدا و شما - ای بزرگان من -

مُنْتَهَى ، مَا سَاءَ رَبِّي كَانَ ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ ، وَلَا

درگاهی نیست؛ هر چه پروردگارم بخواهد همان می‌شود، و هر چه نخواهد به هیچ وجه انجام نمی‌شود؛ و هیچ

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَسْتَوِدُّكُمْ اللَّهُ ، وَلَا جَعَلَهُ

نیرو و جنبشی جز از ناحیهٔ خداوند، نیست؛ با شما دو عزیزم خداحافظی می‌کنم؛

اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمْ . اِنْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا

خدا نکند این آخرین دیدارمان باشد. ای

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ ، وَأَنْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا

امیر مؤمنان، آقای من، مولای من؛ و نیز، تو ای ابا عبدالله، ای

سَيِّدِي ، وَسَلَامِي عَلَيْكُمْ مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ

آقای من؛ در حالی از خدمت‌تان رهسپار وطن می‌شوم که سلام من بر شما همانند اتصال شب

وَالنَّهَارُ ، وَأَصِلُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ ، غَيْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُمْ

و روز، پیوسته و متصل خواهد بود، و به شما دو بزرگوار خواهد رسید، و امیدوارم که از رسیدن به

سَلَامِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ ، وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمْ أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ

شما باز نماند و پنهان نشود (ان شاء الله). و نیز، به واسطهٔ حق شما از خدا می‌خواهم که این را

وَيَفْعَلَ ، فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ . اِنْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمْ

بخواهد و انجام دهد؛ زیرا خداوند ستوده‌شده و شکوهمند است. آقایان و سروران من؛ در حالی از

ثَائِباً حَامِداً لِلَّهِ، شَاكِراً رَاجِئاً لِلْإِجَابَةِ، غَيْرَ آيسٍ

خدمت‌تان رهسپار و مرخص می‌شوم که توبه‌کننده، ستایشگر، سپاسگزار و امیدوار به اجابت

وَلَا قَانِطٍ، آيِباً عَائِداً رَاجِعاً إِلَى زِيَارَتِكُمْ، غَيْرَ

خداوند هستم، و مأیوس و ناامید نیستم؛ در حالی که خدمت‌تان خواهم آمد و دوباره زیارت‌تان

رَاغِبٌ عَنْكُمْ، وَلَا مِنْ زِيَارَتِكُمْ، بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ

خواهم کرد، و از شما رو نخواهم گرداند، و نسبت به زیارت شما نیز بی‌میل نخواهم شد؛ بلکه، اگر

إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. يَا سَادَتِي

خدا بخواهد دوباره بازگشت خواهم کرد؛ البته می‌دانم که هیچ نیرو و جنبشی، جز از ناحیه خداوند نیست. ای سروران

رَغِبْتُ إِلَيْكُمْ وَإِلَى زِيَارَتِكُمْ بَعْدَ أَنْ زَهَدَ فَيْكُمْ

من؛ به شما و زیارت‌تان مشتاق هستم و روی آورم، با آن که

وَفِي زِيَارَتِكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، فَلَا خَيْبَتِي اللَّهُ مَا

دنیاپرستان از شما و زیارت‌تان روگردانده‌اند؛ خداوند نسبت به آنچه امیدوارم مرا محروم نگرداند

رَجَوْتُ، وَمَا أَمَلْتُ فِي زِيَارَتِكُمْ، إِنَّهُ قَرِيبٌ

و آنچه را در زیارت شما آرزو دارم ناکام نسازد؛ در واقع، خداوند نزدیک و

### مُجِيبٌ ۱.

پاسخ‌دهنده است.